

(جمہوری حقوق برائے رشتہ جہتی حقوق)

وہ حقوق اور سببائی و معنویت شہائی علیہ السلام

وہ حق لائے مثل طلسم اسرار نہائی تجربات معالجات انسانی فیض رساں
وہ دوا گار طبیبان و حکماء ہندیان من تصنیف نامی حکماء تجربات کاران
حکیم سلیمان بخش شناسی المسمی بہ

طِبُّ الْمَرْشَدِ

المعروف

خاتہ شفا

حسب فرمائش

حکیم و ڈاکٹر غلام سرور خاں بھٹی فیروز پوری

خلف الرشید

حکیم حاکم علی خاں مشہود علی دواخانہ صد بازار شکرہ

ناشرین

شیخ غلام حسین اینڈ سنز پبلشرز اردو بازار لاہور

قیمت ۱۰ روپے

لائف پرنٹنگ پریس لاہور سے طبع کر کے شائع کی

۱۹۸۸ء

جمہد حقوق بحق مصنف محفوظ ہیں

گنگو عنڈی الحسن جان

طب آزمائشی عکسی

تعداد

۱۰۰۰

قیمت

۱/-

عباس رضا اینڈ برادرز مالکان شیخ غلام حسین اینڈ ستر
۳۶ - اردو بازار، لاہور نے میسرز طقس ستر پر نطر سے
طبع کروایا۔ اور اردو بازار سے شائع کیا۔

۳

فهرست مضامین

Abbas
حسن
Iqbal.

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۶۰	سرسام سوداوی	۱۸	صفت باری تعالی
۶۳	ماشرا	۱۹	نعت سرور کائنات
۶۴	گنج	۱۹	سبب تالیف کتاب
۶۶	مالینویا	۲۱	بیان آغاز کتاب
۷۳	مالینویا مراقی	۲۳	شناخت علامات صفرا
۷۷	دیوانه عشق	۲۲	شناخت علامات خون
۷۸	مالینویا غمیه	۲۴	شناخت علامات بلغم
۷۹	نسیان	۲۴	شناخت علامات سودا
۸۱	دوار	۲۵	بیان درد سر صفراوی
۸۵	سدر	۳۵	بیان درد سر دمی
۸۶	سهر	۳۷	بیان درد سر بلغمی
۸۶	سبات	۴۴	بیان درد سر سوداوی
۹۰	فالج	۳۲	بیان درد سر صفراوی مشاکل
۹۵	لقوه	۴۸	درد سر ریاحی
۹۸	تشنج	۵۰	درد شقیقه
۱۰۲	رعشه	۵۲	درد عصابه
۱۰۴	تمد گناز	۵۴	سرسام دمی
۱۰۷	صرع	۵۶	سرسام صفراوی
۱۱۲	کابوس	۵۹	سرسام بلغمی

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۱۵۳	ناسور چشم	۱۱۳	خدر
۱۵۴	ناسور جاذیه	۱۱۴	سکته
۱۵۸	درد گوش	۱۱۸	اختلاج
۱۵۹	درد گوش	۱۱۹	زکام
۱۶۳	قرص گوش	۱۲۱	تعریف چشم
۱۶۴	کرم گوش	۱۲۲	رمد صفراوی
۱۶۵	طنین گوش	۱۳۱	پھولا چشم
۱۶۶	خون آمدن از گوش	۱۳۲	نسخه چشما - پھول
۱۶۷	مرض رفاف	۱۳۳	نسخه پھولا چشم و بیان مرض سلاق
۱۶۷	رفاف بینی	۱۳۶	سیل چشم
۱۶۷	درد بینی	۱۳۷	دمع چشم
۱۷۰	کرم بینی	۱۳۸	خاروش چشم
۱۷۱	قرص بینی	۱۳۸	رمد الحقال
۱۷۲	میکه بینی	۱۳۸	ناخود چشم
۱۷۳	خشم بینی	۱۴۰	ضعف بصر
۱۷۴	عطسه بینی	۱۴۲	سرفه چشم
۱۷۴	امراض زبان	۱۴۲	دُخند و غبار
۱۷۴	درد زبان	۱۴۵	اندھراتا چشم
۱۷۹	ثقل زبان	۱۴۶	روز کوری
۱۷۸	سوزش زبان	۱۴۶	پژوال چشم
۱۸۰	تشقق زبان	۱۴۸	موتیا بند یعنی نزول الماء
۱۸۰	نقصان ذائقه	۱۵۳	قرص چشم
۱۸۲			

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۲۳۲	نفث المده	۱۸۲	قلاع
۲۳۴	مرض رسل	۱۸۴	آكله غم
۲۳۶	ذات الریه	۱۸۶	يخز الظم
۲۳۸	ذات الجنب	۱۸۸	سيلان الغم
۲۴۱	ذات الصدر	۱۹۰	تضيق لب
۲۴۲	ذات العرض	۱۹۰	ورم لب
۲۴۳	ورم پستان	۱۹۲	درد دندان
۲۴۵	قلبت لبن	۱۹۵	خون آمدن دندان
۲۴۷	امراض قلب	۱۹۷	ضرس دندان
۲۴۷	مرض خفقان	۱۹۷	مویری مسورها
۲۵۶	غشی دل	۱۹۷	ناصر مسورها
۲۵۸	امراض معده	۱۹۸	حرکت دندان
۲۵۹	مرض اسهال	۱۹۹	خناق حلق
۲۶۲	سنگرینی کینه	۲۰۲	قرح حلق
۲۶۵	اسهال ریاحی	۲۰۳	ورم لبات
۲۶۶	اسهال معدی	۲۰۴	چرخنا جونک کا حلق میں
۲۶۸	اسهال اطفال	۲۰۴	بحة الصوت
۲۶۹	اسهال جگری	۲۰۶	امراض ششی
۲۶۹	اسهال رودی	۲۰۷	سُرره یعنی کھانسی
۲۷۰	ضعف جگر اسهالی	۲۱۸	سُرره اطفال
۲۷۱	اسهال بحرانی	۲۱۹	ضيق النفس
۲۷۵	میضه	۲۲۸	نفث الدم

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۳۲۰	استسقا سه قسم	۲۲۹	مرض قه
۳۲۶	ورم طحال	۲۸۳	مرض عطش مغرط
۳۲۸	برقان	۲۸۶	درد شکم
۳۵۰	بو اسیر	۲۹۱	درد شکم ورمی
۳۵۴	رتج البواسیر	۲۹۲	قه الدم
۳۵۹	کاج بکلنا	۲۹۳	کرم شکم
۳۶۰	پھورہ بھگندر	۳۰۰	ضعف معده
۳۶۱	خارش سفره	۳۰۲	اسهال ورمی
۳۶۲	دیرم سفره	۳۰۵	ورم معده
۳۶۳	نواسیر سفره یعنی قرص سفره	۳۰۸	قروح معده
۳۶۳	درد گرده	۳۱۰	مرض ذکار
۳۶۴	مرض سنگریزه	۳۱۳	مرض بچکی
۳۶۶	ورم گرده	۳۱۶	مرض مروڑہ پیش
۳۶۹	قروح گرده و مثانه	۳۱۶	قبض دائمی
۳۷۱	ذیابیطس	۳۱۹	مرض قولنج ہر قسم
۳۷۳	بول الدم	۳۲۱	قولنج غیر حقیقی
۳۷۵	تقطیر البول	۳۲۲	قولنج صفراوی
۳۷۷	سوزاک	۳۲۳	قولنج ریاحی
۳۸۱	سلس بول	۳۲۸	قولنج مرضی
۳۷۹	بندش بول	۳۳۰	ضعف جگر
۳۷۸	آتشک حقیقی	۳۳۲	ورم جگر
۳۸۸	آتشک غیر حقیقی	۳۳۴	سوء الفیہ
۳۹۵			

جریا

ضعف

قروح

سوزاک

خارش

درد

نواسیر

درد

بچکی

مرض

سوزاک

بول

قروح

ذیابیطس

بول

تقطیر

سوزاک

سلس

بندش

آتشک

آتشک

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۳۹۶	سوزش رحم	۳۹۶	جریان منی
۳۹۹	احتقاق الرحم	۳۹۹	ضعف پاء
۳۸۲	وجع المفاصل	۳۸۲	قروح آتشکی
۴۰۸	در دپشت	۴۰۸	سرعت انزال
۴۱۴	وجع الورك	۴۱۴	خارش خصیه
۴۱۵	عرق النسا	۴۱۵	ورم خصیه
۴۱۶	نقرس	۴۱۶	فتق خصیه
۴۱۸	وجع الكتف	۴۱۸	فتق اطفال
۴۱۹	وجع العقب	۴۱۹	عسر الولادات
۴۲۱	داء الفیل	۴۲۱	ساقط حمل و جنین
۴۲۲	دوال	۴۲۲	مرض استقاط حمل
۴۲۳	زنا و داذ	۴۲۳	احتباس طمث
۴۲۵	حمیات	۴۲۵	کثرت طمث
۴۲۹	نام و سبب حی یوم	۴۲۹	عقر عقیقه
۴۳۱	علاج حی یوم	۴۳۱	درد رحم از پرسوتک
۴۳۸	تب خطی	۴۳۸	ورم رحم
۴۳۹	تب مطبقه	۴۳۹	قروح رحم
۴۴۱	تب غیب داره خالص	۴۴۱	نفخ رحم
۴۴۲	تب غیب لازم	۴۴۲	سیلان الرحم
۴۴۴	شطر الغیب	۴۴۴	خارش رحم
۴۴۵	تب محرقه	۴۴۵	سرطان رحم
۴۴۶	تب یغنی	۴۴۶	مرض رجا

صفحه	نام امراض
۳۴۰	
۳۴۶	
۳۴۸	
۳۵۰	
۳۵۴	
۳۵۹	
۳۶۰	
۳۶۱	
۳۶۲	
۳۶۳	
۳۶۳	
۳۶۴	
۳۶۹	
۳۶۹	
۳۷۱	
۳۷۳	
۳۷۵	
۳۷۶	
۳۷۸	
۳۷۹	
۳۸۰	
۳۸۱	
۳۸۲	
۳۸۳	
۳۸۴	
۳۸۵	
۳۸۶	
۳۸۷	
۳۸۸	
۳۸۹	
۳۹۰	
۳۹۱	
۳۹۲	
۳۹۳	
۳۹۴	
۳۹۵	
۳۹۶	
۳۹۷	
۳۹۸	
۳۹۹	

صنف	نام امراض	صنف	نام امراض
۵۵۱	چھپاکی	۴۹۹	تپ مرکب
۵۵۲	ورم طاعونی	۵۰۰	تپ بمعہ اسہال
۵۵۵	برص	۵۰۰	تپ سرفہ بمعہ خون
۵۵۶	ہسق	۴۹۹	تپ کمنہ (پچہ انا)
۵۵۸	عرق مدنی	۵۰۶	حلی سلع
۵۵۹	چندنا ناخن	۵۰۹	تپ اطفال بمعہ سرفہ و اسہال
۵۶۱	بال خورہ یعنی بالچر	۵۰۹	تپ پیرسوتک
۵۶۳	شقوق الاطراف یعنی جھانجن	۵۰۹	حلی دق
۵۶۳	کلف یعنی چھائی	۵۱۲	تپ جدری
۵۶۴	عرق النار	۵۱۲	تپ حصہ
۵۶۴	ضربہ و سقطہ	۵۱۳	تپ وبائی
۵۶۴	جراحت	۵۱۵	بیان ورم ہر قسم
۵۶۹	قروحات	۵۲۰	بیان دگل
۵۷۲	ناسور و گھنیر	۵۲۴	بثورات
۵۷۲	قرح دگل کمنہ	۵۲۶	بثورات الیل
۵۷۴	قرح آتشکی	۵۲۷	مرض جذام
۵۷۶	زہر خوردہ	۵۳۰	مرض خنازیر
۵۷۷	افیون خوردہ	۵۳۴	سرخ بادہ
۵۷۹	زہر کشدم	۵۳۴	کچھالی
۵۷۹	مارگزیدہ	۵۳۵	چنبیل
۵۸۰	گزیدین زہرور	۵۳۹	قویا یعنی وھدر
۵۸۱	گزدیدن سگ دیوانہ	۵۴۷	خارش بدن

بیان

آہن

اوشدا

اطریق

اطریق

انوش

اندر

اطریق

اطریق

آہن

پاش

پوش

پیش

پچکا

تد

تد

تد

نام امراض	صفحه	نام امراض	صفحه
بیان شکسته استخوان	۵۸۳	نسخه معمول مطب حکیم جگ شیر	۵۸۳

فهرست ادویات مرکبه

نام ادویات	صفحه	نام ادویات	صفحه
آهن اکسیر	۳۳۱	جوارش دار چینی	۳۱۹
انوشدارو سرد	۲۵۴	جوارش کونی	۷۶
اثریفیل صغیر	۴۳۳	جوارش عود	۳۰۲
اثریفیل مقل	۳۵۸	جوارش مصطکی	۱۸۹
انوشدارو گرم	۷۵	جو آتش	۳۸۱
اندری جهاڑ	۳۸۳	جوارش قمر هندی	۴۷
اثریفیل شاه پره	۵۳۰	جلااب گهوڑ	
اثریفیل کشینز	۳۴۷	جلااب مطبوخ بلبله زرد	۵۲۶
آهن اکسیر	۵۷۷	حب ایارج	۴۰
پاشویه درد سر	۳۱	حب سعال	۲۱۴
پوٹلی جوش چشم	۱۲۹	حب زنگاری	۱۳۳
پیش سستی قضیب	۴۰۶	حب سم الفار	۴۶۹
پچکاری سوزاک	۳۸۶	حب عاصنه	۲۸۶
تدبیر گل دوائی	۴۶۵	حب مسهل	۳۰۷
تریاق نزل	۲۱۴	حب چورن	۳۱۹
تدبیر گل دوائی	۷۳	حب آتشک	۳۹۱
تدبیر مفرح کردن	۵۳۲	حب جو گراج	۳۶۲

[illegible]

صفر	نام ادویات	صفر	نام ادویات
۵۸	شربت نیلوفر	۲۵۷	روغن سداب
۷۱	شربت گاو زبان	۲۵۸	روغن ادراق
۷۰	شربت صندل	۲۵۸	روغن کچله
۵۸	شربت بنفشه	۲۵۷	روغن فرقیون
۷۲	شربت گل بلبل	۲۶۳	روغن بصر
۸۲	شربت ترمه مندی	۲۶۳	روغن خنظل
۲۱۱	شربت بارد کوکناری	۲۶۳	روغن حب الملوک
۲۱۲	شربت اعجاز	۲۸۲	ربت انیل
۲۱۲	شربت خشنفش ساده	۲۸۳	ربت لیون
۲۵۳	شربت مجرب خفکان	۲۷۱	سفوف جلاب بلغمی
۲۳۱	شربت حب آلاس	۲۷۱	سکنجبین ساده
۲۳۱	شربت انجبار	۲۷۲	سکنجبین بزوری سرد
۲۹۳	شربت انجبار صندلی	۵۰۶	سکنجبین بزوری گرم
۳۱۸	شربت سنا	۱۸۶	سورنجان کانسو
۳۲۵	شربت دینار	۲۶۳	سفوف باضمه
۳۳۵	شربت بزوری گرم	۲۹۷	سفوف کرم شکم
۳۳۹	شربت افستین مسلی	۲۷۱	سفوف اسهال آور
۵۱۳	شربت بزوری سرد	۲۹۸	سفوف کرم دراز
۳۴۷	شربت ورد	۳۰۴	سفوف ریح شکن
۲۹۹	شربت گلو	۳۰۴	شربت لیون
۵۰۳	شربت بزوری	۷۶	شربت انار
۵۰۴	شربت اخشتین مسلی	۵۵	شربت عناب

نام ادویات	صفر	نام ادویات
قروطی ملین سینه	۲۴۵	شریت آلو بخارا
قرص کاکج	۱۳۰	شیاف بریوما
قرص بارد	۱۲۹	شیاف جوش چشم
کحل روشنائی	۲۲۵	ضماد محلل
کاغذی طلسمی دود بلغمی	۲۵۵	ضماد درد بلغمی هر قسم
گل دوا درد هر قسم	۲۵۹	ضماد مخدر مسکن درد هر قسم
گلخانه گل بلبل	۲۴۱	ضماد جلد اثر درد بلغمی
گل دوائی کنیچی	۵۰	طلا مجرب شناسی شقیقه بلغمی
گلکلاغ سرد	۵۱	طلا درد شقیقه
نخله درد صفراوی سر	۲۲۰	طلا جسمی ذات الجنب
نخله سرسام	۵۲۱	عرق مصفا خون
لعوق بکته الصوت	۲۵۲	عرق شیر
لعوق انبتاس	۵۱۱	عرق شیر
لعوق پوست خنکاش	۵۳۰	عرق عشب
لعوق بادام	۵۱	فرنی مقوی دماغ
لعوق پستانی	۱۸۵	فله فیهون
لعوق نفث الدم	۲۲۲	مقوی بلغمی
لعوقه منقشه	۳۰	مقوی صفراوی
لعوق تپ و کنگ	۵۴۴	مقوی بلغمی
لعوق تپ و سرفه خونی	۵۴۴	مقوی آدرنس
لعوق سپهر	۱۰۴	قروطی مرطب
منضج صفراوی	۱۱۱	قوی درج

۱۵۱

ب

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات	صفحه
۳۴۴	مجموع خبث المصید	۳۹	منفع بلغمی	۳۳۴
۴۰۲	مجموع زرعون	۴۵	منفع سوداوی	۴۴۳
۳۹۳	مجموع وریح المفاصل	۱۲۵	منفع مرکب	۲۱۲
۴۵۲	مجموع سورنجان	۵۷	ملین فتوح	۱۹۲
۹۸	ماد العسل	۹۵	منفع باد الاصول	۴۶۱
۷۱	ماد الجبین	۳۳	سهل ملین صفراوی	۷۳
۱۹۶	منجن مجرب	۴۶	سهل سوداوی ملین گھوٹ	۷۲
۲۳۴	مرہم مجرب قروح	۲۸	ملین مبارک	۱۵۰
۳۱۱	مرہم لیمون	۲۵۵	سهل ملین	۳۳۳
۴۵۵	مجموع سیر	۳۱۸	ملین گھوٹ	۳۲
۳۳۶	ماد الاصول بزوری	۴۰	سهل مطبوخ پیلہ زرد	۵۹
۳۲۹	مجموع سائیں بخش	۸۰	مجموع نجات	۲۰۶
۳۸۹	مرہم آتشک	۸۰	مجموع فلاسفہ	۲۱۳
۴۱۲	ماد العلم غذا آتش	۸۹	مجموع کبیر	۲۱۳
۹۰	مطبوخ سورنجان	۲۱۷	مجموع بر شعشا	۲۱۴
۵۷۲	مرہم دہل کند	۲۵۸	مجموع غشی سرد	۲۱۶
۵۷۰	مرہم زنگاری	۳۲۶	مجموع خیار شنبہ	۲۳۰
۵۳۲	مقرودی نسخ	۳۲۷	مجموع پودینہ	۲۱۷
۵۳۳	مرہم خوردندہ انجیراں	۳۲۸	مجموع شہل	۵۸۱
۵۳۶	مرہم چنبل	۳۲۵	مجموع دافع باد قویح	۵۰۲
۵۶۵	مرہم سفیدہ	۳۶۸	مجموع محرق	۵۰۲
۵۷۱	مرہم قرع گنج سر	۳۶۹	مجموع جبر الیہود	۳۱۲

نام ادویات	صفحه	نام ادویات	صفحه
مرهم قرص کند	۵۷۲	نسخه نسوار نزل	۱۲۳
مرهم قرص آتشک	۵۷۳	نسخه نسوار بلغمی گرم	۲۲۲
مرهم سندھوری	۵۲۱	نسخه مقوی دماغ	۱۵۱
سجین ریح شکم	۳۲۳	نسخه گل دماغ دوائی	۱۵۰
مرهم ناسور بجنندر گھنیر	۵۷۲	نسخه ناسور چشم	۱۵۲
پلاس درد سر	۳۲	نسخه قی	۱۸۸
نقوع ملین	۳۲۹	نسخه ناسور مسوڑها	۱۹۷
نسخه عرق آدر	۲۸۰	نسخه ضرس دندان	۱۹۸
نسخه نشاسته مغزی	۱۰۳	نسخه مہری مسوڑها	۱۹۷
نسخه مقوی	۵۳۱	نسخه مجرب اسہال صفراوی	۲۶۳
نسخه بال خوره	۱۳۵	اسہال خونی	۲۶۳
نسخه مجرب گنج	۶۶	نسخه پیکاری سوزاک	۳۸۷
نسخه مجرب پھولا چشم	۱۳۳	نسخه مجرب خفقان سرد	۲۵۶
نسخه مجرب اندھراتا	۱۲۶	نسخه ششامی ضیق	۲۲۶
نسخه جوش آنکھ	۱۲۸	نسخه مجرب ضیق صدری	۲۲۵
نسخه نسوار کابوس	۱۱۱	نسخه دمد ریاحی	۲۲۵
نسوار نزل	۵۰	نسخه قرص سرطان	۲۲۵
نسخه پھولا چشم	۱۳۲	نسخه مجرب نفث الدم	۲۲۹
نسخه نسوار	۲۸	نسخه دمد کند	۲۲۷
نقوع سرد	۲۰۵	نسخه مرهم مدد	۲۲۳
نسخه پھولا چشم	۱۳۲	نسخه دہقانی ضیق	۲۲۴
نسخه مصفا خون	۵۲۹	نسخه ضیق بلغمی	۲۲۴

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات
۳۳۶	نسخه چشنی	۲۱۹	نسخه کورک کاهنی
۳۳۶	نسخه ماء الاصول بزور	۲۱۹	نسخه حریره
۳۵۱	نسخه مجرب بواسیر	۲۱۲	نسخه حله پوست
۳۵۲	نسخه بواسیر	۲۳۴	نسخه قیر و طی
۳۸۵	نسخه سوزاک	۲۶۸	نسخه حب اسهال اطفال
۳۶۶	نسخه آهن اکیر	۳۸۳	نسخه سوزاک
۳۶۶	نسخه ریز شکم گرده	۲۶۰	نسخه مجرب ضعف جگر
۳۹۴	نسخه آتشک	۲۶۶	نسخه اسهال ریاحی
۳۹۹	نسخه جریان	۲۶۸	نسخه ریاح شکن
۳۸۹	نسخه باد فرنگ	۲۸۲	نسخه ترشش
۳۸۳	نسخه اندری جیژ	۲۸۶	نسخه صفراوی
۳۹۵	نسخه آتشک غیر حقیقی	۳۰۰	نسخه کرم خورد
۴۰۸	نسخه ملذذ	۲۹۹	نسخه مسهل کرم خورد
۴۰۱	نسخه مغلط منی	۲۹۸	نسخه کرم دراز
۴۰۴	نسخه قوت باه	۲۹۸	نسخه کرم شکم
۴۰۳	نسخه طلسمی قوت باه	۲۹۴	نسخه مجرب کرم شکم
۴۱۱	نسخه طلسمی قوت باه صدی	۲۹۱	نسخه قه طبعی
۴۱۲	نسخه قوت باه صدی	۲۹۶	نسخه مجرب کرم شکم
۴۱۰	نسخه سرعت انزال	۳۰۹	نسخه طین مبارک
۴۰۹	نسخه مجرب قوت باه	۳۵۶	نسخه خوراکی بواسیر
۴۳۶	نسخه درد پرسیوتک	۳۵۶	نسخه بواسیر
۴۱۹	نسخه غل بجا طفل	۳۵۳	نسخه بواسیر

صفحہ	نام ادویات	صفحہ	نام ادویات
۵۰۹	نسخہ پرسوتک	۳۷۴	نسخہ زیابیطس
۵۰۷	نسخہ شناسی تپ ریح	۳۷۵	نسخہ بلول الدم
۵۲۹	نقوع مصفا خون	۴۶۱	نسخہ لیب محدر ہر قسم
۵۸۱	نسخہ سگ دیوانہ	۴۶۱	نسخہ مجربہ درد پشت
۴۹۱	نسخہ شناسی مجرب تپ کتہ	۱۵۶	نسخہ گنٹھیا بلغمی
۵۶۲	نسخہ مجرب بال خوردہ	۵۰۰	نسخہ تپ بمواسمال
۵۵۶	نسخہ خوراک برص	۴۹۹	نسخہ تپ مرکب
۵۲۵	نسخہ دھدری گنج	۵۵۰	نسخہ خارش اطفال
۵۲۸	نسخہ خارش	۴۲۱	نسخہ ساقط حمل
۵۲۸	نسخہ خارش اطفال	۴۹۹	نسخہ شناسی تپ کتہ
۵۲۰	نسخہ داد	۴۵۲	نسخہ معجون
۵۳۷	نسخہ چنبیل	۵۰۴	سورنجان
۵۸۰	نسخہ تے آور	۵۰۴	نقوع مسهل صفرا
۵۸۱	نسخہ تے آور	۵۰۸	نسخہ شناسی تپ ریح
۵۸۱	نسخہ تے آور	۵۰۸	نسخہ تپ کتہ بلغمی و ریح
۵۸۳	نسخہ درد دندان	۵۰۹	نسخہ تپ واسمال و سرف اطفال

ایں تحفہ برائے یادگار مشعل طلسم اسرار نہانی
مین تصنیف حکیم سائین بخش صاحب مرحوم سنیا سی فیروز پوری

طب آزمائشی

المعروف

خانہ شفا

حسب فرمائش

حکیم و ڈاکٹر غلام سرور خاں سندھ سنہری تمغہ یافتہ

طبیہ کالج دہلی

خلف الرشید عاذق الحکما حکیم حاکم علی صاحب بیٹی پسر مصنف فیروز پوری

مالک مشہور دہلی دوا خانہ صد بازار ننگری

شیخ غلام حسین اینڈ سنز پبلشرز اردو بازار لاہور

رَبِّ يَسِّرْ **بِإِفْتَاَحٍ** وَتَمِّمْ بِالْحَدِّ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خالق مالک بخشہارا
 جس نے چوداں طبق بنائے
 صفت نہ رب دی گیتی جائے
 کیتی خواہش آپ الہی
 تار ب بندیاں نول آزمائے
 نیک نصیبیاں والے بندے
 ہوں نیک نصیب اونہاں سے
 چھڑ دیوں سب بُریائیاں
 سمجھ اونہاں نول کل جگ فانی
 یاد خدا وچ عمر لنگھاؤں
 اوہودج بہشتاں جانے
 الا اللہ دا ذکر کساؤں
 جو بہشت ہوں انسان
 کم بُرے شیطان سکھاؤں
 بیٹھے ہوں بہشت جہان سے

جس پیدا کیتا عالم سارا
 تھماں باجھ آسمان ٹکائے
 جے لکھ درہیاں لکھدا جائے
 موت جیاتی خلق بنائی
 کھڑا چنگے عمل کماؤں
 پاؤں راہ ہدایت سندے
 جیڑے طرف اللہ دی جانے
 کرن ہمیشہ نیک کمائیاں
 وفائے کرسی ایہہ زندگانی
 اک دم نول نہ غفلت کھاؤں
 جو رب اپنے واقرب پاندے
 سدھی واہ شروع دی جادوں
 اوہ رستہ پکڑن شیطان
 راہ بھلا کوراہیں لائے
 چان چھڑ اندھیرے جانے

چوری یاری اظلم کساون
عمر ساری بریا تیاں کرے
رب توں خوف نہ ہرگز کھاون
آخر دوزخ دے دج سڑے

نعت سرور کائنات و اصحاب کبار

لکھ کروڑ درود سلام
نام محمد نبی رسول
جس دا شان بلند ذریار
جس دی کیتی صفت الہی
جس دے خاصے چارے یار
آل سنے اصحاباں تائیں
اوپر نبی علیہ السلام
جیہڑا اللہ دا مقبول
جیہڑا عالم دا سردار
دج قرآن مجید گواہی
صدیق - عمر - عثمان - کراہ
یار بھج درود اسائیں

در سبب تالیف کتاب

کہندا سائیں بخش حکیم
تشریح الطب کتاب بنائی
ہن خاطر حاکم علی تے دارا
طب آزمائشی کراں تیار
بھانویں ہوں شناسی رنج
سارا اس دج کراں بیان
میں حکمت کردیاں عمر گزاری
داف میرے کل شناسی
تجربہ کار ولایت ہند
میں خاطر حاکم علی تعلیم
جس نوں پڑھدی عام لوکانی
جگ شیر دل جان پیارا
نسخے کل آزمودہ کار
صدری حکمت والے رنج
فائدہ پہنچے دج جہان
کیتا سیر ولایت ساری
نسخے صدری تے آزمائشی
ملک پہاڑ ولایت ہند

اونہاں تھیں جیڑے ہتھ آئے
 سبھے اس دج کراں بیان
 زندگی دا نہیں بھروسا
 ہوونے ایہ مشہور کتاب
 خاص برادر اک حقیقی
 راست دین مشہور اس نام
 اُس بھی آن سفارش پائی
 خاطر اینہاں بر خور داراں
 حاذقان دے مخفی اسرار
 ہوو جو نسخے میرے پاس
 اوہ بھی اس دج لکھو تمام
 سبب سفارش ایس فقیر
 تجربہ کاراں دی کرامات
 سائیں بخش حکیم شناسی
 اس نوں پڑھ سکھ خاص تمام
 سنہ ہجری تیراں سو بانی
 اکثر فانی ایہ حیاتی
 ایہ گلدستہ فیض نشان
 زب اربعہ عناصر بت بنایا
 آپے دیند از محنت لا
 جس نوں رب نہ کرے شفا

ہوو بھی جیڑے خود آندا بھادیر
 یادگار دج رہے جسا آپے
 اورک فنا ہے وار بہت
 اندر سارے ملک پنجاب
 حاذق بڑا حکیم رفیع ہوو
 واقف کار شناس تمام صدر
 طب آزمائشی لکھو بھلا علم
 نسخے کل تجربہ کاراں علم
 اس دے دج کرو اطہار علم
 ہفت پشت دی دج قیاس پیدا
 تاں اُنہاں دے آون کام مہتر
 نسخے مثل طلسم اکبر رب
 نسخے صدری تے مجربات اللہ
 لکھو دے دج طب آزمائشی جب
 دنیا دے دج راہی تمام جدید
 جدیدیں ایہ کتاب بنائی
 واصل ہونا نال مواتی
 یادگار دج رہے جہان پانی
 قدرت تھیں روح اس دج پانی
 آپے اس نوں کرے شفا کس

<p>تقصی حکم نہ مٹے قضا قدت دالکھ انت نہ آف حکمت کر کر ہو گئے فانی کل ولاتناں دے دانا کامل - دانشمند - نسیم سجے کر کر گئے قیاس سارا انت کسے نہ پایا حضرت آدم نون سکھایا روح قرآن اللہ فرمایا کل بیماری نال دوا ہو یا انت رہے لاچار یا رب مینوں بخش شفا لکھن دالہ ذوقا آیا تب تک کرساں نہ شفا کرنا ہے دوا دا فرض</p>	<p>بھادیں کرے نیکہ اوپا آپے مارے آپے جوائے بہت حکیم طبیب یونانی اکڑی ہندی حکماء ہور شناسی بہت حکیم صدر بعدری علم شناس علم حکمت جو رب بنایا علم طبابت رب اوپایا عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا پیدا کیتے آپ خدا متر موسے ہوئے بیمار رب اگے نت کرے دوا اللہ نے اس نون فرمایا جب تک کرسیں نہ دوا جد بندے نون ہووے مرض</p>
--	---

در بیان آغاز کتاب

<p>پانی : مٹی - آگ - ہوا چار اجزاء جو جادون کس بلغم - دوجا صفرا ویدالش الکاتیں ہے صفرا</p>	<p>اربع عناصر کمن حکم خلطوں چار ایہ تمام سداون ترتیباً خون چھوٹا سدا مٹی نقیہ ہووے سدا</p>
--	--

پانیوں بلغم ہووے پیدا
جد ایسہ رہن برابر چار
ہک چوہاں تھیں ودھ گھٹ جلاوے
جدوں بیمار ہووے انسان
سر پیراں تک کرے شناس
چوہہ خلطوں دی کریں کچھان
کس خلط تھیں ہو یا آزار
کس سببوں ہوئی بیماری
جد ہووے تشخیص مزاج
صفراوی ہووے گرم مزاج
جے بلغم کرے بدن وچ زور
جے خون زیادہ نظری آ
جیکر غلبہ کرے سودا
کر خلط غالب مغلوب
ہر چیلے نال دوا غذا

خون واڈ تھیں کرے ہو یا
رہندی صحت بدن قرار
اوے وقت بیمار ہو جاوے
ساری اس دی کرے کچھان
کر کے چنگی طرح قیاس
کس خلط کیتا نقصان
مادی یا سادہ بیگاڑ
کر معلوم کیفیت ساری
پھر توں اس دا کریں علاج
کر توں اس دا سرد علاج
دے کے مسہل کڈھ پنچوڑ
جھبڈے اس دا قصد کرا
رطوبت والی کریں دوا
کر مغلوب توں غالب خوب
بہت عقل قیاس دوڑا

در بیان شناخت علامات خون

کچھان خلط دے چار ہیں ڈھنگ
جد گندہ ہو جاوے خون
مارے وچ بدن دے جوش
سر بھارا نئے گندہ اس

نبض قارورہ ذائقہ رنگ
وچ بدن دے بہت زبون
عقل بدھ گھٹ جاوے جوش
رہے ہمیشہ طبع ادا اس

رہیں ہڈیں بہت خمار
جد کرے عفوئت لموزلون
درم تے سو جاں کرے پیدائش
پھوڑے پھنسیاں کر سن رنگ
نہ لقمہ بٹھا منہ دا سواد
چہرہ اکھیں سرخ ہو جاوے
سرخ قارورہ گاڑھا رنگ
کوئی ہووے نبض عظیم

سرنوں چڑھیا رہے بخار
نک دندان تھیں آئے خون
خونی مرضاں کرن رہائش
خارش دھدر مارن ڈنگ
کئی قسم دے کرے فساد
اکڑ بہت ابا سیاں آوے
فساد خون ایہہ سمجھ رنگ
علامتاں دموی غلط حکیم

بیان شناخت علامات صفرا

صفرا ددھے وچ تن
س تھیں پیدا ہون آزار
بد صفرا کر جاوے زور
رنگ اکھیں دا زرد ہو جاوے
نبض تیز رفتار
تو نہ کوڑا تے خشک زبان
لکھن جئے وچ تمام
بہت تر یہ بیمار
بت آوے تے جی متلا ف
نوں آوے تے زنگاری
دون نہایت پائے زور

زرد ہو جاوے سب بدن
کئی قسم دے سخت بخار
وچ بدن تے پائے شور
چہرہ زردی رنگ وٹا ف
زرد قارورہ بلدی سار
دونویں ناساں خشک دہان
گھٹ ہو جاوے بھکھ طعام
گھبراہٹ تلخی کرے خوار
بسن زرد، کوڑی تے آوے
ہوئی اوسدی موت تیاری
بلغم سب ہو جاوے شور

رنگ
زبان
نبض
آواز

ادھ بلغم حکم رکھے صفرا ایہ صفرا خدا دا قہر کر دیا بہت جسم نون تنگ دین علامتاں ایہ صفرا	دیوے آتش بدن لگ دع جسم بن جادے زہر وانگ سپ دے مائے دنگ یاد رکھیں دل اندر
---	---

بیان علامات بلغم

علامت بلغم کراں شمار بلغم دوجی ہوئی دھج جسم نہیں رہتی سست حواس جستہ اس دا کولا نرم بد ہضمی اس نون کرے عوار کھے گھٹ تر یہ رنجول پھل سست چلے اس ناڑ بچہ رنگ پیشاب سفید کتوں پتلا پانی آدے سست حواس کے بہتی خواب علامتاں ایہ بلغم دیاں ہیں	جیڑے اس دے خاص نشان پیدا مرض کرنے کئی قسم تھوکان بھتیاں ڈھلا ماس ٹھنڈا رہے نہ ہو دے گرم آدن کھے بہت ڈکار جوڑیں درد شکم دوج سول ہاضمہ دے دوج پوسے بگاڑ پھکا ذائقہ مٹنے دا ویہ ریزش نزل بہت اکا دے نور نہ تھیں بھتا آدے آب کل حکیم سیانے کمن
---	--

بیان شناخت علامات سودا

علامت سب غلط سودا سودا ٹٹا جرت	سائیں بھٹن آکھ مٹنا پیدا کر دیا مرضاں سکوت
-----------------------------------	---

مواد
جد غلبہ
جسم خشک
منہ نیک
دل دوج
رستا
رات
اکھیں
رنگ
سخت
جد معہ
فکر دے
ہاضمہ
جس
جادے
علامتاں

کر ہیں
سرسا
قدم

مواد سودا خلطان دا ساڑ	کر دا بجتے وچ بگاڑ
جد غلبہ کرے خلط سودا	خشکی بجتے جاوے کھا
جسم خشک اکر سب جاوے	رات وچیں اس نیند نہ آوے
منہ تک خشک تے خشک زبان	سکا رہے سب حلق دہاں
دل وچ کر رہے دسواں	اڈے ہوئے ہون حواس
رستا لاغر دُبلّا بجتے	جسم کرخت سیاہ رنگ بھٹتا
رات وچیں دل ہے اُداس	فکر اندیشہ غم دسواں
اکھیں چہرہ سیاہ ہو جاوے	سبزی مائل رنگ وٹاوے
رنگ قارورہ سبز سیاہ	کیتا خشکی حال تباہ
سخت باریک ہووے اس نبض	رہے مدام شکم وچ قبض
جد معدے وچ کرے فساد	ذائقہ کھٹا مٹتے سودا
فکر دیلاں بہتیاں آون	ضرباں چبکاں جسم اکاون
ہضمہ دے وچ پوے بگاڑ	آون بستے بھس ڈکار
جس تے آوے قہر خدا	ودھ جاوے خلط سودا
جاوے اس دی بگڑ مزاج	مقتل ہوندا اوس علاج
علامتاں سب خلط سودا	ہندی وچ دتیاں سمجھا

بیان درد سر صفراوی

کرہیں سانیں بخش عیاں	سر دیاں مرضاں الابیان
سر سارے دھڑا سر پوش	ڈبا عقل جواہر ہوش
نہہ سبے رنگ پہنچے سر وچ	حواس غمبہ ہو جاوے بڑی

جیکر درد ہووے حل
 سرنوں جددں ہوئے کوئی مرض
 جے صفرا نوں سرخیں پیڑ
 بادی درد ہووے یا سادہ
 دھیں تے رات نہ پچے آرام
 یا کرے ہمیشہ دھوبی کار
 یا اُس کھا دا گرم غذا
 یا صفرا نے پایا زور
 یا اُس کیتا تاپ بگاڑ
 غلبہ خلط لیں پچھان
 بہت کرے صفرا اس تنگ
 سرے دن تے دل گھبراوے
 گرمی اُس نوں کرے خراب
 تیز تواتر ہووے نبض
 اہلی تو لے دو لے آ
 خجریں تل کے صاف کرا
 خرفہ کا سنی نت پلا
 ترے تو لے سنجھیں ملائیں
 متھے اُس لے لپ کرائیں
 پاشویہ دو تے وار کرا
 بنفشہ دھن آب بنا

عقل ہوش ورج پاوے خلل
 دارو جلد کرو یا لغرض
 ہووے اوکھا بہت سریہ
 ہوندا جاوے روز زیادہ
 تلخی سوزش بدن تمام
 یا سر تے چکے بہتا بھار
 یا کوئی گرم یا تیز دوا
 سب بلم بن جاوے شور
 سرنوں استخوان چڑھے بخار
 جو صفرا دی پین نشان
 ہوس قارورہ آتش رنگ
 مونہ دا ذائقہ تلخ ہو جاوے
 کرو علاج اس مرد نشاب
 زردی رنگ شکم ورج قبض
 راتیں پانی گھت پکا
 دو تو لے مصری گھول پلا
 ڈنڈے کوئڈے ورج گھوٹا
 دقت شام لے نت پلائیں
 دھنیا منڈل خوب گھوٹائیں
 دیوے سردی پیڑ دینا
 بالٹ بختے روز کرا

<p> معدے سے دھج کرے فساد ہر ہفتہ تلیپین دیو این مڑ کے درد نہ شکل دکھائے گھوٹ شیر و دیہنت نہا گاد زبان دھج ڈال ضرور ہنچ پنچ ماشے دا مقدار رنت پلا مصری دھج پا نخلہ اس نوں کریں ضرور سردی پیر کرے جھبنا پہرے کے دیہن سوار ضرور دھج کون صفرا دی سا </p>	<p> جے صفرا دی گرم مزاج کدے کدے اس تے کرائیں کل صفرا خارج ہو جائے غرفہ، کاسنی، تخم خیار بنفشہ، دھنیا، صندل بور رات پانی دھج ترہ کر چار فجریں کل پن صاف کرا جے کچھ باقی رہے قصور ناساں دھج جھڑا ہلا صندل بورا - انیون کافور شریت لیموں ترش انار </p>
--	---

صفت سکنجبین سادہ

<p> صفرا دی مرضاں سے درکار سرکین تریہہ تلمی خفکان رہن نہ استخوان ہرگز نول ترے پاؤ خالص کھنڈ اوبال لامیکے کپڑا دھج چھنا داخل اس دچ کریں شتاب مڑ کے دیگی دھج جوشا اگ تھیں لاکے پیٹھ رکھا </p>	<p> سکنجبین سادہ کرد تیار محرقہ تاپ تلی یرقان بدھنسی، ہیضہ ہڈ کے سول ادھک سیر پانی دھج ڈال رک دو اس نوں جوش دوا ادھ سیر خالص عرق گلاب پاک سرک اس دھج پا جدوں قوام پکے اس آ </p>
--	--

<p>بوتل چکی صاف کرا طبع موافق رنت پلا صفراوی سردی پیر بخار ایہ صفراوی ہے تلوار جس نون ریزش کھنگ نزل</p>	<p>ٹھنڈا کر اُسل سے دھج پا معدیوں کٹ سے صفرا کٹ سے جڑ سردی گھار معدیوں مرضاں کڈھے یار اُس نون دیہ نہ ہرگز مول</p>
---	---

صفت جلاب ملین مبارک

<p>اصلی سچے بھل گلاب چنگے شکرے نہیں کرا بنفشہ گل تولے دو لیا رائیلی تولے ڈالو مست سیرک پکا پانی پا قلقل دار بہترین منگوا دو تولے اُس نون دیہ اُبال تل پن اُس نون صاف کرا پھشاک گودا امتس اس چھاتی سے دھج لے کڈھا جتنے کر کے اس سے ترے ددجا بعد دوپہروں پیوے گوکے گھینو نون گرم کرا ایہ طریقہ پیر استاد</p>	<p>ادھ پا پکا پیا شتاب گنڈھیاں مٹی روڑ کڈھا کاسنی ترے تولے کٹا چال دانے آلو گھت بھانڈے مٹی دچہ پوسا فحری اس دھج گھت جوشا ادھ ہے اتار سمھال چار تولے دھج کھنڈ ملا حل کر اس دھج مال قیاس چنگا خوب صاف کرا حصہ ایک صبح پانی سے قریباً وقت دیگر جد تھیوے تولہ بیون وقت ملا دل دے اندر رکھیں یاد</p>
---	--

جے کوئی بکے وار پلاوے جے صفرا دا ایہہ جلاب ملین مبارک ہے اس دنام ملین دو تھوے دفعہ کرا بعض حکیم مجکم فرماون پنج تولے ترنجبین ملاون عوض گھیٹو روغن بادام جس نوں ہووے کھانسی نال استحیں آسنوں ہووے کھنگ	تے نال نکل سب جاوے دیویں حاجت وقت شتاب ایہہ نسخہ مشہور عام معدیوں کٹ سے صفرا مصری کھنڈ ہرگز نہ پاون تولہ شیر خشک وچ پاون درتن وچ ملین عام آلو انہلی دیو نکال ہودے روگی ڈا ہڈا سنگ
---	---

صفت ملین گھوٹ

بک ہووے ملین گھوٹے والی صفراوی تپ وچ قبض ہو جاوے سرنوں چڑھیا رہے بخار اس نوں دیویں گھوٹ پلا بنفشہ کاسنی پھل گلاب مغز کدو تولے دو پا نگدہ کپڑے وچ چھنا شیرہ اس دا سب کڈھا	دساں تینوں بہت سکھالی پنج ست روز نہ جھاڑا آوے روگی ہووے بہت لاچار کرے شتابی قبض کشا تولے دو دو لٹین شتاب دندے کوندے خوب گھٹا گھوڑا گھوڑا پانی پا مصری اس وچ ڈال پلا
---	--

ایہہ گھوٹ ہندی مشہور
دیویں دو ترے دفعہ ضرور

صفت قے صفراوی

نسخہ قے دا بہت آسان
 جس نول صاف ہووے صفرا
 صفراوی سڑیا ہو یا مواد
 سرکن ترہیدہ تلخی، گھبرائی
 تپ غب محرقہ، ہڈ کی سول
 جیکر ہووے عرض دہائی
 جیکر ذرا نہ ہووے کھنگ
 صفراوی مرضاں دی تلوار
 کئی دفعہ قے کرد ضرور
 قے لاثانی ہے دوا
 چادل دو ترے چار گواہ
 جو آتش، جواں دی خوب بکا
 پختوں اُس نول قے کر نہیں
 یا پکا سکجییں سنا
 ترے پیالے پانی گرم کر نہیں
 تھوڑا جیہا نک کھورا
 دج خلق دے کھن پھرائیں
 مڑا دوجا پیار جا پلا
 تریکی دفعہ ایو دستور
 سائیں بخش نول کریں بیان
 اوس دے نال اوس قے کرا
 کرے جے معدے دج فساد
 پاوے اس تھیں جلد رہائی
 سٹے پٹ اُنہاں دی مول
 آوے مشکل نظر رہائی
 قے کرن تھیں ذرا نہ سنگ
 مردیوں زندہ کرے بیمار
 رہے نہ جھٹے دج قصور
 کئی مرضاں تھیں کرے شفا
 پہلاں اس نول نہیں کھوا
 یا اس پہلوں لے پلا
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں
 سرکہ ہک چھٹانک رلا
 سکجییں دسے نال پلا نہیں
 ہک پیالہ دیہہ پلا
 سارا پانی جا آٹائیں
 نال تھیں کھن پھرا
 قے اس طرح کرا ضرور

مڑ گرم پانی دی اعداد جو آتش یا چاول خوب پکا جیکر دیویں بابت سول	خارج ہووے گل مواد پہلاں تھوڑی جیہی کھوا حاجت اس دی ناہیں نول
---	--

صفت پاشویہ درد سر صفراوی

پاشویہ ہک دوبار کرا بنفشہ تولے دو منگوا ادھ پالے کنک دا چھان گھت کڑا ہی وج جو شا اگوں لائیے ہیٹھ رکھا گرما گرم پاشویہ کر جلدی نال اس ننگ چھپا	دیوے سردا درد ونجا چار تولے گل خیرا پا ہیچ سیر پانی گھتیں آن تا پک جاوے خوب دوا کپڑے وچدول صاف کرا گوڈیان تیک نہ ہرگز ڈر مت لگ جاوے سرد ہوا
---	---

بیان صفت روغن بنفشہ

بنفشہ روغن لے بنا مالش کر ہر روز ضرور جاوون اس دے کھل مسام بنفشہ لے کے تولے چار نیر دیچی وج جو شا پاک لے کے مٹھائیل ہیٹھ کڑا ہی دے آگ پا	جسم روگی دے بت ملا خشکی جسموں ہووے دودر نرم ہو جاوے بدن تمام رات پانی گھت رکھ سنوار گل کے پٹن کے صاف کرا گھت کڑا ہی دے وج میل نرم نرم آگ نال پکا
--	--

جدول پانی جل جاوے سب شیشے دے ویج رکھ سمہال پنڈے مالش کرد سنوار	ہیٹھ کڑا ہی لائیں جھب وقت مالش دے لے نکال نکل جاوے سب باہر بخار
--	---

صفت لخلخہ صفراوی

دھنیا کا پتو صندل پور خالص مشک کا فور، انیم گلاب ادھ سیر شیشے ویج پا لخلخہ نال اس آدے خواب	ہک ہک تولہ ڈال ضرور ترے ترے ماشے میل حکیم لخلخہ دم دم نال سنگھا جاوے سردا درد شتاب
---	---

صفت ہلاس وردسہر

نسخہ کراں بیان ہلاس کا فور، نوشادر، چونہ لے پیچھ کے میل شیشے ویج گھت نک آگے رکھ دیو ہلاس	جاوے سردی پیڑ خناس وہن برابر وارد ترے نال کاک منہ شیشے ڈٹا کرے شتاب درد داس
---	--

بیان درد ہر صفراوی مشار کی

سردا درد ہے ہودے آ ہودے درد شراکت نال جمع ہوئی کے صفراء مواد آوے اکثر دودے نال	نال شراکت کے اعضا جیونگر معدہ، جگر، طحال تم معدے ویج کرے فساد حالوں بہت کرے بد حال
---	---

معدیوں جافے سردے دھج بہت دیر تک بے آزار کئی دفعہ صفرا نکال اطریقہ بنت کھوا کشنیر بر ہفتہ دیویں تیلیں	کرے حواس دماغی زنج روکی ہووے بہت لاچار موافق منضج مسهل نال شانی ایس نہیں کوئی چیز منضج دے کے نال یقین
--	---

بیان منضج صفراوی

بنفشہ پتے پھل گلاب نیلوفر پنج ماشے گھت کاسنی پنج ماشے مقدار شوٹیاں دس دانے کٹ ڈال کل پن اہس نوں صاف کرا چھ روز دیویں اس طور	پنج پنج ماشے قدر حساب میل عناب دانے دھج ست سیاہ آلو دانے گھت چار رات یوسائیک فخر ابال دو ٹوٹے مصری ڈال پلا ملین دیہ ستویں فی الفور
--	---

بیان صفت ملین صفراوی

دھج ادھ سیر خالص عرق گلاب پنج توٹے ترنجبین ملا ابلتاس دا گودا تازہ دھج عرق بے دیویں گھول تولہ یک بادامان تیل پھر گھٹے اس دے ترے کرا	دس توٹے گلقد شتاب کپڑے دھج گھت صاف کرا کر کے توٹے پنج اندازہ چھاننی دھج کٹھ اڈل تازہ کٹھ کے اس دھج میل فجری، پیشی، عصر پلا
--	---

پچکی تپ تے سول قولنج سردا درد، قبض، سرسام جے تولہ شیرخشت درج پائے تلیقین ایہہ اعظم اکسیر	ترت و نجاے ایہہ سب لہج جادن استھوں نس تمام زیادہ استھیں نفع کماے تجربہ سائیں بخش فقیر
---	--

صفت اطریفل کشنیز

اطریفل لے کشنیز بنا چھل ہریڑاں زرد سیاہ چھل ہیڑہ آملہ پا پنج پنج تولے وزن کرا چھانسی وچ گھت چھان دیاں شمنی ماکھیوں وچ گھت ہک مہینہ رکھ ٹیکا بعد مہینہ کھاے نت ایہہ اطریفل مثل طلسم بلاں سردا درد نزول نوں گندہ سب کرے صفا خونی دیکھ ہودن سب دور جے عضو شہدے مصری پادیں	جیویں حکیم گئے فرما کابلی ہریڑاں دی چھل لاء دھنیا دے لے مغز کڈھا حمام دتے دے وچ گوتا گھیو گوکے وچ چرب کرائیں اطریفل لے کشنیز بنا اس دا لے خمیر اکھا ہک ہک تولہ لائیے چت مرضاں دور کرے سب جسم بدھنمی، قبض، شکم داسول دیوے مرضاں پیٹ دجا پھوڑے پھنسیاں چکنا چور گرم دکھاں وچ نفع اکھا دیں
--	---

تعریف شربت لیموں و انار

شربت
سیر
دیگچہ
ایہو
صاد
جیکر
استعم
جو

نوں
رنگ
سٹھا
ہو
موتی
شربت
گندہ

<p>شریت یھوں ترش امار سٹریا ہویا مواد سوداوی ڈبڈب دج رہے صفراوی سول شربت دونیں روز پلا زیتو کا غدی کے منگا سیر پکی دج مصری پا دیگچہ قلعی دار منظور ایہو قاعدہ ترش امار صاف شیشے دج رکھ ٹیکا جیکر سٹریا ہویا سودا استعمال کرو کچھ دیر جو صفراوی ہیں آزار</p>	<p>ہتھیں اپنی کرد تیار کہند دوکھ دموی صفراوی جیکر کھنگ نہ ہوئے سول دیوے صحت چھب خدا ادھ سیر پانی لے کڈھا دیگچی دج قرام پکا باہجہ قلعی دے پورے قصور ایس طرح کر نشین تیار دونیں دقت ہر روز پلا رگیاں گوشت دج جاری دھا خارج کرن مواد اکھیڑ سب اونہاں تھیں ہوں نزار</p>
--	--

بیان درد سردموی یعنی خونی

<p>خون تھیں ہووے جے سر پڑ رنگ اکھیں چہرے دا لال کٹھا ذائقہ مٹنہ دا سواد ہووے گاڑھا سرخ قارورہ موٹی چوڑی نبض عظیم سرنوں چڑھیا رہے بخار گندہ خون کرے جد زور</p>	<p>سرخ ہو جاوے رنگ سریر گندا لٹو کرے بد حال کرے تعفن خون مواد نشان خلط خون دا پورا دموی غالب خلط حکیم بہت دیوے تکلیف آزار پادے سر دج جائیکے شور</p>
---	---

سر بھارا درد تراٹاں مارے رووے روگی ڈھائیں مار جادے اس دی بگڑ مزاج سرا رو دا فصد کرا رو کٹاں پچھے سنگیاں لا موافق قوت خون نکال پچھوں اس نوں دیہہ دوا	دیوے سردج خون اہمارے سرگز کم نہ سو جھے کار جھدے اس دا کرو علاج متھے وچوں نار ٹکا استرے نال پہلاں پچھا تھوڑا تھوڑا فاصلے نال دیوے خون دا جوش بٹھا
---	--

بیان نقوع سرد

کراں بیان یک سرد نقوع نیلوفر تولہ منگوائیں دائے آٹو سیاہ دے ست کاسنی نو ماشے کٹی ڈال ستھے دارو لئیں ملا فجریس تل پُن صاف کرا ترے ہفتے استعمال کرا	فصد بعد کرا اس شروع بنفشہ گل چھ ماشہ پائیں انبلی دو تولے وچ گھت دائے ست عناباں نال راتیں پانی گھت پوا مصری ڈال دو وقت ملا دیوے خون دا جوش گھٹا
---	--

نسخہ مجربہ مصفا خون

ہور یک نسخہ بڑا عجیب گندہ خون کہے سب صاف جوش خون نل دیوے نفع	استعمال ہے کریں طیب کریے تصور خداوند معاف سردا درد ہو جائے دفع
--	--

مونڈی
سفید
عناب
کر کے
ہفتے
برگ

سبب
سرد
سرد
علامہ
پھگ
مٹہ
ترید
سفید
ساد
گرم
کیسہ
کچلا
شامل

<p>مونڈی بوٹی تور لیا سفید صندل بورا وچ گھت غناپ ولایتی آلو سیاہ کر کے پانی وچ نقوع ہفتے ترے چارے پیوے برگ بکین یا نم گھوٹا</p>	<p>پا پڑہ پنج ماشے وچ پا دھنیا ہرا ہک ماشے ست پنج پنج دانے کر ہمراہ فصلوں بعد کراؤ شروع فضل خدا تھیں چنگا تھوے سر کے دے وچ کر د طلا</p>
---	---

بیان درد سر بلغمی

<p>سبب بلغم سردی یا باد سرد چیز جد کھاے پیوے سردی تھیں اس پوے بگاڑ علامت بلغم نشیں پچھان پھکا ذائقہ بول سفید منہ تھیں تھکاں بہت آب تر یہ نہ لگے اس زوں مزل سفید اکھیں چہرے دارنگ سادہ جیکر ہووے درد گرم چیز اس پوے مفید کیسر سنڈھ افیم گھسا کچلا، مٹھا تیلیا یا شامل نال افیم وچ گھس</p>	<p>کرے جے سردا درد فساد سردا درد بہت ودھ جائے ہووے روگی بہت لاچار جیھڑی اس دی خاص نشان ڈھل نبض چلے اس دید جائے بہت آٹھ اس خواب رہے شکم وچ قبض رنجول غلبہ بلغم سمجھ سنگ طبع مزاج نہایت سرد کرو معالجہ نال تاکید منٹھے اُتے کرو طلا بول دچھے دے وچ گھسا جائے درد شستابی نس</p>
--	--

کار
لاج
مکا
پچھا
نال
بٹھا

نردع
پائیں
ست
نال
پوا
ت پلا
گھٹا

لبیب
حات
دفع

اچھے کے کاغذی دانگ لگا
 دودھ اک دا لے چوڑا
 درد والی جگہ تے رکھ
 فرنیون گھس وچ شراب
 مصبر، رائی، مایوں لے
 پیچہ سر کے وچ کرد طلا
 رائی سرکہ گھوٹ لگا
 گرم درا دی دیہ نسوار
 سرمشے تے لیپ کرا
 ڈنڈے گوندے وچ گھوٹا
 آگ تے رکھ کے گرم کرا
 نیم گرم اس کرد ضمد
 بذر البج نون خوب گھوٹا
 نوشادر ماشہ خوب پسا
 خالص کیسرا اصل انیم
 پیچہ کے دے ناسیں نسوار
 سرتے ماش روز کرا
 سردا درد پورا نہ ہو
 ہودے بلخی خاص مزاج
 پینے وچ دو تے کرا
 بعد پختے کپک کرد علاج

دیوے فائدہ تر ت لگا
 پنہ روں دے نال لگا
 تروت فائدہ لئیں پرکھ
 لادیں پہونچے فیض شتاب
 ہر یک ہودن ماشے تروے
 دیوے فوراً درد اڑا
 پلستر بے ایہ عجیب ددا
 برتھیں سردی کٹھے بار
 حرمل - سُنڈھ - بابونہ پا
 پانی تھوڑا تھوڑا پا
 تیل مٹھا کچھ وچ ملا
 ہودے دفع شتاب فساد
 گھت سرکے وچ کرد طلا
 مرچاں کالیاں چار ملا
 کپک رتی وزن حکیم
 ہودے سردا درد فرار
 گرم روغن کوئی آپ بنا
 موت بہت بے رہ کھلو
 منصف سہل اس علاج
 دو جلاب ضرور دوا
 دو جی تے کردا شتاب

ایہو
 دو تر
 خوب
 جوش
 جب
 منصف
 طبیعت
 ایہ
 ا طریقہ
 وچ

محکما
 پچھور
 ایہ
 سولف
 ملٹھی
 منقہ
 گکند
 کل
 ہفتہ

صفت مطبوخ ہلیلہ زرد

جلد و بخار دے سردا درد اصلی پھل گلاب ملا بنفشہ یک تولے مقدار دو دو تولے کر ہمراہ پوسا، جوشنا ایدہ دوست چھٹا نی انبلس ملا فجری، پیشی، عصر ملا ہر ہفتہ کر استعمال	جلاب مطبوخ ہلیلہ زرد چھل ہریڈاں زرد یا ہر ایک ہودن تولے چار کاسنی، سونف ہریڈاں سیاہ سناکی تولہ یک گھت کل کے پٹن کے صاف کرا جھے اس دے ترے کرا وقت بیون دے گھیو کھنڈ ڈال
--	---

صفت حب ایارج

بلغم خارج کرے سریر سفونیا اصلی تولہ دید کر کے چھانسی دج صفا مصبر تولہ نال ملائیں مڑ کونڈے دج گھت گھوٹا دانے بانہ برابر سب میشے دے دج ڈال پھکا تازے پانی نال پھکا دیوے بلغم سب نکال	حب ایارج ہے اکسیر تروی تولے چار سفید تولہ غاریقون ملا رب السوس تولہ دج پائیں داند کٹ سب جمع کرا عرق سونف دج بھو حب گولیاں دے رکھ لکھا چھ ماشے دا وزن نکلا ہر ہفتہ کر استعمال
--	--

جے مریض
شقیقہ، خ
کرے کرے
ہو دے رو
بلغم بخیں
چھ ماشے
پنج چھ
جے بلغم نال
یا گنٹھیا
ایہ گولیاں
وڈھ وڈھ
پھلاں
دیہ گولہ
داسط
سائیں بخ
جے مریض

تروی
ماشہ دو
پھلاں

جے مریض کم قوت ہو
 شقیقہ، خدر، صرع، نسیان
 کرے کے نوں بلغم تنگ
 ہووے روگی بہت لاچار
 بلغم تھیں ہووے نقصان
 چھ ماشے دا وزن پھکا
 پنج چھ ست تنقیہ کر
 جے بلغم نال بدن پھل جائے
 یا گنٹھیا، بلغمی ہوس آزار
 ایہہ گولیاں دیہہ ہر ہفتہ وار
 ددھ ددھ بلغم لاوے ڈھیر
 پہلاں اندر نرم کرا
 دیہہ گولیاں حب ایاج نام
 واسطے خارج بلغم کل
 سائیں بخش کیتا کئی باد
 جے مریض کم قوت ہو

فاصلہ دیوے ہفتے دو
 رہیں نہ دیوے نام نشان
 درد جوڑاں دج مالک ڈنگ
 چل نہ سکے ہوس نہ کار
 آون ظاہر نظر نشان
 ست ست دن دافرق کرا
 منضج دے کے ذرا زور
 بھارا بہت جسم ہو جائے
 درواں پیڑاں کرن لاچار
 کٹ سے بلغم دا بھار
 دسے بلغم دی پنج اوکھیر
 چانول گھیو کھنڈ ددھ پلا
 مشہور حکیمان دج تمام
 نہیں جلاب کوئی اسدے تل
 ایہہ نسخہ آزمودہ کار
 فاصلہ دیویں ہفتے دو

سفوف جلاب بلغمی

تروی تول بہت مفید
 ماشہ دوکٹ مسندھ پلا
 پہلاں گھیو دج چرب کرا
 عشق پیچہ چھ ماشہ دید
 تازے پانی نال پھکا
 مصطلکی پیس ماشہ دج پا

درد
 رطا
 قدار
 مراہ
 ست
 ملا
 پلا
 اعمال

سریر
 وید
 صفا
 ملائیں
 گھڑا
 سب
 ال
 پھکا
 بھال

بلغم دا ایہ خاص جلاب

مستفیع کر کے دیہو شتاب

صفت قے بلغمی

قے کراون دی ترکیب
قے جیہا نہیں کوئی دوا
صفت نہ قے دی کیتی جاوے
ملک ہند ورج نہیں رواج
استقاء مرگی اسہال
تپ غیب بلغمی باد فرنگ
ایہہ جادون دکھ پڑانے ہو
کئی دفعہ اس فوں قے کر
ہووے ہر دا درد پڑانا
ریزش نزلہ کھنگ نزل
طبع موافق قے کردا
موافق قوت طبع بیمار
چا دل غھوڑے جیسے پکا
چھتوں اس فوں قے کراوین
تخم مولی تے سوئے لیا
مین چھل دا ڈوڈھ ہک پا
ترے پیالے پانی مع ڈال
مل چن اس فوں صاف کرا

نال عقل دے سمجھ طیب
ہوئے مریض بہت شفا
نویں پڑانے دکھ دنجاوے
کرما قے دے نال علاج
بھادون ہودن کتنے سال
پیڑاں درد کرن جس تنگ
فائدہ کرے دوا نہ کو
اندر اس دا کر کے تر
رہے مدت تک مل ٹھکانا
جیکر ذرہ نہ ہووے مول
دیوے اس فوں رب شفا
مہینے دج دے دو ترے وار
پہلاں اس فوں لئیں کھوا
یاد رکھیں مت بھل نہ جادیں
ہک ہک تولہ وزن کرا
ڈوڈھ کوندے دج درڑا
دیگی دے دج گھت آبال
غھوڑا جیہا ہک کھورا

سرکہ
بھڑکے
جد
تریک
پانی
مدد

اطریقہ
چھل
چھل
پیچ
گھبو
بعد
چاندی

روغن
تھوڑے
کا شہل
ترے

مرکہ تیز چھٹا کی گھٹ بھر کے پیالہ تر ت پلا جد او پانی نکل جا تریجے دا ایہو دستور پانی اس نوں ہور پلا مدد دیہہ پانی دی ہور	کھنڈ بلا وچ تولے مت وچ حلق دے کھنڈ پھرا پیالہ دو جا جلد پلا تے کروا نہ رہے قصور دو ترے پیالے گرم کرا نمک تھوڑا جیہا وچ کھور
--	--

تغریف اطریشل صغیر

اطریشل لے بنا صغیر چھل ہریڑاں زرد تہا چھل ہیڑہ ہریڑاں سیاہ پنج پنج تولے وزن تولا گھو گو کے وچ چرب کرا بعد میننیوں شروع کرا چاندی ورق جے نال ملاویں	دماغی مرضاں نوں اکیر کابل ہریڑاں دی چھل پا آملہ صاف کرو ہمراہ کٹ چھان سب جمع کرا ترے حصے ماکھیوں وچ بلا دو دو تولے وزن دوا فائدہ بہت نہایت پاویں
--	--

صفت روغن گرم

روغن گرم بنا ضرور تسے تولے کوڑی کھٹ بلا کا چھل ، مال کنگنی نال ترے اجونیاں تولے ترے	جیوں حکماء دا دستور تور گل بابونہ ، پا اک اک تورے وچ ڈال تورے دانے حرملے
--	---

باب

سیب

شفا

وے

علاج

سال

تنگ

نہ کو

تر

ٹھکانا

مول

ب شفا

رے وار

یہیں کھوا

نہ جاویں

وزن کرا

وچ درٹا

ت آبال

کھورا

عقر قرچا کٹی لونگ ملا دارو چھو وچ کوٹا فجری دو ترے جوش دوا پاک پاک پکا ہٹا تیل نرم نرم ہپیٹھ اگ جلا کر کے صاف بوتل وچ ڈال گٹھیا واؤ، لقوہ ادھرنگ ہک چلیہ مالش کر	اک اک توٹہ وزن کرا رات پانی گھت رکھ پوسا کل کے، پن کے صاف کرا گھت کڑا ہی دے وچ میل جل جاوے پانی ہیٹھ لہا وقت حاجت کر استعمال جوڑیس پیڑاں مالن ڈنگ جاون نس پیڑاں چھڈ گھر
---	--

صفت نسوار گرم

سب سردی ہووے سرگھا تور لے کشمیری پت سٹھ لونگ لے مریج سیاہ تریان پوست ماشے چار نزلہ، سردی پیڑا، زکام	گرم دوا دی دیہہ نسوار تورے دو کا پھل وچ گھت ترے ترے ماشے کر ہمراہ کٹ چھان کر سب نسوار دیوے جلدی نال آرام
---	--

بیان درد سوداوی

سودا نقییں پیڑے سردی ہو مادہ سٹریا ہو یا سودا جائیے سرد وچ مارے ڈنگ نٹکی اس نوں کسے خراب	برسارے وچ رہے کھلو داخل ہووے بر منج جا ہست کرے روگی نوں تنگ پونچے برنوں سخت عذاب
---	---

نشان
ہود
رنگ
منہ
دیکے
مالش
دو تر
جد
دو
جد
دو تر
خرفہ
دھنیہ
رات
فجری
شامل

منضج
کاسنی
پا پڑا

نشان غلط وا کریں معلوم ہووے کرڈی نبض باریک رنگ قارورہ سبز سیاہ ممنہ دا کھٹا ترشش سواد دیکے روغن دار غذا میں مالش اس نون روز کریں دو تھے دفعہ دماڑی دج جد خشکی ہو جاوے دور دو ہفتے منضج ادس کرا جد ہو جاوے نرم مواد دو ترے چار جلاب کرا خرفہ، کاسنی، تخم حیار دھنیاں، مونڈی، صندل بود رات پانی دج تہ کر چار فجری تل، پن صافا کرا شامل نال جیکر صفرا	حکماواں دی جیویں رسوم رنگ سیاہی اٹل ٹیک علامت پختہ خاص سودا جد معدے دج کرے فساد خشکی اس دی دور کریں گل روغن، گوکا گھیو ملا میں مالش کریں نہ ہوویں زنج منضج اس نون کریں ضرور جاوے چنگا یک سودا مشعل دے کے کڈھ شتاب پہلا منضج ادس دیوا گھوٹ شیرہ دے نت تہار گھاؤ زبان دج ڈال ضرور پنج پنج ماشے دا مقدار نت پہلا مصری دج پا ہووے سرد نقوع پلا
---	---

صفت منضج سوداوی

منضج کر سودا مزاج کاسنی پر سیاہ نشان باد پاڑا، پھلی ہوئی ملٹھ	حکماواں دا جیویں رواج بنفشہ، نیلوفر، گھاؤ زبان پنج پنج ماشے دارو اٹھ
---	--

کرا
سا
کرا
بل
لہا
مال
نگ
گھر

سوار
مت
ہمراہ
سوار
اکرام

کھلو
سج جا
تنگ
غذاب

ویہ سوڑیاں لے درڑا
دارو سبھے رات پسا
چار تولے خالص گلمند
دے کے دو تیرے چار اُبال
دو ہفتے مُنضج کر اس طور
شامل نال جے کر صغرا

دانے اٹھ عنبان پا
فجری چوٹھے چاہڑ جوش
نال جو شاندرے کریں بیوند
کر کے صاف کر استعمال
پچھوں مُسہل دیہہ فی انفور
مُنضج ہفتے تیک لدا

صفت مُسہل سودا

ہر خلط دا ساڑ سودا
جس خلط دا ساڑ شکایت
پنج تولے اصلی پُھل گلاب
بنفشہ کاسنی، سونف، ملٹھ
دو تولے زرد ہرڈ دی چال
ترے ماشے چنگی نویں سنا
پا پڑا نو ماشے وچ پائیں
پنج تولے گودا انبلس
گمنڈ سفید چٹاکی تول
جتنے اُس مے ترے کرا
فجری پیشی، عصر ضرور
دو ترے دفعہ چار یا پنج
دفع کرا دیں سا رکھوٹ

آکھن اُس نوں کُل حکماء
وچ مُسہل دے کریں رعایت
ویہ سوڑیاں دہ عنبان
ہک، ہک، ہک تولہ کریں اکٹھ
آؤ ویہ دانے وچ ڈال
چھ ماشے تروی کٹ ملا
سبھے دارو رات پوسائیں
تازہ لے کے نال شناس
وچ جو شاندرے دیویں گھول
ترے دارو دن وچ پلا
کرے موزی سب دور
کریں جلاب نہ ہوویں رنج
مڑ کے پھیر نہ مارے چوٹ

ہور
حکماء
جیہڑا
مرکب
ہک
مرکب
بناؤ

گھوٹے
کرے
سونف
تخم
ڈنڈ
تولے
نگدہ
بشیہ
ایہہ
سبب
ایہہ
خشی

ہو رہی اوس دا کریں علاج حکمت ہے عقل دا کم جیہڑا آوے دج شعور مرکب مسلسل ایہ جلاب ہک بلغم دوجا صفرا مرکب خلط عفونت دار بناؤندا ایویں دستور	موافق جیہڑا طبع مزاج اوپر علم نہ ماریں دم دیویں موافق طبع ضرور ترے خلطان خارج کرے شتاب ترجما سڑیا ہو یا سودا کڈھے باہر بدن تھیں بار پکچھے ہو یا جیویں مذکور
--	---

صفت جلاب گھوٹ

گھوٹے دا ہک عجیب جلاب کرے شتابی قبض کش سونف، بنفشہ، مغز بادام تخم کاسنی لے دج پا ڈنڈے کوٹھے دج گھوٹا تولے پیچ خالص گلقد نگدہ کپڑے دج پھنسا شیرہ خوب صاف کروا ایہ گھوٹے دا خوب جلاب سبب خشکی جیکر سر پیڑ ایہ بر درد سودا دی سادہ خشمائش تے مغز بادام گھوٹا	سائیں بخن کر بیان شتاب دفع کرے مادہ سودا کڈ دج مغز، سناہ تمام ہک ہک تولے سب دوا گھوٹا، گھوٹا پانی پا گھوٹے نال کرو پیوند پانی ہتھاں نال ملا روگی تائیں تروت پلا صاف شکم نوں کرے شتاب دیویں سرنوں دکھ سر یہ ہوویں روز بروز زیادہ دیہ شیرہ مصری صغ پا
--	--

ان یا
جوشا

یا پیوند

مستعمل

فی انقور

رہا

ان حکماء

یا حایت

عناہ

یا اکٹھ

دج ڈال

کٹ ملا

یا پوسائیں

یا شناس

یا یوں گھول

دج پلا

سب دور

دویں رنج

رے چوٹ

مقوی مغز اس کر دوا
حریرہ دیہہ خشخاش پکا دیوے ہرنو

صفت حریرہ مقوی دماغ

ترے توے خشخاش سفید
ہک تور گھٹ مغز بادام
شیرہ کڈھ کے صاف کرا
چار توے مصری دج گھٹ
ایہہ حریرہ نت پلا
ردغن مغز کڈو بادام
مصری مکھن فخر چٹا
چار تولہ مغز ہک دیہہ
گھوٹ پانی دے دج مدام
چار تولے گوکھ گھیو پاہ
پتلی خوب پکا دیہہ پت
دیوے خشکی مغز گوا
ناسیں اوس چڑھا مدام
بکھی دا دودھ شام پلا

سندھہ انگھار
اک دا دودھ
کوزے دج
خوب طرح لے
ایہویں اس
مرگی ریح

نسخہ مرطب دماغ

شیرہ مغز کڈو بادام
مصری کچھ قدرے دج ڈال
گاہہ شیر بلا دج عام
کر کے گرم کر استعمال

جڑ اک دی
گل حکمت کوز
سبب سردی
دیہہ اُس نوں
بایوں گھوٹ
ایہہ بھی ٹوٹکا
یا لسن دا
نرفیون دج

بیان درد سر ریاحی

سبب ریح جیکر سر پیڑ
سردی ریح گھٹے سر لاٹ
جاوے ہو پڑانی پیڑ
روک ڈھانیں مابے نت
مجاٹ اک نسخہ نسوار
ہو دے رہے روگی دنگیہ
وانگ سمندر مارے ٹھانڈا
کوئی نہ چل سکے تدبیر
رہے بیزار ہمیشہ چم
سائیں بخش توں کر اظہار

دیوے ہرنوں جلد آرام	توڑے ہر دی رتج تمام
نسخہ نسوار	
<p>سندھ، نگماں، مرچاں درڑا اک دا دودھ اتوں تروا کوزے وچ گل حکمت کر خوب طرح لے اس نوں ساڑ ایویں اس نوں دیہ نسوار مرگی رتج والی نیان</p>	<p>گھت کوزے وچ، اک چوا دھپے رکھ کے خشک کرا وچ انگلیٹھی اک لے دھر پیہہ کے رکھ بل وچ نسوار رہے نہ سردی رتج آزار جاوے استھوں چھوڑ مکان</p>
نسخہ نسوار	
<p>جڑ اک دی چھل لہا گل حکمت کوزے وچ ساڑ سبب سردی رتج بلغم باد دیہ اس نوں جلدی نسوار بالیوں گھوٹ کے لیپ کر ایہ بھی ٹوٹکا ہے آزمودہ یا لسن دا کرد طلا زفیون وچ رگڑ شراب</p>	<p>اک دا دودھ اس وچ پا پیہہ کے خوب بنا نسوار ہر دا درد جے کرے فساد ہوے رتج دا درد قرار ادرک دا پانی وچ پا درد رتج تھیں کرے آسودہ دیوے رتج دا درد گوا لاویں جاوے درد شتاب</p>
نسخہ نسوار مجربہ	

پکار

دید

مقام

پاء

بت

گوا

ندام

م پلا

عام

متعال

ونگیر

مٹھا

تدبیر

چشم

ر انظار

<p>تیریاں پوست کر ہمراہ شامل کر اوس نال حکیم ہر اک تیرے تیرے ماشے پورا رہے نہ سر دا ذرا آزار</p>	<p>بنج لونگ، پنج مرچ سیاہ کیسر خالص، اصل افیم کا پھل، کندش صندل بور پیپہ کے دیہہ اس نوں نسواں</p>
--	---

بیان درد شقیقہ

<p>ادھے سر نوں رہندا سوگ ادھا رہے آسائش وچ دساں تیرے آدے کام ہک ہک ماشہ قدر حکیم پانی تھوڑا جیسا رلا رون ادھ کر چمڑا دیوے اُسے وقت آرام وقت حاجت دے کریں ضرور کیسر، مشک کا فور حکیم درو اُتے جھب کر د طلا</p>	<p>درو شقیقہ مندا روگ پیڑاں نال ادھا سر زچ لوٹکے ہک عجیب اقسام کیسر، سیکر گوند، افیم سٹنڈھ دی گندھی نال گھسا درو والی جگہ پیچھوا عصابہ، ہلال درد تمام کچی کاغذی ایہ مشہور کا ہو، بذرا بنج، افیم سر کے دے دچ خوب گھسا</p>
---	--

نسخہ نسوار

<p>تیریاں پوست کر ہمراہ پیپہ کے دسے ناسیں نسوار قائدہ بہت نہایت پایا</p>	<p>سٹنڈھ، نشادر، مرچ سیاہ وزن برابر دارو چار بہت دفعہ اس نوں آزمایا</p>
--	---

طلا مجربہ درد ہر قسم

اک دا دودھ افیم گھسا درد والی جگہ تے رکھ پلاں سردا درد ریاجی نوشادر سیل تے رکھ گھسا چاہڑو ناسیں نال وقوف فرنی اُس نوں نت کھوا	پنبہ روں دے نال لگا فوراً فائدہ نہیں پرکھ پادیں استھوں جلد رانی پینچ بوند پانی وچ پا ہو دے فوراً درد وقوف نال شیرہ خشتاش پکا
--	---

نسخہ فرنی مقوی مانع

ترے توئے خشتاش سفید راتیں پانی وچ پوسا کپڑے دے وچ صاف کرا نشا ستہ لے چھٹا کی آن نشا ستہ جد ہو جاوے لال فرنی کہ اس طرح تیار جیکہ کوئی ہو سبب سبب صفرا شقیقہ درد موافق خلط جلاب کرا	مغز بادام تولہ گھت وید فجری گھوٹ شیرہ کڈھوا ادھ پاؤ مصری نال بلا ادھ پاؤ گھیو وچ کر بریان شیرہ جھب اس دے وچ ڈال کھا دے نت نہ رہے آزار موافق طبع دارو کر جھب ہو دے رنگ ہو جائے سرد کل صفرا خارج کرا
---	--

پچھوں اُس نوں سرد نقوع
دو ترے ہفتے رکھ شروع

صفت نقوع سرد

اصلی سچے پھل گلاب کاسنی، انبلی دارو چار بنفشہ چھ ماشے گھت رات پانی دج تر کردا ترے ہفتے ایہو کار	چھل زرد ہریاں میل شتاب ہر ہک تولے دا مقدار میل سیاہ آلو دج گھت فجری مصری ڈال پلا دیوے سردا درد اُتار
---	--

بیان درد عصابہ

درد عصابہ مرض خراب بھروٹے اُتے ہووے پیڑ شروع ہووے چڑھدے دینہ نال رہے آرام ساری دج رات مشہور ہندی دج دینہ بھارا سخت پیڑ ہوش برلاوے پیدا ہوندا بعد زکام حاررت فضلہ دج مل جاوے رینش گرم بھروٹے دج کر دا درد نہایت تنگ دو ہفتے اس دی میعاد وانگوں داری والے تاپ	دیوے سرنوں سخت عذاب پہونچے تنگی بہت سریر گھٹے سورج جد پھڑے زوال ہووے صبح شروع بد ذات نام اس دالیندا جگ سارا ڈھائیں مار روگی کرلاوے سڑکے فضلہ فاسد خام فاسد ہو کے شور مچاوے داخل ہو کے کہ دی زنج وانگ اٹھوئیں مارے ڈنگ وت ہو جاوے دفع فساد چلا جائے مہلت تے آپ
--	--

دھنیا، کاسنی، نیلوفر
 چھ چھ ماشے وزن تمام
 بنفشہ شربت نیلوفر
 کیسر، کیکر گوند، افیم
 درد والی جگہ پچھوا
 مُشک کافور افیم ملا
 روگی دے وچ نک چڑھا
 دھنیا، صندل، مُشک کافور
 ڈنڈے کوٹھے وچ گھوٹا
 متھے اوتے لیپ کرا
 افیم بقدر مسور گھسا
 کرے دفع جھب سردی پیر
 سرکہ مُشک کافور ملا
 گرم پانی دی کرو نطول
 بسبب لہو بے ہووے پیر
 فاسد خون دی اے نشانی
 ہر جیلے اُس کڈھو رت
 شربت دیہہ عناب پکا
 گرم غذا نہ ہرگز کھا دے
 جیکر رت تھیں ہووے پیر
 دساں اک میں عجب دوا

بنفشہ گل نوں شامل کر
 نقوع پلا صبح تے شام
 فجرے شام پلایا کر
 پیہہ کے پانی وچ حکیم
 روں آلودہ کر چمڑا
 گل روغن دے وچ گھسا
 دیوے جلدی نفع دکھا
 تخم کاہو وچ میل ضرور
 پوست دا پانی وچ پا
 دیوے اُس نوں رب شفا
 میل روغن گل کرو طلا
 رکھے حکم وانگ اکسیر
 شیشے دے وچ گھت سونگھا
 فائدہ بخشے بہت رنجول
 متھے وچوں چھڈیں سیر
 سوزش، سُرخ وچ پیشانی
 عصابہ درد نہ ہووے وت
 خون گندہ سب کرے صفا
 گرم درد نوں ضرر پہنچا دے
 بادی بلغم وچ سریر
 دیوے رت دا درد ونجا

اگ دا دودھ افیم گھسا درد والی جگہ تے رکھ	آلودہ رُوں دے نال کرا فوراً فائدہ لئیں پرکھ
---	--

صفت گل روغن

گل روغن دا کراں بیان ادھ پا سچے پھل گلاب فجرے دو ترے چار اُبال کپڑے وچ گھت صاف کرا پاک لے کے مٹھائیل نرم نرم ہیٹھ اگ جلا کر کے صاف شیشے وچ ڈال مانش کر ہر روز ضرور آکھن ایس نوں روغن گل تازہ سچے پھل گلاب دھپے چالی روز رکھا	بناون جس دا بہت آسان رات پوسا وچ تر کر آب دے کے کل اوس خوب کھال وچ کڑا ہی پھیر جوش دونویں وچ کڑا ہی میل جل جاوے پانی ترت لما وقت حاجت کر استعمال خشکی کوئے بدن دی دود روغن نہیں کوئی اس دے تل تیل مٹھے وچ ڈال شتاب آفتابی روغن کمن حکما
--	---

بیان سرسام دموی

سخت مندی زحمت سرسام علامت دموی لئیں بچان اکھیں سرخ نہایت لال تاپ نہایت ہوئے زور	تاپاں اندر ہووے عام جھپڑے اس دے خاص نشان مطبقہ تاپ ہوئے اس نال دیوے قوت بدن ترور
--	---

<p>خون گندہ سر نہل چڑھیا جائے قائم رہن نہ ہوش حواس بھارا سر ہا سنا اس آدے کرے بے ہودہ بات کلام جھب دے اس دافصد کرا دو کناں ، موراں پلینا نوچ پچھوں اوکس تیلیں کرا مادہ خارج کرے تمام شربت رنت پلا عناب</p>	<p>پہرہ مغز ورم کر جائے دُور ہو جاوے فکر قیاس دھج بے ہوشی تاپ بڑاے دفع ہو جاوے عقل تمام سرا روئوں نشتر لا پچھاں والیاں سنگیاں کھج دیوے دکھ سرسام و نجا رفو چکڑ ہووے سرسام کرے صفا سب خون خراب</p>
--	---

ترکیب شربت عناب

<p>دس تولے آلو نویں سیاہ بنفشہ ، کاسنی ، نیلو فر دو سیر پکا پانی پا فحری چوٹے چاہڑ اُبال نل کے پن کے صاف کرا ترے پا مصری لیا سفید جد اوہ شربت چھڈے تار دو ترے تولے صبح پلا شربت چالی روز بے پیوے صفرا دی خالص یرقان</p>	<p>عناب برابر کر ہمراہ دو دو تولے شامل کر رات دوا سب رکھ پوسا ادھار ہے تاں لاء سمہال مڑ دیگی دھج گھت جوشا داخل کر اس سے دھج وید اگ تھیں جلدی نال اُتار وقت شام پانی دھج پا گندہ خون صاف سب تھیوے مطبقہ ، محرقہ دوکھ خفقان</p>
--	--

پھوٹے پھنسیاں گرم بخار	دفع کرے سب گرم آزار
پھیر بنا جے ہووے لوٹ	دیوے گرمی جگروں توڑ

در بیان سرسام صفراوی

صفرا تھیں جو ہووے سرسام	فرائیض خالص اس نام
محرقة تاپ چڑھے اس نال	حالوں بہت کرے بد حال
تاپ محرقة والی زہر	جادے وجہ جسم دے ٹھہر
سرکن زرد اکھیں دارنگ	تلخی تریہہ کرے اس تنگ
صفرا بدن وجہ پلے شور	چڑھیا سرنوں دے کے زور
جائیکے سرو وجہ کرے جکار	دیوے سردے پردے ساڑ
تیز بخار نہایت گرم	پیدا کرے مغز وجہ ورم
جدوں خدا دا ہووے قہر	ایہ صفرا بن جائے زہر
پیدا ہوندا معدے وجہ	کردا بہت طبیعت زہج
معدیوں سرنوں چڑھے بخار	پردے پردے نیندا مار
آچویں کھٹن کرے خوار	بہت طبیعت ہوس بیزار
ہووے زردی رنگ زبان	خشک ہو جائے حلق دہان
نیند نہ آوے دن تے رات	ہوش عقل دی کرے نہ بات
زور کرے موزی صفرا	دل نول ہووے بہت گھبرا
عقل ہوش نپ لیندا مار	اٹھ اٹھ نئے باہر وار
وجہ بے ہوشی کرے براٹ	مکھنہ پکے جبھہ جائے پاٹ
اکھیاں دی جد لگے تاڑی	بیکتی اُس نے موت تیاری

جو اس نون کن مہلا دے	بویا اس تون مول نہ ہلے
دیہ تون اس نون بچہ دوا	بہتا مثل قیاس دورا
تلیین ادس نقوع پلا	خارج کر مودی صفرا

صفت بلین نقوع

چالی دانے آٹہ سیاہ	ادمہ انہلی کر ہمراہ
پانی وچ نقوع کرا	کل کے پانی صاف کرا
کاسنی دو تولے منگوا	بنفشہ گل تولہ ہک پا
مغز کدو تولہ ہک گھت	گلکند ڈال تولے وچ ست
ڈنڈے کوٹھے وچ گھوٹا	نقوع والا پانی وچ پا
کر کے اس نون خوب صفا	چھٹاکی انہلتا س رلا
چھاننی وچ مڑ کر کے صاف	دیہ تقصیر کرے رب معاف
وچ بے ہوشی سپی نال	تھوڑا تھوڑا منہ وچ ڈال
دن وچ دو تولے وار پلا	فاسلہ ہک ہک پر کرا
جد اسہال ہو دن اس جاری	زائل ہووے کل بیماری
رفع ہووے مودی سرسام	جاوے سر دا چھوڑ مقام
بید مشک تے عرق گلاب	مصری ڈال پلا شتاب
کاسنی خرفہ گھوٹ پلا	سکنجبین دے نال پلا
آٹو، انہلی رات پوسا	فجری مصری ڈال پلا
بنفشہ، شربت نیلو فر	کیوڑہ رلا پلا کر
آتش جواں دی لے ضرور	کرے جیکر روگی منظور

گل روغن گودا گھیٹو پا جے ہودے جھب فصد کرا کٹاں پچھے موران روچ دیہہ چادل کچھڑی تری پکا جیویں طبیبان دا دستور گھوٹ عناد کرا دیں دید	مالش برستے خوب کرا مرکب خون نال صفرا پچھاں دالیاں سنگیاں کچھ جدادہ خواہش کرے غذا پاشویہ نخلخہ کریں ضرور بہر نول کر ہر وقت طلا
--	--

ترکیب شربت بنفشہ

صفراوی مرضاں دے دیکار مصری خالص تونے سمٹ رات بنفشہ رکھ پوسا ادھا لہے تل صاف کرا میل اتوں شربت دے لاء کراستعمال معج نے ختام ترہیہ موافق پانی پا	بنفشہ شربت کریں تیار بنفشہ گل لے تونے اکھڑ دو سیر پچا پانی پا فجری اس نول خوب جوشنا مصری ڈال توام پکا پکے اس دا جدول توام شربت دونوں وقت طلا
--	--

ایہہ شربت ہر دل منظور
دوچ حکیمان دے دستور

صفت شربت نیلوفر

شربت نیلوفر پکا ترے جھٹانک نیلوفر گل	جیویں حکیم گئے فرما باہجہ ڈوڈیاں ہون پھل
---	---

رات کرو پانی دج تر تل کے پٹن کے صاف کرا مٹو دوبارہ چوٹے چاہر جدوں کے قوام اس آ بھٹنڈا کر بوتل دج ڈال تو لے ترے دو وقت پلا ایہ شربت دونوں اکسیر حکیم ادبہا نزل بہت کماون	خوب جو ش اس وقت فجر ترے پا پکا مصری پا تال نرم آگ دے کاہر آگ بھیں لہ کے ہیٹھ دھرا حاجت وقت پلا فی الحال ترہ یہ موافق پانی پا استعمال پتیاں دج پیر تا پاں دے دج نفع دیکھاون
--	---

صفت نخلیہ

نخلیہ فائدہ مند سرسام عرق گلاب تو لے دس بھال ہک چھٹائی سرکہ تیز دھنیا چٹا، صندل بوڑ چھ ماسے مشک کافور ملا شیشی دو ترے دار پلا	ورتن جویں طبیب تمام موندہ چڑی شیشی دج ڈال دج عرق دے کریں آمیز ہک ہک تور میل ضرور موندہ شیشی سے ڈاٹ چڑھا روگی نون ہر دقت سونکھا
--	---

بیان سرسام بلغمی

بلغمی جے ہو دے سرسام لازم تپ اس ہے مدام سر بھارا اس عقل زوال	یشتر عش آکھن اس نام اکو جیہا صبح تے شام رہے نہ ذرا سرت سہمال
--	--

گھوکی، کُستی بہت بیہوشی
 نبض، قارورہ کریں شناس
 بلغم والے سب نشان!
 قارورہ ہوس رنگ سفید
 منضج پنج ست روز پلا
 پچھوں دے مہل دازور
 مرکب نال جے کرے صفرا
 سرتے ردغن گرم ملا
 یک پائے روٹی خوب پکا
 گرم جگہ دھج ادس رکھا
 چوزہ مرغ پکا کے خوب
 زیرہ، دارچینی دھج ڈال
 سحون فلا سفد بنت کھوا

رہے حیران زبان خموشی
 بہت دوڑاویں عقل قیاس
 نال علامت کریں پہچان
 جے خالص بلغم ہووے دید
 کچی بلغم خوب پکا
 مادہ بلغم کدھ پخوڑ
 مرکب مہل ادس کرا
 دیوے سردا سرسام دغا
 تیل مٹھا گھت تڑت بنھا
 جتنے سرد نہ لگے وا
 دیہہ جے کرے غذا مطلوب
 کھاوے شورہ روٹی نال
 ہفتے تک رب کرے شفا

بیان سرسام سوادی

سرسام سودا خفیں کرے ظہور
 ہوش عقل نہ رہے آسودہ
 ردوے بہت ڈرے دھج خواب
 صفرا جے نال ہووے ہمراہ
 صفرا خفیں جو غلط سڑھاوے
 بدنوں سرنوں چڑھ کے ساڑ

اڈ جادے پھرے دا نور
 سخن کلاماں کرے بے ہودہ
 دھج بے ہوشی کرے پیشاب
 کرے طبیعت بہت تباہ
 غیر طبعی سودا بن جائے
 دیوے سردی طبع بگاڑ

نشان
 مؤد
 نبض
 ایہ
 مرکب
 شر
 شر
 بید
 جے
 جیکر
 آو
 مالش
 گاؤ
 مرکب
 حیدر
 روغن
 سفید
 کشمش
 کھاو
 جو
 ہور

نشکی بہت کرے اُس زور
 موندھ تک تاؤ خشک ہو جائے
 نبض سخت کر دی باریک
 ایہ سودا بڑا کم بخت!
 مرکب خون جے نال سودا
 شربت خالص گھاؤ زبان
 شربت نول کر خوشبودار
 بید مشک دا عرق پلا
 جے اُس تلخی بہت تریہ
 جیکر ذرا نہ آوے کھنگ
 آؤ، انبلی، ترشش انار
 مالش کر روغن بادام
 گھاؤ زبان دا اصلی عرق
 مرکب مسهل دیہ تلیٹین
 بد دفع ہووے تپ تے سرسام
 روغن دار کھوا غذا
 سبب جیکر سٹریا سودا
 کشمش سبز نارنج انگور
 کھاوے کھنڈے ترشش اچا
 جوشے پیدا کرے سودا
 نور گرم خشک جو ہووے تیز

وانگ سودا یاں پافے زور
 رنگ سیاہ چہرے بدلاوے
 سبز سیاہ قارورہ ٹھیک
 دیوے دکھ بدن نول سخت
 سرارو دا قصد چھوڑا
 نت پلا ردگی نول آن
 روح کیوڑے نال سنوار
 عرق گلاب خالص روح پا
 سکنجبین سادہ اُس دیہ
 ترشش نقوع پلا سنگ
 نقوع کر کے دیہ نت نہار
 گوکا گھیو ملا کے عام
 کڈھ پلا جھب ہووے فرق
 دو ترے داری نال یقین
 مکھن دے صبح تے شام
 فالودہ، سیویاں چرب پلا
 انار، انبلی، سنگترے کھوا
 دیہ ہو جائے سودا دور
 کڈھن ہا بر سودا نول مار
 نیڑے اُس دے مول نہ جا
 بالکل کر استھیں پر سبز

جیوں کہ باجرہ مٹر چرال جوار کی، جیوں مس اناج نیرے اُس دے مول نہ جاوے سکنجیں بزوری نت پلا ہتھیں آپ بنا ضرور	مسور وینگن جیوں مرچاں لال ہووے جس دا خشک مزاج کھن، گھیو گوکا نت کھاوے دیوے ساڑ سودا و نجا ہتی والے نہیں منظور
--	---

صفت سکنجیں بزوری سرد

بنا سکنجیں بزوری سرد تخم خیسرہ خربوزہ بیا تخم کھکھڑی نال پلا حسام دستے وچ خوب کٹا صبح اگ تے خوب جوشا ترے پا پکی مصری ڈال سرکہ پا پکا وچ پا پک توام ہووے جہ تیار خوب طرح اس سرد کرا نت پلا پانی وچ گھول مادہ جگر کرے ادراہ ضعف جگر، پیلاہرقان	ساڑ سودا و نجاوے جلد کاسی، جڑھ کاسی کٹ پا پنج پنج تولے کل دوا رات پانی وچ تر کرا کل کے، پن کے صاف کرا مڑ کے دد ترے دے آبال چنگی طرح توام پکا اگ قہیں جلدی نال اتار صاف بوتل وچ رکھ ٹیکا دیوے سڈہ جگر کھول راہ بول دے کڈھ باہر نسن استھوں چھوڑ مکان
---	---

مرضاں واسطے جگری کل
شریت نہیں کوئی اس دے تل

ماشرا
خون گر
رنگ
بعضیا
اصلی
تلمنی
سرکین
پہلاں
چھڈیں
پھر جے
خارج کر
پھر تول
بنفشہ
نو داے
راتیں پا
مصری
جے قبض
پلا اس
گھیو گوکا

بیان مرض ماشر

ماشر مرض بڑی ہلک سہت
خون گندہ وچ آوے جوش
رنگ سُرخ لال ہو جائے
بعضیاں نوں ہووے تپ نال
اصلی شکل چہرہ بدلاوے
تلخی ہوس دل گھبراوے
سُرکن بہت بدن فوج ساسے
پہلاں جھبے کرے توں فصد
چھڈیں اس دی رگ قیفال
پھر جے حاجت آوے آ
خارج کر کے گندہ خون
پھر توں اس نوں کر تیرید
نفش ، کاسنی ، نیلوفر
نودانے آؤ ، آٹھ غناب
رائیں پانی وچ پوسا
مصری اس دے وچ ملا
جے قبض شکم دی کرے خراب
پلا اس نوں شربت غناب
گیو گوکا اس بہت کھوا

موت نہ ہر سوچ کرے یکنخت
سر وچ جائیکے کرے خردش
گردن چہرہ چل جاوے
حالت بہت کرے بدطال
صورت نقش وضع بھڑاے
بھڑکے تریہ آتش لگ جائے
ضرباں چبکاں لین آجھاسے
پھرتوں کریں دوا دا قصد
ہلک دو داریں خون نکال
جوکاں ہلک دو وار لگا
جیہڑا جھٹے وچ زبون
سرد دوائیں نال تاکید
چھ چھ ماشے وزن قدر
سب دارو کر جمع شتاب
فجرے کل کے صاف کرا
شام صبح دو وقت پلا
دیہ اس نوں تلپین شتاب
کرے صاف سہن علن غراب
مت اس خشکی جاوے دھا

بیان مرض گنج سر

مشکل سخت بیماری گنج
 اکثر لڑکے چھوٹے بال
 گئے چھوٹے سر آزار
 مواد گندہ سر وچ جولاے
 پاک و گے آوے بدبو
 خارش بہت پادے برلاٹ
 پینسیاں سر وچ کھکھر رنگ
 گل گل جھڑ دا سردا ماس
 دساں میں ہک عجب دوا
 ہندی گندر پھل انار
 مرد اسنگ بھس کتھ نپال
 ماجو نیلا تھوٹھا آن
 وکھو وکھتی کھل کرا
 کر کے سب دوا باریک
 میل دوا کر کپڑ چھان
 لے کے تھوڑا جیہا دوا
 گنج اُتے نت کرد طلا
 جیکر دمری ہودے گنج
 جوکاں لا برتے بھر پور

کئی سالوں تک دیوے رنج
 اُس دکھ نال ہودن بد حال
 بہت مدت تک کرے خوار
 خارش نال روگی کرلاے
 نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو
 سر کن درد گھٹے کھڑلاٹ
 نرہاں چبکاں مارن ڈنگ
 سر سارے دا ہودے ناس
 دیوے سردا گنج و نجا
 ہک ہک تو لے دا مقدار
 چھ چھ ماشے لے وچ ڈال
 ترے ترے ماشے کر بیان
 سب دوائیں جمع کرا
 مثل غبار ہو جاوے ٹھیک
 خوب طرح کر کے ہک جان
 گل روغن سر کے وچ پا
 دیوے اُس نوں رب شفا
 گندہ خون پہنچاے رنج
 دو تن دفعہ نہ رہے قصور

چھل ہریڑاں نرد سیماہ
 چرائستہ موندی انبرول
 وزن برابر سب دو
 چھ ماشے نت پوسا نقوع
 ترے ماہ تک کر استعمال
 جے بلغم دا ہووے زور
 موذی بلغم شور مواد
 بلغم شور پھرے سروچ
 مرکب مہمل کر کے تیار
 مادہ فاسد دور کرا
 نپال مسر، آملہ آن
 سبز توتیا کر بریان
 کیسلہ تول نال ملا
 تھوڑا نیل کوڑا وچ ڈال
 مواد سودادی جیکر آن
 مادہ گنج دا ہووے خشک
 ادھ پا گھیو اُس نت پلا
 جست ساڑیا تولے چار
 نیل تھوٹھا کر بریان
 ترے چھٹا تک گری دا نیل
 مریم گھوٹ مار بنا

پاپڑہ تم کرے ہمراہ
 صندل بور عناب اصل
 درڑ کر کے رکھ ہک جا
 مصری گھت کرائیں شروع
 دیوے اُس نوں فیض کمال
 صفرا نال رل ہووے شور
 جائیکے سروچ کرے فساد
 خارش کرے نہایت رنج
 کر تنقے دو ترے چار
 کر کے چنگی طرح صفا
 ہک ہک تول کر بہیان
 ماشے چار ملاؤ آن
 کھرے وٹے وچ خوب پسا
 کرو گنج تے استعمال
 سرے وچ کرے نقصان
 چھلکے وچوں آدے مشک
 خشکی اُس دی دور کرا
 دو تولے گھت آملہ سار
 ماشے ترے ملاؤ آن
 پیس دوا سب اس وچ میل
 دو ترے ہفتے نت لگا

بہت گنج نون دیوے سود چنبیل دھدر کرے نابود

نسخہ مجربہ گنج کہنہ

دیا بلیا عجب دوا سفید سہاگہ پھل کرا ناخن گھوڑے دے منگوا لے کے وال بکری دے ساڑ پیہہ کے چارے جمع کرا شتم گھوڑے دا تو لے چار پھلاں تیل اسی والا	دساں دیوے رب شفا ساڑ پڑانا چم ملا گل حکمت دے نال سڑا دزن برابر دارو چار تیل یا سر کے نال لگا گل حکمت کر اُسوں ساڑ اتوں اُس نون پیس لگا
--	--

در بیان مایخولیا

مایخولیا مرض سودا مادہ سڑیا ہویا سودا سردی جائیکے کرے فساد ساڑ سودا کرے جد زور رتج دا رنگ پھردا سردی خشکی سردی کرے فتور آفت پیار، محبت بدھ نیکی بدی نفع، نقصان پاک پلید، حرام حلال	عقل، فکر، بدھ رہے نہ کا داخل ہوندا سردی آ خانہ ہوش ہووے بریاد جاوے عقل ٹھکانہ چھوڑ کرے مغز نون ڈاڈا زج کرے دماغوں دانش دور ذرا نہ رہندی اُسوں سدھ پرگز ذرہ نہ کرے پچھان آوے نہ اس ویج خیال
--	--

بعض
سخن
نال غصہ

دودن

اپنے

بعض

بھوند

علامہ

جے

بعض

بھڑکا

حالہ

بعض

بولن

بہت

جھٹکے

مستے

بلغی

مزار

چار

جے

بعضے جوش غصے وچ آون
 سخن کلام بے ہودہ کرے
 نال غضب دے کڈھن گالیں
 روون پٹن تے کرلاون
 اپنے آپ کرن بکواد
 بعضے مارن ڈرن ڈراون
 بھوندے پھرے دینہ تے راتوں
 علامت ہے صفرا دا ساڑ
 جے دھوی ہووے سودا
 بعضے باتاں کر کر ہسن
 بھڑکن کڈن، پنجن گاون
 حالوں بہت ہوون بدحال
 بعضے رہندے وچ خموشی
 بولن آپ نہ کسے بولاون
 بہت کلام نہ ہرگز کرے
 جتھے رات پورے ڈگ رہندے
 تے گھوک رہن دن رات
 بلغمی ایہ سودا ہے وید
 مزاج طبع دی کریں شناس
 چار علاج سوداوی کل
 جے دھوی ہووے سودا

مندا بولن چوٹ چلاون
 مارن مرن توں مول نہ ڈرے
 اکھ اکھ نسن مارن چھالیں
 کپڑے پاڑ جنگل توں دھاون
 کر دے ہر اک نال فساد
 نال دیسلاں جنگ مچاون
 اپنے آپ کریندے باتاں
 جا سر دے وچ کرے بگاڑ
 رنگ پھرے دا سُرخ سیاہ
 چلن چال اوٹے نسن
 موراں دانگوں پیلاں پاون
 بہت طرح دے کرن پال
 کدی ہوش تے کدی بے ہوشی
 ہر یک پاسوں ڈر غم کھاون
 کل تکلیفاں سرتے جردے
 دھپاں، پالے سرتے سہندے
 نال کسے دے کرن نہ بات
 رنگ چہرے دا ہوس سفید
 کر کے چنگی طرح قیاس
 فصد، جلاب تراوت گل
 بہت دفعہ اس فصد کرا

ہے صفراوی ہووے مادہ
 ہے بلغم دا ہے سبب
 جیکر ہووے خشک سوتا
 طبع موافق کریں علاج
 چرنہ خلطوں دے خوب نشان
 و موسیٰ مادہ نظر ہے آ
 سرار و والے رگ چھڈ
 مرط پیشی دے وقت کھلائیں
 فاصد دے کے دوترے وار
 پچھوں اس نون کر تبرید
 عناب ولایتی آلو سیاہ
 بنفشہ صندل نیلو فر
 میلو ایہ دوائیں چار
 کر کے پانی وچ نقوع
 شربت صندل گھاؤ زبان
 شربت زنت پلا عناب
 ہے صفراوی ہووے مادہ
 بنفشہ شربت نیلو فر
 خوب کلاں تے تخم بارنگ
 شربت زنت انار پلا
 بید مشک تے عرق گلاب

اس نون کر تبرید زیادہ
 کر تنقیہ اس نون مجب
 تراوت اس نون بہت پہنچا
 خوب کیفیت سمجھ مزاج
 نال علامت لیں پچھان
 اقل اس دہ قصد کرا
 ترے یا قدر لو دا کدھ
 اوے رگ نون چا پلائیں
 موافق طاقت چھڈو ناڑ
 شربت سرو نقوع سفید
 پنج پنج دہنے کر ہمراہ
 گھاؤ زبان وچ شامل کر
 ترے ترے ماشے دامقدار
 مصری ڈال کراؤ خردق
 زنت پلا روگی نون آن
 کرے مصفا خون خراب
 کرے بیہودہ گوئی زیادہ
 زنت آٹھ صبح پلا یا کر
 شربت نال پچکا نسک
 گھاؤ زبان دا عرق پلا
 زنت آٹھ فجر پلا شتاب

عرق کیوڑہ شامل کر
 سودا جیکر صفراوی ساڑ
 ہر ہفتہ دیویں تلیئیں
 چالی روز کر استعمال
 تراوت اُس نول بہت پہنچا
 بنفشہ روغن مالش کر
 بنفشہ نیلو فر جوشا
 بکری دا دودھ ہنت پلا
 تخم بنگو، ایسبغول
 شربت گل ہلہل جے پیوے
 مربہ آملہ ہرڑاں سیدب
 جیکر کھنگ نہ ہووے نال
 آلو، انبلی، تخم انار
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 گھنجدے گل ہلہل دی کھاے
 گل ہلہل دا پیوے عرق
 سہجے سہجے کریں دوائیں
 پنج پچھ ماہ تک کریں علاج
 بلخی جے ہووے سودا
 ہے مریض مدام غموش
 صفرا نال بلغم سڑ جاوے

مصری ڈال پلایا کر
 کرے نہایت بہت بگاڑ
 ماء الجبن کر نال یقین
 دیوے مرض سودا نکال
 مصری مکھن میل چٹا
 دن وچ دو ترے دفعہ مقرر
 سرتے ہنت فطول کرا
 مصری تھوڑی جیہی پلا
 دونویں اس دن گھول
 بہت شتابی چنگا تھیوے
 کھاے ورق چاندی کر زیب
 ترش چیزاں کر استعمال
 آملہ دیہہ نقوع کر تیار
 ایہہ نقوع اُس ہنت پلا
 مرض سودا نول نفع پہنچاے
 بہت شتاب ہووے اُس فرق
 نال شتابی ناہ گھبرائیں
 تہاں ہووے تند دست مزاج
 دیوے عقل قیاس و نجا
 کدے ہونی تے کدے بیہوش
 بلخی اوہ سودا سداوے

<p> سُرمِ بلغم ہو جاوے نشور سودا سردی جگر کے ظہور دیوے جود سودا اُس زور ہوشِ بدھ سب جاوے ماری گلِ سر اس سے وج لگا جذاب موافق طبع مزاج ہفتے بعد ملین کر گرم نہ اس نول کریں جلاب رطوبت دار کھوا غذا لستی مرچاں مس اناج خشک چیز تھیں کر پرہیز سرخے رت مالش کروا سرتے ملیں بادا مال تیل بنفشہ شربت رت پلا </p>	<p> جا سردے وج ہووے زور اڈ جاوے چہرے دا زور جاوے عقل ٹھکانہ چھوڑ کردشتانی اُسدی کاری جیو لوٹا پیچھ لوا! دے کے کر سودا اخراج اندر اُس دا کر کے تر مرت ہو جاوے طبع خراب مکھن دودھ مصری وج پا دیون بہت بگاڑ مزاج بہت مدت تک رہے گریز گلِ روغن، گوکا گھیو، ملا بنفشہ روغن لے وج میل نیلو فر دا نال ملا </p>
---	--

صفت شربت صندل

<p> شربت صندل دی ترکیب پندراں تولے صندل بُوڑ خالص سیر گلاب دا عرق فجے کل کے صاف کرا دے کے پنج چھ ست اُبال </p>	<p> سمجھ عقل دے نال طیب چنگا اصلی نہیں ضرور بات بُوڑہ کر اُس وج عرق مُڑ پانی وج گھست جو شا اگ تھیں اُس نول لاء فی الحال </p>
--	--

مل کے کپڑے دج پھنا توڑے پا پکا مصری گھت ٹھنڈا کر بوتل دج پا مائیٹولیا ، دکھ خفقان	دونویں پانی دیہہ بلا تار دالی پکواویں پت وقت ضرورت کدھہ پلا پیوے جادون چھوڑ مکان
--	---

صفت شربت گاؤ زبان

لے دس تولے گاؤ زبان راتیں دو سیر پانی ڈال ادھا رہے مل صاف کرا چنگا خوب پکا توام خفقان ، غشی سودا مراقی شربت دونویں رت پلا	سُتھری کر کے نال دھیان فجری اٹھ کے خوب اُبال سٹھ تولے مصری دج پا پیوے رت صبح تے شام جادون ہو علا جوں ساتی بخنے اُنہاں رب شفا
--	---

صفت ماء الجبن

بکری لوسی جوان منگا سیر پکا ہک دودھ چوا دیویں ادھا دودھ کھیا دو تولے دج سرکہ ڈال بد پٹیاں بن جائے دودھ پٹیاں بدن اُتے ملوا دودھ والا پانی سرد کرا	چارہ ٹھنڈا سرد کھوا دیچی دے دج گھت جوشا لکڑی نال انجیر پلا دیویں دو ترے ہو اُبال کپڑے دج صفا کر سُدھ گھیو تھوڑا جیہا دج بلا مصری اس دج ڈال پلا
---	--

ملین دیہ ہر ہفتہ وار

چالی روز کر ایہو کار

صفت شربت گل بہل

نہیں دوا کوئی ایسے تل
بجربہ کاراں دا فرمایا
بید مشک دج ڈال شتاب
ہک ہک سیر پکا مقدار
عرقاں دج شربت پکوا
شربت دانگ پکا دے پت
مائیویا مرض دنجادے
دوجی داری کرو تیار

مجبرب شربت گل بہل
نسخہ یاد مجرب آیا
عرق کیوڑہ عرق کلاب
رس بنوا ایہہ دارد چار
دو سو پھل بہل منگوا
سیر پکا دج مصری گھت
شربت دوئیں وقت پلاے
جیکر باقی رہے آزار

صفت گلقد گل بہل

بہت نہایت فائدہ مند
مائیویا مرض دنجادے
دو سیر مصری گھٹ رلا
دھپے ہفتہ رکھ سہماں
دشاں پورے جے حاجت آن
کریں تلاش نہ ہو دیں زنج

بنا گل بہل پی گلقد
وزن چھٹانک دوئیں کھاے
پنج سو پھل بہل منگوا
گل کے خوب ہتھاں دے نال
گل بہل دا پتہ نشان
امرت سرے باغاں دج

ایہہ درخت دج ہندوستان
بہت ہر دے دج یاغستان

صفت گل دوا

گل لگا دن دی تجوہ جمال گوڑ دانے ترے چار تالو اُتے پیچھ لگا لے کے پھیر دھچھے دا بول تیلی اُتے رُوں لپیٹ جدوں گل خشک ہو جا سُت اٹھ دینہ تک تر کر جیکر گل گرے ادہ ناہیں اکھویں نالویں نیں اُتار دو ترے پھاہ دن وچ لا	سائیں بخش ہُن دس تمیز ہل تے گھس گو تر وچ ڈار رُوں آلودہ کر چمڑا رکھ ٹکائیے اندر کول وچ بول دے دیویں سیٹ نال تیلی دے تر کر خوب طرح اُس لے گڑا دوبی واری پھیر لگائیں پھیر لگاؤ گکیو گوبک ساڑ دیوے جھیدے زخم چھوڑا
--	--

بیان مایجو لیا مرقی

بک مایجو لیا ستم مرقی پرودہ شکم تھیں اٹھ بخار او قتل جاوے سرے وچ یا کوئی کرے نہایت غم ایں سببوں اٹھے ساڑ سُست طبیعت منو جھان اختلاف اُس ہو دے نبض	پرودے رہے شکم وچ عاتی چا دل نوں دیوے پھر کار کرے حواس دماغی زچ یا پہنچے صدر سخت الم کرن حواس دماغ بگاڑ چپ چاپ تا رہے حیران کرے ہمیش شکایت قبض
---	---

خوشی نہ اُس نول آفے مول
 گھاٹا دل نول پورے دام
 کردا رہے اندیشہ غم
 اُدے دل ہووے بدخو
 دُکھا رہے غم وچ دن ات
 علامت نال پچھان مزاج
 قوت دل ، دماغ پہنچا
 گرم پانی دی کرو نطول
 بالون روغن رنت پلا
 مرض جیکر صفرا سبب
 ملین دو ترے کرو ضرور
 دودھ بکری دا مصری پا
 مکھن گوکا جے رنت کھاوے
 بہیدانے دا کڈھ لعاب
 مالش کر روغن بادام
 جو پچھے ، پچھے ہوئے مذکور
 شربت رنت پلا انار
 جے معدے وچ ہووے یخ
 جیکر گرم طبیعت ہو
 جیکر ہووے سرد مزاج
 انوش دارو جیکر رنت کھاوے

رہے غمناک ہمیش رنجول
 آدے نہ کسے وقت آرام
 کوئی نہ اُس نول سوچھے کم
 بھلا نہ اُس نول لگے کر
 عقل ہوش ہو جاوے مات
 طبع موافق کریں علاج
 انوش دارو اس رنت کھوا
 معدے اُتے رنت رنجول
 بنفشہ روغن لے وچ پا
 ہووے سرد دارو کر جھب
 معدیوں سب صفرا کر دور
 تازہ چوٹیکے رنت پلا
 مایخولیا خشک و نجاوے
 پیوے رنت گھت عرق کلاب
 گل روغن مل گھبو گھت عام
 اوہ بھی کر و علاج ضرور
 معدیوں دفع کرے سب ساڑ
 کہ نول چنگی طرح صبح
 دارو گرم نہ نیڑے ڈھو
 کہ نول اس دا گرم علاج
 بہت نہایت فیض پہنچاوے

ہو
 جو
 جو
 س

انو
 ایہ
 خف
 قو

انو
 لا
 مہ
 بیگ

کہ
 آ
 ف
 ز
 یہ
 م

ہور جو رتخ نوں دیوے توڑ جوارش کمونی روز کھوا جوین - پودنہ - سونف داق سکنجیں سادہ نال ملا انوش دارو اس نت کھوا ایں علاج جیہا نہیں ہور خفقان، سودا توں نفع پہچانے قوت دیوے، دل دماغ	کرے توں بہتی اس دی لوڑ پچھوں ترے اس عرق پلا میل پلا ہووے بھبھ فرق بعد معجونوں نت پلا! دیوے معدیوں رتخ اڑا دیوے رتخ معدے دی توڑ دل نوں قوت خوشی دکھاوے کرے روشن رنگ مثل چراغ
--	--

✓ صفت انوشدارو گرم

انوشدارو نسخہ لاثانی نسخہ ایہ بنا ضرور الہی دانہ، نگھاں کچور مصطکی موختا، پھل گلاب تنگر، جوتری کالی چھڈر کٹ، چھان کے سب دوا آملہ ادھک سیر منگا فجری دیگی وج جوشا زور لگا کل ہتھاں نال سیر بک لے کے چٹی کھنڈ مڑ کے دیگی وج جوشا	قوت بخنے دانگ جوانی کرے سودا رتخ والا دور کیسر، جاثفل، لونگ کافور دار چینی وج میل شتاب چھ چھ ماشے وزن قدر رکھ حفاظت نال مکا ترے سیر پانی گھت پوسا ادھا رہے تاں سرد کرا گودا چھاننی وج نکال کرے توں گودے نال پیوند خوب طرح اس لیں پکا
--	--

جد اوہ ہودے گا ہڑا آ راک وینہ روزہ خمیر اٹھا وزن اس دا دو تیرے شغل ماکیوں دج جے کرے قوام گرم انوس دارو اس نام دیوے معدیوں ضعف نکال زائل خوف کرے وسواس کرے نہایت قوت باہ قوت بخشنے دل ارواح جان	لاہ دارو سب دج ملا بعد اکیسویں روز کھوا بہت کھائے گھیٹو روٹی نال نسن سرد آزار تمام فرحت بخشنے بدن تمام ہضم طعام کرے فی الحال غم اندوہ کرے سب ناس دیوے دل دا ضعف و بجا دفع کرے غش دل خفقان
--	---

صفت شربت انار

شربت کرو تیار انار زائل کرے معدے داساڑ سیر پچا منگوا انار نل کے پن کے صاف کرا خوب طرح جد پکے تار ٹھنڈا کر بوتل دج پا	دفع کرے سب گرم آزار ہور جو مرضاں جگر بگاڑ پانی گھت تل خوب سنوا ترے پا مصری ڈال پکا اگ تھیں جلدی نال آتار وقت ضرورت کدھ پلا
---	---

صفت جوارش کمونی

جوارش کمونی کرو تیار دیوے ریح شکم دی توڑ	دفع کرے چھب بھس ڈکار دارو اسدے جیہا نہ ہور
---	---

نسخہ ایہ آزمودہ کار دار چینی، لنگ، مرج سیاہ پھل زرد ہرڑ، اجوین سدا ترے ترے تو لے وزن دوا بورہ ارمنی تولہ گھت تنگنا خالص ماکھیوں ڈال دارو اس دے درڑہ کر جوارش کوئی اُس دانام	سائیں بخش کیتا کئی بار پودنہ سندھ کرد، ہمراہ ڈالو اصلی پھل گلاب پنج تولے گلقتند ملا مدبرہ زیرہ تولے ست کٹ دوا ملا دوج تھال بہت بار یک نہ ہرگز کر رتج معدے دے آفے کام
--	---

صفت زیرہ مدبرہ

لے کے زیرہ خالص سیاہ راتیں سر کے دوج پوسا راتیں مڑ سر کے دوج گھت ایہ طریقہ کر ترے دار تو لے اُتے مڑ کر بریان	چھٹ پھوک کے صاف کر فجرے دھپے رکھ سکھا فجرے پھیر سکادیں وت چنگی طرح سوکھا ہر بار زیرہ ایہ مدبرہ جان
--	--

بیان دیوانہ عشق

ہم تم مایہ نولیا عشق فراق ادہ صورت ہوئے تاہ حصول کیتا اُس نول عشق دیوانہ دہم دیلاں فکر اندیشہ	کوئی صورت دیکھے ہوئے مشتاق دل دوج مائے شوق ڈنڈول گئی دانائی چھوڑ مکا نہ! مارے آپیں سرد ہمیشہ
--	---

دل وچ اگ عشق دی لاٹ کرے دیلاں تے غم کھا دے عشق دے وچ مارے ہوش دل تھوں سرنوں چڑھے بخار عقل ہوش جاوے اُس ماری جدناں معشوق ہووے ملاقات	وانگ سمندر مائے ٹھاٹ مقصد اوسنوں ہتھ نہ آوے جاوے چھوڑ کھکانہ ہوش رطوبت دیوے سمر دی سارا باہج معشوق نہیں اس فی کاری دفع ہو جاوے مرض آفات
--	--

مالیخولیا غمیہ

جے غم دا ہووے اسباب غم والے نوں خوشی دیکھا چنگے نویں لباس پہنائیں کسے شہرے وچ لے جا وچ عجائب چڑیا گھر عطر گلاب روئی لباس سوہنے خوب عجیب مقام جنگل وچ لے جا کئی بار شادی اُس دی چا کروا سیر کرادیں باغ بہار پھل چنبائے گل عباس نکھن تازہ فخر چٹا مقوی اوس کھوا غذا	مالیخولیا کرے خراب کرے خدا اُس جھب شفا رنگ برنگ اس راگ سنائیں تماشے نامک دے دکھا چیزاں عجب دکھایا کر چھڑکیں اُس دے وچ لباس شہراں وچ دکھا تمام کئی قسم دے کرے شکار بابے رنگ برنگ بجا جتنے پھل پھڑے گلزار رکھ ہمیشہ اُس دے پاس وقت شام دودھ پلا گوشت چانول چرب پلا
---	--

کیوڑہ میل پلا شتاب
ورق چاندی سے نال لگا

شرت صندل عرق گلاب
مرہ آملہ سیب کھوا

بیان مرض نسیان

چیتا بھل جاوے انسان
یاد نہ آوے دینچ خیال
دینچ قیاس نہ آوے بات
جاوے اُس نوں بھل شتاب
نسیان حکیم آکھن اس کل
وانگ سودائیاں پھرے حیران
پاؤں سرے دینچ خواری
دیوے سردی توڑ
آوے تیرے دینچ شعور
سورج برابر دارو ترے
چھست ماشے نت کھوا
کر تنقہ خوب سنوار
دے کے اوس معجون نجات
معجون فلاسفہ نت کھوا
اوتھوں ہو جلدے نسیان
نیلو فر پیدانہ آن
خبرے مصری ڈال پلا!

نام اک مرض دا ہے نسیان
سنیا، یولیا سخن مقال
مغزوں قوت ہووے مات
ہر مطلب دا سوال جواب
بات کلام جد جاوے بھل
پوے ذہن دے دینچ نقصان
اکثر بلغم تھیں بیماری
بلغم بادی پاوے نور
جے بلغم دی خاص قصور
عقر قرحا دار چینی لے
ماکھوں دینچ معجون بنا
دینچ مہینے دو ترے وار
پہلاں کر سردی اصلاح
کرے معدہ خوب صفا
جیکر گرمی کرے زیان
نقشہ خطی، گاد زبان
ترے ماشے رات پوسا

سبب ہے ہووے خشک مواد ظاہر باطن ترے پہنچا دماغ بدن اس دا کر تر بنفشہ روغن مغز بادام دو ترے دفعہ کر د تلکین خشک چیز ان تھیں کرے کنارہ لستی مرج نہ ہرگز کھاوے	جاہرے دج کرے فساد مد مال دوا غذا کھاوے مکھن وقت فجر سرتے مالش کرو دمام مادہ خارج کرو بعین نہیں باطل عمل ہو جائے سارا مرض نیباں اسے توڑ دھ جائے
--	--

صفت معجون نجاح

کرے مغز دی چھب اصلاح چھل ہر پڑاں نہ رد ملا آملہ مال کرو ہمراہ ہر یک دارو تولے دو ریوند مصطکی ڈالو وئید ہر یک تولہ وزن دوا ہر ہفتہ کر استعمال ہفتے بعد یک وار کھلا رہے نہ سرے دج قصور مڑ کے پھیر نہ پاؤں جھات	کر و تیسار معجون نجاح کابی ہر پڑاں دی چھل لاه چھل بیڑہ ہر پڑاں سیاہ اسطوخودوس بسفاج ہو سقمونیا ، غاریقون سفید تردی رب السوس ملا یگناں اس دچہ ماکھیوں ال دو تولہ بنت وزن دوا بلغم رضاں ہوں دور سردا درد نیباں سبات
---	--

صفت معجون فلاسفہ

<p>معجون فلاسفہ عجب دوا نیسان دوار لقوہ ادھرنگ دفع کرے تقطیر امبول کر تنقیہ ، ہفتہ وار دارچینی ، مگ مرج لے آ دراوند ، مدحرج ، مغز نارگیل چیتا ، عقرقرحہ ، سورنجان دو دو تولے کل دوا مویز منقہ تولے ست رنگناں ماکھیوں اس وچ ڈال تولہ ، تولہ ، وزن دوا قوت باہ نوں ہے اکیر پھرے ریاح معدے وچ عام رینگن ، گٹھیا ، پٹھ دا درد کچھ مدت کر استعمال</p>	<p>استعمال قریب حکم صرع ، کابوس ، تشنج ، کھنگ تور دیوے رنج دل دا حل مڑ دیکھیں اس دا اسرار چلغوزہ ، سندھ ، بالونہ پا آملہ چھل ، بہیرہ میل ثعلب ، مغز اکھروت ، خونچال کٹ چھان ، سب میل دوا کر کے صاف دیویں وچ گھت ہک چلیہ رکھ کمال بعد چلیوں بنت کھوا دیوے مدد وچ سریر قبض شکم وچ رہے مدام ہور جو ہون بیماریاں سرد جادن ہو سب خواب خیال</p>
--	---

بیان مرض دوار سر

<p>بھویں نظر وچ کل جہان اوس مرض دا نام دوار اندھیر اکھیں وچ جائے چھا قائم رہن نہ ہوش حماس</p>	<p>چرخے دانگ زمین آسمان بھوندا نظر آدے سنسار گریے زمین تے گردش کھا کم ہو جادے فکر قیاس</p>
--	---

روگ اس کو کہ نال حیران
 جو اس خمسہ ہو جادون مست
 ادیت آدن تے جی متلا سے
 جے بلغم رتیج کرے فساد
 جن کے رتیج جادے سر دوج
 سر نوں چڑھے دیوے جھڑناٹ
 مخالف رتیج سر دوج سر لاوے
 ایس سببوں چیزاں عام
 بلغم والے کل نشان!
 کر کے خوب شناس مزاج
 بلغم منضج نال پکا
 پنج چھ دینہ منضج کردا
 چار پنج تیتھے کر!
 فاصلہ ست ست روز دیوا
 حب ایارج دا مٹلاب
 کر کے اس دا بدن صفا
 دو ترے دفعہ جے تے کراویں
 ایس طور کر استعمال
 جے مادہ دہوی کرے جھاڑ

رہے ہمیشہ سر گردان
 ہوو سریر رہے تندرست
 کدے کدے اس قے بھی آئے
 فم معدے دوج رگے مواد
 روج نفسانی ہووے رتیج
 کناں لے دوج پوسے گھوکاٹ
 روج استھیں حرکت دوج آوے
 پھر دیاں آون نظر تمام
 نال علامتاں خوب پچھان
 پھرتوں اس دا کریں علاج
 مسہل دیہہ خارج کردا
 ستویں روز جلاب دیوا
 منضج دے کے خوف نہ کر
 اندر اوس دا تر کردا
 دیویں اوس بنا شتاب
 معجون فاسفہ نت کھوا
 بہت نہایت نفع اٹھا دیں
 دوار مرض چھڈ جاوے خیال
 پیدا ہووے مرض دوار

پاؤں گندہ خون فتور
 سرارد رگ چھڈ ضرور

جیکر بہت
 متھے
 کر کے
 شربت
 جے قبض
 سبب
 ٹنڈے
 دو ترے
 جیکر
 شربت
 سرتے
 سکجیہ
 دو ترے
 بہت
 دس کلہ
 ایہہ ترے
 سبب
 گولا
 جد ماد
 سرتے
 ادھر

جیکر بہت لمو دا زور
 متھے وچوں ناڑ ٹوکا
 کر کے خارج گندہ خون
 شربت اس انار پلا
 جے قبض شکم دی کرے خراب
 سبب صفرا جے مرض دوار
 ٹنڈے شربت سرد نقوع
 دو ترے دفعہ تلیئیں کر
 جیکر تیز ہووے صفرا
 شربت انبلی ترش انار
 سرے اس نوں ماش کر
 سکھیں دی تے کراویں
 دو ترے دفعہ مہینے وچ
 بہت جیکر ہووے صفرا
 دس کالے آلو ست غلب
 ایہ ترے دار و رات پوسا
 سبب جے ہووے خلط سوا
 گولا کھتن فخر کھوا
 جد مادہ ہو جاوے تر
 سرے ماش کریں بادام
 ادھ پا پکا گھیو بھنگار

پاوے وچ مغزے شور
 دو کتاں پکھے جوکاں لا
 جیہڑا جئے وچ زبون
 ہووے گندہ خون صفا
 ہیک دو کر تلیئیں شتاب
 وچ بدن ہووے اظہار
 کچھ مدت رکھ اس نوں شروع
 منفع دے کے موٹل نہ ڈر
 شربت ترش اس نت پلا
 نت پلا اس کر کے تیار
 روغن مغز کدو کدھ گھر
 یاد رکھیں مت بھل زجاویں
 تے کروا نہ ہوویں زنج
 ایہ نقوع اس نت پلا
 پنج آلو زرد ملا شتاب
 فجرے مصری ڈال پلا
 رطوبت اس نوں بہت پہنچا
 دودھ مصری گھت شام پلا
 مسهل دے کے خارج کر
 بنفشہ روغن مغز بادام
 پیوے نت نہ رہے آزار

کالی مرنج کٹ دو ترے گھت ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ حریرہ اس نول ت پلا	جر دوار دی سٹے پٹ ہک مثناسی دا فرمودہ دیوے خشکی مغز دغا
---	---

بیان حریرہ

حریرہ کراں بیان عجب چار تولے کنک دا چھان دیگچی دے دج گھت جوشا چار تولے گوکا گھیو گھت مٹ دیگچی دج گھت پکا اگ تھیں لاہے ہیٹھ رکھا جو خشکی تھیں ہیں آزار ہو دے جے خشکی تھیں کھنگ حریرہ ایہ پلا ضرور موافق اس دے طبع مزاج حکمت ہے عقل دی کار یک من علم تے دہ من عقل	مرض دوار دنجادے بھیب اگریاں ست باداں آن تل کے پُن کے صاف کرا تولے دو مصری دج سٹ تھوڑا جیہا جوش دوا ٹھنڈا کر کے ترٹ پلا ہوون استقوں جلد فرار اس نول ایہ پلا لنگ ضعف دماغوں ہو دے دور خوب سمجھ کے کریں علاج علم اُتے ناہیں مقدار یا بچہ عقل دے حکمت نقل
--	--

بیان شربت انبلی

شربت انبلی کرد تیار انبلی سیر پکا منگوا	دفع کرے کل گرم آزار دو سیر پانی دج پلوا
--	--

فجرے
چنگی ط
سردکن
ہور جو

مثن وق
سدر
جد مع
طبع مو
جیکر ہر
ہر جی
جے صف
کر اس
سکینجیر
ہتھیں
آو
سبب
بلغم دا

فجرے تل پن صاف کرا چنگی طرح پکا قوام سرد کن تریہ تلخی برقان ہور جو مرضاں جگر بگاڑ	مصری شہ تو روج پا پیوے رت صبح تے شام مرض دوار گرم خفقان دفعہ کرے معدے داساڑ
--	--

ابیان مرض سدر یعنی اندھالی

اٹھن وقت اندھالی آوے سدر بیماری اس داناں بد معدے روج پوسے قصوہ طبع موافق کرو صفائی جیکر ہووے خون زیادہ ہر چیلے اس فصد کرا جے صفرا تھیں ہووے پیدا کر اس نوں جلدی تبرید سکنجیں کر استعمال ہتھیں اپنی کر کے تیار آلو انبلی رات پوسا سبب جے ہووے سرد مواد بلغم دا بے ہووے نور	چلے چکر بھولی کھاوے آکھن کل حکیم تمام ہووے ایہہ کھکھ آن ظہور دیوے جھبے مرض رائی آوے نظر دھوی مادہ شربت رت عناب پلا ہودن خاص نشان ہویدا شربت شیرہ سرد مفید شیرہ کاسنی شامل نال شربت رت پلا آزار فجر پلا مصری دج پا معدے دے دج کرے فساد تنقیہ جیہا علاج نہ ہور
---	--

دو تہے دفعہ جے تے کرائے
سدر بیماری رفع ہو جاوے

پیش
فرمودہ
ونجا

بھیب
آن
فدا کرا
سٹ
دوا
ن
پلا
فرار
سنگ
دور
علاج
مقدار
ت نقل

آزار
چ پلا

بیان مرض سہر

سہر مرض یک بہت خراب
نہند والا اس مزہ نہ آوے
لگا اس نول سخت آزار
ہووے باہجوں نہند ذلیل
ہرگز اس نول نہند نہ آوے
ودھے مواد سوداوی عام
بدنوں سرنوں چڑھے بخار
گرے سودا سرون عام
مواد سوداوی بہت کخت
کھاوے گھمن گھیر بخار
روح نفسانی نول گھیرا
روغن کدو مغز بادام
دودھ عورت لیں تربت چھا
تخم کا ہو، خشخاش سفید
مغز بادام لیں دج پا
پیوے شیرہ بنت نکال
پلا شربت پوست خشخاش
تخم کا ہو خشخاش منگا
دارد چارے کر بریان

ہرگز ذرہ نہ آوے خواب
بیٹھا دل دج غوطے کھا
بہت طبیعت رہے بیزار
کئی طرح دی کرے دلیل
دینہہ راتیں بیٹھا برلا
کرے رطوبت خشک تمام
دیوے سردی طبع بگاڑ
سرے بند ہو جادون مسام
کرے مغز دے پردے سخت
سرخیں نکل نہ سکے بار
ایں سببوں نہند نہ آوے
سرتے مالش کرو مدام
گل روغن گھت سرتے بلا
مغز تخم کدوے وٹید
چھ چھ ماشے چار دوا
کچھ قدرے مصری وچ ڈال
کرے مرض سہر داس
دھنیاں سوئے نال ملا
ڈھلی پوٹی بنھوں آن

نکھانگے رکھت سوکھا دے
 چوتھائی رتی قدر افیم
 پانی دے دج بھنگ گھوٹا
 بکری دا دودھ رت پلا
 گوکا مکھن روغن گل
 بابونہ سوکھے ہووے افیم
 مل اوسنوں روغن خشکاش
 بنفشہ کا پوست ڈال
 وال مونگی دی رت کھوا
 جلد مواد ہو جاوے تر
 افیم پانی دے دج گھسا
 سر دی چوٹی تے کھوا
 سبب تپ یا گرم بخار
 جیکر ہووے ہووے سبب
 نال عقل دے کر کے دھیان
 جس طرح ہووے طبع مزاج

بہت شتانی نیند زیادے
 کھاوے، اوس نیند حکیم
 ہتھیں پیریں لپ کر
 دھاراں سر اُتے مروا
 بنفشہ روغن مل ایہ کل
 فائدہ بخشنے بہت عظیم
 بادام روغن گھت دیہہ جوش
 اس نول کریں نطول ابال
 نال شیرہ خشکاش پکا
 موافق طبع ملین کر
 نال روغن خشکاش ملا
 دیوے سہر دی مرض دجا
 نیند نہ آوے کرے بیزار
 موافق اوس دوا کر جھپ
 گرمی سردی نشیں پچھان
 اوس موافق کریں علاج

صفت جو آتش

آتش جواں دی تے پکا
 راہ طریق جو یں حکماء

جُو پُرانے خوب چھڑا گلیاں اُس دیاں لے کڈھا دس توے دیگی وچ ڈال جد اوہ دانے جادو پھٹ مصری تھوڑی جیسی پلا بادام روغن کچھ میلو نال	پانی تھوڑا جیہا پلا کر کے چنگل طرح صفا دو سیر پانی گھت اوبال پانی رہے وچ دس گھنٹ روگی نوں ہر روز پلا کرد ہمیشہ استعمال
---	---

صفت شربت پوست خشتخاش

وہیہ ڈوڈے پوست منگوا رات پانی وچ رکھ پوسا نل اس نوں کر صاف ہمال چنگی طرح پکا قوام بہت کسے نوں ہووے کھنگ ایہہ شربت دو وقت پلا	پاک کٹ خشتخاش پلا خجڑے دیگی وچ جوشا ترے پا مصری گھت اوبال بنت پلا صبح تے شام نیند نہ آوے ہووے تنگ دیوے اُس نوں رب شفا
---	--

بیان مرض سببات

سُتّا گھوک رہے دن رات مُشکل اُس نوں کرن جگارا لگے اُس نوں نیند پیاری بہت رطوبت وچ دماغ سبب جیکر بلغم تے باد	اوس مرض دا نام سببات گڈے دانگ رہے سر بھارا تھکال آون بہت آزادی ایس سببوں آوے خواب سببات مرض دا پوسے فساد
---	--

بلغم
تھکے
نمل
بنت
سببات
بہت
مٹھے
تھوڑ
ترے
نے
سر
سبب

د
پ
م
م

<p>بلغم منفع نال پکا! تتے نال طبع کر صاف نخلہ سرکہ لونگ بنا نت کھوا معجون کبیر سبات جے گندے خون سبب بہت قوت جے دج بیمار متھے وچوں چھڈیں نار تھوڑا تھوڑا لو کڈھا تر پھلہ پا پڑا رات پوسا نئے ہک کالی مرچ منگا سر جو نال اکھیں دج ڈال سبب جے خشکی نظری آ</p>	<p>مُسل دو تڑے چار کرا کرسی رب تصور معاف روگی نوں ہر وقت مونگھا رہے نہ دکھ اُس دج سریر اوس دا فصد کراوین جھب زور ہو دا کرے لاچار جوکان لا کتاں پکھواڑ کئی دفعہ رب کرے شفا فجری ماکھیوں ڈال پلا گھوڑے دی لب نال گھسا کر کچھ مدت استعمال سرتے روغن نت ملا!</p>
---	---

صفت معجون کبیر

<p>کر دی تیار معجون کبیر کرے بلغھی مرضاں دور رتج والی گردے دی پیڑ درد پشت دا باد قویخ بد ہضمی رتج بادی داسول مرچاں گھساں پاناں دی جڑ سوتھا، تخم کرفس ایہہ ست</p>	<p>سر سبات دج مارے تیر پیڑاں درد ہودن سب دور رہے نہ ذرہ دج سریر رہن نہ دیوے ایہہ سب لکج معدیوں پٹ سٹے جڑ مول الاچی دانہ کالی چھڑ ہک ہک تولہ لے کے گھت</p>
--	---

پودن نے اجوین سداب
 سورنجاں دارچینی سنڈلیا
 جلد تری، جعفر، زیرہ سیام
 چھ چھ ماشے پنچ دوا
 انیسوں، گل بابونہ پا
 مغز اخروٹ، اندق نارجیل
 چلعوزہ - پیستہ - مغز بادام
 ایہ بھی کٹ کے میلو تال
 روچ تھال معجون بنا
 مرتبان دے اندر ڈال
 بعد چلیہوں کڈھ کھوا
 کل آزار بدن دے سرد
 پیضہ - ہڈکی، بھس ڈکار
 گنشیا واؤ - لقوہ، ادھرنگ
 ایہ دوا کر استعمال
 کرتے دو ترے چار
 سائیں بخش حکیم شناسی

زیرہ چٹا پھل گلاب
 دو دو تو لے آٹھ دوا
 قرضل عقرقرا، امراہ
 کٹ چھان سب جمع کرا
 نو نو ماشے کٹ رطا
 مغز چار اس دے روچ میل
 ترے ترے تو لے وزن تمام
 خالص ماکھیوں تگنا ڈال
 چھوٹی چیمپی، تال رطا
 چلیہ رکھ حفاظت نال
 دو مثقال ہے وزن دوا
 بلغم دایاں پیڑاں درد
 کڈھے باہر انہاں نوں مار
 سبب بلغم دے کرے جی تنگ
 دیوے مرضاں سرد نکال
 کر کے منفع ہر ہر بار
 ایہ نسخہ لکھیا ازما لکھی

بیان مرض فالج یعنی ادھرنگ

فالج نام ادھرنگ سداے
سرتیں پیراں تیک آزار

ادھا پاسا سست ہو جانے
ادھا پاسا لیسدرا مار

ادھا بدن ہو جائے سست
 گھس دا پٹھیا وچ مواد
 سڈھ پٹھیا وچ پیوند
 قوت روح اس طرف نہ جائے
 جیکر سچی طرف آزار
 کبھی طرف جے پوے قصور
 پڑے نال ادھرنگ بیماری
 نال علاج شفا جے پائے
 اکثر بلغم تھیں آزار
 سخت تاب گرم دا ساڑ
 جیکر بلغم کریں معلوم
 بلغم پٹھے کرے ضعیف
 جدوں شروع ہووے ادھرنگ
 لوکھا ہووے بہت رنجول
 جیکر تاب نہ ہووے نال
 چار روز نہ دیہہ غذا
 پانی ادس نہ دیویں مول
 جیڑی بلغم ہووے خام
 سولف تورہ پاکٹ جوش
 یا پانی کر کے سنگ تا
 جے متحمل نہ ہے بیمار

ادھا رہے صحیح تندرست
 سڈھ بن کے کرے فساد
 راستہ روح دا کردا بند
 جس حرکت باطل ہو جائے
 ہووے مجب شفا بیمار
 مشکل ادس علاج ضرور
 رکھے قبراں تیک لاچاری
 مڑ کے پھیر خود کر آوے
 ادھا پاسا کرے بیکار
 پٹھیاں دے وچ کرے بیگار
 نال علامت جیویں رسوم
 سر دے نال ہو جان کثیف
 بازو حرکت کرے نہ ٹنگ
 گرم مزاج نہ ہووے مول
 ایہہ دوا کر استعمال
 ناء نہ کوئی دیویں سخت دوا
 ماء العسل دیہہ روز معمول
 یک جاوے بھوکہ نال تمام
 نت پلا وچ شہد ملا
 شہد میل کے روز پلا
 کر ہفتے تک ایہو کار

سرد رطوبت پٹھیاں دج
 کرے جیکر اور طلب غذا
 چڑا، کبوتر، نت کھوا
 عرق سونف تازہ کڈھوا
 عوض پانی دے پیوے عرق
 منفع ہفتے بعد کرا
 ماء الاصول اس نت پلا
 شہل دو ترے چار دیوا
 پچھوں دیہ معجون کبیر
 دستان ہک نسخہ اکیر
 راسن - سنڈا سنگند سورجیا
 دو دو تولے دارو ست
 رنگ - جعقلے عاقر قرا
 مغز بادام - مغز نار جیل
 رنگناں لے ماکھیوں دج ڈال
 چھ جھ ماشے نت کھوا
 حب کوچہ اس بہت مفید
 بقوہ استرخاء ادھر رنگ
 ماش روغن گرم کرا
 کانپھل کوڑی کٹھ مٹکا
 پنج پنج تولے دارو ڈال

اک معدے دی سب کچ
 شوربا تتر مرغ پلا
 لوا بیٹر مصالح پا
 پیوے نت دج شہد پلا
 ہودس بہت شتابی فرق
 کچی بلغم خوب پکا
 عوض منفع دسے خوب جوشا
 کل بلغم خارج کرا
 فالج بلغمی نوں اکیر
 رہے نہ فالج دج سریر
 دار چینی - مگھ مرچ خونچاں
 ترے تولے گل بابونہ گھت
 اک اک تول چار دوا
 چار چار تولے دج میل
 کر معجون عقل دے نال
 پچھوں سونف دا عرق پلا
 دیہ نت اس نوں نال تاکید
 لہن نہ ہک ذرہ دج انگ
 دیوے فالج جلد و نجا
 ترے اجوین ، بابونہ پا
 رات پوسا یکے فجر ابال

<p> ترے پا رہتھا تیل ملا اک جلا پانی سب ساڑ ماش اس نون ریت کرا کدھن دکھ بدن تھیں مار پت کنیر کرو ہمراہ پیہ کے دیہ تاسیں نسوار حب اذراقی ریت کھوا ہوس بہت شتابی فرق پا پا پکا ترے دوا پنج چھ بوتل عرق نکال چار تولے دج شہد ملا نس بدن نون بھار اٹھا </p>	<p> نل کے پن کے صاف کرا گھت کڑا ہی دے وچ چاہر کر کے صاف پانی وچ پا ایہ نسخہ آزمودہ کار ہم چھکنی، کانچل، مرج سیاہ جیکر فالج سرد آزار فالج نال جے استرخا شامل نال رکھیں ایہ عرق پودنہ سونف اجوین منگا دار چینی ادھ پا وچ ڈال ادھ پا اس نون ریت ملا نقوہ فالج استرخا </p>
--	---

نسخہ روغن گرم

<p> دار چینی، مالکنگنی پا ہر ہک پنج پنج تولے پنج دینہ رکھ پانی وچ گھت چھبویں رات اس نال پوسا نل کے پن کے صاف کرا ڈال کڑا ہی نال اس میل باقی خالص تیل رو جاوے </p>	<p> کانچل، گوڈی کٹھ منگا دانے حرمل جونیاں ترے آما کچھ تولے ست پھلے دارو سب کوٹا ستویل روز اس خوب جوشا سیر پکا ہک رہتھا تیل بدسارا پانی جل جاوے </p>
---	---

اگ تھیں جلدی نال اُتار
 فالج، استرخاء، آزار
 ہے ایہ نسخہ پرتا تیر
 جیکر فالج ہووے گرم
 ہفتے پچھوں دہ یک بار
 دو ترے چار ملین کر
 دسوی مادے تھیں ادھر تک
 مطبقہ تاپ چڑھے اس نال
 حالت دانگ ہووے سرس
 ساڑ تیز تاپ دا گرم
 درم کرے راہ رُوح دا بند
 نفسانی رُوح اس طرح نچاھے
 خونی مادہ کرے زیان
 چہرہ سُرخ نہایت لال
 کر تحقیق جیکر ایہ مرض
 ہووے اس دا گرم مزاج
 کر تنقیہ گندہ خون
 اطریشل اس کشنیر کھوا
 جو کاں یک دو دار لگا
 سزارو رنگ بھب پچھڑ
 کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق

ڈال بوتل وچ خوب تار
 کر مالش ہو جان فرار
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 اس نوں دیہہ ملین نرم
 ہووے دفع شتاب آزار
 ہر ہر ہفتہ مُنضج کر
 جیکر کرے کے نوں تنگ
 دیوے گندہ خون اُبال
 ہوش سُرَت اُڈ جائے تمام
 پیدا کرے پٹھیاں وچ درم
 پاوے سدے دانگ کمند
 ایس سبب فالج ہو جاوے
 ظاہر آون نظر نشان
 رطوبت خون کرے بد حال
 تاپوں بعد ہووے بالفرض
 گرم نہ ہرگز کریں علاج
 جتنا جھٹے وچ زبُون
 کرے رطوبت خون صفا
 کر توں گندہ خون صفا
 گندہ خون درم دا کڈھ
 ہوسے نت اس ہووے فرق

اک
گرم

کر
مات

سوا

چا

ایہ

بہ

حب

مری

بہ

علا

حب

جسم

سند

گھو

دو

اک دو دفعہ ملتین کر
گرم نہ دہ کوئی اس نون چیز
طبع موافق مول نہ ڈر
ایہ بھی رکھیں یاد تیز

نسخہ منضج ماء الاصول

کرفس تے جڑاں کرفس منگا
ملٹھی ماشے چار ملا
سوف انیسوں جڑاں دیان
چار تولے گلقد وچ ڈال
ایہ منضج دیہ دیہاڑے ست
بہت دفعہ تنقیہ کر
حب ایارج دا جلاب
مرین جے ہودے عمر ضعیف
بہت جلاب نہ اُس نون کر
علاج استرخا جے باقی
حب اذراق کرد تیار
بسموں کل آزار ریاحی
سندھ گھاں مرچاں منگوا
گھوٹ پانی وچ بھنوں حب
دو دو حب ددوقتی کھاوے

ترے ترے ماشے وزن تلا
انجیراں دالے ترے وچ پا
چھ چھ ماشے میلو آن
منقہ تولہ گھت اوبال
مُسل پھر کراویں دت
منضج دے کے مول نہ ڈر
منضج پچھوں کریں شتاب
دیویں مُسل اوس خفیف
مت خشکی تھیں جادے مر
رہیں بدن وچ ہو کے عاتی
کھاوے ہودن دنج آزار
کھانڈیاں سار ہو جاون راہی
مدبتر آٹا کچلے پا
قدر چنے دی گویاں سب
عرق یا پانی نال نلکھاوے

بیان مرض لقوہ

لقوہ بہت بیماری سخت
 قسماں دو لگوے دیاں ہین
 تشنچ جس نوں لگے کھچ
 استرخاء دا ایہہ نشان
 ذائقہ وچ پوے نقصان
 لقوے دا کر جلد دوا
 علاج کرن وچ کریں شتابی
 چھ مہینے تیک جے ڈھل
 بعد مہینے چھ تاخیر
 کریں معلوم جے بغم باد
 استرخاء لقوے دا ڈھنگ
 ہووے مرض شروع جدا
 نہ دیہ پانی قسم اناج
 جے دیویں فاقہ ہفتہ وار
 جیکر خواہش کرے غذا
 زیرہ دار چینی وچ ڈال
 جیکر اس نوں لگے ترہیر
 یا عرق سونف تازہ کڈھوا
 وچ اندھیرے اوس بٹھا
 شیشہ چینی صاف منگا
 جعفر منہ دے وچ رکھا

چتا مکھ کرے یک لخت
 تشنچی، استرخائی کس
 ہووے بہت طبیعت زہا
 ہووے ڈھیللا سست دمان
 وقت بولن دے اٹے زبان
 ہووے جھب بیمار شفا
 بہت دیر وچ پوے خرابی
 پوے لگاؤ کتنا ٹل
 کوئی نہ چل سکے تدبیر
 کیتا چہرے وچ فساد
 کریں علاج مثل ادھرنک
 چار روز نہ دیہ غذا
 نہ کر کوئی سخت علاج
 ہووے جھب شفا بیمار
 کیبوترہ - تتر، مرغ پکا
 پیوے روگی گھٹاں تال
 ماء العسل جیہا دیہ
 دیہ نت اُسوں شہد بلا
 جتھے سرد نہ لگے دا
 رکھے اُس دے وچ نگاہ
 ذرہ ذرہ چتھ لنگھا

بلغم

عقرا

سکھ

سکھ

تیل

سکھ

پیر

نور

درا

بہت

دار

عقرا

بیر

گولہ

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

بلغم مُنضَج نال پکا
 عقرقرا، کھٹ، رائی لیا
 کٹ پانی دے دج جوش
 کھٹ، بابونہ، کانپھلے
 تیل میٹھا گھت گرم کرا
 میٹھا تیلیہ شکر لے
 پس میٹھے دج تیل رلا
 نوشادر، دارچینی منگوا
 وزن برابر دارو چار
 بہت جے ہووس سرد مزاج
 دارچینی، مکھ، مرچ سیاہ
 عقرقرا ایہ دارو ست
 بر برابر حب بنا
 گولی نال زبان پھول
 یک دو گولیاں منہ دج رکھ
 گلن وت زبان دمان
 جس نقوے نوں لگے کچھ
 تشخ دی ایہ خاص نشانی
 باجیاں منہ دیاں آکر جان
 کھٹ دا تیل ماش کرا
 کالے تیل بابونہ لیا
 دو تہے چار جلاب کرا
 دارچینی، سنڈھ نال بلا
 غرارے اس نوں نت کرا
 گھوٹ پانی دج دارو ترے
 پٹا گرم گرم بنھا
 سنڈھ برابر وزن ترے
 نقوہ اُتے خوب ملا
 عقرقرا سنڈھ لے دج پا
 پیہہ کے دیہ اس نوں سوا
 دساں اس دا ہوو علاج
 لونگ، جعفر سنڈھ کریمراہ
 کٹ خالص ماکیوں دج گھت
 مونہ روگی دے دج رکھا
 ہولی ہولی مونہ دج گھول
 فائدہ بہت شتاب پرکھ
 رپے نہ یک تورا نقصان
 ذیکھ علاج تشخ دج
 مونہ کھپیا جاوے طرف پستانی
 نال کچھ دونوں بل جان
 روغن نال ارند ملا
 پانی ڈال کونڈے گھوٹوا

تیل مٹھا گھت کر کے گرم مالش کر کے دیہ مردہ دو جا ہتھ سرے رکھوا ایہ حکمت اس دی کر کرے جے گندہ خون بگاڑ جائز اس دا فصد ضرور دو کناں پچھے جوکاں لا موافق قوت لہو کڈھ بنفشہ مغز کڈو دا تیل لقوہ بہت کرے جے زنج	بٹھ پٹا مونہ ہودن نرم ہیٹھ باچی رکھ ہتھ نگوڑہ باچی دوجی طرف بھوا چالی روزاں رتیک مفر سرخ بہت چہرے دوج ساڑ گندہ خون کرو سب دور رمی سنگی پچھ لگا ہرگز گھٹ نہ ہووے ودھ مالش کریں دوہاں خون میل کر دیکھ علاج تشنج دوج
---	--

صفت ماء العسل

ماء العسل کر حبیب تیار آدھ پا پکا شہد منگا تر بجا حصہ جد سڑ جاوے اگ بقیں دیکھ جلد لہا سڑ کے حاجت پوے جے آ	بلغمی مرضاں دے درکار سیر پانی گھت خوب جوشا ترے پا قدر پانی رہ جاوے تھوڑا تھوڑا وزن پلا تازہ تازہ ہور بنا
---	--

بیان مرض تشنج

مرض تشنج ہے کئی قسم بدنوں گندی اٹھ ہواں	سردی کے کچھ جسم جا سرے دوج کرے بگاڑ
--	--

بلغم تھیں ریح بن جائے
 سب یا بچھو مارے ڈنگ
 چڑھ دے سرزوں دے کے زور
 کرن پیٹھے اس نامنظور
 اس کے سبب خشکی ودھ جائے
 تشنج خشک نہایت سخت
 یا تب تیز دا گرم بخار
 پیٹھے اس تھیں ہودن زنج
 کر تحقیق علامتاں نال
 جے بلغم فاسد کرے زیان
 جیکر تاب نہ ہودے نال
 بلغم منشیج نال پکا
 سخت اس نول کریں جلاب
 عرق سوخت ادھ سیر شکا
 ترنجبین لے تولے چار
 گودا انبتاس دا تانہ
 دق عرق دے حل کرا
 تولہ پک روغن بادام
 حقے اس دے کر کے ترے
 آدن جد اس نول اسہال
 مالش اس نول خوب کرا

سرے پٹھیاں دق گھس جاوے
 نہر کرے پٹھیاں نول تنگ
 سردی نال کرے بخور
 ایس سببوں پوسے فتور
 سر دیاں پٹھیاں نول سنگردے
 پیدا آن ہودے یک سخت
 جا پاوے پٹھیاں نول ساڑ
 لگے ایس سببوں کھج!
 پھیر معالجہ کرے فی الحال
 کر دریافت نال نشان
 گرم دوا کر استعمال
 جو شانہ دے دو ترے چارپلا
 مت ہو جاوے طبع خراب
 گلقد ادھ پا مل صاف کرا
 حل کر اس دق عذاب ستار
 کر کے پک چھٹانک اندازہ
 چھاننی دے دق گھت چھنا
 داخل کر اس دق تمام
 فجر، پیشی، دیگر پے لے
 تشنج دفعہ ہودے فی الحال
 بابونہ روغن گرم کرا

نور آب اس کریں غذا
عرق سولف مالکیوں میں گھٹ
ہور تھلج والا کریں علاج
جیکر سخت تپ ہے وہی
ہے اوہ خاص تپ و اعراض
تپ نہایت ہووے گرم
شامل نال ہووے سرسام
ت یا مرنہ نون لگے بھی
یا اوس ہر وہی ہووے دم
مادہ جیکر ردی ہو
لگے اس نون تربہ نہایت
اکثر رکے بال انا دان
جیکر مادہ ہووے سالم
ہر نون اس داکریں علاج
مرم غفلت ہے ہوس مزاج
ادہ پا پچھا پھل گلاب
دھبی دے وہی گھٹ جوش
بج توے گودا ابیداس
مڑ کے چھانی نال چھنا
گھنٹہ گھنٹہ جیسا بلا
ہوون جہ اس سال اس جانک

بھرا پھڑو مرغ پلا
نت پلا دھلے ست
سابق اس دے طبع مزاج
واگ تشنی لگے بھی
اصلی نہیں تشنی مرض
پیدا کرے پھیپاں وہی دم
بہے بے ہوش صبح تے شام
بہت کرے روگی نون رنہ
شامل نال ہووے تپ گرم
نہیں امید خلاصی کو
ہر وہی ہووے درد شکایت
پاون اس مڑکھ نال نیاں
نال ملاقات کر ٹوں معلم
موافق جیہڑا طبع مزاج
کر قتل اس دا ابید علاج
اصلی ہے لیا شستاب
کل کے پون کے صاف کرا
کل اس دے وہی بے وسواس
تھکے اس دے ترے کس
ترے داری دن وہی پلا
پاوسے ہر نون نس بیماری

ایہو ام
سے خج
ست
بہشت
خا
گرو
وہی
شر
نعم
س
نور
رو
بہشت
نور
بہشت
پا
س
تر
کا
مگر
سے

ایہ اس نون کریں مجلاب
 ستخیں سادہ دیہہ بنا
 بہت ہے اس دا خشک مزاج
 بنفشہ روغن نیلو فر
 ظاہر باطن تری پہنچا
 گڑکا مکھن فجر چٹا
 دج تاپ دے گھیوتے دودھ
 شربت گاد زبان منگا
 تخم کنوچ، تخم بارتنگ
 لسوڑیاں، بھیدانہ، گاد زبان
 فحری کل کے صاف کرا
 روغن مغز کدو، بادام
 بنفشہ شربت، نیلو فر
 خرفہ، کاسنی، تخم خیار
 بنفشہ، خطمی، نیلو فر
 پانی دے دج گھٹ او بال
 سب یا بچھو مارے ڈنگ
 تریاق اربعہ اس جلد کھوا
 ہک دو دفعہ ملین کر
 گل روغن دی مالش کر
 بے مرگی دقت تشخ آدے

ہک دو ہفتے بعد شتاب
 شیرہ کاسنی نال ملا
 کرتوں اس دا ایہ علاج
 بدن سارے پر مالش کر
 تراوت نال دوا غذا
 مصری گھٹ دودھ شام پلا
 دیہہ نہ ہرگز سنبھل دیہہ
 تخم بالنگو ڈال پلا
 شربت نال پھکا سنگ
 رات پوسا پانی دج آن
 مصری ڈال اس نت پلا
 مالش کرو صبح تے شام
 نت اٹھ فجر پلایا کر
 شیرہ کدھ پلا نتار
 کدو چیر شامل دج کر
 کرو نطول عقل دے مال
 تشخ کرے کے نون تنگ
 دیوے زہر دا اثر دنیا
 زہر جسم تھیں جادے بھڑ
 تشخ والے عضوے پر
 دورے بعد نائل ہو جائے

پکا

صحت

مزاج

کھج

مرض

دوم

شام

زنج

گرم

سکو

یت

یان

لم

ج

ج

ب

ا

ا

ا

جے کرم شکم تھیں کرے ظہور

نال علاج کرم کر دور

بیان مرض رعشہ

رعشہ نام یک سخت آزار
ہو دے روگی بہت ظہیر
ایہہ دوکھ بہت بُرا بدقسم
ہستھاں نال نہ ہو دس کار
قابو دہج نہ رہے سر یہ
جھوٹے حرکت کرے بیمار
اکثر بلغم تھیں ایہہ مرض
مادہ موذی پٹھیاں دہج
چمٹے مادہ دفع کرا دن
مادہ موذی دفع نہ ہوئے
نبض تارورہ خوب پچھان
سردی گرمی سمجھ مزاج
کس سبب تھیں ہو یا لیاں
یا کوئی پیوے بہت شراب
یا غم غصہ کرے اندہ
یا صحبت کرے بے حد شمار
یا کوئی سڑیا سخت مواد
جے دموی مادہ پاؤے زور

کرے جسم نوں بہت لاچار
کتنی ہستھ سر پیر مرے
جھوٹے باہجہ ارادے جسم
کروا ایہہ دکھ بہت خدار
بہت بیمار ہو دے دیگر
بہت طبیعت ہو دس بزار
پٹھیاں دہج ہو دے بالفرض
داخل ہوئیے کرا دہج
بہت نہایت زور لگا دن
نہ حرکت کروں بدن کھلوں
کرے چنگی طرح دھیان
طبع موافق کر د علاج
کس مادے کیتا نقصان
یا کوئی سرد نہایت آب
یا کوئی استفراغ انہو
جادے قوت مغزوں ہار
جا پٹھیاں دہج کرے خدار
تھوڑا تھوڑا خون پنور

<p> ہووے خون گندہ سب دور کرے صاف سب خون خراب تا ہووے تندرست مزاج پاوے قوت ضعف دماغ رشت پلا گھيو گھت دج ریشہ جھب دے کر مرطوب مزاج باہج تراوت دیہ نہ ہو رات دینہ کر استعمال مالش کر گھيو گھت دج عام مغزیات گھيو گھنڈ پلا تا ہووے تندرست مزاج شربت ریشہ سرد پلا بہت دفعہ رب کرے شفا کر توں چنگی طرح صحیح منضج دیہ مادہ تر کر مرضوں بدن رہائی پاوے روغن نال ارندہ میل مت خشکی اس کرے ہلاک </p>	<p> کئی دفعہ کر فصد ضرور شربت اوس پلا غناب مصفا خون اس کر د علاج سبب جماع یا استفراغ ضعف جے ہووے دج سر یہ جیکر ہووے خشک مزاج جیکر خشکی کرے جسم دج زود گھيو دورہ کھن مصری نال گل روغن مغز کدو بادام نشاستہ مغزے بنت کھوا بہت دیر تک کریں علاج جیکر زور ہووے صفرا صفراوی قے جلاب کرا جے بلفم تھیں ہووے ریح کئی دفعہ تنقیہ کر جد مادہ خارج ہو جاوے مالش کر بت کٹھ دانیل دیویں اُس نوں چرب خوراک </p>
---	--

صفت نشاستہ مغزیات

نشاستہ مغزیات کر تیار	ہووے ضعف دماغ فرار
-----------------------	--------------------

مغز ندق تے مغز نار جیل
مغز پستہ چلفوزہ لیا
مغز کھیرہ کھکھری دج ڈال
مغز تخم کدو بادام
نشاستہ ترے پا پکا آن
نشاستہ کر دجھی نال بلا
تھوڑا جیہا جد ہووے لال
سیر پکائے چٹی کھنڈ
ادھ پا قدر جیکر نت کھاے

مغز تخم خربوزہ میل
مغز تخم ہندواں پا
مغز اخروٹ کر شامل لال
پنج پنچ توڑے وزن تمام
پنج پا گھیو دج کر بریان
بہت مٹھی ہیٹھ اگ جلا
لاٹیکے ہیٹھ دوا کٹ ڈال
دج نشاستہ دیویں منڈ
ضعف دماغوں دور ہو جائے

بیان مرض تمدد

جیکر آکرٹ جان پران
ہو جاوے لنگ سیدھا تیر
دوہیں طرفیں لگدی کچ
جے گردن دج ہے اکڑا
خفک مواد پٹھیاں دج جا
علاج دوٹاں دا کر کے غور
جے کرتا پ ہووے کچ نال
تپ دا سڑیا ہو یا مراد
مادہ سخت نہایت گرم
شامل نال ہووے سرسام

اس نوں مرض تمدد جان
یا آکرٹ جاوے کل سریر
بہت کرے روگی نوں رنج
مرض کزاز آکھن حکماء
کر کے سخت دیندا اکڑا
نال عقل دے کر فی الفد
حالوں بہت کرے بد حال
پٹھیاں دے دج کرے فساد
کرے جیکر سرے دج دم
دج بے ہوشی رہے مدام

سخت
جے جاوے
تپ
سڑیا
کریں
اکثر
ظاہر
جیکر تا
بنفشہ
ہور گا
جیکر
بنفشہ
جیکر
جیکر
گرم
نہ کر
جب
اگے
تا پور
تپ
روغن

سخت علاج نہ اُس دا کر
 جے جاکے اٹھواں روز لنگھا
 تپ والا بھرائی ساڑ
 مٹیا ہو یا مادہ سخت
 کریں نہ اس دا گرم دوا
 اکثر اس دا خشک مزاج
 ظاہر باطن تری پہنچا
 جیکر تاپ ہو دے کچھ نال
 بنفشہ شربت گاؤ زبان
 ہو گاؤ زبان دا عرق پلا
 جیکر ذرہ نہ ہو دے کھنگ
 بنفشہ روغن مغز بادام
 جیکر قبض شکم وچ ہو
 جیکر مادہ سڑ گیا گرم
 گرم دوا تپ وچ نہ دیہ
 نہ کر کوئی گرم مکور
 جب تک ہے بدن وچ تاپ
 اگے گرم تاپ دا ساڑ
 تاپوں بعد مالش کر گرم
 تپ وچ مول نہ کریں مکور
 روغن بابونہ کھلوا

چار روز تک بہت خطر
 اُس دی رکھ امید شفا
 جا سرے وچ کرے جھڑ
 سردی پٹھے کرے کرخت
 نہ کوئی دیویں خشک غذا
 کر اس دا مرطوب علاج
 دیوے رب اس جلد شفا
 ایہ دوا کر استعمال
 نت پلا روگی زوں آن
 عرق سونف کچھ نال پلا
 سکنجیں دے ذرہ نہ سنگ
 مل روگی دے بدن تمام
 دیہہ ملین اُسوں کو
 دیویں سرد ملین نرم
 یاد رکھیں مت ساڈی ایہ
 مت دکھ بن جائے کوئی ہو
 گرم چیز نہ کریں ملاپ
 دے کے گرم دوا نہ مار
 جاون ہو پٹھے سب نرم
 مالش پر رکھ بہتا زور
 گل روغن اس نال رلا

سیل

پا

لال

تمام

بریان

جلا

ڈال

منڈ

جاکے

جان

سر

نہ

کھما

اکوا

ع الف

حال

فساد

دوم

دام

<p>پک دن دج کر دو ترے دار جیکر تاپ نہ ہو دے نال ستویں اکھویں دیہہ تلپین ایس مرض دا خشک مزاج بنفشہ، لسوڑیاں، گھاؤ زبان رات پوسا رکھ اندر آب مصری پائیکے رنت پلا گرم پانی دی کرو ٹکڑول بدن جدول اس خشک ہو جا حریرہ گندم چھان ملا علا جوں مول نہ ہو دیں تنگ ترے مینے کریں علاج لستی، مرچاں، مسر، چرال جدول بیمار شفا ہو جائے</p>	<p>مالش اُس نول خوب سنوار گھیو دودھ بہت کر استعمال خارج کرد مواد لعین ہر جیلے کر چرب علاج رنیلوفر، پھیدا، آن فجرے کل کے کدھ لعاب بنخشے جلدی صحت خدا طبع ہے اُس دی کرے قبول قیروطی اُس نول جلد ملا مصری گھیو گھت رنت پلا صحت خداوند پانوں منگ تال ہو دے تندرست مزاج کرے نہ ہرگز استعمال پھر بھی اپنا آپ بچا</p>
--	---

صفت قیروطی

<p>قیروطی ایہ بنا ضرور گن روغن یا گری داتیل بنفشہ روغن لے وج پا چربی مرغ، روغن کتان روغن مغز کدو بادام</p>	<p>کرے کزاز تمدد دور روغن نال بابونہ میل گھیو گوگا اس نال ملا چربی بکرا میلو آن بیج بچ نولے وزن تمام</p>
--	--

میلوسب روغن کر گرم ایہ قیروطی ہے اکسیر ہودن جس دے خشک اعضا ایہ قیروطی فیض کمال گرم خشک ہے بہت اکڑا بنفشہ خطمی کدھ لعاب	سخت اعضا کرے جھب نرم تجربہ سائیں بخش فقیر دیوے اس نون فیض پہنچا بعد نطول کر استعمال میل لعاب طسلا کرا میل قیروطی مال شتاب
---	--

بیان صرع یعنی مرگی

مرگی والا سخت آزار ڈٹے زمین تے گردش کھا جادے اڈ دماغوں ہوش ہتھ پیر ہو جادون ڈٹکے آوے ایہ دورے نال مونہوں نکلن بھونے جھگ کے مکاڑوں اٹھ مواد پاوے سڈے وانگ کند روح نفسانی ہودے زنج روح نہ ہرگز سکے تنگ سڈہ روح دل جنگ بچاؤن اڈرک سڈہ جاوے کھل سر بھارا اس رہے ہمیشہ	بہت مدت تک کرے خوار ایس نون صرع کہن حکماء سجن کلاموں رہے خاموش تنج وانگ لکے کھج ٹنگے ذره رہے نہ سرت سمہال آکھن لوگ گیا جن لگ جا سر دے دج کرے فساد رستہ روح ہو جاسے بند ایس سببوں لکے کھج ! سڈہ بہت کرے اس تنگ آپ اپنا زور لگاؤن عارضے دفع ہو جادون کل کروا رہے غم فکر اندیشہ
---	--

سست حواس طبع پریشان
ایسا آوہ کم دل ہو جاوے
اہل ہڈیں رہے اُداس
دہم دیلاں بھیڑے خواب
غصے نال رہے دل تنگ
اکثر چھوٹے بال نادان
جد لڑکا پیوے دودھ خراب
فاسد دودھ جو غیر صحیح
رتج جد سروج کرے خروش
مزنوں جادون بھونے جھگ
دورے نال کرے رتج زنج
نام اُس دا اُم القبیان
ہووے لڑکا جدوں جوان
حاجت نہیں کوئی اوس علاج
جیڑی اوس پلاوے دودھ
کر توں اُس دا بدن صفا
فاسد دودھ ہووے جس نال
چٹی مرچاں دودھ مسور
بہت لطیف کھوا غذا
گھینو ہک پستی گرم کرا
گوربتی والا دیویں بھاڑ

وانگ سودائیاں رہے حیران
ہر اک پاسوں غم ڈر کھائے
کم ہو جاوے عقل قیاس
کر دے اُس نوں بہت خراب
ناحق کرے لڑائیاں جنگ
ایہ دُکھ بہت کرے حیران
جاوے بگڑ مزاج شتاب
پیدا کرے بدن وجہ بتک
ہووے لڑکا ترزت بیہوش
جادون اکھیں تارے لگ
ہتھیں پیریں لگے کچھ
سارے مرگ وانگ نشان
مرگ دا نہ رہے نشان
آپے جاوے بدل مزاج
اُس دا دودھ کراوین سدھ
ملین دو ترے چار کرا
ہرگز نہ کرے نہ مول خیال
دینگن خشک چیزوں ہے دد
شام صبح دافر گھبو پا
لڑکے نوں ہر روز پلا
وجھ مینے ہک دو دار

سوف
نجرے
قدر
دیویر
اُس
خاص
سبب
غالب
نال
کئی
خون
چھنا
شر
جے
صفا
روغن
سر
تراو
گھینو
ہو نہ
جس

سوف بنفشہ پھل گلاب
 فخرے دیگی دج جو شا
 قدرے گودا ابلتا س
 دیویں اُس نوں سیپی نال
 اُس دی ماڈل دا کرو علاج
 خاص علاج صرع لے چار
 سبب صرع دا جیکر خون
 غالب ہووے دموی مادہ
 نال عقل لے کر کے دھیان
 کئی دفعہ اس فصد کرا
 خون گندہ جد ہووے صاف
 چھٹانک مکھن اس فخر کھوا
 شربت پیوے نت عناب
 جے گرمی دا بہت سبب
 عطر اوی تے ا جلاب کرا
 روغن مغز سکدو کدھوا
 برتے نت مالش اس کر
 تراوت اس نوں بہت مفید
 گھیو گوکا اس بہت کھوا
 ہونہ خلطال دی کریں پچھان
 جس تھیں جاوے بگڑ مزاج

موافق جسم پوسا شتاب
 تل پُن اس نوں صاف کرا
 حل کر اس دج نال قیاس
 دن دج دو ترے دفعہ سہال
 موافق جیہڑا طبع مزاج
 تے - جلاب - مالش - نسوار
 ہووے مجھے دج زبُون
 سُرخ چہرے دج زیادہ
 دموی مادہ خوب پچھان
 دے کے فاصلہ دو ترے ماہ
 کرے تصور خدا معاف
 برتے مالش رنت کرا
 شامل کر کے عرق گلاب
 کر معلوم علامت سبب
 ماہ مرض خارج کردا
 بنفشہ روغن نال ملا
 خوب طرح رکھ سرنوں تر
 شامل نال رکھیں تبرید
 خشک چیزوں پر ہیز کرا
 نال علامت کر کے دھیان
 اوس سبب دا کریں علاج

رہے حیران
 ڈر کھائے
 نل قیاس
 ست خراب
 ماں جنگ
 لے حیران
 شتاب
 دج رنت
 بیہوش
 لے لگ
 لے کھج
 نشان
 نشان
 مزاج
 دیں سدھ
 چار کرا
 خیال
 لے دے
 پیو پا
 ز پلا
 دو وار

سبب جیکر بلغم تے باد
 کر تنقیہ تے جلاب
 دو تے کروا مہینے روج
 پہلے ہفتے تے کراویں
 مڑ تریکے روج تے کروا
 چھ مہینے تک ایہ کار
 جے مریض کم قوت ہو
 دو ہفتے پچھوں تے کروا
 گھیو ہمیش اس بہت کھوا
 مت خشکی کر جاوے زور
 اندر اس دا کر کے تر
 عطر قرما دار پینی لے
 کٹ بگناں ماکھیندے ڈال
 بہ دو ماشہ بنت کھوا
 کریں جلاب ایارج حب
 اکادول والی دیہہ سنوار
 اک دی جڑ دی چھل لہا
 چل حکمت کر گزے روج ساڑ
 عطر قرما تے موز سیاه
 اک جڑی اک دی لے سوکا
 کھونجی کندش مریج سیاه

بادے برگی آن فساد
 بلغم خارج کریں شتاب
 دو جلاب نہ ہمدیں نہی
 دوجے روج جلاب دیواویں
 چوتھے روج جلاب دیوا
 کر تنقیہ خوب سنوار
 فاسلہ دیوے ہفتے دو
 چودھویں روز جلاب دوا
 پنڈے سر مالش کروا
 پیدا کرے مرض کوئی ہو
 تنقیہ تے جلاب اس کر
 سندھ برابر وزن ترے
 کر اس نون بنت استعمال
 پچھوں گھیو چھٹانک پلا
 دفع کرے بلغم نون جھب
 کرے بلغمی صرع فرار
 اک دا دودھ گھٹ تر کروا
 پیہ کے دیہہ اس نون سنوار
 تھلے کر اس دے ہمراہ
 پیہ کے بنت سنوار چڑھا
 مٹرنے دا کر ہمراہ

وزن
 سر
 کر

نسخہ

لے

گولی
سنگ

پیالہ

بہ

جے

کوئی

پورا

چھ ما

بالیہ

کرے

کار

دزن برابر دارو چار سرکھیاں دے کر جدا کر باریک نہایت پیس	پیہ کے دیہ اس ٹول نسوا دھپے اس نون رکھ سوکا دیہ نسوار دیہاڑے پیس
---	--

نسخہ قے آور

نسخہ ہک عجب قے والا لے ہک ماشہ درج کوٹا گولی پہلاں مہنہ درج پا سکنجیس پنج تولے تول پیال پانی گرم ملا ہک دو پیالے پانی ہو ہے ایہ قے آزمودہ کا ہے مرگی دا سرد مزاج کوئی اس نون مدت تیک کماھے پورانی ہڈی لے انسان چھ ماشے وزن پھکا بالینوس امر فرمایا ترے ماہ تک استعمال	دستاں تینوں بہت سکھا گولی مالکیوں درج بنا پچھوں ایہ دو پلا ترے ماشے رائی کٹ گھول پیال روگی نون قے کروا پیوے گرم نمک درج کھو ہو دے بہت شفا بیمار اُس دا ہے اس خوب علاج مرگی چاندی نظر آوے پیہ باریک کھول درج آں او توں ادھ پا گھبو پلا ایہ میری درج آزمائش آیا مرگی دفع ہووے فی الحال
---	--

نسخہ ماسوار

کار چینی کشمیری پست	کانچل برگ تمباکو گھت
---------------------	----------------------

کندش کالی مرج بلا آگ دی ٹڈی خشک کرا مرگی والے نوں نوار	تیرے تیرے ماشے سب دوا پہیہ کے سب نوار بنا دیویں روز مرہ ہک وار
--	--

بیان مرض کا بوس

کا بوس مرض مرگی دی بھین ایہ آوے دورے نال ستھاپیا ہووے انسان ایسا بوجھ کرے اوہ تنگ دج خواب دے کرے گمان ایسا زور دا دورہ آوے نکلے مٹھوں نہ صاف آوازہ نہوے خواب اندر گرلاوے چیکاں مار کرے فریاد ردوے کرے دہائیاں کوک بہت نہایت زور لگاوے بدنوں اٹھ غلیظ بخار گرمی سردی خشکی تر مرگی دا کریں علاج خلیہ خلط جو پوسے نظر کنہ مرض جیکر ہو جائے	طیب حکیم سیانے کن مرگی وانگ کرے بد حال بھار پوسے سینے تے آن جیونکر دشمن کروا جنگ مینوں کسے دبایا آن ہوے تنگ اوکھا ساہ آک زور لگاوے بے اندازہ خوفوں ڈردے نال بڑا کرے میری کوئی امداد نکلے مٹھوں آوازہ ہوک بولیا اس توں مول نہ جادے سینے سرتے پاوے بھار معلم کل کیفیت کر موافق جیہڑا طبع مزاج نال عقل سے خارج کر خاص شکل مرگی بن جائے
--	--

<p> بہت عقل دوڑا قیاس جیکر بنغم کرے فتور ہک چھٹانکی درج لیا ترے ماتھے دا وزن کھوا ہر ہفتہ ایہ سقے کروا سبب ہے ہووے خون زیادہ اول با سلیق رگ چھوڑ کرے جے زور مواد سودا روگی دا تر کر کے جسم ہر میلے کر خارج مادہ جے صفرا دا ہے سبب بہت دفعہ تنقیہ کر سجے سجے کریں دوا مرگی والی کل تدبیر ہر ہفتہ دیر نہ جلاب سوف کانسٹی لے منگوا بنفشہ کدو مغز بادام ہنج تو لے گلقتن ملا صاف ریشہ کر مصری ڈال </p>	<p> غالب مادہ کریں شناس تے جلاب دے کدھ تصوم کٹ ادھ پا ماکھیوں دج پا اتوں پانی گرم پلا دیوے اس نوں رب شفا قصہ نال کر خارج مادہ پچھوں کریں معالجہ ہور ظاہر باطن تری پہنچا تنقیہ کر سودا دی قسم ہووے جیٹری خلط زیادہ موافق ادس دوا کر جعب منفج دے کے مول نہ ڈر نال شتابی ناہ گھبرا کر اس دی نہ ہو دلگیر ہووے مادہ دفع خراب شامل کر اس نال سنا ہک ہک تولہ وزن تمام ڈنڈے کونڈے دج گھوٹا ہر ہفتہ کر استعمال </p>
---	--

بیلان مرض خدر یعنی سن

جید پیدا ہوئے خدر آزار
 سوندے مڑیاں دانگ اعضا
 مواد فلینڈ پٹھیں گھس جاوے
 جس اعضا دج خدر آزار
 یا بہت اعضا دج مواد
 کر کے چنگی طرح دھیان
 گرمی دا کر سرد دوا
 کرے تراوت خشکی دفع
 جیکر بلغم کرے بگاڑ
 مادہ اس دا کر کے تر
 کر کے خارج سارا گند
 پھرتوں اس نوں مالش کر
 طریقے جنت نال پتال
 مالش اس نوں رنت کرا
 رائی سرکہ خوب گھوٹا
 رائی کانچل زیرہ سیاہ
 سرکہ دیونج گھوٹ لگا
 جواشن دیسی دا کدھو تیل
 مقام خدر تے کرو طلا
 نوشادر طوطیا سبز مشک
 بہت باریک اس پچھ لگا

دج بدن دے پھڑے قرار
 سن اس نوں آکھن حکماء
 جس اعضا باطل ہو جاوے
 ہووے اوہ اعضا بے کار
 داخل ہو کے کرے فساد
 غالب لیں مواد پہچان
 سردی گرمی نال ونجا
 خشک دوا تری نوں دفع
 کر تنقیہ بہستی دار
 ہر ہفتے دج خارج کر
 جیہڑا دج اعضا داں بند
 تیل اجوین مسقط کر
 لے توں تیل اجوین نکال
 روغن نال ارند طلا
 تنقیہ پچھوں کرو طلا
 نوشادر عقرقرما ہمراہ
 دیوے بلغمی خدر گوا
 روغن دارچینی دج میل
 دیوے سن دی یخ اڈا
 بانی نیوے گھت جوشا
 خدر اے جھب کر طلا

اکی دے
 اجوین
 تنقیہ
 عقرقرما
 ماکھیوں
 ہر ہفتہ
 سبب
 کریں
 مالش
 مکھن
 ظاہر
 اندر
 روغن
 یا گل
 کرے
 صفراوی
 بلا شریہ
 کرے
 ایسے
 سج کوئی
 کرے

اک نے دودھ دینا مرغ سیاہ
 اجون ارنڈ دی بیج لے آ
 تنقہ پچھوں نت لگا ہے
 عقر قرقا دار چینی نے
 مکیوں دینا معجون بنا
 ہر ہفتہ پک کریں جلاب
 سبب ہے خاص سوداوی مادہ
 کریں تراوت دینہ تے رات
 مانش کہ تر دیہ غذا
 مکتن گوکا خیر کھوا
 ظاہر باطن کہ مرطوب
 اندر اس دا کر کے تر
 روغن مغز کدو بادام
 یا ٹھل روغن رنت ملا
 کرے جبکہ صفرا زیان
 صفراوی نے کے قے جلاب
 پانی شربت نت سرد نفورع
 کرے بے گندہ خون خرابی
 ایسے طور کچھ مدت تیک
 ہے کوئی ہووے ہووے سبب
 کر کے چٹکی طرح قیاس

کر کے کھل خدر تے لا
 ہستال ہنتر نال تیل کڈھا
 خدر مرض نوں جلد اڈا ہے
 لکھاں تو لے بیج بیج ایہ ترے
 چھ ست ماسے رنت کھوا
 دفع ہو جاوے خدر شتاب
 ہووے خشکی بہت زیادہ
 ہر جیلے کر خشکی مات
 خشکی اس دی وور کرا
 دیہ گادا دودھ مصری پا
 تا حاصل ہوون مطلوب
 سودا والا تنقہ کر
 بنفشہ روغن کل نت عام
 گھیو گوکا چرنی دینا پا
 ظاہر آون نظر نشان
 خارج مادہ کریں شتاب
 طبع ہے اس دی کرے رجوع
 کر توں اس قصہ شتابی
 کر توں بدن ہو جاوے ٹھیک
 دارو اس دا کر توں جھب
 نال علامت کریں شناس

جس غلط دا ہووے زور طبع موافق کریں علاج جیویں طبیعیاں دا دستور	دیویں غلبہ اُس دا زور گرمی سردی سمجھ مزاج کہ توں اُسے طرح ضرور
---	--

بیان مرض سکتہ

سکتہ مرض ہووے جد آن تُردا پھر داگم ہو جاوے مُردیاں دانگ ہوئے بے جان بدنوں ردی اُٹھ بخار خلیظ مواد سُتہ بن سخت مثل درم سُتہ بن جاوے کُل رُوح طرف سُتے دی جاوے سُتہ رُوح نوں کرے تباہ سردیج رُوح جا ہوندے بند سُتہ درمی سردے دین مُدرج سُتے دین جذب ہو جائے ہووے سکتہ جدوں آزار جیکر مادہ سالم ہو آوے ساہ دم بہت باریک نال علامت خوب پہچان ڈٹھا رک طبع دین عظیم	اچانک مر جائے انسان ساہ دم اُس نوں مول نہ آوے ہووے خلقت دیکھ حیران کرے حواس دماغ بگاڑ سردی پٹھے گرمے کرخت جس حرکت کُل بدن و نجاوے دفع کرن نوں زور لگاؤں قوت رُوح دی کرے قہار ہوون سُتے نال پیوند قوت رُوح دی لیندا سمج مُڑ کے خالے دین نہ آوے ہووے ہوش حواس بیکار سُتہ رہے سردی کھل نال عقل کر معلم ٹھیک زندگانی دے سب نشان اکھیا جالینوس حکیم
--	---

کے
مور
پتہ
جے
دو جا
جے
بھانہ
جے
چوٹی
تے
سرخ
جداد
بک
دین
کھنڈ
سید
دو
جے
سرد
مالش
شور

تہے روز تک دفن نہ کر
 جیویں حکیمان دا فرمودہ
 ہلسی جد ساء اس نوں لگے
 زندہ ہے اوہ مُردہ ناہیں
 ظرف دھیری دیں کریں دھیان
 زندہ اس نوں جان مقرر
 اوپر سینے ساء پرکھ!
 مُردہ نہیں، زندہ ہے ٹھیک
 رائی سرکہ گھوٹ لگا
 دیوے سکتے ثروت و نجا
 وزن رتی اک گھول پلا
 ہووے سکتے دفع بیماری
 ناساں دے دج پھوک چڑھا
 مصبر پانی نال لگا
 تا اس قے شتابی آوے
 ہووے سکتے مرض صحیح
 بخٹے اس زں رب شفا
 کیتا بلغم ٹھیک فتور
 سندھ اجوائن قرنفل میل
 زور ہتھال دا خوب لگا
 دار چینی زیرہ روح پا

سکتے نال ہاوے کوئی مر
 برت جیاتی کر ۳ زمودہ
 پنہ رگوں دا رکھ تک آگے
 جے حرکت پنہ کرے کدائیں
 دوجا پختہ ایہہ نشان
 جے عکس چہرے پوے نظر
 بجاندا پانی دا بھر رکھ
 جے اوہ پانی کرے تحریک
 چوٹی سر دے وال سنا
 تے جیہا کوئی نہیں دوا
 سرخ کاہی دی تے کرا
 جداد سنو تے ہووے جاری
 تک چھکنی کالی مرچ پسا
 دج حلق دے کھنپ پھرا
 کھنپ جد دج حلق دے جاے
 سبب جیکر بلغم تے رتج
 دو تہے قے جلاب کرا
 جے آوے تیرے دج شعور
 سرتے کل اس کھڈ دا تیل
 مالش سرتے خوب کرا
 شوربا رتر مرغ پلا

دا توڑ
 مزاج
 ضرور

انسان
 نہ آوے
 حیران
 باغ بگاڑ
 کرخت
 ن و نجا
 لگاؤں
 قہار
 ل پیوند
 پیدا
 نہ آوے
 س بیکار
 دج کھل
 ٹھیک
 نشان
 حکیم

سوف انیسویں زیرہ سیاہ
ترے ترے ماشے سب دوا
کا ہڑ کر کے روز پلا
خون زیادہ نظر ہے آ
سرارو رگ نول جھب چھڈ
جیکر بدن نضج کر جائے
جسم وچوں آوے بدبو
ہو جاوے عورت شکل خراب
سبب جیکر اس ہوئے قبض
محقنہ یا اس کر پچکاری
جیکر خشک طبیعت گرم
سرتے تل روغن بادام

پود نہ دار چینی اکرا
درڑہ کر کے رات پوسا
قدرے شہد اس وچ ملا
جلدی اس دی فصد کرا
خون موافق قوت کدہ
سبزی مائل رنگ دٹائے
نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو
نال علاج نہ کریں عذاب
حرکت کرے ذرہ ہک نبض
قبض شکم کھل جائے ساری
دیہہ دواتر سرد اس نرم
گل روغن بیل گو کا گھیو عام

بیان مرض اختلاج

جد پیدا ہووے مرض اختلاج
بے مدت جتے دج کھلوے
غیر طبعی مادہ ناکام
بند ہو جاوے رتخ بخار
قوت دافع کردی دفع
مادہ اپنا زور لگاے
جد مادہ ہووے تحلیل

بہت شتابی کرد علاج
مشکل پھیر خلاصی ہووے
کردا سارے بند مسام
رنگل نہ سکے باہر وار
رتخ مواد نہ ہووے دفع
گوشت پھلیاں دا پھر کاے
ہو جاوے تندرست علیل

جد مٹا
تنقیہ
طبیعت
جس خلط
جے ادہ
جے ادہ
جے ادہ
جد ہووے
اٹھویں
جد اس
بدن
بابو نہ
موافق
نال
تازہ
کریں
سب
جیکر
جیکر خ

پوسے جسم دے وچ پھرکار
 بہتی دفعہ نہ ہرگز ڈر
 مرضوں پاوے بدن ربائی
 کر توں اُس دا خارج مادہ
 قے کرن دی دیویں لے
 قصد کھولن دا جھب کر قصد
 دو تہے واری دے شتاب
 نال بھانس دے کھول مسام
 بیکل مار ننگا رکھ سانس
 بخشے اُس نوں رب ارام
 بہت نہایت زور لگا
 انبرول دی بھانس دوا
 دیویں بخشے رب شفا
 قفل نال نہ ہرگز ڈول
 کشہ محنت بہت کراوے
 موسم قوت عمر سمبال
 طریقہ حکمت پیر استاد
 سرد دوا نہ دیویں کو
 دیہ دوا اس ٹھنڈا نرم

جد مڑ پیدا ہووے بخار
 تنیقہ طبع موافق کر
 طبیعت دی کر خوب صفائی
 جس خلط دا زور زیادہ
 جے ادہ لائق ہووے قے
 جے ادہ ہووے لائق قصد
 جے ادہ لائق ہے جلاب
 جد ہووے مادہ صاف تمام
 اٹھویں ناویں دیویں بھانس
 جد اُس دے کھل جان مسام
 بدن اُتے مالش کروا
 بابونہ روغن رنت ملا
 موافق طبع دوا غذا
 نال بیماریاں دیکر گھول
 تازہ مرض شتابی جاوے
 کریں دوا میں استعمال
 سب قواعد رکھیں یاد
 جیکر سرد طبیعت ہو
 جیکر خشک طبیعت گرم

در بیان مرض زکام

شندہ روگاں دوج زکام
 استغیث پیدا ہوں بگاڑ
 غلبہ مرض کرے یکبار
 نمک تھیں پتلا پانی آئے
 دگے جے نمک تھیں فضلہ عام
 جے طرف حلق دی گرے فضول
 فاسد بدنوں اٹھ بخار
 سردی طرف ہو دے جد دفع
 مغز نہ اُس نوں کرے قبول
 رہے رطوبت نمک تھیں جاری
 یا بدھمی تھیں اٹھ رتخ
 زکام جے سردیوں ہوئے پیدا
 جب پکا جائے ریش خام
 سبب یا ہو دے بلغم داد
 نمک تھیں ٹھنڈا پانی دگے
 ڈھلی سست چلے اس نبض
 سرد دوج سردی بہت نہایت
 سرد چیز اُس ضرر پہنچائے
 پکی بلغم کرے خراب
 بلغم منضج نال پکاء
 جلد بلغم ہو جائے دفع

کردا سرنوں جے آرام
 کئی قسم سے سخت آزار
 پنچھاں لین نہ دیوں وار
 فضلہ بہت دگے بہلائے
 اُس نوں کہن حکیم زکام
 اُس نوں ریش کہن نزدل
 جا سردے دوج کرے بگاڑ
 کرے طبیعت اس نوں دفع
 طرف نمک دی گرے نزدل
 اوکھا ہو دے بہت آزاری
 دیوے جا سرنوں تصدیح
 منضج نال پکاویں ویدا
 دفع ہو جادے جلد زکام
 کرے ہمیش زکام فساد
 سرد ہوا بُری اُس لگے
 رہے شکم اس دے دوج قبض
 بدھمی دی کرے شکایت
 گرم غذا تھیں فائدہ پادے
 منضج دے کے کرو جلاب
 دو ترے دفع جلاب کرا
 معجون فلاسفہ دیوے نفع

زکام
 بر شعث
 شخم
 ادھ
 سر اس
 بر مٹھا
 پوٹی
 سرستے
 گرم دو
 جیکر
 جد گرم
 طے
 ٹھنڈ
 بنفشہ
 جے
 بنفشہ
 رات
 جو
 جاری
 گوشت
 اطر لیل

زکام ہے ہووے بہت مطلوب
 بر شمشہ دیہہ اس نوں معجون
 تخم اسی دے کر بریان
 ادھ پا پکا وزن ملا
 سر اس دے نوں کرتوں گرم
 ہٹھا تیل توے پر گھت
 پوٹی بھج کنک دا چھان
 سرے کر ایہہ گرم ٹکور
 گرم دوا دی دیہہ نسوار
 جیکو ہووے گرم زکام
 جد گرمی کر جادے زور
 ملے جے گرمی بلغم نال
 ٹھنڈے شربت اس پلائیں
 بنفشہ شربت نیلوفر
 جے گرمی دا بہت سبب
 بنفشہ گل تے نیلوفر
 رات پانی وچ تر کردا
 جو شے بندش کرے زکام
 جاری اس دا بڑا ثواب
 گوشت - مچھی - مرغ نہ دیہہ
 اطر فیصل نت کھوا زمانی

سرد طبیعت ہووے خوب
 ہووے رفع زکام زبون
 کٹ ملا ماکھیوں وچ آن
 ردگی نوں ہر روز کھوا
 نال ٹکور پوٹی نرم
 اگ تے رکھ توے نوں دت
 کر توں گرم توے پر آن
 اس دے جیہا دوا نہیں ہووے
 ہووے جلد زکام فرار
 کرے مغز تھیں ریزش خام
 بلغم خام ہو جادے شور
 بلغم شور ہووے فی الحال
 گرمی بدنوں دور کرائیں
 دونوں وقت پلایا کر
 ایہہ نفور پلاویں جھب
 ہمیدانہ وزن برابر کر
 فیرے مہری ڈال پلا
 کر استھیں پور ہیز تمام
 بندش فضلہ کرے خراب
 وچ زکام ساڈی مت ایہہ
 نہیں کوئی نسخہ ایس دے ثانی

سر نزلہ دینے مارے تیر
گھیو گو کے دے نال بنا
تاں مسام رہن اُس نرم
حریرہ جیہا دوا نہیں کو
بادام روغن مصری دینے پا
دیوے جھب زکام دینا
مصری گو کا دودھ پلا
مسام دماغ ہو جادون نرم
نال ہتھال دا زور لگا
بلین جیہا دوا نہیں کو
بند ہو جادوے مغز تمام
ہو دے بند ناساں دا راہ
مصری ڈال جے ہو دے بڑھ
سرتے مالش کریں تمام
لستی دے نزدیک نہ جاوے
خمیرہ دیہہ خشتاس نسنگ
کرے زکامی کھنگ داناس

دیہہ اطریفل بنت صغیر
بنفشہ روغن بنت ملا
سر اُس دے رکھیں گرم
جیکر خشک طبیعت ہو
دیہہ بنت اوس جو آتش پکا
فاقہ دو تیرے روز دیوا
ہور غذا نہ مول کھوا
مالش کر بنت روغن گرم
مالش اُس نوں خوب کرا
جیکر قبض طبیعت ہو
بہت جے ہو دے خشک کام
نک تھیں مول نہ آوے ساء
بنت پلا گھیو تے دودھ
روغن کدو مغز بادام
گھیو نہایت دافر کھاوے
مبب زکام جے ہو دے کھنگ
یا شربت پوست خشتاس

ترکیب حریرہ خشتاس

زکام دالے نوں بنت پلا
چار مغز تولہ اک دیہ

حریرہ ۲ خشتاس پکا
ترے تولے خشتاس سفید

ڈال تولہ ہک مغز بادام چار تولے گھت بکا خشک زکام نول دیوے نفع	گھوٹ پانی دے دج تمام دو تولے مصری ڈال پلا ہودے صنف دماغی دنع
ترکیب منضج بلغم	
سونف تولہ مثقال ملٹھ بنفشہ گاؤ زبان دج ڈال رات پانی دج تر کردا جے کرتاپ ہووے کچھ نال	چار انجیر منقہ اٹھ دونویں نے ہک ہک مثقال صبح جوشا دیہہ سکھنڈ ملا گلو بانسہ قدرے دج ڈال
نسخہ تاسوار نزلہ بلغمی	
تریاں پوست کیسر چھڑ پنج لونگ ترے مرج سیاہ صندل بُوڑ کچور افیم پیہہ یار یک دیہہ نسوار دنع ہو جادے سردا درد	ترے ترے ماشے شامل کر چھ ماشے کانپمل کر ہمراہ ہک ہک ماشہ وزن حکیم ہودے نزلہ جلد فرار جیکر ہوس طبیعت سرد
بیان تعریف چشم	
اکھیں عجب نعمت جان چشماں شیشے نور رحمانی اکھیں بڑی نعمت بھاری	روشن جہاں نال جہان بخشش رحمت رب رحمان مزہ جیسا قی خلق ساری

چشماں شیشے دیوے نور	کیستی رحمت رب ظہور
چشماں دے دج نور خدا	کیستا رحمت رب عطا
چشماں جدوں مارن چمکارا	روشن نظر آوے جگ سارا
جد اکھیں ہو جاون بند	پادن آن اندھیر کند
ہر کوئی نال اکھیں دے شیر	باہجہ اکھیں دے پوسے اندھیر
جد اکھیں ہو جان تباہ	ہووے کل جہان سیاہ
رب اگے نت کرو دعائیں	یا رب فضل کرم دے سائیں
بندے تیرے اسیں گن ہیں	بخشیں ساڈیاں کل خطائیں
مردیاں تیک جیاتی تائیں	اکھیں دا دکھ نہ دکھائیں

بیان رمہ صفاوی

جد اکھیں نوں آوے جوش	سوچن درد بھلا دے ہوش
لالی استخوان کون مسقیم	آکھن اُس نوں رمہ حکیم
گرمی تھیں ایہ موزی مرض	اکثر بہت ہووے بالفرض
ضرہاں وڈکاں کون خوار	ہوون ردگی بہت لاچار
بدنوں موزی اُٹھ بنجار	جا اکھیں نوں کردا مار
بنجار دیوے جد سر نوں زرد	دل گھبراوے پاوے شور
کوڑیاں اکھیں سرگن نال	ہووے درد کرے بد حال
کیزی بہت ہووے دھن بیض	سخت شام دج ہووے قیض
آدن قیض اوس ددر کرا	نال ملین سرد دوا
رس پھٹکڑی ہرڈ انیم	اکھیں تے کریپ حکیم

پین

کا

دو

تور

مص

نیفہ

نے

ہور

جے

اسجور

ڈھای

ہو

یہ

م

پت بکین اُتوں بنھوا جوش جے ہودے قبض سبب	ہودے اس نوں جھب شفا دیو ایہہ ملین جھب
نسخہ ملین قبض کشا	
کاسنی پئے پھل گلاب بنفشہ مغز کدو دج پا گھوٹ کونڈے شیرہ کڈھلے	دو دو تولے قدر حساب ہک ہک تولہ وزن تولہ پیوے نت دھاڑے ترے
نسخہ حریرہ	
دو تولے خشناس سفید تولہ مغز بادام ملا مصری گھت ہفتہ تک پیوے بنفشہ شربت نیلو فر لے کے مکھن گوکا عام ہور ٹھنڈے شربت سرنقوع جے خشکی تھیں اکھیں آدن انجوں چوک نہ آوے مول ڈھائیں مار روگی کرلاوے ہودے ورم اکھ داسخت پڑیا ہویا بادہ سودا گم السی خطمی منگوا	تولہ مغز کدو گھت دید گھوٹ کونڈی شیر کڈھوا حکم خدا تھیں چنگا تھیوے پانی ڈال پلایا کر مالش کرو صبح تے شام رکھ ہمیشہ اس نوں شروع سخت دانگ پتھر ہو جاوے ہودے بہت اکھیں تول سول راتیں دہیں آرام نہ آوے کر رٹھ پتھر دانگ کرخت کرے فساد اکھیں دج جا گٹ پوسا لعاب کڈھا

اسبغول لعاب ملا
 روغن کدو مغز بادام
 بنفشہ روغن آپ بنا
 مالش کرد صبح تے شام
 مکھن گوکا فجر کھوا
 جیکر اس نوں ہوئے قبض
 بنفشہ گل تے سولف منگا
 سنا کاسنی مغز بادام
 گلقد ڈال تے وچ چار
 شیرہ کپڑے وچ پھنا
 لعاب کدو کے اسبغول
 دودھ عورت دے وچ ملا
 شیان بریو ما اکھیں ڈال
 بنا پوٹلی پھیر ضرور
 گرم خشک کوئی دیہ نہ چیز
 گھیو کھنڈ کٹ پوری نت کھافے
 لسی انشہ ہوا غبار
 گوشت صحبت تھوم پیاز
 ایہ چیزاں سب اُسوں زہر
 جے دیوت گندہ خون ابال
 خون گندہ جد ہووے آ

اکھیں اُتے کرو طلا
 سرتے مالش کرد مدام
 کر مالش روغن گل پا
 سارے جتے بدن تمام
 گھیو چھٹانکی شام ملا
 کرڑے سخت ہوئے اس نبض
 مغز تخم کدو وچ پا
 اک اک تولہ وزن تمام
 گھوٹ گوندے وچ خوب سوار
 پیوے ہووے قبض گشتا
 وچ سفیدی بیضہ کھول
 اکھیں اُتے کرو طلا
 ہووے رمد دفع فی الحال
 ہووے جوش اکھیں دا دور
 ایہو رکھیں یاد تمیز
 نوں مرچ دے راہ نہ جائے
 مصالحہ محقہ گرم آچار
 بینگن تھیں کردا احتراں
 استھیں جوش آدے وچ تہر
 اکھیں مخرج نہایت لال
 دیوے جوش اکھیں نوں جا

سر
 جلد
 سر
 عن
 را
 جیک
 ماج
 شیا
 یا
 سب
 طرد
 خار
 چرک
 مرک
 بلغم
 شیا
 کرا
 کرک
 چوہ
 شخ
 موی

سوزش مریاں کرن جیران
 کر کے چنگی طرح پکھان
 مستحق وچوں تاڑ مٹکا
 آلو ، انہلی شامل کر
 مصری ڈال کراؤ شروع
 دیہہ ملین اس نوں کو
 کرو اکھیں تے لپ حکیم
 جاوے درد نہ ہو دے وت
 کرو قصور خداوند معاف
 آون اکھیں دے کے زور
 پاوے بلغم شور فساد
 ہنجوں دگن نہ سکھ کھل
 رڑک پوے اکھ تے دج کار
 بلغم خارج کرو شتاب
 منضج نال جلاب کرا
 جوش اکھ جاوے فی الحال
 فائدہ کرے اکھ نوں جھب
 مثل غبار ہووے جدھیک
 پت بکین اتوں بنوا
 سائیں بخش توں کر اظہار
 ہرگز کدی خطا نہیں پایا

مر بھارا دائم شبان
 خلط خون دے سب نشان
 سرارو دا قصد کرا
 غناب ، بنفشہ ، نیلوفر
 رات پانی دج کرو نقوع
 جیکر قبض طبیعت ہو
 ماجو پھٹکڑی رس ایم
 شیاں امیض اکھیں دج گھٹ
 یا بریوما ڈال شیاں
 سبب جے ہووے بلغم شور
 طرف اکھیں دے گرے مواد
 غارش نال جاوے اکھ پھل
 چرک میل آوے بسیار
 مرکب اس نوں دیہہ جلاب
 بلغم منضج نال پکاء
 شیاں بریوما اکھ دج ڈال
 کراں بیان دوا عجب
 کرے چاکسو بہت باریک
 جو ہنڈی اکھیں دج پلوا
 ششواک آزمودہ کار
 دج عمر ساری آزمایا

طلا
 مدام
 پا
 تمام
 م پلا
 نبض
 پا
 تمام
 ب سوار
 کشا
 کھول
 طلا
 الحال
 دوا دوا
 تمیز
 جائے
 آچار
 احتراز
 دج تہ
 لال
 نوں جا

مٹ
جد
اگ
بک
ضعف

پیشک
انہی
رات
ترے
گاہر
گھس
ہے
جوش

نسخہ
دھنیہ
انار
تکڑے

نسن استغول گھت دھن
افاقیا، جھگ سمندر آن
ترے ترے ماشے ست دعا
چھ ماشے تانبا سڑیا لے
کر کھل شیاں بناویں وت
دیوے اکھدا جوش و نجا
جوش اکھ دا چاہرے سولی
جوش اکھ دا ہودے دور
مغز بادام تولے دیند
پانی ڈال کونڈے گھوٹا
مصری تولے چار بلا
پتلی جیسی پکاویں پت
پیوے ردگی سرکیاں نال

ضرباں رڑکاں ہنجواں پیڑ
کندر کتھ ماجو بریان
گوشت خورہ چاکسو پا
پھٹکڑی گھت دھ ماشے ترے
پانی دھنیاں مہندی گھت
دقت ضرورت اکھیں پا
جیکر ہووے رد نزولی
حریرہ ردہ بنا ضرور
دو تولے خشخاس سفید
چارے مغز تولہ بک پا
کپڑے دھ مٹ صاف کرا
چار تولے گوکا گھیٹو گھت
ترے ہفتے کر استعمال

نسخہ مجربہ جوش آنکھ

بہت دیر تک رہے کھل
ہنجوں دگن کرن بے حال
پاوے جوش بقیں اکھ رانی
رات پانی گھت تر کر دا
خوب طرح ہس لے اباں
سیر پکا گوہ گھیو پا

جیکر رد پڑانا ہو
سرخی اکھیں رہے کمال
کراں بیان عجیب دوانی
تر پھل لے ادھ سیر منگا
فجرے دھچکی دے وچ ڈال
ل کے پن کے صاف کرا

ہولی ہولی اگ جلا گھٹوتہا باقی رہ جادے گھٹا کر کے خوب آثار جوش اکھ تھیں چنگا تھیں دھر ہنجواں دیوے نفع	مڑ دیچی دج گھت پکا جد سارا پانی جل جائے اگ تھیں جلدی نال آثار ہک چٹانکی جے نت پاسے ضعف دماغل ہودے دفع
--	---

نشیاں مجربہ جوش چشم

دھنیا مہندی رس نپال ہر ہک تولے دا مقدار فجری نل پُن صاف کرا کر پچی دے دج کاہر حکیم اس دے رکھ شیاں بنا کر کچھ مدت استعمال آئی اکھ نوں ہے مفید لالی ہنجوں ہودن دفع	پھٹکری لے ہرڑ دی چھال انہی پوست دانہ آثار رات پانی دج رکھ پوسا ترے ماشے دج ڈال اٹیم گاہڑہ قوام ہودے جدا گس پانی دج اکھیں ڈال ہے ایہ نسخہ پُر تاثیر جوش اکھ نول دیویں نفع
---	---

پوٹلی مجربہ جوش آنکھ

آدے جوش اکھ دے درکار چاکسوز درہرڑ دی چھال پھٹکری چٹی پوست آن پوٹلی بٹھ درڑہ کردا	نسخہ پوٹلی کرد تیار! دغیر مہندی رس نپال نار دانہ ماہو بریان ترے ترے ماشے سب دوا
---	--

دیکھو
آن
نار دوا
لے
وت
ونجا
مولی
دور
وید
فوتوا
بلا
پت
نال

کھل
حال
رانی
کر دا
آبال
و پا

نمے پانی روج پوسا جوش اکھ جے دیوے دھک	اکھیں اُتے رت پھیر پوٹلی ہودے دھک
--	--------------------------------------

نسخہ شیا ف بریوما

بریوما کرو شیا ف تیار میل چاندی ترے ماشے لے گوند لگر دی ماشے ترے کیسر گوشت خورہ افیم سفیدی انڈا ہودے صاف وقت حاجت اکھیں روج پا	کرے رمد ہک دن روج صاف تانا سٹیا ماشے ترے کتیرا قاقیا دو دو ہو ماشہ ماشہ وزن حکیم گھت کھل روج بنھ شیا ف دیوے اکھ دا جوش بنجا
---	--

صفت شیا ف ابیض

شیا ف ابیض نسخہ مشہور صفت بصریوں دیوے نفع ترے ماشے قلعی سفیدہ لیا کتیرا ترے ماشے روج گھت لے ناشتہ ہو ر افیم گوشت خورہ ماشے ترے نقاب کڈھ کے اسبغول وقت ضرورت اکھیں ماشے لال بنجوں رڑکاں غسل	کرے شتاب جوش اکھ ددر بنجوں پیڑ کرے سب روج ترے ماشے گوند لگر روج پا کندر پاویں ماشے ست ماشہ ماشہ وزن حکیم دارو سب کھل کرے بنھ شیا ف اُسدے روج گھول مڑکے جوش نہ شکل دکھاے رہن نہ روج اکھیں دے ٹول
--	---

پھول

مادہ

بہت

گاہڑہ

کراں

نیلہ

نیلہ

نمک

رس

جدوں

دو حصہ

مصری

فاصلے

ناخنہ جالا

سائیں

بخن

اکھ ہک

اس

نوں

بیان پھولہ چشم

پھولہ پوے کسی دی اکھ	کرے لکھ دی قیمت سکھ
مادہ تیز گرم ساڑ	جوش دیوے اکھ کرے بگاڑ
بہت دیر اکھ رہے جے بند	چڑھدا جالا وانگ کند
گاہڑہ محنت یا پتلا ہو	رگال اکھیں دج رہے کھلو
کراں بیان دوا عجب	پھولہ دور کرے ادھ جھب
نیلہ تھوٹھا کج رنگار	پس کھل دج وانگ غبار
نیلہ تھوٹھا کر بریان	تا ہو جاوے بے نقصان
نمک شیشہ شورہ کچلون	ہک ہک ماشہ کل موزون
رس نہو دا اس دج پا	ترے روز تک کھل کرا
جدوں دوا ہو جادے خشک	رہے نہ پانی دا دج مشک
دو حصہ مصری اس دج گھت	نال سلائی پادیں دت
مصری ہووے بیکائیری	رکھیں یاد نصیحت میری
فاصلے دیکے اکھیں ڈال	کچھ مدت کر استعمال
ناخنہ جالا پھولا چھوڑ	چھوڑ اکھیں نوں جانوں دور
سائیں بخش حکیم شناسی	ایہ نسخہ لکھیا آزمائشی

نسخہ پھولہ چشم

ہور ہک نسخہ بڑا عجیب	استعمال کرا طیب
اس نوں لے بنا ضرور	پھولا چٹا ہووے دور

سبز توتیا ناخن ہاتھی پھٹکڑی نمک شیشہ زنگار توتیا ناخن کرے بریان کھل کر او دارو ست پانی سارا خشک کرا نال سلائی اکھیں ڈال چالی روز اکھیں دج گھت مصری کوزہ نال ملا روز اکھیں دے دج نہ پاویں	تخم شرنہبہ شورہ کرساقی ہر ہک ماشے دا مقدار دو نویں پھیر ملاو آن پانی پت شرنہبہ دا گھت ڈال اکھیں مصری دج پا کر کچھ مدت استعمال پھولے دی جڑ سے پٹ سرچو نال اکھیں دج پا فاصلہ دو ترے روز کرا دیں
--	---

نسخہ چٹہ نادان بال

چٹہ پوسے جیکر اکھ بال پھٹکڑی نمک شیشہ منگوا ترے ترے ماشے ڈال حکیم رسونت مہندی دی پت نپال فجری اس توں کر کے صاف دودھ عورت دے نال گھسا کچھ مدت کر استعمال	ایہہ دوا کر استعمال چاکسو، جھگ سمندر پا ماشہ ہک ملا انیم! رات پوسا رکھ پانی ڈال میل دوا سمجھ بنھ شیان نال سلائی اکھیں پا! کرے شغارب ذوا بجلال
---	---

نسخہ پھولہ مجربہ

سب زنگاری
نشدہ کلا

سچا تانہ
نبتو دا
اکھویں رو
سرچو نال

کاپی مصر
ایہہ بھی نسخہ

بیٹ مرغ
سرچو نال

شورہ نمک
کھل کرا تا
برادہ ہوو

<p>کچا تانبہ جست منگا زیتو دا پانی وچ گھت اٹھویں روز کرانویں خشک سرچو نال اکھیں وچ گھت</p>	<p>چھنے کانی وچ گھسا کھل کرا دھاڑے ست رہے نہ پانی دا وچ مشک جالہ پھولہ رہے نہ کت</p>
نسخہ چٹہ	
<p>کاپی مصری سبز کیس! ایہ بھی نسخہ ہے آزمودہ</p>	<p>پیشہ کے ڈال دھاڑے بین بزرگ شناسی دا فرمودہ</p>
نسخہ چٹہ	
<p>بیٹ مرغ دی خشک لیا سرچو نال اکھیں نت پائے</p>	<p>عرق بیہوں گھت کھل کرا چٹہ پتلا دت و نجادے</p>
نسخہ چٹہ و پھولا	
<p>شورہ نمک سبز کچے کھل کرا تانبے دے نال بدادہ ہودے گا ہرا آ</p>	<p>وزن برابر دارو تڑے عرق بتو چھنے وچ ڈال رکھ ڈبی وچ اکھیں پا</p>
نسخہ حب زنگاری	
<p>حب زنگاری عجب دوا سفیدہ کلر گوند زنگاری</p>	<p>دیوے پھولا سخت دغا کیٹ سونے دی دارو چار</p>

عرق لیموں وچ کھل کرا	کر کے کھل شیاف بنا
گھس پانی وچ اکھیں ڈال	کر کچھ مدت استعمال

نسخہ مجربہ پھولہ چشم

بُورہ جنت تانبے دا بُورہ	ہو دے چھ چھ ماشے پُورا
پسچی چینی سبز کچے	ہر یک ہو دن ماشے تری
سبز توتیا لے رنگار	ہر یک ماشے دا مقدار
عرق زہو گھت شیشے ڈال	چار مہینے رکھ سہماں
اوسنوں پھیر کھل وچ گھت	کھل کرا دیہارے ست
کر کے اُس نوں مشل غبار	ڈبئی دے وچ رکھ سنوار
مصری کا پی نال رلا	سُرچو نال اکھیں وچ پا
جالا پھولا دَمعہ سَبَل	ڈال اکھیں ہو جاون حل
خارش چڑھ ہووے دُور	رہے نہ اکھیاں وچ قصور
ضعف اکھ نوں دیوے نفع	دھند غبار ہو جاوے رفع

بیان مرض سلاق یعنی خورہ بال چشم

بال خورہ جد کرے ظہور	پادے اکھیں وچ فتور
کنارے چشم سخت ہو جاون	لالی جھمبیاں جھڑ جاون
بہن ہمیشہ سنجوں جاری	وچ نظر دے پوے خواری
نسخہ ہر رکھاں لاثانی	مغرب میرے پاس نشانی
لے کے کانواں ٹوٹیاں میں	ساڑ چھنے کانسے وچ پیس

کھن
روز
نرس
اکھ

نسخہ
کا نہ
تانبہ
مدبر
سب
ریت
لد لی
چھنے
تانبے
سُرچو

دو چھ
اول
اک

کھن کچھ قدر قدرے دج پا	دستے تانبے نال گھسا
روز چالی تک کھل کرا	مڑ ڈبی دج رکھ ٹکا
ترے ماہ استعمال کرا	دیوے خورہ مرض دجا
اکھڑے جھمبیاں دے وال	اگن حکم خدا دے نال

نسخہ مجربہ خورہ بال حشیم

نسخہ بیان کراں ہک ہور	جادے دکھ ٹھکانہ پھوڑ
کانہ پر دل توے پر ساڑ	دو ترے تولے دا مقدار
تانبہ سٹریا نال رلا	جست ساڑ کے لے دج پا
مدبّر چاکسو کتھ سفید	ترے ترے ماشے ہراک دید
سب دوا کر کے باریک	دانگ غبار ہو جامے ٹیک
ریت کورے بھانڈے لیا	دو ترے ماشے پیس رلا
لد لیڈیاں دالے دھماں	چھ ست ماشے میلو ٹاٹاں
چنے کاٹی دے دج گھت	کھل کرا داڑے ست
تانبے دے دستے دے نال	گوکا گھیو تھڈا جہا ڈال
مڑ مڑ نال اکھیں نت پامے	خورہ اکھ دا دکھ دجا دے

تعریف دھماہاں لد خرو لیڈی شمشیر

لد چچ یا اٹھانڈے لیڈے	گلے مٹکے ہودن جیڈے
اول تھاپیاں دے انگار	ہری دے دج کر تیار
اک چچ لد گدوں دی گھت	لیڈے ڈال اٹھانڈے وقت

<p>مکھن نال بائی چوڑا چمڑے سیاہی بائی نال گنوں کر بھانڈے کانشی نال سب دوا اس دے ویج پا مرد اس نوں اکھیں ویج ڈال بھینیاں دے اکھڑے وال ایہ نسخہ آزمودہ کار</p>	<p>باری تے موندلی مردا سرد ہووے تاں لاه سمہال تھوڑا جیہا مکھن ویج ڈال اک ہفتہ تک کھل کر کریہ کجھ مدت استعمال مگن حکم خدا دے نال سائیں بجن کیتا کئی وار</p>
--	--

بیان مرض سبل

<p>رگلاں اکھیں دیاں جاوون پھل رہے ہمیشہ پانی جاری دو ترے دفعہ مجلاب کرا اطریفل بنت کھوا صغیر تانبا سڑیا ماشے ست سفیدہ قلعی سمندر جھگ کالی چھڑ کیسر زنگار بگ لگے ترے مرج سیاہ ست جوین ماشے ترے پا نال سلائی اکھیں ڈال دھند سبل بنجواں بال خودہ نظر آوے غلبہ خون</p>	<p>ہوون سرخ نہ سکن کھل آکھن اس نوں سبل بیماری ست ست دن دا فرق کرا سبل چشم نوں ہے اکیر میل پاندی ترے ماشے گھت ترے ترے ماشے پیس الگ ترے ترے ماشے دامقدار ترے لونگ کور کے ہمراہ ترے روز تک کھل کرا کریں چلیہ استعمال دھن نہ اکھیں دے صبح بھورا مادہ خارج کرو زبون</p>
--	--

نسخہ
سڑیا
اتاقیا
سیا
کامنہ
تانبا
سب
کڈھ عرق
عرق
جد گک
اکھیں
لگ پیس
استعمال
ناخوئے

کمال بیاد
سڑیا تان
ہرڈ سا

نسخہ مجرب سبل و دمعہ چشم

جس نوں بہت دفعہ آزمایا
پھٹکڑی پھل کرا دیں آن
دانے بابرنگ گھت وید
ہر ہک ترے ماشے مقدار
تول وزن وچ تولے چار
چھست ماشے کر کے خیال
دانگ غبار کھل وچ ٹھیک
نال پتال جنترے مبدھ
ترے روز تک کھل کرا
اس دے رکھ شیاف بنا
ہنچوں دفعہ جادوں سب نس
وانگ سرچو صاف کرا
پانی نے سبل دا کھچ
اندراتا ہو جادے دفع

نسخہ یاد مجرب آیا
سٹریا جت ماجو بریان
اتاقیا چاکسو کتھ سفید
سپاری سٹری ہوئی رنگار
کامنہ پردل توے پر ساڑ
تانبا سٹریا لے وچ ڈال
سب دوا کر کے باریک
کٹھ عرق مقطر گدوں لد
عرق لد اس دے وچ پا
جد گاہڑہ ہو جائے دوا
اکھیں ڈال پانی وچ گھس
مگ پیپل نوں خوب گھسا
استعمال کرو اکھ وچ
ناخنوں نوں دیوے نفع

نسخہ مجرب دمعہ چشم

اکھیں کریں دمعہ تھیں صاف
پھل پھٹکڑی نال ملا
چھ چھ ماشے دا مقدار

کمال بیان ہک عجب شیاف
سٹریا تانبا جت لیا
ہرڈ ساڑ ایہہ دارو چار

گھت پوست پانی کھل کرا نال سلائی اکھیں ڈال	تریجے روز شیاف بنا کرو چلیہ استعمال
--	--

نسخہ خارش چشم

جے اکھیں نوں خارش ہو ڈال اکھیں دھج جت گھسا یا ڈالو سرخ بھتل دا پانی	بہت دیر تک رہے کھلو یا قلعی شورہ روچ پا نہیں دوا کوئی اُس دانا نی
---	---

نسخہ رد اطفال

نسخہ کراں بیان یک ہو جیکر جوش آدے اکھ بال دو دانے گنک ہریڑ سڑا بک ما جو کر کے بریان پھٹکڑی سڑی سمندر جھگ کتھ چاکسو نال ملا چونڈی اکھیں روچ گھتا لالی ہنجوں پیڑاں جوش	جوش دمّہ جادون سب چھوڑ ایہ دوا اُس دے اکھ ڈال روچ کڑا ہی ریت سٹا سڑیا جست مانخے ترے آن ترے ترے ماشے پیس الگ ترے ترے ماشے وزن تلا اوپر پت بکین بنھا راک دن ہو جادون غموش
---	--

بیان ناخونہ چشم

ناخونہ جیکر پیدا ہو شیشہ نوں پھٹکڑی شورہ	روچ اکھ دے رہے کھلو لے دوا ترے بھورا بھورا
---	---

یس نبو وچ کھل کرا ناخونہ چٹہ خارش دور سُرجو شیشہ نمک بنا ناخونہ کا ہڑہ بہت کرخت لکڑ کنڈے دے نال اٹھا	نال سلائی اکھیں پا کر استعمال نہ رہے قصور اکھ وچ پھیر ناخونہ جا ہو دے بہت پورا نہ سخت کٹ کیچنی دے نال پلا
--	---

بیان دَمعہ چشم

رہن ہمیشہ ہنچوں جاری دو ترے رشک ہریڑ ہڑا ہک دانہ ماجوہ بریان خالص کیسر اصل اقیم پہیہ توں اُس نوں خوب باریک نال سلائی اکھیں ڈال بچی چینی ماشہ رپیس کر باریک اکھیں نت پا	آکھن اس نوں دَمعہ بیماری ماشہ دو کیس رپلا اُس دے نال ملاؤ آن ترے ترے رتی میل حکیم وانگ بخار ہو جائے ٹھیک ہنچوں بند کرے فی الحال رتی نال رپلا کیس دیوے ہنچوں دَمعہ دنجا
---	---

نسخہ دَمعہ چشم

نسخہ ہو رہک بڑا عجیب میل چاندی تانبہ سڑا پھٹکڑی سڑی ہوئی وچ ڈال کر کے اینوں مثل غبار	ہنچواں دَمعہ دنجاوے جب سنگ بصری اس نال رپلا چار دوا ہک ہک متقال اکھیں ڈال نہ رہے آزار
---	--

نسخہ دمعہ چشم

کر اں بیان ہک ہو ردوا جست ساڑیا پھل انار نخم ہریڑاں ترے سڑا کر باریک اکھیں دج ڈال سسل تے زرد ہریڑا گھسا نال انگل اکھ تے نت لاسے	دیوے جلدی نفع خدا ترے ترے ماشے دامقدار نمک شیشہ تھوڑا جیہا پا ہنجوں دفع کرے تت کال پوست دا پانی دج پا دمعہ اکھ نوں فیض پہنچاے
--	--

بیان ضعف بصر

جیکر ضعف اکھیں نوں ہو نظر آوے سب دھند غبار ضعف بصر جے دموی ہو بہت رہے سر دج گرانی چیتا بھل جاوے نیسیان متھے دچوں چھڈیں تار سرارو دا فصد کرا شریت کرو تیار غباب مونڈی بوٹی صندل بؤر بنفشہ نیلوفر دج ڈال جیکر قبض مخکم دج ہو	بہت نظر جاوے کم ہو ضعف بصر ایہہ جان آزار سُرخی اکھیں رہے کھلو سر دار ہے منہ نمک پیشانی دج عقل دے پوے زبان جو کال لا کتال پچھواڑ کر سب گندہ خون صفا پیوے فصدول بعد شتاب پاپڑا دھنیا میل ضرور مصری ڈال کر استعمال دیہہ ملین اُس نوں کو
--	--

سفیدی پھٹکڑی پھل کرا
 زرد ہرڑتے چھل انار
 دو ماشے نے مُشک کا فور
 ترے رتی کیسر پنج افیم
 بے دارو کھل کرا
 انار دانہ ہندی رس یا
 رات پانی دج رکھ پوسا
 سب دارو اس سے دج ڈال
 بیپ پن کر ڈبی دج رکھ
 پانی ضعیف ہووے سب دوا
 جے گرمیوں ضعیف اکھیں نو آوے
 پیلا چہرہ تلخ دہان!
 قبض ہے معدے دے دج
 نال ملین سرد جلاب
 بنفشہ شربت نیلوفر
 بکری دا دودھ لے کے تازہ
 پیوے مصری ڈال نہار
 چمٹی پھٹکڑی قلمی شورہ
 سرد چینی لے کے دج پا
 لے کچلون چنگا دج گھت
 ہودنے داست مُشک کا فور

چاکسو، جھگ سمندر پا
 چھ چھ ماشے دا مقدار
 ترے ماشے دج ڈال پور
 شامل کر اس نال حکیم
 گھت کپڑے دے دج چھنا
 تولہ تولہ وزن تولہ
 فحری کل پن صاف کرا
 کرتوں اس نوں کھل کال
 گھس پانی دج پانویں اکھ
 ہے نہ اکھیں دج قصور
 رنگ اکھیں دا زرد ہو جاوے
 سکی خشک نال زبان
 گرمی کرے اکھیں نوں نہ
 خارج کر صفرا شتاب
 روز ہمیش پلایا کر
 ادھ سیر پکا دج اندازہ
 گھیو گو کا کھاوے بیار
 جھگ سمندر گوشت خون
 تانبہ سڑیا نال رلا
 ترے ترے ماشے دارو دست
 پنج پنج رتی ڈال ضرور

انار دانہ لے تو لے چار
فجری نل پُن صاف کرا
جد پانی تولہ رہ جا
کر کے کھل بنا شیان
سبب برودت بلغم باد
سرد دماغ جدوں ہو جاوے
ضعف سبب مواد فضول
ہنجوں رہن ہمیشہ جاری
بلغم مُنضج نال پکا
معجون فلاسفہ جے نت کھاوے
کھل روشنائی اکھیں ڈال

پانی دج گھت رات گزار
دیکھی دے دج ڈال جوش
گھت دوا سب کھل کرا
کرے نظر اک دن صبح صاف
ضعف بصر دا پوے فساد
ضعف قوت مغز نزل آئے
طرف اکھیں دی کرے نزول
پوے نظر دے دج خواری
دو ترے چار جلاب کرا
ضعف بصر نوں فیض پہنچاوے
ضعف بصر جاوے فی الحال

صفت کھل روشنائی

شادخ تانبہ سڑیا لے
شحم حنظل مگ مرج سیاہ
مصبر میل چاندی رنگار
کیسر چار رتی دج پا
کرو نہایت بہت باریک
نال سلائی اکھیں ڈال
ضعف بصر نوں دیوے نفع
اندھرتا، چہ، خارش جھاڑے

ہر یک ہون ماشے ترے
بورہ ارمنی کر ہمراہ
ہر اک ماشے دا مقدار
دارو سبھے کھل کرا
کچھ دانگ ہو جاوے ٹھیک
بھند خبار کرے استعمال
اکھیں تھیں کرے جان کنارہ

نسخہ کر

اس

ضعف

سکے

پھٹکر

سرد

کافور

کھل

ترہیلہ

ایہہ

فجری

کھس

نیپال

چھ

نیلا

پیس

انار دا

نسخہ برود چشم

کرے گرم اکھ توں میت
ضَعْف کرے صفراوی دُور
سُجوں دُھند کرے سب رفع
تانبہ سڑیا نال ملا!
چمے سُرْمہ ڈالو وید
ہر اک ہودن ماشے ترے
پنچ پنچ رقی میلو آن
کپڑے دے دج گھت چھنا
انار دانہ دھنیا دج پا
چھ چھ ماشے وزن تولہ
میل دارو سب کھل کرا
کر کے خشک اکھیں دج ڈال

نسخہ کراں بیان ہک میت
اُس دا نام برودہ کافور
ضَعْف بصر نوں دیوے نفع
سکے! جھگ سمندر یا
پھٹکڑی دج ملا سفید
سرد چینی تے شورہ لے
کافور، نیلا تھو تھا بریان
کھل دے دج خوب پس
ترچلہ پوست برگ حنا
ایہ پنچ دارو رات پوسا
نُجری کل پن صاف کرا
گھس دستے جست دے نال

نسخہ سُرخی چشم

رسوت، چاکسو میلو آن
ایم ترے ماشے دج پا
ماشہ ہک ملا ڈالو آن
سُرْمے دانگ ہر جادن ٹھیک
اک اک تولہ رات پوسا

نپال ہلد پھٹکڑی بریان
چھ چھ ماشے سب دوا
نیلا تھو تھا کر بریان
پیس دوا سب کر باریک
انار دانہ تے برگ حنا

فجری نل پن کر کے صاف گھس پانی دج اکھیں پاے اس دا نام شیاف رمانی	میل توام کر بنھ شیاف لالی بنوں جوش دنگاے لے نہ ضعف دی ذرہ نشانی
---	---

نسخہ دھند و غبار چشم

سبب جے ضعف بصر آزار سرمہ مکھی سرمہ سیاه میل سونے دی لے دج ڈال سنگ بصری سچی چینی لے کیسر پنج رتی دج پا کاہڑہ کر کے بنھ شیاف	ہو دے اکھیں دھند غبار سر یا جست کرو ہمراہ شادنج تانیا سر یا نال ہر یک ہوون ماشے ترے عرق گلاب دج کھل کرا ڈال اکھیں رب کرے معاف
---	--

نسخہ مجربہ سرخی چشم

دھنیاں ہندی دانے انار پھٹکڑی رس اُس نال ملا رات پانی دج تر کروا ترے ماشے دج ڈال ایم ہو دے کاہڑہ جدوں توام پانی نال شیاف گھسا جیکہ مرض پورانی ہو ڈالو ایہ شیاف ضرور	دو دو تولے دا مقدار چھ چھ ماشے وزن تولا فجری نل پن صاف کرا کراچھی دے دج کاہڑ حکیم اُس دے بنھ شیاف تمام سرچو نال اکھیں بت پا سرخی اکھیں رہے کھلا سرخی جوش ہو دے سب دور
---	--

نسخہ مجربہ اندھراتا

مغرب ایہ نسخہ لسانی	دج قرا بادین یونانی
چھ چھ ماشے سونف سداب	گھوٹ پانی دے دج شتاب
کپڑے دج گھٹ صاف کرا	کڑی بھی دے دج خوب جوشا
جد گاہڑ ہو جاوے دوا	ترے ماشے گگ پیس بلا
پنج سست روز ڈالو دج اکھر	جلدی فائدہ لیں پرکھ

در بیان روز کوری

اندھا دینہ سو جا کا شام	کہن دوندی اس دا نام
دینہ نظر بند ہو جاوے	رائیں سب کچھ نظری آئے
گرمیوں سر نوں چڑھے بخار	نظر آوے سب دھندو کار
کڈھو مغز کڈو دا تیل	سر تو تلو گوکا گھیو میل
چھٹا کی مکھن فجر کھوا	شام پلا دودھ مصری پا
بنفشہ شربت رب انار	نت پلاؤ وقت نہار
ترے ماشے سرد چینی منگوا	چھ ماشے قلعی شورہ پا
ہک ماشے لے مشک کافور	پیہ سب ڈال ہووے دکھ دور
بنفشہ نیلوفر منگوا	نقوع کر مصری ڈال پلا

بیان پڑوال چشم

جے پیدا ہوں اکھیں دج وال	کس حکیم اس نوں پڑوال
--------------------------	----------------------

پانی و

دائنگ

سبب

نل

سبب

نسخہ

حکیم

کارش

کے

چام

ناخن

مردار

دو ترے

پیس

موجھے

کر

کچھ

نسخہ

سونا

تانا

پانی دے ہو دے اکھ لال
 دانگ اکھوں میں مارن ڈنگ
 سبب رطوبت فاسد خام
 زل کے بلغم نال سودا
 سبب سودا جمن پڑوال
 نسخہ یک رکھاں آزمودہ
 حکیم گھنڈی اس دانام
 کارشناسیاں دے رئیس
 کہے کوئی ایسنوں استعمال
 چام چٹھ یک بیاڈ مار
 ناخن گدوں گھوڑا دونوں
 مردار سنگ بھی نال ملا
 دو تیرے پرے زراغ سیاہ
 بیس کھل دے خوب سنوار
 سوچے نال پٹو پڑوال
 کہ کچھ مدت استعمال

سوتلیاں دانگ جمن پڑوال
 کرن اکھیں نول ڈانگ
 اکثر مرض ہو دے ایہ عام
 طرف پلک دے گردا جا
 کرن تباہ اکھیں بد حال
 بزرگ شناسی دا فرمودہ
 مشہور شناسیاں دے تمام
 ایہ نسخہ اس دی بخشش
 دفع ہو جاون سب پڑوال
 بگل حکمت کر اس نول ساڑ
 بگل حکمت کرو ساڑ او فریں
 پچھ چھ ماشے سب دوا
 ساڑ نوے پر کرو سواہ
 کر نول اس نول دانگ غبار
 نال سلائی اکھیں ڈال
 دفع ہو جاون سب پڑوال

نسخہ پڑوال چشم

نسخہ ہور لکھاں آزمایا
 سونا کھتی سونا پارہ
 تانبہ ساڑ و گندھک نال
 ہندوستانوں لکھیا آیا
 نیلا تھوٹھا ساڑ نیہ
 بخت ساڑیا لے دے ڈال

یوتانی
 شتاب
 بوجشا
 پس بلا
 پرکھ

تام
 آئے
 ندوکار
 میل
 می پا
 تہار
 پرہ پا
 دکھ دور
 ل پلا

پڑوال

وزن برابر چھ دوا
سبز توتیا کر بریان
تور یک اجوائن پوسا
سکہ پارہ سبز توتیا
پانی سب جوین و نچ ڈال
جد گا ہڑھا ہو جاوے صاف
پہلاں پٹ سٹوپڑ وال

ہر اک ترے ترے ماشے پا
ماشہ ہک بلاؤ آن
فجری نل کے صاف کرا
پہلاں ایہ ترے کھل کرا
کرو دوا سب کھل کمال
رکھو اس سے بندہ شیاف
گھس پانی وچ اکھیں ڈال

نسخہ پڑوال حسیم

نسخہ ہر روز آزمودہ کار
گنڈہ ٹاکی ممل منگوا
دو تولے گندھک آملہ سار
ہک پاسے ٹاکی گندھک دھوٹ
بتی دیوے روج جلا
کلی محوک ڈھکن لٹکا
سواہی نال گئے سرپوش
پہلاں لے پڑواں پٹا
کیسر رتی چار یا
کرو طلا پٹ کے پڑواں

پڑ وال واسطے کرو تیار
تیل کوڑے وچ تر کروا
وچ کھل گھت پس سنوار
بٹی وانگ پلیٹ ضرور
تیل تھوڑا جیہا وچ پا
سیاہی ڈھکن نال لگا
نال عقل دے نیں فروش
اوہ سیاہی اکھیں پا
رتی دو کافور ملا
مٹ کے پھیڑ نہ جمن وال

بیان موتیہ چشم

موتیا بند مرض دا نام
 اس نوں کمین نزول الملو
 موتیا بند جاں کرے ظہور
 جد قوت قائم رہے دماغ
 جد ضعف قوت مغز نوں آفے
 پردے ست اکھیں دے پین
 چوتھے پردے اُتے تُوڑ
 جد پلوے عفونت سرے دُج
 قوت کرے اکھیں دی مات
 پانی موتیا کرے نزول
 جے پانی ردی اُتر آفے
 چمداں قسماں موتیا بند
 زیلا زرد یا سبز سیاہ
 نشتر اوس نہ ہرگز لا
 جیکر مادہ سالم ہو
 ہووے اس دا رنگ سفید
 دستکاری اس دیوے نفع
 سفید پانی جے ہووے کچا
 جب تک نظر نہ ہووے بند
 نشتر اس نوں کرے زیان
 سفید موتیا جد پک جاوے

بند کرے اوہ نظر تمام
 طبیاں دے دُج کل حکماء
 گم ہو جاوے اکھیں دا نور
 نظر اکھیں رہے مثل چراغ
 نور اکھیں والا کلاوے
 کل حکیم سیانے کمین
 موتیا اوتھے کرے ظہور
 مغز نہایت ہووے زنج
 دفع نہ کر سکن فضلات
 سبب ضعف اکھ کرے قبول
 نور اکھیں دے نوں کھا جاوے
 سب بیکار اک دے دُج جند
 کرن اکھیں دا نور تباہ
 نیڑے اُس دے مول نہ جا
 دھیری تے چڑھ رہے کھلو
 دستکاری اس دی کر دید
 کرے مواد فاسد سب دفع
 چنگی طرح نہ ہووے پکا
 رکھیں یاد نصیحت پند
 ہو جاوے اکھ دا نقصان
 دستکاری بھین دفع ہو جاوے

موتیا شروع ہوتے جد آ
جیکر اس دا کریں علاج
سبب ضعف دا کرد معلوم
طبع موافق کرد دوا
کرد عفونت مغزوں دور
توت اس دی مغز پہنچا
دیہ نت سیویاں چرب پلا
دارو سخت نہ اکھیں گھت
جاہل لوگ عوام الناس
آکھن ہوئی دھند غباری
دھند غبار نہ ہوسے دفع
دارو گھت گھت کرن خراب
موتیا بند جد ہوسے شروع
داغ کرد کنپٹیاں روچ
رکھ کنڈی نون اوپر آگ
چنگل طرح پکاؤ داغ
یا نال دوائی ڈالو محل

اس دا جھبڈے کردوا
پہلے اس دی سمجھ مزاج
نال علامت جیویں رسوم
دیوے جلدی رب شفا
خلط موافق نال شعور
مقوی مغز دوا کھوا
گھبو دودھ حلوا خوب پکا
رکھیں یاد اسادی مت
موتیا بند نہ کرن شناس
نہیں کوئی سانوں ہور بہاوی
کوئی دوا نہ دیوے نفع
آخر اکھیں دین جواب
کنپٹیاں نون کر مقروح
لے شروع پانی نون کھج
داغ کرد دو طرف الگ
قائم اس دے رہن چراغ
دفع مواد ہو جائے کل

تعریف گل دوائی

نصف دانہ لے جو لونا
سل تے کوڑ گھت گھسا

ہوسے تازہ قرہ موٹا
کچھ سبز توتیا نال پلا

کنپٹیا
کنار
پنجویں
دن

نسخہ
شروع
جیکر
سر
دل
ش

ریز
ضعف
دکھ
صفرا
چٹا

مغز
مغز
پست
تور

کپٹیاں گوہے نال اوچھا سناریاں تے گل گھس لا پنجویں اچھیدیں لے اتار دن دوج دوترے پھاپے لگا	رہوں آلودہ کہ چڑھا چار روز تک تھوک لگا نت لگا گوکا گھیبو ساڑ دیوے جھبے زخم چھڑا
---	--

نسخہ مجربہ مقوی دماغ جگر

نسخہ کراں بیاں لاثانی شروع موتیا دیوے روک جیکر ایہہ دوا کوئی کھائے ہرے سارے دکھ تمام دل گردیاں نوں دیوے نفع شناسی ایستوں بہت کماؤں بیزش نزلہ کھنک نزل ضعف دماغوں ہووے دوا دکھ پُرانے جاوے ہو مغزادی دموی مرضاں سب پٹا زہرہ سولف منگا مغز اکھروٹ فندق ناریل مغز تخم غریبوزہ لیا ہستہ مغز کدو بادام کرلہ الاچی دانہ ڈال	تازہ پیدا کرے جوانی دو تن بہت شناسی لوک موتیا نیڑے مول نہ آئے نسن استھوں چھڑ مقام کرے جگر دیاں مرضاں دفع ہر یک دکھ دوج نفع اٹھاؤں سے پٹ او نہاندی مول رہے نہ ہر دوج ذرا قصور رہیں بدن لے دوج کھلو جاوے ہو مسافر جھب دھنیاں دے لے مغز کڈھا چلنوزہ مغز شدوانہ میل مغز کھیرے کھمڑی دوج پا پنج پنج تو لے وزن تمام کٹ دوا سب رکھ دوج تھال
---	--

کشتہ منگا موتی سیم
 جڑ مونگا لا جورد عقیق
 کشتہ سونا لے وچ ڈال
 ترے ترے ماشے کشتے سب
 سیر پکا مصری منگوا
 سیر پکا لے ماہاں دی ڈال
 فجری ہستیاں نال ہلا
 ڈنڈے کونڈے وچ گھت
 سیر پک پتھا گھیلے آن
 مٹھی مٹھی اگ جلا
 رنگ اس دا جب ہونے لال
 کڑا ہی دے وچ سب دولا
 بھانڈے چینی دے وچ ڈال
 وزن اسدا ہے تو لے پنج
 جدوں کوئی ایہہ نسخہ کھاے
 فاصلہ دے کے وچ دوا
 جس غلط دا زور زیادہ
 کر ایہہ نسخہ استعمال
 جگر ناتھ حکیم شناسی
 ادو حکیم نامی مشہور
 ملک وطن اس دا کشمیر

فولاد ماریا میل حکیم
 چند روزہ وچ ڈال تحقیق
 سرد بھنگ بھی ہووے نال
 وچ دوا ہلاڈ بھب
 گٹ کے مصری نال ہلا
 رات پوسا پانی وچ ڈال
 چھلکے اس دے ددر کرا
 بہت باریک گھوٹاویں وت
 دال اس دے وچ کر بریان
 دال نون چچی نال ہلا
 جلد اوتار دوا سب ڈال
 گھت کڑ پھی دے نال ہلا
 نال حفاظت رکھ سمہال
 ترے سو سٹھ دنجاے سنخ
 دد ترے چار جلاب کراے
 چودھویں روز جلاب کرا
 خارج کر کے اس دا مادہ
 ہوون سب دکھ خواب خیال
 ایہہ نسخہ اس دا آزمائشی
 علم شناس اندر بھر پور
 شناسیاں حکمت وچ پیر

ایہہ
 نسخہ
 لے
 کرے

چھ ما
 نشا
 دو

زخم
 ریم
 مرہم
 پھوڑا

پیپ
 ایہہ
 ستم

تونہ
 سڑی
 نیل

ایہ نسخہ اس تھیں مضمود نسخہ ہور مثال طلسم نے کے تخم دھتورہ سیاہ کر کے کھل اکتیں وچ پا	کر کے پرائے دکھ سب دھ مفید نزول الماء ہر قسم تخم نیل کر کے ہمراہ دیہے فوراً نفع دیکھا
--	--

بیان قرعہ چشم

چھ ماشے قلعی سفیدہ یا نشاہتہ کلر گوند افیم دو ماشے تانبہ سٹریا ڈال	میل چاندی ترے ماشے پا دو دو ماشے میل حکیم پیہ کر رت استعمال
--	---

بیان ناسور چشم

زخم قرعہ اک نام ناسور ریم رہے اس تھیں رت جاری مرہم کراں بیان آزمودہ پھوڑا کنہ زخم گھنیر پیپ رہے جس تھیں رت جاری ایہ مرہم کوئی روز کماے شکم گدوں دا توے دو تورہ ہڈی گاندی ساڑ سڑی سی چم کن سواہ نیل تھوٹھا کر بریان	پاس کو آ اکھ کرے ظہور کاگ نہند اس کن بیماری خاص شناسی دا فرمودہ پورا نا قرعہ ناسور شریہ ہوں طبیب علاجوں عاری ہوس فضل رٹائی پادے نکل حکمت کر ساڑیا ہو زرد کوڈیاں ساڑو چار چھ چھ ماشے کہ ہمراہ کندر گوشت خورہ آن
---	---

صبر سفیدہ کنگن کھار
 پھٹکڑی رسپور زنگار
 اٹھی کر کے سب دوا
 دس تولے بٹھائے تیل
 سیرپانی گھت اندر تھال
 تیل پانی دے دج بٹلا
 چمڑے تیل ہتھال دے نال
 دب انگل دے نال ناصوہ
 ٹاکی مہل دی کترا
 اٹھویں پہر پچھوں بدلا
 ایسے طور کر استعمال

مردہ سنگ کتھ پھل انار
 ہر اک ترے ماشے مقدار
 کہہ بار یک کھل دج پا
 دارو سب اس دے دج میل
 پکڑ دوا اس دے دج ڈال
 خوب ہتھال دے نال گھسا
 کر کے جدا ڈپی دج ڈال
 پاک ریم ساری کر دور
 آلودہ مرہم کر چمڑا
 ٹاکی تازہ ہور لگا
 کرے شفا رب جل جلال

نسخہ ناصور چشم

گوشت خورہ صبر زنگار
 کوار گندل دج بنہ شیان
 گھس پانی دج ڈال ضرور
 پھلاں دے ناصور دھوا
 نوشادر صابن پانی ڈال

دم الاخوین کندر گلزار
 کر کے پانی اس دا صاف
 دو ترے قطرے دج ناصور
 کہ پچکاری صاف کرا
 کہ پچکاری استعمال

بیان ناصور جاڑیہ

سفیدہ قلعی مردہ سنگ بیا

چونہ سپنی ساڑ بٹلا

چھٹ
 بر
 سن
 عفو
 قرہ

کن
 نعم
 فام
 عاجز
 بخش
 زجر

باہجو
 کن
 بول
 بے
 بے
 بالکل
 پروردہ
 سدا

چھٹانک تیل اسی دالے ہر آدمی دے بال منگا سپ گچ نول ساڑوچ تیل گھونہ کر مرہم دانگ بنا رحہ داہڑے دچ بے ہو	ہک ہک تولہ دارو تھ روغن اسی دچ جلا پیہ سب دوا دچ میل جاڑیے پر ہر روز لگا پش جیہا علاج نہ کو
---	---

بیان امراض گوش

یعنی کان

کن اعضاواں دچ شریف نعمت بخشش رب دی بھاری فائدہ کتاں دچ ہزار عاجز ہو جاوے انسان بخشیا رب کتاں نول شان رنگ برنگی سنن آوازہ باجوں کتاں دے انسان کن جہوں ہو جاوے بند لول کتاں دے درجے ترے جے تھوڑا جیہا ہووے نقصان جے دچ سنائی بہت قصور بالکل کن جے ہو دن بند پردہ کن دا بہت لطیف سدہ لے پردے نول کل	پیدا کیتے رب لطیف دیون لطف جیاتی ساری آون ناہیں دچ شمار باجہ کتاں دے مثل حیوان سمجھن، سخن کلام زبان دیون خوشی ہووے روح تازہ دانگ سودائیاں پھرے حیران بندہ مثل ہو جاوے کندہ طرش، وقرتے صمم ہے اس نول بولا طرش پچان اس دا نام دقر مشہور کن صمم اس دانشمند سدہ اس نول کرے کشیف دچ سنائی پوسے غل
---	---

انار
مقدار
دچ پا
میل
ڈال
گسا
ڈال
دور
چمڑا
لگا
جلال

گلنار
صاف
صور
کرا
تعال

یا ہووے مادہ خاص سودا
 سوداوی خشک مواد کرخت
 سودا سدہ یا سرد ریاہ
 کڈھ عرق مقطر گدول لہ
 بابونہ، ردغن میلونال
 بول کٹاں نوں دیوے نفع
 روغن ہرمل ردغن سیر
 گلیاں تھوم دیاں پنج ست
 ڈال کٹاں دے وچ ضرور
 تازہ دانے ہرمل لیا
 کپڑے وچ گھت صاف کرا
 مکھن مصری فجر چٹا
 نشاستہ ترے تولے منگوا
 پنج تولے گوکا گھیو ڈال
 ایہ حریرہ روز پکا
 جے بول کٹاں دا ہوئے تازہ
 ہووے اس دا گرم مزاج
 شربت شیرہ سرد دوا
 روغن کدو مغز بادام
 قطرہ قطرہ کن وچ ڈال
 سرتے مالش خوب کرا

کرے فساد کٹاں وچ آ
 پرے کرے کٹاں دے سخت
 گرم روغن گھت کر اصل
 نال پیتال جنتر دی بدھ
 قطرہ قطر کن وچ ڈال
 مکھن کن ہووے ریک دفع
 بول کٹاں نوں ہے اکیر
 ساڑو تیل مسھے وچ گھت
 ہووے بول کٹاں دے دور
 تیل مسھے وچ گھت سڑا
 قطرہ کٹاں وچ چوا
 گھیو دودھ اس نوں شام
 پانی دے وچ خوب پکا
 مصری گھت کر استعمال
 کر کے ٹھنڈا سرد پلا
 تھوڑا بہتا سنے آواز
 کر تول اس دا سرد علاج
 طبع موافق روز پلا
 سرکہ اس وچ ساڑ تمام
 کریں جب استعمال
 بنفشہ روغن آپ پلا

پیرا
 کٹاں
 گرم
 تنقیہ
 بدھ
 اس

جیکر
 سبب
 سبب
 جے
 روغن
 روغن
 روغن
 ہوو
 رقی
 دودھ
 یا
 سبب
 دہ

پُرانا سرکه تیز منگا کُتال دُجِ بنت کرد قطور گرم خشک نہ دیہ کوئی چیز تنقیہ طبع موافق کر بُڈھا ہووے یا مولود اس دا مَول نہ کریں دوا	مَول روغن دُجِ گھت سڑا ہووے بول کُتال دا دُور ایہہ رکھیں یاد تیز دو تَرے دفع نہ ہرگز دُر کرے دوا نہ اُس نوں سود ضائع محنت نہ ہو دنیا
---	---

بیان درد گوش کان

جیکر درد کُتال دے دُجِ سبب درد دا کرد صحیح سبب صفرا یا دموی مادہ جے سادہ گرمی دیوے زور روغن ڈال کُتال دُجِ سرد روغن مغز کدو بادام لُکڑا آیا ، یاد عجیب ہووے درد نہایت سخت رَقی قدر افیم گھسا دُودھ عورت دے دُجِ ملا یا چاول قدر افیم ضرر سبب درد دا جیکر رتج نہہ کرے ریاحی مادہ	ہووے کرے نہایت زُجِ پھوڑا پُٹھنی درد یا رتج درد گوش یا ہووے سادہ پاوے درد نہایت شور ہووے دفع کُتال دا درد بنفشہ روغن ڈال تمام دیوے دفع درد نوں مجب اُس نوں دفع کرے کلنت ساڑ توے پر کرد سواہ قطرہ ہک کُتال دُجِ پا دُودھ عورت دُجِ کرد قطور کر توں چنگی طرح صحیح ہووے تھوڑا کدے زیادہ
---	--

شعلہ مار کرے جھرنات
 ہودے خاص ہے سرد ریا
 شراب روغن گل وچ رلا
 دانے حریل تخم سداب
 قطرہ کتناں وچ چوا
 دو ترے قطرے ڈال شراب
 درد گوش ہے خاص ریا
 تیل مسھے وچ مقوم جلا
 پانی موی دا کدھوا
 جد سارا پانی سڑ جاوے
 ایہ روغن تڑت کتناں وچ ڈال
 باونہ گل پوست خشخاش
 جیکر پھنسی کرے آغاز
 درد کرے کتناں وچ
 جب تک مادہ پھنسی خام
 جب پھنسی پک کے پھٹ جائے
 گل روغن سرکہ میل سڑا
 سبب درد دا جیکر مادہ
 مادہ فاسد دود کرا
 سبب درد ہے خون کثیر
 پھنسی جیکر ہوس مزاج

کتناں وچ پوسے گھولک
 گرم روغن گھت کراصلار
 قطرہ کتناں وچ چوا
 تیل مسھے وچ سار شتاب
 گرد کتناں مالش کرو
 دیوے فائدہ بہت شتاب
 ہودے جلدی نال رانی
 دو ترے قطرے کن وچ پا
 تیل مسھا گھت کے پکوا
 دو ترے قطرے کن وچ پا
 درد گوش جاوے فی الحال
 جوشا شکور کرے وسوس
 مشکل جاوے سنی آواز
 ہودے بہت طبیعت زہ
 آدے کے نہ وقت آرام
 درد تھیں جلد آرام اس آئے
 قطرہ کتناں وچ چوا
 ہوندا جاوے بہت زیادہ
 جیڑا غالب نظری آ
 مسھے وچوں چھٹو سیر
 تنقیہ جہا نہیں ہو رمان

سبب
 درد
 اول
 پچھوں

پیدا ورم
 طرف با
 ورم زور
 روگی رو
 صفرا یا
 سبب
 سر بھارا
 صفرا سو
 کرے طبی
 جیکر
 جد دیوے
 گھڑیاں
 بہت
 مسھے

سبب صفرا جے ہووے درد	شریت اوس پلا رت مرد
درد مواد سودا سبب	کر مرطوب طبیعت مجب
اول خارج کر مواد	جس دا وچ مزاج فساد
پچھوں اس دی کر تعدیل	طبع موافق مرض علیل

بیان ورم گوش

پیدا ورم ہووے وچ گوش	جاوے بھل دماغ ہوش
طرف باہر یا کتال وچ	کرے روگی نوں ڈاڈا نیچ
ورم زور کر سر نوں پاڑے	مارے موذی درد کوڑے
روگی رو رو حال وچکے	راتیں دینہیں آرام نہ آئے
صفرا یا دہوی مادہ گرم	پیدا کرے کتال وچ ورم
سبب ورم دا جیکر خون	نال ہووے صفرا زبون
سر بھارا درد تراٹا مارے	رل صفرا لہو نوں ساڑے
صفرا موذی جد کردا زور	بلغم خون ہو جاوے شور
کرے طبیعت اس نوں دفع	طرف گوش دی ہووے دفع
جیکر مادہ سالم ہو	خکل ورم بن رہے کھلو
جد دیوے گندہ خون ابال	چہرہ سرخ ہو جاسے لال
گوہریاں سرخ اکھیں ہو جاون	نشان خون دی نظری آملن
بہت لہو دا جیکر زور	کھول سراہد فصد پنوڑ
مٹھے وچوں نارٹا مٹکا	کتال تپھے جوکاں لاء

کر توں اس دی قبض کشا
 کدو مغز بادام ملا
 تول تول وزن تول
 شامل اس ہے کرو پیوند
 کر کے صاف شتاب ملا
 دھنیاں صندل بُوَر ملا
 دارو سب اکٹھے کر
 دانے اٹھ آلو وچ گھت
 فحری مصری ڈال ملا
 جوش خون جادے فی الحال
 زائل کرے اُنہاں نوں مجب
 یک یک رقی وزن حکیم
 کٹاں پچھے کرو طلا
 تول گل روغن وچ پا
 سڑ سرکہ رہ جائے تیل
 قطرہ قطرہ کن وچ پا
 ہے کن دے وچ کرے فساد
 کچا مادہ خوب پکا
 بلغم خارج کرو شتاب
 کر رہ سخت نہ ہو دے نرم
 ڈال بادام روغن وچ میل

ملین گھوٹ گھوٹ ملا
 بنفشہ کاسنی سونف مشکا
 سناہ کلی پنج ایہ دوا
 ترے پنج خالص مخلقتند
 گھوٹ کوڑے شیرہ کدھوا
 مونڈی بوٹی برگ حنا
 بنفشہ انبل نیلوفر
 ترے ترے ماشے ناروست
 رات پانی وچ رکھ پوسا
 ترے ہفتے کر استعمال
 صفراوی خونی مرضاں سب
 کیسر مشک کافور انیم
 گل روغن دے وچ ملا
 تول سرکہ تیز مشکا
 آگ تے رکھ دوں نوں میل
 شیشی دے وچ گھت رکھا
 کچا مادہ بلغم یاد
 پہلاں اوس منضج کروا
 دو ترے وار اس کرو جلاب
 سوادی مادے واجے ورم
 گل روغن با بونہ تیل

کر مالش تیل رستھا کر گرم
 سبب دم بے خاص ریاح
 کالی زیری سیب کرا
 کچلہ پانی دے دھج گھس
 ایک دی جڑھ دی چھل یا
 تخم اسی میتھی منگوا
 ایہ دوا پکا دے دم
 بے باہر طرف کتاں دے دم
 طرف دم دی کرو دھیان
 کس مادے تھیں پیا فساد
 جیکر مادہ خونی ہو
 رنگ دم دا ہوئے لال
 شربت روز عتاب پلا
 پاپڑ، دھنیاں، صندل، بوری
 عتاب، ہریٹیاں، زرد سیاہ
 کر کے پانی دھج نقوع
 بے صفرا دی ہووے مادہ
 رنگ دم دا ہووے زرد
 دھنیاں، پیسک، آٹا جو
 گھوٹ پانی دھج کر ضماد
 پڑ بنھ جواہری باٹ

سخت دم ہو جائے نرم
 گرم پڑ بنھ کر اصلاح
 سر کے دے دھج خوب گھوٹا
 کرو طلا رتج جائے نس
 گھوٹ کونڈے دھج سیب کرا
 کڈھ لعاب کتاں دھج پا
 پیسہ پوسے ہو جاوے نرم
 ہووے یا کوئی پھوڑہ گرم
 کرو تمام معلوم نشان
 داخل اس دھج کون مواد
 جوہاں باہجہ علاج نہ کو
 دیوے گندہ خون اُبال
 خون گندہ سب کرے صفا
 مونڈی، بوٹی، ڈال ضرور
 بنفشہ، نیلوفر، سمراہ
 دو تھوے ہنختے رکھ شرذخ
 سرکن سوزش بہت زیادہ
 مارے سخت تراٹاں درد
 بنفشہ وزن برابر ہو
 کرے خداوند دھج فساد
 پک دم جاوے جھب پاٹ

ہووے جیکر مادہ سرد
 رنگ سفیدی مائل درم
 پردے کے کٹاں دے کل
 جے بلغم دا ہووے زور
 نمک کٹ درڑا کروا
 مسٹھا تیل پوے پر پا
 پوٹی بنھ کر گرم ٹکور
 نمک چھکنی کا پھل پت کثیر
 ست لونگ پنج مرچ سیاہ
 کٹ پیس کر دیہہ نسوار
 اسی تخم بالونہ گل
 گھوٹ پانی دج کر عنباد
 جے صفرا بلغم دل خون
 کالی زیری سرک لیا
 پانی آٹا گھیو ملا
 حث کر چھی دے وچ پکا
 جیکر درم کٹاں دے دج
 میتھی اسی کڈھ لعاب
 طرف باہر دی سخت جے درم
 اسی میتھی خوب گھوٹا
 پانی محث پھلش پکوا

پھوڑہ درم کرے کم درد
 ہووے بہت نہایت درم
 وچ سنائی پوے خلل
 اُس نوں مسہل نال توڑ
 چھان کنک دا نال ملا
 ہیٹھ توے دے اک رکھا
 دیوے درد ریاحی توڑ
 یک یک تولہ لے وچ گیر
 نال اُنہاں دے کر ہمراہ
 ہووے مرد ریاح فراہ
 میٹھی وزن برابر کھل
 جاوے ہو تحلیل مواد
 کرن پیدائش درم زبون
 گھوٹ درم دے اوپر لا
 نمک تھوڑا جیہا وچ پا
 ایہو پولٹس نت بنھا
 طرف اندر دی دیوے رکھ
 نیم گرم کر ڈال شتاب
 پولٹس بنھ کر اس نرم
 آٹا وچ کنک دا پا
 پش درم آتے بنھا

بن جادے کل ریم تمام
چو نہ سکی لون ملا
نہیں تاں نال نشترے چیر
موندہ زخم دے اوپر لا
نکلے فاسد مادہ کل
آدے ادے وقت آرام
دیوے جھبے زخم چھوڑا

جب یک جادے مادہ خام
ترے دن خلف کنوار بٹھا
تا پھٹ جادے دم شریہ
گرڈ صابن تے لون ملا
موندہ زخم دا جادے کھل
جد خارج ہووے ریم تمام
مڑ گولا گھیسو ساڑ لگا

بیان قرع گوش

قرع گوش اس کن حکیم
دج سنانی پوسے خوری
نیرے ڈھک نہ بیٹھے کو
کر کے نیم گرم ادہ تھوڑا
موندھا کر سر نول اٹا
جس دج سرکہ سرطیا عام
کرے قصور خداوندہات
بہت مدت تک رہے کھلو
بہت پسند مفید یونانی
ہر اک ماشے دا مقدار
ترے ماشے گھت موم سقید
پیہ کر چھی دج گرم کرا

کن تھیں پیپ دسے تے ریم
ریم رہے کن تھیں بت جاری
کن دچوں آدے بدبو
ماء العسل تے گوشت خورہ
کن دے دج پچکاری لا
پھول گھت روغن بادام
ایویں روز قرع کر صاف
جے کر قرع پورانہ ہو
جرب نسخہ کھال لاثانی
کندر اتر روت زنگار
ترے ترے ماشے سرکہ شہد
تور کل روغن دج پا

مرہم بستی نال لگا لے سواگر ساڑ سفید قطرہ قطرہ کن دھج ڈال گوشت خورہ شہد ملا ریم کن دی کرو صفائی قرحہ گندہ حد ہووے صاف اس تھیں بعد روغن بادام	قرحہ کن دے دھج رکھا حل کر دس نہو دھج دید کرے صفا قرحہ فی الحال بستی کن دے دھج لگا ہودے جلدی نال لائی کرے قصور خداوند معاف کنان دے دھج ڈال مام
---	---

بیان کرم گوش

جد گندہ ہووے درم قرحہ حرکت کرن کیرے بد ذات درد نہایت پاوے زور پت آڑو دے خوب گھوٹا قطرہ قطرہ کن دھج ڈال مصبر سر کے دھج گھسا ایہ نسخہ ہے بڑا مفید پانی تان افسنتین ڈنڈے کوڈے دھج گھوٹا کر کے صاف کنان دھج گھست نخل جاوون جد کرم تمام جے ڈالیں تازہ پودہ پانی	ہوون کرم کنان دھج شرم کنان دھج پاوون مرلاٹ کیرے کرن کنان دھج شود کر کے کیرے دھج صفا مرن کیرے ہوئی کے بد حال قطرہ قطرہ کن دھج پا کیرے اس تھیں مرن پلید گھست کنان دھج نال یقین پانی تھوڑا جیہا ملا کیریاں دی جڑ دیوے پٹ پچھوں گھست روغن بادام نہیں دوا کوئی ایس دانائی
---	---

مرہم بستی نال لگا
لے سواگر ساڑ سفید
قطرہ قطرہ کن دھج ڈال
گوشت خورہ شہد ملا
ریم کن دی کرو صفائی
قرحہ گندہ حد ہووے صاف
اس تھیں بعد روغن بادام

دیون چاہڑ کیڑیاں سولی
ایلو میل پنہ رول بور
کیڑے باہر آون تت کال

شیرہ پیاز تے مشیرہ مولی
آڑو دے پت گھوٹ پھوڑ
قطرہ قطرہ کن دھ ڈال

بیان طنین گوش

کھن، پھتر وانگ دراز
اُس نون کن طنین حکیم
دوی اس نون کن سیانے
یا ریح کن دھ کرے فساد
کر کے حل کناں دھ پا!
گل رخن دے نال ملا
کو کچ مدت استعمال
رات پوسا دھ رکھ خراب
گل رخن دے دھ ملا
ہو دے زائل سرد طنین
نہیں دوا کوئی اُس دے تل
ہو دے دفع مراد شتاب
جا کناں دھ کرے فساد
مالش سرے کر دھام
بہت مدت کر استعمال
استعمال کراویں ٹیک

کناں دے دھ نئے آواز
ہو دے سخت آواز مہین
گھراٹ چکی جیون پس دانے
جیکر ہو دے سرد مراد
کسر دھ شراب ملا
شیرہ کٹ پیاز کٹھا
قطرہ قطرہ کن دھ ڈال
بوندہ افستین سداب
نبری مل پن صاف کرا
ڈال کناں دھ نال یقین
کر مالش تیل بابہ گل
طبع موافق کر دھ جلاب
بے صراوی خاص مراد
روغن مغز کدو بادام
قطرہ قطرہ کن دھ ڈال
دو ترے چار چھ تیک

ہموے زائل مرض کینین دور ہموے موزی صفرا کرد رطوبت نال تعدیل ڈالو کتاں دج مدام شام پلا دودھ مصری پا رہے نہ کتاں دج قصور گریاں پنج باواماں دید فجرے کوٹے دج گھوٹا نت کھواؤ ہفتے ست تنقیہ کرو موافق مادہ	ہفتہ وار کرو تلیمین بزوری شربت سرد پلا خشک مزاج بہت علیل بنفشہ روغن یا بادام کھن گوکا فجر کھوا خشکی مغزوں ہموے دور دو توے نشی س سفید رات پانی دج رکھ پوسا ہک چھٹانک کھن دج گھت جے کر ہموے غلط زیادہ
---	--

بیان خون گوش

یا کوئی ہور مواد زبولن قطرہ قطرہ کن دج پا! سر کے دے دج گھت پکا ہموے خون بند فی الحال نال قصد کڈھ خون زبولن انہلی کا سنی کر ہمراہ مصری ڈال پلا شتاب	جے کتاں تھیں آدے خون مازہ سر کے دج گھسا تازہ چھل اتار منگا قطرہ قطرہ کن دج ڈال نظر جے آدے فاسد خون نیلو فرتے آؤ سیاہ بنفشہ دانے میل غناب
--	--

بیان تعریف بینی

<p>بینی ہے چہرے دا نشان بینی ہے اعضاء لاثانی بینی دے دوج خاص تیز خوشبو ہووے یا بدبو بند ہے ہووے بینی دارا بینی سر دی خدمت گار راہ بینی دے سرد ہوا جدوں ہوا مغز نوں جاوے ہون سوراخ ہے بینی راس ہے سوراخ نہ رہن درست کرو دُعا اگے رب باری یا رب کریں گناہ معاف</p>	<p>زینت کل انسان حیوان بخشش فضل کرم سبحانی بونھیں کرے شناخت چیز بینی باہجہ نہ سمجھے کو فعل مغز سب ہون تباہ کڈھے مغزوں باہر بخار طرف مغز دی پہنچے جا دوج نفسانی فرحت پائے قوت قائم رہے حواس کل حواس ہو جادون مست جس پیدا کیتی خلقت ساری راہ بینی دے رکھیں صاف</p>
---	---

بیان مرض رُعاف نکسیر

<p>نک تھیں خون چلے یا سیر گندہ خون آوے یا صاف خون نال تیزی صفرا سر دوج خون ہو جاوے شور پھٹ جاوے رگ چلے سیر روز بچراں چلے ہے خون تپ والے نوں دیوے نفع</p>	<p>کہن حکیم ہندی نکسیر حکیم یونانی کہن رُعاف جدوں سڑے سر دے دوج جا دیوے باہر طرف دی زور طاقت بدنی کرے ظہیر ہووے گندہ بہت زبون کرے مادہ موزی اوہ نفع</p>
--	---

اس نون ہرگز بند نہ کر
 اکثر دھچ تپ دے بھراں
 جیکر خون بہت گھٹ جائے
 بیشک اس دا کرو دوا
 نسخہ خوب لکھاں نکیر
 سفید پھٹکڑی پھل کرا
 کالا سرمہ دارد چار
 جیکر ہووے خون زیادہ
 پچھوں شربت دیہ عناب
 پا پڑا صندل بُوڑ سفید
 رات پانی دھچ کرد نقوع
 جے صفرا کرے اس تنگ
 خرد کاسنی گھوٹ پلا
 جے خشکی کر جادے زور
 مکھن گوکا خیر کھوا
 جے بہت کرے نکیر نساد
 پھل گلاب تے صندل بُوڑ
 گھٹ پانی گوندے دھچ گھوٹا
 دساں نسخہ فائدہ مند
 کافور افیم ماجو گھٹا
 دسم پانی دھچ گھوٹا

بند کرنا دھچ بہت ضرر
 ہووے تک بھیس خون دھچ
 ضعف طبیعت بھٹکڑی آئے
 دیوے اس نون رب شفا
 مارے دھچ نشانے تیر
 ماجو پھل انار ملا
 پیہہ کے دے ناسیں نسوار
 فصد نال کر خارج مادہ
 صاف ہو جائے خون خراب
 ہندی دے پت موندی دید
 مسری ڈال کراؤ شروع
 ہووے زرد چہرے دارنگ
 سیکنجیں نون نال ملا
 دساں دارو اس دا ہو
 بکری دا دودھ شام پلا
 سبز مٹھے تے کرو ضماد
 دھنیاں کاسنی مشک کافور
 مٹھے چوٹی لپ کرا
 کرے خون ساعت دھچ بند
 پیہہ کے پھونک ناسیں نسوار
 سبز مٹھے تے لپ کرا

نسخہ
 نمک
 کافور
 مکند
 پانی
 قطر
 پلایا
 گوما
 تاسا
 تخم
 صند
 رات
 پا پڑ
 جھ
 کر
 افیم
 پھل
 تاسا
 سر
 پانی

نسخہ ہور نکھان نسوار
 نکسیر نہایت دیوے نور
 کافہ پھنگڑی، ہرے دال
 کندر، ماجو، پھل انار
 پانی بد گدوں دا کڈھ
 نظرہ تاساں دج چڑھا
 پلایاں بازو گھت بخاؤ
 گوا، ما، بچے لے پخوڑ
 تاساں دے دج بت چڑھا
 تم کدو، خشتاش سفید
 صندل بورہ، سرسہ سیاہ
 راتیں بت نسوار چڑھا
 پاڑا، دھنیاں، نیلوفر
 بچہ چھ مائے دا مقدار
 کر کے پانی دج لتوج
 انیم چوتھائی رتی کھا
 پھل پھنگڑی لے کرا
 تاساں دج نسوار چڑھا
 برتے پانی سرد دگاؤ
 پانی دے دج نیل گھسا
 سرد پانی دج غوطے لے

کئی دفعہ آزمودہ کار
 فائدہ کرے دوا نہ ہور
 ساڑو ترے توے پر ڈال
 کر باریک دیوہ نسوار
 مشک کافور دیوہ دج مدھ
 ہودے اُسے وقت شفا
 برتے پانی سرد دگاؤ
 پیہہ رول اس دج بوڑ
 دیوے دھک نکسیر دجا
 شیرہ کڈھ پلاؤ وید
 مشک کافور کرد ہمراہ
 مر کے خون نہ ہرگز آوے
 بورہ صندل شامل کر
 وقت رات ایہ داند چار
 مصری ڈال رکھو بت شروع
 ایہ بھی فائدہ ترے پہنچے
 قدرے نال انیم بڑ
 دیوے جلدی اثر دکھا
 گاجنی مٹی لپ کر
 مٹھے چوبی لپ کر
 دگدی ترے نکسیر ہٹکے

اُٹھاں دی جت لے توں ساڑ جالا لکڑی، مٹرمہ سیاہ ایہہ بھی پیہہ کے دیہہ نسوار اسبقول مہر کے دج تہ	چنگی بھر ناساں دج چاہر سیاہی تو ا کرو ہمراہ فائدہ بخشے لے شمار کر کے یسپ مشخے دج کر
--	--

بیان ورم بینی

ورم بینی جد کرے طبیہ ہو دے بند بینی دا راہ مواد بے ہو دے دھوی گرم سراو دا فصد کرا سیاہ سوداوی ورم کرخت صفرا نال سڑ کے سودا قیروطی جلدی نال بنا جمل روغن دج موم گلا لعاب بنفشہ خطمی ڈال گرم خشک بے ہو دے ورم ورم گوش دا جیویں ملان نچ اخراج ضماد طلا	بدل جاوے چہرے دا نور فعل دماغی ہون تباہ مارے سخت تراٹاں ورم ورم بینی تے جوکاں لا ہو دے پتھر دانگ بے سخت ورم کرے بینی دج جا ورم بینی تے روز لگا چربی بکرا نال ملا کرے قیروطی استعمال کرے قیروطی اس نوں نیم کرے اتھائیں سمجھ مزاج جس لائق اوہ کردا راہ
--	---

نسخہ قیروطی مرطبہ

بنفشہ خطمی تخم سکن	پھل گلاب نیلوفر آن
--------------------	--------------------

دو دو
فجے
پا
لے
مسطبی
قوام
ایہہ

رطوبت
حرکت
دگے
درد
مجرّب
آرود
چاہر
ملون
دونوں
دو تہ
تھاں
مصبّر

<p>دو دو تو لے قدر دوا جوئے دیگی دھج جو شا ہک پکھا ہتھ تیل لے دو تو لے موم سفید سٹکی مٹھی اگ جلا قوام قیرو ملی تے جد آوے ایہ قیرو ملی جے بت لاسے</p>	<p>رات پانی گھت رکھ پوسا نل پُن صاف لعاب کڈھا گھت کر ڈا ہی شہ دھج میل کر کے گرم میلو دھج وید چھوٹی چھوٹی نال ہلا جلدی نال کر ڈا ہی لاہوے سخت درم نرم ہو جاوے</p>
--	--

بیان کرم بینی

<p>رطوبت بینی کرے عفون حرکت کرے کھڑے دن رات دگے بینی تھیں گندہ ٹھون درد نہایت کرے لاچار جُرب نسخہ لکھاں یونانی آڑوے پت گھوٹ پچوڑ چاہڑ ناسیں ہنگ کر ہمراہ ہون ترسا کو ہنگ پسا دونوں ناساں بند کرا دوتے روز کرو ایہ کار نال پوڑنہ افسنتین سبتر قھوڑا جیہا ہلا</p>	<p>پیدا ہوں کرم نہ ہوں بینی دھج پورے سر لاٹ ہودے بدبودار نہ ہوں اوکھا ہودے بہت بیمار مر کے ہوں کرم سب کافی پیہہ روں دا اس دھج بوڑ کرم بینی دے ہوں خناہ بینی دھج نسوار چڑھا تیل مٹی روں نال لگا مر کے کرم آون سب باہر گھوٹ پانی دھج داہن قطرہ ناساں دھج چڑھا</p>
--	--

تاسیں پھونکو ہنگ کا فور
 ایوا ہنگ تماکو لیا
 گھوٹ پانی دج کر پچکاری
 یا پانی دے تال رط
 مر کے ہودن کیڑے مردار
 ایرنا گوبا خوب گھوٹا
 تاسیں دیہ اس دی سوا
 لد گدوں دا پانی ڈال
 ایوا خوب باریک کرا
 خبہ روں سے تال لگا
 مشک بری سے پت سنگھاؤ
 ایہ بھی کرم کرے قلام
 جد کیڑے نک سے مر جادون
 گل روغن کر استعمال
 دیویں اس نوں نرم غذا

ہودن کرم بینی سے دور
 ماشہ ماشہ وزن سکا
 اسدے جیہ نہیں کوئی کاری
 بشی تاساں دج چڑھا
 آدن جلدی باہر وار
 پیہ کے کیڑ چھان کرا
 دیوے کرم بینی سے مار
 کیڑے باہر آدن تت کال
 پانی پت میم دج بلا
 دواں تاساں دج چڑھا
 یا پانی کڈھ کے تاسیں لاؤ
 باون کیڑے پھوڑ تمام
 مر کے باہر نکل سدھاؤ
 مشک کا فور بلا ٹیکے تال
 گھنڈ گوکا دج بہت رط

بیان قرح بینی

بے بینی تھیں چھوڑ جائے
 جادے قرح ہرانا ہو
 آزمایا ہوا عجب دوا
 چار توڑے گل روغن لیا

قرح بینی ادھ مرض سداے
 نک دچوں آوے بدو
 دساں بننے رب شنا
 موم تور گھت گرم کلا

ڈال
 بادام
 بنفشہ
 گوکا
 تراوت
 چربی
 قدرے

سبب
 پیدا
 دوسرے
 طرف منہ
 ہونہ پھوڑ
 دارو پہنچا
 دو ہفتہ
 اور
 بکری کا
 کالو کسے

چھ ماہ تک کر استعمال کر استعمال دوہاں نوں میل ترے ماہ استعمال کرا سرتے مالش بنت کرا جادے چھوڑا چھوڑ مقام گھٹیو گوکا وچ ڈالو دید نال بٹی کر استعمال	ڈال ڈٹی وچ رکھ کمال بادام روغن تے کوڑا تیل بنفشہ روغن موم ملا گوکا مکھن فخر چٹا تراوت اس نوں کرو مدام چربی بکرا موم سفید قدرے گوشت خورہ ڈال
--	---

بیان مہکے بینی

مہکے تک وچ کرن فساد فعل دماغی ہوون وچ کرن سوراخ بینی سے بند روح نفسانی غوطے کھاے میل بھی وچ کنگن کھا بٹی تاساں وچ چڑھا دفع کرے مہکے سب گال کرے مہکے بینی سے دور دو ترے دفع اس نوں آریا جمال گوڑ دا پچھ لگا	سبب خون یا ہور مواد پیدا ہوون بینی وچ دوسے جدول انہاں وچ گند طرف مغز دی ساہ نہ جاے چونہ پھٹکڑی تک زنگار دارو پیہ سب شہد ملا دو ہفتے کر استعمال ہور پک کرو علاج ضرور بکرہ کار حکماء فرمایا تاو اُتے گل لگا
---	--

گل گڑے تاو سے وچ
مہکے نے بینی سے بکھی!

بیان خشم بینی

خشم مرض پیدا جد ہو
 ہو دے جس بینی معدوم
 شامہ قوت وچ نقصان
 سڑ خلط کوئی رہے کھلو
 یا کوئی بحرانی گند
 یا سوداوی خشک مواد
 سڑ یا ہو یا سودا کرخت
 یا خون گندا بینی صفرا
 سبب سڈے دا کر دریافت
 سڈہ خون ہے نظری آ
 سبب جیکر سڑ یا سودا
 بنشہ روغن دی نسوا
 مادہ موذی کر مطلوب
 سرتے مالش بنت کرا
 سبب غلیظ ہے بلغم ہو
 سبب ہے موکے دم خراج

بینی سونگھ نہ سکے بو
 بو ہر چیز نہ کرے معلوم
 خلطی سڈہ کرے زریان
 ایس سبب نہ آوے بو
 کرے جس بینی دنا بند
 بینی دے وچ کرے فساد
 کرے بینی دے پتھے سخت
 یا بلغم کرے غلیظ جما
 کر کے چنگی طرح شناخت
 اول اس دا قصد کرا
 یا سبب موذی صفرا
 دیہودینہ وچ دو ترے وار
 تا حاصل ہووے مطلوب
 روغن کدو مغز کڈھا
 تنقیہ جیہا علاج نہ کو
 مرض مطابق کرو علاج

بیان مرض عطسہ

عطسہ مرض ہاں کرے غلو

بینی دے وچ پوسے قوت

چٹ

سب

مجزر

دو

رات

کھن

مصر

سو

کچھ

کھل

قطرہ

گرم

جے

نشا

تولہ

نشا

مصری

کر کے

اطریغ

دلیہ

کسی

نفع

چڑھے مغز جد گرد غیا
 سبب ہے ہموے نزلہ شود
 مجرب کراں بیان دوا
 دو تولے خشکاش سفید
 رات پانی دج تر کروا
 کفن ڈالو تولے چار
 مصری دو تولے دج سٹ
 کھمدت کر استعمال
 مٹی روغن دی مالش کر
 تھوہ ناساں دج چڑھا
 گرم پانی دے کرو فطول
 بے کر تینوں ہموے لوٹ
 نشاستہ تازہ تولے ترے
 تولے مغز بادام لیا
 نشاستہ پانی دج پکا
 مصری ڈال تولے دج چار
 لکے سرد ہریہ سرک
 اریفل بنت کھوا کشنیز
 دیر گندم سرکے غذا
 مٹی مرچاں گرد غبار
 غلط روغن مغز بادام

بچوں لین نہ دیوں وار
 آون پنچاں دے کے زور
 دیوے عطسہ مرض و نجا
 مغز بادام تولے گھت دید
 فخرے کوندے دج گھوٹا
 رگڑو ڈنڈے نال سنوار
 وقت نہار صبح اکھچٹ
 دیوے عطسہ مرض نکال
 دن دج دو ترے دفعہ نہ ڈر
 نیم گرم کتاں دج پا
 طبع ہے اس دی کرے قبول
 دساں عجب ہریہ ہور
 چار مغز تولے ہک لے
 گھوٹ نشاستہ دج بلا
 ڈیڈھ چھٹانک گوکا کھیو پا
 کاہڑ ہریہ کر و تیار
 دفع کرے نزلے دی کھوک
 اُسدے جیہ نہ کوئی چیز
 گھیو وافر اس دے دج پا
 سرد ہوا تھیں رہے فرار
 مالش سرتے کرو مدام

بیان صفت زبان

<p>واہ قدرت خالق سبحان ہر ہر عضوے دج خدا صفات جہڑیاں دج زبان ہر اک مطلب کار جہان کل احکام جو دین اسلام لذت لطف سواد ہر چیز زبان عطا کیتی رب باری سوال جواب آواز کلام ہنر فن کل علم جہان لکھ لکھ شکر کرد رب باری</p>	<p>افضل عضو کیتی زبان پیدا کیتا فعل جدا تاہیں اس دا حد بیان پورے ہووے مال زبان دیوے خبر زبان تمام ہووے مال زبان تمیز ہر حاجت دج دیوے یاری رنگ برنگی مزہ طعام تاج سارے بین زبان جس ایہہ نعمت بخشی بھاری</p>
--	---

بیان ورم زبان

<p>سون پوے جے دج زبان پہنچے وقت غذا تکلیف طرف ورم دی کرو دھیان کہ معلوم ہے ورم زبان سُرخ ہووے چہرے انگ قصد چار بند دا چھوڑ رس ہرٹ دا کریں غرارہ</p>	<p>آکھن انس نوں ورم سان قوت کرے زبان ضعیف کس مادے دا ہے نقصان دھوی آدن نظر نشان قصد کرن تھیں ذرا نہ سنگ پچھوں کریں معالجہ ہو ورم زبانوں کرے کنارہ</p>
---	---

پا پٹا
 دو تر
 جے
 سوز
 دھنیا
 کرے
 بنفشہ
 اسبغ
 کاسنی
 ساعت
 ہو رہ
 جے بل
 مینہ
 میٹھی
 کپڑے
 ڈالو
 دو تر
 کرے
 خشکی
 تازہ
 غرارے

گھوٹ پانی دھو شیشی گھٹ
 غرارے کرو درم سے بکھج
 چہرہ زرد نہایت گرم
 تلخی سکے حلق دہان
 سرکہ مُشک کافور ملا
 دفع ہو جاوے درم زبان
 بہیدانہ میل لعاب کڈھا
 گھٹ گھٹ منہ سے دفع رکھا
 دھنیاں میل شیرہ کڈھوا
 گھٹ گھٹ ایسے طرح ملا
 دفع ہووے موزی منقرا
 پولا بہت نہایت نرم
 لگے تریہ نہ ہرگز آب
 گل بابونہ گھٹ جوشا
 گودا انبلتاس ملا
 کرو غرارے فجرے شام
 بلغم بادی ہووے دور
 ہووے کرڑی سخت زبان
 ہرگز میل نہ آوے ٹھک
 گودا انبلتاس ملا
 دیوے درم زبان آتا

پا پڑا ہندی نم سے پت
 دو ترے دفعہ دھاڑی دج
 جے صفراوی ہووے دم
 سوزش خشکی دج زبان
 دھنیاں پیلیک خوب گھوٹا
 کرے غرارے دارو چھان
 بنفشہ خطمی تخم پوسا
 اسبغول لعاب ملا
 کاسنی کا ہو خرفہ لیا
 ساعت مونہ سے دج رکھا
 ہور شربت شیرہ سرد ملا
 جے بلغم تھیں ہووے دم
 نہ تھیں جاری ہے لعاب
 میٹھی اسی تخم کڈھا
 کڑے سے دج صاف کرا
 ڈالو دج روغن بادام
 دو ترے کرو جلاب ضرور
 کرے سودا جبکہ نقصان
 خشکی تھیں منہ جاے سک
 تازہ گوکا دودھ چڑھا
 غرارے کرو ترے دینہ چار

زبان
 مجدا
 بیان
 زبان
 تمام
 تمیز
 یاری
 طعام
 زبان
 جاری

لسان
 ضعیف
 نقصان
 نشان
 سنگ
 ہور
 کنارہ

انفشتہ روغن مغز بادام
 مکھن گوکا فجر چٹا
 جد خشکی ہو جائے دور
 کدھ پیلک اسی دالعباب
 مغز فلوس عرق بادیان
 سرکہ میل گلاب دالعباب
 سرکہ عرق گلاب ملا
 کرد غارے دینہ تے رات
 نوشادر مازد کرد باریک
 آتے کلو زبان مام
 بہیدانہ تے اسبغول
 غارے ہر دم کرد ضرور

مٹنہ دوج رکھ صبح تے شام
 مصری کھوڑی جیہی ملا
 رہے نہ دوج زبان قصور
 کر لیاں کر اس نال ثناب
 مل کے کرد غارے چھان
 کر لیاں کر جھب ہو دے فرق
 کھوڑا جیہا نوشادر پا
 درم زبان جھب ہو دے بات
 سرکہ نال ملاؤ ٹھیک
 آوے اُسے دقت آرام
 کدھ لعاب مصری دوج گول
 درم زبانوں ہو دے دور

بیان ثقل زبان

زبان کسے دی ہو دے بھاری
 مشکل ہو دے پیون کھاون
 صاف نہ نکلتے سخن کلام
 اکثر دوج بیماریاں سخت
 دوج فالج بقوہ استرخاء
 تمدد مرض تشنج دوج
 مادہ انتقالی بحران

بولن دوج نہ دیوے یاری
 دقت بولی دے اڑے زبان
 ثقل لسان مرض دانام
 ایہہ آزار ہو بے کم بخت
 یا دوج تپ طاعون دبا
 یا گھ اس نون گے کھی
 داخل ہو دے دوج زبان

جس مرض دا ایہ دوکھ عرض
 سبب موافق کرو دوا
 کرد شناخت طبع مزاج
 مادہ گرم یا خشک مواد
 خشک رہے یا حلق دہان
 مادہ خشک جے ہووے گرم
 بنفشہ روغن کلو مدام
 ہر جیلے اس کر تبرید
 خرفہ کا ہو تخم خیار
 گھوٹ پانی دج مصری ڈال
 شربت نیلوفر دا لیا
 میل دونویں ہر روز پلا
 شیرہ مغز کدو بادام
 آتش جواں دی شت پلا
 سرد مواد جے بلغم باد
 ہووے کڈھلی سست زبان
 منہ تھیں وگدا لہے لعاب
 دوترے اس نون کرو جلاب
 طفر قرا سٹھہ مرغ سیاہ
 رائی پودن لے دج ڈال
 کرد غرائے دینہ تے رات

کرنا اس دا دارد فرض
 دج علاج نہ پوسے خطا
 نال علامت جیویں رواج
 بلغم خون یا کرے فساد
 ہووے کرڑی سخت زبان
 نال مالش روغن کرزم
 یا کل بنت روغن بادام
 شربت شیرہ سرد مفید
 دھنیاں کاسنی دارو چار
 کرد عزارے استعمال
 استعول دا لعاب کڈھا
 صفراوی دیوے مرض دجا
 مصری گھت صبح دیہ شام
 بادام روغن مصری دج پا
 دج زبان جے کرے فساد
 بولن دا نہ ہوس تران
 دارد اس دا کرد شتاب
 ہووے بلغم دفع شتاب
 بونگ جعفر لک کر ہمراہ
 ترے ترے ماشے کٹ ابال
 نقل زبان ہووے جھب مات

م
 ملا
 مو
 ب
 ان
 ق
 پا
 ت
 ل
 م
 بول
 دور
 ری
 زبان
 نام
 بخت
 ن دیا
 سمجھی
 زبان

دستان نشہ ہو رامل
دار چینی گنگہ مرج سیاہ
عقر قرعہ گھٹ کٹ دوا
ڈال ماکھیوں دج جب بنا
ذره ذره کر چتہ لنگھا
سونف انیسوں تخم کتان
تخم کرفس ماشہ دو گھٹ
ماشہ پنچ ملٹھی ڈال
تل کے پٹن کے صاف کرا
ہفتے دو جو شانہ پیوے
ماء العسل اس بنت پلا
یا حلوا بیضہ کرے غذا
گندہ خون جے کرے زبان
دو نویں ناڑاں زیر زبان

دل زبان سے دیوے کھول
لونگ جعفل سندھ کر ہوا
دو دو توے دزن کٹا
گولی مٹہ دج بنت رکھا
ہو دس صحت رملی پائے
چھ چھ ماشہ میلو آن
مویزہ منقی داسے ست
کٹ دوا سب خوب ابال
دو توے دج شہد بلا
فضل خدا تھیں چکا تھیں
کبوتر تتر مرغ کھوا
گھو گولا دافر دج پا
ہو دس بھاری سرخ زبان
جاڑ اس دہ فصد پچان

بیان سوزش زبان

سڑکن جیکر دج زبان
دھنیاں گھوٹ کافور بلا
مغز تخم کدو بادام
صاف شیرہ کر مصری پا
عاب ملاؤ اس بخول

کوڑا لے ہمیش دہان
گھٹ گھٹ مٹہ دج رکھا
تخم کھیرہ خرفہ گھٹ عام
دودھ بکری دج گھٹ پلا
بھو قدرے مصری دج کھول

سک
گوک
ہو

جیک
لعا
ریش
غرا
لعا
جیک
بنف
کھٹ
جو

چالی
کاہ
شیر
کھٹ
گوک
نیلو
لسو

سجینیں اس رات پلا	شیرہ کاسنی نال پلا
گوکی لستی بہت پلا	بکری دا دودھ مصری پا
ہور شربت شیرہ سرد نقوع	رکھ ہمیشہ اس نول شروع

بیان عشق زبان

جیکر جاوے پاٹ زبان	مشکل ہووے پیون کھان
لعاب بہیدانہ اسبغول	رات پلا مصری دچہ گھول
ریشہ خطمی کڈھ لعاب	خطمی تخم بلا شتاب
غارے کر کر مٹھ وچ رکھ	بہت شتابی نفع پرکھ
لعاب بہیدانہ نیلو فر	مصری ڈال پلایا کر
جیکر جاوے پاٹ زبان	رہے ہمیشہ خشک دان
بنفشہ روغن موم پلا	اوتھل نال جھہ تے لا
کھنن مصری فخر چٹا	بکری دا دودھ شام پلا
جو آتش جواں دی خوب پکا	بادام روغن مصری دچہ پا
چالی روز پلا ضرور	رہے نہ وچ زبان قصور
کاہو دھنیاں کاسنی لیا	چار مغز گھٹ گھوٹ پلا
شیرہ مغز کڈھ بادام	حزہ گھوٹ پلا تمام
کھنن مٹھ تھیں پرہیز	ٹون برج تھیں کرے گریز
گوڈ کیترا رات پوسا	فجر پلا مصری دودھ پا
نیلو فر دے پھل سنگا	ریشہ خطمی نال پلا
سوڑیاں گٹ کے شامل کر	نقوع کر رات پلایا کر

بیان نقصان ذائقہ

مزہ نہ آوے بیون کھان	ذائقہ وچ پوے نقصان
لذت مزہ زبان نہ پائے	کے قسم دا کھانا کھاے
داخل ہوئی کے کرے زبان	فاسد مادہ وچ زبان
پھکا ذائقہ موندہ دا سواد	بلغم باد جے کرے فساد
پودنہ دار چینی وچ پا	عقر قرعہ سنڈھ رائی لیا
کر کے صاف شیشی وچ ڈال	کٹ سب پائی وچ اُبال
بلغم باد کڈھے سب مار	کرو غارے رنت نہار
وچ جھجھ دے کرے فساد	جیکر کوئی گرم مواد
سکجییں گھت کرے غارے	کاجی پیوے رنت دباڑی
آٹو، انہلی، ترشش آچار	بہت کھاے سنگترے انار
رستھا ذائقہ منہ دا سواد	گندہ خون جے کرے فساد
جلدی اس دا قصد کرا	چہرہ سُرخ جے نظری آ
غارے کرو اُبال شتاب	پاپڑا دھنیاں پھل گلاب
کرو غارے رنت اُبال	مہندی رس ہرٹاں وچ ڈال
وچ زبان کرنے نقصان	سوداوی مادہ جیکر آن
گوکا گھٹن رنت کھوا	تراوت اس نوں بہت پہنچا

بیان قلاع یعنی منہ پکنا

جے منہ پک کے دا باوے	مشکل نال غذا اوہ کھاے
----------------------	-----------------------

طبع موافق کر اصلاح
 مُنہ دے اندر کرے قناد
 مصری تھوڑی جیہی پلا
 مصری ڈال پہلا شتاب
 رت پلا مصری دج گھول
 کڈھ لعاب ہر روز پلا
 دیوے اس نوں رب شفا
 مُشک کا نور داخل کرناں
 مُنہ پکے نوں بڑا مفید
 کباب چینی پیہ چھڑک وید
 پھل اناراں میل شتاب
 پھٹکڑی دھنیاں ساڑ پلا
 کرے پکے مُنہ واسب دور
 کرو غارے اس دے شروع
 سرکہ پانی گھت ادبال
 کرو غارے استعمال
 رس ہندی دے کرو غارے
 کپڑے وچدوں صاف کرا
 غارے کر کر باہر ڈال
 غارے کر دھرتی تے ڈال
 رات پوسا رکھ اندر آب

ایں مرض نام قلاع
 جیکر ہو دے گرم مواد
 کا ہو خرفہ گھوٹ پلا
 بہیدانہ دا کڈھ لعاب
 لعاب نیلوفر اسبغول
 سوڑیاں ریشہ خطمی لیا
 غارے کر رت سرد دوا
 ہندی پھل انار ابال
 کرو غارے نال تاکید
 طباشیر الچی کتھ سفید
 طباشیر الچی پھل گلاب
 سنگ جراثیم کتھ منگا
 یک یک پیہ کے مُنہ دج دھوڑ
 گٹار تر پھلہ کرو نقوع
 ما جو ہرڈ ہندی نیال
 کر کے صاف شیشی دج ڈال
 مونہ دج خون جوش جے مائے
 دھنیاں پیسک خوب گھوٹا
 مُشک کا نور ملائی کے نال
 پھٹکڑی رس پانی دج گھول
 دھنیاں ہندی پھل گلاب

کھان
 پاؤے
 زبان
 اسود
 دج پا
 ج ڈال
 ب مار
 دے قناد
 غارے
 آچار
 اسود
 کرا
 شتاب
 ابال
 قصان
 کھوا
 کھانے

فجری تل کے صاف کرا
الاچی دانہ اکتھ سفید
کر باریک مُنہ دے وچ دھو
گھاؤ زبان توے پر ساڑ
تال پھٹکڑی کر کے پھل
سبب بلغم جے کر مُنہ پکے
دو ترے کرو جلاب ضرور
عقر قرعہ دار چینی لیا
گھت شیشی وچ کرو غارہ
سرکہ شہد نمک وچ پا
نوشادر پھٹکڑی نمک اوبال
جیکر ہووے خشک مواد
گھیو گوکے وچ دودھ بلا
فجر گوکا مکھن بنت کھاوے

غزارے کر کافور ملا
پھل انار ملاؤ دید
کرے پکے مُنہ داسب دور
نالی ملاؤ پھل انار
دھوڑہ نہیں کوئی اس دے تل
ہرگز کھانا کھا نہ سکے
بلغم باد ہووے سب دور
کٹ سرکے دے وچ جوشا
مُنہ تھیں کرے پکا کنارہ
غزارہ کر مُنہ وچ رکھا
کرو غزارے توتیا ڈال
مُنہ دے اندر کرے فساد
غزارے کر کرے نگھا
خشک قلاع نول تریت وچاٹ

مرض آکلہ قم یعنی موہری مُنہ کی

جیکر موہری پیدا ہووے
مادہ موہری دانگوں سم
ایہ خراب بڑا دکھ بھارا
تیزی نال نہ بزیلا مادہ
ماجو منہ ہی کتھ نسیال

مُنہ وچ گھیرا گھت کھلوے
کھا جاوے گوشت رگ چم
بہت مشتاقی کرے کھلا
گھاؤ زخم دا کرے زیادہ
کر کے پھل پھٹکڑی ڈال

سہا
چھ
رات
کر کے
گرنک
کندر
دزن
پیرا
جاوے
فلہ
پچھا

پچھو
نال
اقایا
پنچے
قرص
عاجت
دور
سب کو

<p>ساق، نوشادر، پھل انار چھ چھ ماشے سب دوا رات پانی دج رکھ پوسا کر کے صاف شیشی دج ڈال بٹک ہریڈ سپاری ساڑ کندر نمک مابو بریان دزن برابر سب دوا پُرانا قرص ہے بہت عظیم جاوے بہت پُرانا ہو فلد فیوں کر استعمال پتھان سودیجان لگا</p>	<p>عقرقرما کاغذ گھٹ ساڑ تنبے تنبے ماشہ نمک ملا فجرے سرکہ گھٹ جوشا کر د غارے استعمال سرخی پھنکڑی کتھ گھنار عقرقرما ملاؤ آن! کر باریک موہری تے لا دگے ہمیشہ استھیں ریم فائدہ کرے دوا نہ کو قرص صفا کرے فی الحال موہری قرص دفع ہو با</p>
---	---

نسخہ فلد فیون

<p>بجڑے آب نادیدہ بیا نال بلاؤ زرد ہر تال آفاقیا سچی کنگن کھار بجے دارو کھل کرا قرص بنائیکے رکھ سمہال عاجت وقت باریک کرا فلد پردز موہری تے دھوڑ سب گوشت گندہ کھا جاوے</p>	<p>دو تولے دا وزن تول ہڑتال سرخ شامل کر تال ہر یک تولے دا مقدار انگوری سرکہ نال ملا کر کے خشک حفاظت نال تھوڑا جیہا قرص تے لا ریم قرص تھیں ہووے دور قرص ریم تھیں صاف ہو جاوے</p>
--	--

پانی سرکہ، شہد ملا اس نسخے دا آکھن نام باہجہ ہتھیار لوہے دی چاس قرحہ جدوں ہو جائے صاف پچھوں نسخہ سورتیجان	زخم قرحہ دار روز دوی فلہ فیدون حکیم نام کٹ کٹ سے گندہ ماس کرے قصور خداوند معاف کر استعمال نہ رہے نشان
---	---

نسخہ سورتیجان

پنج تونے چھل ترش انار گٹک ہریٹاں ساڑ ملا خسامل کر سماق وچ گھت نمک نوشادر داخل کر سرکے وچ سب کھل کرا گولہ پانی وچ گھسنا نام اس دا ہے سورتیجان	پشکڑی عقر قرحہ گھنار سبز کبیس ما جو بیج پا نو نو ماشے دارو ست ترے ترے ماشے وزن تہ گولہ اس دا بنھ لکھا قرحہ موہری تے نت لگا دفع موہری دا کرے نشان
--	--

بیان بحر یعنی بدلوئے منہ کے

منہ وچوں آدے بدلو یا پھپر وچ ریزش بند معدے وچوں دیوے بدلو دنداں وچ کرے بدلو کہ دنداں نوں دائم پاک	بحر مرض جد پیدا ہو سبب بدلو قرحہ دا گند یا کوئی ادہ گندہ ہو جیکر چیز غذائی کو فجری نت کرے مسواک
---	---

سبب موافق کرو علاج
 سبب قرحہ دا جیکر ہو
 بکری دا دودھ نت پلا
 آتش جو اندھی کرے غذا
 نفث مے دا دیکھو باب
 فلیط ریش بے گندی ہو
 شربت رشت اعجاز پلا
 گھیو ساڑ وچ مصری پا
 صفرا جیکر تیزی وچ ہو
 سکتجیں کر استعمال
 کاخی اس نوں ترش پلا
 آٹو انبلی رات پوسا
 سبب بدلو جے بلغم باد
 دو ترے کرو جلاب ضرور
 عقرقرا دارچینی لیا
 بلوتری مصطکی کالی چھڑ
 یک یک تور سب دوا
 قدر بیر گولی بنخوا
 ٹھوڑا ٹھوڑا چمکے لنگھا
 دتاں نسخہ ہوو عجیب
 دور ہووے ساری بدلو

تال ہووے تندرست مزاج
 مونہہ وچوں آدے بدلو
 شہد ٹھوڑا جیہا نال پلا
 بادام روغن مصری وچ پا
 اوہ سب دارو کرو شتاب
 رہے پھپھرے لے وچ کھلو
 سینہ اس دا کرے صفا
 رشت اس روٹی نال کھوا
 معدیوں آدے بہت بدلو
 دیوے سب صفرا نکال
 کٹ سے موزی صفرا
 فجر پلا ، مصری وچ پا
 معدے دے وچ کرے فساد
 کرو عفونت معدیوں دور
 بالونہ الاچی موتا پلا
 جعفر ، لونگ پاناں دی جڑ
 کوٹ پیس وچ شہد پلا
 سواک پچھوں منہ وچ رکھا
 رہے نہ بلغم باد ہوا
 نفع بختر نوں دیوے جھب
 مونہہ وچوں آدے خوشبو

صوا
 م
 س
 ف
 مان

تار
 پا
 ست
 قدر
 رکھا
 رکھا
 شان

بدلو
 بند
 بدلو
 بدلو
 پاک

پہلاں خوب کرو مسواک کیا بہ ، لاچی خورد ، پکور پہیہ کے دندیں رت پلا	دند گندہ تھیں کر کے صاف وڈی الاچی مُشک کافور بدلو مُنہ تھیں دُور ہو جا
--	--

مرض سیلان لعاب یعنی مُنہ سے پانی بہنا

مُنہ تھیں بہت بے پانی جاے وَن دی جرٹھ دی کر مسواک اطریفل رت کھوا صغیر پک دو اُس نوں کرد جلاب سبب جیکر بلغم اس باد اول اُس نوں نصد کرا اس تھیں بعد کوئی کھاے جوارش مصطلی بہت مفید	دار چینی رت چتھ لنگھاے رکھ ہمیش دنداں نوں پاک ایہ بھی ہتے نسخہ اکیر بلغم خارج کرد شتاب پایا معدے وچ فساد ہفتے بعد جلاب دیوا پانی مُنہ تھیں مول نہ آوے کھوا اُس نوں رت نال تاکید
---	--

نسخہ قے

قے کرن دا دساں ڈھب پہلاں قے توں اٹیں کھوا سوئے بیج مٹی سے لیا تور تول دارو جار مین پھل دا ڈوڈہ پک ڈال ترے سیر پانی وچ جوشا	بلغم معدیوں کڈھے جھب جاوول بیج چھ ست گراہ منٹھی تخم خربوزہ یا نمک چھ ماشے دا مقدار کٹ سب پانی وچ اُبال ترے پیالے ہے تاں پیٹھ لیا
---	---

<p>کپڑے وچدوں صاف کرا پیار بھر کے جلد پلا جلد اوہ پانی نکل جا تریجے دا ایہو دستور ہور گرم پانی دی کرامداد</p>	<p>سکنجیں ادھ پا وچ پا! وچ خلق دے کھنڈ پھرا دوجا جلدی مال پلا تے اس طرح کرا ضرور کڈھے گندھ باہر مواد</p>
<p>جوارش مصطکی</p>	

<p>جوارش مصطکی کرو تیار بد ہضمی نوں دیوے نفع دہ تولے لے کھنڈ سفید ادھ پا گھت وچ عرق گلاب بہت گاڑہ جد ہووے توام تھوڑا تھوڑا جے نت کھائے</p>	<p>ضعف معدے دے ہے درکار اسہال گرمی دے کرے دفع تولے تڑے مصطکی وید دیگی وچ کر توام شتاب وچ تھال دے ڈال تمام ضعف معیوں تر ت و نجاے</p>
---	--

<p>نشہ جلاب</p>	
<p>نرد ہریٹاں پھیل گلاب نویں انہلی دا دارو چار آٹو سیاہ لے دانے ست بنفشہ یک تولہ وچ ڈال کل پن اس نوں صاف کرا یک دو واری کرو جلاب</p>	<p>نخم کاسنی ڈال شتاب پنج پنج تولے دا مقدار سنا کی تولہ وچ گھت رات پوسائیکے فجر ابال دو واری دن وچ پلا ہووے دفع آزار شتاب</p>

بیان تشقُّق لب

<p>معلم اس دا کرو سبب سُرکن درد پاوے جھڑناٹ تراوت باہجھ علاج نہ ہو چربی روغن موم ملا شریت شیرہ شام پلا گوکا گھی ڈالو دوج دھید تھوڑا مُشک کافور ملا لباں اُتے دیویں چمڑا بالکل اس تھیں کر پیہر گوکے مکھن نال لگا مُشک کافور ماشہ گھت دید ہر اک ہووے ماشے ترے کرو قیروٹی استعمل</p>	<p>جاون پاٹ کے دے لب سوج پوے لب جاون پاٹ خشل بہت ہووے دوج زور قیروٹی لب تے نت لگا مکھن مصری فجر کھوا چربی بکرا موم سفید کرچھی دے دوج گرم کرا پُردہ انڈے نال لگا گرم غذا جو ہووے تیز پیہہ کے نال باریک کرا چھ ماشے لے کتھ سفید موم سفید چربی بُزنے گھنہ گوکا تولے دو ڈال</p>
---	---

بیان ورم لب

<p>مادہ اُس دا ہووے گرم گندہ خون کرو سب دور جوکال ہیٹھ لبیاں تے لا ہووے ورم لبیاں دا درد</p>	<p>پوے لبیاں اُتے جے ورم سبب ہووے پوے قصور چار بند دا قصد کرا پسلیک دا کر پیپ ضرور</p>
--	--

جے صفراوی ہووے مادہ دھنیاں پیلک صندل پور ڈنڈے کوئٹے روج گھوٹا جے بلغم دا ہووے زور جیکر ہووے ہور سبب جیکر ہووے ورم ریاہ	سرکن سوزش بہت زیادہ میل تھوڑا جیہا مشک کاٹو ورم لبیاں تے لپ بکرا مسل دے کڈھ پنچوڑ کہ توں داڑو اس دا جعب موافق اس دے کر اصلاح
---	---

در بیان تعریف دندان امراض دندان

منہ وچ رب نے بٹی دند دند عجائب نعمت اعلیٰ دنداں دا اوپر انسان قادر قدرت نال پروتے دنداں باہجہ حیاتی خام دند لذتیاں دا ہے دروازہ جے کوئی لکھ نعمت کھائے کھائے جو انسان غذا دنداں ہیٹھ جو آئے چیز سخت چیز نوں کھا دن توڑ دنداں باہجہ بے مزہ طعام دند جنہا نہ ہور اعضا زیست مونہ دی دنداں نال	کہتے حکمت نال پیوند بخشنے رحمت نال تعالیٰ کیتا رب بڑا احسان حاضر خدمت رہن کھلوتے مزہ نہ آوے ہرگز طعام دیون لطف ہوئے نفع آزہ دنداں باہجہ نہ لذت آئے آوے دنداں نال مزہ چھٹن اس نوں نال تیز کدھن لذت اثر پنچوڑ جیون دنداں باہجہ حرام مزہ دکھا دن وقت غذا دنداں باہجہ جیون بد حال
--	---

فائدہ بہت دندان سے دوج
ایسی رحمت فائدہ مند

دندان با ہجہ روج ہوئے دوج
رکھے رجب سلامت دندان

بیان درد دندان

جد دندان نول ہووے پیڑ
درد کرے یا گندہ خون
سبب یا ہووے بلغم باد
یا صفرا دا ہووے زو
سبب درد دا کرد شناس
سبب جے ہووے خون زیاد
کرے مسوڑیاں دے دوج دم
رگ اس دی قیصال چھڑا
جیکر ہووے حاجت ہو
یا اس سسکی رمتی لا
گھوٹ پانی دوج نیم دے پت
غزارہ کر گھت مشک کافور
پا پڑا دھنیاں برگ حنا
نجرے کل کے صاف کرا
کرے غزارے دینہ تے دت
پوست دھنیاں پیلک لیا
نیم گرم دے کرو غزارے

ہووے بے آرام سریر
فاسد سڑیا ہو یا زبون
یا ریح منہ دوج کرے فاسد
یا دندان دوج ہووے کھوٹ
سوچ سمجھ کے کرد قیاس
گندہ ہووے خونی مادہ
ہووے بہت نہایت گرم
چار بند دا فصد کرا
جو کال لائے کے خون پخوڑ
خون گندہ سب دور کرا
چھان رسونت ملاؤ وٹ
جوش خون دا ہووے دود
رات پانی دوج رکھ پوسا
سر کر مشک کافور ملا
جوش خون دا ہووے مات
پانی دیگی گھت جوش
لوکے ہین مجرب سائے

دھنیا
جے
نسخہ
بکر
پانی
جیکر
دھنیا
کرے
سبب
نسخہ
پوست
دزن
کرے
دھنیا
کٹ
نسخہ
درد
خاص
نسخہ
اک
وا
پڑا
گر

دھنیاں ہندی رس نپال	کرو غرارے خوب اُبال
جے گرمی تھیں ہو دے پیڑ	بہت نہایت کرے ظہیر
نسخہ ہک مجرب ہے	لے ڈوڈے پوست سے ترے
بکر دی چھل ، پھل انار	درخت شرنہ دی چھل انار
پانی گھت ہانڈی وچ کاہڑ	یک جادے کر صاف سنوار
جیکر درد تراٹاں مارے	نیم گرم دے کرو غرارے
دھنیاں دا بشیرہ کدھوا	سرکہ مشک کافور ملا
کرے غرارے تال دتوں	درد دندان داکرے دتوں
سبب صغرا دے جیکر مادہ	درد دندان دا بہت زیادہ
نسخہ بیان کراں ہک سرد	کرے موتوں دندان دار درد
پوست دھنیاں چھل انار	چھل ہرڑاں دی چھل انار
وزن برابر پنج دوا	کٹ پانی دے وچ جوشا
کر کے صاف شیشی وچ ڈال	کر کچھ مدت استعمال
دھنیاں پیک السی لے	وزن برابر دارد ترے
کٹ جوشا کر کرد غرارہ	درد دندان تھیں کرے کنارہ
نسخہ ایہ غرارے سرد	دفع کرن گرمی دا درد
درد جے ہو دے بلغم باد	یا رتج منہ وچ کرے فاد
خاص سرد جے ہو دے مادہ	سرد پانی تھیں ہو دے زیادہ
ٹوٹکہ ہک شناس عجب	دساں درد و نجادے جھب
اک دا دردہ انیم گھسا	طرف بلہر دی کاغذ لا
پھڑا گوہے پال ادچھا	روں آلودہ کر چڑا

رتج باد تھیں ہووے پیڑ
 دساں ہووے عجیب دوا
 عقرقرما سنڈھ مرغ سیاہ
 جیج شراب دارو سب گھول
 جے کوئی ایہہ دوا کماے
 مجرب ایہہ نسخے آزماشی
 آون لوکان دے درکار
 با تھو چیر ہانڈی وچ ڈال
 دو ترے دے کے جوش اُبال
 سوچ سبب جے ہووے رتج
 ہووے سخت دندان نوں در
 کالی زیرہ گھوٹ لگا
 پنج ست روز ایہہ کرو ضا
 تیزاب گندھک منگوا
 دندان وچ جے ہووے کھوٹ
 سوئی نال کھوٹ وچ رکھ
 درد دندان دا جیکر رتج
 اجوان خراسانی منگوا
 دار چینی سنڈھ لگ اجوان
 نسخہ کراں بیان اکیر
 چھٹانک شراب مشکافانی الحال

جاوے استھیں گھت دیر
 دیوے منہ دی پیڑ وچ
 انیم تھوڑی جیہی کر ہمراہ
 بونہ بھر کے رکھ اندر
 درد دندان اترت و نجات
 لکھے سائیں بخش شناسی
 یادگار وچ رہے سنار
 شامل کرد دھماں نال
 کرو غرارے استعمال
 کر کے اس نوں خوب صبح
 پوے مخالف پانی سرد
 غل بالونہ نال ملا
 ہووے رتج دا دور فساد
 تھوڑی نال انیم ملا
 پیغمہ روں دا اس وچ بوڑ
 اترت فائدہ نہیں پرکھ
 ہووے نال قیاس صبح
 عقرقرما مرچاں کٹ پا
 اد بال غرارے کر دن بین
 زائل کرے دندان دی پیڑ
 غرارے کر کر اندر ڈال

اسے وقت آوے اس خواب
 ہاوں، عقرقرعہ، اجوین
 سبب رنج ہے ہووے پیڑ
 نژاد پرچونہ مشک کا فور
 وزن برابر ترے دوا
 ہے کوئی اس دی لے ہلاک
 سبب کرم دند کرے ہے پیڑ
 تے دی جڑھ دی مسواک
 پیس تماکو نال نگا
 درد دندان نول دیوے نفع
 نے کے ون دی جڑھ مسواک
 جیکر ون دی جڑھ لے نال
 زائل درد ہووے یکھنت
 درد داہڑ دا کرے ہے تنگ
 کھانا کھا نہ سکے مول
 جاوے درد پڑا نا جو
 اوس داہڑ نول جھب اکھیر
 اوہ داہڑ ہو گئی بے کار

ہووے درد موقوف شتاب
 ادبال غارے کر دن رین
 ایہ نسخہ اس نول اکیر
 شیشی لے دین گھت کرور
 منہ شیشی دے ڈاٹ چڑھا
 ہووے درد پیڑ سب ناس
 نسخہ بیان کراں اکیر
 کرم دندان لے کرے ہلاک
 وقت صبح مسواک کرا
 بلغم باد کرے سب دفع
 کرتوں نت دندان نول پاک
 کرے ہمیشہ دند خلل
 جڑھاں دندان دیاں ہوون سخت
 پنج ست جان مینے نگ
 پے بہت کرے نت سول
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 ہرگز ذرا نہ لاؤ دیر
 رکھن دے ناہیں درکار

۱۹۵

بیان مرض خون دندان

شور زبون

ہووے گند

دگے دندان تھیں جیکر خون

خون و چوں آوے بدبو چار بندہ کر کے قصد سرار و دا قصد کرا خون گندہ جد ہوئے دفع چراغ پاپڑا دھنیا ڈال لے چھل زرد ہریڑ سیاہ ترے ترے ماشے سب دوا فجرے کل پُرن صاف کرا چھل ہریڑاں کتہ سفید سماق اقا قبا چھل انار ساڑ سپاری صندل بُوڑہ نیلہ تھوٹھا کرہ بریان پیہہ کے منجن کرد تیار یا کر لیاں کر پانی دھو گول کندر ماجو پھٹکڑی ساڑ وزن برابر پیس باریک	ذائقہ دانگ نمک دے ہو کر تول پھیر دارو دا قصد سنگیاں، رُمیاں جو کالہ پھیر دوا دیوے اس نفع دہمانہ موندی بوٹی گھت نل نیم دے پت کرد ہمراہ رات پانی دھو گھت پوسا غرابے کر کر لے لنگھا پھل گلاب ملاؤ دید پھٹکڑی نالی گھت دھو ساڑ ہر یک تول تول پورا ماشے چھ ملاؤ آن تل دندیں نہ رہے آزار بے ایہ نسخہ بڑا امول ساڑ سپاری لے گلنار لو دندیں ایہ نسخہ ٹھیک
---	--

نسخہ منجن دندان

بستی نہیں ہک کراں بیان کتہ سفید ماجو نیپال بورہ آہن ہرڑ سیاہ	دور کرے کل دکھ دندان سونا مکھی مائیں ڈال پھل پھٹکڑی کر ہمراہ
--	--

کیس نیلہ تھوٹھا بریان پہہ کے مستی کرد تیار بند کرے دندان دا خون	دارو دندان برابر آن دنداں تے کل بنت نہار ہودے موہری دفع زبون
---	--

بیان موہری مسوڑہ

موہری جدول مسوڑہ کھائے دارو اس دا کرد شتاب دساں تینوں عجب دوا ماجو مائیں پھل انار عقر قرحا نمک نسیال نیلہ تھوٹھا کر بریان کرد غرارے بنت نہار	ماس مسوڑہیاں اچھڑ جائے مت موہری اس کرے خواب دیوے موہری حبیب و نجا پھشکڑی نال ملاڈ ساڑ ترے ترے ماشے دندان کمال رتی چار ملاڈ آن ہودے موہری دفع آزار
--	---

نسخہ ناصور مسوڑہ

چھل ہریڈاں چھل انار چھل ماجو دج گھت نیلہ تھوٹھا کر بریان ادبال غرارے کرد ضرور	پھشکڑی نال ملاڈ ساڑ ہر یک ہودن ماشے ست مسوڑہیاں دج نہ رہے نقصان مسوڑہیاں دج نہ رہے قصور
--	--

بیان مرض ضرّس دندان

طاقت دندان دی گھٹ جائے	ضرّس بیماری نام سداٹے
------------------------	-----------------------

دند سست ہو جاوے تمام بلغم باد یا ہوس ریح وَن دی جڑھ دی کرسواک	کھاوا مول نہ جائے طعام کہ توں اس نوں خوب چھج کہ ریت خوب دندان نوں پاک
---	---

نسخہ مجربہ ضررے

مجبب کراں بیان دوا عقرقرا سُنڈھ مرچ سیاہ سورنجاں چھڑتے نمک ملا پیپہ کے دندیں ریت ملا	دندان اُسے ریت ملا موٹھا لونگ کرد ہمراہ وزن برابر سب دوا دیوے سستی ضعف و نجا
---	---

بیان حرکت دندان

سبب رطوبت فاسد خام گندہ خون یا کرے فساد اول کر مسواک ضرور پچھوں تل منجن یکلفت سبب ہے ہوئے فاسد خون سبب ہے ہوئے بلغم باد عقرقرا سُنڈھ زیرہ سیاہ دار پینی نمک مرچاں ڈال سبب گرمی ہے ہوئے مرض ماجو مائیں پھل انار	پلن مٹھ وچ دند تمام یا نزلہ یا بلغم باد ہوئے سبب الاثش دور دند تمام ہو جاوے سخت چار نکالو خون نہ بولن تنقیہ خارج کرے مواد پودن لونگ کرد ہمراہ کرد غرارے ریت اُبال ایہ دوا کرد بالفرض سفید پھنکری اگ وچ ساڑ
---	---

آدم چھل ہرڑ نسیال ڈنڈے کوئڈے وچ ٹھوٹا مجن کلو صبح تے شام	بورہ نمک بلاؤ آن دنداں اُسے رت نکلا دند سخت ہو جان تمام
--	---

بیان مرض خناق

مندا سخت خناق آزار بند کرے او گل دا راہ جدول ورم بہت ودھ جاسے وچ حلق دے ورم خبیث ساہ دم اس نوں مشکل آسے فاسد خون نہایت گرم یا کوئی سٹریا ہو یا مواد یا کوئی بحرائی مادہ شامل تاپ جے ہووے مال نال عقل دے کر کے دھیان کچھ کیفیت خوب مزاج پہرہ اکھیں ہون جے لال سرکھن ہووے گل دے وچ خارج گندہ خون کرا جوکاں لا گل تے بھرور سراو دا قصد کرا	گل دے اندر کرے بگاڑ نال تکلیف آوے ساہ ٹھک نہ ہرگز نکلیا جاسے درد کرے تے ماسے چیت ہرگز مول نہ کھاسے پوسے پیدا کرے حلق وچ ورم کرے حلق دے وچ فساد طرف حلق دی کرے آمادہ مواد بحران کرے انتقال فاسد لے مواد پہچان طبع موافق کرو علاج خونی مادہ کریں خیال ورم کرے روگی نوں رزق ذرہ نہ ہرگز دیر لگا کر مادہ موذی سب دور ریشگی ٹھوڈی ہیٹھ لگا
--	--

خارج کر گندہ سب خون
چارے بند لبان سے چھٹ
فاسد مادہ ہووے دور
بنفشہ پانی دج گھوٹا
ملین دا دیہہ سرد جلاب
حاجت ہووے جدول غذا
بادام روغن اس سے دج ڈال
نشاستہ تولے ترے منگوا
چار تولے گھت روغن زرد
جیکر بہت ہووے صفرا
بنفشہ شربت نیلوفر
گھوٹے والی سے تلینین
سوزش بے ہووے دج ورم
دھنیاں پیلاک خوب گھوٹا
خرفہ کاسنی مشک کافور
گھت گھوٹے دج خوب گھوٹا
کڈھ شیرہ کر کپڑ چھان
لعاب بیدان اسبغول
سبب بے ہووے بلغم شور

جھڑا گل سے دج زبون
خون زبان رگال دا کڈھ
رہے نہ گل سے دج قصور
گل روغن اس نال پلا
شریت روز پلا عتاب
جو آتش جوال دی نت پلا
مصری گھت کر استعمال
حریرہ پانی دج پکا
مصری ڈال پیوے کر سرد
شامل نال ہووے تپ آ
بردوری سرد پلایا کر
دفع کرے صفرا لعین
مادہ بہت نہایت گرم
ورم موزی تے یسپ کرا
کاہو دھنیاں صندل بو
سرکہ عرق گلاب منگا
کر بیاں کر رکھ دج دھان
نت پلا مصری دج گھول
یا صفرا دا ہووے زور

جے کر گھٹ نہ ہووے نال
گرش چیزاں کر استعمال

سر کے دھج ملا گلاب
 سنبھیں گھت پانی دھج
 دھنیاں پیلاک مشک کا فور
 اصلی تاپ ہے ہووے مرض
 تپ دا بھی کچھ کرو علانج
 قارورہ رنگ دلا ت نبض
 جس عارضے دی سخت شکایت
 علاج اس دا کر نال تاکید
 خشکی بہت کرے جے تنگ
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 تازہ گوکا دودھ چوا
 کرے غرارے بہتی دار
 دودھ گوکے دھج گھیو ملا
 بنفشہ کدو مغز گھوٹا
 بنھ حلق تے گرما گرم
 روغن کدو مغز بادام
 بمبری تھوڑی جیہی ملا
 شیر چارے مغز نکال
 لعاب بنفشہ نیلو فر
 بنفشہ مغز کدو بادام
 سبب ہے ہووے بھم باد

کرو غرارے بہت شتاب
 غرارے کر کر اندر کچھ
 گھوٹ غرارے کرو ضرور
 درم تاپ دا ہووے عرض
 نال علامت سمجھ مزاج
 قوت ضعیف شکایت قبض
 اس دی کر تشخیص نہایت
 جیہڑا اس نوں بہت مفید
 سخت خشک ہو جاوے سنگ
 ایہ دوا کر استعمال
 گوکا انبلتاس ملا
 مکھن کھاوے رت نہار
 تھوڑا تھوڑا کرے غذا
 گھیو گوکا گھت گرم کرا
 سخت درم ہو جاوے نرم
 گوکا گھیو ملا کے عام
 روگی نوں دینہ رات چٹا
 دودھ دھج گھت کر استعمال
 مصری ڈال پلایا کر
 شیرہ کدو ملا دما
 ہووے اہل سرد مواد

سوئے گل باونہ یا
گھوٹ پانی دج کر دھما د
یا ہو جادے جلد تحلیل
جیکر ورم ہو دے اودہ شور
پٹہ پٹش بنہ یا باٹ
جاری اس تھیں ہوئے ریم
غراسے ماء العسل کرا
دودھ گوکا گھت انبتاس
دودھ گوکے دج شہد ملا
جو آتش جو اندی نت پلا
اسی مینتی کٹ ملا
چربی بکرا موم سفید
میل قیروٹی جلد بنا
سخت گرم ہے ہو دے ورم

اسی، تنم مینتی دج پا
ہو دے جلد تحلیل مراد
یا پاک جادے ورم تحلیل
دیوے طرف اندر دی نند
پاک ورم جعب جائے پاٹ
ایہ دافعہ ہیں کرد حکیم
شہد پانی سے دج ملا
کردے بے وسواس
روگی نون ہر روز پلا
روغن دج بادام ملا
غراسے کرد لعاب کدھا
گوکا گھیو ملاؤ دید
ورم اُتے نت کرد ملا
بہت نشتاب ہو جادے ورم

بیان قروح خلق

جیکر ورم ریم کر جادے
حق دھوں نت آدے ریم
کراں بیان عجیب دوا
ایاں اس دیاں کرد ضرور
ماچر کندر برگ حنا

اندر خلق قروح بن جائے
ادکھا ہو دے بہت مقیم
کرے قروح نون جلد شفا
ہو دے سب الاٹش دور
پھسکڑی ترے ترے ماشے پا

نک
میرے
پشکڑی
پہہ
جدوں
کریں
شد
جے
بہید
روگی
سوڑیا
کرے
کے
کرو
غرا
اعلا

جیکر پور
لعاب
تنم
خطم
رات پور
لعاب

ہر یک ہودن ماشے دو کر لیاں کرو عقل دے نال ہر یک ہاخنہ وارو ترے انگل نال قرحتے لا کرے قصور خداوند معاف ہودے جلدی نال ربائی کرن صفا قرعہ جھب نرم ایہہ نقوع پلاؤ جھب کڈھ لعاب مصری دج گھول بنفشہ شربت نال پلا عقاب بنفشہ شامل کر مصری ڈال کر او شروع گھول گودا دج ابلتاس کرے قرعہ نوں جلد شفا	نمک نوشادر شامل ہو سرکے پانی دج اُبال پھٹکڑی نمک نوشادرے پیہہ کے ماکھیوں دج رلا جدوں قرعہ ہو جاوے صاف کرین قرعہ دی بہت صفائی شہد گوکا گھیو پانی گرم جے صفرا دا بہت سبب بہیدانہ تے اسبغول روٹی نوں ہر روز پلا سوڈیاں دھنیاں نیلو فر کرکے پانی دج نقوع لے گوکا دودھ نال شناس کر غرارے گرم کرا
---	--

علاج ورم لہات یعنی سوج گھنڈی

ہودے بہت نہایت گرم رنت پلا مصری دج گھول بنفشہ اس دے شامل کر مصری ڈال پلا شتاب بہت شتابی چٹا تھیوے	جیکر پوے گھنڈی نوں ورم لعاب بہیدانہ اسبغول نم خٹکی تے نیلو فر رات پوسائیکے کڈھ لعاب لعاب ریشہ خٹکی جے پیہہ
---	--

پیلک دھنیاں سرکہ ڈال
جے بغم تھیں ہودے ورم
دار چینی تے سُندھ اُبال
ورم سبب سودا کرخت
دودھ گوکا دج گھیو ملا
مالش کرو ارندھی تیل

کرو غرارے رنت اُبال
یولا بہت نہایت نرم
کرو غرارے لاکھیوں ڈال
ہودے پتھر دانگ جے سخت
غرارے کر کے لے لنگھا
روغن نال بالونہ میل

بیان چمڑ جانا جونک حلق میں

جونک کے زوں نال قضا
کالی مٹی تے منگوا
لنبا موٹا بنھ شیا ف
چمڑ جونک جاسے جد نال
تنباکو سر کے دج گھوٹا
غرارے کرو حلق دج ڈال
ہک دو اس نوں تے کروا
بوئی تازہ گوشت لیا
دھاگا پکڑ حلق دج ڈال

چمڑے دج حلق دے جا
کر کے سخت شیا ف بنا
داخل کرو حلق دج صاف
کھج کے جلدی نال نکال
گھت کپڑے دج صاف کرا
مر کے ڈگے جونک فی الحال
ہودس اُسے وقت شفا
دھاگا سوئی نال لنگھا
چمڑے جونک تاں باہر نکال

بیان بحکۃ الصوت

گھٹا ہودے جودوں آواز
بول نہ سکے سخن کلام

جادے بگڑ حلق ساز
بحکۃ الصوت مرض دانا م

بویا اس
لادے
ریزش
خشی
یا کوئی
یا گرمی
مغز نہ
یا کوئی
توت کر
سبب ہے
چار اب
مالشے پنج
دو تہے
سبب ہے
شریت خشنا
دست پا
بہت ہے
زرد سیر
شعبہ ہیمہ
جراثیم
کھن مو

بویا استخوان مول نہ جلے
 دے قوت بہت تران
 ریزش گرم خشک داساڑ
 یا خشکی یا بلغم خام
 یا کوئی کرے بولارہ سخت
 یا گرمی دا سر وچ زوہ
 مغز نہ اس نوں کرے قبول
 یا کوئی فاسد ہوو مواد
 قوت کرے خلق دی مات
 سبب جے ہووے بلغم خام
 چار انجیر منقہ ست
 ماشے پنج ملے ڈال
 دو تہے تہے ماکھیوں اصل
 سبب جے ہووے گرم زکام
 شربت خنکاش اس دیوے نفع
 بہت پانی وچ جوش
 بہت جے ہووے گرم مزاج
 زرد سیاہی مائل رنگ
 نقاب بہیدانہ اسبغول
 جو آتش جوانی دیویں شام
 مکھن مصری بنت نہار
 صاف بلند آواز نہ آوے
 ہرگز بات نہ کرے زبان
 وچ خلق دے کرے بگاڑ
 یا ریزش یا گرم زکام
 ساز خلق ہو جان کرخت
 کرے رطوبت سردی شود
 طرف خلق دی گرے نزول
 خلق اندر جا کرے فساد
 ایس سبب نہ ہووے بات
 منضج نال پکاڑ تمام
 تولہ سونف کٹ کے گھٹ
 پیوے بنت نہار اُبال
 نال جوشاندے کر تو وصل
 گرے خلق تے ریزش خام
 نزلہ گرم کرے سب دفع
 کرو غرارے صاف کرا
 کہ توں اس داسرد علاج
 خشکی بہت کرے جس تنگ
 صبح پلا مصری وچ گھول
 مصری ڈال، روغن بادام
 چھوے۔ ہووے دفع آزار

گرم خشک کوئی چیز نہ کھاوے لعاب بہیدانہ ، نیلو فر بنفشہ روغن نال رملہ مصری کچھ قدرے دھج ڈال بہت مدت تک گرم مٹو ب مغز تخم کدو بادام پانی گرم روغن بادام	نقہ گھیو گھنڈ نال تنگھا بنفشہ خطمی شامل کر گھیو گو کے دے نال بنا پیوے روگی سرکیاں نال! تاں حاصل ہووے مطلوب گھوٹ پلا مصری گھت عام کریاں کرے صبح تے شام
---	---

نسخہ لعوق انجیر

کراں بیان لعوق انجیر یا یک زرد انجیر تنگا کل کے پن کے صاف کرا گکاڑہ خوب قوام پکا رب السوس دو تولے بھر ڈال چھٹانک روغن بادام	بجھتہ الفتوت نول ہے اکیر ڈال پانی دھج خوب جو شہ مصری ادھ سپر نال رملہ کر کے سرد بھانڈے دھج پا دھج لعوق اضافہ کر پختہ بنت صبح تے شام
--	--

بیان تعریف شان پھیر

پھیر دل دا خدمت گار باہروں تازہ بھیج ہوا دھج حکم دل تابعدار کل اعضا وال دے دھج چرت	خارج دل دا کرے بخار دیوے دل دی طرف پہنچا ہر دم رات و شبیں ہر شیار اک دم ذرا نہ ہووے شست
---	--

<p>پھپھرتیں روح کرے غذا کرے پھپھر اس سے اصلاح زندگانی ہو دے برباد کمن طیب حکیم تمام دیوے خوشی ہوئے روح تازہ نہیں اعضا کوئی اسدا تانی حاجت وقت جسم لے کج مت رک جاوے اس کج ماڈ عیش سریر دل ہوئے دور بہت نہایت زور لگا دے مت پھر جاوے بگڑ مزاج</p>	<p>ہر دم تازہ سرد ہوا دل دج طیش تیز ارواح پھپھر کرے جے نہ ادا باب مبداء الحیات اس نام خاص جیساتی دروازہ پھپھر لطف بہشت نشانی بلغم جمع جو پھپھر وچ کرو حفاظت اس دی زیادہ جد پھپھر وچ پورے قصور مرض پھپھر دی مشکل جاوے کرو پھپھر دا جلد علاج</p>
---	--

بیان مرض کھانسی

<p>پاوے پھپھر دج تصور اس نوں کمن حکیم سعال پھپھر اس نہ کرے قبول دفع کرے باہر دی طرف ایس سببوں آوے کھنگ ہوون کھانسی نال حیران ہووے حالت کرے تباہ پھپھر نال مچا دے جنگ</p>	<p>کھانسی روگاں دج مشہور حالوں بہت کرے بد حال ہرقیں فاسد گرم نزل نال زور پھپھر دا طرف رستہ دم دا ہووے تنگ اکثر کئی دفعہ انسان بہتیاں مرضاں دے ہمراہ بگڑ زکاموں ہووے کھنگ</p>
---	---

شامل تاپ جے ہوئے نال
 پتلی بنغم ریزش خام
 منضج نال پکا ضرور
 بنفشہ گل ماشے پیچ لیا
 چار انجیر منقہ ست
 دانے چار عناباں لے
 کاہڑ جو شانہ کر دتیار
 دو ترے ہفتے دیو ضرور
 جیکر خالص ہوئے کھنگ
 دیوے کھنگ نہایت زور
 بھانویں ہووے لڑکا بال
 آزمایا ہو یا عجب دوا
 وہیہ تو لے خشاش سفید
 جگرے کوندے دج گھوٹا
 ادھ پاگھو دج کر بریان
 مغز کھیرے کھکھڑی ناچیل
 مغز تخم کدو یا دام
 پوست ڈوڈے بیس منگا
 جگرے دو ترے دیہہ آبال
 ترے پا پکا کھنڈ ملا
 کر کے صاف کر اسی گھت

کرد جو شانہ استعمال
 جاوے جھبے پک تمام
 ہووے کھنگ تاپ سب دور
 سونف نور کٹ قال ملا
 گاڈ زبان ماشے پیچ گھت
 کٹ ملٹھی ماشے ترے
 داخل کر کھنڈ دیو نہار
 ہووے تاپ کھنگ سب دور
 دوجی مرض نہ ہووے سنگ
 ریزش گرم ہووے یا شور
 ریزش کھنگ کرے بد حال
 دساں دیوے رب شفا
 رات پوسا پانی دج دید
 بہت نہایت زور لگا
 پانی دا نہ رہے نشان
 مغز تخم ہندوان میل
 دو دو تو لے وزن تمام
 رات پانی دج تر کر دا
 خوب طرح کل ہستیاں نال
 کپڑے دے دج صاف کر
 کھاہڑی خوب پکاویں پت

ما
 تو
 ج
 تا
 کر
 بھا
 جی
 او
 مرض
 عرض
 ہر
 جیک
 شر
 موند
 بنفشہ
 تخم
 لعاب
 بنفشہ
 شر
 معروف
 بے

حلوہ پوست دابے کھائے
 تریاق نزل کر استعمال
 سرخس جیکر گرے فضول
 پکتی ریزش کرے خوار
 آوے کسے وقت آرام
 لعوق پوست خشک بننا
 سبب خشکی دی جیکر کھنگ
 ٹھک کھنگار نہ آوے ٹول
 خشکی کرے پھپھرج زور
 لعوق بادام اس رت چٹا
 لعوق خشک اس لعوق سیستان
 حریرہ چھان کنک داپوے
 حریرہ دے دج خشک اس پکا
 بنفشہ روغن رت ملا
 ماش رت بدن تے کر
 مکھن گو کا رت کھوا
 روٹی گھوٹال رت کھائے
 بنفشہ نیلوفر دا لعاب
 لعاب ہیدانہ خطمی پوے
 کھنگ بلغمی جیکر ہو
 منضج بلغم دی کر تیار

کھنگ زکامی تریت و نجاوے
 زکامی کھنگ جاتے فی الحال
 سینے اُتے گرے نزول
 کھنگ آوے بے حد شمار
 لگا رہے ہمیش زکام
 دیہ اس نول رب کرے شفا
 ہووے کرے روگی نول تنگ
 کھنگدیاں پوے شکم دج سول
 تراوت باہجہ علاج نہ ہو
 گھو گو کا ہر طور کھوا
 چٹا لعوق بنفشہ آن
 بہت شتابی چنگا تھیوے
 ہووے جلدی نال شفا
 گھو گو کے دے نال بنا
 سر سینہ رکھ ہر دم تر
 مصری کھوڑی جیہی ملا
 خشک کھنگ نول فیض پہچاے
 پیوے پہنچے فیض شتاب
 خشک کھنگ تھیں چنگا تھیوے
 بر شفا جیہا دوا نہیں کو
 پیوے روگی رت نہار

ج
 کا
 تو
 ا
 بن
 تو
 د
 تر
 س
 دا
 با
 را

ے
 بنفشہ
 دو
 رات
 سل
 کپڑ
 جد

نکلے ریزش پتلی خام
دیوے ریزش خام پکا
ڈالو ماشے پنج ملہ
زور فائزے ماشے دج گھت
پیوے نت نہار ادبال
استعمال کرے دن ست
بلغم خارج کرو شتاب
کر منضج نال نہ ہو دیں نہج
کر کے کھنڈ ملاؤ آن
دیوے کھنگ دا زور دغا
چھ چھ ماشے ترے دوا
نجر ادبال پیوے کھنڈ پا

جس نوں کھانسی ہے مدام
کاہڑ جو شانده روز پلا
تور سونف، سوڑیاں اٹھ
انجیراں چار، منقہ ست
بنفشہ پنج ماشے دج ڈال
توے دو ترے ماکھیوں گھت
دے کے انھویں روز جلاب
ترے جلاب مہینے دج
سونف ہرڑ گھیو دج بریان
دام استعمال کرا
بانسا زور فائز، سونف منگا
رات پوسائیکے رکھ رکھا

صفت شربت پوست خشتاش

سوڑیاں سٹھ غناب تیرینہ
بہیدانہ، نیلو فر، بادیاں
پاک کٹ خشتاش ملا
نجر دیوے دیہ ادبال
سیر پچا لے کھنڈ دج پا
دیگی گھت پکاؤ قوام
جلدی اس نوں ہیٹھ اوتار

لے ڈوڈے پوست دے وینہ
بنفشہ، خضی، گکاؤ زبان
دو دو توے سب دوا
رات پوسا پانی دج ڈال
نل کے پن کے صاف کرا
کپڑے دج کر صاف تمام
جد شربت دی پکی تار

دو ترے تو لے نت پلا	دیوے کھانسی جلد و نجا
ریزش خام زکامی کھنگ	رہن نہ پک ذرہ دج انگ

صفت شربت اعجاز

شربت کرو اعجاز تیار	گرم کھانسی دے رہے درکار
طیب حکماء سب دانشمند	شربت کرن اعجاز پسند
کھنگ تاپ وچ خشک مزاج	اس شربت دا بڑا رواج
بنفشہ ، خطمی ، نیلوفر	تخم خیاری شامل کر
گاؤ زبان ، لٹھ ، بہید ان گھت	دو دو تو لے دارو ست
سوڈیاں شٹھ ، ترپہ عباب	چھانک بانسہ وچ میل شتاب
رات پانی گھت ، رکھ پوسا	فجر جوشا تل صاف کرا
سیر کھنڈ گھت کرد توام	دو دو وقت پلا صبح تے شام

صفت شربت خشتاس سادہ

پا پکا خشتاس سفید	رات پانی وچ تر کر دید
فجرے اُس توں خوب گھوٹا	شیرہ اس دا لے کڈھا
ترے پا گھنڈ دا کر کے توام	شیرہ اس وچ ڈال تمام
مڑ کے دو ترے جوش دیا	شربت دانگ توام پکا
ایہہ شربت سادہ خشتاس	کرے گرم کھنگ دا تاس

صفت حلوہ خشتاس پوست

پاک پانی دج پوسا پوست والا پانی یا! دو توے مصری دج ڈال چار توے گھیٹ دج بریان شیرہ پکڑ اس دے دج ڈال کھائے روگی رنت نہار چوتھا حصہ بال نادان	پک ڈوڈا پوست دا لیا دو توے خشتاس گھوٹا شیرہ لے خشتاس نکال آٹا دو توے کر چھان جد آٹا ہو جاکے لال حلوا اس دا کر کے تیار پک خوراک ایہہ مرد جوان
--	--

لعوق انبتاس

جس نول کرن حکیم پسند رہے شکم دے اندر قبض کھانسی قبض ہوئے سب دفع دو دو توے قدر حساب کر کے دارو سب اکٹھ فجری دیگھی دج جو شا ترے پا مصری نال ملا دو توے گھت رب السوس نال چھانسی صاف کرا چھتے رنت صبح تے شام	لکھاں لعوق پاک فائدہ مند کر ڈی سخت ہوئے جس نبض اُسٹوں بہت پہنچا دے نفع بنفشہ خطمی سوٹ غباب غباب ترہیمہ سوڑیاں سٹھ راتیں پانی دج پوسا تل کے مین کے صاف کرا دڑیہ توے کڈھ مغز فلوں دو نویں پانی دج ملا کر کے جمع کھاڑھ کر توام
---	--

صفت لعوق پوست خشتاس

<p>لَعوق پُزست خشتا جس بنا پا پکا خشتا س کوٹا ریشہ خطمی تولے چار بہیدانہ خطمی نیلوفر رات پوسا رکھ پانی ڈال کل کے، پُن کے، صاف کرا بکے جدوں گاہڑہ قوام نشاستہ کیکر گوند کتیرا مغز تخم کدو بادام ایہہ لعوق جیکر کوئی چٹے</p>	<p>دیوے کھنگ نزول دجا پیمک ڈوڈے بیس بلا سوٹھیاں دانہ سو شمار دو دو تولے شامل کر فخرے دیگچی وچ ادبال مصری سیربک ڈال پکا ایہہ دوا کٹ میل تمام مغز تخم کھکھڑی کھیرا بک بک تولہ وزن تمام کھنگ نزول دی جرہ پٹے</p>
---	--

صفت لعوق بادام

<p>نسخہ بک لعوق بادام نشاستہ، رگڑ گوند، کتیرا چلغوزہ، کدو، مغز بادام روغن کدھ باداماں گھر ادھ سیر مصری کر کے قوام نت نہار صبح اٹھ پچٹ</p>	<p>خشک کھانسی نوں کرے آرام مغز تخم کھکھڑی، کھیرا دو دو تولے وزن تمام کٹ سب چرب روغن وچ کر وچ دوا ملا تمام جرہاں کھنگ دیاں سے پٹ</p>
--	--

صفت تریاق نزول

<p>ایہہ تریاق بنا ضرور</p>	<p>گرم نزول کرے سب دور</p>
----------------------------	----------------------------

تریاق
جس
ہو
ہے
مغرب
وچ
دس
بدر
حب
دھنیا
درٹ
فخرے
ماکھیو
دو
وزن
جیکر

لکھا
دو
نصف

تاریق التزلزل اس داناں	قاطع مرض نزول تمام
جس نوں گرم ذکا می کھنگ	کرے نزول ہمیشہ تنگ
ہو دے ریزش پتلی خام	دیوے اس نوں جھب آرام
ہے ایہ نسخہ مثل تغنگ	مارے وچ نشانہ کھنگ
مغرب ایہ تاریق لاثانی	لکھاں طبیاں وچ یونانی
دج حکیمان دے مشہور	ریزش خام کرے سب دور
دس تولے خشتا س سفید	کا ہو ڈال چھٹاں کی وید
بذرا لبنج پوست وچ گھت	ہر یک ہو دے تولے ست
حب آلاس اسطو خود دس	پھل کلاب تے اصل السوس
دھنیاں گاؤ زبان دے پھل	دو دو تولے ہودن کل
درڑہ کر کے سب دوا	رات پانی وچ تر کروا
فجرے تل پن صاف کرا	سیر پکا مصری وچ پا
ماکھیوں دانگ پکاؤ پت	رکڑ گوند کتیرا گھت
دو دو تولے وزن تولا	کر کے بہت باریک ملا
وزن خوراک ترے متعال	کھاوے اس نوں انگل مال
جیکر کھاوے لڑکا بال	چوتھا حصہ وزن سہاں

حریرہ سبوس گندم

لکھاں حریرہ یک ضرور	کرے خشک کھانسی نوں دور
دو منٹ چھان کنک دا لیا	ادھ سیر پانی گھت جوشا
نصف رہے تاں صاف کرا	چار تولے گوکا گھیو پار

دو پین دو ترے ہو رہا مال
خشک کھانسی بھیں مویا جیسے

دو تولے مصری وچ ڈال
مٹکیاں نال حریرہ پیوے

حب سعال

حب سعال بنا ضرور
کھانسی خشک ہوئے سب دفع
مغز تخم کھکھڑی کھیرا
مغز تخم خرلوزہ دید
ہر یک تولہ وزن تمام
لعاب بہیدانہ وچ بندھ حب
ہولی ہولی چمکھ ننگھا

کھانسی گرم جے کرے فتور
بہت نہایت دیوے نفع
نشاستہ رگہ رگہ کتیرا
رب الیتوس خشک سفید
مغز تخم کدو بادام
کٹ چھان کے دارو سب
مونہ دے وچ بنت حب کھا

حریرہ خشکاش

گریاں ست باجوا مال دید
فجرے کوئلے وچ گھوٹا
دیگی رچ پکاؤ آن
پتلا جیہا قوام پکا
پیوے فائدہ کرے کمال

ترے تولے خشکاش سفید
رات پانی وچ تر کر دیا
صاف شیرہ کر کپڑ چھان
چار تولے گولا گھیو یا
تولے دو مصری وچ ڈال

لعوق لسوڑیاں

لعوق لسوڑیاں کر دتیار
ہودے کھانسی گرم فرار

لکھ
ادھ
ماکھی
دو تولہ

بنف
بادا
تولہ
ادھ
چمکھ

مچون
ہودہ
بلغمی
رعش
گنڈی

مرچا
دو
عقرو

نجر جو شا کر صاف کرا گاہڑہ بہت قوام پکا اگ تھیں جلدی نال آثار خشک کھانسی نول فیض پہنچاے	لٹریاں ادھ سیر کٹ پوسا ادھ سیر مصری ڈال جو شا ماکیوں دانگ پکے جدتار دو تولے دو دقتی کھاے
--	---

لعوق بنفشہ

مغز تخم کدو گھت دید ہر یک دو تولے مقدار کٹ دوا ملاؤ تمام میل دوا لعوق بنا خشک کھانسی تھیں پے آرام	بنفشہ گل خشتاں سفید بادام مغز لے تخم خیار تولے چار روغن بادام ادھ سیر مصری قوام کرا چنے نت صبح تے شام
---	---

صفت معجون بر شعشاء

نسن مستھوں دکھ ہزار اس دا ہے ایہ بڑا علاج دو دو ہو چادے کھانڈیاں سار ضیق النفس زکامی کھنگ دیوے جسموں تروت نکال بذر ابنج کرد ہمارہ خالص تولے یک ایمم پودنہ دار چینی امگ پا	معجون بر شعشاء کرد تیار ہودے جس دا سرد مزاج بلغمی ریح والا آزار ریشہ استرخا، ادھرنگ گنٹیا، صرع، سرعت انزال برچاں لے سفید سیاہ دو دو تولے دنن حکیم قرزقا، چھڑ، کیسر یا
--	--

فریون گرس دج گھت
کٹ دوا رلا دج تھال
مہینے ترے جواں دج رکھ
وزن خوراک رتیاں چار
جیکر وزن زیادہ کھاے
پیڑاں درد کرن جس تنگ
معدہ ہووے بہت ضعیف
چار رتی برشتا کھاے
ہور بیماریاں سرد تمام

ہر یک ہوون ماشے ست
بگناں خالص ماکھیوں ڈال
لے دوا ماکھیوں سب چکو
اور تک ماشے تک درکار
مرض مزاج بگڑ سب جاے
رتج گردے دج مائے دنگ
ایتسار دیون تکلیف
بک ساعت دج نفع دکھاے
نسن استھوں چھوڑ مقام

بیان سرفہ اطفال

جیکر کھانسی ہووے بال
کوکر کھانسی کالی کھنگ
کھنگ نال ہووے منہ لال
چن مار غوطہ دم کھاے
ہوون چھوٹے بال نادان
بہت جڑب لکھاں حب
گوند بکھر خشکاس سفید
نشاستہ کا ہو نال ملا
کیسر بذرا بنج انیم
حب برابر مرج سیاہ

کمن اس نون سرفہ اطفال
کرے ایانے لڑکے تنگ
حالوں بہت ہوون بد حال
شدت کھنگ نال تے آوے
کالی کھانسی نال حیران
دور کرے کھانسی نون جب
رب السوس کیترا دیہ
تو تو ماشے سب دوا
ترے ترے ماشے وزن حکیم
بغھ پانی پرست دا پا

رط

کرار

کھنگ

چھ

سو

ڈو

نقو

ای

لست

چرنا

ضیق

حر

نال

آور

حرکت

کوٹاہ

ایسر

رہے نوں گولی کجھ گھول | ہستی نال پلاؤ اندول

نسخہ جوشاندہ کو کرکھانی

<p>کراں بیان ہک عجب دوا کھنگ جے ہووے لڑکا بال چھ ماشے کٹ سوئف پوسا سوڑیاں کٹ گھت دانے ست ڈوڈہ پوست ماشہ ڈال تھوڑا جد پانی رہ جاوے ایسے طور کر استعمال ستی دودھ نہ ہرگز پیوے چربی تیل تھیں کر پرہیز</p>	<p>دیوے کالی کھنگ و نجا کالی کھنگ کرے بد حال دانے چار منقہ پا! کٹ ملٹی ماشہ گھت دیگی دے وچ گھت لو بال ڈھا ہستی دے نال پلاوے جاوے کالی کھنگ چندال تاں اوہ لڑکا چنگا بھیسوے تُرش چیز تھیں رہے گریز</p>
--	--

بیان مرض ضیق النفس

<p>ضیق النفس ہک سخت آزار جہر تھیں موذی گرے مواد نال مراد پچھر پھل جاوے آوے دورے نال بیماری حرکت کرے یا قدم اٹھاوے کو تاہ دم پتیاں وچ نام ایہ کو تاہ دم بیا۔ سی ساہ</p>	<p>پچھر دے وچ کرے دگاڑ جا پچھر وچ کرے فساد مشکل تنگ اوکھا ساہ آوے ساہ دم دے وچ پوسے خواری چڑھے ہوکئی دم تھراوے مرض ساہ اس کن عوام کرے روگ دا حال تباہ</p>
--	---

دیوے پھانسی دانگ عذاب
خوب کیفیت کہ دریافت
مادہ خون کرے جے زور
چہرہ سُرخ جے ہوئے لال
باسلیق رگ چھڑ ضرور
پچھوں شربت دیہہ غناب
جے صفرا دی ہووے ضیق
بنفشہ ، خطمی ، نیلوفر
سُوریاں ، گاوزبان چ گھت
رات پانی دج رکھ پوسا
دو توے مصری دج پا
گھبو گوکا نیت مالش کر
ردنی گھیوے نال کھوا
ایسے طور کہ استعمال
سبب جے ہووے بلغم شور
سرختوں اترے گرم مواد
نال مواد پھپر پھل جاوے
بہت ہووے خشکی دا زور
مُوزی بلغم شور آفات
اوہ بلغم حکم رکھے صفرا
ظاہر باطن سکر ترتیب

دارو اس دا کرو شتاب
کس مواد تھیں ہے ایہہ آفت
پھپر دے دج پاوے شور
کہ توں جنگی طرح خیال
گندہ خون کر دسب دُور
سرد چیزاں دا ڈال لعاب
ہووے ریزش گرم رقیق
غناب ، بیدانہ شامل کر
ترے ترے ماشے داروست
فجر جوشا ، مل صاف کرا
روگی نوں ہر روز پلا
سر سینہ رکھ ہر دم تر
مصری کٹت تھوڑی دج پا
گرم ضیق جاوے چھڑ خیال
طرف پھپر دی دیوے زور
جا پھپر دج کرے فساد
ساہ دم اس دا اکھر جاوے
دیوے پھپر دج مروڑ
کرے قوت پھپر دی مات
دیوے آتش جسم لگا
نال دوا غذا طیب

شربت سرد نقوع مفید
 دودقت پیوے پانی وچ پا
 کرے گرم ضیق داتاس
 جڑاں ضیق گرم دیاں پے
 لعوق بنفشہ جہا نہ ہو
 خشک ضیق دے آدن کام
 دیوے خشک ضیق ونجا
 گھیٹو گوکے دے نال بنا
 ہووے خشک ضیق جھب مات
 بادام روغن مصری وچ پا
 ہووے خشک ضیق داتاس
 فائدہ بہت نہایت تھیوے
 اوکھا بہت بیمار ہو جائے
 ہووے سخت طبیعت زنج
 ایہ دوا کر استعمال
 درڑہ کرے پا پانی پا
 دو تو لے وچ شہد بلا
 او سے دقت آرام ہو جائے
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 دیوے جھب دے نفع دکھا
 ادھ پا گھیٹو وچ کرے بریان

شامل نال رکھو تبرید
 دے شربت اعجاز بنا
 لعوق چھتے نت انبتاس
 لعوق سوریاں دانت چھتے
 جے خشکی دا ہووے زور
 حب سعال، لعوق بادام
 مکھن مصری نت چٹا
 بنفشہ روغن نت ملا
 سر سینہ تر رکھ دن رات
 جو آتش جواں دی نت پلا
 حریرہ ووز پلا خشکاس
 حریرہ چھان کنک جے پیوے
 دورہ جدوں ضیق دا آئے
 مشکل نال آوے دم کھچ
 شامل ہووے خشکی نال
 اسی تول ڈیڑھ جوشا
 ادھ رہے تال صاف کرا
 سخت دورے دے وچ ملاوے
 ہاوس ضیق پرانی ہو
 رساں میں یک عجیب دوا
 مغز یک لے بکری دا آن

دو تولے مصری وچ گھت
 فاصلے نال دوا کما
 ست دن پھوڑے ست دن کھا
 گھبو پھٹانگی گرم کرا
 کھاوے روگی روٹی نال
 بلغمی جیکر ہووے ضیق
 بلغم کاہریاں نال بکا
 حب ایارج کر کے تیار
 معجون فلاسفہ دیوے نفع
 تویاق نزلہ برشعشا دوری
 مجرب نسخہ لکھاں یونانی
 جس دا ہودے سرد مزاج
 کئی دفعہ اس نوں آزمایا
 مرل داریچینی بادیان
 مالوں ، تخم کرفس ، ملٹھ
 ادھ سیر خالص شہد ملا
 تولہ رت ہمار جے کھا
 اس حقین فائدہ جیکر پائے
 پنج تولے اسی بریان
 پا پکا وچ شہد ملا
 کھوڑے بکرے دے منگوا

کھاوے روگی ہفتے ست
 خشکی والی ضیق و نجا
 ست ہفتے اس طرح کما
 دو تولے وچ شہد ملا
 کوٹہ دمی جاوے فی الحال
 نکلے بلغم خام رقیق
 مسہل دو ترے چار کرا
 وچ مینے دے دو بار
 کرے ضیق بلغمی دفع
 دیون نفع ضیق نوں ادویں
 ضیق واسطے بہت لاثانی
 اس اے ایہ خوب علاج
 بہت نہایت نفع پایا
 پودبہ ، میتھی ، تخم کتان
 ہر ایک تولہ کرو اکٹھ
 دارو سکے کٹ ملا
 بلغمی ضیق النفس نجا
 یک دو داری پھیرنا
 رب السوس تولے دو آن
 روگی نوں ہر روز چٹا
 گھوگو کا گھت خوب بکا

جیکر
 نہ دے
 اسی
 چار
 رات
 ست
 کٹ
 دو
 سیر
 ادھ
 جے
 مصر
 گھبو
 چربی
 اسی

نسخہ
 لکھ
 دے
 رات

جیکر ضیق دالانت کھائے
 زونا، سونف، پودونے
 اسی، میتھی، شامل کر
 چار، انجیر، منقہ ست
 رات پوسا رکھ پانی ڈال
 سندھ، پودونے، ہرڑ، ملٹھ
 کٹ چھان وچ نشہ ملا
 دو وقتے حب چھنگھائے
 سیرک پکا لے بادیان
 ادھ سیر کھنڈ اس سے وچ ڈال
 بے خشکی وچ بہت مزاج
 مصری مکھن شہد ملا
 گھو چھٹانک شام بے چوے
 چربی تیل نہ ہرگز کھائے
 لسی حقہ مرچ ہو رخشک

بلغھی ضیق النفس و نجاے
 بانسہ ہر یک ماشہ ترے
 ملٹھی ترے ترے ملٹھے بھر
 گاؤ زبان ماشے ترے گھٹ
 فجر پلا کھنڈ گھٹ او بال
 یک یک تولہ کرہ اکٹھ
 بیر برابری حب بنا
 شانی رب تھیں صحت پائے
 گھو گو کے وچ کرہ بریان
 شام صبح کرہ استعمال
 نال تراوت کرد علاج
 روگی نون ہر روز پٹا
 فضل خدا تھیں چنگا تھوے
 ترش چیز دے راہ نہ جائے
 نیڑے اوس نہ آئے مشک

لوٹکے ضیق دہقانی

نسخہ ہو رہکھاں دہقانی
 لکڑ دی لے چھل لٹا
 لٹھ دارو ایہ چار
 رات پانی دے وچ پوسا

نہیں دوا کوئی اس آثانی
 پوست تلخ تمباکو پا
 دس دس تولے دا مقدار
 فحری دو ترے جوش دوا

<p>ماکھیوں سیر بہک نال ما پختے رت صبح تے شام دو گنا گھیو گوکا وچ پا چربی نیل دے راہ نہ جاوے کئی سالوں تک ہے فرار فائدہ کرے دوا نہ کو دورہ ضیق جاے چھڈ خیال ماشہ قلمی شورہ کھاوے کرے موقوف دورہ فی الحال</p>	<p>مل پن کے صاف کرا کر کے ماکھیوں وانگ قوام روٹی ماکھیوں نال کھوا پیتراں ترش نہ ہرگز کھاے مرجاں سسی ترش آچار جاوے ضیق پُرانی ہو کر ایہ نسخہ استعمال شدت نال جے دورہ آئے مصری نال تھوڑی جیہی ڈال</p>
---	---

نسخہ مجربہ صدری ضیق النفس بلغمی

<p>کئی دفعہ اُس نوں آزمایا کرے خراب ہمیشہ کھانسی فائدہ بخشے بہت عجیب پا پا پکا کر ہمراہ ہر اک ہو دن ماشہ ست گل حکمت کر خوب جلا بلغمی ضیق النفس و نجاوے</p>	<p>ہک نسخہ صدری ہتھ آیا دورہ ضیق آوے جیوں پھاسی استعمال جے کریں طبیب تمباکو کوڑا قند سیاہ نوشادر نمک سوہاگر گھت دودھ اک دے وچ تر کر دیا کھنڈ وچ میل رتی ترے کھاوے</p>
--	---

نسخہ صدری ضیق النفس بلغمی

<p>ہر ہک ہووے تو لے ترے</p>	<p>نمک لاہوری شورہ لے</p>
-----------------------------	---------------------------

تو لے
 چا
 کوڑا
 چار

نسخہ
 پا
 سیندھ
 دو
 نید
 ادھ
 بھان
 رکھ
 تھوڑ
 بلغمی

نوشا
 لکھ

نوشادر ہودے ماشے ست دودھ اک دے وچ ترکوا وچ انگلیٹھی اک دے دھر روگی نوں ہر روز پلا	نہاگہ گھت توہ دو درٹا کروا وچ بگل حکمت کر چار رتی وچ کھنڈ پلا
--	--

نسخہ مجربہ صدری ضیق کہنہ بلغمی

لگے وچ نشانہ تیر دیوے ضیق دی بیخ اکھیر تھاکو پاؤ پکا ہمراہ نوشادر نال سہاگہ یا کٹ کے کر سب جمع سنوار گھوٹ پانی وچ سارے گھت لیپ اُنہاں اُتے کر جلد وچ انگلیٹھی اک دے دھر ہک رتی کر استعمال ضیق والے نوں نت کھوا ضیق پُرانی ہودے دفع	نخہ کراں بیسان اکسیر استعمال کرو کچھ دیر پاکے قند سیاہ سیندھ نمک سوخنے لے آ دو دو تولے دارد چار نیلہ تھوٹھا ماشے ست ادھ بیرے پت اک دے زرد بھانڈے وچ بگل حکمت کر لکھ سواہ حفاظت نال تھوڑی جیہی کھنڈ پلا بلغمی کھنگ نوں دیوے نفع
--	--

نسخہ صدری دمہ بلغمی ریاحی

ہنگ برابر کر ہمراہ بیر برابر گولیاں سب	نوشادر پودنے مرچ سیاہ لکھ کنوار وچ بھو حب
---	--

یک ایک حب بنت منہ دج رکھا کرے خداوند لکھ تھیں لکھ

نسخہ ضیق النفس صدری مجربہ شناسی

دساں ہوو عجیب علاج
اس نوں بہت پہنچاے نفع
گٹھیا، استسقاء، ادھرنگ
ہوو جو ہووون سرد آزار
شنگرف رومی تول لیا
رگڑو گھت کھل دے دج
اس نے گھولے وانگ بنا
گولہ پیالے دج رکھا
رکھ پیالہ اس مکان
جد سوتر سارا سڑ جائے
گولے نوں ہتھ نال اٹھا
شنگرف جائے ہو سفید
وزن یک نصف رتی دا کھاے
جیہڑا شنگرف دے دج پارہ
ایں سبب وزن گھٹ جائے

ہووے ضیق جے سرد مزاج
کرے پیرانیاں مرضاں دفع
بلخی رنج پرائی کھنگ
بدنوں باہر کڈھے مارا
ترے تولے اک دا دودھ پا
شنگرف دودھ جدوں لے کج
سوتر تولے چار دلا
سرتے کوئلہ اک ٹکا
حقے داؤ نہ لگے آن
گولہ وانگ سواہ ہو جائے
سواہ سوتر دی جدا کرا
درتن کل شناسی دید
گھت منقے دج لنگھاے
شنگرف تھیں کر جائے کنارہ
شنگرف دج سفیدی آوے

نسخہ حب سم الفار

نسخہ ایہہ صدری آزمائشی
تجربہ سائیں بخش شناسی

نام اس دا حب سم الفار	کے مشکل سخت آزار
جادے ضیق پُرانی ہو	نفع نہ بخٹے دارو کو
اس نول مدت تیک کماوے	ضیق النفس دفع ہو جاوے
نقص گنٹھیا برص جندام	جادن اس توں من تمام
سندھ لونگ، مک مرچ سیاہ	جفضل دار چینی ہمراہ
دبڑ کچلہ، عقرقرچا	چھ چھ ماشہ قدر تولا
کیر، سم الفار، ایلم	ترے ترے ماشے وزن حلیم
ادرک دا پانی دج پا!	سب دارو گھت کھل کرا
حب برابر دانہ جوار	بعضوں پنج سو نال شمار
ہک ہک گولی دا مقدار	کھاوے گھیو دے نال بیمار
گولی کھاوے وقت نہار	ادھ پا پیوے گھیو پنکھار
ہک راک گولی ہفتے توڑ	کھاوے دیوے ہفتہ چھوڑ
مڑ ہک ہفتہ شروع کرا	مڑ ست روزاں تیک چھوڑا
تسے چار ہفتے اس طور	کھاوے دکھ جاوے فی الفور
روٹی کھاوے ماکھیوں نال	دو گنا گھیو اس دے دج ڈال

لوٹکہ دمہ ضیق

ماشہ خراسانی اجوین	جے کھاوے کوئی تربہ رین
انول پیوے گھیو پنکھار	گوکا ادھ پاؤ دا مقدار
بلغنی کھنگ توں دیوے نفع	
ضیق پُرانی ہودے دفع	

بیان نفث الدم

نفث الدم ہک مرض زہون
شامل کھانسی دینہ تے رات
بہت دیر جے رہے آزار
جد صغرا دی ددھے مواد
خون رگال وچ ہوئے شور
پھٹ جاوے رگ چلے خون
نالی علامت سمجھ مزاج
چہرہ سُرخ جے نظری آ
پھٹول شربت دیہو غلاب
نسخہ ہک لکھاں لاثانی
پھل گلاب کندر گھنار
وزن برابر چار دوا
چار ماشے تک وزن پھکا
دو تولے شربت انجیار
کھامے نال قرص سرطان
پوست دا پوسے نت گھٹ
جے صغرا دا بہت قصور
شربت دیہہ پوست خشناس
گورکھ پانی ۱ بولی اکسیر

نال تھک رل آوے نمون
کرے بدن دی قوت مات
وانگ ریل دے کرے خوار
نال خون رل کرے فساد
دیوے طرف باہر دی زور
ہوئے کے گندہ بہت زہون
سویج سمجھ کے کرد علاج
اول باسلیق چھڑا
صاف کرے سب خون خراب
تجربہ حکمت وچ یونانی
پھٹکڑی نال ملاؤ سار
کٹ باریک سفوف بنا
آٹوں حزنہ گھوٹ پلا
پیوے روگی نت نہار
بخشے صحت رب رحمان
جڑاں مرض دیاں ٹے پٹ
آوے تیرے وچ شعوب
شام شربت دیہہ جب آلاس
تجربہ سائیں بخش فقیر

رات پانی
ہور
نفث الدم
پہلوں
غوارے

تولے
نشا
سنگ
سہاگر
چھ
انیم
بہید
شیرہ
کھوٹی
جے کرکھ
شربت
رات

رات پانی دج رکھ پوسا ہور مجرب عجب دوا نفث الدم دا قصد کرنا پہلوں قصد نہ دیہ کوئی چیز غارے کرے مابو گلنار	وقت صبح دے چھان پلا اندرونی بوٹی گھوٹ پلا پچھوں دارو شروع کرا ایہو رکھیں یاد تیز پھٹکڑی نال ملاڈ سار
--	--

قرص سرطان

توے پنج سواہ سرطان نشاہتہ رلکر گوند کتیرا سنگ جراح خستاش سفید سہاگہ پھٹکڑی کر بریان چھ چھ ماشے سب دوا انیم ترے ماشے دج گھت بہیدانہ دے دج لعاب شیرہ خرفہ دے ہمراہ کھوتی دا رنت پیوے دودھ جے کر کھنگ نہ ہو دس نال شریت رنت پیوے خستاش رات کتیرا گوند پوسا	کر توں پیہہ کے کپڑ چھان مغز تخم کھٹکڑی کھیرا گل ارمنی کرایا میلو دید رب السوس ملاڈ آن کٹ چھان سب جمع کرا خرفہ ڈالو ماشے ست ترے ماشے قرص بنا شتاب ہک ہک قرص ہر روز کھا مصری ڈال بے ہوس بُدھ دودھ بکری کر استعمال نفث الدم دج بے دسواس جگر پیوے دودھ دج ملا
--	--

لو مکہ شناسی مجربہ نفث الدم

ششای ٹوٹنے لگھاں ضرور کوہن چم دی کرے سواہ عدسی شاد نہ پتھر لے ترے ماتھے دیہ بے دسواس مٹھا مریج نہ ہرگز کھاے	نفث الدم کرے مجھ دور کالا سرمہ کرے ہمراہ کٹ دوا باریک ترے وہیہ شیرہ پچھوں خشناس گرم چیز سے راہ نہ جائے
---	--

لعوق مجربہ نفث الدم

نسخہ بیان کراں یونانی رنت نہار روگی کوئی کھاے معناب ترینہ لسوڑیاں شہ ریشہ قطعی تو لے ترے ہک چھٹانک پوست خشناس مجرے دیگی وچ جوشا مصری ادھ سیر وچ گھٹ ایہ دوا وچ کٹ ملا ادھ پاڈے خشناس سفید نشا سید بکھر گوند کتیرا مغز تخم کدو بادام کٹ دوا ملا وچ پست	مجرب فرمودہ ارزانی نفث الدم نوں ترت ونبالے دو تولے وچ ڈال ملٹ وچ اس سے داخل کرے رکھ پوسا پانی وچ پاس مل کے چمن کے صاف کرا ماکھیو دانگ پکاڈ پست شام فجر اس رت چٹا کٹ ملا اس سے وچ دید مغز تخم کھکھڑی کھیرا دو دو تولے وزن تمام رنت نہار صبح اٹھ چٹ
--	--

ہے کچھ باقی رہے قصور
 پھیر بنا اس طرح ضرور

پانی
تور
گھٹ
ہک
ہے
نفث

شریر
پا
کے
فجری
کرے
ٹھنڈ
نفث

شریر
چار

حَبْ مَجْرَبَه نَفَث الدَّم

پانی وچ رس تولے چار تور پھسکڑی پھل کرا گھت کر گھپی وچ قوام بکا ہک گولی بنت منہ وچ ڈال ہے ایہ نسخہ دانگ اکسیر نفث الدم دا فصد کرا	رات پوسا رکھ فجر تیار پیہہ کے وچ رسونت پلا گولی رتی چار بنا کھاے شیرہ دھنیا نال بخنے فائدہ بے نظیر! پچھوں استعمال کرا
---	--

صِفَت شَرِبَت حَبِ آلاس

شربت حَبِ آلاس بنا پاک دانے حَبِ آلاس نجرئی اس نوں خوب اُبال کر کے اس دا خوب قوام ٹھنڈا کر بوتل وچ پکا نفث الدم نوں دیوے نفع	جیویں حکیم گئے فرما کٹ گھت رکھ پانی وچ پاس وزن برابر مصری ڈال بنت پلا صبح تے شام حاجت ویلے کڈھ پلا دست کرے گرمی تے دفع
---	---

صِفَت شَرِبَت انجبار

شربت انجبار کر تیار چار تولے انجبار مٹکا نجرے دیگی وچ جوش	نفث الدم نہ سہے آزار پانی وچ کٹ رات پوسا کپڑے وچ گھت صاف کرا
---	--

مصری ادھ سیر اس دوج ڈال	کر کے توام عقل سے نال
ہک ہک تول روز پلا	پانی تازہ سرد پلا
ایہ شربت انجیر پسند	دگدا خون کرے مجھ بند

بیان نفث المدہ

منہ تھیں جاری ہووے ریم	نفث المدہ کہن حکیم
پھوڑہ یا کوئی دم گھمبیر	آوے اس تھیں ریم کثیر
گندی بدبو استھیں آوے	نیڑے ڈھک نہ بیٹھا جاوے
ہے ایہ مرض رسل داقتم	لاغر کرے نہاشت جسم
شامل تاپ جے ہووے نال	حالوں بہت کرے بد حال
کر توں اس دا جلد دوا	بخشے اس نوں رب شفا
گودا انبتاس مٹھ	دو دو تولے کرو اکٹھ
تولے دو بہیدانہ لے	بنفشہ گل تولے ترب
سوریاں تنوعناب ترہیہ	انجیراں دو منقہ دیہ
رات پوسا پانی دوج ڈال	فجرے دو ترے دیہ ابال
کل کے پن کے صاف کرا	ادھ سیر پکا مصری پا
حکا ہڑہ بہت توام پکا	ایہ دوا دوج کٹ پلا
مغز تخم کدو یادام	رب السوس کتیرا نام
ہر ہک تولہ وزن دوا	سجے دارو کٹ پلا
گھٹ چھٹانک روغن بادام	پچھتے رت صبح تے شام
جیکر پیپ بے رت جاری	رے توقف دوج جاری

لئے چمکی وانگ کمند
 احتقان المدہ اُس دانام
 غش پورے ہووے لاچار
 دیوے کھول درم نول حجب
 زودفاترے ماشے دج گھت
 میٹھی ڈالو ماشے اٹھ
 پیسے شہد تھو اجہا ڈال
 دیوے حجب درم نول کھول
 تولہ شہد ملا دج سدھ
 روگی نول ہر روز پلا
 دیہہ بادام روغن دج پا
 ایو رکھیں یاد تمیز
 پاوے ملک الموت کند
 فالودہ سیویاں دودھ گھیو پا

جگر ریم ہو جادے بند
 جد بند ہو جائے ریم تمام
 اٹکا ہووے بہت بیمار
 کر توں اس دا اوہ سبب
 دد ابخیر منقہ ست
 لے توں ماشے پنج ملٹھ
 پانی دے دج گھت او بال
 بنفشہ روغن لے دج کھول
 تازہ بکری واسے دودھ
 بنفشہ روغن نال ملا
 پانی دج جو آتش پکا
 ہرگز خشک نہ دیہہ کوئی چیز
 شاید ریم ہو جادے بند
 دیویں اُس نول نرم غذا

بیان روغن مجربہ سائیں بخش

رات پانی دج تر کردا
 کل کے پین کے صاف کرا
 بکری دا گھیو تولے ست
 تولے چار چار دج میل
 میٹھی میٹھی آگ جلا

بنفشہ کل چھٹانکی لیا
 تجرے دیگی دج جوشا
 ادھ پا گھیو گوکا دج گھت
 پنخز کد باداماں تیل
 دیگی دے دج گھت پکا

نال
 پلا
 ب بند

حکیم
 یوم کثیر
 اجاے
 جسم
 بد حال
 ب شفا
 رو اکٹھ
 ترب
 دیہہ

یہ آبال
 سری پا
 ت پلا
 نیرا نام
 ملا
 شام
 جاری

جد سارا پانی جل جادے کر کے سرد شیشے دج ڈال ایہ گھیو دج جو آتش ملا یا دج ڈال کھوتی دے دودھ یا دودھ بکری دے دج میل	دوغن گھیو باقی رہ جادے حاجت وقت کر استعمال رہی نول ہر روز پلا دیہ اس نول جے ہو دے ہر دیہ رت صبح ملا ایہ تیل
--	---

صفت قیروٹی ملین سینہ

چروٹی بکرا ہٹھا تیل روغن مفز کدو بادام بنفشہ روغن نال ملا	کر کے گرم، موم، دج میل سب دوا ملا تمام سینے تے کرو طلا
---	--

بیان مرض سل

مشکل سخت ہک سل آزار لازم تاپ ہووے اس نال قرچ پھپھر سینے دے دج لاغر جسم ہوندا اس جاسے خاص سبب سل دے چار کے نزول تیز یا شور کندہ خیق یا کھنگ شدید ایہ دکھ بہت کوبہ نقصان جیکر اس نول آئے خون	پاک آدے نال دل کھنگار دانگ دق تپ ہووے حال درد کرے تے لگے کھج رنگ بدن چہرہ بدلا دے ذات الجنب یا کرے بگاڑ ضرب سٹ یا لگے زور ہو دے اس یقین سل پدید ورلانے کوئی انسان ہو دے گندہ بہت نزلان
--	--

جیکر تاپ نہ ہووے نال
 اسلیق دا فصد کرا
 جے کوئی ہووے منع سبب
 پچھوں شربت دیہہ عناب
 دیہہ توں اس نول قرص کاؤ
 گلقد تازہ رت اوس کھوا
 ہو راک نسخہ آب حیات
 لے کے تیل مچھی دا سُدھ
 لعاب بہیدانہ دا وچ ڈال
 سفوف سرطان جے نال پھکاوے
 نسخہ ایہہ عجیب یونانی
 لے پندراں سولان سرطان
 پانی نال دھوا دُندھ پاڑ
 نشاستہ بکھر گوند کتیرا
 مغز تخم کدو بادام
 کُٹ پیس دارو ست
 دزن خوراک ہے ماننے چار
 کتیرا پانی وچ پوسا
 مصری تھوڑی جیہی وچ ڈال
 ٹوٹک ایہہ بڑا آزمودہ
 دودھ بکری دا وچ ملا

ہرگز سِل نہ کریں خیال
 خون گندہ سب دودھ کرا
 سنگی جوک۔ مری لا بھب
 صاف کرے سب خون خراب
 خرفہ گھوٹ پلا ضرور
 نہیں کوئی اُس فے جیہا دوا
 کرے مرض سِل دی بات
 وچ ملا کھوتی دا دودھ
 پیوے روگی سُریاں نال
 فائدہ بہت نہایت پاوے
 کہن سفوف اس نول سرطان
 کر کے صاف جلاؤ آن
 ساری بگل حکمت کر ساڑ
 مغز تخم کھکھڑی کھیرا
 تول تول وزن تمام
 وچ سواہ سرطان دے گھت
 کھاوے روگی رت نہار
 بکری دے دودھ وچ گھونا
 پیوے رت گھٹان دے نال
 پانی وچ پکاؤ فالودہ
 پیوے روگی مصری پا

<p> عرق گلو کھج نیلو فر وچ جو آتش پکا سرطان ہے ایہ لو لکھ خاص یونانی مغز کچھو کئے دا آن شیرہ دھنیا وچ پکا ہے کھائے سل والا بیمار ہوو شربت شیرہ سرد نقور خرفہ کا ہو گھوٹ پلا گوکا دودھ تازہ نت پیوے لعاب بنفشہ نیلو فر سوڑیاں کٹ کے نال بلا </p>	<p> وچ شربت میل پلایا کر پیوے سل والا نت آن نہیں دوا کوئی اس داثانی گھیدو گو کے وچ کر بریان مرچ مصالح نمک نہ پاوے فائدہ بخشنے بے شمار رکھ ہمیشہ اس نون شروع کھوتی دا دودھ مصری پا فضل خدا تھیں چنگا تھیں بیدار نہ تھیں شامل کر مصری ڈال ہر روز پلا </p>
---	---

بیان ذات الریہ یعنی آماش شش

<p> ذات الریہ مرض ہو جا اکھڑے دم اوکھا ساہ آئے شدت تاپ کرے بد حال ہوندا جاوے درم زیادہ ہووے زندگانی برباد ہے پھیرے وچ کھلو دیوے صحت شافی رب پاوے جلد شفا علیل </p>	<p> جس تے آوے قہر خدا پھیر سخت درم کر جائے ہووے کھانسی شامل نال جیکر ہووے ردی مادہ اٹھ روز دیوے میعاد جیکر مادہ سالم ہو کر توں اس دا دارو جھب تا ہو جاوے درم علیل </p>
---	---

کرڈہ پتھر دانگ کرخت
 فضل خدا تھیں محنت پا کے
 چا پھیر دے دے دے دے دے
 پھیر دے دے دے دے دے دے
 طرف پھیر دے دے دے دے دے
 حاضر آن ہووے بالعرض
 چھوڑ مسافر لد سدھائے
 ہووے گندہ بہت زبون
 اکھیں چہرہ سرخ کمال
 قدر موافق ہو کدھ
 دو ترے وقت پلایا کر
 کر ڈی سخت ہوئے اس قبض
 جیہڑا ہووے قبض شا
 ادھ یا پکا دے دے دے دے
 داخل کر اس دے دے دے دے
 خوب طرح کل ہتھان نال
 دیگی دے دے دے دے دے
 ایہ دوا دے دے دے دے دے
 دو دو تو لے وزن تمام
 چنے بت صبح تے شام
 رت پلا مصری دے دے گھول

یا ادھ درم ہو جادے سخت
 یا ادھ درم ریم کر جائے
 تیز مواد گرم دا ساڑ
 بلغم شور یا ریزش گرم
 یا تب دا بحرانی مادہ
 اکثر وقت نزع ایہ مرض
 دانگ وحی جد حاضر آوے
 کرے معلوم ہے مادہ خون
 گوہڑہ ٹرخ ہووے رنگ لال
 باسلیق دیویں رگ پھٹ
 بنفشہ شربت نیلوفر
 جیکر بہت شکم دے قبض
 اس نوں دیہہ لعوق بنا
 گودا انبلاکس دا تازہ
 پاک پکا کھنڈ سفید
 ادھ سیر پانی دے دے دے دے
 چھاننی دے دے دے دے دے
 جد ادھ ہووے گا ہڑہ آ
 کیترا مغز کدو بادام
 دو تو لے ڈال روغن بادام
 لعاب بہیدانہ اسبقول

<p>گرم پانی دا کر جل دھارا سکنجیس دے نال تاکید اٹھ جواں بنفشہ پا ورم پھرتے کرد طلا پھپر نول پہنچے تصدیق سندھ تھوڑی جیہی نال زلا دیوے رتخ دا درد و نجا ایتم طلا کر دارو ترے</p>	<p>کرے ورم جے سینہ بھارا شریت اوس اعجازہ مفید گل بابونہ خطمی لیا گھت سرکے وچ خوب گھٹا سبب یا بغم باد یا رتخ مصبتر لولی رائی لیا گھوٹ پانی وچ کرد طلا کچلہ مٹھا تیلے لے</p>
---	---

بیان ذات الجنب

<p>دیکھ حالت دل جاے کنب لین نہ دیوے ساہ بیماری ادکھا ہووے بہت سریر اوسے تنگ نہایت ساہ حقیقی غیر حقیقی جان خالص ذات الجنب حقیقی غیر حقیقی کریں خیال ہیٹھ پسلی پاوے ورم ہیٹھ پسلی دے کرے نساد باہجہ فصد نہ دارو کو کر نال اس وچ فصد منہ ہی</p>	<p>مندا دکھ ہے ذات الجنب ردوے ڈھائیں مار آزادی ہیٹھ پسلی ہووے پیڑ کھنگ تاپ ہووے ہمراہ ذات الجنب دو قسم پھان درد ورم تپ نال رینیقی جیکر تاپ نہ ہووے نال مادہ تیز نہایت گرم یا کوئی رتخ یا سرد مواد ذات الجنب جے خالص ہو غیر خالص جے پیڑ ریامی</p>
--	--

جس
سر
کر
فار
گند
جیکر
جیکر
فاصلہ
جیکر
جے
اصلی
شاہ
بنفشہ
گل
کرد
انگریزی
باہجہ
رتی
گوہیاں
پانی دے
پھسٹری

جس دا ہودے گرم مزاج
 سرد طبیعت جس دی ہو
 کر کے چنگی طرح دھیان
 فاسد خون جے کرے فتور
 گندہ خون نکال تمام
 جیکر بہت خون دا زور
 جیکر درد باقی رہ جا
 ناصلہ دے کے فصد کرائیں
 جیکر باقی رہے قصور
 جے مادہ صفرا سودا
 اصل فصد بچی دا ٹھیک
 شاید رُوح خارج ہو جائے
 بنفشہ شربت یا عتاب
 گل روغن دج موم گلا
 کر دلا ترے کر کے گرم
 آئینہ منہ ہک ہنہ آیا
 ہنہ فصد دے دیوے نفع
 ہنہ ہک افیم منگا
 گولیاں اسدیاں بھو ترے
 پانی دے گھٹ نال لنگھا دے
 پٹکڑی ماشے چار پھکا

گرم نہ ہرگز کریں علاج
 دارو سرد نہ ٹپڑے دھو
 غالب دے مواد پچیان
 باسلیق رگ چھڈ ضرور
 آوے اُسے وقت آرام
 فصد مخالف طرفوں چھوڑ
 طرف موافق فصد کرا
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں
 سنگی رُمی لا ضرور
 فصد موافق طرف کرا
 طرف کھی ول رُوح نزدیک
 قوت بہت جسم گھٹ جاوے
 پچھوں فصد پلا شتاب
 چربی بکرا نال ملا
 سخت ورم ہو جاوے نرم
 ڈاکٹر صاحب نے فرمایا
 ذات الجنب ہو جاوے دفع
 کیلو مل دج نصف ملا
 ہک دن دج ترے داری لے
 ذات الجنب موقوف ہو جاوے
 ادتوں پانی گرم پلا

ایہ بھی ہے نسخہ دہقانی
 دھینا پیلک خوب گھٹا
 کرے جیکر اودہ طلب غذا
 درد بے ہووے خاص ریاحی
 اک دی جڑ دی چھل لیا
 جے اوکھا ہووے بہت زخول
 چھل ہریتھ خوب پسا
 باراں سنگھا گھس لگاؤ
 عرق سونف ادھ سیر سنگا
 ڈال اس دیج روغن باقام
 بہت شتابی دے نفع
 درد بے ہووے بلغم رزح
 نہ کر قصد جے درد ریاح
 رزح تھیں درد کسے نوں ہو
 ٹمکے یک طلسم شناسی
 رزح تھیں ہووے جیکر پیر
 مٹھا تیلیا کچھ لیا
 درد رزح تے کرد طلا
 کچھ لگا جے کاغذی لالوں
 وساں ٹمکے ہووے آزمودہ
 ہاں رانی سندھ ایم

واسطے ذات الجنب لاثانی
 ورم گرم تے یسپ کرا
 مونگی دال جو آشپ کرا
 کرے پسلی وچ تباہی
 گھوٹ درو تے کرد طلا
 گرم پانی دے کرد نطول
 گھوٹ پانی وچ کرد طلا
 یا تنہا مصبر لاؤ
 مغز قلوں چھٹانک بلا
 دو تہے دفع پلا تمام
 درد سینے دا ہووے دفع
 کر توں چنگی طرح صحیح
 مال دوا کروا اصل
 دارو سرد نہ دیویں کو
 بہت دفع ہویا آزمائشی
 حق امس دے وچ ہے اکبر
 دونوں گوتر دے کھا
 دیوے فوراً درد گوا
 دو چند استعین نفع اٹھایں
 درد رزح تھیں کرے اسودہ
 دو دو ماشے وزن حکیم

گھوٹ پانی وچ کرو طلا ہور لکھاں ہک لپ لٹانی بھی، گول، سندھ ایلوا درد رتج تے کرو طلا ہور محل لکھاں ضماو بابونہ، اسی، میتھی لیا گھوٹ پانی وچ کرو ضماو چونہ مرغ نخود آب پکا کھاوے روٹی نال بیمار انتقال کر مودی مادہ سڑیا ہو یا گرم مواد ساہ دم اس دا اکھڑ جاوے یا ہو جاکے رسل آزار	درد پیر رتج رہے نہ کا مغرب ہے نسخہ دہقانی زردی بیضہ وچ طلا دیوے جلدی رب شفا کرے تخیل بریاح مواد خطمی جو بنفشہ پا ہووے رتج دا دفع فساد دار چینی زیرہ وچ پا ہووے رتج دا دور آزار طرف پھیر جے کرے آمادہ جا پھیر وچ کرے فساد مرض ذات الریہ ہو جائے قرعہ پوے پھیر وچکار
---	--

بیان ذات الصدہ

ذات الصدہ، شوصہ، برسام ورم ہووے سینے دے وچ ہووے مادہ گرم کمال بے ادہ ہووے ردی مادہ ہو جاوے اس نوں سرسام کر مادے دی خوب شناس	ہے ہک مرض تھے اس نام درد کرے تے لگے کھج اکثر تپ ہووے اس نال ہوندا جاوے ورم زیادہ کرے نہ ہرگز بایت کلام بہت فکر دوڑا قیاس
--	---

نظر جے آوے غلبہ خون
جے غلبہ ہووے صفرا
نال علامت سمجھ ضرور
کر توں نال تراوت خوب
بنفشہ روغن، نیلوفر
روغن مغز کدو بادام
جیکر قبض شکم وچ ہو
وچ بے ہوشی رستی نال
دست جدوں ہوون اس جاری
کر اس توں تبرید طیب
سبب جے بندش رتج دا ہو
تاپ نہ ہرگز ہووے نال
عرق اجوین پودن لے
خالص ماکھیوں نال ملا
روغن کھٹ بابونہ لیا
طلب جے روگی کرے غذا
جیکر ورم پیپ کر جائے
ریم ورم تھیں ہووے جاری
نفث المدہ دا کرد دوا

خارج کر سب خون زبولن
یا سٹریا ہو یا سودا
جیویں طیبیاں دا دستور
سر سینہ اس دا مرطوب
سر سینے تے مالش کر
مالش کرو صبح تے شام
دہہ ملتن اس نوں اکو
تھوڑا تھوڑا منہ وچ ڈال
زائل ہووے جھب بیماری
شامل نال رکھیں ترطیب
درد سینے وچ زبے کھلو
ایہ دوا کر استعمال
عرق سونف ایہ داروتزے
روگی نوں ہر روز پلا
سینے تے مالش کروا
طبع موافق سمجھ کھوا
نفث المدہ مرض ہو جائے
نفث المدہ خاص بیماری
جیویں حکیم گئے فرما

بیان ذات العرض

پیلیاں
درد کہ
آکھن
ذات الہ
لیپ کر
کریں
جیکر ہو
تعم کا
مغز
بیچ تو
بابونہ
مالش تر
ہور ذات

جے مٹے نور
ورم سرخ
باسلیق
یا اس
تنگ نہایت
پھسکری پا

<p>پیلیاں دے گرد نواح درد کے تے پھرے چو پھیر آکھن اس نوں ذات العرض ذات الصدر دا جیویں علاج یپ کرو دوستانہ وچ کریں علاج اس نال شعور جیکر ہووے درد نہایت تخم کاسنی برگ سنا مغز تخم کدو بادیاں پنج تولے گلقد پلا بابونہ، اسی، میسقی لے ماشے ترے افیم پلا ہور ذات الجنب دا جو دستور</p>	<p>اگے پچھے پھرے ریاہ شانہ سینہ لے سب گھیر سخت عذاب دیوے اس مرض کر توں اس دا کچھ مزاج درد پیڑ لے سب کچھ ذات الصدر جیوں دستور کرے قبض دی سخت شکایت مغز بادام اس نال پلا بنفشہ ہر یک تولہ آن گھوٹ پانی وچ تڑت پلا رائی ہر ایک ماشے ترے شانہ اُتے کرد پلا ادھ بھی ایٹھے کرو ضرور</p>
---	---

بیان ورم پستان

<p>جے مکے نوں ہووے ورم ورم سرخ جے ہووے لال باسلیق دا فصد کرا یا اس نوں جوکان لگوا تنگ نہایت کرے جے پیڑ پھٹکری پانی وچ گھسا</p>	<p>کر رہ سخت نہایت گرم دیوے گندہ خون اُبال خون گندہ سب دور کرا ہووے گندہ خون صفا ادکھا ہووے بہت سریر شامل نال افیم پلا</p>
---	---

<p>دیرم مچے تے کرد طلاء پت بکین تے نم گھوٹا بہت نہایت دیوے نفع جے ہووے صفراوی مادہ دھنیا پیلک خوب گھوٹا جے بلغم خون مرکب ہو پیش اوتھے روز بنھا جد ساری بن جائے ریم ہفتہ تک زخم رکھ جاری کر کے ساری ریم صفا پیلک پانی دھج جوشا گل خیرے دے پت گھوٹا قیروٹی اس تے نت لگا</p>	<p>دیوے فوراً ورم اٹھا ورم مچے تے لیپ کرا جوش خون دا ہووے دفع ہووے ستر کن درد زیادہ مچے اُتے لیپ کرا ورم مچے تے رہے کھو کچا خوب مواد پکا نشر نال نکال حکیم ریم دفع ہو جائے ساری مرہم لائے کے زخم چھڑا سوچ مچے دی نت دھوا پانی دے دھج لیپ کرا گل روغن چربی موم ملا</p>
---	---

نسخہ مرہم مجربہ

<p>جیکر ورم ریم کر جائے وگے ہمیشہ استھیں ریم سفیدہ مصطکی لے رنگار صابن دیسی موم سفید ہک ہک تور پنچے ہو نبید کھوتھا کر بریان</p>	<p>گندہ پیپ اس مچ بھر جائے ایہ مرہم اس لاؤ حکیم چھ چھ ماشے دا مقدار مردا سنگ رال کتھ دید خشک بروڑہ تولے دو ماشے ترے ملاؤ آن</p>
---	---

تر
مر
محل
جیک
بابو
پانی
سخت

جد ہو
جے ایہ
مردہ
تور
تیل
آلودہ

نودہ تھنا
نمیان
کس

<p>پہرہ کے سب دوا دینے میں زخم قرحہ سے بہت لگا کرے جے مجھے دینے فساد ہو جادے تحلیل مواد دیہہ اس نون دو دفع شتاب السی، میسقی نال ملا گھت گل روغن گرم کرا ہو جادے تحلیل مواد</p>	<p>ترے چٹانک مٹھالے تیل مرہم گھوٹ مار بنا سرد ریاچ یا بلغم باد مخل اس سے کرو ضما جیکر حاجت ہو س جلاب بابونے دے پھل منگا پانی دے دینے خوب گھوٹ سخت درم سے کرو ضما</p>
--	--

مرہم مد ملہ

<p>جد ہو جادے قرحہ صفا جے ایہہ مرہم روز لگا مردہ سنگ سفیدہ رال تور تور سب دوا تیل مٹھے دے دینے ملا آلودہ ٹاکی کر چھڑا</p>	<p>بنا مرہم اس بہت لگا بہت شتابی زخم چھڑا مصطکی سوم کتھ دینے ڈال ادھ پا مٹھا تیل لیا مرہم گھوٹ مار بنا دیوے جھب دے زخم چھڑا</p>
---	---

بیان قلت لبن یعنی کم شیر

<p>دودھ تھناں دینے گھٹ جے ہوئے نمایاں وچوں دودھ نہ آئے کرے جیکر صفرا بگاڑ</p>	<p>بھوکا بال ایانا رودے پچہ لاغر ہوندا جلدے دیوے دودھ تھناں داساڑ</p>
---	---

یا کوئی سڑیا خشک مواد چار مغز، تے مغز بادام گوکا دودھ اس وچ پا خرفہ زیرہ گھوٹ سفید سبب جے ضعف معدے اہو جانوراں دا ماس کھوا بیضہ مرغی دا منگوا نیرہ دارچینی وچ ڈال نشاستہ گھیو کھنڈ نال پکا کھاوے عورت رت بہار سونف کھنڈ گٹ پھکی کر متنجن، پھرنی لوند کھوا دو ترے اوس جلاب کرا ہرگز خشک نہ کھاوے چیز	پاے دودھ وچ آن فاد پانی وچ گھوٹا تمام مصری گھت ہر روز پلا مصری ڈال پلاؤ دھند باد تھناں وچ رہے کھو وافر گھیو مصالح پا کر بریان وافر گھیو پا نال روٹی کر استعمال میوہ مغزیات وچ پا دودھ چلے اس وانگ نثار دونویں وقت پھکایا کر گوشت سیویاں چرب پلا ست ست دینہ دافرق کرا ایہو رکھیں یاد تیز
--	--

بیان تعریف شان قلب یعنی دل

دل اعضاء لائق تعریف کل اعضاء دا سردار دل اعضاء دا بادشاہ سب اعضاء اس خدمتگار جس اعضاء نے حکم چلاوے	شان اعضاءاں وچ شریف حاکم بدن فعل مختار ہور اعضاء تمام سپاہ وچ حکم دل تابعدار ذرا نہ ہرگز عذر یادے
--	---

دل پیدائش رُوح حیوانی	جس نول نشان بقا زندگانی
دل مبدا ہے فعل قوے	دل تھیں شروع قوت ادرار
جو اعضاء باطن تے ظاہر	دل دے حکموں نہیں کوئی باہر
دل دے دینج جیہڑا ارواح	کرے بدن دی بہت اصلاح
دینج رگاں پھیاں شریان	چرخ و انگ کرے دوران
رکھو اس دا بہت خیال	مت کوئی ایس نول پوے نوال

بیان مرض خفقان

بد پہنچے دل نول نقصان	پیدا مرض ہووے خفقان
طپش کرے دل رُوح گھبرے	چنگا کچھ نہ دل نول بھارے
گھٹا دل نول پوے مدام	آوے کسے نہ وقت آرام
لگے دل نول ڈاڑھی کھچ	ہووے بہت طبیعت زہج
پہنچے دل نول سخت الم	ڈوبا رُوح رہے دینج غم
کدے کدے ہووے غش آن	دیوے دل نول ضعف زبان
دل نول بہت پوے پھر کار	ہرگز کم نہ سوچھے کار
خوشی نہ ہرگز اس نول آوے	رُوح غوطے غم دے دینج کھارے
فکر اندیشہ، بھیڑی خراب	آون سُفنے بہت خراب
کرے دیلاں تے وہمات	نہند نہ آوے دینہ تے رات
رہے طبیعت منو جھسان	وانگ سودائیاں پھرے حزان
دل تھول سر نول چڑھے بخار	عقل فکر دینج پوے بگاڑ
دل دے آمد پوے غماری	ہوش بُدھ جاوے سب ماری

تنگ ہووے دل پٹے بے
 رہے ہمیشہ غم اندوہ
 اُودے دل ہووے نیسان
 سبب مرض دا کرو معلوم
 نال عقل دے سمجھ مزاج
 سبب ضعف دا جے صفرا
 داخل دل وچ ہووے آن
 شرکن تلخی کرے خواہ
 اکھیں چہرہ زرد زبان
 مجرب نسخہ لکھاں عجیب
 گرم جیکر ہووے خفقان
 گھاؤ زبان دے پھل منکا
 پھل گلاب تے صندل بوڑا
 رات پانی وچ تر کردا
 نل کے پٹن کے صاف کرا
 جد شربت دی پکے تار
 خنڈا کر بوتل وچ پا
 بیدار تے عرق گھاؤ زبان
 عرق کیوڑہ عرق گلاب
 نسخہ ایہ بڑا اکسیر
 آٹھ دھنیاں نیلوفر

سرے دال غصے تھیں کھوے
 دل نوں بھلا نہ لگے کو
 دیوے عقل دے وچ زبان
 نال علامت جیویں رسوم
 کر توں اس دا پھیر علاج
 یا سڑیا ہو یا سودا
 دیوے دل نوں بہت زبان
 ہر دم رُوح رہے بزار
 کوڑا رہے ہمیشہ دان
 کرے جے استعمال طیب
 جاوے دل دا چھوڑ مکان
 گھاؤ زبان بھی نال ملا
 ہر یک لے بیج تو لے پورا
 مجرے دو ترے جوش دوا
 سیر پکا وچ مصری پا
 آگ تھیں اس نوں ہیہ آثار
 نت پلا وچ عرق ملا
 مجرے نال ملا آں
 وقت شام دے میل شتاب
 تجرے سائیں بخش نیر
 گھاؤ زبان وچ شامل کر

نقوع کر کے ہر روز پلا
ماء الجبن جیہا نہیں علاج
ترے ترے ماشے داروتے
ماء الجبن نال رکھو شروع
حق اس سے وچ ہے اکیر
بہت شتابی چنگا تھوے
پیوے روگی رت نہار
اوہ بھی دیویں نال ملا
دور کرے دل دادہات
غم اندوہ سب کرے دفع
فائدہ بخش بے شمار
بکری دا دودھ شام پلا
رت پلا مصری وچ گھول
نال لعاب ملاؤ شتاب
لکھاں طبیعت کرے آسودہ
کھاوے فحری مصری نال
فائدہ بہت نہایت پایا
نال پانی دھو صاف کرا
چھلکا چنگی طرح خراش
مصری ترے پا نال ملا
گاجراں ہرگز رہن نہ خام

بورہ حسد نال ملا
جے اس ہودے خشک مزاج
انٹیوں پا پرہ وھنیاں لے
کر کے پانی وچ نقوع
عرق پیوے کڈھ تانہ شیر
عرق نیلو فر جیکر پیوے
شربت گل پھل کر تیار
گل پھل دا عرق کھینچا
جرب ایہ نسخہ کرامات
گھنڈ پھل دی دیوے نفع
تر بوز زبہ سنگترہ آنا
گولا مکھن فخر چٹا
لعاب بہیدانہ اسبغول
روح کیوڑہ تے عرق گلاب
دھقانی لوطکے ہور آزمودہ
گاجراں راتیں رکھ ادیاں
مرتبہ گاجراں دا آزمایا
گاجراں سیر پکا منگوا
نال چاقو دے خوب تراش
کڑا ہی دے وچ گھت جوشا
ماکھیوں دانگ پکے جد قوام

دے

ایہ مرتے روز کھوا	اگ تھیں لاه بھانڈے مچ پا
عرق گاجر ڈٹھا اکیر	ہک شناسی کینا فقیر
دفع کرے سب صفرا دا ساڈ	شریت روز پلا انار
چھ چھ ماشے وزن تول	نقیموں دھنیاں رات پوسا
پیوے روگی مصری پا	نجرى تل پُن صاف کرا
دفع کرے صفرا زبول	جے دیویں سنگھیں لیوں
دفع کرے سوداوی مادہ	سنگھیں جے پیوے سادہ
سونا چاندی ورق لگا	مرتے بیہی تے سیب کھوا
دل دے ضعف نوں ہے اکیر	مرتے آملہ زرد ہریٹ
ہووے روگی بہت بیزار	دل نوں بہت پوے پھرکا
گلاب ادھ پا دھج تر کردا	کشمش سبز دانہ پنجاہ
کھادے سوئی تال چھو	دانہ رک رک یا دودھ
بادے ضعف ہووے جھب نرق	بچوں اودہ پلاؤ عرق
دفع کرے خفقان بعین	ترے ہفتے دیہہ نفعہ تعلیم
بنفشہ روغن نے دھج میل	کدھو مغز کدو دا تیل
روغن نال ملاؤ ضرور	شیرہ دھنیاں مشک کافور
نلخی دفع ہووے گھبرا	سینے اُتے کرد طلا
خفقان گرم نوں جلد دنجاف	سرد نوشہ اوو جے کھائے
ہر ہفتہ دیویں ہک بار	ملین مسہل کر کے تیار
ہووے سرکن دور قساد	دساں میں ہک ہووے ضماں
پچل گلاب تے صندل بود	کاسنی دھنیاں مشک کافور

گھوٹ پانی دج کرو طلا
 جے دھوی ہووے خفقان
 پیتا بھل جائے سر بھارا
 باسلیق دی چھڈو رت
 ۲۱ اوبلی رات پوسا
 شربت نت پلا عتاب
 گرم غذا نہ ہرگز کھائے
 جیہڑی پچھے لکھی دوا
 حاجت ہووے پوسے جد آ
 مایخولیا دا جو باب
 یعنی جے ہووے خفقان
 ریح سرد یا بغم باد
 ڈھلی نبض سفید پیشاب
 ہووے خاص جے سرد مزاج
 گرم مہجون اس دیوے نفع
 روغن دار چینی لے آ
 دل سینے تے کرد طلا
 کٹھ لونگ سوٹھا چھڑ لیا
 گوشت جانوراں دا کھائے

دیوے فوراً ساڑ دجا
 اکھیں چہرہ سرخ دان
 تلخی تریہ لگے بھرکارا
 شربت سرد پلاؤ دت
 فجر پلا نت مصری پا
 صاف کرے سب خون خراب
 ٹون مریج لے راہ نہ جائے
 اوہ بھی استعمال کرا
 وچ مایخولیا دیکھن جا
 لکھیا اندر ایس کتاب
 آون نظر جے سرد نشان
 پاوے دل وچ بہت فساد
 پھٹک ڈالٹھ بہتی خواب
 کر توں اس دا گرم علاج
 خفقان سرد ہو جائے دفع
 بابونہ روغن نال
 دیوے دل دی رتک دجا
 گھوٹ پانی دج کرو طلا
 روٹ نال وافر گھید پاوے

بیضہ مرغی دا بریان
 کر کے نت کھواڈ آن

نسخہ عرق شیر

کرال بیان اس دی تمیر میل دوا ترے عرق کو بوروہ صندل شامل کر پنج سیر پانی گھت پوسا پنج چھ بوتل عرق نکال رہے نہ اس دا نام نشان مصری تھوڑی جیہی رط	جیکر عرق نکالو شیر وہ سیر گوکا دودھ منگا گاڈ زبان تے نیلوفر دس دس تولے وزن تولا نجر لائیے دودھ لے نال گرم جیکر ہودے خفقان ادھ پا پکا نت پلا
--	---

بیان نقوع بلین

کرال بیان نقوع بلین محرز تاپ ایضہ طاعون یا کوئی ہودے مرض دہائی گرم خفقان زردیرقان جیکر کھنگ نہ ہودے نال ابلی لے نت تولے اکھ دانے دیہہ درد آکھ لیا نجرے کل پھن صاف کرا ایہ نقوع پیوے بیمار دل دا دور کرے وسواس	کرالوں اس نون نال یقین مارے جوش بدن وچ خون دیوے اس تھیں جھب مانی خارج بدنوں کرے نشان کرو دوا ایہہ استعمال اکو بخارا دانے شٹ رات پانی گھت رکھ پوسا مصری ادھ پا حل کرا دینہ وچ دو ترے دفعہ یا چار نعم اندوہ سب ہودن تاس
--	--

خارج کرے موزی صفرا

تلخی دور کرے گھبرا

شربت مجربہ سائیں بخش

تجربہ کیتا ہو یا لاثانی
سرکن ترپہہ تلخی برقان
پیوسے دیوسے رب شفا
اصلی ہودے باہجہ قصوہ
ویہہ ویہہ تولے قدر حساب
مشی دے برتن وچ پا
فجرے مل پن صاف کرا
ڈھک پیالے دے وچ رکھ
قلعی دار بھانڈے وچ پا!
دونویں پاڈ پاڈ کر ہمراہ
چنگی طرح دوا سب گال
سیر بہک پکا نظری آئے
سرکہ عرق گلاب ملا
میسو پاڈ پاڈ مقدار
شربت دانگ پکاؤ پت
روکی نول دو وقت پلا
فائدہ بہت نہایت پادیں
ہووسے بہت شفا بیمار

سخہ کراں بیان یونانی
موزہ تاپ غشی خفقان
میضہ ڈاکی مرض دیا
دس تولے لے صندل نور
سرکہ خالص عرق گلاب
سرکہ عرق گلاب ملا
بورہ اس وچ رات پوسا
سرکہ عرق دونویں کر دکھ
بورے سرکیوں جدا کرا
نویں انہلی آٹو سیاہ
دو سیر پکا پانی ڈال
بد پانی ادھا جل جاوے
کے آس نول صاف کرا
پانی بتو ترشش انار
مصری سیر پکا وچ گھت
گھنڈا کر بوتل وچ پا
عرق سرودج نال پلاوین
ایہ نسخہ آزمودہ کار

تدبیر

کڑھا

کر

پوسا

نکال

نشان

ملا

یقین

خون

بائی

نشان

تعال

شفا

پوسا

شر

چار

صفت نوشدارو سرد

نسخہ کراں بیان عجیب
کھاوے نت صبح تے شام
ڈھکی اس دی عجب تاثیر
سرد نوشدارو اس نام
کئی دفعہ اس نوں آزمایا
سفید بہمن طباشیر لیا
بورہ صندل سرخ سفید
مغز کدو تے جوئند کتیرا
چھوٹی الاچی بھل گاؤ زبان
بھل گلاب اصلی وچ پا
خالص کیسر مشک کا فور
آملہ ادھک سیر منگ
فجری دیگی دے وچ ڈال
تل کے خوب ہتھاں دے نال
عرق کیوڑہ عرق گلاب
عرق گھاؤ زبان گھت نال
پانی سیب تے آب انار
سیر پکا مصری وچ گھت
ماکیوں وانگ پکے جد توام
استعمال جے کریں طیب
آوے جلدی نال آرام
وچ تقویت دل راگیر
وچ مشہور طیبیاں عام
فائدہ بہت نہایت پایا
دھنیاں دے بھن مغز کڈھا
زرشک صاف لے غزہ دید
مغز تخم کھکھڑی کھیرا
گاؤ زبان بھی ڈالو آن
ہر ہک تولد وزن دوا
ترے ترے ماشے میل ضرور
رات پانی وچ تر کر دوا
چنگی نال طرح دے نکال
چھانسی وچہ دوں مغز نکال
بید مشک وچ ڈال شتاب
سنگتیاں دا پانی ڈال
ہر ہک پاؤ پاؤ دا مقدار
آملہ سنے پکاؤ پیت
کٹ دوا ملاؤ تمام

ایہ

ونک

جو

جیک

سبب

ایہ

چھل

بنفش

چھل

سولف

تل کے

تازہ

وچ ج

تول

حصے

جے کو

دست

ار ہفت

ایہ جو

<p>ایہ مفرج سرد دوا دنن اس دا مثقال چار جو شربت ہوئے مذکور</p>	<p>روگن توں ہر روز کھا کھائے دو نویں وقت نہار ادہ بھی نال پلاؤ ضرور</p>
<p>صفت مسہل ملین</p>	
<p>جیکر ہووے قبض کمال سبب معدے جے پوسے بگاڑ ایہ جوشاندہ دیہو ضرور چھل ہریڑاں تولے چار بنفشہ تولہ یک ملا پھل گلاب چھٹانکی ڈال سونف تولے دو کٹ ملا کل کے پُن کے صاف کرا تازہ گودا انبلساس وچ جوشاندے حل کرا تولہ یک روغن بادام حقے اس دے ترے کرا جے کوئی ہکے وار پلاوے دست جدول ہو جاوے جاری ہر ہفتہ دیویں اسہال ایہ جوشاندہ مسہل خوب</p>	<p>نسخہ کراں بیان اسہال کدھے باہر معدیوں ساڑ رہے نہ جتے وچ قصور انہلی پنج تولے مقدار مینلو تولہ نال سنا کاستی دو تولے گھت نال رات پوسا سب فجر جوشا کھنڈ سفید چھٹانکی پا یک چھٹانکی کر کے قیاس نال چھاننی صاف کرا وچ جوشاندے میل تمام فجرے پیشی عصر پلا قے دے نال نکل سب جائے قطع ہو جائے کل بیماری قوت موسم عمر سہال دیویں جدول ہوئے مطلوب</p>

نسخہ مجربہ خفقان سرد

<p>دفع کرے ٹھنڈا خفقان رنج جوڑاں دینے مارے دنگ کڑھے باہر جسم تھیں مار دار چینی چھڑ کر ہمراہ الاچی دانہ مصطیٰ دید بادرنجبویہ ڈال ضرور جلتیری پودنہ اسنڈھ بادیان گٹ دوگنا ماکھیوں دینے پا ہو جاوے معجون تیار دیوے سرد آزار دغا پچھوں روزہ پیوے دن دن بہت نہایت فیض پہنچاوے کہتے ایہ نسخہ آزمائشی</p>	<p>جرب نسخہ کراں بیان گنٹھیا داؤ مرگی ادھرنگ ہو رہو ہون سرد آزار لونگ بالونہ زیرہ سیاہ موتھا بہمن سرخ سفید عود الاچی خورد پچور گھماں خونجاں بھنگ بریان ہک ہک تولہ سب دوا میل دو ہفتے رکھ سنوار چھ چھ ماشے رنت کھوا عرق پودنہ سونف اجوین ماکھیوں دو تولہ رنت کھاوے سائیں بخش حکیم شناسی</p>
--	--

بیان مرض غشی

<p>جدول غشی دی ہو دے مرض رنگ اکھیں چہرے دا زرد ہو دے بغض ضعیف باریک کریں معلوم ہے گرم سبب</p>	<p>خاص علامت ایہ بالفرض ہتھ پیر ہو جاوے سرد سکتے دانگ ہو جاوے ٹھیک ایہ علاج کریں اس مجب</p>
--	--

بید مشک تے عرق گلاب
 شربت نال انار ملا
 مندل مُشک کافور گلاب
 باہج پچھاں دے موراں دج
 خالص عرق گلاب منگا
 جدوں بیمار آوے دج ہوش
 مُرتے بھی تے سبب کھوا
 سبب ضعف دل جے غش کھاے
 میل گاؤ زبان دا عرق
 سنگتیاں دا پانی پیوے
 مُرتے آملہ دا رنت کھاے
 جیکر خشکی ہوس کمال
 جیکر ہووے سرد سبب
 دیویں گرم کوئی نسوار
 کانپھل کندش مرچ سیاہ
 پیہہ باریک ناسا نوچ پھوک
 جے دوکھ بہت پُرانا ہو
 ہووے اس دا سرد مزاج
 سرنوں چڑھی رہے رنت کھاے
 معدیوں رنج اکھ سرنوں جاے
 اتھ پیر ہو جادن سرد

رُوح کیوڑہ دج ڈال شتاب
 دج حلق قطرہ پیکا
 شیشی گھت سنگا شتاب
 پنڈیاں تے سنگیاں کھج
 چہرے اُتے کر چھڑکا
 سُنے آوازہ کر کے گوش
 نال چاندی دے ورق لگا
 شربت نت انار پلاوے
 پیوے رنت ہووے جھب فرق
 بہت شتابی چنگا تھپوے
 ایہ بھی دل دا ضعف دجائے
 گھيو دودھ دیہہ مصری دج ڈال
 جعفل سنگرف دیویں جھب
 ہووے زائل غشی آزار
 لونگ تھوڑا جیہا کر ہمراہ
 مار آوازہ اوچی کوک
 رہے جسم دے دج کھلو
 دل نوں رنج دیوے اختلاج
 دل دے دج پوے پھرکار
 پھر کے دل روح خوش کھاے
 معدہ جگر کرے رنت درد

<p>آوے دل نول سخت آزار ایس سببوں غش اس آئے دیوے جیہڑا رتج و نجا ردگی نول ہر روز کھوا تیل مٹھے دی ذرا نہ ڈر جیویں طیبیاں دا دستو الاچی دانہ نال طلا سمجھ مزاج کرد اس آن طبع موافق کرد علاج</p>	<p>بہت رتج جد دیوے زور ضعت ہورے گھاو ل کھائے دہ اس نول معجون بنا منقہ دھوئے کے گرم کرا تھیں پیریں نالش کرا پاشویہ بھی سکرو ضرور گلقد تازہ اس روز کھوا ہور علاج جیہڑے خفقات گرمی سرزدی سمجھ مزاج</p>
---	---

بیان معجون مجرب غشی سرد کہنہ

<p>رہے نہ رتج دا نام نشان سندھ، جلو تری لوگ تگر چھوٹی الاچی کر ہمراہ خوننجاں نال چھڑیلہ گھت ہر رک تولہ وزن دوا ماکھیوں وچ معجون بنا موسم عمر مزاج سہال دفع کرے دکھ درد تمام</p>	<p>مجب کراں معجون بیان مرپاں گھاں مصطکی چھڑ الاچی دانہ، زیرہ سیاہ دارچینی، جھل تیز پت چھل ہریڑاں پودہ پا دارو سبھے کٹ پھننا وزن خوراک اس دا انتقال معجون ارسطو اس دا نام</p>
---	--

بیان تعریف شان معده

معدہ
فیض بد
پٹ
گوشت
سب
معدہ
معدہ
جدول
جد معده
جاد

پیٹ
کچا کھا
خون
جاوے
جاکیم
معدہ
توت
کھڑ
کرتور

معدہ حوض بدن دا جان فیض بدن نوں بہت پہنچا دے پٹھے ناراں شریاں گوشت پوست کل اعضا سب اعضا معدے دے سوا معدے دا کل جسم محتاج معدہ نہ غذا پہنچا دے جدوں اعضا ہوں بیمار جد معدے دے پوے فساد جاوے جد اس بگڑ مزاج	رتبہ اس دا عالی شان ہرگز دق شمار نہ آوے بھلی پیرے دل مود جان معدے دے چون کرن غذا جدوں غذاؤں ہوں خالی ہر یک عضوے نوں احتیاج طاقت کل جسم گھٹ جاوے معدہ ہووے خدمت گار دیوے کوئی نہیں امداد جھیدے اس دا کرد علاج
--	---

بیان مرض اسہال

پیٹ کسے دا ہووے جاری کچا کھانا باہر آوے نوں آوے سل دستاں نال جاوے مرض پُرانی ہو حکیم ہندی سنگڑ ہنی کہن معدہ ہضم نہ کرے غذا قوت بدنوں گھٹدی جاوے کھڑے کچھ نہ معدے دے کرتوں اس دی خوب شناس	پوے شکم دے دوج خواری سول نال روگی کرلاوے کہن حکیم اس نوں اسہال مدت تک جے رہے کھلو بہت دیر تک دست جے رہن لاغر ہوندے جان اعضا روگی فکر کرے غم کھاوے دقت مردے گئے بچ کرے مٹاں فکر قیاس
--	---

گرمی سردی سمجھ مزاج
 جے صفرا دا ہووے زور
 رنگ دست دا ہووے زرد
 گرم چیز اس رنج پہنچاے
 رنگ اکھیں چہرے دا زرد
 سرکن تریہ تلخی گھبرا
 مادی مرض ہووے یا سادہ
 اول اُس نوں تے کرا
 دو ترے چارے کے تلئیں
 قطع ہووے موزی صفرا
 ہر ہفتے دج ہک دو بار
 پکڑے معدہ جدوں صفائی
 ناسد مواد بکل سب جادے
 پھیر طبع دی کرا اصلاح
 مواد جے نہ ہووے اخراج
 مت مواد ہو جادے بند
 قابض سخت نہ دیویں چیز
 جے کچھ باقی رہے مواد
 یقین سہل ہو دیوا
 سخت تیز جیکر صفرا
 معدے دے دج کرے بگاڑ

نال عقل دے کرد علاج
 آون معدیوں دست مرد
 ہووے سخت شکم دج درد
 سرد چیز تھیں فائدہ پاوے
 سفرہ کرے نہایت درد
 ہین نشانیاں ایہ صفرا
 تے نال خارج کر بادہ
 نہیں کوئی اُس دے جیہا دوا
 خارج کرد مواد تعین
 تلخی دور ہووے گھبرا
 دیویں تے تلئیں بیمار
 آون کھلے دہست غذائی
 مادیوں معدہ صاف ہو جادے
 دے کے قابض سرد دوا
 قابض کریں نہ کوئی علاج
 پاوے جھبے اجل کند
 ایہو رکھیں یاد تمیز
 کرے شکم دے دج فساد
 کر معدہ اس خوب صفا
 تلخی بہت کرے گھبرا
 درد شکم سفرے دج ساڑ

دہیہ
 لکھا
 نوا
 زرد
 رانہ
 چاد
 اچار
 اچار
 گوئی
 مرتبہ
 چانو
 کھاد
 آٹا
 روگ
 کنگہ
 خوب
 فوری
 گاہر
 ساگر
 یا کھا
 رکھا

دیہ توں اس نوں ترش دوا
 لکھاں عجائب اک نقوع
 نواں انار دانہ منگوا
 زرشک سہاقی ایہ داروچار
 رات پانی دق تر کردا
 چاول مونگ پکاؤ رات
 اچار نبو سنگترہ انار
 اچار گاجر دا دیوے نفع
 گوئی لستی بہت پلا
 مرتہ ہی دا گھوٹ پلا
 چانول بھن کونڈی گھوٹوا
 کھاوے روگی چچے نال
 آٹا باجرے دا منگوا
 روگی نوں ہر روز کھوا
 کنگنی دے چاول پکواوے
 خوب دیوے معدے نوں گھوٹ
 فوری دہی چاول بت کھاوے
 گاہڑی بہت لستی بت پیوے
 ساگ سر ہوندا کھن پا
 یا کھاوے مچھتی بت اباں
 رٹھا مریج نہ ہرگز کھاوے

معدیوں کٹ مٹے صفرا
 ہک دو ہفتے دکھ شروع
 آملہ اس دے نال پلا
 ہک ہک توے دا مقدار
 فجرے مصری ڈال پلا
 کھاوے فجرے گھت جفرا
 دفع کرن معدے دا ساڑ
 گرمی کرے معدے دی دفع
 دیوے اس نوں رب شفا
 طباشیر کچھ نال پلا
 فرنی دیگی دق پکا
 دست بند ہوون فی الحال
 راہڑی لستی دق پکا
 لستی گاہڑی بہت پلا
 گھت چک دی نت کھاوے
 ذرہ مرض دا رہے نہ کھوٹ
 رات ندی دودھ نال لنگھاوے
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
 جے روگی بت کرے غذا
 دفع ہوون معدی اسہال
 تاں اوہ روگی صحت پاوے

ہر ہفتہ دیوے تلئین
تے جیہا نہیں کوئی دوا

یاد رکھیں مت نال یقین
دیوے مرض اسہال و نجا

بیان مرض سنگرہنی کہنہ

جیکر مرض پُرانی ہو
معدیوں بہت آدن اسہال
جیکر مرض پُرانی ہو
جیکر تپ نہ ہووے نال
پہلاں دو ترے کر تلئین
کر کے معدہ خوب صفا
مغرب جہاں ایہہ آزمودہ
پاوے معدے وچ کھند
ماجو مائیں پھل انار
سماق مصطکی لے وچ گھت
سپاری ارکڑ گوند انیم
ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا
گولی ہک ہک ماشہ مقدار
جے معدی ہوون اسہال
ہک گولی پانی شے نال
کرتھنی چانول مسر جوار
گوکا دہی ریت نال ملا

رہے جسم دے وچ کھلو
حالوں بہت کرن بد حال
دشیاں حب آزمودہ کو
کر توں اس نوں استعمال
خارج کرد مواد لعین
مڑ ایہہ نسخہ شروع کرا
سفاف ارزانی دامنودہ
فوراً دست ہو جاوون بند
حب آلاس کند گلتار
ہر یک ہوون ماشہ ست
ترے ترے ماشہ وزن حکیم
پانی تھوڑا جیہا ملا
بھول شتر وچ شمار
تپ نہ ہووے ہرگز نال
کھاوے ریت نہ رہن اسہال
کھاوے جو آوے درکار
نستی گکا ہڑی کرے غذا

گرم

نسخہ

مص

ہر

چھ

کھوڑا

پتھر

جیکر

بہت

پھل

ڈنڈ

چھ

کھوڑا

پا

نست

نست

نست

نست

نست

نست

گرم چیز دے راہ نہ جائے | گوشت، مٹھا، مریچ نہ کھاے

نسخہ مجربہ اسہال صفراوی

نسخہ کہاں تک بہت پسند مصطفیٰ بل کتھ پوست رال ہر یک تولہ وزن دوا چھ ماشے نت وزن کھوا پچھڑی چاول امر پکا	معدی دست کرے جھب بند موچرس گوند بکھر دج ڈال پیہ کے سارے جمع کرا کھاے دج گلقدن ملا نت کھوا دج دہی ملا
--	--

نسخہ مجرب اسہال معدی خونی

جیکر تینوں ہودے لوڑ بہت بیماریاں تے آریا پھل دھادا بھنگ چھل اند ڈنڈے کوندے دج گھوٹا چھ ماشے نت وزن خوراک پچھڑی چاول نت پکا یا گاہڑی لسی دے نال نت روٹی کھوا جوار	لکھاں مجرب نسخہ ہود ہرگز کدے خطا نہیں پایا مصطفیٰ ہر یک تولے چار ماکھوں پتوڑا جیہا ملا کھاے صحت کرے رب پاک کھاے گوک دہی ملا کھاے دفع ہوں اسہال لسی نال نہ رہے آزار
---	---

بیان نسخہ مجرب اسہال خونی

کہاں تک فقیر شناسی	ایہ نسخہ میرا آنا بشی
--------------------	-----------------------

نہیں
و نجا

کھلو
حال
کو
حال
بین
کرا
مرد
بند
لنار
ست
طیم
بلا
شمار
نال
سہال
رکار
غذا

<p>جے خونی ہودن اسہال ہرڑاں زنگ چھٹانکی آن چھل بیڑہ پھل انار چھ ماشے روگی نت کھائے دودھ چاول دہی تسی نال عوض پانی دے تسی پیوے جے پیوے شربت انجیار پلا شربت نت حب آلاس</p>	<p>کرد اتھائیں استعمال گھيو گوکے وچ کر بریان دو دو تولے دا مقدار لوئن مرچ دے راہ نہ جائے کرے غذا نت استعمال کھاہرے پانی با اچھ جو تھيوے خونی دست ہو جان فرار کرے اسہال خونی داناس</p>
---	---

نسخہ مجربہ اسہال

<p>سوفت ہریڑاں زنگ لیا دو دو تولے دا مقدار سوفت ہریڑاں کر بریان گھوٹ کونڈے وچ چار دوا زرشک سماق دانہ انار کرکے پانی وچ نقوع! تالض اس نوں دیہہ غذا میل انار دانہ وچ گھوٹ</p>	<p>زیرہ نال سفید ملا بھنگ ملا وچ تولے چار گھيو دے وچ بلادت آن چھ ماشے تک روز پھکا آملہ وزن برابر چار پھکی نال رکھو نت شروع ترشی شامل نال ملا دفع کرے صفراوی گھوٹ</p>
---	--

گلگل نتو ترش آچار
دفع غذا میلو ہر بار

بیان اسہال ریاحی

جیکر ہودن دست ریاحی قرقر ہودے معدے وچ چھل ہریاں پودنہ لیا زیرہ بھن سفید سیاہ تخم کرفس بالوں بریان ہر ہک تولہ وزن دوا کھاوے چھ ماشے مقدار جیکر سرد ہودے اس ریخ قبض محکم وچ کرے بیان گرم دوا اس دیوے نفع جانوراں دا ماس کھوا جس دا ہوئے سرد مزاج	ریخ معدے وچ کرے تباہی بولے پیٹ دیوے ریخ کھج دو دو تولے وزن تولہ سونف انیسوں کر ہواہ بذر البنج مرچاں احوان کٹ چھان وچ شہد ملا صبح شام رت دقت نہار کریں عقل دے مال صحیح سرد چیز دیوے نقصان کرے ریاح سردنوں دفع دار چینی زیرہ وچ پا اس دا ہے ایہ خوب علاج
---	---

نسخہ شناسی مجربہ اسہال ریاحی

نسخہ بڑا عجیب آزمائشی کرے کوئی ایس نوں استعمال فشارک جعقل، لونگ، انیم چارے ڈال کھل وچ پیس گل مال پانی دے کھائے	آکھیا راست دین شناسی دفع ہودن ریخ دے اسہال ترے ترے ماشے وزن حکیم منقہ وچ بنہ حب چاہیں دست ریاحی ترے دنجائے
--	--

نسخہ آزمودہ سائین بخش اسہال ریح

نسخہ یاد مینوں ہک آیا اودہ بھی نسخہ کرتوں جھب پودنہ باغی زیرہ سیاہ زلف ہریڑاں دانہ انار سیرکہ تیز چھٹانک منگا فجرے دھوپے کرتوں خشک دوہاں تول کر کے بریان کٹ چھان کے کر سفوف	دو ترے چار دفع آزمایا بخشے صحت شانی رب دھنیاں آملہ کر ہمراہ ہر ہک دو تولے مقدار دھنیاں زیرہ رات پوسا رہے نہ پانی دا دج مشک دج دوا ملاؤ آن چھ مائے دیہ نال دقوف
--	---

نسخہ اسہال ریح

مصطلی زیرہ لے سفید آملہ چھل بیڑہ لیا ہر ہک تولہ دا مقدار چھ مائے دیہ رت سفوف	ہر رڑاں سیاہ ملاؤ دید دار چینی دج سوئف ملا پودنہ ڈال تولے دج چار دست ریاجی کرے موقوف
---	---

نسخہ اسہال ریاجی

ہر ہک کواں بیان دوائی ترے اجوین لے زیرہ سیاہ پودنہ دار چینی دج گھست	دفع کرے اسہال ریاجی انیسوں تخم کرش ہمراہ وزن برابر دارد آٹھ
---	---

کٹ چھان کر بھکی تیار
ہک دو ہفتے جے نت کھاے
چھ ماشے دیہہ وقت نہار
دست سول رتخ لفع دنجادے

نسخہ اسہال ریاحی

ہدری نسخہ کراں بیان
استعمال جے کریں طبیب
گوگل بھینسیا تولے چار
منقہ گھیو وچ کرہ بیان
ماشے ترے افیم ملا
حمام دستے لوہے وچ گھت
گولی ماشے دا مقدار
ہک ہک حب دو وقتی کھاے
جاکے رتخ معدے نول چھوڑ
جو گراج حب اس دا نام
رہے نہ رتخ دا نام نشان
ہے ایہہ نسخہ بڑا عجیب
منقہ دو تولے مقدار
دانے سب نکالو آن
ایہہ ترے دارو جمع کرا
کٹ سوا لکھ لاؤ سٹ
بٹھوں ستر وچ شمار
گرم پانی دے نال لٹکھاے
اسدے جیہا دوا نہیں ہو
مشہور وچ طبیبیاں عام

شناسی ٹوٹکہ مجرب اسہال

ٹوٹکہ کراں بیان آزمودہ
کریں جے ایس نول استعمال
رتی ترے افیم لے آ
بارال وزن بناؤ سب
نہی لسی دودھ کرے غذا
بزرگ شناسی دا فرمودہ
زائل مرض کرے فی الحال
توتیا رتی ڈیڑھ ملا
دیہہ دو وقتی ہک ہک حب
ترے ماہ استعمال کرا

دو ہفتے بعد دوائی چھوڑ کرے دوا نہ ہرگز ہو

علاج اسہال اطفال

دست جیکر آون اطفال
 رنگ دست دا کرو معلوم
 رنگ دست دا جیکر زرد
 پہلاں اس نوں دیہہ تلئیں
 کر کے معدہ خوب صفا
 یک تولہ لے کے نپال
 ہرڑاں سیاہ گھیو وچ بریان
 چار رتی وچ ڈال اچیم
 ادھی جب ایاناں بال
 تک دو حب خوراک جوان
 کنکنی دے چاندل دے نال
 پوست بھنگ کر کے بریان
 بھنگ یا پوست دا گھٹ پیوے
 لڑکا شیر خوارہ جو ہو
 ماؤں اُس دی دا کرو دوا
 خراب ہووے جیکر اس دودھ

خالوں بہت کرن بدحال
 نال علامت جیویں رسوم
 ہووے سخت شکم وچ درد
 خارج کرو مواد لعین
 پکھوں اس دا کرو دوا
 چھ ماشے مائیں وچ ڈال
 کر کے تولہ میلو آن
 حب اکیس بنا حکیم
 کھاوے دست جاوے فی الحال
 دافر وزن دیوے نقصان
 دیہی لسی کر استعمال
 دیہہ ذرہ یک چوندی آن
 حکم خدا تھیں چنگا تھیوے
 دارو کھا نہ سکے کو
 دیوے اس نوں رب شفا
 نال دوا کراوے شدہ

گرمی سردی سمجھ مزاج
 طبع موافق کرو علاج

ذرہ ذ
 رو دیا
 جگر یا
 مودی
 رو دیا
 چار
 ریشہ
 لعاب
 سوڑیا
 گوند
 دوماں
 دیویں
 قابض
 بے جگر
 درد
 زرد
 ضعف

بیان اسہال رودی

خون یا پول آئے اس نال اس نال کن اسہال ذخیر پاؤں رودیاں دج فساد مادہ گرم ہووے یا شور گل گل نکلے باہر ماس اس نال نیت پھکاؤ آن پچھوں اس پلا شتاب نیت پلاؤ مصری دج گھول کڈھ لعاب پلایا کر فجر پلاؤ دودھ مصری پا ہے آزمودہ عجب دوا ایہ بھی بہت دفعہ آزمودہ ایہ رکھیں یاد تیز	ڈرہ ڈرہ آون اسہال رودیاں دے دج ہووے پیڑ جگر یا معدیوں گرے موائ موزی مرض دیوے جد زور رودیاں دے دج کیے خراش چار تخم کر کے بریان ریشہ خطمی کڈھ لعاب لعاب کڈھ کے اسغول سوڑیاں خطمی نیلو فر گوند کتیرا رات پوسا دومالی سیویاں نیت کھوا دیویں نیت غذا فالودہ قالبض کوئی نہ دیویں چیز
---	--

بیان اسہال جگری

اکثر آون دوسے نال نہ کوئی دج شکم دے سول شامل خون ہووے اس نال چہرے دچوں ہون عیسان	بے جگری ہون اسہال درد پیڑ نہ ہووے سول سکے زرد یا ہون لال ضعف جگر دے سب نشان
---	--

ہور

حال

سوم

درد

لعین

دوا

ڈال

آن

حکیم

ن الحال

قصان

ستعمال

طری آن

قیوے

لے کو

ب شفا

مدہ

لاغر بدن اس ہوندا جائے
 رنگ بدن دا زرد سفید
 وقت چلن دے دم پڑھ جائے
 جے ہووے گرمی دا زور
 دینہ اس نوں کوئی ادب
 کاسنی خرفہ گھوٹ پلا
 انار دانہ دھنیاں پادیاں
 مرتبہ بھی دا روز گھوٹا
 روگی نوں ہر روز پلا
 شیرہ چار مغز کڈھوا
 جے دیویں سنگترے انار
 پہلاں دست اس بند کرا
 چاول دہی لسی بنت کھاوے
 کشتی دے چاول پکوا
 دو تریے ماہ کر استعمال
 گوشت مٹھے تھیں پیرہینر

چہرہ دھج سفیدی آوے
 ہے ایہہ خاص علامت
 دھڑکے دل رُوح غوطے کھٹ
 آون جگر دں دست مرد
 گرمی جگر دں کڈھے مار
 کا ہو مصری نال ملا
 ایہہ بھی گھوٹ پلاؤ آن
 رب انار اس دھج ملا
 دیوے اس نوں رب شفا
 مصری ڈال ہر روز پلا
 جگر دں گرمی کرے فراہ
 دے کے قابض سرد ددا
 غیر چیزے راہ نہ جائے
 کھاوے چکے دہی ملا
 تا اوس طبع ہووے بر حال
 نوں مرنج تھیں ہے گرم

نسخہ مجربہ اسہال ضعیف جگر

جاوے مرض پُرانی ہو
 خون جسم دھج نظر نہ آوے
 دل نوں بہت پوسے دھڑکار

فائدہ کرے دوا نہ کہ
 چہرہ رنگ سفید ہو جاوے
 ہرگز کم نہ سوچے کار

دھج
ہنہ
کہ
پہلا
آملہ
پنچ
ترہ
چار
نہ
نال

جے
اکثر
اصلی
تب
سبب
پھر
جے
دیر
جے

دیوے جگر میں ضعف و نجا
 ہرگز کدے خطا نہیں پایا
 سفید رنگ ہو جاوے لال
 کر ایسے نسخہ استعمال
 چھل ہر پٹاں زرد ملا
 کٹ ملا دارو ایسے تیرے
 اُس نے نال ملاؤ ضرور
 کھیو گو کے دج چرب کرا
 دیوے جگر میں ضعف و نجا
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے

دساں ہک اکیر دوا
ہفت پشت اس نوں آویا
کہ توں اس نوں استعمال
پہلاں بند کر کے اسہال
تہل چھل بیڑہ بیا
پنج پنج توے داروے
ترے پاڑ ماریا ہويا منور
چارے دارو جمع کرا
تو دس ماشے نت کھوا
نال گولا ادھر رکا پیوے

بیان اسہال بحرانی

جید اس دی ایہ نشانی
دست بکراتی کریں خیال
دست تاپ دا ہووے عرض
ہو اسماں جادو سب دور
سادہ ہے یا مادی آفت
ردی سالم نال قیاس
ہو ندی جادے مرض زیادہ
کریے حیاتی ختم تمام
ٹٹ جادے مہلتے آپ

جے اسہال ہووے بخرانی
اکثر تپ ہووے اس نال
اصلی تپ ہووے اس مرض
تپ دائرہ علاج ضرور
سبب تپ دائرہ دریافت
پھر مادے دی کرو شناس
جے اوہ ہووے ردی مادہ
دیوے کسے نہ وقت آرام
جے اوہ سادہ ہووے تپ

می آئے
 علامت دید
 کوٹے کھٹ
 ت مرد
 مڑے مار
 نال رطا
 پلاؤ آن
 وچ رطا
 رب شفا
 سر روز پلا
 کرے فراہ
 سرددا
 نہ نہ جائے
 دہی رطا
 روے بر حال
 ہے گریز
 دوا نہ کر
 بد ہو جاوے
 سوچے کار

طبع جدول ہووے بر حال دفع ہوون عرضی اسہال

بیان اسہال ورمی

سبب ہے ہووے ورم گھنیر
آدن ذرہ ذرہ اسہال
میلے زرد یا سبز سیاہ
لازم تپ تے ہر دم پیڑ
یا کوئی اندر پھوڑہ ورم
معدے درج کرے انتقال
دست وچوں بدلوئی آوے
دن دن کھانا پھوڑا کھاے
سوچ ہتھیں پیریں جداے
جیکر پھوڑہ ورم گھنیر
یا اس آدن دست زنگاری
ہر دم تاپ رہے اس نال
جے ادہ ہووے ردی مادہ
جیکر تاپ نہ ہووے نال
جادے مرض پُرانی ہو
ہرگز وڈھے نہ گئے آدار
دیہو طبیعت نول امداد
طبع موافق کرد علاج

دست آدن جیوں مرض زحیر
ریلم آوے رل دستاں نال
ہر دم تاپ رہے ہمراہ
خاص نشانی ورم گھنیر
یا مواد کوئی سڑیا گرم
ایس سبب آدن اسہال
نیرے ڈھک نہ بیٹھا جاے
قوت بدنوں گھٹ دی جاے
آخر اس نول موت لے جاے
آوے اس تھیں ریلم کثیر
کیتی اس نے موت تیاری
لازم درد آدن اسہال
ہوندی جادے مرض زیادہ
سالم مادہ کریں خیال
رہے شکم دے درج کھلو
بہت موت تک بے بیمار
نال طریقے پیر مستداد
گرمی سردی سمجھ مزاج

تاپ
کر
ماد
نال
جے
جے
پھر
کر
ہنغ
دو
ش
پیو
شیر
رو
ایہ
جیک
ماد
اب
اول
ماد
ادہ

قابض چیز نہ ہرگز کھا دے
 کر اس توں ہر دم مرطوب
 مادہ سرد ہو دے یا گرم
 نال عقل دے کر اخراج
 جے لائق ہو دے تلثین
 جے مادہ ہو دے صفرا
 پھرتوں اس دی کہ تبرید
 کر توں اس دا ادہ دوا
 نفثہ کاسنی سونف منگا
 دو دو تولے دا مقدار
 شیرہ اس دا لے کدھا
 پیوے روگی مصری گھول
 شیرہ کاسنی گھوٹ نکال
 روغن نال بادام ملا
 ایہ بھی بہت چنگی تلثین
 جیکر مادہ ہو دے سرد
 مادہ اس دا سالم ہو
 اب حیات مثال علاج
 اول نفثہ دوجا تلثین
 مادہ مرض کرو اخراج
 ادہ سیر عرق سونف منگا

مت زندگانی ختم ہو جا دے
 تا حاصل ہو دے مطلوب
 رکھ ہمیشہ اس توں نرم
 پھتوں اس دا کہیں علاج
 دیہہ ملین نال یقین
 کر توں اس دا سرد دوا
 جیہڑی اس توں پوسے مفید
 جیہڑا ہو دے قبض کشا
 مغز تخم کدو وچ پا
 کلقتند میل تولے وچ چار
 گھت کپڑے وچ صاف کرا
 قبض شکم دی دیوے کھول
 مغز فلوس دیوے وچ ڈال
 دیہہ روگی توں مصری پا
 مادہ خارج کرے یقین
 کرے گھنیر شکم وچ درد
 رہے شکم دے وچ کھلو
 دساں کر توں سمجھ مزاج
 تریجا تڑے چوتھا تسکین
 ایہ نے بڑا عجیب علاج
 چھٹانکی ابلتاس ملا

بادام روغن معری وچ ڈال	کرو ملین استعمال
جیکر ہووے سرد گھنیر	عرق قبول اس نوں اکیر
عرق سونف اس نت پلا	ہک رتی کونین پلا
کرڑہ سخت ہے ہووے ورم	روغن مال کرو اس نرم
کریں جے بیڑ لیپ لکھو	جاوے دکھ ٹھکانہ پھوڑ
دیہہ جوائن پودنہ عرق	عرق سونف دیہہ سے فرق
جیکر ہووے خام آماں	نال عقل دے کریں قیاس
میٹھی اسی خوب گھوٹا	گل بابونہ نال پلا
تھوڑا تھوڑا پانی پا	رکھ اگ تے گرم کرا
ورم خام تے کرو ضماد	جاوے اس دا پک مواد
دیویں جے پیٹ تے گل	بہت شتابی جاوے گل
زخم گل جد ہووے جاری	خارج ہووے کل بیماری
اندروں جیکر آٹے ریم	ایہہ تدبیر اس کرو حکیم
ماکھوں دیہہ دج دودھ پلا	لوگی نوں ہر روز پلا
کدے کدے دیویں تلین	ہوے مادہ دفع یعین
جے ہو جاوے دکھ پُرانا	نیٹھے محکم رل ٹھکانا
دو ترے چار دے پکے تلین	مادہ خارج کرو یعین
مواد ہے نہ ہووے اخراج	فائدہ کرے نہ کوئی علاج
غلبہ مرض ہے بہت عظیم	ہرگز خوف نہ کریں حکیم
رکھیں توجہ وانگول شیر	جو نکر مرد میدان دلیر
مخالف توت مرض مزاج	ہرگز ذرہ نہ کریں علاج

ملین

یعنی

جیکر

محر

دیو

رج

نبض

کر

جد

اکثر

مادہ

مکھ

دو

اس

دست

اول

قابض

اکثر

اول

طبع موافق ہر تدبیر حق اس سے وجہ ہے اکیر

بیان ہیضہ دیائی و غذائی

ڈالکی دست لگن یک نخت
ہوندی چاہے دون سوائی
کرے جسم دا حال تباہ
تلخی طیش ہووے گھبرا
ہستہ پیر ہو جادن سرد
مردیاں دانگ شکل بدلا
ترپے چمچی دانگ آزاری
تلخ زرد کوری تے آئے
پیدا مرض ہووے ایہہ آ
لوے جسم ساڑے وجہ ساڑ
لگے تر یہ نہایت سخت
تا خارج ہووے صفراء
سخت تاپ اس خاص نشانی
بند کرن وجہ بہت خطر
چنگل طرح پہچان مزاج
یاد رکھیں ایہہ عقل تیز
ڈٹ جاوے مہلت تے آپ
بعد صفائی کریں علاج

ہیضہ ہک بیماری سخت
جیکر ہووے مرض دیائی
محرقہ تاپ ہووے ہمراہ
دیوے زور موذی صفراء
رنگ اکھتیں چہرے دا زرد
نبض ضعیف باریک ہو جاوے
کرے طبیعت بے قراری
جد صفراء زور کر جاوے
اکثر موسم وجہ دبا
مادہ موذی کرے بگاڑ
سکے مونہ زبان کرخت
دوتے اس نول تے کروا
اس نول ہیضہ کن بجرانی
دست تے اس بند نہ کر
اول تاپ دا کرد علاج
قابل کوئی نہ دیویں چیز
اکثر ادہ دیائی تاپ
اول مادہ کر اخراج

جیکر کھنگ نہ ہووے نال
 دیہہ نیو سنگترے انار
 سکنجین یا کاجی پیوے
 کاسنی خرد گھوٹ پلا
 جیکر نال نہ ہووے تاپ
 پانی ٹنڈے نال نہوا
 بنفشہ روغن نیلو فر
 پوٹلی ہک بنا خرد
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 کاسنی پھل گلاب کاذر
 ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا
 پوٹلی بند گھت عرق گلاب
 جد مادہ خارج ہو جائے
 ہے طبیعت وچ نہ گھوٹ
 جے کھائے سنگترے انار
 ست پودنہ دا پانی ڈال
 لعاب بہیدانہ اسبقول
 جیکر ہیضہ خاص غذائی
 بد ہضمی تھیں پوے جگاڑ
 ہضم نہ کریاں پانی آفے
 اکھیں چہرہ رنگ سفید

ترش چیزاں کرا استعمال
 آلو انبلی ترش انار
 قائمہ بہت نہایت تھبوے
 کہکے صاف مصری وچ پا
 تلخی نال کہکے درلاپ
 مالش گل روغن کڑا
 بدن سائے تے مالش کر
 شرکن بدن کرے سب دور
 کرو اتھائیں استعمال
 دھنیاں گاہو صندل بور
 تھوڑا تھوڑا پانی پا
 بدن سارے تے ملو شتاب
 ضعف طبیعت ہے وچ آفے
 انار دانہ پیوے جھب گھوٹ
 دست تے ہو جان فرار
 پیوے تے ہائے تہ کال
 نت پلا مصری وچ گھول
 پائے معدے وچ تباہی
 آون بہنے بھس ڈکار
 درد شکم تے جی متلا ہے
 ضعف قوت وچ آفے دید

معدہ
 جیکر
 دست
 تے کر
 جیکر
 جے او
 جد
 تے اس
 بے شہ
 درد
 ماشہ
 چھ چھ
 گوبیاں
 بہت
 معدہ
 الاچی
 دارہ صینو
 کٹ
 سکنجین
 جے مو
 نسخہ

معدہ ہضم نہ کرے غذا
 جیکر تپ نہ ہوئے نال
 دست تے جے ہودن جاری
 تے کرن دج دے اہاد
 جیکر حاجت ہوس جلاب
 جے اوہ ہیضہ خاص غذائی
 جد معدہ ہو جاوے صاف
 تے اسہال جے کرن تباہی
 بے شمار آون اسہال
 درد نال روگی کرلاوے
 ماشہ یک افیم منگا
 چھ چھ ماشہ وزن تولا
 گولیاں اس دیاں بنھ سنوار
 بہت اسہال جے کرن ظہیر
 معدے تے مانس کرا
 الاچی دانہ زیرہ سیاہ
 دارچینی سنڈھ گمہ وچ گھت
 کٹ چھان ماکھوں دج پا
 سنجبین مس بہت پلا
 جے معدے دج ہوئے پیر
 نسخہ یاد میتوں یک آیا

دج شکم دے پھرے ریاہ
 ایہ دارو کر استعمال
 پوے شکم دے وچ خواری
 جاوے معدیوں نکل فساد
 دیوہ ملیں اوس شتاب
 بعد فراغت کرے دائی
 کرے تصور خداوند معاف
 ہووے ہیضہ خاص ریاہی
 کرن روگی دامندہ حال
 ضعف طبیعت دے دج آفے
 جعفل لونگ چوارے پا
 گھت منقے دج گھوٹا
 پندراں سولاں وچ شمار
 ایہ گولی اس نول اکیس
 لونگ جعفل سنڈھ تیل ملا
 پودنہ مصطکی کر ہمراہ
 وزن برابر دارو ست
 روگی نول ہر روز کھا
 عرق پودینہ سونف ملا
 دیوہ مرہ زرد ہریٹ
 کئی دفعہ اس نول آزمایا

جیکر ہیضہ خاص غذائی ست پودنہ ست لے بادیان لے کے خالص ایہ ست چار میل دج گلقد جے کھائے بہت نہایت دیوے نفع جوارش کوئی دیوے نفع	دیوے اس تھیں جلد رانی دار چینی ست لاپچی کن ہک ہک رتی دا مقدار غذائی ہیضہ تروت و نجلے تے ادبت ہو جاوے دفع کرے ریاح باد سب دفع
--	---

نسخہ ریاح شکن

منقہ دانے ترش انار سندھ مصطکی لے دج گھت الچی دانہ زیرہ سیاہ ہک ہک تولے دا مقدار ماکھوں خالص نال ملا چھ ست ماشے نال و توف جیکر ورم اندر کوئی سخت سخت تاپ ہووے اس نال ردی اس دا ہووے مادہ سب ہرقت معدے لے دج درد ردی خاص زہریلا مادہ نسخہ اعضا وال لے گھس جاکے مادہ نہ ہووے اخراج	ہر ہک ہووے تولے چار ہر ہک ہووے ماشے ست پودنہ دار چینی ہمراہ کٹ ملا سب کرد تیار روگی نول ہر روز چٹا کھائے ہیضہ کرے موقوف اوس سبب آون تے دست ردگی بہت ہووے بد حال ہوندی جاوے مرض زیادہ رنگ سیاہی مائل زرد طرف باطن دی کرے آمادہ ڈاکی دست نہ ہرگز آوے جاوے اس دا بگرد مزاج
---	---

کے خراب مادہ بدکار دست تے ہو جادون بند ہر جیلے ہیضہ رکھ جاری ضعف طبیعت دینج جد آوے	ہووے روگی بہت لاچار پاوے جھبڈے اجل کمند ہووے موذی دفع بیاری تدوول طیب اس بند کرافے
---	---

در بیان مرض تے

جے تے نت کسے نوں آوے خون نہ ہرگز آوے نال لاغر جسم ہوندا اُس جاوے معدے دینج نہ ٹھہرے طعام گرے معدے دینج فاسد مواد یا معدے دینج ہووے دم سرد مواد یا بلغم رتخ چنگی طرح پہچان مزاج سبب جے خاص ہووے صفرا سکنجیں دی تے کردائیں پچھے جیویں ہوئے مذکور دے کے سرد کوئی تلہین جے معدے دینج ہووے کھوٹ شیرہ اس دا نئے کٹھا چھٹانکی گودا انہلتا س	معدیوں نکل غذا سب جاوے دیوے معدہ نت اوچھال ضعف طبیعت دے دینج آوے نکل جادے تے نال تمام دینج ہضم دے پورے فساد یا صفرا نہایت گرم کرتوں اس نوں خوب صحیح طبع موافق کرو علاج ہر ہفتہ اس تے کردا سرد کہ پانی گرم ملائیں یاد رکھیں ادویں دستور خارج مادہ کرد لیکن کاسنی ہک چھٹانکی گھوٹ نل پین اُس نوں صاف کرا حل اس وچ بے وسواس
--	--

ترے تو لے کھنڈ اس وچ ڈال
 انہی دا رُب روزہ چٹا
 رُب لیموں تے ترش انار
 جوارش انہی جے نت کھاے
 ترش نقوع جیکر نت پیوے
 سبب گرمی جیکر متلاے
 اقل اُس نوں تے دوا
 غلبہ جیکر بہت صفرا
 چھل الاچی چھوٹی لے
 پانی دیکھی ڈال جو شا
 مٹھلک خورد الاچی گلقد
 منقہ زیرہ لے سفید
 نمک تھوڑا جیہا نال پلا
 مرنج سیباہ کچھ میلو نال
 ایہہ چھنی اس نت چٹا
 خربت لیموں ترش انار
 رُب سیب دا نال پلا
 پستہ دی چھل لے منگوا
 زرشک سماق پودینہ لے
 سفید الاچی دو سٹ ڈال
 صفا کر کے رُب سیب پلا

پیوے شروع ہو دن اسہال
 معدیوں کٹ سٹے صفرا
 صفرا دی تے نوں کرن فرار
 تے صفرا دی مرض دجائے
 فضل خدا تھیں چنگا تھوے
 تے اوت معدہ ادجھلاے
 تھین لے کے صاف کرا
 خربت نت انار پلا
 انار دانہ آملہ ترے
 مل پُن کر کے صاف پلا
 کھاوے ترے کر کے پیوند
 انار دانہ دج میلو دید
 کوندے دج گھت خوب گھونا
 بنا چٹنی پانی دج ڈال
 دیوے تے دی مرض دجنا
 دیہہ روگی نوں نت نہار
 دیوے اُس نوں صحت خدا
 چھ ست ماشے وزن تولا
 یک یک ماشہ دارو ترے
 گھت پانی دج خوب ادبال
 تے وائے نوں نت پلا

نہ ہر
 سبب
 عرق
 پلا اس
 مرتبہ
 سبب
 اکثر
 درم
 جے
 ہرگز
 غب
 دور
 تے جس
 جے
 دساں
 جوارش
 انہی
 جوارش
 پانی

گھس پانی دے دھج پلا
 تے جے کر دیوے تصدیح
 خالص ہون عرق ترے
 زائل تے کرے فی الحال
 بلغمی تے دی مرض دنجائے
 تے طبیعت کرے ظہیر
 مہلک ہے ایہ مرض خینڈال
 اوہ اُس دا سمجھ رواج
 شامل تاپ اس خاص نشانی
 رکھیں یاد نصیحت پند
 معدے دے دھج کرے بگاڑ
 بعد بھران نہ ہرگز آدے
 کرنا دارو اس دارو فرض
 مشکل ہوندی اس دی کاری

نہر مہرہ نار جیل دریا
 سبب بادی بلغم یا رتخ
 عرق اجوین پلو دینہ لے
 پلا اس نول ماکھوں دھج ڈال
 مرہ سندھ دلہے نت کھائے
 سبب یا پھوڑہ ورم گھنیر
 اکثر تاپ ہووے اس نال
 ورم معدے دا جیویں علاج
 جے تے ہووے مرض پُرانی
 ہرگز اس نول کریں نہ بند
 غب یا محرقہ تپ دا ساڑ
 روہ بھران شروع ہو جائے
 تے جس دی مرض دی ہووے عرض
 جے تے آوے رنگ رنگاری

بیان جوارش انبلی

دیوے تے بھیں جھب رانی
 کھے مرضاں گرم تمام
 رات پانی دھج ترہ کردا
 سیر پکا کھنڈ میلو آن
 دیہ دیہ تو لے کردا آمیز

دساں میں ہک عجب دوائی
 جوارش انبلی اُس دا نام
 انبلی سیر پکا منگوا
 نجرے مل کر کپڑ چھان
 پانی زنبو سرکہ تیز

تقلی وار دیگی وچ پا گاہڑہ خوب ہومے جد آ منقہ دانہ ترش انار الایچی دانہ مرچ سیاہ ایہ بھی میلو دارو چار ایہ دوا سب کٹ بلا ایہ جوارش کر کے تیار تے دے نوں رت کھوا	گاہڑہ خوب قوام پکا اگ تھیں لاسکے ہیڈ رکھا ہک ہک پا پکا مقدار زیرہ ہلد چینی ہمراہ ہک ہک نوے دا مقدار چھوٹی پیچھی مال ہلا دیہ روگی نوں رت نہار دیوے جلدی رب شفاء
---	---

بیان نفوع ترش

اکل دانے نویں انار تولہ تولہ وزن تولہ فجر بلاؤ مصری گھت ایہ نفوع آزمودہ کار	آٹو انبلی دارو چار رات پانی گھت رکھ پوسا رت پیوے اوہ ہفتے رت ہومے تے دا دفع آزار
--	---

بیان رب انبلی

رب انبلی دا کرد تیار معدیں دفع کرے صفرا انبلی دو سیرے منگوا سیر پکا مصری وچ گھت چٹے ایہ رت بیمار	چٹے روگی رت نہار دیوے تے دی مرض دغا نل پانی وچ صاف کرا گاہڑی بہت پکاویں پت ہے نہ تے دا ذرہ آزار
--	---

رب
زیتون
سیر
رت
رب
ایہ
ترش
نفوع
بعد
دیویں

نگے تر
مال
گردیاں
مال
کس
اس
سبب

بیان رُب لیموں

رُب لیموں دا عجب دوا زہنویے دو سیر جنگا سیر پکا مصری وچ گھت نت نہار صبح اٹھ پختے رُب انار بے کریں تیار ایہ رُب ہین دونوں مشہور ترش انار دانہ منگوا نقوع کر پانی دے وچ پیوے بعد غذا لے بے قے آوے دیویں ہر ہفتہ اسہال	دیوستے دی مرض دنجا چھر پانی کٹھ صاف کرا حکاڑھی خوب پکا دیں پست قے صفراوی دی جرٹھ پٹے مصری سیر، دو سیر انار بناون دا ہکو دستور زرشک آملہ نال ملا حکم خدا تھیں چنگا تھیوے شریت لیموں فیض پہنچا دے ملین جیٹری سرد کمال
--	--

بیان عطرش مفراط

لگے ترہیہ جے مدوں زیادہ نال دانائی کر دریافت گردیاں وچ یا تلی پھیر نال عقل کر تحقیقات کس عضوے وچ داخل ساڑ اس اعضا دا کرو علاج سبب ترہیہ دا جے صفرا	کر دریافت موزی مادہ کس اعضا وچ داخل آفت یا وچ معدے قلب جگر کس اعضا وچ ہے آفات کس سببوں پیا بگاڑ طبع موافق سمجھ مزاج یا سر یا ہو یا سودا
--	---

کوڑا ذائقہ تلخ دامن
 بہت ہودے صفرا دا دود
 ادہ بلغم حکم رکھے صفرا
 یا سڑیا مادہ احتراقی
 دوج اعضا کرے سڑکارا
 پورے جدول مجھے دوج ساٹ
 بہتی وار قارورہ آوے
 آوے بہت قارورہ گرم
 دافع قوت ہودے تیز
 اول دو تہے قے کروا
 خرفہ کاسنی گھوٹ پلا
 نسخہ ایہ پلا ضرور
 دھنیا کاسنی نیلو فر
 انہلی دو تولے دوج گھت
 کر کے نت نقود پلا
 کرے حرارت جگروں دور
 دیہر نت شربت ترش انار
 لعاب بہیدانہ ایسیغول
 بنفشہ قطعی نیلو فر
 کاہو کاسنی گھوٹ پلا
 گوزہ مصری لے دوج ڈال

ہے صفرا دا خاص نشان
 سب بلغم بن جائے شور
 دیوے آتش بدن لگا
 کسے اعضا دوج ہودے عاتی
 ایس سبب لگے بھڑکارا
 پانی پیوے بہتی وار
 ضعف مٹانے نوں ہو جائے
 قوت ماسکہ ہودے نرم
 ماسکہ قوت کرے گریز
 دفع ہو جائے موزی صفرا
 شربت لیموں نال پلا
 کرے پھیردی سڑکن دور
 چھ چھ ماسٹے وزن قدر
 دانے آلو ڈالو ست
 جسموں کٹ سٹے صفرا
 رہے نہ دوج طحال قصور
 خرفہ گھوٹ پلا نہار
 نت پلا مصری دوج گھول
 کڑھ لعاب پلایا کر
 بھکھڑا خرفہ نال پلا
 کر کچھ مدت استعمال

کھن مصری نت چٹا
 مرچاں لوکن نہ ہرگز کھا دے
 بید مشک تے عرق گلاب
 کاسنی دھنیاں مشک کافور
 گھوٹ سینے تے سیپ کرا
 جیکر بلغم ہووے شور
 سنبھین کر استعمال
 شربت انہلی کر کے تیار
 بے صفرا دے دھج خون
 خون گرم ہو کرے خروش
 دھچ اعضا کرے اریگہ
 کوڑیاں چیزاں دیون نفع
 پانی پتر رنم کڈھا
 پیوے اوہ گھیو نت بیمار
 شربت آلو اتے عناب
 کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق
 پاپڑ موندی برگ حنا
 رات پانی دھج کرو نفور
 جیکر ہووے سرد مزاج
 کچلے تے کونین فولاد
 مدبر آٹما کچلے لیا

آلوں سرد نفور پلا
 گرم چیز دے ماہ نہ جانیے
 پیوے مصری ڈال شتاب
 پھل گلاب تے صندل پور
 دیوے فوراً ساڑ ونجا
 دیوے دھج بدن دے نور
 شیرہ کاسنی دا دھج ڈال
 دیہہ روگی نوں نت نہار
 تیز نہایت بہت زہون
 مارے دھج بدن دے جوش
 دیس سببوں لگے تربہ
 جوش خون ہو جائے دفع
 گھیو گو کے دے دھچ سٹرا
 ہووے جلدی دفع آزار
 قاندہ بخش بہت شتاب
 پیوے ہوس شتابی فرق
 دھنیاں پت رنم دے پا
 فنجے نت کھد اس شروع
 پوے موافق گرم علاج
 جھبے نامل کرن فساد
 کونین فولاد اس نال پلا

بچہ چھ ماشے ترے دوا پانی ڈال حب کر دیار گولی دونوں وقت کھوا عرق سونف دابچہ ت پیوے	گھٹ کھل وچ جمع کرا دو دو رتی دا مقدار ادوں گھیو کر گرم پلا عوض پانی سے چنگا تھیوے
--	--

بیان درد شکم

درد شکم وچ پیدا ہووے اُوٹھے اندر پیٹ ڈنڈول اوکھا بہت کرے آزار سرد ریاچ یا گرم مواد یا کوئی خشک سوداوی ساڑ جیکر خاص ہووے صفرا جے خشکی تھیں ہووے پیر جیکر ہووے درد ریاچی جے آزار ہووے اوہ سادہ ترش چیزاں کر استعمال سکنجبین دی تے کرائیں پانی گرم اس سے وچ ڈال	روگی ڈھائیں مائے رووے ٹھاٹھاں لہراں مائے سول تھپے مچھی دانگ بیمار پاوے معدے وچ فساد کرے شکم سے وچ بگاڑ تے جیہا کوئی نہیں دوا تازہ دودھ بڑا اکیر دیوے جلد شراب مائی یا کوئی گرم نہایت مادہ دیویں سب صفرا نکال سرکہ رائی نال ملائیں کر دشتابی استعمال!
---	---

نسخہ صفراوی

سکنجبین توے وینہ لے	پانی گرم پیالے ترے
---------------------	--------------------

سرکہ تیز
گرم پلا
قبض
عرق سو
مل جھا
سرکہ
یا تو
انہی
دو تو
جے گرم
پیوے
ترش گو
نہو گلہ
آچار کا
آب
مصری
انار دا
ڈنڈے
پتلی
جاوے
کدے

سرکہ پنج تولے دھج ڈال
 گرم پانی دی کر امداد
 تبض شکم دچ بہت جے ہوئے
 عرق سولف ادھ سیر منگا
 تل چھانی دھج صاف کرا
 کسٹرائل گھت تولے چار
 یا تولے چار انڈا تیل
 انبل رات بھٹانک پوسا
 دو تولے سرکہ دھج ڈال
 جے گرمی خشکی دی پیڑ
 پیوے سنگتیاں دا آب
 ترش گوکی لسی جے پیوے
 زنبو گلگل دا آچار
 آچار گاجردی کاخی پیوے
 آب لیموں سنگترہ انار
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 انار دانہ تے مرچ سیاہ
 ڈنڈے گوندے دھج گھوٹا
 پتل چٹنی کر کے تیار
 جاوے مرض پرانی ہو
 کدے کدائیں دیوے زور

رائی کٹ ملا شقال
 خارج ہووے سب مواد
 ملین جیہا دوا نہیں کوئے
 مغز فلوس چھٹانک ملا
 ترے تولے کھنڈے دھج پا
 دیہہ پاک دن دھج دوئے وار
 پیوے ادھ سیر دو دھج میل
 فخرے تل چن صاف کرا
 گھت مصری کر استعمال
 جاوے اس تھوں گھت دیہہ
 فائدہ بخشے جے حساب
 درد شکم تھیں مویا جیوے
 دھج غذا میلو ہر بار
 فائدہ بہت نہایت تھوے
 جے پیوے ہر روز بیمار
 دیوے شکم درد ملا
 نمک تھوڑا جیہا کر ہمراہ
 پانی تھوڑا جیہا ملا
 چنے روگی رت نہار
 درد شکم دھج رہے کھلو
 پاوے چٹنی سخت مروڑ

دو ترے چارے کے تئیں
 زرشک تر پھلہ برگ مغیل
 چالی دانے آلو سیاہ
 انار دانے تو لے ست
 بھانڈے مٹی سے دھج ڈال
 پاہک پانی بت پلائے
 دیر نسخہ آزمودہ کار
 تازہ گرد کا دودھ بت پیوے
 نسخہ ہک عجیب ہتھ آیا
 بہت شتابی دیوے نفع
 تیزاب گندھک منگوا
 قلمی شورہ تو لے ست
 دھج پیالے چینی ڈال
 بے دھواں تیزاب لگ جائے
 دھوپے اس نوں رکھ سوکھا
 شیشی سے دھج بکھ سمہال
 وزن خوراک ماشہ ہک تول
 ہک دو وادی بت پلائے
 درد شکم بچے کرے لاچار
 سخت جلابوں جیکر پیڑ
 شیرہ پیوے مغز بادام

خارج کرو مواد لعین
 پنج پنج تولے قدر تعلیل
 انبلی پاہک کر ہمراہ
 سرکہ پاہکا دھج گھت
 نقوع کر ترے سیر پانی نال
 نواں پُرانا سول دھجکے
 سائیں بخش کیتا کئی بار
 فصل خدا تھیں چنگا تھیوے
 درد شکم اُتے آزمایا
 درد شکم ہو جائے دفع
 نصف چھٹانکی وزن تول
 تیزاب گندھک دھج گھت
 کپڑیاں دی کریں سمہال
 سوز کپڑا سب سڑ جائے
 تیزاب سب خشک ہو جا
 وقت حاجت کر استعمال
 سکنجبین سادہ دھج گھول
 فائدہ بہت نہایت پائے
 معدے وچوں کڈھے مار
 ہووے اوکھا بہت سر
 مصری گھت اس سے دھج عام

شیر
 بکر
 خیر
 جیکر
 عجب
 بہت
 عرق
 دو د
 دو ترے
 وانگ
 سامیر
 رمی
 گرم
 روئی
 مینر
 سبب
 مادی
 دساں
 دار چینی
 مرچاں
 منقہ

شیرہ چار منفر کڈھوا
 بکری گاں دا دودھ پلا
 شیرہ خرد کاسنی پیوے
 جیکر ہوروے درد ریاجی
 عجب لوطکے دساں ہور
 بہت شتانی دیوے نفع
 عرق اجوین پودینہ یا
 دو دو تولے عرق ترے گھت
 دو ترے دفعہ دو دو گھٹ پیوے
 وانگ طلسم ایہ عجب دوا
 سامیں بخش کیتا سنی بار
 رمی سنگی لا گلاس
 گرم پانی دی کرد لکور
 روئی یک طرفہ پکوا
 سبز پودنہ مقوم گھوٹا
 سبب رتج یا بلغم باد
 مادی ہووے بھانویں سادہ
 دساں ہور عجیب دوا
 دارچینی، لک، مرچ سیاہ
 مرچاں تخم کرفس وچ گھت
 منقہ ادھ پا نال ملا
 پیوے دیوے درد دجا
 گوکی سنی خوب دوا
 فضل خدا تھیں چکا تھیں
 دیوے قرقر نفع گواہی
 دیوے رتج شکم دی نور
 درد شکم جھب ہووے دفع
 عرق سولف دا نال ملا
 ڈال شراب تولے دج ست
 سول شکم تھیں مویا جیوے
 دیوے فوٹا درد آڑا
 ایہ نسخہ آزمودہ کار
 کرے درد رتج دا ناس
 جادوے درد ٹھکانہ چھوڑ
 تیل مٹھا گھت شکم بنھا
 گول کرکے جلد گھوٹا
 درد معدے وچ کرے فساد
 ہووے روز بروز زیادہ
 دیوے رتج دا درد دجا
 پودنہ سندھ کرد ہمراہ
 ترے ترے تولے دا دست
 ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا

عین
 میل
 ہمراہ
 ہمت
 نال
 مے
 بار
 پیوے
 نہ پایا
 دفع
 تولا
 ہمت
 سال
 جاتے
 ہو جا
 متعال
 گھول
 پادے
 مار
 سر
 ج مام

تولے تولے دا مقدار
 پچھوں ایہ ترے عرق پلا
 عرق پودنہ عرق اجوین
 علامتاں رتج شکم دیاں چار
 پختہ اس دا ایہ نشان
 مجرب نسخہ لکھاں کتابی
 مگ مرچاں سنڈھ زیرہ سیاہ
 مصطکی دارچینی دج ڈال
 گھت منقے دج گھوٹا
 بلغم باد یا سرد مواد
 حب ایانج دیو جلاب
 دیو اس نوں قے ضرور
 مجرب کراں بیان دوا
 پودنہ زیرہ سولف لیا
 چھ چھ ماشے پنج دوا
 تل پن اس نوں صاف کرا
 ست اجوین پودنہ داست
 سنڈھ داست اس نال پلا
 یک یک رتی دا مقدار
 دستان نسخہ ہور عجیب
 درد رتج نوں دیوے نفع

کھاوے روگی رت نہار
 سکنجین دے نال پلا
 عرق سولف دا ایہ ترے مین
 نفع قراقر درد ڈکار
 سرد چیزوں پاوے نقصان
 زائل رتج دی کرے خرابی
 لونگ الاچی کر ہمراہ
 پودنہ ہر یک دو مثقال
 چھ ماشے ہر روز کھوا
 جے معدے دج کرے فساد
 مادہ خالص کرو شتاب
 مادہ فاسد ہووے دور
 بلغمی دیوے درد دنیا
 دارچینی اجوین ملا
 کٹ پانی گھت خوب جوشا
 ماکھوں ڈال ہر روز پلا
 روغن دارچینی دج گھت
 کھنڈ دج ڈال ہر روز کھوا
 ہودن ایہ دوائیں چار
 استعمال جے کریں طبیب
 پٹ جڑاں کر دیوے نفع

جے قے
 عرق
 یک
 سائبر

نسخہ
 تنم
 مین
 دوتر
 سرک
 روگی
 گرم
 دال

سبب
 لازم
 جات
 طبع
 درم

اس نون قائمہ بہت پہنچا دے توئل ہک مشقال کونین مرض رتخ ہو جاوے مات ایہ نسخہ ڈٹھا اکسیر	جے تے معدیوں رتخ تھیں آوے عرق پودنہ سونف اجوین ہک ہک گھٹ پلا دن رات سائیں بخش حکیم فقیر
--	--

نسخہ تے بلغمی

دستماں تے یابے جھب چھ ماشے رائی گٹ گھت ترے سیر پانی گھت ابال نل کے پُن گے صاف کرا پنج پنج تولے وزن قدر کھنڈ نال اس تے کروا ہووے جلدی دغ نساد پہلاں اس نون لے کھوا	نسخہ تے دا بہت عجیب نغم مولی سلو ماشے ست مین پھل دا ڈوڈہ ہک ڈال دو ترے اس نون جوش دیوا سرکہ ماکھوں شامل کر ردگی نون ترے واسطیلا گرم پانی دی کر اداد دال مونگی دی خوب پکا
--	---

درد شکم ورمی

ہے ہمیش معدے دغ پیڑ ردی مادہ کریں خیال مشکل ہوندا اوس علاج شاید رب کرے شفا حق اس دے دغ ہے اکسیر	سبب جے ہووے دم گھنیر لازم تپا ہے اُس نال جائے اس دی بگڑ مزاج طبع موافق کرو دوا دم معدے دی جو تدبیر
---	--

ملین مالش لیپ مکور
تقویت دیرہ دوا غذا

موافق طبع علاج جو ہور
دیوبے اس نوں رب شفا

بیان مرض فی الدم

فی الدم ہک مرض زبون
خون مری یا سر تھیں آئے
یا معدیوں یا جگر طحال
جیکر تاپ ہووے ہمراہ
بہت دیر جے رہے آزار
دارو اس دا کرو شتاب
اول باسلیق چھڑا
جیکر تاپ نہ ہوئے نال
یئرمہ سیباہ کندر گھنار
خم حماض بگل ارنی ڈال
اتاقیا ماجو اصل انیم
گویاں دچ رسونت تیار
ایہ گولی ہک ہک نت کھائے
نال پیوے شربت انجبار
بکری کھوئی گادہ شیر
گھنڈ تازہ اوس کھوا
شربت حب آلاس پلا

نال تے دے آئے خون
یا کوئی رگ سینہ پھٹ جاک
آوے خون کرے بد حال
کرے روگی دا حال تباہ
وانگ سل دے کرے خوار
فی الدم ایہ مرض خراب
پچھوں اس دا کریں دوا
کرو دوا ایہ استعمال
شاد نہ پتھر پھٹکڑی ساڑ
ہر ہک تولہ وزن سمبال
ترے ترے ماشے وزن حکیم
بٹھ پنجاہ ٹھہ دچ شمار
فی الدم نوں ترے ونجاے
فی الدم نہ رہے آزار
فی الدم نوں ہے اکیر
شیرہ خرفہ گھوٹ پلا
فی الدم دا خوب دوا

خوفے دا
جے شربت
پلوے ضرور

شربت انج
دو دو تو
تر کر رات
نل کے پُر
فی الدم
جے خونی
پیوے عو
اول الدم

کرم شکم
رات سویر
کے تالو
بدویں رہ
خالی اندر
حرکت کرن

فرغے دانت ساگ کھوا جے شربت پوست خشکاش پولے ضرورت ہو رہے آ	ہے ایہ بہت اکیر دوا پیوے کرے مرض داناس نفث الدم دھج دیکھیں جا
---	---

شربت انجبار صندلی

شربت انجبار سن وید دو دو تولے وزن تولا تر کر رات پانی دھج ڈال تل کے پُن کے صاف کرا تھے الدم نول ہے اکیر جے خوفی ہوون اسہال پیوے عورت مدت چند لول الدم نول دیوے نفع	بوره صندل سرخ سفید انجبار پنج تولے پاء فجرے دو ترے دیہہ ابال ترے پا مصری گھت پکا نک دی بند کرے نکیر پیوے روگی پانی ڈال کرے خون حیض دا بند نفث الدم کرے جھپ دفع
---	---

بیان کرم شکم

کرم شکم جد ہوون پیدا رات سویں مکھ پانی آدے ککے تالو حلق زبان ردویں رہن ٹھکا نہ سہل خال اندر دیون کچھ حرکت کرن کیڑے دن رات	ایہ علامتاں ہون ہویدا جاگے منہ ب خشک ہو جاوے کرم شکم دے خاص نشان وقت بھکھ پاون تھقل ہووے بہت طبیعت زچ ردویاں دھج پولے سرلاٹ
--	--

جو ہووے
رب شفا

خون
شربت

بد حال

مال تباہ

سے خوار

خراب

ریں دوا

ستمال

طری ساڑ

سمال

زن حکیم

چ شمار

ونجلی

آزاد

اکیر

پلا

دوا

<p>ضعف طبیعت دے دج آوے حب القرع حیات صغیر اس نوں کن حکیم ملہپ ترجے کدو دانے ہین اشنا عشری دج مقام دج دقاق پاون تھقل مستقیم دج رہن مدام لاضی دج پوسے نقصان آون مسفریوں باہر دار ایہ دکھ مودی آن کھلوے نکن باہر جھاڑے نال دارو اس دا کرو شتاب</p>	<p>بہت مدت جیکر ہو جاوے کرم شکم ترے قسم شریر کرم لمبے کب دانگوں سپ دوجی قسم چنونی کہن کرم ملہپ چنہاں دا نام کدو دانیال والی ول چھوٹے کرم چنونی نام کرم شکم دج کرن زبان جد ہو جادون کرم بسیار جدوں رطوبت گندی ہوئے گزر جادون جد کدو سال بہت پلید ایہ مرض خراب</p>
--	---

نسخہ مجربہ کرم شکم

<p>ریزہ ریزہ کٹ کٹا مصری تھوڑی نال ملا سرے وانگ ہو جائے ٹھیک باقی رہے مرط رگڑو آن خوب باریک مہین کرا کٹ قلعی دے نال ملا کپ پڑی دیہ وقت نہا</p>	<p>قلعی تو لے دو لے منگوا سہل پتھر تے گھت پسا کر تو اس نوں خوب باریک کر پھر اس نوں کپڑ چھان مصری تھوڑی جیہی ملا عشق پیچا دو تو لے لیا پڑیاں اس دیاں بنھو چار</p>
--	--

پھدوں کھٹی لستی پیوے پہلاں ترے دینہ دودھ پلا ادمہ پا گوڑ نل خوب کوٹا صبح نہار مغز نار حیل پڑی کھوا مڑ لستی نال پڑی دوجی مڑ پھیر کھوا دو ترے روز مٹھا گھيو دودھ ساری ول نکل جد جاے جے قصور رہ جاے باقی دو پڑیاں مڑ پھیر کھوا ایس طور کر استعمال	فضل خدا تھیں چنگا تھيوے گھيو شکر وچ بہت ملا دیویں سوتے وقت کھوا کھانے گوڑ اس دے وچ میل دیوے کیرٹے ترے نکال چار روز دا فرق کرا پہلی دیہ جے ہوئے بندھ پھیر دوا خہ ہرگز کھاے کرم شکم رہ نجاون باقی پنج پنج دینہ دا فرق کرا فضل کرے رب ذوالجلال
--	---

نسخہ کرم شکم

تلخ تو لے دوئے منگوا تھوڑی تھوڑی لستی پا میلو کھٹی لستی نال عشق پیجا چھ ماشے لیا تازے پانی نال منگواے جد اسہال ہوون اس جاری گر نل پنج پنج تو لے لیا گری کھوپا گر نال ملا	بسل پتھرتے گھت گھسا چھ ماشے دا وزن گھسا وقت فجر کر استعمال وقت پیشی دے کٹ پھکا کرم شکم سب باہر آدے باہر نکل جاے ول ساری کٹ کے سوتے وقت کھوا پہلاں اس نوں لے کھوا
---	---

وقت فجر کر استعمال چاول گھیو دودھ مٹھا ڈال پنجویں دارد شروع کرا ایہو قاعدہ ریپیر استاد	دارد کھٹی نسی مال چار روزہ کر استعمال فاصلہ پنج پنج روز دیوا کرم شکم دا رکھیں یاد
---	--

نسخہ مجربہ کرم شکم

<p>ہک عجب نسخہ ہتھ آیا! کدو کیڑیاں دے درکار جاوے مڈھ پڑانا ہو کرو انتھائیں استعمال تروی تور خاص سفید ترے ماشے دیسی صابن لے ہک دن دھو ترے واری کھاو ادھا حقہ وقت فجر چاول شکر گھیو ملا بوٹی زخم حیات پلا گوڑا تل پہلاں خوب کھانا صبح نہار مغز ناجیل بوٹی زخم حیات گھوٹا کدو کیڑے کرم ملہب نظر بے آدے سخت جنجال</p>	<p>کئی دفعہ اس نون آزمایا دفع ہو جاوے کھانڈیاں سار رہے شکم دے وچ کھلو بھل جاوے کیڑے فی الحال بابڑنگ چھ ماشے وئید کھٹ ملاؤ دوا ترے کھٹی نسی مال ننگھاوے ادھا وقت نماز ظہر پہلاں ترے دن کریں غذا دیویں ہفتے بعد دوا دیویں سوتے وقت کھوا کھاوے گرگ اس دے وچ میل پہلے پنج ست روز پلا رہن نہ وچ شکم دے چپ ترے ہفتے کر استعمال</p>
---	--

ہفتے بعد ہر روز کھوا جے کچھ باقی رہے قصود دو ترے دفعہ استعمال	اس نول استعمال کرا ایہو یاد رکھیں دستور دیوے کیڑے سب نکال
---	---

نسخہ کرم شکم

ہر شناسی کیا فقیر دڑتیا میں ادھ عمر تمام ہر چھٹانکی گری داتیل لے جدول نہایت مجھکھ ترش کا بنی جیکرنت پیوے پانی کشتہ ترش ستار سرکہ تیز چھٹانکی گھست دونوں وقت کر استعمال	لوٹکھ پاس میرے اکیر کیڑے شکم کرے قتل عام سخت دینہ دیوہ مٹھاچ میل تدوں پلا نا رہی دوکھ فائدہ بہت زیادہ تھیوے پیوے رہے نہ ذرہ آزار پیوے رنت دھاڑے ست مرن کیڑے موزی بدحال
---	---

نسخہ کرم شکم

انار ترش دی چھل لیا ہر چھٹانکی قند سیاہ پیوے صاف کر وقت نہال پہلاں ترے دن دودھ پلاٹیں چوتھے دینہ کر استعمال باقی پھیرجے ہے فساد	ہر چھٹانکی کٹ جوشا اس دے نال کردہمراہ دفع ہودن کیڑے بدکار گھینو شکر دج بہت ملاٹیں مرن کیڑے موزی بدحال ایہو قاعدہ رکھیں یاد
--	---

نسخہ کرم شکم مجربہ

نسخہ بیان کراں آذمایا کریں جے اس نوں استعمال بوٹی ہک گندھوک نام اکثر جنگل دے وچ پیدا دوروں اس مارے بدبو ماشے ترے یا چار گھوٹا دو ترے دفعہ کرے ایہ کام لمپ چتونی کھو ول	صدر بصدی تریا آیا مرن کیڑے ہوئیکے بدحال گندھی بوٹی کہن عوام ہو دے موسم نال ہویدا نیڑے ڈھک نہ بیٹے کو کھا دے گرو دے نال ملا کیڑے کل کرے قتل عام مڑے کے پھیر نہ کرن خلل
---	--

نسخہ کرم دراز

جیکر ہون کرم لمپ نسخہ ایہ بنا ضرور تروی ماشے چھ سفید دونوں ترے ماشے پا اتوں کھٹی لسی پیوے دو ترے دفعہ کرے استعمال ترے ماشے تلخی جے گھوٹ پلاوے	شکل جہاندی دانگوں سپ کرم لمپ ہو جاون دور کمیڈہ یا بڑنگ لے دید میل دوا ترے گھوٹ پکا کیڑیوں معدہ فارغ تھیوے ہوون دفع لمپ چندال بہت شتابی نفع اٹھاویں
---	--

نسخہ کرم شکم

کمیڈہ صابن دیسی لپا یا بڑنگ ایہ دارو چار	عشق پیچہ کٹ تروی پا ترے ترے ماشے دامقدا
---	--

گھوٹ
دو تر
پا پانی
دلے
گھوٹیا
دقت

کرم یا
خارش
دساں
چرا کرت
چھ ما
ہفتے

مسئل
تروی
افستیر
دھو
گھوٹا

گھٹ کوڑے دے وچ رلا دو ترے دفعہ دوا کما دے پا پانی دے وچ گھوٹا دلے مانہ برابر سب گوڑ تیل پنج پنج تولے لے وقت فجر کر استعمال	کھٹی لسی نال رلا کرم شکم مڑا نظر نہ آ دے گویاں اس دیاں لے بنا نال عقل دے بنھو جب گٹ کے وقت سوتے کھائے دارو کھٹی لسی نال
---	--

نسخہ کرم خورد

کرم باریک کرن جے تنگ خارش ہووے سفرے وچ دستاں میں یک سہل دوا چراگتہ پا پڑا افسنتین چھ ماشے رات پوسا ہفتے بعد دیویں اسہال	سفرے وچ جے مارن ڈنگ سخت طبیعت ہووے زچ سیونک چننے رہے نہ کا وزن برابر دارو تین فجرے مل کر صاف پلا مرن کیڑے ہوئی کے بد حال
--	---

نسخہ مسہل کرم خورد

مسہل کراں بیان عجیب تروی تولے دو سفید افسنتین وچ رہنگ رلا ڈنڈے کوڑے وچ گھوٹا گھوڑا جیہا پانی وچ پا	کرم دفع ہو جاوے سب گودا خشک تماں ہک وید ترے ترے ماشے وزن تلا چھانٹی وچ گھت صاف کرا مانہ برابر جب بنا
--	--

ہفتے بعد بچہ ماشے کھائے تازے پانی نال لنگھائے

لشخہ گرم خورد

رکرم خورد جے کرن خوار دساں ہک عجب پچکاری آڑو دے پت لے منگوا نگدہ پانی دے دج گھول ترے ترے ماشے مٹھائیل کر سفرے دے وچہ پچکاری اکثر لڑکے بال نادان بوٹی زخم حیات پلا پانی پت آڑو دج بوڑ	ہو دے روگ بہت لاچار کو استعمال نہ رہے بیماری ڈنڈے کونڈے دج گھول کپڑے دج کر صاف اندول ماشہ ہک مصبر میل اس دے جیسی نہیں کوئی کاری ہوون اس دکھ نال جیران دیوے جھبڈے صحت خدا روں سفرے دے دج پچوڑ
--	--

بیان مرض ضعف معدہ

ہو دے خوب نہ ہضم طعام غذا معدے دج رہے کھلو رہے شکم دے دج گرائی بدھمی دی بہت نہایت ادب آون تے جی متلاوے آون گندے بھس ڈکار معدہ ہضم نہ کرے غذا	ضعف معدہ اس آکھن نام بہت دیر تک ہضم نہ ہو ضعف معدے دی خاص نشانی کرے ہمیش بیمار شکایت منہ بھر کر لیاں پانی آوے رہے ہمیش طبع بے تار لاغر ہوندے جان اعضا
--	---

مہکمہ تھوڑ

جہ معد

گرم یا

دیوے

معدہ

سبب

غیر طبعی

مادی مر

سرد چیز

رنگ

کدی کدی

کوڑا

دیوے

ترش

جوارش

جوارش

مریہ

دج مرض

جیکر

چہرہ

گرم چیز

خواہش نال نہ پیوست کھانے
 ہووے سرخوں درد ضرور
 گرمے معدے وچ پوسے فساد
 گرمے معدے دا حال تباہ
 بے شکم وچ قبض مدام
 نبض قارورہ کرو شناخت
 بے معدے وچ گرمے بگاڑ
 گرم چیزیں ہووے زیادہ
 گرم مرض ادہ نال یقین
 سرخ بدن شکم وچ درد
 ترہی کے منہ خشک ہو جائے
 ایہ صفراوی ہے نشان
 رہے نہ معدے وچ قصور
 دیون سب صفراویاں
 ضعف گرمے صفراوی دفع
 گرم دکھاں لے آوے کام
 ضعف معدے نوں ہے کبیر
 حاجت وقت اوتھوں لکھ لے
 گرمے قوت معدے برباد
 سمجھ علامت اس دی دید
 سردیوں ہووے دکھ مزید

جھکھوڑی ہندی اس جاوے
 جد معدے وچ پوسے قصور
 گرم یا سرد یا خشک مواد
 دیوے ضعف معدے نوں جا
 معدہ ہضم نہ کرے طعام
 سبب ضعف دا کرد ریافت
 غیر طبعی صفرا دا ساڑ
 مادی مرض ہووے یا سادہ
 سرد چیز دیوے تسکین
 رنگ اکھیں چہرے دا زرد
 کدی کدی کوڑی تے آوے
 کوڑا رہے ہمیشہ دہان
 دیوے تے "ملٹین ضرور
 ترش چیزاں کر استعمال
 جواریل اہلی دیوے نفع
 جوارش تھرہندی اس نام
 مرہ آملہ زرد ہریڑ
 وچ مرض صفراوی تے
 جیکر رتج یا سرد مواد
 چہرہ اکھیں رنگ سفید
 گرم چیزاں اس پون مفید

لکھاں

ت لاچار
 بے بیماری
 سچ گھوٹا
 بے اندول
 سیر میل
 کوئی کاری
 ل جبران
 ت خدا
 سچ پچوڑ

آکھن نام
 ہضم نہ ہو
 خاص نشانی
 شکایت
 پانی آوے
 بے زار
 بان اعضا

<p>اُکھ علامتان بلغم دید معدیوں کرن ریاہ سب دفع معدیوں ضعف کرے نابود دفع مادہ موزی کرے ضعف معدیوں جلد و نجائے</p>	<p>دُحلی نبض پیشاب سفید گریم جوارشاں دیوں نفع کر استعمال جوارش عود پہلاں دیہہ مسهل اس قے انوشدارو اس فیض پہنچے</p>
---	--

جوارش عود

<p>ضعف معدے نول دیوے سود بہت پسند اس کرن حکیم کرے پرائیاں مرضاں دود معدیوں دود کرے سب رتج مصطفی پود نہ کر ہمراہ چھوٹی دڈھی الاچی نال ہر یک توے دا مقدار جعفل لونگ جلوتی پا ترے ترے ماشے ڈال ضرور سرکہ ادھ سیر نال منگا کٹ دوا ملاؤ تمام معدیوں زائل کرے آزار کرے شستابی ہضم طعام کرے شکم دیاں مرضاں دفع</p>	<p>کرد تیار جوارش عود ایہ نسخہ حکماء قدیم دفع طبیبان دے مشہور قوت گردہ کرے جمع مگ مرچاں سندھ زیرہ سیاہ خولنجاں دارچینی دج ڈال آلہ داتے میل انار نخم کرنس کبابہ بیا کیسر خالص مشک کافور ادھ سیر پکا کھنڈ ملا کر کے خوب دو اندا قوام دزن اس داماشے پنج چار کھاوے نت صبح تے شام رتج معدے نول دیوے نفع</p>
---	--

ہور جو

صدر

گولیاں

دار

پود نہ

پونجا

رس کر

ہور د

آملہ

پود نہ

زیرہ

کٹ

پود نہ

تر

کٹ

کٹ

ہود جو ہودن سرد آزار	کڑے باہر بدن تھیں مار
حَبِ ہاضمہ	
صدری ہکے شخہ لاثانی گولیاں ایہہ بنا ضرور دانہ چینی گھگھ مرچ سیاہ پودنہ سندھ ہنگ دھگ گھت چوتھا حصہ ہنگ دھگ ڈال رس کنوار دھج بٹھوں حب بہت مدت دی پاس نشانی ہاضمہ دھج نہ رہے قصور سو پھر نمک کرو ہمراہ وزن برابر دارو دست کٹ حمام دستے لے نال دور کرے بد ہضمی جھب	
سفوف ہاضمہ	
ہور دساں ہک عجب سفوف آملہ دانے ترش انار پودنہ دار چینی بادیاں نیمہ نمک سو پھر دھج گھت کٹ کے کرو سفوف تیار بد ہضمی جھب کرے موقوف دو دو تولے دا مقدار الاچی دانہ ہر ڈالی کن ہک ہک تولہ دارو دست بھکے روگی رنت نہار	
پجورن ہاضمہ	
پجورن ایہہ بنا ضرور تر بھلہ ترکشہ پودنہ لے چٹانک انار دانہ دھج ڈال ہوتے ضعف معدیوں دور ہر ہک ہودن تولے ترے نمک ترے تولے نال	

ترکشا - سونٹھ - کالی مرچ - پیل

ترکشا - آملہ - پھڑ - اور پھر دھج کر کے ہیں - کھوہتے ہیں -

بلغم وید
 ح سب دفع
 سے نابود
 کر کے
 ونجائے

لیے سود
 کرن حکیم
 رضاں دو
 سب رتخ
 لہ ہمراہ
 پچی نال
 دا مقدار
 جلوتی پا
 ڈال ضرور
 نال منگا
 لاڈ تمام
 سے آزار
 ہضم طعام
 رضاں دفع

الاجی دانہ زیرہ سیاہ ہک ہک تولہ چار دوا عرق بتو وچ گھوٹ تمام	دار چینی اجوین ہمراہ کٹ چھان سب جمع کرا چورن باضمہ کرے طعام
--	---

نسخہ مجربہ رتخ منسکن

کرفس اجوین زیرہ منگوا ترہ نہ دن سر کے وچ پوسا نمک سو پھر سنڈھ میلونا کٹ بچھ ماشے رت پھکا پودنہ سو نف دار چینی لے	ترے ترے تولہ وزن تولہ کر کے خشک باریک گھوٹا ہک ہک تولہ لے وچ ڈال ایہ جو شانہ کاہڑ پلا ترے ترے ماشے دار و ترے
--	--

چٹنی باضمہ

سرکہ کشمش قند سیاہ منقہ ادراک دانے انار دار چینی تے مرچاں سیاہ دو دو تولے وزن تولہ گھوٹ کونڈے چٹنی کرتیار کچھ مدت کر استعمال	دس دس تولے کر ہمراہ پنج پنج تولے دا مقدار دھنیاں زیرہ کر ہمراہ سبھے دار و جمع کرا ضعف معدے نول ہے درکار چٹے اس نول لذت نال
---	---

چورن اگن بھکا

جیکر ضعف معدے نول ہے	انار دانہ پنج تولے لے
----------------------	-----------------------

پودہ رنگ ترے اجیریں سوچو سانجھ نمک اندوان دار چینی سب کٹ دوا رس ریتو دج جیون تیار اگن بیکھ چوون دانام	مک مرچاں سنڈھ زیرہ لین آملہ الاچی دانہ آن اک ایک تولہ وزن تولہ کر کے کھاوے وقت تھار جلدی پانچر کرے تیار
---	---

بیان ورم معدہ

جے معدے نوں ہووے ورم رہے ہمیش معدے نوں پیڑ نم معدے یا معدے دج معدہ بہت ہو جائے سخت ہضمے دے دج پوے قصور ہووے حالت سخت تباہ ردی سالم کریں شناخت ہووے خاص جے ردی مادہ غذا دوا جو کچھ اوہ کھاوے لازم تاپ رہے ہمراہ جیکر مادہ ہووے سالم شامل تاپ نہ ہرگز ہو چنگی طرح پچھان مزاج جیکر دمی ہووے ورم	کرڑہ سخت نہایت گرم طاقت بدنی کرے ظہیر ورم کرے روگی نوں دج کرڑہ پتھر دانگ کرخت طاقت ہوندی جائے دور کر توں اس دی طرف نگاہ دائر لازم کر دریافت ہوندا جادے ورم زیادہ تھے نال نکل سب جائے اکثر اس نوں کرے فناء نال عقل کر اس نوں معلم ورم معدے دج ہے کھا طبع موافق کریں علاج کرڑہ سخت یا پولا نرم
---	---

سرکن تلخی کرے خوار
 لال سُرخ درم دا رنگ
 باسلیق رگ کھول دوبارہ
 ورم معدے تے یسپ کرا
 دھنیاں پیلک خوب گھوٹا
 سرکہ تھوڑا جیہا ملا
 جیکر زور ہووے صفرا
 عرق کاسنی سونف پلا
 ملین دے اس ابلتاس
 پیلک دی اس کرد نطول
 بنفشہ اسی پُچل گلاب
 تخم حطمی بابونہ گل
 کرے قبض دی بہت شکایت
 بنفشہ کاسنی سونف منگا
 لے توں ایہ دوائیں چار
 بیج تولے خالص گلقد
 ڈنڈے گوندے وچ گھوٹا
 ہک جھٹاکی ابلتاس
 گودا چھاننی نال چھنا
 مٹھے اس دے کرکے تھے
 ہک تولہ روغن بادام

ہر دم رہے طبع بیزار
 ضرباں چیکاں مارن ڈنگ
 قوت طاقت سمجھ بیمار
 دیوے اُس توں رب شفا
 آٹا دج جواں دا پا
 ورم معدے تے یسپ کرا
 یا سٹریا ہو یا سودا
 سکنجبین دے وچ ملا
 عرق گلاب کرکے وچ راس
 موافق قوت طبع رنجول
 سبز پیلک وچ ڈال شتاب
 یسپ نہیں کوئی اس دے تل
 ہووے معدہ سخت نہایت
 مغز تخم کدو وچ پا
 دو دو تولے دا مقدار
 اس دے نال کرد پیوند
 شیرہ کپڑے وچ چھنا
 گھول دیو وچ بے وسواس
 چار تولے وچ کھنڈ ملا
 صبح پیشی دیگر پی لے
 داخل کرن حکیم تمام

<p>دہودو ترے دفعہ ضرور ہے پیوے نت شربت دینا کی شربت استتین بزور معدے نول رکھ ہر دم تر شدت درد ہے کرے دم پوست ڈوڈے ترے مشکا ایسبغول اس دے مع گھول ہے دھنیاں پلک گھوٹ نکاس طبع موافق دیہ غذا سرد مواد ہے بلغم باد فائدہ دیون چیزاں گرم درد پیڑ تپ ذرہ نہ ہو استسقادے وانگ بیمار پود نہ سولف اجوین داعرق یک یک رقی اصل کونین دیویں ایہ بنا اس حب</p>	<p>معدیوں قبض ہوئے سب دور معدیوں کٹ سٹے بیماری یا دیہ درد نہ رہے قصبہ روغناں نال نہ ہرگز ڈر ہووے مادہ بہت ہے گرم مل پانی دچ صاف کرا درم آتے کر لیپ انڈول گرم درم دچہ فائدہ پادیں خشک چیزوں پر ہیز کرا معدے دے دچ کرے فساد سرد چیزوں پاشے رنج ورم ورم معدے دچ رہے کھلو دچ شکم دے رکھے بھار شروع کرا ہووے جب فرق عرق نال بلا دن رین کرے شفا اس خالق رب</p>
--	---

حَبِ مَسْهِلِ بَلْعَمٰی

<p>تروی تو لے دو سفید گدا خشک تھے دا پا سکیںچ گوگل ریوند گھت</p>	<p>غار یقون مصبر دید سقمونیا اصلی نال ملا نو نو ماشے دارد ست</p>
--	--

<p> کٹ کے دائرہ سب چھنا عرق سولف دج بھول جب ڈبے یا بوتل دج ڈال ہفتے بعد ہک روز کھوا اس دا ہے ایسہ خوب علاج پانی تھیں پر ہیز کرا سخت جلاب نہ نیرے ڈھو کاسنی سولف سنا تمام بیج تولے گلقد ملا حل کر اس دج نال قیاس شکموں باہر نکلے بھار خارج کرو مواد بعین بابونہ اسی میتھی پا نیل مسٹھا کر گرم کرا کر توں درم ہو جاکے نرم </p>	<p> مقویا ترے ماشے دج پا دانے مانہ برابر سب گویاں رکھ حفاظت نال چھ ماشے دا وزن تولا جیکر بلغھی سرد مزاج عرق سولف اس بہت پلا جیکر درم مرکب ہو بنفشہ مغز کدو بادام تول تول وزن گھوٹا بیج تولے گودا ابلتاس کھنڈ پلا پلا دو بار ہر ہفتہ دے کے تلیں کالے تیل اس گھوٹ لگا یا پیلٹس بنھ درم پکا ہور علاج جیٹرا تر گرم </p>
--	---

بیان قروح معدہ

<p> قروح معدہ ادھ مرض سدا ہے اوکھا ہووے بہت آزاری نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو کرے روگی دامندہ حال </p>	<p> درم معدہ جیکر پھٹ جاوے معدیوں ریم رہے نت جاری منہ دجوں آدے بدبو اکثر تاپ ہووے اس نال </p>
--	--

طا
 پاک
 دا
 تا
 تا
 تر
 ۳

ملی
 ادھ
 کل
 تاز
 خور
 میل
 بنف
 پنج
 قروح
 تر
 ایہ
 اور

طاقت جسم بہت گھٹ جاتی پاک آئے زل قے نال درد معدے دا کرے خراب تازہ دیہ بکری دا شیر تھوڑا جیہا شہد ملا قرم معدہ جد ہووے صاف آش جواں دی دیہ غذا	ضعف طبیعت دے دج آف یا زل آفے نال اسہال دارو اس دا کرد شتاب قرم معدے نوں ہے اکیر روگی نوں ہر روز پلا کرے قصور خداوند معاف دج روغن بادام ملا
--	--

نسخہ ملیتن

ملتن اس نوں دیہ ضرور ادھ سیر خالص عرق گلاب مل عرق دج ہتھاں نال تازہ گودا انبلساس خوب طرح مل ہتھاں نال میل چٹانک اس وچہ ترنجبین بنفشہ گل نے نیلو فر ہنچ ہنچ تو لے وزن دوا تجرے دیگی وچہ جوشا ترے پا پکا مصری گھت ایہ شربت روگی بت پیوے اکور بچے پلوے ضرورت آ	ریم قرم تھیں ہووے دور ادھ پاگھت گلقد شتاب کپڑے دج کر صاف نکال ڈال چٹانکی نال تیس چھانسی دے دج لے نکال ایہ اس نوں دیویں ملیتن نال ملٹی شامل کر رات پانی دج تر کر دوا مل پن کپڑے دج کر دوا تار والی پکواویں پت فائدہ بہت نہایت تھیوے نفث مدد دج دیکھیں جا
--	--

بیان مرض ڈکار

<p>معدے کے دچ پوسے وگاڑ آدن کھٹے بھس ڈکار نال علامت کرو صبح ایہ دوا کر اس دا جھب کدھن معدیوں گرم آزار سکجبین دیوے اصلاح معدیوں جھب صفرا دغا معدے کے دچ کرے فدا مصطکی نال کرو پیوند پیہ کے دچ گلقد بلا دفعہ ہو جاوے بھس ڈکار ایہ ترے عرق بلا دن رین بھس ڈکار کرے جھب بند طبع موافق کریں شتاب گھیو مصالحہ گھت گھیرا کھاوے نت کھنڈ دچ گھت</p>	<p>جیکر آدن بہت ڈکار گرے سودا معدے دچکار یا صفرا یا بلغم رتج جے صفرا دا ہے سبب رُب سنگترہ ترنج انار جیکر ہووے گرم ریاچ مرتبہ زہتو جیکر کھاوے ہووے جیکر بلغم باد سولفت الاچی دانہ گلقد ترے ترے ماشے ترے دوا کھاوے روگی نت نہار عرق پودنہ سولفت اجوین کوفی کرن حکیم پسند ماجت بے ہوس جلاب تر ماس کھوا بیڑا پیپرمنٹ دار چینی ست</p>
--	--

چوڑن باضمہ

چوڑن باضمہ کرو تیار	بہت دفعہ آزمودہ کار
---------------------	---------------------

معدے کے دچ پوسے وگاڑ
آدن کھٹے بھس ڈکار
نال علامت کرو صبح
ایہ دوا کر اس دا جھب
کدھن معدیوں گرم آزار
سکجبین دیوے اصلاح
معدیوں جھب صفرا دغا
معدے کے دچ کرے فدا
مصطکی نال کرو پیوند
پیہ کے دچ گلقد بلا
دفعہ ہو جاوے بھس ڈکار
ایہ ترے عرق بلا دن رین
بھس ڈکار کرے جھب بند
طبع موافق کریں شتاب
گھیو مصالحہ گھت گھیرا
کھاوے نت کھنڈ دچ گھت

<p>بہ ہضمی رنج بھس ڈکار دار چینی سندھ زیرہ سیاہ ہرڈال دی چھل مرچاں یا پودنہ مصطکی نگھاں سداب انار دانہ پنج تولے کن وٹے کوٹے دھج گھوٹا چھاویں رکھ سوکھا وچ تھال کھاوے بہت لگاوے بھکھ جے ہو جاوے دُکھ پُرانا اولے کے قے تلشیں ہفتے تیک دوا کھاوے کر استعمال ہفتے پنج چار</p>	<p>ہوون معدیوں جلد فرار الاجی دانہ کر ہمراہ آملہ نمک سوخردنچ پا ہر یک تولہ وزن حساب کٹ سبھے چھانی وچ چھان زنبو دا پانی دھج پاء حاجت وقت کر استعمال دفع کرے معدے دا دُکھ سرگز ہضم نہ ہووے کھانا استعمال کر نال یقین مرطاب قے تلشیں دیواوے رہے نہ معدے دھج آزار</p>
--	---

نسخہ مرتبہ لیموں وغیرہ

<p>مرضاں دھج کرے صفرا پانی دھج گھت جوش دیوا پانی دھج توت نکال زنبو گھت توام پکا مرتبیاں وچ رکھ دھکا</p>	<p>مرتبہ لیموں عجب ددا تراش زنبو چھل دور کرا آون جدوں دو ترے اُبال مصری یا کھنڈ پانی پا ماکھوں دانگ ہووے جدا</p>
---	--

ایہ مرتبہ جے نت کھاوے
قطع کرے دُکھ بھکھ ددھاوے

نسخہ چٹنی ہاضمہ

۷۰

نسخہ چٹنی دا آزمایا کرے جے ایسنوں استعمال الاجی دانہ مرچ سیاہ ادھرک نمک دانے زار چھوٹے کشمش نال ملا سرکہ کھنڈ یا یا منگوا انبلی ہک پھٹانکی تول چھاننی وچ گھت صاف کرا تے کاپڑہ جدوں قوام ہت نہار جیکر کوئی کھلے	ہندوستانوں لکھیا پایا ہضم طعام کرے فی الحال زیرہ دار چینی سمراہ پنج پنج تولے دا مقدار دس دس تولے وزن تول کر کے صاف قوام پکاہ تھوڑے جیسے پانی وچ گھول سرکہ کھنڈ دے نالی ملا کٹ ملاؤ دوا تمام کر کے ہاضمہ بھکھ لگا دے
---	--

جوارش کمونی

جوارش کمونی کرو تیار دیوے رتج شکم دی توڑ دفع دیوے کر بھس ڈکار دار چینی سنڈھ مرچاں سیاہ چھل ہریڑ اجوین سداب ترے ترے تولے وزن دوا بورہ ارمنی تولہ گھت	ایہ نسخہ آزمودہ کار دارد اس دے جہا نہ ہو رہے نہ معدے وچ آزار پودنہ گھاں کرد سمراہ ڈالو اصلی پھل گلاب پنج تولے شکند ملا مدبر زیرہ تولے ست
---	--

نمکنا خا
جوارش
دارد

نے ز
راتیں
راتیں
ایہ
تولے

پچکل
مادہ
سبب
تاپ
شامل
جیکر
معدے
باسلیو
کاسنی

گٹ دوا ملا دھج تقال رنگ معدے دھج آئے کام بہت باریک نہ ہرگز کر	گٹا خالص ماکھیوں ڈال جوارش کوئی اس دانام دارد اس سے درٹھ کر
---	---

بیان مدبرہ زیرہ سیاہ

چھنڈ پھوک کے صاف کرا نجرے دھتے رکھ سوکھا نجرے پھیر سوکادیں دت چنگی طرح سوکھا ہر بار زیرہ ایہ مدبرہ جان	زیرہ خالص سیاہ رائیں سر کے دھج پوسا رائیں مڑ سر کے دھج گھت ایہ طریقہ کر ترے دار توے اُتے کرہ بریان
--	--

بیان ہچکی

معدیوں دھج کرے نقصان ایس سببوں ہچکی آدے پھوڑہ قرعہ یا پھنسی گرم ردی مادہ کریں خیال مرض ہچکی دی رہے کھلو سوزش پہنچتی تے گھبرا بادہ خون نہایت گرم یا جو کاں معدے تے لا دھنڈے کوٹے دھج گھوٹا	ہچکی حرکت معدہ جان مادہ موڈی باہر نہ جاوے سبب ہچکی دا جیکر ورم تاپ پڑنا جیکر نال شامل جیکر تاپ نہ ہو جیکر بہت ہووے صفرا معدے دے دھج ہووے ورم باسلیق دا قصد کرا کاسنی دھنیاں پیسک لیا
---	--

سرکہ تھوڑا جیہا ملا
 سبب ہچکی دا جے صفرا
 یا کوئی تیز غذا دوا
 سنگبین دی قے کردا
 ترش چیزاں کر استعمال
 نہ تو دی سنگبین پلا
 نہ تو گھگل دا آچار
 سنگبین پانی دچہ ڈال
 آلو انہلی ترش انار
 شربت لیموں نت نہار
 رب اناساں دا جے چٹے
 جے خشکی دا ہووے درد
 معدہ ہووے کرڑہ سخت
 لعاب بہیدانہ ایسبغول
 پیوے روگی نت نہار
 بنفشہ روغن آپ بنا
 آتش جواں دی نت پلا
 شیرہ مغز کدو بادام
 گوکا مکھن مصری گھت
 دودھ بکری دا روز پلا
 شیرہ کاسنی گھوٹ پلا

درم معدے تے لپ کر
 یا سٹریا ہو یا سودا
 پوے مخالف معدے جا
 گرم پانی دے دچ ملا
 دیون سب صفرا نکال
 دیوے ہچکی ترش دغا
 ہووے ہچکی دیکھ فرار
 دچ ہووے ہچکی فی الحال
 ہچکی گرم نکالن مار
 پیوے ذرہ نہ رہے آزاد
 ہچکی گرمی دی جڑھ پے
 دیوے ہچکی نت مروڑ
 سکے مُنہ زبان کرخت
 بنفشہ روغن مصری گھول
 ہچکی دا رہے نہ آزاد
 گھیو گوکا اس دے دچ پا
 روغن دچ بادام ملا
 شام پلا مصری گھت عام
 چٹے فجر دھاڑے ست
 تازہ مصری دچ ملا
 گودا انہلتا سس ملا

دو تمک
 جیکر ہچکی
 مصطکی
 پیہ ملا
 عرق پلوہ
 سونف
 دانے
 سٹ جوش
 زیرہ
 ایہ بھی
 دار چینی
 کھانے
 ہچکی بعد
 پکے است
 ضعف طبیہ
 ادہ ہچکی
 طبع موافق
 شاید رب
 جیکر ہچکی
 قل دودھ
 وزن برا

دوتے داری سے تلئیں
 جیکر ہچکی خاص ریاحی
 مصطلکی دار چینی گلقتند
 پیہ ملا جیکر کوئی کھائے
 عرق پلودنہ سولف اجوین
 سولف زیرہ منگوا سفید
 دانے چھوٹی الائچی تے
 ٹٹ جوشا پیوے کر صاف
 زیرہ پلودنہ خوب گھوٹا
 ایہ بھی نسخہ کرو ضرور
 دار چینی باریک کرا
 کھائے نال میل گلقتند
 ہچکی بعد جے تے اسہال
 پچے استفراغ یا خون
 ضعف طبیعت تے وجہ آفے
 اوہ ہچکی نہوے بحرائی
 طبع موافق کرد علاج
 شاید رب اس رحم کماے
 جیکر ہچکی لڑکا بال
 قل ڈوڈہ طباشیر یا
 وزن برابر دارو چار

ہووے ہچکی دفع بعین
 معدے تے دچہ کرے تباہی
 الائچی دانہ کرد پیوند
 ہچکی فوراً دفع ہو جائے
 ڈال سکنجبین دیہ دن لین
 چھل الائچی چھوٹی دھید
 ہر یک ہووے ماشہ تریہ
 کرے قصور خداوند معاف
 سرکے تے دچہ میل چٹا
 ہڈکی معدیوں ہووے دور
 الائچی دانہ نال ملا
 ہڈکی جلد ہو جائے بند
 آوے بہت کرے بد حال
 آوے اس نول کچھ نولون
 مردیاں دانگ جسم ہو جائے
 سخت تاپ اس خاص نشانی
 کر اس دامرطوب مزاج
 اپنے فضلاں نال بچاے
 ہووے بہت کرے بد حال
 الائچی مصطلکی نال ملا
 مکش نال چٹاؤ نہار

بیان مرض منقوص

مرض منقوص جد ہووے پیدا منج شکم دے وٹ مروڑ اٹھے اندر پیٹ ڈنڈول ہر ہفتہ یک دیہ تلکین گوک تازہ دودھ اکیسر یا بکری دا نت پلا جے گرمی اس بہت نہایت چیزاں ترش فقور پلا خرفہ کاسنی ختم خیار آو اتبلی ترش انار سبب جے ہووے بلغم باد اگن بھکھ چوڑن جے کھانے جوارش کوئی دیوے نفع دوتے اس نوں سہل کر رتج بلغم جد ہووے دور سجوں پودینہ بڑا مفید	بکھ علامت اس دی دیا ہووے پیش سخت کھروڑ دیوے رتج نہایت سول ایہ مت رکھیں نال یقین وچ آزمائش ایس فقیر مصری بخوڑی جیہ ملا کرے قبض دی سخت شکایت معدیوں دفع ہووے صفرا پیوے گھوٹ نہ ہے آزار شریت لبموں رت نہار رتج معدے وچ کرے فساد وٹ مروڑ رتج ونجاوے کرے مروڑہ پیش دفع طبع موافق ذرہ نہ ڈر رہے نہ معدے وچ قصو دیہ توں اس نوں نال تکیہ
--	---

بیان قبض دائمی

قبض منجم وچ جیکر دائم	ہے دن رات برابر قائم
-----------------------	----------------------

زیادے مر
 جہ معدے
 سبب یہو
 جھاڑہ سخت
 شال نال
 کھن گوک
 تازہ گکاو
 سنجین
 باد الجین
 روغن سیا
 لین دو
 شربت من
 سبب قبض
 کرتوں اس
 سبب یا ہو
 ہرے دیار
 دود پیٹ
 معدیوں سر
 بے ہو جاوے
 دن بہت
 جوارش دارچین

وجہ شکم دے رہے کھلو
 بہتیاں مرضاں ہوں ظہور
 کر ڈی سخت ہوئے اس مرض
 آدے بہت وچوں بد من شک
 یا سڑیا ہو یا سودا
 مصری تھوڑی جیہی ملا
 خشک قبض نوں ہے اکیر
 ترش چیزاں رکھ شامل نال
 کہ توں چالی روزہ طیب
 گو کے دودھ دے وجہ ملا
 دے کے گھوٹا قبض کش
 کرے شتابی قبض کش
 ہو دے کرتوں خوب صحیح
 جیہڑا دیوے رتخ نوں توڑ
 قبض معدے وجہ کرے فساد
 ہو دے بہت طبیعت زچ
 رہے شکم وجہ قبض کھلو
 جی متلائے سرون گھار
 لاغر ہوندے جان اندام
 دارو اس دا کرو ثناب
 معدیوں رتخ دی قبض اٹھاے

بادے مرض پُرانی ہو
 جد معدے وجہ پورے فتور
 سبب پیوست جیکر قبض
 جھاڑہ سخت نہایت خشک
 شامل نال ہو دے صفرا
 مکھن گوکا فخر کھوا
 تازہ گادہ بکری شیر
 سنجبین کر استعمال
 باد الجبن والی ترکیب
 روغن بید انجیر پلا
 لین دو ترے چار کروا
 شربت منت پلا سنا
 سبب قبض دا جیکر ریح
 کرتوں اس دوا دی توڑ
 سبب یا ہو دے بلغم باد
 پھرے ریح شکم دے وجہ
 درد پیٹ وجہ پیدا ہوا
 معدیوں سرون چڑھے بخار
 جے ہو چا دے مچکھ طعام
 آدن بہت ڈکار خراب
 جوارش دار چینی جے کھاے

دی دیرا
 کھروڑ
 ت سول
 مال یقین
 س فقیر
 جی ملا
 ت شکایت
 صفرا
 ہے آزار
 نہار
 بے فساد
 بجاوے
 دفع
 نہ ڈر
 وجہ قصو
 نال تاکید
 بار قائم

حب چورن اس نت کھوا ہینے دے دج ہک دو بار	دیوے معدیوں قبض و نما حب مہل اس سے درکار
--	---

ملین گھوٹ

بنفشہ کاسنی سوٹف سنا ہک ہک تہہ وزن دوا ڈنڈے دج گھوٹ گودا انبلس دا تازہ خیرے سے دج حل کر ایہ دارد دو حصے کر	مغز تخم کدو دج پاء پنج تولے گھنڈہ ملا مل پن دور کرو سب گھوٹ کرے تولے پنج اندازہ چھاننی دج گھت صاف کر پیوے فحری وقت ظہر
---	---

صفت شربت سنا

شربت کرو سنا تیار بہت مجرب ایہ دوائی کاسنی پھل گلاب سنا پا ہک پکا انبلی ہوا دو سو دانہ آٹو سیاہ کر کے شربت دانگ تیار شربت ایہ بڑا اکیر	صفراوی مرضاں سے درکار دیوے مرضوں جھب رانی پنج پنج تولے وزن تیار بنفشہ گل سے تولے دو مصری ترے پا کہ ہمراہ تولے پنج پلاؤ نہاد تجربہ سائیں بخش فقیر
--	--

مرضاں کرے معدے دیاں دفع
یرقان نرد نول دیوے نفع

حب چورن
سرد آزار
دار چینی
ہنگ نمک
عرق نبوت
بیمہ بہار
دیوے رتہ

جوار شش
دار چینی
مرچاں گہ
راس
نگناں خالہ
ڈال مرتہ
درد معد
دیوے معد

صفت حب چورن

<p>آوے قبض شکم درکار دور ہو جادن کھادیاں سب پودنہ سنڈھ کرد ہمراہ دارو تول تولہ ست دھٹکے کونڈے دھ گھوٹا کھائے رتج اڑا دے جب دارو اس سے جیہا نہ ہو</p>	<p>حب چورن نوں کرد تیار سرد آزار معدے سے سب دار چینی گھڑ مرچ سیاہ ہنگ نمک سو پھر دھ گھٹ عرق زیتو گھٹ کھل کرا بیر برابر بنھوں حب دیوے رتج شکم دی توڑ</p>
--	---

جوارش دار چینی

<p>معدیوں پرک نوں کرے فرار دو دو تولے کر موجود لونگ ، الچی ، سونف تکر ہک ہک تولہ وزن تولہ گٹ دوا بلا دھ تھال دیویں سرد آزار پرکھ شکموں نفخ کرے برباد درد پیڑ رتج رہے نہ کا</p>	<p>جوارش دار چینی کرد تیار دار چینی سنڈھ پودنہ عود مرچاں گھٹاں مصطلی چھڑ راس ، بچ ، انیسول پا گٹناں خالص ماکھیوں ڈال ڈال مرتبان دھ رکھ درد معدہ رتج بلغم باد دیوے معدیوں رتج اڑا</p>
--	--

بیان مرض قو لنج

مشکل مندی درد قولنج
 جھاڑہ بول نہ ہرگز آئے
 وجہ شکم رودے قولون
 ایہہ حقیقی خاص قولنج
 درد شکم دا کرے لاچار
 جیکر اس دا گرم مزاج
 گرم جلاب نہ نیڑے ڈھو
 خشکی جیکر بہت اس ہوئے
 ادھ پا پکا گھیو کر گرم
 پچھوں اس نوں دیہہ تلئیں
 بنفشہ کاسنی پھل گلاب
 مغز کدو بادام سنا
 ڈنڈے کوڈے وجہ گھوٹا
 گودا انبتاس دا تناڑہ
 چار تولے وجہ کھنڈ ملا
 حقے اس دے کر کے ترے
 گرم پانی دی کرد نطول
 ایہہ پکاری کرد ضرور
 سیر بہ پانی گرم کرا
 کسرائل تولے گھت پنچ
 جے ادھ سڈہ خاص فذائی

سخت عذاب پنچا کے رنج
 سول نال روگی کر لوسے
 ہوئے سڈہ سخت زبولن
 دیوے بہت نہایت رنج
 آدے کسے نہ وقت قرار
 کر تول اس دا سرد ملن
 دیہہ تلئیں اس نوں کو
 روویں سڈہ بدھ کھلوسے
 پیوے شکم ہو جائے نرم
 ہووے دفع قولنج لعین
 دو دو تولے قدر حسب
 بہک بہک تولہ نال ملا
 خیرہ کپڑ چھان کرا
 ڈال چھٹانکی کر اندازہ
 تولے دو گوکا گھیو پا
 صبح پیشی دیگر پی لے
 دیوے جب خلاصی سول
 خشک قولنج ہوئے جب دور
 تولہ صابن حل کرا
 کر پکاری خشک قولنج
 پاوے استھیں جب دھائی

ماز
 آدھ
 اش
 دو
 چالی
 ہر

غیر
 درم
 سب
 رنگ
 خلط
 با
 درم
 با
 گرم
 پچھو
 شرب
 شمش
 جلد

نارہ گوکا دودھ پورا ادھ پاگھو گوکا دھج گھت اٹھیں دھاڑے دیہہ تلمین دوسے والا خشک قولنج چالی روز کر استعمال ہر ہفتہ ایہو دستور	کھنڈ تھوڑی جیسی دھج پا انت پلاؤ دھاڑے ست خیار شنبیر کے نال یقین مڑ کے پھیر نہ دیوے رنج جادے چھوڑ قولنج خیال کر توں استعمال ضرور
---	--

بیان قولنج غیر حقیقی

غیر حقیقی مرض قولنج درمی ماوے عرضی رنج سبب قولنج دا جیکر درم رنگ چہرہ اکھیں منہ لال خلط خون دے سب نشان باسلیق دا قصہ کرا درم اُتے جوکاں لگوا باسلیق دا قصہ ضرور گرم نہ ہرگز دیویں چیز بچوں اس توں دیہہ تلمین شریت آو خاص عناب شمش چیزاں کر استعمال جلد اسہال ہون اس جاری	کس حکیم طبیب دھج رنج التوی ایہہ رنج یقین ہودے مادہ دھوی گرم سڑکن تلخی سخت کمال چہرے دھوں ہون عیان سبھی طرفوں دیر نہ دیوے اس توں رب شفا ہک دو دفع نکال ضرور ایہو رکھیں یا نہ نیر سرد چیزاں دی نال یقین دیہہ ہر وقت اس توں گھت آب خیار شنبیر کر شامل نال مورے دفع قولنج بیماری
--	--

کے سرخ
بلوے
تربون
سرخ
قرار
د علاج
وں کو
وے
نرم
لعین
صلب
ل بلا
کرا
اندازہ
پا
نے
شکل
ب دور
کرا
قولنج
رہائی

دھنیاں پیلک خوب گھوٹا صندل گھس دج عرق گلاب گل روغن سرکے دج ملا جیکر درمی سخت قویج اکثر تپ ہووے اس نال گرم یا سرد دوا جو کھاوے دیوے زور نہ ہر بلا مادہ تھوڑے کچھ نہ معدے دج جاوے پھیل شکم دچ سارے قویج درمی ایہہ خطرناک قویج ایلاوس اس دا نام	ورم اُتے جھب کر د ملا ورم اُتے کرپ شتاب ورم گرم تے کر د ملا دیوے بہت نہایت دج ردگی بہت ہووے بد حال تے دے نال بکل سب جاوے ہوندا جاوے ورم زیادہ دیوے ورم اوپر نول کھج سول شکم دج ٹھانھا مارے کرے بیمار شتاب ہلاک جھب بیمار کرے قتل ام
--	---

قویج صفراوی

جے قویج ہووے صفراوی جھاڑہ بول ہو جھاڑے قبض چہرہ اکھیں ہوون زرد سڑکن تر یہ تلخ گھبرا سخت تیز موزی صفرا زورے معدہ بہت گرفت پاؤے معدے دج کسند کرے قویج نہایت سول	یا مادہ مٹیا سوداوی تیز تواتر ہووے قبض بہت لاچار کرے اس درد نظر نشان آدن صفرا جمع ہووے معدے دج جا کرڑہ خشک نہایت سخت جھاڑہ بول ہو جاوے بند اُکھے اندر پیٹ ڈنڈول
--	--

سنگینیں
خوش
ہر ہفتہ
خیار
جیکر عا
مادہ خا
پھٹانکی
ہر ہفتہ
بنفشہ
دو دو
ترنجبین
شیرہ
پیوے
حتے اس
جے خشکی
بکری کھار
صابن گر
تیل مٹھا
سبب
اکو
پھٹانکی

سنجیں دی تے کروا
 ترش چیزاں اس بہت پلا
 ہر ہفتہ یک تے تلئیں
 خیار شہر معجون کھوا
 جیکر عادت ہوس تو لہج
 مادہ خاص ہودے صفرا
 چھٹانکی مکھن فخر کھوا
 ہر ہفتہ دے کے تلئیں
 بنفشہ کاسنی پھل گلاب
 دو دو تولے وزن تولا
 ترنجبین تے املتاس
 شیرہ کپڑے دہچ چھنا
 پیوے ڈال روغن بادام
 حقے اس دے ترے کروا
 بے خشکی دا بہت سبب
 بکری نکال دا تازہ دودھ
 صابن گرم پانی دچ گھول
 تیل مٹھا گھت کر پکاری
 سبب صفرا جیکر تو لہج
 آلو انہلی ترش انار
 چھٹانکی گودا املتاس
 گرم پانی دے نال پلا
 معدیوں قطع کرے صفرا
 دیوے اس نوں نال یقین
 دیوے سخت تو لہج و خجا
 دودھ نال پہنچا دے رنج
 شامل نال ہودے سودا
 مکیو دودھ گوکا شام پلا
 خارج کرو مواد لعین
 مغز کدو دچ ڈال شتاب
 ڈنڈے کونڈے دچ گھوٹا
 بیج بیج تولے کر کے قیاس
 مغز فلوس مڑ حل کرا
 یا گوکا گھیٹو ڈالو عام
 ترے داری دن دچ پلا
 کر پکاری اس نوں جب
 نت پلا بے ہودے بھد
 چھ بست ماشے ہودے تول
 اس دے جی نہیں کوئی کاری
 دیوے سخت کسے نوں رنج
 شربت لیموں دیہ نہار
 ادھ سیر دودھ دچ کرے اس

ترے تو لے روغن بید انجیر
دیویں اس وچ گلقتہ ملا
بفشہ مغز کدو بادیاں
پنج تو لے گلقتہ ملا
شیر اس دا کر کے صاف
قوی کرنا ہے ہو منظور
منگترہ نبو اس بہت کھوا
تو لے چار انڈ دا نیل
دیویں یک وو دفعہ ملا
آلو انبلی ہے غاب
جیکر سخت ہووے اس سول
کٹی گوکی لسی پیوے
مرتبہ بیموں دا ہے کھاے
غلغل نبو دا آچار

ڈال پلا اس نوں اکیر
تو لے دو ترے چار تولا
سنا ہر یک تولے آن
ڈنڈے کوئلے گھت گھوٹا
دیہہ قصور کرے رب مٹا
انبلیاں ملاؤ ضرور
معدیوں قطع کرے صفرا
ادھ سیر گاسے دودھ دچ میل
دیوے اس نوں صحت خدا
نقد کر کے اس یو شتاب
گرم پانی دی کرو نطول
فضل خدا تھیں چنگا تھوے
تو پنج صفراوی وور ہو جائے
کھاوے بنت نہ رہے آزار

بیان تو پنج ریاحی

جیکر سرد تو پنج ریاحی
آکھن اس لوں باد تو پنج
پیٹ تمام نفع کر جاوے
ہووے فرور و دیاں وچ
جھاڑہ بول نہ آوے مول

کے شکم دے وچ تباہی
دورے نال پہنچے رنج
وانگوں ڈھول آوازہ آوے
نفع شکم نوں دیوے رنج
ٹھاٹھاں لراں مائے سول

عرق
پھر
زیرہ
تیل
دیہہ
معجز
پودر
شور
ساگ
اجیر
سندھ
گھوٹ
گوشہ
شور
سرکہ
کرو
بابون
کھٹ
یک
کھٹ
باد

عرق پودنہ سونف اجوین
 پھرے جے رتج شکم دے منج
 زیرہ سونف جوین کوٹا
 تیل مٹھا گھت کرو ٹکور
 دیو نیچار شنبر معجون
 معجون پودنہ ریت کھوا
 پودنہ دار چینی اجوین
 شورہ ترتر مرغ شیرا
 ساگ ہاتھو دا جے نت کھانے
 اجوین پودنہ زیرہ سیاہ
 سنڈھ گھاں وچ دیویں گھت
 گھوٹ منقے وچ ملا
 گوشت ادرک ڈال پکا
 شورہ پیوے سرکیاں نال
 سرکہ نمک دی کرو ٹکور
 کرد محلل جلد نطول
 بابونہ اسی مینقی لیا
 کٹے کے پانی وچ ابال
 یک طرفہ روٹی لے پکوا
 کھڑ سورنجاں سنڈھ جوین
 باد تو لچ جے بہت پُرانا

میل شراب پلا دن رین
 گلاس رمی دی جوین کھج
 پوٹلی کپڑے منج بنھا
 جلدے رتج ٹھکانہ چھوڑ
 ہووے دفع تو لچ زبون
 درد نفع رتج رہے نہ کا
 دیو انہاں داست دن رین
 دیو مصالحہ ڈال گھنیرا
 معدیوں یخ دا تخم و نجاوے
 مصطکی دار چینی ہمراہ
 ترے ترے ماشے داروشت
 روگ نول ہر روز کھوا
 گرم مصلح نال ملا
 دفع تو لچ ہووے فی الحال
 نفع رتج جاوے سب چھوڑ
 ہووے دفع تو لچ سول
 بنفشہ خطی نال ملا
 کرے نطول روٹے نال
 تیل مٹھا گھت کے بنھوا
 گھوٹ ضماد کرو دن رین
 وچ شکم دے کرے ٹھکانا

نوخ یک رنگھاں اکسیر کالی زیری تولے چار پودنہ سنگ ترے اجوین رس کنوارہ وچ بنھو حب یک دو گولیاں نت کھوا سرق پودنہ سونف اجوین باد قونج دست سرق سول	بخرہ سائیں بخش فقیر زیرہ سیاہ تولہ مقدار یک یک تولہ ایہ پنج لین چنے برابر گولیاں سب اکٹوں ایہ ترے عرق پلا عرق ترے ایہ کافی پین سٹے پٹ اٹھاندی مول
--	---

مجموع خیار شنبہ

بنا خیار شنبہ مجموع نفسہ گلے کے ادھ پا فجرے دیچی دے وچ ڈال نل کپڑے وچ صاف کیا کر کے چھاننی وچ صفا گاہڑہ ہووے جدوں توام ستھوینیا رب استوس سنگا مصنکی نمک لاہوری ڈال تردی اٹھ تولے وچ گھت وزن خوراک تولے رہے چار دست جدول ہوں اس جاری وزن تولہ جیکر نت کھاوے	دفع قونج کرے ملھون رات پانی وچ تر کر دوا دو ترے اس نوں دیہہ ابال پا یک انبلس پا پا پا ماکھیوں کھنڈہ رلا مکٹ میل ایہ دوا تمام سونف انیسوں نال پلا یک یک تولہ وزن سہال بادام روغن وچ تولے رشت ہر ہفتہ کھاوے یک بار زائل ہووے کل بیماری قبض شکم دی دور ہو جاوے
---	--

کمر مع
جیکر
اجوین
سونف
دار چینی
ہنگنا خا
نو دس
جس نو
اس نو
باضمہ

چٹنی
کشمش
پودنہ
ہر
نمک
گھوٹ
چٹنی

معجون پلودینہ

<p>شکموں رتج نکالے مار پائے استموں جلدہ رٹائی سنڈھ کرفس کرو ہمراہ الاچی دانہ لے وچ پا دو دو تولے قدر حساب کٹ ۱۰۰۱ ملا وچ تھال کرے پیٹ رتج دا چاک دورے نال پہنچاے رتج پیٹر سول رتج ہوئے دفع معجون پلودینہ اس دانام</p>	<p>کہ معجون پلودینہ تیسار جیکر خاص قولنج ریاجی اجوین پلودینہ زیرہ سیاہ سولف، مصطکی، حاقرقما دارچینی مگ مرچ سداب تگنا خالص باکھوں ڈال نو دس ماشے وزن خوراک جس نول ہوئے باد قولنج اس نول تروت دکھاے نفع باضمہ حبسے کرے طعام</p>
--	--

نسخہ چٹنی

<p>ذائقہ عمدہ کرے دمان پنج پنج تولے دارد ترے الاچی دانہ کہ ہمراہ قند پشادری تولے چار سرکہ حسب ضرورت ہو دقت ضرورت ذائقہ چکھ پیاسے جلدی نال ڈکار</p>	<p>چٹنی میں ہک کراں بیان کشمش ادرک انہلی لے پلودینہ زیرہ مرچ سیاہ ہر ہک تولے دا مقدار نمک لاہوری تولے دو گھوٹ کونڈے پیالی وچ رکھ چٹنی ایہہ بڑی مزے دار</p>
--	--

معجون مسہلی

معجون مسہلی کر تیار ضرور قبض شدہ ریح بقم باد فالج، گنٹھیا، واؤ لیبان تروی تولے چار سفید دار چینی سنڈھ جفضل یا آملہ صاف کر کے وچ گھت آملہ چھل ہریٹن ڈال گٹ چھان وچ شہد ملا وزن خوراک اس تولے دو دیویں نرم لطیف غذا جد اسہال ہو دن اس جاری	کرے شکم دیاں مرضاں دودھ درد شکم ہور سرد مواد رہے نہ جئے وچ نشان ستھونیا اصلی تولے دید مصطکی مگ جلوتری پا مک یک تولے وار وشت پینچ پینچ تولے وزن سمہال ستویں دینہ مک وار رکھا دودھ گھٹ کر دمناسب جو خشک چیزاں پرہیز کرا ہوئے بدنوں قطع بیماری
--	---

بیان قویج عرضی

قویج عرضی دا کواں بیان دوم شانہ گرودہ ریح گرودہ جودوں دوم کر جائے سخت ہووے گرے مین سول کنجبین دی تے کردا انبلتاس دی کر تھلین	ہووے نال شراکت آن پیدا عرضی کرے قویج جھاڑہ بول نہ ہرگز آوے جھاڑہ بول نہ آوے مول دیوے اس نوں رب شفا ہووے دفع قویج لعین
---	--

جیک
گیو
الٹ
تاج
سٹ
تازہ
بٹف
مغز
شیر
انبلت
چھان
ہوے
کر
رک
قویج
یا دو

کراں
درد
الزین

گھیو دودھ کر استعمال
دیویں جھب قبضوں کھول
جاوے دم ٹھکانہ چھوڑ
مرضاں دج عارض ہو جائے
گوکے دودھ دج دیہہ ہک ار
گھیو کھنڈ اس دے دج ملا
دو دو تولے میل شتاب
ڈنڈے گونڈے دج گھوٹا
کپڑے دج گھت صاف کرا
شیرے دے دج دیویں کھول
کھنڈ ملا دج تولے چار
فجر پیشی دیگر پی لے
ہو دے دفع عارضی سول
درد گرے نول تروت و نجامے
دیوے مالش نال ربائی
دیہہ جھولارے ادھر ادھر

جیکر تاپ نہ ہو دے نال
گھیو دودھ دا دیویں جھول
مالش پڑے کرو ٹھکور
تو بخ عرضی ایہ نام سدا ہے
سٹرائل لے تولے چار
تازہ گوکا دودھ ملا
بنفشہ کاسنی پھل گلاب
مفر کدو دو تولے پاء
شیرہ اس دارے کڈھا
انبلس چھٹانکی تول
چھاننی دج کر صاف نتار
تھتے اس دے کرو ترے
کرو محلل یب لٹول
رتی ترے برضعشا کھا دے
تولج جے کر ہو دے التوائی
یا دونوں ہمتہ قدم پکڑ

بیان معجون ساین بخش

دیوے مرضاں ریع دیاں توڑ
لتن اس تھیں گھت دیہاں
بذر البنج کرد ہمراہ

کراں بیان معجون ہک ہو
درد شکم جوڑاں دیاں پڑاں
ازین پلودنہ زیرہ سیاہ

سقمونیا غقر قرحا سداب
دو دو تولے سب دوا
کٹ چھان ماکھوں دچہ گھت
درد رتج جس کرے لاچار
فوراً اس لوں دیوے نفع

مگ مرچاں سنڈھ ڈال شتاب
ترے ماتھے افیون ملا
دزن خوراک اس ماتھے رشت
ترپچے مچھی دانگ بیمار
درد پیٹ رتج ہووے دفع

بیان ضعف جگر

ضعف جگر جد کرے ظہور
رنگ سفید بگھا ہو جائے
دل نوں بہت پوس دھڑکا
اُبھے جی دل اندھالی آوے
طاقت ہووے بہت ضعیف
یا کوئی سخت تاپ داسا
یا کوئی کچی مٹی کھاے
یا گندی ڈوڑی دی دا
یا جد مڑہکا بہتا آوے
موزی مرض ایہ بہت خراب
ضعف جگر جے تاپ سبب
پہلاں زرد رنگ ہو جائے
زور کرے موزی صفرا
ہووے اس دا گرم مزاج

اڈ جاوے چہرے دا نور
ضعف طبیعت دے دچ آوے
ہرگز کم نہ ہووے کار
وقت چلن دے دم جڑو جائے
دھڑکا دل دیوے تکلیف
کرے جگر دے دچا بگاڑ
ضعف جگر اوتھوں ہو جائے
لگے ضعف جگر ہو جا
سرد ہوا جگر دچ دھائے
دارو اس دا کرد شتاب
دیوے ضعف بدن نوں جب
اکھیں چہرہ رنگ دٹا دے
شامل نال ہووے سودا
کرتوں اس دا سرد علاج

کاسی
گودا
نل
ہر
مستحیہ
آلو
بزدلی
بلغی
رنگ
چہرے
یا مٹی
پھڑکے
دیہ اس
کئی ہنرا
ضعف جگر
سبب جسم
کسے کہہ
اس نوں
اور پا

کاشی بک چھٹانک گھوٹا عموما انہلتا شس داتا زہ کل کے چھاننی دچ چھنا ہر ہفتہ دیویں تنہیں تکجین اُس رت پلا آلو انہلی کرو نقوع بزدلی شربت بہت مفید بغنی ضعف جگر دا دید رنگ اکھیں چہرہ بدلائے چہرے دچ دے ابھرون یا مٹی بھس ہو جائے پھر کے دل کر کے رقتار وہ اس لوں فخنوش معجون کئی ہزار دفعہ آزمایا	شیرہ کپڑے دچ چھنا ڈال چھٹانکی کر اندازہ کرے واری دینہ دچ پلا قطع ہووے صفرا لعین شیرہ کاشنی نال پلا مصری ڈال رت کرو شروع دیر توں اُس نوں نال تاکید رنگ ہو جائے بہت سفید قوت بدن ضعف کھا جائے نظر نہ آوے ہرگز خون رنگ سفیدی دے دچ آئے ادھکا ہووے بہت بیمار پیدا کرے بدن دچ خون ہرگز کدے خطا نہیں پایا
--	--

نسخہ آہن اکسیر

ضعف جگر بہت پرانہ ہے جسم دچ عاتی ہو نسخہ بک آہن اکسیر اس نوں نے بنا ضرور ادھ پا دگر لوہے دا بورہ	رہے بدن دچ کل ٹھکانہ فائدہ کرے دوا نہ کو بجڑ بہر سائیں بخل فقیر ہووے ضعف جگر دا دورہ ادھ سیر پچا سرکہ پورہ
--	--

دھج سفید بوتل دے پا
 بعد چلیوں شروع کرا
 دو تول تر پھلا روز پوسا
 یا ماریا ہو یا منور کھوا
 یا لوہے دا رگڑ کھوا
 یا دیویں آہن اکیر
 کشتہ جے دیویں فولاد
 وزن فولاد وا رتی ترے
 ایہ نسخہ آزمودہ کار
 نجف الحدیدہ کر استعمال
 دھڑکا ضعف ہوئے سب دود
 ادھر ٹکا گوکا نال جے ہوئے
 گھیرو شگت روئی دکھاوے
 استعمال چالی دینہ کر
 ضعف جگر جیکر یرقانی
 جیکر ضعف سبب طحال
 ضعف جگر جس مرض داعن
 ضعف جگر دا کرد علاج

ایک چلیہ روز ملا
 پانی تر پھلا نال ملا
 اکیر آہن دھج ڈال ملا
 تر پھلا کٹ اس نال ملا
 ماریا ہو یا کھن دھج پا
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 پٹے ضعف دالی بنیاد
 وزن لوہے دا ماشہ ہے
 سائیں بخش کیتے کئی بار
 رنگ بدن ہو جاوے لال
 رہے نہ جتے دھج قصور
 فائدہ بہت نہایت تھیوے
 گرم چیز دے راہ نہ جاوے
 رہے نشان نہ ضعف جگر
 پیلا رنگ اس خاص نشانی
 کرد علاج اس دانی الحال
 کرد دوا اس دا بالفرض
 گرمی سردی سمجھ مزاج

بیان ورم جگر

ورم جگر جد پیدا ہوئے
 طرف سمتی ادہ نل کھلوئے

لازم تار
 جے ہو ج
 ہے ایہ
 جیکر ما
 رنگ بہ
 باسلیق
 زرد خون
 جیکر ور
 رنگ ہو ج
 سوزش
 ہضم غذا
 نکل غذا
 ہووے لا
 توت بدن
 ہووے لا
 ہضم کدو
 ایک
 زردی
 او ترے
 جیکر ہووے
 چمک

لازم تاپ رہے ہے نال
 ہے ہو جاوے رومی مادہ
 ہے ایسہ دکھ بڑا ناپاک
 جیکر مادہ دھوی ورم
 رنگ بدن دا سوئے لال
 باسلیق رگ کھول ضرور
 زرد خون ہے نظری آ
 جیکر ورم ہووے صفراوی
 رنگ ہو جاوے زرد سیاہ
 سوزش تریہ تلخی گھبرا
 ہضم غذا نہ ہووے مول
 نکل غذا جاوے قے نال
 ہووے لاغر بدن ضعیف
 توت بدنوں گھٹ دی جائے
 ہووے اندر خشک نہایت
 ہضم کدو مغز بادیاں
 ہر یک تول وزن دوا
 دندے کوٹے دچ گھوٹا
 دو تولے شربت دینار
 جیکر ہووے ورم کینخت
 گوگل چربی مسٹا تیل

کرے روگی دا مندا حال
 ہوندی جاوے ورم زیادہ
 کرے روگی نول جلد ہلاک
 ہووے بہت نہایت گرم
 اکھیں چہرہ سرخ کمال
 گندہ خون کرو سب دور
 ورم جگر تے جوکان لا
 یا مادہ سٹریا سوداوی
 ضعف جگر ہووے ہمراہ
 نظر نشان آدن صفرا
 لازم رہے جگر دچ سبول
 بعضیاں نول آدن اسہال
 ہر ورم درد دیوے تکیف
 دن دن کھانا تھوڑا کھاے
 کرے قبض دی بہت شکایت
 کاسنی نال ملاؤ آن
 پنج تولے گلقد ملا
 شیرہ کٹھ ہر روز ملا
 پیوے نال ملا تھار
 کرے بہت نہایت سخت
 کرے گرم موم وچ میل

نت لگاؤ کر کے گرم
 طہریت بنت پلا دینا
 عرق کاسنی عرق ککو
 جیکر ہووے گرم مزاج
 خرفہ کاسنی گھوٹ پلا
 تخم کاسنی صندل بور
 پانی سرکہ گھٹ گھوٹا
 جیکر حاجت ہوں جلاب
 سولف کاسنی خوب گھوٹا
 تول تولہ وزن تولہ
 بہک چھٹاکی انبتاس
 چار تولے دھکھنڈ پلا
 جسے اس سے کرے ترے
 سندہ گرم یا خشک مواد
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 ورم نال تب لازم ہو
 سندہ خشک یا ہووے گرم
 بنفشہ مغز کدو بادام
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 پچھوں اس نول سے تلہین
 بنفشہ روغن مالش کر

سکت ورم ہو جائے نرم
 کرے جگر دی قطع ازار
 شامل اس سے نال ہے ہو
 ہرگز گرم نہ کریں علاج
 مصری کھنڈی جیہی پلا
 دھنیاں پھل گلاب کافور
 ورم جگر تے کرہ طلا
 نرم ملین دیہو شتاب
 مغز تخم کدو دھک پلا
 پنج تولے گلقد پلا
 کرہ اضافہ بے دسواس
 ترے واری دن دھک پلا
 صبح پیشی، دیگر لی لے
 کرے جگر دے عجز لہاد
 ورم نہ ہرگز کریں خیال
 سندے نال نہ ہرگز ہو
 پہلاں کرہ طبیعت نرم
 گھٹ گلقد پلا و شام
 گیو دودھ صبح کر استعمال
 ہر ہفتہ یک نال یقین
 بت داڑے ذرہ نہ ڈر

بلغم باد یا سرد ریاح	پھرے جگر دے گرد نواح
تا پ نہ اس نول ہوئے مول	نہے ہمیش جگر دے سول
عرق سولف دا شہد ملا	کڈھ تازہ ہر روز پلا
گرم بزوری دیوے نفع	کرے ریاح جگر دی دفع
مچون کونی رنت کھوا	دیوے جگر دی رتخ دنجبا
جواش دار چینی جے کھاے	بلغم رتخ دا نم اٹھاے
جیکر کھنگ نہ ہوئے نال	ترش چیزاں کراستعمال
سنبھیں بزوری منگوا	نجرے رنت نہار پلا

شربت بزوری گرم

بنا بزوری شربت گرم	زائل کرے جگر دا درم
کاسنی چھ تولے منگوا	چھ تولے دج سولف ملا
نم کرنس تولے ترے گھت	چھل جڑھ کاسنی تولے مت
چھ تولے جڑھ سولفاں لے	جڑھ کرنس گھت تولے ترے
پلوئی تخم کشوت بنھا	ڈیڑھ تولے دا وزن تولا
دارو کٹ سب رات لوسا	مچے دیچی دج جوشا
کل پن کپڑے دج تمام	ترے پاکھنڈ گھت کرو تمام
سرد آزار جگر دے کل	پیوسے رنت جاوے جب کھل

شربت دینار

شربت کرو تیار دینار	جگری مرضاں دے درکار
---------------------	---------------------

ریوند تخم کثوث منگا ریوند نون درڑہ کردا چھل جڑہ کاسنی پھل گلاب شت شت تولے وزن تولہ فجرے دیگی دے دچ ڈال نل کے پن کے صاف کرا دو ترے تولے نت ہلا پسک سونف کاسنی داق ماء الاصول ہلاذ ضرور	دو دو تولے وزن تولہ پوٹی تخم کثوث بنھا تخم کاسنی ڈال شتاب رات پانی دچ تر کردا دو ترے اس نون دیہہ ابال ترے پا مصری گھت پکا تازہ پانی ڈال ملا پیوے پیوے شتابی فرق کرے جگر دیاں مرضاں د
---	--

ماء الاصول بزور

ماء الاصول بزور بنا تخم کاسنی سونف منگا جڑاں سونف کاسنی دچ گھت گلقدن میل تولے دچ چار روگی نون ہر روز ہلا جیکر ہودے سرد مزاج کرے چنگی طرح خیال نال عقل دے سمجھ و توف	دیوے مرضاں جگر دغا تخم کھکھڑی کھیرے دچ پا ہرک ہودن ماشے ست کاڑہ جوشاندہ کرو تیار دیوے سدہ جگر دغا کر کرں اس دا گرم علاج کرنس جڑاں کرنس دچ ڈال کاسنی کرں خیال موقوف
--	---

منقہ پنج تولے دچ پا
عوض گلقدن دچ شہد ہلا

ہرک ہودن ماشے ست
کاڑہ جوشاندہ کرو تیار
دیوے سدہ جگر دغا
کر کرں اس دا گرم علاج
کرنس جڑاں کرنس دچ ڈال
کاسنی کرں خیال موقوف

سوء القنیہ

جدول جگاڑ جگر دج ہر دے	رنگ زرد پیلا ہو جاے
ہستاق پیراں تے ابرہوت	ہودے نظر نہ آوے خون
ضعف جگر دے وچ نشان	چہرے وچوں ہون عیان
سوء القنیہ مرض دا نام	کمن حکیم طیب تمام
ایہ پہلا درجہ استقا	لکھیا طباں وچ حکماء
تپ دے بعد جے ہوئے آن	تپ دا ادہ احتراق پچیان
ہے ادہ مرض مادہ بحرانی	لازم تپ اس خاص قحانی
سبب تاپ بحرانی ساڑ	دج جگر دے کرے جگاڑ
ہے ایہ خاص حقیقی مرض	تپ دے بعد ہودے بانوش
ہودے اس دا گرم مزاج	کرنا جائز سرد علاج
نبض قارویوں لے پچیان	گرمی والے تب نشان
شریت خاص سرد بزدلی	پیوے نت نہ سار ضرورت
دیوہ شریت درد دام	ہودے قطع آزاد تمام
جے پیوے شریت دیتار	ہودے دفع شتاب آزار
برہنئے دج یک تلشین	دیویں اُس نوں نال یقین
شریت افسنین پلا	عرق کاسنی سونف پلا
بہت کھلے سنگترے انار	کڈھن باہر جگر دا ساڑ
سکنجین سادہ بنت پلا	شیرہ کاسنی نال پلا
بلغم خام یا سرد مواد	کرے جگر دے دج فساد

سوء القیہ مرض ہو جائے
 کدے قبض تے گدی مروڑا
 وجہ مضمتے پورے تصور
 لاغری بہت بدن ہو جائے
 جادے مرض پرانی ہو
 ہستہ پیر کر جادون درم
 بل جادے استسقاء نال
 استسقاء دا کرد علاج
 منضج ماء الاصول دیہ گرم
 گویاں حب ایابرج نال
 عوض پانی دے عرق پلا
 جبیکر اس دا سرد مزاج
 کھادے سرد نہ کوئی چیز
 عرق سونف دا کر استعمال
 ڈاجی دا پیوے دودھ تازہ
 قسم اناج نہ ہرگز کھاوے
 جبیکر تاب ہووے اس نال
 سوء القیہ جبیکر مرض
 درم طحال دا کرد علاج

رنگ اکھیں چہرہ بدلاوے
 بھکھ بندے کھاوے تھوڑا
 بگڑے خواب والا دستور
 ضعیف طبیعت دے وجہ آوے
 رہے جسم دے وجہ کھلو
 پولا جسم ہو جادے نرم
 کرے روگی دا مندا حال
 پہلاں منضج دیہ شتاب
 جادے ہو طبیعت نرم
 کرد صفائی بدن سہماں
 تازہ سونف دا شہد ملا
 اس دا بے ایہ خوب علاج
 اتنی رکھیں یاد تمیز
 پانی ترک کریں ہر حال
 موافق قوت سمجھ اندازہ
 سرد پانی دے راہ نہ جادے
 کہ کہنیں دی استعمال
 درم طحال دا ہووے عرض
 تا ہووے تندرست مزاج

جبیکر رتج دا ہووے زور
 نکھان مجرب نسخہ ہووے

دار
عائ
ہم
رس
کھا
پانی
بابونہ
کرے
اس
کر دوا
رات
اگر ہفتہ
پاک
نروسی
کالی چم
جوڑ
کر کے

دار چینی گھم فرج سیاہ	پودنہ سنڈھ کردہ ہمراہ
ماقرحاتینوں اجوین	اصلی ہنگ برابر لین
ہک ہک تور دزن تولا	سوچر نمک تولے دد پا
رس کنوار دج بنھول حب	کھادے نفع دکھائے محب
کھادے جانوراں دا ماس	گھت مصالحہ بے دسواس
پانی سرد نہ لستی پیوے	جب تک خوب نہ چنگا تھیوے
بابونہ روغن مالش کر	بنت دھاڑے ذرہ نہ ڈر
کرے ریاضت بہت علیل	تا مادہ ہودے تحلیل
اس دارو دی کرتوں لوڑ	جیہڑا ریح نوں دیوے توڑ
کڑوا چراستہ افسنطین	ترے ترے ماشے دارو تین
رات پانی دج تر کردا	فجر جوشاندہ کاہڑ پلا
ہر ہفتہ دیویں تلئیں	طبع موافق نال یقین

شریت افسنطین مسہلی

پاک پکا پھل گلاب	افسنطین چھٹانک شتاب
تروی غاریقون سفید	ہک ہک تور ڈارو دید
کالی چھڑ چھڑ ماشے پا	رات پانی دج رکھ پھرا
فجر جوش کر صاف کرا	ترے پا کھنڈ سفید پلا
کر کے شربت دانگ تیار	پیویں دونوں وقت نہا

عرق سوقت دا نال ملا
دیوے اس نوں رب شفا

بیان استقا

بیٹ

استقا یک سخت آزار
 حدود باہر پیٹ و دھجائے
 جگروں موذی گرے مواد
 پردیاں دھج شکم گھس جائے
 مادہ فاسد کرے نزول
 ہضمے دھج بگاڑ ہو جائے
 استقا کے ترے اقسام
 خاص لمی دی ایہ شناس
 چہرہ شکم درم کر جائے
 جد انگل دی دیوے دب
 جائے جُستہ پُھل تمام
 طبعی جیہڑا استقا
 بہت شکم نوں دیوے کچ
 نال انگل جد چوٹ چلائے
 تئیاں جادے شکم نہایت
 زرقی استقا خراب
 خاص زرقی دی ایہ نشانی

بہت نہایت کرے خوار
 بہت انسان تکلیف پائے
 دھج شکم جا کرے فساد
 سخت شکم نوں ضرر پہنچائے
 پردے کرے صفائے قبل
 ضعف طبیعت دے دھج آئے
 لمی، طبعی، زرقی نام
 ستھیں پیریں پوے آساں
 دانگ نمیر بدن پُھل جائے
 ڈا پوے درم تے جھب
 ہندی دھج سچو دہر نام
 دھج شکم دے بھرے ہما
 کن کتھو دھر ہندی دھج
 دانگوں ڈھوں آوازہ آئے
 کرے قبض دی بہت شکایت
 دانگ شک ہو جائے آب
 دانگ مشک دے چھلکے پانی

ساجد استقا دا چار
 تے، منہج، سہل اظہار

لمج
 جب
 بنت
 جیکر
 پانی
 غرض
 ہے ایہ
 شکوہ
 نصف
 استقا
 جن
 قسم انما
 رسی شر
 غرض پانی
 عرق سوا
 سائیں بخ
 مجرب
 کسے ریام
 بنوری
 شریعت
 عرق سوا

<p> طبع موافق کر تلمیخیں حب ریوند کر استعمال نت پلا ڈالچی دا شیر جیکر تاپ نہ ہووے تال پانی آن نہ دیوے مول غرض غذا پانی دے دودھ ہے ایہ نسخہ بڑا لاثانی شکموں مادہ مرض نکال نصف رقی کوئین ملا استقاجے خاص ریاجی جن کتھو دہر استقاجی قسم المانج نہ ہرگز کھاوے نسی شربت مول نہ پیوے غرض پانی جے سونف دا عرق عرق سونف دا بہت پلا سائیں بخش اُس نوں آزما یا مُجرب مکی بابو نہ تیل کے ریاضت دیندے رات بندری شربت یا دیہ ورد شربت افستیں اکیر عرق سونف دا تال ملا </p>	<p> ہر ہفتہ یک تال یقین دیوے مادہ مرض نکال لحی نوں ڈٹھا اکیر شیر خستر دا کر استعمال پاوے تال ادہ صحت رنجیل دیہ ہر روز جے ہوئے بدھ تجربہ حکمت دج یونانی ہر ہفتہ بعد یقین تال عرق سونف دا نت پلا کے نہ مڑ کے ذرہ تباہی دیوے شکموں تخم اٹھا سرد پانی دے راہ نہ جاوے تال ادہ روگی چنگا تھیوے پیوے پلوے شتباہی فرق سرد چیزوں پرہیز کرا ہرگز کدے خلا نہیں پایا مل دج نمک تموڑا جیہا میل استحیٰ بہت ہوئے دکھات طبع موافق گرم یا سرد دج آزمائش ایس فقیر روگی نوں ہر روز پلا </p>
--	--

نحوہ
پاؤں
فساد
پنچک
مات قبیل
دعائے
قی نام
آسان
بل جادے
جھب
دہر نام
بھرے ہوا
دعائے
آوازہ اٹے
بت شکایت
جائے آب
چھلکے پانی

جے پیوے شربت دینار
 جیکر زتی استسقا
 پانی نشتر نال نکال
 حَب ریوندی کرو تیار
 حاذق حکماواں آزمایا
 کھائے ہر ہفتہ ہک دار
 ریوندہ گوگل غاریقون
 رب السوس سقمونیا گھت
 تروی توے چار پلا
 برابر مانہ دے دانے نال
 کھاوے ہر ہفتہ ہک دار
 جیکر ہووے مرد جوان
 لمی بلغمی استسقا
 دساں نسخہ ہووے آزمودہ
 جاوے مرض پرانی ہو
 استسقا طبعی نال نفع
 دار چینی مک مرچ سیاہ
 کالی زہری سنڈھ اجوین
 کٹ چھان کے داد سب
 ہک ہک رتی دا مقدار
 سونف منقہ بنت جوشا

جائے استسقاء آزار
 کرے خراب کسے نوں آ
 کل کلاخ کر استعمال
 استسقا دے ہے درکار
 فائدہ بہت نہایت پایا
 گولیاں نو ماشے مقدار
 ایارج فیقرا ہندی لون
 ہک ہک تولہ داروست
 عرق سونف وچ حَب بنا
 گولیاں بنھوں عقل سمبال
 چھ ست ماشے دا مقدار
 کھاوے نو ماشے بھر آن
 دیوے جسموں تخم اٹھا
 کامل حاذق دا فرمودہ
 رہے جسم دے دے کھلو
 دیوے نفع کرے سب دفع
 گوگل تخم کرفس ہمراہ
 دارو وزن برابر بین
 وچ منقہ بنھوں حَب
 وزن روزانہ ماشے چار
 پچھوں ماکھوں ڈال پلا

ہر
 کر
 ش
 نہ
 دیو
 پانی
 رد
 ہر
 شکل
 وچ
 پہلے
 سور
 بین
 پانی
 سرکہ
 وچ
 گرم
 است
 کسے
 است
 شکر

ہر ہفتہ یک کرد جلاب
 کرے جیکر صفرا بگاڑ
 شیرہ کاخی دیوے نفع
 نسخہ یک لکھاں ادرار
 دیوے دم جگر نوں سود
 پانی مولی دا کڈھوا
 ردگی نوں ہر روز پلا
 ہر ہفتہ یک قے کردا
 نکل مادہ موزی سب جاتے
 دوج جینے دو دو بار
 پہلے ہفتے قے کردا
 سوئے تخم مولی دے یا
 مین چل ڈوڈہ یک ڈال
 پانی ڈال پیالے ترے
 سرکہ یک پچھٹاکی گھت
 دوج حلق دے کھنپ پھرا
 گرم پانی دی کر امداد
 استقا سبب طحال
 کہے مواد سودا کرخت
 استقا مین اس نام
 نسخہ یک عجیب ہمتہ آیا

جادے استقا خراب
 پوے جگر دوج دائم ساڑ
 کرے بگاڑ جگر دا دفع
 رہے نہ استقا آزار
 استقا نوں کرے نابود
 شورہ تھوڑا جیہا پلا
 دیوے اس نوں رب شفا
 قانوپچہ دوج مکھیا حکماء
 مرض نہ مڑ کے شکل دکھائے
 تے جلاب کراویں چار
 دوجے دوج جلاب دیوا
 تول تول وزن تول
 کٹ سب پانی دوج اوبال
 ترے واری اس نوں پی لے
 میلو کھنڈ تولے دچ سنت
 مال عقل دے قے کردا
 ہووے خارج خوب مواد
 جیکر کرے کے بد حال
 کہے شکمے پردے سخت
 کہن حکیم یونان تمام
 بہت دفعہ میرا آزمایا

اس نون کرو تیار ضرور
تیزاب گندھک منگوا
نوشتا در سو اگ شورہ نے
ہک تول دھج ڈال کہیں
ترے پا عرق لے کے بادیان
تول تول رت پلاڈ
پہلاں ایہہ سفوف پھکا
نغم کر بخورہ تولے دو
تور میل اورڈ کونین
پکھوں اورہ دوا پلا
عین تے استقا یاجی
ڈاچی دا رت پیوے شیر
کمریاں دا پیوے دودھ
طبل جیکر استقا
نسہ کراں بیان لاثانی
اورہ پا اک دا دودھ چوا
چو مارے ترے اس بچ لکھا
تج حکمت پھر اس نون کر
جد مولہ ہو جاوے لال
چو مارے کونڈے دھج پیس
ہک ہک گولی رت کھوا

کرے مرض جن سب دوا
ماخے بیج بوتل وچ پا
تول تول داند ترے
ڈال بوتل وچ چائے پس
بوتل وچ ملاؤ آن
شیرہ کاسنی مال ملاؤ
ڈکھ جن دا رہے د کا
بو تولے ست ڈال محلو
کب ماشہ کھائے دن رین
دفع کرے جن استقا
نعل شکم تھیں ہون راہی
حق اس دے وچ ہے اکیر
تازہ نت جے ہوس بُدھ
دیوے نفع شکم نوں آ
تجربہ کیسا ہویا دہقان
آٹا کک اس وچ ملا
گولہ آستھاں مال بنا
وچ تنود گرم سے دھر
جلدی اس نوں باہر نکال
گوریاں اس دیاں بندھ آئیں
عرق سونف دا مال ملا

پانی
مویا
خرف
پیر
درم
توت
میزم
میکر
میکر

ہک پاسے روئی کنک پکا
 نسخہ ایہہ آزمودہ کار
 گوگل خالص بھینسیا آن
 ہک دو ماشے بے نت کھا کے
 تخم کرفس تے زیری سیاہ
 بلب صفرا یا بلغم شور
 دارد دیہہ اس نون ادرار
 سفید زیرہ ریوند جو کھار
 گٹ چھان کے کرد سفوف
 پانی مولی کٹ کڈھا
 مویاں اس نون بہت کھوا
 غرہ کاسنی تخم خیار
 نوشادر ریوند پیلک یا
 ایہ نسخہ آزمودہ کار
 استقنا مال رہے تپ
 دم جگر ہودے ہمراہ
 ہودے خاص روئی ادہ مادہ
 قوت بہت بدن گھٹ جاتے
 لازم تپ اس رہے دم
 جیکر مادہ سالم ہو
 جیکر تپ نہ ہو جے مال

تیل رشتا گھٹ شکم بخا
 دو ترے ہوئے شفا بیمار
 بھولے دے دے کور بریان
 طبل استقا و نجادے
 گھوٹ سر کے دچ یپ کرا
 استقا جے دیوے زور
 کرے جگر دا دفع جگاڑ
 شورہ وزن برابر چار
 ترے ماشے کھاؤن مال قوت
 ادہ پا پکا نت پلا
 مرچاں کایاں نمک لگا
 ریشہ پیوے نت نہار
 گھوٹ سر کے دچ یپ کرا
 سائیں بخش کیتی کئی بار
 مال اہل ادہ کرے ملاپ
 کرے روگی دا حال تباہ
 ہوندی جائے مرض زیادہ
 رنگ شکل چہرہ بدلائے
 کرے جیاتی ختم تمام
 جائے مرض چروانی ہو
 مادہ سالم کریں خیال

جد کہ اُس نون خیر ہو جائے طبل استسقا ریاحی عرق پودنہ سونف اجوین ہک رتی ہر روز کونین جیڑا کھی استسقا گرم زرقی نون دیون لفع کل کلاخ تے شربت درد	رحمت رب تھیں صحت پامے پامے عرقاں نال رانی ترے ایہ پنج پنج تو لے لین کر کے حل پلاون رین حب ریوند جیہا نہیں دوا کرن بگاڑ جگر دا دفع ایہ مجرب نسخے سرد
---	---

نسخہ استسقا زرقی مجربہ

چھل درخت شریہ کچال عوض پانی دے نت پلا تے جلاب شامل رکھ نال	پنج پنج تو لے کٹ ادبال عرق سونف دا نال پلا فاصلے نال کر استعمال
--	---

نسخہ کلکلاخ سرد

کلکلاخ کر سرد تیار کاسنی اصل چھل گلاب رب اتوس تے مغز خیار میل عصارہ فستقین زرد ہریڈال دی چھل گھت ماذریوں مدتر ڈال ترجیبیں کھنڈ ابلتاس گول پانی دچ صاف کرا	زرقی گرم نہ رہے آزار نال ملٹھی میل شتاب ہر ہک دد تو لے مقدار تو لے ترے کر بہت مبین وزن قدر اس تو لے ست کر کے تو لے پنج خیال میلو ایہ ترے بے دواس دیگی دے دچ گھت پکا
--	--

ماکھ
چھ
گرم
سایہ
ماذر
سرکیو

شربت
استسقا
معدیوار
سرکے
نجرے
ادھ
دو ترے

گھت من
لغز بہت
گھت جگر

<p>ماکھوں دانگ پکے جد قوام چھ ست ماشے نت کھوا عرم زنی جے استسقا سائیں بخش اس نوں آریا ماذریوں مدبر کر سریوں ہفتے بعد کڑھا</p>	<p>کٹ ملاؤ دوا تمام پچھوں شربت ورد پلا دیوے اس دی بیخ اٹھا بہت نہایت نفع اٹھایا ست روز سر کے دچہ دھر دھوئے دھتے رکھ سوکھا</p>
---	---

شربت ورد

<p>شربت ورد بنا طیب استسقا نوں دیوے نفع معدیوں خارج کرے مواد سرہک پکا پھل گلاب نجرے دیگی دچ جوش اودھ سیر پکا مصری گھت دو ترے تولے نت پلا</p>	<p>ہے ایہ نسخہ بڑا عجیب کرے شکم دیاں مرقاں دفع دفع جگر دا کرے فساد رات پوسا رکھ اندر آب کل کے پن کے صاف کرا شربت دانگ پکاویں پت عرق سونف دا تال پلا</p>
--	---

بیان ورم الطحال

<p>مخت مند دیکھ ورم طحال دفع ہضم دے پوے فتور اغز بہت بدن ہو جاوے ضعف جگر ہووے ہمراہ</p>	<p>حالت بہت کرے بد حال طاقت جموں ہووے دور چہرہ زردی رنگ دھارے کرے بدن دا رنگ تباہ</p>
---	---

چلے حرکت یا کرے کار
 دن دن قوت گھٹ ہی جاوے
 جلدی اس دا کرو دوا
 مویاں چار سبز منگوا
 ٹولی چیر بھانڈے وچ ڈال
 سفید زیرہ تے مرچ سیاہ
 نمک تھوڑا جیہا وچ گھت
 وزن چھٹانک ادھ پانت کھاوے
 رائی سرکے وچ گھوٹا
 بھلوٹا اوپر پوسے طحال
 چار دفعہ کر ایہو کار
 ساڑ گو کا گھیو زت لگا
 پنج توے تپو دا ست
 دو توے ہر روز یلا
 ترے توے مصری چھڑال
 سرک خالص مٹھا تیل
 مکھن ادھ یا فوری کھاوے
 کھر شو پانی گھت پیوے
 کھر ادھ پا دا مقدار
 ایہ بھی نسخہ ہے دہقان
 سائیں بخش حکیم فقیر

دل نول بہت پوسے دھڑکا
 روگی فکر کرے غم کھاوے
 مت ہو جاوے استقا
 دھو پانی وچ صاف کرا
 سرکہ ادھ سیر میلو نال
 دو دو توے کر ہمراہ
 کھاوے روگی ہفتے ست
 دم طحال دفع ہو جاوے
 پلستر اوپر تلی لگا
 کترو قینچی نال سمہال
 یک جینے وچ یک بار
 دیوے جھیدے زخم چھوڑا
 سرکے دے وچ بوتل گھت
 بشیرہ کاسنی نال با
 ترے ماہ نمک استعمال
 لوتلی تے دونوں میل
 کرڈے سخت طحال و بھاوے
 پچھ ماہ تیک تا چنگا تھوے
 پیوے پانی فجر نتار
 جگر کینا ہویا لانی
 ایہ نسخہ کھے اکیر

مرض
 زرد
 مرض
 یرقان
 ہود
 آلو
 خرفہ
 انار
 چرائی
 ترچھل
 بجرے

چالی دا
 ادھ یا
 چار توڑ
 رائی پا
 اک دین
 ہر اسہال

بیان مرض یرقان

مرض جلدوں ہووے یرقان زرد قارورہ زرد زبان مرض یرقان قسم ہے ترے یرقان جے ہووے ننگ سفید ہووے زرد چہرہ یرقان آلو انہلی ترشش انار فرد کاسنی خوب گھوٹا انار دانہ آلو کشنیز چراستہ پا پڑا آفستین تر پھل تولہ، نال ملا نجرے نل پن صاف کرا	پیلہ رنگ ہووے انسان اکھیں چہرہ زرد دمان اصفر - اسود - ایض ہے ایض اس نون اکھن دید ترش نقوع پلاؤ آن نقوع کر کے دیہ رت نہار وقت فجر دیہ مصری پا نقوع کر کے دیہ نال تمیز ہر راک ہوون ماشہ تین رات پانی دج رکھ پوسا مصری ڈال اس رت پلا
---	---

نقوع ملین

چالی دانہ آلو سیاہ ادھ پا پکا پھل گلاب چار تولہ پھل ہرڈ گھا رائیں پانی دج پوسا اک دن دے دج دو ترے در جد اسہال اس ہوون جاری	ادھ پا انہلی کر ہراہ چھٹاکی کاسنی میل شتاب اک تولہ دج میل سنا نجرے نل پن صاف کرا پیوے مصری ڈال نہار قطع ہووے یرقان بیماری
---	--

ہر ہفتہ ایہہ دیہہ تلین در ترے دفعے تے کراویں سکجین بنوری نہار	جاوے نس یرقان لعین فائدہ جلدی نال اٹھاویں پیوے رہے نہ ذرہ آزار
---	--

بیان بوا سیر

بوا سیر ہک مرض زبولن موہکے اگن سفرے دج ست قساں موہکیاں دیاں ہین نخلی - تری - عینی - تینی نخلی وانگوں مڑھ کھجور تری موہکا مثل چولے عینی موہکے مثل انگور تینی موہکا مثل انجیر تولی موہکے وانگ شہتوت تولی موہکے سمجھ مشال عمی موہکا بہت کرخت خون نہ اس توں آوے مول جہ ہو جاوے گندہ خون سفرے نال مچا دن جنگ رہے شکم دج قبض دام جے مدت تک ہے بیماری	موہکیاں وچول آوے خون کرن روگی نوں ڈاڈرانج بہت حکیم سپانے کمن تولی - تولولی - عینی سخت قسم موہکا مشہور سفرے دج تراٹاں مائے پاون سفرے دج فتور چلے خون اس تھیں جیوں سیر لے وانگوں نرم جیوں سوت جیونکر دانے مڑ چرال طرف باہر دی کرڑہ سخت اوکھا ہووے بہت رنجول موہکے پیدا ہون زبولن ضرباں سوزش مادن دنگ آوے کسی نہ دقت آرام پاوے سفرے وچہ خواری
---	---

دار

نسخہ

صدر

تیزار

ترے

دارچا

کر کے

کھرل

ذرہ

جد موہکا

ہک ہفتہ

جے

پھل

جد موہکا

ہیں

گھوٹ

جے موہکیاں

مردہ

اکور

دسا

سکجیاں

دارو اس دا کرو شتاب	مت زندگانی کرے خراب
نسخہ مجربہ سائیں بخش سنیا سی	
نسخہ بیان کراں عجیب	قطع کرے موہکیاں نوں جھب
صدری بصدری رڑیا آیا	دج کتاباں کے نہ پایا
تیزاب گندھک منگوا	ہک تولے دا مقدار تول
ترے ماشے گھت سم الفا	رہس کپور تولہ مقدار
دارچینا ورقہ ہڑتال	ترے ترے ماشے لے دچ ڈال
کر کے جمع بوتل دج گھت	وچے رکھ دہاڑے ست
کھل دے وچہ خوب پہا	شیشی دے دج رکھ ٹیکا
ذره ہک دارو سرچو نال	موہکیاں اُتے لا سمہال
جد موہکیاں تے دارو لاؤ	اوسے ویلے سیک دیواؤ
ہک ہفتہ جے دارو لاؤ	جرٹھاں تیک مرکے سب کھاؤ
جے دیوے تکلیف دوا	پلٹس گھت پنیر بنھا
پھل کے ہودن مرکے لال	اکھویں دسویں دیون کمال
جد مرکے مردار ہو جاوے	خود بوڑے ہو کے گر جاوے
ہیں کنڈی دے نال کھچا	قیچی نال اس نوں کترا
گھوٹ بھنگ مر پڑ بنھ	ذرا زخم دا ہے نہ سنھ
جے موہکیاں نوں زخم ہو جاؤ	اس مرہم دے نال چھڑاؤ
رُردہ سنگ سفیدہ رال	نت لگا مکھن دے نال
ہور دساں نسخہ اکیر	تجربہ سائیں بخش فقیر
سنگیہا دھاگے نال لگا	پانی تھوڑا جیہا ملا

اوہ دھاگا سوئی دچہ ڈال دھاگے نوں ہر روز کھیا دھونی گوگل روز دیوا جے آس نوں ہووے تکلیف نکے موکے مردار ہو جاون گندھی گھٹ کچ سمہاں بچھوں نگدہ بھنگ بنھا تیزاب گندھک منگوا کچ مدت موکھیاں تے لاسے گھیر دودھ بہت کریں غذا موکے تے بھہ ریشم دی تار	میکے دھ سوئی دے نال جاوے سب موکھیاں نوں کھا دانے حرمل نال پلا پیش بنہ پنیر کشیف درد پیڑ نہ ذرا مناو کٹ اس قینچی استرے نال دیوے عجبہ کے زخم چھڑا زنک لوشن دچہ حل کرا ایہ بھی موکھیاں نوں کھا جائے خشک چیزوں پر ہیز کرا موکھ ہو جاوے مردار
--	--

نسخہ بوا سیر

لے یک تول جت سڑا چھ چھ ماشے دا مقدار پانی دے دچہ نرم کرا نت لگاؤ صبح تے شام	پھٹکڑی لون باروت پلا میل کھل کر دارو چار مے اوپر کرے طلا خشک مے ہو گرں تمام
--	--

نسخہ مجربہ بوا سیر ساین بخش

شورہ قلی کتہ سفید رسکپور، توتیا بیان	سڑیا جت ہڑتال لے دید ہر یک تہے ترے ماشے آن
---	---

شورہ

دودھ

بیہم

تھوڑا

کڑے

پنیر

شورہ

کڑے

دودھ

شورہ

دس کنوار وچ حب بنا موہ کے تے جد کریں طلا	لا بنت لب دے نال گھسا ہک ساعت تک سیکے دیوا
نسخہ بوا سیر	
رسکپور - ورقیہ ہر تال جست ساڑیا کتھ سفید تیزاب گندھک وچ ڈال ہفتے بعد اس کھری کرنا	توتیا شورہ دے وچ ڈال وزن برابر دارد و پید بوتل دے وچ رکھ سہال مرد بوتل وچ رکھ رکھا
نسخہ بوا سیر	
شورہ پھٹکری آملہ سار دودھ اک دے وچ ترکرنا پیہہ کے ڈبی دے وچ ڈال تھوڑا لب دے نال رملہ ترے ہفتے جے بنت لگا دن	توتیا وزن برابر چار چھاویں اس نوں مکھ سوکھا رکھیں خوب حفاظت نال تخمیاں اوتے کرو طلا سب مسے گل کے جھڑ جا دن
نسخہ بوا سیر	
جڑے ہوئے سب لے منگوا گڑے وچ گل حکمت کر مرد آدے جھبے نکال تھوڑا لب دے نال گھسا	اُتے پیٹھ نوشادر پا وچ انگیتھی اگ دے دھر پیہہ کے ڈبی دے وچ ڈال موہیاں اُتے کرو طلا

نسخہ بوا سیر

ماچو پھٹکڑی کچلے	گھس لب دے وچہ دارو ترے
موکیاں تے نت کرد طلا	دیوے قائمہ ترے دکھا

نسخہ بوا سیر

رسکپور تے کتھ سفید	کر بریاں طوطیا دید
وزن برابر ترے دوا	پیہ کے کھن نال لگا
جد موکیاں تے دارو لاؤ	پچھل جلدی سیک دیواؤ
دو ترے ہفتے نت لگاؤن	سب سے گل خشک ہو جاؤن
جے دیوے تکلیف دوا	پریش گھت منیر بنھا

نسخہ بوا سیر

گداختہ کر کے جست شتاب	ڈال دیو اُتے سیماں
کر کے کھل ڈبی دج پا	لا نت لب دے نال گھسا

نسخہ بوا سیر

توتیا پارہ پھٹکڑی لے	ترے ترے ماشے داؤد تے
توتیا پارے نال طلا	نئے توں اڈل کھل کرا
چھ ماشے جست ساڑیا ڈال	سب دارو کر کھل کمال
تھوڑا لب دے نال گھسا	موکیاں تے نت کرد طلا

نیلا
دو
توتیا
بھانڈ
جد سفر
کتھ مرد
کوکر چھٹ
لانے ہر
دھونی اس
لگل اس
دھونی دیو
نار پست
دیو دھونی چھ
دھونی کچلے
دھونی بھنڈ

نسخہ بوا سیر دہستانی

نیلا تھوٹھا پھٹکڑی ساڑ دو سیر پکٹا کلر شور توتیا پھٹکڑی کر باریک بھانڈے مٹی بے دج بھر جہ سفرے نوں زخم ہو جائے کتھ مردہ سنگ سفیدہ رال	ایک ایک ٹوٹے دا مقدار دیہہ سیر پانی سے دج کھول اوس پانی دج میلہ ٹھیک نت اس نال استنجا کر اس مرہم دے نال چھڑا دے نت لگا مکھن دے نال
---	---

نسخہ دھونی بوا سیر

کرکڑ چھڑی بوٹی لیس دانے ہر مل بھنگ ملا دھونی اس دی دیوے سود گوگل اس دے نال ملا دھونی دیہہ پیرانا چم غار پشت جے دھونی دیوے دیہہ دھونی پھل اک دی جڑھ دھونی کچلے دی اکیر دھونی بھنگ جوین خراسانی	اجوین خراسانی دج پاہ گھوٹ سبھے یک جان کرا مورکے سب ہو جان تابود دھونی اس نوں نت دیوا زور مے داہورے کم نخشے فیض مے نوں ادویں مے خنک ہو جادہن جھوٹ تجربہ سائیں بخش فیر دیہہ مے ہو جادہ نال
---	--

جے دانے حرل نال ملاویں
زیادہ اس تھیں فیض اٹھاویں

نسخہ خوراکي بوا سیر

آٹا تخم بکین کڈھا
 کوکڑ چھڈی بونی پیوے
 بوا سیر دا جیسکر خون
 دساں نسخہ فائدہ مند
 بناؤ اُس نوں نال وقوف
 پا آٹا تخم بکین کڈھا
 چاکسو ڈال ترے وچ چار
 آب کوکڑ چھڈی کڈھوا
 پت رخم دا پانی کڈھوا
 مڑ پاپٹے دا پانی پا
 یا رسوت چھٹاکی تول
 میل دج رسوت سفوف
 چنے برابر جب بنا
 ترے حب وقت فجر کھا
 کوکڑ چھڈی رنت گھوٹا
 ایہ نسخہ کیتا آزمائشی
 کوکڑ چھڈی رنت گھوٹا
 کر کے صاف شیشی وچ گھت
 بوا سیر نوں دیوے سود

چھ ست ماتے رنت پھکا
 فضل خدا تھیں چنگا قیوس
 کرے نہایت خوار زبون
 جلدی خون ہو جائے بند
 کرے شکایت خون موٹوں
 بیخ تو لے کالی ہرڑ ملا
 ٹھوٹ کونڈے وچ خوب منوا
 ترے دفع تر خشک کرا
 اس وچ تر کر خشک کرا
 تر کر کے مڑ خشک کرا
 تھوڑے جیسے پانی وچ گھول
 گولیاں بنھو نال وقوف
 ترے ترے دونوں وقت کھا
 گھيو دودھ گو کے نال لگھا
 پچھوں دونوں وقت پلا
 سائیں بخش حکیم شناسی
 کپڑے وچ گھت صاف کرا
 لا موکیاں تے ہفتے ست
 سب مٹے ہو جان نابود

تردیک
ہک د

نسخہ

ستیاں

اٹھ دس

تیل مٹھا

مڑ کر صا

ماتے ترے

نال انگ

کر است

اول مو

اول سفر

نال انگ

بوا سیر

بوا سیر

تروٹک بوٹی گھوٹ پلا	دیوے اس نوں فیض پہنچا
ہک دو کالی مریج منگا	نمک تھوڑا جیہا دسج پا

نسخہ بو اسیر یونانی

نسخہ ایہہ بڑا لاثانی	لکھیا اندر طب یونانی
ستیاں تے جیکرنت لادیں	فائدہ بہت نہایت پادیں
اٹھ دس بجھو لے پکڑا	ڈال شیشی دے وچ رکھا
تیل مٹھا گھت تو لے چا د	دھپے رکھ جاپیس دھاڑ
مڑ کر صاف شیشی وچ پا	ترے ماشے تو تیا پیس ملا
ماشے ترے در قیا ہڑ تال	پیہہ کے میلو اسدے تال
نال انگل دے بت لگا	جاوے سب مٹیاں نوں کھا
کر استعمال مہینے تیک	موہکے سب گل جادون ٹھیک
اول موہکے باہر نکال	پھیر دوا کر استعمال
اول سفرہ تر کروا	روغن انگل نال لگا
نال انگشت لگا دوا	موہکیاں اُتے کرد طلا

بیان ریح البواسیر

بواسیر ہک قسم ریاحی	پادے سفرے دج تباہی
پھرے ریاح رد دیاں دے دج	درد کرے روگی نوں ریح

شامل نال آون اسہاں	کرن روگی دا مندا حال
--------------------	----------------------

حَبْ مَجْرَبِ رَیْحِ الْبَوَاسِیرِ حَبْ جَوَکْرَاجِ

کواں بیان مجرب حَبْ گوگل بھینسیا دس مثقال منقہ گھیتہ وچ کمر بریان ترے ماشے افیون ملا سوا لکھ اس سٹ لگائیں ہک ہک حَبْ دد دقتی کھاے گویاں جو گجراج اس نام	رتح بواسیر دنجائے حَبْ منقہ نصف وزن دج مثقال دانے سب نکالو آن حمام دستے دے وچ کوٹا گویاں ماشہ قدر بنائیں پانی دے گھٹ نال لنگھاے رتح شکم دے آون کام
---	--

نسخہ ریح البواسیر

لکھاں مجرب ہور دوا گوگل بھینسیاں زیری سیاہ اجدین پود نہ ہرٹاں رنگ وزن برابر سب دوا چھ ماشے پانی نال پھکا ایہ نسخہ آزمودہ کار	دیوے ریح بواسیر دنجائے زیرہ سیاہ کرد ہمراہ ستویں نال ملاؤ بھنگ گٹ کے سمیٹے جمع کرا بواسیر ریح دے نہ کا سائیں بخش کیتا کئی بار
---	--

نسخہ ریح البواسیر اطرِ یفل مقل

اطرِ یفل مقل ڈٹھا اکیر رتح رودہ نول دیوے نفع	دُر کرے دکھ ریح بواسیر در د پیڑ ہودن سب دفع
---	--

چھل بھیرہ ہرڑاں سیاہ	آٹہ نال کرد ہمارا
چھل ہرڑاں زرد ملا	دو دو توے چار دوا
گوگل ہک چھٹاکی آن	گھیو گوکے وچ کر بریان
کٹ پھٹاکی سب دوا	ماکھیوں خالص وچ ملا
وزن چھ ماشے نت کھڑے	عرق سونف دے نال لنگھا دے
رتج جے ہودے ٹھنڈی تر	عرق پودنہ شامل کر
جوشے ہودے باد انگیز	بالکل کر اس تھیں پلہ ہیز

بیان کا پت نکلتا ✓

حاجت وقت جے کے بیمار	نکٹے کا پت اُس باہر وار
ماسکہ قوت کم ہو جاوے	سُفرہ سارا باہر آوے
ہودے بہت طبیعت زچ	وقت حاجت دے لگے کھج
اکثر بچے بال نادان	ہودن اس دکھ نال حیران
لکھاں دوا ہک خاندہ مند	جس نوں کرن حکیم پسند
شاہ ارزانی دا فرمودہ	بہت بیمار دا تے آزمودہ
سُرمہ مابو پھل انار	پھٹکڑی نال ملاؤ ساڑ
چارے دارو کر باہیک	مثل خبار ہو جادون ٹھیک
گل روغن دے وچ ملا	سُفرے اُتے رت لگا
پانی وچ جوشا نیپال	آدست کر اُس دے نال
پورانہ چمڑا لے سڑوا	چھڑک کا پت گل روغن لا
ہور دسناں ہک عجب دوا	کتر دے پت گھوٹ بٹھا

بیان پھوڑہ بھگندر

پھوڑہ ہک بھگندر نام	رکھے سفرے پاس مقام
کس حکیم اس قرعہ ناسور	پاؤں سفرے وچ فتور
ریم ہے نت اس تھیں جاری	اوکھا ہودے بہت آزاری
ہے ایہ مشکل سخت آزار	بہت دیر تک کرے خواہ
موذی قرعہ بڑا بد بخت	دیوے دکھ نہایت سخت
جاوے زخم پُرانہ ہو	کئی سالوں تک رہے کھلو
بہت حکیم علاج کماون	کر کر کے ہو جادون عاجز
قرعہ نہ اس نوں کرے قبول	رہے ہر دم سفرے وچ سول
فسخ ہک لکھاں اکیر	بہت مجرب بے نظیر
بزرگ شناسی توں تہہ آیا	کئی دفعہ اس نوں آزمایا
بھگندر پھوڑا قرعہ ناسور	ہو جادون سب اس توں دور
سم گدوں دا تولے دو	گل حکمت کرے ساڑیا ہو
تور ہڈی گال دی ساڑ	ماشے ترے ملاؤ بھنگار
گوشت خورہ مردہ سنگ	ترے ترے ماشے میل سنگ
رہی پور ترے ماشے گھت	ہک سپ دی گنج داندست
تیل مٹھا ادھ پا مقدار	سپ گنج نوں اُسدے وچ ساڑ
آگ تھیں لاء کے ہیٹھ رکھا	پہیہ کے دارو سب ملا
کر کے مر دم دا لنگ تیار	تھوڑا لاون وچ ہک بار
ہاکی نال آلودہ کر	قرعہ ناسور اُسے رت دھر

سپ گنج

دن
بد
جد
پچھور
مردہ
ترے
سب
ایہ
روغن

سم گدوں
رہی پور
تور ہڈی
گوشت خورہ
رہی پور
تیل مٹھا
آگ تھیں
کر کے مر دم
ہاکی نال

خارش جیک

دن دے دج ہک بار لگا دے	اٹھویں پہر پچھوں بد لاوے
بد گندہ گوشت کھا جاوے	ایہہ مرہم نہ پھیر لگا دے
جدول قرعہ ہو جاکے صاف	کریے قصور خدا دند معاف
پچھوں مرہم ایہہ لگا	دیوے جھیدے زخم چھڑا
مردہ سنگ، موم کتھ رال	چارے چارے چھ مٹھ ڈال
تیرے تولے گوکا گھٹو لیا	گھٹ کر چھی دج موم رلا
سب دائرہ پیہہ دج رطا	ایہہ مرہم اس نت لگا
ایہہ مرہم مدت تیک کماے	گوشت تازہ نواں اگلے
روغن سم قرے نکال	بھگندرتے کر استعمال

نسخہ مجربہ بھگندرو ناسور و گھنیر

سم گدوں دا تولے چار	گل مکت کر اس نوں ساڑ
رسکپور - شنگرف - سیماں	ہک ہک تولہ میل شتاب
رال مردہ سنگ موم سفید	برابر وزن داخل کر دید
نیلا تھوٹھا کر بریان	ماٹھے ترے ملاؤ آن
لے دس تولے مٹھا قیل	بنا مرہم وارو سب میل
دن دے دج ہک بار لگا	اٹھویں پہر پچھوں بد لا
ایہہ ہے نسخہ بہت اکیر	تجربہ سائیں بخش فقیر

بیان خارش سفیر

خارش جیکر سفیر دج	ہودے کے نہایت نوج
-------------------	-------------------

اس دا کرد معلوم سبب سبب کرم جے خارش ہووے کرم شکم دا کرد علاج سبب جے ہووے گند خون خون جے ہووے بہت زیادہ جے ہووے مادہ صفرا سنگی رُمی جوکاں لا گل روغن سرکے دھج ملا	موافق مرض معالجہ مجب ناخن نال دیر نول کھووس حکاواں دا جویں روان نال جوکاں کڈھ خون زبون فصد نال کر خالص مادہ سوزش بہت کرے گھبرا مادہ موذی دفع کرا سُفرے تے مالش کروا
---	--

بیان ورم سُفرہ

جے سُفرے نول ہووے ورم باسلیق دا فصد کرا جے صفرا دی ہووے مادہ سفیدی اندا مُرخ لے آ مشک کافور تھوڑا جھاڈال در دجے ہووے شدت نال دھنیاں کاسنی پیگ لے گھوٹ پانی دھج لیپ کرا جیکر ہووے ورم زیادہ پش پنج ست روز لگا جد بن جادے مادہ ریم	مادہ دموی ہووے گرم ورم موذی تے جوکاں لا سُفرے دھج زیادہ گل روغن دھج میل لگا کر سُفرے تے استمال ایم تھوڑی جیہی دھج ڈال وزن برابر دارو ترے دیوے سڑکن تروت ونجا بلغم خون مرکب مادہ بنھوں پلش خوب پکا چھرو نشتر نال حکیم
--	--

یا
جد
سبب
محتل
کالی
بابون
میل

قرم
ولم
ناسور
یا کوئی
ماجو
گرے

درد گرو
سبب در
کس سبب
رنگ یا

<p>یا اس تے اودہ دارو لا جدوں دم ہو جائے جاری سبب ورم دا جیکر رتخ محل اس تے کرد ضماد کالی زیری سر کے نال بابونہ اسی مینھی لیا میل پانی مڑ کر کے گرم</p>	<p>دیکھ جیڑا زخم بنا ہو دے زائل کل بیماری کر توں اس نوں خوب صیغ ہو دے جلد تحصیل مواد گھوٹ لپ کر استعمال ڈنڈے کونڈے گھت گھوٹا پٹہ پنھوں اوپر ورم</p>
---	---

بیان قرعہ سفرہ یعنی نواسیر

<p>قرعہ جے سفرے دتج ہو ویم رہے نت اس حقیں جاری ناسور سفرے حقیں آدے ریم یا کوئی شخص موکے کٹوادے ماجو مائیں پھل انار گر کے مکھن نال ملا</p>	<p>بہت دیر تک رہے کھلو ادکھا ہو دے بہت آزاری نواسیر اس گھن حکیم اس سبب ناسور ہو جائے پھٹکڑی نال ملاؤ ساڑ زخم قرعہ تے رت لگا</p>
---	---

بیان درد گردہ

<p>درد گردہ چہ پیدا ہو دے سبب درد دا کرد شناس کس سببوں ہو یا درد رتخ یا ورم یا کنگر ہو</p>	<p>روگی ڈھائیں مارے رو دے نال علامت کر کے قیاس گرم طبیعت ہے یا سرد گردے دے دتج رہے کھلو</p>
--	---

کاہو غرقہ ، تخم خیار
 بذر البنج تورہ دق پاؤ
 ہمراہ شربت پوست خشکاش
 سبب درد دا جیکر درم
 گرمی خشکی پاؤے زور
 دہد گردے داسکے لپاڑ
 ہودے قبض نہایت سخت
 جھاڑا بول نہ آوے بول
 نظر بے آوے غلبہ خون
 جھینڈے باہلیق رگ چھڈ
 ظاہر درم بے نظری آ
 جیکر تاپ نہ ہوئے نال
 بنفشہ خطمی خوب گھوٹا
 آہا دق جواں دا ڈال
 گرم پانی دے کرے نطول
 عرق سونف یا عرق گلاب
 دس تولے خالص گلشنہ
 پنج تولے ترنجبین ملا
 جھٹائی گودا انبتاس
 تور ڈال روغن بادام
 حصے اس دے ترے چاکر

پنج پنج تولے دا مقدار
 ماشہ یک انیم ملا
 چھ ماشہ دیہ بے دسواس
 مادہ تیز نہایت گرم
 دیوے گردے دق مردہ
 ترچھے مٹھی دانگ بیمار
 گردہ جادے ہو کرخت
 ادکھا ہووے بہت رنجول
 کھول نصد کڈھ خون زبون
 مابض صابن دی رت کڈھ
 پشت کرتے جواں ملا
 گھٹو دودھ بہت کر استعمال
 پیلیک دھنیاں نال ملا
 کر گردے تلیپ سہال
 اوپر گردے درم نطول
 ڈیڑھ یک یا منگواشتاب
 مل عرق دق کر د پیوند
 کپڑے دق گھت صاف کرا
 حل کر اس دق نال قیاس
 فاصلے نال پلاؤ تمام
 فخر پلا پیشی دیگر

جدا سہال ہوون اس جاری
 ہو رہی ہو ٹوٹکے بہت عجیب
 کسٹرائل لے تو لے چار
 یاد یہ عرق سونف وچ گھول
 آتش جواں دی رشت پلا
 جے گردے وچ ہووے رتخ
 مادہ اس دا ہووے سرد
 ہرگز ذرا آرام نہ آوے
 رتخ گردے وچ مائے ڈنگ
 مجرب کراں بیان دوا
 ڈیڑھ چھٹ تک شراب منگا
 دو ترے دفعہ پلا گھٹ گھٹ
 رتخ گردے نوں کرے خواب
 محل اوپر کرد ضہاد
 بابونہ میٹھی اسی گھت
 گھوٹ پانی وچ گرم کرا
 جیکر دیویں کھچ گلاس
 سہنج تو لے زیرہ سیاہ
 ترے داری سرکے وچ تر
 مڑا اُس نوں کر کے بریان
 دار چینی مگ مریج سیاہ

جاکے قبض کھل ہک واری
 دیوے نفع قبض نوں جھب
 دودھ وچ گھول پیوے بیمار
 دیوے جھب قبض نوں گھول
 روغن نال بادام ملا
 کرد علامتاں نال صبح
 رتخ کرے گردے وچ درد
 درد نال روگی کرلاوے
 ہووے سخت آزاری تنگ
 دیوے فوراً رتخ اڑا
 عرق پودنہ سونف ملا
 جڑاں رتخ دیاں پٹے سٹ
 اس دا خاص دوا شراب
 ہووے رتخ دا دور فساد
 ایلوا کٹھ سوئے تلست
 تیل مٹھا گھت پیپ کرا
 کرے درد رتخ دا ناس
 پنج کلونجی کر ہمراہ
 کر کے خشک مڑا اُس نوں کر
 ماکھوں وچ ملاؤ آن
 سندھ ہر اک تولہ ہمراہ

<p>زیر گک اس دج ملا مرچاں پودنہ سونف اجوین جو گراج بھی خوب دوا ہے دکھ بہت پرانا ہو شدت پکڑے دوہے نال دستاں میں یک نشہ ہو دار چینی گک مرچ سیاہ خونچاں گک بابونہ گھت کر معجون ماکھوں وچہ ڈال جانورال دا کھائے ماس</p>	<p>چھ ماشے ہر روز کھوا پلا پچھوں اس نولی دن رین دیوے رتج دی بیخ اٹھا رتج گرتے دج رہے کھلو حالت بہت کرے بد حال دیوے درد رتج دا توڑ پودنہ سنڈھ کرد ہمراہ دزن برابر دارو ست کرد ہمیشہ استعمال ڈال مصالح بے وسواس</p>
---	---

نسخہ ریح شکن گردہ

<p>گک مرچاں سنڈھ لے شتاب دار چینی تے زیرہ سیاہ دو در تولے دا مقدار چھ ماشے دا وزن پھکا بھکڑا کاسنی تخم خیار</p>	<p>پودنہ میل کرفس شتاب دیسی اجوین کرد ہمراہ گٹ پھان پھکی کر تیار سونف ملٹی کاہڑ پلا ہر یک چھ ماشے مقدار</p>
---	---

بیان مرض سنگریزہ

<p>سبب ریت یا کنکر روڑ ریت سرخ آدے یا زرد</p>	<p>ہووے گرتے دج مردہ سخت ہووے گرتے وچہ درد</p>
---	--

کند
دو
ش
ک
جا
و
را
پیا
ک
گرم
ج
بابو
جیک
کاس
شیر
چھ
جد
مولیا
جو
کھاو

کنکر نکلے کدے کدائیں
 آوے دُورے نال آزار
 ثقل گرانی گردے دج
 شدت کرے جے درد نہایت
 کسٹ اُل لے تو لے چار
 چار تو لے دج کھنڈ ملا
 وقت درد جے قے کر دیں
 رائی مونی بیج منگوا
 پیالے ترے پانی دچہ ڈال
 یک پھٹاکی کھنڈ ملا
 گرم پانی دی کر امداد
 جے اس ہودے سرد مزاج
 بابونہ میبھتی سوئے جوشا
 جیکر بہت اس گرم مزاج
 کاسنی خرفہ بکھڑا بیا
 شیرہ پانی گھت کڈھا
 چھ ماشے سنگ یہود پھکا
 جد اُس نوں ہودے اورار
 مڑیاں دے پت خوب گھوٹا
 جو کھار قدرے دچہ گھت
 کھاوے نت مچون یہود

روگی رووے مارے ڈھائیں
 بہت دیر تک کرے خوار
 ہودے کرے نہایت زنج
 کرے قبض دی بہت شکایت
 دودھ گوکا سیریک مقدار
 پیوے ہودے قبض کشا
 بہت نہایت فائدہ پاویں
 تولہ تولہ کٹ جوشا
 چار تولے سرکہ گھت نال
 ترے پیالے ترے وار پلا
 خارج کرے تمام مواد
 اس دا ہے ایہ بڑا علاج
 اوپر درد نطول کرا
 کہ توں اُس دا سرد علاج
 چھ چھ ماشے وزن تولہ
 ترے ماشے شورہ نال ملا
 پچھوں ایہ دوا پلا
 کنکر کنکرے باہر وار
 قلمی شورہ نال ملا
 نت پلا دلاڑے سنت
 کنکرے ریت کرے نابود

<p>سونف لمٹھی کاسنی لیا چھ چھ ماشے سب دوا ترے ماشے سنگ یہود پکا جے اس خشکی غالب ہو کاسنی زیرہ سونف منگا ڈنڈے کونڈے وچہ کوٹا مصری کچھ قدرے وچہ ڈال بھٹیر جانوراں دا ماس گوشت پانی وچ پکا زیرہ نمک تھوڑا جیہا ڈال شورہ سنگ یہود جو کھار پنج چھ ماشے وزن پھکا جو کھار سو اگ قلمی شورہ چارے وزن برابر لیا سنگ زیرہ کنکر پتھر روڑ معجون عقرب جیکر کوئی کھاے</p>	<p>تخم کھیرہ ضربوزہ لیا پیوے اس نول ریت جوش پچھوں اس نول کاہڑ پلا گھٹو دودھ جیہا دوا نہیں کو تخم بھکھڑا نال رطاب شیرہ کڈھ کے صاف کرا کرو ہمیشہ استعمال کنکر ریت کرے سب ناس گھٹو گوکا دافر وچہ پا کر کچھ مدت استعمال کلنتھی وزن برابر چار پچھوں زیرہ سونف پکا کرن پتھر نول بھورہ بھورہ پتی سنی نال پھکا مٹانیوں گردیوں کڈھن توڑ کنکر پتھر روڑ و نجادے</p>
--	--

معجون عقرب

<p>معجون عقرب ہے عجیب دوا کر ریت اس نول استعمال پکھاں بیدگ مرچاں لے</p>	<p>دیوے کنکر ریت اوڑا دیوے کنکر ریت نکال چھ چھ ماشے دارو ترے</p>
---	--

ساڑ اکھوئیں تولے چار سُنڈھ ترے ماشے دچہ پا کھادے چھ ریتی مقدار سولف کاسنی تخم خیار انیسول تخم خربوزہ گھت رات پوسائیکے فجر اوبال چار تولے گوکا گھیٹو پاء	کاکج دو تولے مقدار ماکھوں دچہ معجون بنا پیوے نال جوشاندہ کاہڑ ہر ہک تولے دا مقدار کلمھی ہر ہک شے ست مل پن کے دچہ مصری ڈال پچھوں اس نول ترت پلا
---	--

معجون حجر الیہود

کرد تیار معجون یہود پاہک سنگ یہود منگا مغز تخم کھکھڑی دچہ ڈال کاکج دچہ کلمھی پاء گٹ چھان دچہ شہد پلا کاسنی بھکھڑا تخم خیار کئی دفعہ اس نول آزمایا جیکر پتھر بہت کرخت نے جا اس نول ہسپتال	ریت کنکرنوں کرے نابود کھل دے دچہ خوب پسا مغز تخم خربوزہ نال دو دو تولے سب دوا چھ ست ماشے رت کھوا پلا پچھوں ہودے ادرار بہت نہایت نفع اٹھایا کرڑہ بہت نہایت سخت کڈھن باہر آسانی نال
--	---

ورم گردہ و مثانہ

مثانے یا گردے دچہ درم	ہودے سوج یا پھوڑہ گرم
-----------------------	-----------------------

کرڑہ سخت ہووے تپ نال
 جھاڑہ بول نہ آدے مول
 جے ادہ ہووے ردی مادہ
 دیوے کسے نہ وقت آرام
 جیکر ہووے مادہ سالم
 رنگ ورم جے ہووے لال
 باسلیق یا صافن چھڈ
 جے صفراوی ہووے مادہ
 ملین و بھلتاس کرا
 ترنجبین پنج توے گھت
 محلل لیب اٹے کر ورم
 جیکر تاپ نہ ہرگز ہو
 بابونہ اسی مہتھی لیا
 پانی گھت کونڈے گھٹوا
 جیکر قبض طبیعت ہو
 کسٹراکل لے تو لے چار
 گھنڈ تھوڑی جیہی میل پلا
 جیکر سرد سوداوی ورم
 ماش تیل نطول مکور
 جیکر درد نہایت ہووے
 ایہ دوا اس کرو طلا
 ضرباں درد کرے بد حال
 ڈاڈا ہووے تنگ رنجول
 ہوندی جادے مرض زیادہ
 کرے ردگی دی عمر تمام
 نال عقل دے کرتوں معلم
 دھوی مادہ کریں خیسال
 جوکاں نال گندہ لٹو کڈھ
 ہووے سوزش درد زیادہ
 عرق سونف لے دج طلا
 مل گلفند تو لے دج ست
 گل روغن دج کرے گرم
 گھیو دودھ جیہا دوانیں کو
 آٹا دج جواں دا پا
 میل روغن گل لیب کرا
 دیہر ملین اس نوں کو
 عرق سونف پاک مقدار
 ہووے اس دی قبض کشا
 کر استعمال دوا تر گرم
 نہیں کوئی مثل انہادی ہو
 روگی ہنچوں بھر بھر دے
 دیوے فرار درد ادھا

ج
 جا
 ریم
 نال
 جیکر
 جیکر
 جے
 ملین
 شائے
 ترنجبین
 بھر

کاہو کیسر گوند افیم جیکر ورم پیپ کر جاوے نال نشتر دے آس نوں چیر لعاب بنفشہ نیلوفر مصری تھوڑی جیہی ملا لعاب بہیدانہ اسبغول لعاب تخم خطمی جے پیوے فرزہ کاسنی گھوٹ پلا	سفیدی مرغ پلا حکیم طرف باہر دی نظری آوے خارج کرد مواد شہیر ریشہ خطمی شامل کر روگی نوں ہر روز پلا نت پلا مصری وچہ گھول حکم خدا تھیں چنگا تھیوے دھنیاں کاہو نال ملا
--	--

بیان قروح گردہ و مثانہ

جیکر ورم پیپ کر جاوے جاری اس تھیں ہووے ریم ریم آفے دل نال پیشاب نال عقل دے کرد علاج جیکر مادہ دھوی ہو جیکر ہووے حاجت آ جے گرمی دی کرے شکایت ملین دیہہ اس ابلتا س مثانے یا گردے وچہ ہووے ترنجبین خالص تھکند پھر اس نوں دیویں اورار	بہت گندہ ہوئی کے پھٹ جاوے آکھن اس نوں قروح حکیم ہووے سوزش درد عذاب کر دریافت طبع مزاج باہجہ قصد نہیں دارو کو جوکاں اس تے تریز لگا ہووے سرکن درد نہایت عرق سونف گھت نال قیاس وقت بول دے روگی رووے کر کے اس دے نال پیوند کر دے مادہ باہر دار
---	--

بھکھڑا تخم خیار گھوٹا
 کچھ قدرے مصری وچ گھت
 مواد موذی تھیں کرو صفائی
 جدوں قرح ہو جاوے صاف
 شیان ابیض دی کرو پکاری
 قرص کا کج جے او کھاوے
 نال پیوے شربت خشخاش
 گھیو دودھ گوکا ترے پلا
 بھکھڑا کاسنی سونف گھوٹا
 کر کے اس نوں کپڑ چھان
 دو تولے وچ شہد پلا
 ایہ بھی کرے قرح نوں صاف
 نسخہ ہک عجب ہتھ آیا
 جیکر قرح پڑانا ہو
 پاک ہے اس تھیں نت جاری
 بول دیورا آدے بدبو
 کرے جے اینوں استعمال
 لوبان کوٹیا مکھہ سفید
 روغن صندل نال پلا
 کٹ چھان کے دارو سب
 ہک ہک گولی نت کھوا

کاسنی خرفہ نال پلا
 پیوے نت دھڑے ست
 ہووے مرضوں جلد رہائی
 کرے قصور خدا دند معاف
 ہووے جلد دفع بیماری
 درد قرح داترت دنجائے
 کرے شتاب درد داتاس
 دو تولے وچ شہد پلا
 دیگی پانی گھت جوشا
 چار تولے گھیو ڈالو آن
 روگی نوں ہر روز پلا
 کل تفصیر کرے رب معاف
 بہت دفعہ اس نوں آنایا
 دینج مشانے رہے کھلو
 اوکھا ہووے بہت آزاری
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 ہووے قرح دفع فی الحال
 خشک بیروزہ مابو دید
 پنج پنج تولے کل دوا
 چھ ماشے دی بھنوں حب
 گھیو دودھ گوکا نال پلا

ذیاب
 پیوے
 کیڑیا
 روغن
 اکثر
 ترے
 بھکھڑا
 ایہ بھی

قرص پُرانا دُوکھ سوزاک	کھانڈیاں گولی جادو بھاگ
قرص کا کنج	
<p>قرص کا کنج نسخہ لاثانی دیوے قرص مٹانہ نفع مغز تولے دس تخم خیار تخم کرفس ، دم الاغویں گل ارمنی رکر گوند ملا ترے ماشے دج ڈال اہیم بہیدانہ دے دج لعاب ہک ہک قرص ہر روز کھوا</p>	<p>بجرب حکمت دج یونانی فوراً درد کرے سب دفع کا کنج چار تولے مقدار بھنگ فراسانی اجویں ہک ہک تولے سب دوا چالی قرص بنا حکیم نال عقل بنہ قرص شتاب شیرہ خرفہ گھوٹ پلا</p>
ذیابیطس	
<p>ذیابیطس ہک سخت آزار پیوے پانی بہت نہایت کیڑیاں کھچیاں اُپر بول دن دن قوت گھٹدی جاوے اکثر بل جادے دق نال ترے ماشے لے پھل انار چھ ماشے دھنیاں دج پا ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ</p>	<p>بول چلے اس مثل نشار آوے بول اس ہر ساعت بیشن خاص حکیمان قول لاغر بہت بدن ہو جادے کرے روگی دا مندا حال انبل دو تولے مقدار مصری گھٹ نقوع پلا شاہ ارزانی دا فرمودہ</p>

نسخہ مجربہ ذیابیطس

نسخہ ایہ بنا ضرور
 افیم کیس ، کچلہ کونین
 وزن برابر دارو سب
 بنھوں گویاں سب سنوار
 ہک ہک گولی نت کھوا
 گوشت گھیو گھت نت کھائے
 روٹی کنک تھوڑی جہی نال
 کرے حیوانی نت غذا
 گوشت گھیو انڈے نت کھائے
 ایہ نسخہ اعظم اکیر
 مجرب ہک نسخہ لاثانی
 قرص ذیابیطس اس نام
 کاہو خرفہ دو دو
 دھنیاں صندل گلاب
 گل ارمنی تے پھل انار
 ترے ماشے گھت مشک کاؤر
 نو ماشے دا قرص بنا
 کرے ذیابیطس ٹکھ دور
 پکھاں بید دارو پنج ہین
 کٹ پانی دھج بھول حب
 دو دو رتی دا مقدار
 دونویں ویلے بعد غذا
 نمک مصالح ذرہ نہ پائے
 کرے گوشت نت استعمال
 انڈے گھیو دھج پکا
 ٹون مرچ دے راہ نہ جائے
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 تجربہ کیتا ہو یا یونانی
 کرے استعمال صبح تے شام
 پنج پنج تولے وزن تولا
 دو دو تولے میل شتاب
 چھ چھ ماشے دا مقدار
 دھج دوا ملا ضرور
 پانی ایسیغول ملا

کھائے قرص ہک نت بیمار
 پیوے پانی ترش انار

بیان بول الدم

بول الدم ہک مرض زبون زخم مثانے گردے و ج سبب گرمی یا رگ پھٹ جانے غالب خون جے نظری آوے پا پڑا رلم مہندی کشنیز ہک دو ہفتہ رنت پلا جے گرمی دا ہووے زور نشانہ کلر گوند کتیرا چل انار پھکڑی خام پھکی چھ ماشے رنت کھاوے بکھڑا کاسنی خرفہ لیا	راہ بول دے آوے خون ہووے کرے نہایت زنج ہووے سوزش درد اکاڑے یا سلیق دا قصہ کراوے ایہ نقوع عجائب چیز دیوے خون دا جوش بٹھا نسخہ عجیب دساں ہک ہور مغز تخم کھکڑی کھیرا ہر ہک تول وزن تمام بول الدم دا دکھ و نجات پچھوں شیرہ گھوٹ پلا
---	--

نسخہ بول الدم

کربا گوند کلر گل انار خون سیا و شاں کندر لیا ترے ترے تولے کل دوا کٹ پھان سب جمع کرا	کتیرا مغزے تخم خیار طباشیر گل ارمنی پا ماشے ترے افیم ملا پنج چھ ماشے رنت پھکا
آملہ تخم انار پوسا پچھوں ایہ نقوع پلا	

نسخہ بول الدم

سفید زیرہ الاچی جو کھار
گٹ چھان پھکی کر تیار
پچھوں ایسہ نقوع پلا
آملہ تولہ رات پوسا
دو تولے مصری وچہ ڈال
ریوند وزن برابر چار
پنج ماشے دیہہ نت تھار
پاپڑا دھنیاں رنم حنا
فجر گھوٹاٹیکے صاف کرا
کر دو ہفتے استعمال

بیان سلسل بول

سلسل بول یک مرض خراب
پیوے پانی بہت زیادہ
بول دگے ہر وقت مدام
قوت گر دیاں دی گھٹ جاوے
ستا لاغر بدن ضعیف
دھنیاں مر کے وچ پوسا
مٹا اس نول کر کے بریان
لعاب بہیدانہ مصری ڈال
پت رنم دا شیرہ کڈھوا
ہینے وچ دو ہفتے کروا
جسٹ الحید معجون جے کھاوے
گوشت بکرے دا دن رات
جاری ہے ہر وقت پیشاب
بول آوے اس بے اندازہ
آوے کسے نہ وقت آرام
ضعف مٹانے دے وچ آوے
ہووے جیونکر مرد ضعیف
ترے دینہہ مٹا اس خشک کرا
گھوٹ پھکی تولہ نت آن
استعمال کر اس دے مال
کر کے صاف اس نت پلا
دیوے اس نول رب شفا
سلسل بول دفع ہو جاوے
کھاوے دکھ ہو جاوے مات

شیرہ
بیضہ
نیم

چھل
پنج
ادھ

اکھیل
ادھر
ایہ

بہت
ست

تقطیر
تر پھل

پانی
ہت

نظرہ قطر
سبب

شیرہ دھنیاں وچ پکاوے بیضہ مرغی دا منگوا نیم بریاں اس نوں کروا	مرچ مصالح نمک نہ پاوے برابر گھیو اُس دے وچ پا روٹی نال اس نت کھوا
---	---

نسخہ معجون خبث الحذید

چھل ہریڑ بہیڑہ لیا بنج پنج تولے دا مقدار ادھ سیر ماریا ہو یا منور اکھیل وچ معجون بنا ادھر ڈک جے نت اُتوں پیوے ایہ نسخہ آہن اکسیر بہت مریضیاں تے آزمایا ست سالان دا ایہ آزار تقطیر البول تسلسل دکھا تر پھل پت نم پھل انار پانی وچ نقوع کر پیوے پت نم دے نت گھوٹ پلا	آملہ دی چھل نال ملا کٹ چھان کے رکھ سنوار میلو اُس دے وچ ضرور چھ ست ماشے نت کھوا فائدہ بہت نہایت تھیوے تجربہ سائیں بخش فقیر اُس دے کہے خطا نہیں پایا ہو دے اس تھیں تر ت فرار زائل کرے ہوئے تن سکھ بنج پنج ماشے دا مقدار فائدہ بہت نہایت تھیوے دیوے مسلسل بول و بجا
---	--

بیان تقطیر البول

قطرہ قطرہ بول جے آوے سبب جے سردی بلغم باد	تقطیر البول ادھ مرض سداے کمرے مشائے وچ فساد
--	--

ماسکہ قوت سست ہو جاوے
 دیہ نسخہ آہن اکسیر
 بیضہ مرغی دا ہک آن
 دو تولے دج شہد ملا
 کلے تل گھوڑ گھٹ گھوٹا
 دو ترے ہفتے جے نت کھاے
 جو گراج دی کھاے حب
 جے گرمی دا خاص نشان
 ہووے رنگ قارورہ زرد
 غرقہ کاسنی تخم خیار
 گھوٹ پانی دج صاف کرا
 گوکا مکھن رنت نہار
 بکری دا درہ مصری ڈال

ضعف مٹانے دے دج آکے
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 گھیو گوکے دج کر بریان
 روگی نول ہر روز کھوا
 ہک چھٹانکی رنت کھوا
 ضعف مٹائیوں دوبرہ جاکے
 تقطیر البول و نجادے جھب
 کوڑا ذائقہ خشک دمان
 دج مٹانہ سوزش درد
 چھ چھ ماشے دا مقدار
 دقت شام دیہ مصری پا
 کھاے ذرا نہ رہے آزار
 دقت شام کر استعمال

بیان بندش بول

بول جے بند کے دا ہووے
 بول نہ اس نول آسے مول
 کر تون چنگی طرح شناس
 کس سبب تھیں ہو یا آزار
 سبب ریت یا کنکر ورم
 یا کوئی ضرب یا لگے سٹ

روگی ڈھائیں مارے روکے
 دج مٹانے ہووے سول
 نال عقل دے کر کے قیاس
 کس مائے دا ہے بجاڑ
 یا کوئی رتج یا مادہ گرم
 یا باطن وچہ ہوے پھٹ

سبب
 یا سلیو
 عمل

ظاہر
 سبب

سبب
 مویاں

ہک ہر
 شورہ

دیہ ترہ
 میننگنی

مٹانے
 جیکر ہو

دج مٹا
 شورہ

پانی ورج
 لکھو ڈنڈ

لے ذرہ
 شورہ کی

دج مٹا
 بول نہ

سبب بندش دا جیکر درم
 با سلیق رگ نول جھب چھڈ
 عمل روغن ماس کر دا
 ظاہر درم جے ہووے لال
 سبب مواد غلیظ یا گند
 سبب ریت یا کنکر ہو
 ٹولیاں دے پت خوب گھوٹا
 ہک ہفتہ کر استعمال
 شورہ قلمی تولے ترے
 دیہ ترے دار پانی وچ گھول
 مینگنی چوہاں دیاں گھوٹا
 مٹانے اوپر کرد ضماد
 جیکر ہووے درم کرخت
 وچ مٹانے اٹھے سول
 شورہ کالی مرچ کافور
 پانی وچ شیاف بنا
 رکھ ڈنڈی وچ ٹھنڈی آب
 لے ذرہ ہک مشک کافور
 شورہ کیسو پھل گھوٹا
 وچ مٹانے جیکر ریح
 بول نہ اس نول آوے مول
 ہووے دموی مادہ گرم
 صافن تھیں گندہ لو کڈھ
 دیوے اس نول رب شفا
 جوکاں لا اس تے فی الحال
 جیکر بول ہو جاوے بند
 وچ مٹانے رہے کھلو
 تولہ شورہ گھت پلا
 دیوے کنکر ریت نکال
 حصے اس دے ترے کرے
 دیوے جھب نول نول کھول
 قلمی شورہ مال رلا
 بند بول نول کرے کشاد
 کرڈہ بہت نہایت سخت
 گرم پانی دی کرد نطول
 وزن برابر پیس ضرور
 وچ سو دا رخ قضیب چڑھا
 آوے اوے وقت پیناب
 رکھ ڈنڈی دے وچ ضرور
 پانی دے وچ یسپ کرا
 ہووے تیغ دیوے تصدیق
 وچ مٹانے ہووے سول

انیسوں سونف کرفس اُبال
 پودنہ الاچی دانہ گھت
 ہر ایک ہودے ماشے چار
 دو تولے ماکھوں وچہ گھت
 گرم روغن دی ماش کر
 جیکر دیویں کھج گلاس
 جانوراں دا ماس کھوا
 بابونہ ہرمل سوئے اُبال
 بابونہ روغن اکٹھ سداب
 روغن بید انجیر پلا
 تخم کرفس اجوین گھوٹا
 پانی کچھ قدرے وچہ ڈال
 پیٹھ توے دے اک ٹکڑا
 تیل مٹھا گھت کرو ٹکور
 گل بابونہ میٹھی آن
 کٹ جوشا کر کرو نطول
 جیکر ہودے خشک مزاج
 گھید دودھ گوکا میل پلا
 جے کھلے کسے نہ جیلے بول

دار چینی زیرہ وچ ڈال
 کٹ ملا ایہہ داروست
 کر کے صاف پلاؤ نہار
 پیوے رت دہارے ست
 نال زورے ذرہ نہ ڈر
 کرے درد متع دا تاس
 دار چینی زیرہ وچ پلا
 درم سخت تے پانی ڈال
 ماش کر ہر وقت شتاب
 عرق سونف دے نال ملا
 نمک سبھی کٹ نال ملا
 پوٹی بنھ دھاگے دے نال
 رکھ پوٹلی گرم کرا
 جاوے رتج ٹھکانہ چھوڑ
 حرمل تخم کرفس بادیان
 پادے جھب شفا رنجول
 کراس دا مرطوب مزاج
 گل روغن ماش کرا
 نفع نہ دیوے کوئی ڈول

ہسپتال وچہ جلد نے جا
 نال سوئے دے بول کرا

پیدا
 خون یا
 بول و
 ڈنڈی
 یا حیض
 یا کوئی
 یا کوئی
 ڈنڈی
 ہودے
 اقل کر
 پکھوں
 جیکر
 استعمال
 نسخہ کرا
 دیوے م
 بابونہ
 الاچی
 کٹ
 چھ
 ہرے

بیان سوزاک

<p> پیدا ہووے دکھ سوزاک خون یا پاک آوے راہ بول بول وچوں آوے بدبو ڈنڈی دے دھچ پوندا ساڑ یا حیض دالی عورت دے مال یا کوئی پیوے بہت شراب یا کوئی کھاوے گرم غذا ڈنڈی دے دھچ زخم ہو جاوے ہووے ایس سبب آزار اقل کر اس اندری جھاڑ پچھوں اس نول دیو دوا جیکر قرعہ پیرانا ہو استعمال کرو پچکاری نسخہ کراں بیان عجیب دیوے مرض سوزاک دنیا ریوند چینی شورہ دید الچی خورد پشکری خام کٹ چھان پھکی کرتیار فجرے شام ہمراہ نقوع </p>	<p> اچانک ڈنگ مائے جیون ناگ ہووے زخم قرعہ دی ڈول سرکن درد نہایت ہو سادہ گرمی کرے بگاڑ ہووے بہت خراب کمال تیزی کرے قصب خراب یا کوئی تیز یا سخت دوا درد نال روگی کرلاوے بہت طبیعت کرے بیزار دے کے کوئی دوا ادرار دیوے گرمی جگر بوجھا ڈنڈی دے دھچ رہے کھلو اس دے جیہ نہیں کوئی کاری صاف کرے جھب قرعہ قصب جلدی رب اس کرے شفا جو کھار زیرہ دھچ ڈال سفید مک بک تولہ وزن تمام پیچ چھ ماشے دا مقدار رکھ دو ہفتے اس نول شروع </p>
--	--

پا پڑہ پت غم مندی لے
 نقوع پانی دج کر کے تر
 ادھ پا پکا گھیو پنکھار
 گورکھ پان بوٹی اکیر
 رات پانی دج رکھ پوسا
 درد نہایت کرے جے تنگ
 رسونت افیم کافور گھسا
 ترے ماشے پھٹکڑی پھل کرا
 مویاں دا پانی رت پیوے
 غم پت پیوے رت گھوٹ
 بوٹی بھنگ اس رت پلا
 نسخہ ہک بکھاں کرامات
 کریں جے ایسوں استعمال
 کباب چینی تے کتھ سفید
 مٹھی میل گھو دا ست
 سہاگ پھٹکڑی کر بریان
 دو ماشہ دج ڈال افیم
 ہر روز صاف کر کے دج گھت
 چھ ماشے دا وزن پھکا

پنج پنج ماشے وزن ترے
 شامل نال پھکی دے کر
 پیوے مصری ڈال تھار
 دج آزمائش ایس فقیر
 مجھے مصری ڈال پلا
 وانگ اٹھوئیں مارے ڈنگ
 پانی دج رت کر د طلا
 کھور لسی دج رت پلا
 بہت شتابی چنگا تھیوے
 رہے سوزاک دا ذرا نہ کھوٹ
 برہم ڈنڈی دے نال طلا
 دفع ہو جادے دکھ آفات
 دیوے دکھ سوزاک نکال
 تباشیر الچی ڈالو دید
 آٹا پھل بکتر دا گھت
 ہر ہک تولہ میلو آن
 پھکی کٹ بنا حکیم
 تول وزن دج تولے ست
 خرد کا سنی گھوٹ پلا

ایہ بھی ہے نسخہ آزمایا
 فائدہ بہت نہایت پایا

سفید
 ہر
 دن
 کچی

جبکہ
 سنگ
 سک
 الچی
 خرد
 پھکا

نسخہ
 پھٹکڑی
 سنگ
 سک
 رال

نسخہ اندری جھاڑ

سفیدہ زیرہ ریونڈ جو کھار ہر یک تولہ تولہ لیا دن دن پنج چھ دفعہ پھکا کچی لسی بے شمار	قلبی شورہ دارو چار چارے کٹ کے جمع کرا کچی لسی بہت پلا پیوسے بہت ہووے ادرا
--	--

نسخہ سوزاک مجرب

جیکہ تینوں ہووے لوڑ سنگ جراحی تولہ گھت سکے لے مصری دج مار الچی خورد تولہ دج ڈال فرزہ کا سنی بھکھڑا لیا بٹھا مرچ نہ ہرگز کھاے	مجرب نسخہ دشاں ہوا خشک بیروزہ تولے ست دو تولے تولے دا مقدار چھ ماشے کر استعمال پکھوں شیرہ گھوٹ پلا گرم چیزے راہ نہ جادے
---	--

نسخہ مجربہ سوزاک قروچی

نسخہ بیان کراں طلسم چھٹانکی روغن صندل لیا سنگ جراحی سرمہ سیاہ سکے لے مصری دج مار رال مابوئے کتہ سفید	کرے نابود قروح دا اسم چھٹانکی خشک بیروزہ پا دو دو تولے کر ہمراہ ڈھائی تولے دا مقدار ہر یک دو دو تولے دید
--	--

پھٹی اس دی کے بنا اتوں ادھ پا گھٹو پلا ہو دے دفع سوزاک آزار	سجے دارو جمع کرا چھ ست ماشے رت پکا ہر ہفتہ دیہ اندری جھاڑ
---	---

نسخہ آزمودہ سوزاک

پھل جڑ نیم کین کوٹا ہک ہک تولہ دامقدار شورہ چار ماشے دج ڈال بہت کچی کرستی پیوے ہو دے جد اس نوں ادرار	تم دے پت اس نال پلا نقوع کر پیوے رت نہار ترے ہفتے کر استعمال فضل خدا تھیں چنگا تھیوے ہو دے قرعہ سوزاک فرار
--	--

نسخہ سوزاک صدری

پھٹکڑی دو تولے بڑوا ہک ماشہ دج ڈال اضم گولی ترے ماشے مقدار اتوں کاسنی گھوٹ پلا	رسونت تولے دو نال پلا قوام پانی گھتہ کرد حکیم بھنوں نکھادے رت نہار کا ہو غرض نال پلا
---	---

ٹوٹکہ صدری دہقانی

دستاں نسخہ ہو دہقانی دزخت پیل دی چھال گما مخزل ہن صاف کرا	بہت مدت دی پاس نشانی تازہ تولہ رات پوسا شورہ چار ماشے دج پا
---	---

پیوے

پھٹکڑی

دو تولے

دھنیار

ترے

ایہ

اس تولے

دو ہنگ

تیل از

سیاہی

دقت

ادھ پا

دو تولے

پیوے جے ہک ہفتہ وار	رہے نہ قرعہ سوزاک آزار
شناسی نسخہ سوزاک	
پھٹکڑی تولہ پھل کرے دوہاں نوں باریک کرا دھنیاں پا پڑا، نم تقوع ترے ماشے پھٹکڑی پھل کرا	شورہ قلمی تولے ترے چار ماشے دا وزن پھکا پانی وچ رکھو رنت شروع کھور لسی وچ رنت پہلا
شناسی ٹوٹکہ سوزاک	
ایہہ نسخہ آزمودہ کار اُس نوں لے بنا ضرور دو سنگ گال دے لے منگوا تیل ازند دے وچ پاء سیاہی لاه ڈھکن دے نال وقت صبح اکھیں وچ پاء	سوزاک واسطے کرو تیار وچ شناساں دے مشور ریتی نال پورہ کروا بتیاں سب اس وچ جلا رکھ کھڑ وچ ڈبی ڈال دیوے مرض سوزاک و نجا
ٹوٹکہ سوزاک	
ادھ پا گوکا گھیو منگوا دو تولے وچ ڈال شراب	دو تولے وچ کھنڈ بٹلا پیوے رنت نہار شتاب
ہفتے بعد ہک اندری جھاڑ دیہہ اُس نوں ہودے اذار	

ترے ہفتے تک کہ اس طور مویاں اُس نون رت کھوا درا جوئی برہم ڈنڈی لیا	قرہ سوزاک جاوے فی الفو جھون تیک ادہ سکے کھا بونی بھنگ رت گھوٹ پلا
--	---

نسخہ پچکاری سوزاک کہنہ قروچی

جیکر قرہ سوزاک پُرمانہ اُس نون رت کرے پچکاری کیس پھٹکڑی خام افیم باراں تولے پانی ڈال قرہ پُرمانا دکھ سوزاک	رہے ڈنڈی دج کل ٹکانہ نرا اُل ہودے قرہ بیماری ہراک رتی قدر حکیم کہ پچکاری استعمال ست سالانہ داجا بھاگ
--	--

نسخہ پچکاری سوزاک

سڑکن سوزش ڈنڈی دج پت بم پانی دج گھوٹا کیڑے دج گھت صاف کرا ترے ترے ملنے ڈال ضرور اس دی رت کر د پچکاری کانور رسونت افیم ملا	جیکر کرے نہایت زنج پانی ترے چھٹانک ملا کتھ سفید رسونت ملا رتی قدر افیم کانور نرا اُل ہودے قرہ بیماری بشی دج سوراخ چڑھا
--	---

نسخہ سوزاک قروح آتشکی

پارہ سکہ دونوں ملیا	تولہ تولہ تولہ	دزن تولہ
---------------------	----------------	----------

دو نویں آپس دینچ ملا کھائے مکھن دے دینچ گھت بہت شتابی چنگا تھینوے	کھل دے دینچ گھت پسا دزن بنا ئیکے اُس دے شت اُتوں گوکا گھیٹو جے پیوے
---	---

نسخہ پچکاری سوزاک

چھ چھ ماشے ہوون ترے ترے چھٹانک پانی دینچ پا پھٹکڑی مُشک کا فربہ ملا پیہہ کے میلو خوب سنوار کر کے تال پلاؤ آن ہو دے زائل قرعہ بیماری ریم قرعہ تھیں صاف کرا قرعہ سوزاک ہو دے سب دوا	تر پھلہ مہندی دھنیاں بے رات چھتے دینچ رکھ پوسا فجرے مل پُن صاف کرا ہک ہک رتی دا مقدار نصف رتی طوطیا بریان نال عقل دے کہ پچکاری ہر ہفتہ اندری بھار کرا ایہو یاد رکھیں دستور
--	---

لوٹنگ پچکاری

فجرے مل پُن صاف کرا میل کرو پچکاری آن گرم پانی گھت کہ پچکاری	تر پھلہ پانی دینچ پوسا نصف رتی طوطیا بریان گوشت خورہ ماکھوں باری
--	--

نسخہ پچکاری سوزاک کہنہ

رسونت پھٹکڑی کتھ سفید	تر پھلہ پھل سہاگہ دید
-----------------------	-----------------------

ہر یک ترے ترے مانتے یا کر کے صاف کرو پچکاری دو ترے ہفتے کرو ضرور پچھوں ڈال روغن بادام	پانی ترے چھٹانک ملا دفع ہو جاوے قرح بیانی قرح پرانا ہووے دور پچکاری نال صبح تے شام
--	---

آتشک

آتشک مرض مشہور باد فرنگ ہندی دین نام مرد گندی عورت داسنگ وقت صحبت عورت تھیں ہو نکلے چڈیاں دین بٹوڑ زخم ضرور آلت تے ہو غیر حقیقی باد فرنگ مادی باد فرنگ اس نام نکلے سر یا ہو یا مادہ طبع موافق کمر علاج خاص حقیقی باد فرنگ مغرب اس دا نکھال ددا نستہ یک مخفی اسرار کئی دفعہ اس نون آزمایا باد فرنگ ہے بارہا سال	طبائ دین جمہ مذکور آکھن ایس نون لوک تمام کرے اچانک مارے ڈنگ باد فرنگ حقیقی سو اڈ جاوے چہرے دا نور شکل قرح بن رہے کھلو ہووے باہج عورت لے سنگ کمن ہندی دین لوک عوام ہووے خارش بہت زیادہ گرمی سردی سمجھ مزاج کرے خراب نہایت تنگ دیوے باد فرنگ دجا بخشیا یک تجربہ کار ہرگز کدی خطا نہیں پایا ہووے دفع کرے فی الحال
--	--

رکھ
چھ
ادھر
نال
دونوں
جد مڑ
برگ
برگ
چھل
دلیہ
ہر ہفتہ
ہو دے
باسلین

مغرب
کریں
مردا سن
سپاری
بلا مقو
مرد

<p>ترے اجوین ملا شتاب کھل دے دچ خوب لہا چنے برابر بنھوں حب گرم گوکا دودھ نال ملا آتشک دی نیخ اٹھاے ایہو رکھیں یاد وقوف کرے غرارے نت ادبال کرے غرارے نت نہار کرے غرارے نت جوشا گھید گوکا دافروچ پا جادے باد فرنگ شتاب خون بدن وچ بہت زیادہ پچھوں دارو شروع کرا</p>	<p>رسکپور، شنگرف، سیما چھ چھ ماشے سب دوا ادھرک بے پانی وچ سب نال ملائی حب کھوا دونوں وقت گولی پک کھاے جد نہ آوے کرے موقوف برگ چنبیلی پت کچنال برگ مغیل یا برگ انار چھل رگڑ یا ہرڑ لہا دلیہ گندم کرے غذا ہر ہفتہ پک کرو جلاب ہودے جیکر دھوسی مادہ باسلیق دا فصد کرا</p>
---	--

مرہم باد فرنگ

<p>زخم نہایت کرن بے تنگ زائل مرض کرے فی الحال رسکپور تے شنگرف دید چھ چھ ماشے سب دوا ماشے ترے ملاؤ آن دھوتے مکھن نال لگا</p>	<p>مغرب مرہم باد فرنگ کیس جے ایسنوں استعمال مردا سنگ تے کتھ سفید سیاری توے اپر سڑوا نیلا تھوٹھا کر بریان کھل دے دچ خوب پسا</p>
---	--

ایک ہفتہ جے مرہم لائے ایہ مرہم مثل طلسمات زخم پورانہ قرعہ ناسور	آتشکے زخم دنجائے کرے زخم آتشک مات اس مرہم تھیں ہوں دوا
---	--

دھونی باد فرنگ

لکھاں دھونی یک مثل تفنگ زخم جے ہوں بہت نہایت پھٹ شتاب ہو جان خشک شکر نیلا کھونٹہ لے قلعی چونہ ہو مرچ سیاہ ایک ایک تولد سب دوا ٹوا دج زمین کڈھا دیہ دھونی منہ ننگا رکھ دھونی دیہ یک ہفتہ وار	دفع کرے تھب باد فرنگ کرے درد دی سخت شکایت رہے زخم دا ذرہ نہ مشک رکپور ایہ دارو ترے ماجو عقرقرا، امراہ میل موم ست وزن بنا گویاں اُتے رکھ دوا فورا فائدہ لیں پرکھ رہے نہ باد فرنگ آزار
---	--

دھوڑہ باد فرنگ

کرن نہایت زخم جے تنگ مجرب دھوڑہ خشک دوا سپاری کٹ توے تے ساڑ چھ ماشے کتہ ڈال سفید نیلا کھونٹا کر مریان	دساں دھوڑہ باد فرنگ دیوے جھبے زخم چھڑا چھ ست ماشے دا مقدار کرو باریک کھل دج دید ترے ماشے دا وزن پچان
---	--

گودا
کھن
ست

شکر
تبا کو
گھوٹ
یکی گھن

مختہ بیو
تجربہ
عقرقرا
گھوٹ
اُتے
ست

باد فرنگ
ایہ نسخہ

گولا تازہ مکھن لیا	اک وہیہ پانی نال دھوا
مکھن نال زخم چوڑا	دھوڑا چکی نال دھوڑا
ست دھاڑے دھوڑہ دھوڑ	زخم تمام ہو جادن دور

حقہ فرنگ

شنکرف تولہ کھل کرا	چار لونگ دج پیس ملا
تبنا کو گورہ تولے چار	گورہ گھت دو تولے مقدار
گھوٹ دوا سب خوب ملا	ملکیاں اس دیاں چار کرا
مکلی گھت حقہ دج پیسے	چار روز تک چنگا تھیوے

حقہ فرنگ

حقہ پیون دا اک ڈھنگ	دساں ہے نہ باد فرنگ
تجربہ کاراں دا فرمودہ	بہت بیماراں تے آزمودہ
عقر قرا شنکرف تنکار	ایک ایک تولے دا مقدار
گھوٹ پانی دج قرص بنا	حقہ اس دے ست کرا
اُتے پیٹھ تبنا کو دج	گھت حقہ دج پیسے کج
ست روز کر استعمال	کرے شفا خدا فی الحال

شناسی نسخہ باد فرنگ

باد فرنگ والا بیمار	جے ہوئے زخماں نال لاچار
ایہ نسخہ اعظم اکسیر	بخشیا بہ بزرگ کبیر

<p> رکپور شنگرف منگوا گوگل چھ ماشے وچ گھت بیضے مڑی دے وچ ڈال گٹھ کے آٹا کنک لگا نال مٹی رگل حکمت کر جد گولہ ہو جائے لال مٹی آٹا دور کرا یا اس وچ کھل دے پیس ہک ہک حب دو وقتی کھاوے اتوں پیوے گوکا دودھ روز آون اس نوں اسہال جیکر منہ اس دایک جائے کرے غلہ اسے استعمال </p>	<p> چھ چھ ماشے دزن ٹولا مغز جیپال دانے گھت ست سب دوا عقل دے نال بیضہ اس دے وچ لگا وچ تنور گرم دے دھر اگ تھیں اس نوں جلد نکال ڈنڈے کوٹ دے وچ گھوٹا گولیاں اس دیاں بنھ اکیس وچ ملائی گھت لنگھاوے کر کے گرم جے ہو دس بدھ دیوے مادہ مرض نکال پھیر دوانہ ہرگز کھاوے کرے شفا رب ذوالجلال </p>
--	---

نسخہ آتشک مجرب

<p> شنگرف رکپور منگوا ترے ترے ماشے دارو چار چھ ماشے سیماں ملا عرق نبتہ وچ کھل کرا ہک ہک حب دو وقتی کھاوے پچھوں پیوے گوکا دودھ </p>	<p> مصطفیٰ رومی عقر قوما چار رتی گھت سم الفار چھ ماشے گھت مرج سیاہ موزنگ برابر حب بنا گھت ملائی وچ لنگھاوے ادھ سیر قدر جے ہوئے بدھ </p>
---	--

نسخہ آتشک

تجربہ
آتشک
اس
پھل
ترے
چار
چھ
دو
بعضیا
دو ترے
گوکا
چیزاں
فرنی
دارچین
رک
پوتھالی
دو ترے
وچ

نسخہ آتشک

نسخہ بخشیا اوس نشانی زخماں دے دج چلے شور کرے بگاڑ جسم دا دفع نیلا تھو تھو کر ہمراہ نیلا تھو تھو کر بریان نبتہ دا دج پانی پا نال عقل دے گویاں سب بعضیاں نوں استھیں تے آئے باد فرنگ جاے فی الحال باد فرنگ نہ شکل دکھاے دلیہ گندم وچ سنوار مرچ نوں دے راہ نہ جاے گوکا دودھ گھت کرے غذا	تجربہ کار ہک ہندوستانی آتشک جے دیوے زور اُس نوں بہت پہنچاے نفع پھل ہریڑاں زرد سیاہ ترے ایہہ تولہ تولہ آن چار پہر تک کھل کرا چنے برابر بنھوں حب دو حب پانی نال سنگھاے بعضیاں نوں آدن اسہالی دو ترے ہفتے جیکر کھاے گوکا گھیو کھاوے بسیار چیزاں خشک نہ ہرگز کھاے فرنی چانول چرب پلا
---	--

بشناسی نسخہ باد فرنگ

چھ چھ ماشے دا مقدار جوہر انہاں دا لئیں اڑا استھیں زیادہ کرے ہلاک دیوے باد فرنگ اڑا اوتوں گوکا دودھ پلا	دارچینا تے سم الفار رکپور تولہ دج پا جو تھائی چانول دی خوراک دو ترے ہفتے تیک کھوا صبح ملائی گھت سنگھا
--	---

شناسی نسخہ آتشک

جیکر باقی رہے قصور
جاوے مرض پُرانی ہو
کدی کداہیں دیوے زور
ہوے خاص جے مادہ سرد
شناسی نسخہ کراں بیان
رہسکیورتے سم الفار
آٹھ پہر تک کھل کرا
مُڑ زبوتہ دا پانی دج گھت
مُڑ کوری ہانڈی دے دج دھر
دیوے دانگ جلاویں لاٹ
ہک پہر تک آگ جلا
پیالے تے ٹٹاکی رکھوا
نال پانی پیالے رکھ تر
دھوئیں دے نزدیک نہ جائیں
جد ہو جاوے ہانڈی سرد
جوہر کھرج عقل دے نال
چوتھائی چاول دی خوراک
گھت کھتن دے دج لنگھا
ہک ہفتہ تک ہت کھوا

کرے جسم دے دج فتور
رہے بدن دے دج کھلو
گھتے دج جسم دے مشور
رہے اعضاواں دے دج درد
رہے نہ یاد فرنگ نشان
ہک ہک تولے دا مقدار
کیلے دا پانی دج پا
ہک دن کھل کرا دیں وقت
چاہر چوٹھے گل حکمت کر
تیز آگ تھیں جاوے پاٹ
جوہر دوہاں دا لے اڑا
کیلے دا پانی کڈھ پا
مت جوہر جاوے سب سرد
مُڑ سر اکھیں جسم بجائیں
ہیدھ اتار چوٹھے تھیں جلد
ڈبی دے دج رکھ سمہال
اس تھیں زیادہ کرے ہلاک
آتوں گوکا دودھ پلاوے
مُڑ ہک ہفتہ بند کرا

مُڑ کھا
ا ط
جیڑا
جیو دو

رہسکیورتے
لونگ
چار پہر
ہک ہک
جد مہنہ

آتشک
کوڑیاں
تقیے تا
کوڑیاں
سبب
دہمانہ
پت کر
م کر

مڑ کھائے جے ہووے لوڑ نا طریقے پیر استاد جیڑا مادہ موزی باقی گھبہ دودھ اس نول بہت پلا	پھر یک ہفتہ دیوے چھوڑ ایہو قاعدہ رکھیں یاد رہے نہ دوج جسم دے عانی ہرگز ذرہ نہ کرے وساہ
---	---

نسخہ یاد فرنگ

رکپور چھے ماشے لب لونگ یاراں گھت کھل کرا چار پھر تک اس نول پیس یک یک حب دو دقتی کھائے جد منہ آوے کرے موقوف	چھ ماشے کالی مرچ پلا ادھرک دا پانی دوج پا گولیاں اس دیاں بنھو پائیں لکھن دے دوج گھت بنگھکے ایہو رکھیں یاد دوقوف
--	---

نسخہ آتشک غیر حقیقی

آتشک جے غیر حقیقی کوڑیاں چیزاں کرد نقوع تیقے تال طبع کر صاف کوڑیاں چیزاں کرد نقوع سبب جے ہوئے گندہ خون دہمانہ کوئی گھوٹ بنت پیوے پت کر نچوہ پیوے گھوٹ نخم کر نچوہ گھوٹ پلا	مادہ تھیں ہووے حقیقی ماکھیوں ڈال رکھونٹ شروع موافق طبع کرے رب معاف ماکھیوں ڈال رکھونٹ شروع جلدی خارج کرو زبون فضل خدا تھیں چنگا تھیوے رہے نہ دوج جسم دے گھوٹ ماکھیوں خالص دوج پلا
---	--

فتور
نچ کھلو
مشور
نچ درد
نشان
مقدار
نچ
نچ وقت
ت کر
نچ پاٹ
نچ مڑا
نچ پا
نچ سب
نچ پیائیں
نچ جلد
نچ سہماں
نچ ہلاک
نچ پلا
نچ کرا

نیل کنٹھی ذرا بوٹی پیوے رسونت جے پیوے گھوٹ تیار کرے جے خون گندہ نقصان	برہم ڈنڈی جھب چکا تھیوے ہفتے ست نہ رہے آزار کر استعمال روغن کلیان
---	---

روغن کلیان یعنی روغن انم

برگ انم دے لے منگوا گھول وچ پانی صاف کرا ڈال کرٹا ہی وچ پکا کر کے صاف بوتل وچ گھت خون گندہ سب کرے صفا	نگدہ کونڈے گھوٹ بنا گھیو گوکا اُس نال جلا ساڑ پانی سب ہیٹھ ابا ترے تو لے پیوے ہفتے ست پھوڑہ پھنسی رہے نہ کا
---	---

بیان جریان منی

چلے دھات کے انسان غیر طبعی احتراقی مادہ قوت ماسکہ ہووے مات سبب حرص یا آدے جوش بلوے خرابی وچ خزانے جے گر دے دا ہے جریان سرخ دھات یا ہووے زرد خاص علاج اس دا ادرا دودھ گھیو بہت کر استعمال	کس حکیم اُس نوں جریان دافع قوت کرے زیادہ تھہر نہ سکے اچلے دھات طرف منی وچ پوے خروش یا گر دے یا وچ مٹانے اس دا ہے ایہہ خاص نشان لازم ہے گرے وچ درد کہ توں ہووے دفع آزار گردہ صاف کرے فی الحال
--	--

برہم ڈنڈی، بوٹی گورکھ پان
 گھوٹ چھان مصری دج گھت
 ایہ بوٹیاں چارے اکیر
 کاسنی بھکھڑا تخم خیار
 خزانیوں دھات بے لک وید
 مٹیا گرمی نال خزانہ
 ہووے مادہ منی رقیق
 دساں نسیم مثل کند
 موصول ہک جھانک سفید
 گوند رگڑ دی نال پلا
 طباشیر الاچی پھل امار
 سکے لے مصری دج مار
 چھ ست ماشے نت پھکا
 برہم ڈنڈی جے نال ملا دیں
 کاسنی خرفہ تخم خیار
 استعمال کر ہفتے ست
 غلبہ خون جے نظری آ
 نسخہ کہاں ہک بہت پسند
 سکے لے مصری دج مار
 طباشیر سفید الاچی گھت
 ہنچ چھ ماشے نت کھوا

بو پھلی بوٹی تے بھنگ بریان
 پیوے دھات نہ آوے وت
 تجرہ سائیں بخش فقیر
 شامل کر ہووے ادراہ
 ہووے اس دارنگ سفید
 جھیرا ظرف منی دا خانہ
 آوے وقت پیشاب تحقیق
 کرے ترے دھات نوں بند
 سکے نصف چھٹائی دئید
 آٹا پھلی رگڑ دا پا
 ہر ہک دو تولے مقدار
 گھٹ چھان کر پھکی تیار
 اونوں بوٹی بھنگ پلا
 دو چند اس تھیں نفع اٹھا دیں
 شامل کر ہووے ادراہ
 مٹکے دھات نہ آوے وت
 اول باسلیق پھڑا
 کرے ترے دھات نوں بند
 ڈھائی تولے دا مقدار
 ہر اک ہودن ماشے ست
 گھوٹا کھن نال پلا

نسخہ ہو رہا کہ کراں بیان
 ثعلب موصلی لے سفید
 پنج پنج تولے دا مقدار
 چھ ست ماشے نت پھکا
 گوند کیترا رات پوسا
 مرچاں ٹون نہ ہرگز کھاک
 مغز تخم ابلی لے
 مورچس کتا کھانہ لیا
 ہک ہک تولہ دارو چار
 چھ ست ماشے صبح کھوا
 برہم ڈنڈی بوٹی جے پیوے
 سپاری کٹ دو تولے آن
 گوند لکڑ تے بھنگ پلا
 تچ نال مکھانہ گلنار
 کٹ پھان کے سب دوا
 چھ ست ماشے نت کھوا
 آٹا پھلی لکڑ دا لیا
 پنج تولے مصری دچ گھت
 آٹول بوٹی بھنگ جے پیوے
 برہم ڈنڈی کر استعمال
 سکتے مصری دچ مار

بہت شفا ہونے انسان
 ایسبغول دا چھلکا دید
 مصری میل تولے پنج چار
 پچھوں گوکا دودھ پلا
 دودھ بکری گھت فجر پلا
 گرم چیزے راہ نہ جاوے
 بیروزہ ہر ہک تولے ترے
 ثعلب گوند لکڑ دچ پاہ
 مصری دس تولہ مقدار
 ہو پھلی بوٹی نت گھوٹ پلا
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
 گھیو گوکے دچ کر بریان
 سفید موصلی لے دچ پا
 ہر ہک دو تولے مقدار
 گھیو گوکے دچ چرب کرا
 ہو پھلی بوٹی بھنگ گھوٹ پلا
 پنج تولے دا قند تولا
 کھاوے فجرے ماشے ست
 بہت شستابی چنگا تھیوے
 مصری تھوڑی جیہی دچ ڈال
 دو ترے تولے دا مقدار

گو

ڈو

نال

گوند

چھلکا

پنج

چھ

کیترا

ضعف

دست

یا اسر

سبب

یا کوئی

ماہہ یاہ

یا پتلی

گو کے مکھن نال رطل
وقت صبح دے نت چٹا

نسخہ جربان

ڈوڈے پوست لے منگوا
نال رطل خشک سفید
گوگرد کمر دھاوہ گلنار
چھلکا ایسغول رطل
پینچ پینچ تولے وزن تول
پچھ ست ماشے وزن پچھکا
کتیرا پانی دج پوسا

دھنیاں خشک اس دے دج پا
ہر ہک ترے ترے تولے وید
ہر ہک تولے دا مقدار
سفید موصلی لے وچہ پاہ
ادھ پا مصری کٹ رطل
بچھوں ایہہ دوا پلا
پیوسے فجرے دودھ رطل

بیان ضعف باہ

ضعف باہ جے ہووے پیدا
قوت باہ دے دج زیان
یا اس معدہ بدن ضعیف
سبب یا خوف یا دہم یا غم
یا کوئی گرم قوت دا ساڑ
مادہ باہ جو رتخ روح خون
یا پتلی ہو جاوے دھات

کریں معلوم سبب اس ویدا
کس سبب ہو یا نقصان
یا گردے دل جگر خیف
قوت باہ گئی ہو کم
قوت باہ وچ کرے بگاڑ
ہووے کم یا شست زبون
قوت ماسکے ہووے مات

یا چم گوشت رگاں اعصاب
آلت دے ہو جان خراب

یا عورت باہنچہ ہے کئی سال
یا دل وچ بد دہم خیال
گرمی سردی کچھ مزاج
جو ہووے غم دا اسباب
سبب ہے ڈر یا دہم خیال
رنگ برنگ پہنا لباس
رنگ برنگ سنا اس راگ
صورت خوب دکھا تصویر
نازک بدن جو شکل کمال
انوشدارو اس نت کھوا
ہے اس معدہ بدن ضعیف
یا مادہ باہ روح رتخ خون
اطریفیل خبیث الحمید بنا
یا نت کھوا بوب کبیر
شناسی نسخہ یک لاثانی
گشتہ سونا - تلخی - عقیق
گشتہ موزگہ سکے سیم
پاک مصری گشت ملا
سبب ہے گرم غلط دا ساڑ
دعات ہو جائے بہت رقیق
اول اس نون کر تبرید

قوت باہ نہ ہے برمال
یا بزدل یا شرم کمال
کہ توں نال قیاس ملن
ہر جیلے کر دور شتاب
پکڑے قوت باہ زوال
اُتے چھڑک عطر دی باس
دل نون چھوڑ جائے غم جاگ
نس جاوے غم گھٹ دہیر
کر شادی ہووے خوشحال
دیوے دل دا ضعف و نجا
یا گرے دل جگر نحیف
کم ہووے یا سست زبون
چھ ست ماشے نت کھوا
حق اس دے وچ ہے اکیر
تازہ پیدا کرے جوانی
خالص اصل فولاد تحقیق
ترے ترے ماشے وزن حکیم
ترے ترے ماشے مکھن نال کھوا
قوت باہ وچ کرے بگاڑ
باہ وچ کم ہووے توفیق
شریت بئیرہ سرد مفید

مغل
مرد
طبا
بار
دند
جے

تازہ
تعلی
چار
رنگار
۲
پتھر
مالش
سرد
گھٹ
اول
دو ترکہ
خشب

سرد

مغلف نسخہ لکھنا لاثانی موصلی پک چھٹانک سفید ستاور ثعلب موصلی سیاہ طبائشیر سفید الاچی لے باراں تولے مصری ڈال وزن تولہ پک نت کھوا جے گرمی دا بہت سبب	مجزب حکمت مع یونانی چھلکا ایسبول پنج وید گوند لکر پنج کر ہمراہ ہر پک ہودن تولے ترے کر کچھ مدت استعمال پچھوں گوکا دودھ پلا شریت سرد شامل کر حجب
--	--

نسخہ مغلف منی

تازہ دودھ ادھ سیر منگا ثعلب موصلی لے سفید چار تولے گوکا گھی ڈال رنگاں پٹھے جے ہودن سست لے کے دار چینی داتیل چربی مرغا مع ملا ماش اوپر کرو اھلیل سرد مواد جے بلغم باد گھٹ بدن مع ہوسے خون اول اس نوں کرا سہال دوترے دفع خارج کر مادہ جبت الحدید کھوا معجون	دو تولے دج شہد ملا چھ چھ ماشے پیہ کے وید پیوے اونٹ سرکیاں مال مل ایہ روغن ہودن چست پیہ کے عقر قرا دج میل اہلت اُتے کرو طلا ہووے غیر مواد تحلیل قوت باہ دج کرے فساد لستا لاغر بدن بدن زبون تنقے حب ایارج مال ہووے قوت باہ زیادہ پیدا کرے بدن دج خون
--	---

معمون لبوب کر استعمال دیہ غذا اُس نوں مقویات کھوا گشتہ اُس نوں فولاد شراب کباب گوشت بریان مطبخن سیویاں چرب پلا سبب جے سردی وجہ مشائے کم ہو جاوے باہ نہایت بیضہ مرغی دا منگوا ڈیڑھ چھٹا کی گھینو دج ڈال معمون زرغونی عجب دوا فلاسفتے بر شعثا دونویں	سستی دفع ہووے فی الحال کھویر گھینو گھٹ کے مغزیات کرے ضعف دا دفع فساد بیضہ مرغی، مغز حیوان ماکھن دودھ مصری وچ پا پیدا ہووے ضعف خزانہ کرے بول دی بہت شکایت دو تولے دج شہد ملا پکا حلوا کر استعمال کرے نہایت قوت باہ کرن زیادہ باہ نوں ادویں
--	---

معمون زرغونی

زرغونی کر تیار حکیم قوت باہ نوں دیوے نفع دونویں بہمن سرخ سفید اندر جوتے، بوزی دان لونگ جعفر سندھ کالی چھڑ دار چینی لک مرچ سیاہ ہر ایک تولہ قدر منگوا مرتبان دج رکھ سمہال	نسخہ دیہ حکماء قدیم بلغم یاد کرے سب دفع تو دریاں موصدیاں گھٹ دید ہر ایک تولے تو نے اوزان خونجاں خرقہ شامل کر مٹھی کھٹ کرد، سمراہ ماکھوں دج معمون بنا وزن اُس دا ہے دو مثقال
---	--

بک
صد
دار
مد
تر
جام
بک
جے
ہے
ہو
ہو
بہت
سائیں
بہت

بیضہ
دار
چوب
بک

نسخہ مُمَسِک

<p>بک نسخہ مُمَسِک لاثانی صدر بعدری مثل اسرار دارچینی بک مرچ سیاہ مدبر آملہ کچھ ڈال ترے ماشے افیون ملا حام دستے دج کٹ کے سب بک بک گولی بنت کھوا جے گھٹ شراب کریں ہمراہ ہے ایہ نسخہ مثل طلسم ہووے قوت باہ جے سست ہووے منی جے بہت رقیق بہت دیر تک رہے امساک سائیں بخش حکیم فقیر بہت دفعہ ایسوں آزمایا</p>	<p>بک نسخہ مُمَسِک لاثانی صدر بعدری مثل اسرار دارچینی بک مرچ سیاہ مدبر آملہ کچھ ڈال ترے ماشے افیون ملا حام دستے دج کٹ کے سب بک بک گولی بنت کھوا جے گھٹ شراب کریں ہمراہ ہے ایہ نسخہ مثل طلسم ہووے قوت باہ جے سست ہووے منی جے بہت رقیق بہت دیر تک رہے امساک سائیں بخش حکیم فقیر بہت دفعہ ایسوں آزمایا</p>
---	---

نسخہ طلسمی قوت باہ

<p>بغیر مرغی دا منگوا دارچینی ترے ماشے گھٹ آملہ بک چھٹا نکی آن</p>	<p>دو تولے آب پیاز ملا ماکھیوں میل تولے دج سست ادھ پاگھو دج کر بریان</p>
--	--

عبد آٹا ہو جادے لال کر کے حلوے وانگ تیار شراب دو گھٹ پیوے ہمراہ	پکڑ دوا سب دینے ڈال وقت شام کھاوے بیمار کرے زیادہ قوت باہ
---	---

سنخہ قوت باہ

جعفل لونگ مصطکی لیا خونجاں دارچینی وچ ڈال ہر ہک تولہ قدر دوا وچ منقہ بنھوں حب وقت شام ہک گولی کھاوے	جلوتری عقرقرا وچ پاء کیاب چینی بابونہ نال ماشے ترے ایفیم رلا ترے ترے ماشے گولیاں سب دودھ گھیو ماکھیوں میل کھلاوے
---	--

روغن طلا سستی قضیب

ماہل سنگنی جعفل لیا ہک ہک تولہ سب دوا لے کے خالص مٹھاتیل دو گھٹ پارچہ لے سفید اُس نول بٹی وانگ بنا پیالہ چینی پیٹھ رکھا جد ساری بٹی جل جا	دارچینی لونگ عاقرقرا گوئڈے گھت باریک کرا دارو سب اس دے وچ میل کر آلودہ نال اس دھید مال ادھے دے پکڑ جلا روغن اس دے وچ چرا روغن شیشی گھت رکھا
---	---

سبب ہے سستی بلغم یاد
پٹ سٹے اس دی بنیاد

نسخہ طلا

رائی خراسانی اجوین دو دو رتی دا مقدار تیل مٹھے دے وچ طلا	خم حرم کوڑی مٹھ لین گٹ پیس ایہ داند چار ذکر آتے نت کرو طلا
--	--

نسخہ طلا

چھ ماشے پیہ روں دا لیا رکھ دھپے آس لے سکھا گھيو گوکے وچ ترکروا ردغن شیشی نال پجوا لاڈ سپاری سیون چھوڑ	اک دے دودھ وچ ترکروا بٹی آس دی لے بنا سیخ نال اس نوں لکھا حاجت وقت آلت تے لا ردغن اس دے جیہا نہ ہو
---	--

ردغن طلا

برد بیاچ یا بلغم باد ردغن کراں بیسان طلا پڑا پھٹے رگاں جو مست عقر قرقا ماہل سنگنی لیا دارچینی خراسانی اجوین دو دو تولے سب دوا ترے بیضے زردی دچ میل	جے آلت وچ کرے فساد دیوے سستی ذکر دنیا مالش تمیں ہو جان درست جھفل لونگ جوتری پا خم ہرمل دارو آٹھ دن کھینچ کر درڑہ کردا پتال جنت نال کدھو تیل
--	---

ڈال
بیمار
پاہ

پاہ
نال
طلا
سب
کھلائے

عاقتر قرقا
یک کرا
دچ میل
دبید
پڑ جلا
چ جوا
ت رکھا

یا آتش شیشی دج ڈال ہک قطرہ آلت آتے لیس جے چربی مرقا کریں آمیز	تیل کڈھ رگل حکمت تال شستی نس جاوے چھڈ دیس بہت قوت ہو عا دے تیز
---	--

بیان پٹہ قضیب

ہور دشاں ہک عجب دوا بند مواد رگاں دج ہو کسے سبب نہ ہوئے حل ذکر اُتے کر استعمال ہوونے سست مریض بابوس پٹھے رگاں ہو جاوے صاف	ہرگز کدے نہ پوئے خطا یا چمڑے دج رہے کھلو پاؤے شہوت دج خلل دیوے غیر مواد نکال شہوت آدس مثل فروس کرے قصور خداوند معاف
--	--

روغن مجربہ طلا

ماہل کنگنی مغز جیپال عقر قرقا دج لونگ طلا دو دو تو لے دارو ست در لہ کر دارو سب میل یا تیل مٹھا دج چرب کرا رکھو شیشی دے دج ڈال روغن طرف اوپل دے لا کر کے ادبہ ذکر طلا	کچھ چھل تراش کے ڈال دار جینی جعفر دج پا نعم ارند چھٹا کی گھت کڈھ آتش شیشی دج تیل پیتال جتر دے نال کڈھا وقت حاجت کر استعمال حشفہ سیون لیس بجا اُتے پٹی پان بنھا
---	---

پتر
دو
روغن
مجربہ

ملذذ
عور
دار
منہ
صحبت

لے
وزن
میل
صحبت

دار
وزن

پت پریان جے ہتھ نہ آوے دو تہے روز گزر جد جادو روغن پھیر نہ ہرگز لائیں مغرب روغن ایہہ طلا	پت بیری دے توڑ بھٹاکے پنفسیاں جسم اُتے نکل آون گوکا گھیو لا زخم چھڑائیں دیوے سستی جلد دجا
---	--

نسخہ ملذذ

ملذذ نسخہ آیا یاد عورت مرد آون دھج جوش دار چینی سنڈھ عقرقرھا منہ دھج چتھ نکال لعاب صحبت وقت ذکر تے لا	صحبت وقت کرے دلشاد ہوون لذت نال بے ہوش ترے کٹ کے درڑھ کرا وقت دخول لگاؤ شتاب دیوے لذت لطف دیکھا
---	---

نسخہ ملذذ

لے سنڈھ کیسر لونگ ایتم وزن برابر سب دوا میل تھوڑا جیہا دھج شراب صحبت کرے عورت دے نال	دار چینی عاقرقرھا حکیم پیہ سے ڈبی دھج رکھا صحبت وقت لگاؤ شتاب عورت بہت ہووے خوشحال
---	---

نسخہ ملذذ

دار چینی سنڈھ عاقرقرھا وزن برابر چار دوا	کباب چینی بھی کر ہمراہ چربی بکرا نال طلا
---	---

وقت صحبت آلت تے لائے لذت نال مست ہو جائے

نسخہ ملذذ

سو گہ عقہ قرچا کافور
پیہہ پاکھیوں دیوچ ملا
ایسا لذت لطف دکھائے
ترے برابری ضرور
لیپ کرد نت جماع
لذت نال بے ہوش ہو جائے

سرعت انزال

سرعت انزال مرض اودہ جان
جد شہوت دا کرے خیال
جد نہ دیک عورت دے جائے
خوشی نہ اس نول آدے ٹول
سبب ڈر خوف یا دہم خیال
دل نول ضعف ہووے یا غم
قوت دافع ہووے تیز
یا گرمی اس وچ خزانے
یا اس گزر گئے کئی سال
طرف منی مارے جوش
یا اس ضعف جگر حقیق
حبش الحدید اکھوا معجون
اول اوس دی شادی کر
ہووے جھب خلاص انسان
جلدی نال ہووے انزال
لذت لطف نہ ہرگز آوے
رہے طبیعت بہت ملول
آوے دل وچ سوچ کمال
قوت ماسکہ ہووے کم
ہووے ماہ منی گریز
یا گریز یا وچ مٹانے
عورت نال نہ ہو یا دصال
آوے شہوت وچ خروش
سبب صفرا یا خون رقیق
کاہڑہ کرے بدن وچ خون
دل تھول دور ہووے غم ڈر

<p>دل تھوں وہم خیال و نجاوے بچپوں دارو شروع کرا دل تھوں دور ہوئے وسواس غیر عورت ہے راہ نہ جاوے ایہ رکھ یاد نصیحت مت</p>	<p>روح اس دافرحت و بیج آوے اول اس داکر کے سیاہ رہے ہمیشہ عورت پاس چیزاں گرم نہ ہرگز کھاوے کرے زنا نہ ہرگز دت</p>
---	--

شناسی مجرب نسخہ قوت باہ ✓

<p>مڈھے تائیں کرے جوان ماسک قوت کرن زیاد ہووے شامل نال تحقیق پاء مصری گٹ کے بیج پا موچرس ڈال یکس دید گوند کیکر بیج کر ہمراہ گٹ کے نال ملاؤ چھان پھکی اس دی لے بنا ڈیڑھ تولہ کھائے وچ ڈال نال عقل دے سمجھ طیب رات پوسا رکھ پانی ڈال سیرگو کے دودھ بیج پا ڈیڑھ تولہ دارو بیج پادے کرد ہمیشہ استعمال</p>	<p>شناسی نسخہ کراں بیان رشتہ سونا رسیم فولاد مونا رسکہ قلعی عقیق ترے ترے مافے سب دوا موصلی یک چھٹانک سفید ستاور ثعلب موصلی سیاہ ترے ترے تولے دارو آن سبھے دارو جمع کرا کھیر پکاٹیکے مامندے نال کراں بیان اس دی ترکیب یک چھٹانکی ماٹاں دی دال بھرے دھو چھل دور کرا دانگوں کھیر جیدوں یک جاوے گھنڈ چھٹانکی اس بیج ڈال</p>
--	--

ایہ نسخہ مخفی اسرار کرے خزانوں دفع آزار

نسخہ مجربہ سرعت انزال

نسخہ ہور آزمودہ کار
سنگ جراثیم سرمہ سیاہ
سنگ یود تے کتھ سفید
طباشیر الچی بھنگ بریان
کیاب چینی ماجو گلنار
حمام دستے دے دج کوٹا
پا پکا مصری دج ڈال
چھ ماشے دا وزن مام
بہت جے گرمی دج خزانے
شامل نال رکھو ادرار
کاہو خرفہ تخم خیار
گرم نہ کھاوے کوئی چیز

ہوئے بہت شفا بیمار
قلبی شورہ کہ ہمراہ
آٹا پھلی بکری دا دید
خشک بہروزہ میلو آن
کندر سب متقالاں چار
گھبگو کے دج چرب کرا
کھاوے دودھ بکری دے نال
کھائے نت صبح تے شام
سوزش سرکن دج شانے
ہوئے جلدی دفع آزار
بھکڑا کاسنی ایہ ادرار
ایہو رکھیں یاد تیز

نسخہ مجربہ سائیں بخش حکیم

ایہ نسخہ میرا آزمایا
کرے جے ایس نوں استعمال
سپاری چکنی تولے پیس
موصلی پھلکا ایسغول

صدری بصدری تریا آیا
دفع ہووے سرعت انزال
حمام دستے لوے دج پیس
دو نویں پنج پنج تولے تول

الاجی خرد ستاور لیا داہڑی بوہڑ موصلی سیاہ دو دو تولے دانہ ست پنج میر گوکا دودھ منگا سیر پکا گوکا گھی ڈال کھویا لال جردوں ہو جا مصری سیر پکا دج پت لڈو بندھ چھٹا کی تول ہک ہک لڈو جے نت کھا کے	آٹا پھلی بکتر دا پا گوند بکتر پنج کر ہمراہ مٹک کا نور ماشے ترے گھت کڑا ہی گھت کھویہ پکوا کھویا کر اس دے وچ لال جلدی نال کڑا ہی لال کھویا میل دوا سب گھت ہے ایہ نسخہ پڑا امول کرے قوت امساک دھماے
---	--

۷ نسخہ قوت باہ صدری

ہے ایہ نسخہ صدری آزمائشی جیکر ضعف قوت وچ آوے قوت شہوت ہووے مست ادھ سیر پکا مانہ دی دال گھوٹ ڈنڈے دج آن دار پینی مغز نار جیل چارے مغز تے مغز بادام سیر ہک آب پیاز کڈھا گاہڑہ جردوں ہو جاوے قوام دو تہے تولے فخر کھوا	بخشیا ہک فقیر شناسی منی خزانہ ہول خشک ہو جاوے کر استغاثا ہو جاوے چست رات پوسا فخرے دھو ڈال ادھ سیر گھیو دج کر بریان مغز پستہ چلوڑہ میل پنج پنج تولے وزن تمام سیر ہک ماکھیوں گھت پکا کٹ ملا دوا تمام گھیو دودھ پچھوں گھول پلا
--	---

تسے تولے سوتے وقت کھوا ہک چھٹانک شراب پلا

نسخہ قوت باہ صدری

جے قوت باہ دوج نقصان کریں جے اس نوں استعمال موصلی تولے پنج سفید ستارہ ثعلب مغز بادام پستہ مغز ، مغز نارجل چار مغز لے کے دوج پیا موچرس موصلی ڈال سیاہ الچی دانہ مال پلا ماکھیوں گوکا گھیو شراب ڈال کر اسی دوج کر ترام کر اس دا معجون تیار دزن اس دا ہے تولے دو

صدری نسخہ کراں بیان دیوے جسموں مرض نکال دار چینی پنج تولے وٹید شقائق مغز چلغوزہ عام مغز اخروٹ ، فندق وچ میل ہر ہک قدر چھٹانک دوا گوند رگر دی کر ہمراہ دو دو تولے چار دوا تینوں ہک ہک سیر حساب کٹ ملاؤ دوا تمام کھاے دونوں وقت نہار کھٹی چیز نہ کھاے کو

نسخہ ماء اللحم دوا آتشہ

سبب ڈر یا غم یا وہمات دو آتشہ ماء اللحم پلا ماء اللحم عرق مشہود دو آتشہ عرق ایہہ داکا کبیر

قوت باہ جے ہودے مات تھوڑا جہا شراب پلا کرے ضعیف شہوت دافقد ورتن کل امیر کبیر

عرق مثل ایہ آب حیات
 کرن طیب اس نون مرغوب
 پنج تولے اس وزن اندازہ
 پنج سیر گوشت بکرا یا
 گوشت سیر مرغ دا ڈال
 دہ سیر اس درج پانی پا
 عرق کیوڑہ عرق گلاب
 عرق سونف دا نال ملا
 پورہ صندل شترخ سفید
 دار چینی تے پھل گلاب
 دونوں الاچیاں کالی چھڑ
 چوب چینی گٹ وچ گھت
 درڑہ کر کے سب دوا
 بخری سارے عرق ملا
 عرق دوا سب کرد اکٹھ
 نال آج دے عرق نکال
 مٹھی مٹھی آگ جلا میں
 بہت شتابی مول نہ کر
 کرے کوئی اس نون استعمال

کرد اصغف قوت دامت
 قوت بخشنے جگر قلوب
 پیندیاں سار ہوتے روح تازہ
 چرنی سادی دور کرا
 حقوڑا گھیو گھت بھن کر لال
 چھ ست بوتل عرق کھینچا
 بید مشک درج میل شتاب
 ہر ہک ہودے سیر پکا
 بنفشہ نیلوفر گھت وید
 گاؤ زبان درج میل شتاب
 دو دو تولے وزن قدر
 تول وزن وچ تولے ست
 آٹھ سیر پانی درج پوسا
 مر دوا دو آتشہ کھینچا
 عرق نکالو بوتل آٹھ
 دوترے دفعہ بھانڈی وچ ڈال
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں
 مت عرق کچھ جاوے سر
 پیدا کرے شہوت فی الحال

کرے نہایت قوت باہ
 دیوے سستی ضعف و بجا

خارشِ خُصیہ

<p>ہو دے کرے نہایت زنج خُصیاں دے دج کرے فساد نیکے خارش دیوے زور ہر یک چھ ماشے میں ماشہ یک ملاؤ آن خُصیاں اُتے کرو طلاء دھویں گرم پانی سے نال سرکہ تھوڑا جیہا ملا خُصیاں دے دج کرے بگاڑ خُصیاں دے دج کرن تھو خارش کرے نہایت تنگ بعد خارش سے ہو دے درد ہندی وزن برابر چار خُصیاں اُتے کرو طلاء میل تھوڑا جیہا مشک کا خُصیے اس سے نال دھوا رلیا نال سوداوی مادہ</p>	<p>جیکر خارش خُصیاں دج بلغم شور احتراق مواد شریا مادہ بلغم شور سہاگہ آملہ سار کیسیں نیلا تھوٹھا کر بریان دو ماشے دج دہی ملا بعد دو ساعت استعمال پچھوں گل روغن گواہ سنب جیکر صفرا دا ساڑ پھوڑے پُھنسیاں ہون ظہور سرکن سوزش مارے ڈنگ نیکے خون یا پانی زرد مردہ سنگ کتہ پھل انار گل روغن سرکہ دج ملا جے سرکن دا بہت تصور پچھوں تخم کرفس جو شا سبب جے ہو دے خون زیادہ</p>
--	---

نال قصہ کر خارج خون
 جیکر گندہ بہت نہ بون

درم تخصیہ

<p> مادہ سرد ہووے یا گرم کر کے چنگی طرح خیال سوزش سرکن درد زیادہ نال ملاؤ صندل بور خُصیاں تے کر یپ شتاب خُصیے اس سے نال دھوا مل سرکن ہو جاوے دُور ہووے گندہ بہت زبون پشت کمر تے جوکاں لا دیہ ملین اس نوں کو خُصیاں دے دے کرے فاد دیوے اس نوں فاسطے نال کھوئی کرے دُکھ سب دفع کرڑہ بہت نہایت سخت گرم پانی دی کرد فطول ہووے جھدے دُور فساد ردغن کھڑا ارنڈہ گھوٹ پانی دے گرم کرا کس گھوٹ غوب بہنا </p>	<p> جے خُصیاں دے ہووے درم کر معلوم علامتاں نال جے صفراوی ہووے مادہ کاسنی و خُصیاں مُشک کاؤ گھوٹ کونڈے گھت عرق گلا پینک پانی دے جوش گل روغن گھت مُشک کاؤ سبب درم دا جیکر خون صافن باسلیق چھڑا جیکر قبض شکم وچہ ہو جیکر کوئی سرد مواد اول تے پچھتل اسہل جوارش کندر دیوے دفع جیکر ہووے درم کزخت اوکھا ہووے بہت رنجول قفل اوپر کرد ضماد مالش روغن گرم کرا باؤڑ میتھی سوئے یا تیل مٹھا گھت یپ کرا </p>
---	---

بیان فتن

فتن مودی ہک بڑا آزار
 بھارے نل ہوون جیوں دم
 پردہ شکم جو نام صفاق
 رودہ نکل اس راہ شکاف
 پانی رتج یا سخت مواد
 جیکر پانی خُصیاں وچ
 جھلکے خُصیاں دے وچ پانی
 خُصیاں وچ پانی بھر جاوے
 یا اُس دیوں داغ یا دیوں گل
 یا پانی نشتر نال نکال
 نال عقل دے نشتر لا
 ہر ہفتہ ہک کرو جلاب
 پودہ کھڑا حرم زعفران
 سبکینج ، مصطکی ، گوگل پا
 ہک ہک تولہ سب دوا
 عرق سونف وچ جھوٹا خب
 گولیاں چارینج بت کھاوے
 قیل الماء نول دیوے نفع
 کندرا شق صبر مڑ لیا

ہندی وچ آکھن نل بھار
 کرڑے سخت یا پوے نرم
 کسے سبب ہو جاوے چاق
 گرے نلاں دے وچ غلاف
 وچ نلاں دے کرے فساد
 اترے کرے نہایت زنج
 زرقی استسقاء نشانی
 قیل الماء اوہ فتن سداوے
 نہیں دوا کوئی اس دے تل
 خُصیاں دی کرہت سہماں
 خُصیے اوپر طرف جھڑا
 خب ایارج نال شتاب
 تخم کرفس انیسوں آن
 چھل ہریٹاں زرد ملا
 کٹ چھان سب جمع کرا
 چنے برابر گولیاں سب
 خُصیوں استسقا و نجاوے
 قیل الرتج ہو جاوے دفع
 دندے کرڑے وچ گھوٹا

یا
 فتن
 دیو
 را
 ہو
 دست
 کرف
 دار
 الاچ
 حمام
 کھاد
 ماء
 بہت
 زیری
 زرد
 کرڑہ
 غل
 قروا
 خشک
 مالش
 روحن

پانی تھوڑا جیہا ملا
 نفع ہے ہودے خاص ریاحی
 دیوے نفع نہایت زور
 دائم رہے نالوں وچ سول
 ہودن خُصیے پھل عظیم
 دتاں ہک عجیب دوا
 کرفس انیسوں زیرہ سیاہ
 دارچینی مگ مریخ خونجاں
 الاچی دانہ نال ملا
 حمام دستے دے وچہ کوٹا
 کھاوے نت ہک دوشقال
 ماء الاصول دوا ہے نال
 بہت نہایت دیوے نفع
 زیری سیاہ اجوین سداب
 زردی بیضہ وچ ملا
 کرہ خشک غلیظ مواد
 نل ہو جاوے بہت کرخت
 قرۃ العین اس دا نام
 خشک مواد ہے ہودے سرد
 مالش کرد ارنڈ دا تیل
 روغن بیضہ کرو طلا

پٹہ خُصیاں تے بنھوا
 خُصیاں تے وچ کرے تباہی
 ہودے خُصیاں وچ مروڑ
 اوکھا ہودے بہت رنجوں
 قیل الریح اس کمن حکیم
 دیوے خُصیوں ریح اڑا
 پودنہ سنڈھ کرو ہمراہ
 گل بابونہ میل سورنجاں
 دو دو توے سب دوا
 تگناں ماکھیوں نال ملا
 دیوے خُصیوں ریح نکال
 کرے جیکر نت استعمال
 بلغم باد کرے ریح دفع
 مصبر نال ملا شتاب
 خُصیاں اٹے یب کرا
 ہے خُصیاں وچ کرے فدا
 کرے دانگ پھرے سخت
 کہن حکیم طبیب تمام
 شامل رہے ہمیشہ درد
 روغن نال بابونہ میل
 چربی مرغا نال ملا

بھار
 نرم
 چاق
 ملاف
 فساد
 زنج
 نشانی
 باوے
 تل
 منہال
 جھڑا
 شتاب
 آن
 د
 جمع کرا
 سب
 بجاوے
 دفع
 ہودا

<p> روغن گل یا روغن گرم بہت نلاں وچ جیکر سول ترے تولے کالے تل لے آ تیل مٹھا گھت گرم کرا اُتوں کس لنگوٹ بنھ جے خُصیاں ہے وچ غلاف نام اس دا قیل الامعاء سخت قسم ایہہ فتق شدید مُشکل بگڑے جدوں مزاج مصطکی صبر کنڈر گنڈار گھوٹ مکوٹے پانی وچ ہرگز حرکت کرے نہ کام رحمت کرے جیکر رب شافی پٹہ اوپر بہن شکاف جادے دکھ پُرانا ہو باہجھ کرے کوئی نہیں علاج </p>	<p> ہور قیروٹی کرے جو نرم گرم پانی دی کرو نطول پانی گھت کونڈے گھٹوا پٹہ خُصیاں تے بنھوا استعمال کرو دو چن اُترے رودہ راہ شکاف طبّاں وچ آکھن حکماء بہت دیر تک رہے پلید شروع مرض دا کہاں علاج ماجو سبز پھسکڑی ساڑ بنھوں کس لنگوٹ کھچ ترے روز تک کرے آرام دو ترے پٹے ہوون کافی جتھوں رودہ نکلے صاف بہت مدت جے رہے کھلو بنھوں اُس نوں جیویں راج </p>
---	---

نسخہ نل بھار طفل

<p> خشک بہروزہ تولہ لیا کنڈر کتھ ہے ماجو بریان کٹ کے سبھے کرو باریک </p>	<p> ماشے ترے اینیم ملا ہر یک چھ چھ ماشے آن میدے وانگ ہو جاون ٹھیک </p>
--	--

لٹ
 آدا
 جے
 نال
 کالی
 تھو
 اُس
 جس
 جمن
 طبع
 کر
 جے
 سرد
 دار
 راج

لٹ پانی نال پوسا	دارو چھڑک خُصیے تے لا
اول خُصیہ لے جڑھا	روغن بابونہ کلواء

نسخہ نل بھارا طفل

جے لڑکے دانل و دھ جائے	سبب یح دے یا پھل جائے
نال درد دے ہوئے زنج	لگے بہت نلاں نوں کھج
کالی زیری لے منگوا	پانی گھت خوب گھوٹا
تھوڑا جیہا مصبر میل	اگ تے رکھ مٹھا گھت تیل
اُس نوں پٹش دانگ بنا	خُصیاں تے پٹ بنھوا

بیان عسر الولادت

جس عورت نوں ہوئے عادت	مشکل جننا وقت دلالت
جمن وقت نہایت پیڑ	اوکھا ہووے بہت سریر
طبع مزاج اس کر مطلوب	تا حاصل ہووے مطلوب
کر کچھ مدت استعمال	عادت دفع ہوئے فی الحال
جے اس ہووے شکم کثیف	جمن وقت پہنچے تکلیف
سرد خشک اس بہت مزاج	کر توں اس دا ایہ علاج
دار چینی چھ ماشے لیا	چار چوہا رے کٹ پلا
دفع منقہ دارو سب	چار حصے کر بنھوں صَب

چار دفعہ دن دج کھوا
گھیو دودھ گوکا کاہڑ پلا

گھیٹو دودھ گوکا کا ہڑ پلا
 بابونہ روغن میل تمام
 شکم پیڑو نوں ترکروا
 بچہ جتنے آسانی نال
 ٹوٹکہ بیان کراں یک ہور
 چھٹانک پُرانا گڑ ہمراہ
 چار چوٹارے ہوون نال
 سونف ملا کٹ ماشے ست
 کل کے پن کے صاف کرا
 آوے بچہ باہر دار
 دیوے سچا حمل نکال
 چھٹانکی گھیٹو گھت گرم کرا
 چار تو لے ماکھیٹوں دج پا
 بچہ جتنے آسانی نال
 دار چینی پنج ماشے پا
 زردی اس دج کر بریان
 عورت نوں دو دقت کھوا
 پانی تھوڑا جیہا ملا
 پیڑو اُتے یب کرا
 مشکل کرے آسان خدا
 گرم دودھ دج گھول پلا

چار دفعہ دن دج کھوا
 شمشہ روغن مغز بادام
 فرج نہانی دج ملا
 ایسے طرح کر استعمال
 جیکر تینوں ہوئے لوڑ
 لے تل یک چھٹانکی سیاہ
 دار چینی ترے ماشے ڈال
 منقہ پندراں دانے گھت
 پانی دے دج گھت جوشا
 پیوے عورت اکھ نہار
 ہفتہ کرے جے استعمال
 تازہ ادھ سیر دودھ منگا
 زردی بیضہ نال ملا
 پیوے عورت سرکیاں نال
 یک بیضے دی زردی لیا
 ادھ پا پکا گھیٹو لے آن
 کھنڈ تھوڑی نال ملا
 اسی میتھی خوب گھوٹا
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 پیڑو جدوں گرم ہو جا
 چھٹانکی اہلتاس منگا

قدرے لے گھیر دج ڈال

بچہ جنے آسانی نال

بیان ادویہ ساقط حمل و جنین

دقت ولادت عورت تائیں
لے بہتیرے جھاڑ کلاوے
دج شکم دے ہووے درد
کدنی ٹالیوں میتھی بیا
نم گاجر دے لے دج گھت
کٹ پانی دج گھت ادیال
کل پن اس نول صاف کرا
دو ترے دفعہ کرا استعمال
کوڑی کھٹ تماں سداب
پیرو اتے لیپ کرا
تھلی شورہ زیت نہار
پانی تازے نال لنگھاوے
چھ ست ماشے خشک سداب
سقونیا اصلی ماشے ترے
بر ہفتہ کر کے اس طور
کر شاف روں اس دج جھول
نم گدوں دا کرو بخور
جڑہ تے دی چھل گھوٹا

پنچے تنگی مارے ڈھائیں
ہرگز بچہ باہر نہ آوے
ہتھ پیر ہو جاوون سرد
سونف اجوین کرفس ملا
ترے ترے ماشے دا دوست
پورا نہ پنچ تو لے ڈال
عورت تائیں ترے پلاء
بچہ باہر آوے فی الحال
گھوٹ پلاء دج شہد شتاب
بچہ مردہ کرے جدا
چھ ست ماشے دا مقدار
کچا پکا حمل گراوے
گھوٹ پانی دے دج شتاب
اس پانی دج حل کرے
پیوے حمل گرے فی القو
موتہہ رحم دا دیوے کھول
حمل شکم تھیں ہووے دور
پانی اس دا صاف کرا

<p>مصبر تھوڑا جیہا ملا یا پشیم نوں کر کے تر زندہ مردہ پکا کچا اٹ سٹ دی جڑھ لگھوٹا شافہ کر نمک دج کھور وہونی آدمیاں دے وال پودنہ پانی وچ گھوٹا شافہ کر شورہ دج گھت ہک ہفتہ ایہ عمل کما دے</p>	<p>رؤں آلودہ فرج رکھا موتہ رحم دے اگے دھر کرے شکم بھین خارج پچہ تھوڑا جیہا مصبر یا پچہ گرے شکم نوں چھوڑ دیوے پچہ ثرت نکال ترے ماشے دا وزن ملا دیوے زن حمل نوں سٹ کچا حمل باہر جھب آدے</p>
--	---

بیان استقاط حمل

<p>جس عورت نوں آدے حیض جاری خون ہو جائے عام ہو جاوے اس عادت دلم دو بجے تریجے چوتھے ماہ گرم مواد جد دیوے زور زہریلا مادہ مارے ڈنگ شامل تاپ چڑھے جے نال اول اُس نوں کر تبرید سرد نقوع پلایا کر گوند کتیرا رات پوسا</p>	<p>اندر حمل نہ دیوے فیض خارج حمل ہو جائے عام رہے نہ حمل شکم دج قائم ہو دے کچا حمل تباہ ہو دے اندر رحم مردہ ہو دے عورت ڈاہڑی تنگ عورت بہت ہو دے بد حال ظاہر باطن نال تاکید دھنیاں عطمی نیلوئر فجر پلا دودھ بکری پا</p>
--	---

دھنیاں بھکھڑا خوب گھوٹا شیرہ کوندے گھوٹ نال بہیدانہ ریشہ حطمی لیا ایسبغول دا کڈھ لعاب کر شافہ اُس دیوے فیض ماجو کتھ گلنار کافور دھنیے دے پانی دچہ گھول حب آلاس ماجو گلنار کاسنی دھنیاں صندل پورہ ترے مائے مشک کافور ملا	کاہو خرفہ نال ملا پیوے عورت مصری ڈال مصری ڈال لعاب پلا مصری ڈال پلاؤ شتاب فوراً بند ہو جائے حیض دو دو مائے پیس ضرور کر شافہ ایہ بڑا اصول سفید پھٹکڑی چھل انار ہر یک چھ مائے پورہ شکم پیڑو تے لیپ کرا
--	---

احتباس طمث

گھٹ یا بالکل بند ہو جائے احتباس مرض دا نام ضعف یا غلط خشک یا آب سُدہ ورم قروح یا پھٹ کر توں اُس نوں خوب یخ جھبے اس دی کراویج عادت وقت نہایت درد پیڑو تے مالش کردا استعمال حکیم یونان	جس عورت نوں حیض نہ آئے جے ہو جاوے بند تمام کر معلوم اُس دا اسباب یا اس خون بدن دچ گھٹ یا کج باد یا بلغم رتج جیکر ہوس سبب ریاہ دائم رہے مٹانہ سرد روغن کٹھ دا آپ بٹا محرَب نسخہ کراں بیان
--	--

سونف تخم خربوزہ لیا
 اجوین کرفس پودنہ لے
 کٹ جو شانہ کر کے تیار
 نسخہ کراں بیان ہک ہور
 دار چینی لک مرچ سیاہ
 خونجاں زیرہ کالا ڈال
 کالی چھڑ بابونہ گل
 ترے پاپکا شہد منگا
 فخرے نت چھ ماشے چٹ
 جو شانہ جیکر پھلا نال
 محرب نسخہ بہت لاثانی
 کریں جے ایسنوں استعمال
 پودنہ آہو بیر سداب
 ترے ترے ماشے دارد آن
 وزن چھ ماشے کھائے تول
 لے تل ہک چھٹانک سیاہ
 پورا نہ گڑ پنچ تولے ڈال
 کاہڑ جو شانہ کر کے تیار
 دار چینی ترے ماشے کھول
 گوگل دا جے کرے بخور
 تخم خربوزہ میٹھی لے
 ہک ہک تولہ وزن تولہ
 ترے ترے ماشے دارد آن
 پیوسے ماکھیوں ڈال نہار
 رتج مشانیوں دیوسے تولہ
 سندھ سداب کر دہراہ
 الاچی دانہ بھی گھت نال
 دو دو تولے دارد کل
 کٹ تمام معجون بنا
 جڑاں رتج دیاں سے پٹ
 پیوسے فائدہ کرے کمال
 لکھیا اندر طب یونانی
 کھولے حیض بند ست سال
 بول مویزہ منقہ ڈال
 کٹ باریک کپڑے دھچھان
 دیوسے جھب حیض نول کھول
 منقہ پنچ تولے ہمراہ
 پنچ چوارے ہوون نال
 پیوسے ماکھیوں ڈال نہار
 دیوسے بند حیض نول کھول
 رہے نہ بندن حیض قصور
 سونف ہر ہک ماشے ترے

پود
 دار
 پور
 دو
 پنہ
 پورا
 چھ
 پیوسے
 مغز
 ہک
 دو
 جے
 جے
 چھٹا

حدود
 غلبہ پا
 لاغریہ
 بہت
 ایہ

بودہ زیرہ پے سفید
 دار چینی تے تخم خیار
 پورا نہ گڑ گھٹ تولے چار
 دو ہفتے کر استعمال
 پنبہ دانہ تولے ترے
 پورا نہ گڑ گھٹ تولے چار
 بچہ مائے شابت اجوین
 پیوے نال جوشاندہ کاہڑ
 مغز پنبہ دانے لے آ
 یک یک تولے دامقدار
 دو ترے مائے وزن قدر
 جے گھٹ بدن چھوے خون
 جے خشکی دا ہودے زور
 چھٹاکی مکھن فجر کھوا

کرس اجوین دامیسل کروید
 ہر یک ترے مائے مقدار
 پیوے کاہڑ ایہہ نت نہار
 کھولے حیض بند فی الحال
 کٹ جوشا پانی دھو لے
 پیوے عورت رت نہار
 جے کھاوے عورت دن میں
 بند حیض ہووے ادوار
 تخم خربوزہ کٹ ملا
 پلا پکھوں پانی دھو کاہڑ
 قلمی شوره داخل کر
 کھوا خبث الحدید معجون
 نال طراوت خشکی توڑ
 گھو دودھ اس نوں شام پلا

بیان کثرت طمث

جددں دافر حیض جے آوے
 غلبہ پاوے جددں آزار
 لاغر بہت جسم ہو جاوے
 بہت دیر جے رہے آزار
 ایہہ ہے موذی مرض خراب

کثرت طمث ادہ مرض سدکے
 چلے خون اس لشل شتار
 خون دیکھ عورت گھبراوے
 کرے طبیعت بہت خوار
 دارو اس دا کرو شتاب

تولا
 ورتے
 نہار
 توڑ
 ہمار
 نال
 کل
 بنا
 پٹ
 کمال
 یونانی
 سال
 ڈال
 جچھان
 زں کھول
 ہمراہ
 ن نال
 ال نہار
 وں کھول
 من قصور
 شے تے

سبب ہے ہودے غوثی مادہ
اول باسلیق چھڑا
پچھوں شربت سرد نقوع
بفشہ شربت نیلوفر
سرد نقوع شربت عناب
جے صفرا کر جائے زور
ہر حیلے اس کر تبرید
بکری دا دودھ نت پلا
پاپڑا دھنیاں نیلوفر
کر کے پانی دوج نقوع
شربت نال پلاؤ عناب
شیاف دساں ہک مثل کند
سفید سہاگ پھٹکڑی ساڑ
کندر کتھ ماجہ بریان
کٹ دوا سب جمع کرا
پوست پانی کر کے صاف
رکھ رحم دوج بنھ شیاف
پاپڑا سنیاں نیلوفر
جیکہ مرض پڑانی ہو
مجبرب نسخہ آکھ سناواں
ہے میرا آزمودہ کار

ہووے گندہ خون زیادہ
 خون گندہ سب دور کر
 مصفا خون کراؤ شروع
 نت اٹھ فجر پلایا کر
 کرن صاف سب خون خراب
 دیوے طرف رحم دے زور
 شربت شیرہ سرد مفید
 نال کتیرا گوند رلاء
 آلو انبلی شامل کر
 رکھ ترے ہفتے اس نوں شروع
 جاوے موزی مرض خراب
 کرے شتاب حیض نوں بند
 سرمہ کالا پھل انار
 ہر یک ترے ترے ماشے آن
 پوست ڈوڈے چار جوشا
 سولال اس سوچ بنھ سفیان
 کرے قصور خداوند معاف
 نقرع کر نت پلایا کر
 رہے جسم دے دج کھلو
 لکھیا طبیاں دج حکماواں
 ہوئے بہت شفا بیمار

نشاستہ لکڑی گوند کثیرا
 بنلوچن مصطکی بریان
 خشک بہرودہ مائیں رال
 سنگ جراح دھالیاں بے پھل
 کیسر مشک کافور افیم
 گھوٹ لعاب بہیدانہ ڈال
 ہک ہک قرص دو وقت کھوا
 دساں شربت دمی ترکیب
 کاسنی دھنیاں نیلو فر
 حب آلاس لکڑی انجبار
 گٹ پوسا پانی وچہ ڈال
 نل کے پن کے صاف کرا
 شربت دانگ پکا ڈ قوام
 جے شربت پوست خشخاس
 ہر ہفتہ کروا تلمشیں
 دانہ ہک مابو دا لے
 پھشکڑی پھل ماشہ وچ پاء
 پانی ہک تور مقدار
 کر شاد سرمہ نال آلود
 ہور ہک شادہ عجب دوا
 پھشکڑی چھ ماشہ سڑوا

کلنار مغز کلکھڑی کھیرا
 جفت بلوط سواہ سرطان
 سپاری کتھ موجس ڈال
 خسرو ہر ہک تور نکل
 ماشہ ماشہ ڈال حکیم
 قرص بنا ہک ہک مشقال
 پچھوں شربت ایسہ پلا
 کر ہمراہ اس نال طیب
 بورہ صندل شامل کر
 ہر ہک چار توحے مقدار
 فخرے دیگی وچ ادبال
 سیریکا بصری وچ پا
 شامل رکھ صبح تے شام
 پیوے رہے نہ حیض خناس
 دو ترے واری نال یقین
 پھل اناراں ماشے ترے
 گٹ پانی بے وچ جوشا
 رہے جدول اس ہیٹھ اوتار
 زخم زخم دا کرے نابود
 دیوے حیض دا زخم اٹھا
 پھل انار چھ ماشہ پاء

چھ ماشے کتھ ملاؤ آن
 رتی چار کافر حکیم
 کر کے کھل باریک کرا
 بنھ اس دے مچ آٹھ شیان
 کر شافہ رُوں اس دچ بوڑ
 مڑ کے حیض نہ شکل دکھاے
 ساری عمر نہ آوے حیض
 بکری دا دودھ شام پلا
 دیوے جتے دچ موڑ
 ایہو رکھیں یاد تمیز
 پھل انار ماجو دچ ڈال
 پیہہ کے خوب باریک کرا
 ڈوڈے پوست نال ملا
 آبدست اس رت کرا
 ہووے جلدی دفع فساد
 یک یک رتی قدر حکیم
 ترے چٹانک پانی دچ ڈال
 ہر ہفتے دچ یک دو داری
 تجربہ ساتیں بخش فقیر
 آٹا پھلی رکر دا دید
 گوند رکر تچ کر ہمراہ

چھ ماشے دارد بریان
 چار رتی دچ ڈال انیم
 سبے دارد جمع کرا
 مہندی دا پانی کر صاف
 دھنیے دے پانی دچ کھور
 عورت ایہہ شیان کماوے
 بہت نہایت دیوے فیض
 مکھن گوکا رت کھوا
 مت خشکی کر جاوے زور
 گرم خشک کوئی دیہہ نہ چیز
 پھٹکڑی پھل مائیں نیپال
 وزن برابر سب دوا
 دچ پانی دچ جوش
 کپڑے دچ گھت صاف کرا
 جے پیڈ دتے کریں ضماد
 کیس پھٹکڑی میل انیم
 ترے ماشے پیہہ گھت نیپال
 کرے عورت اس دی پکاری
 ایہہ بھی ہے نسخہ اکسیر
 پھل دھاواتے کتھ سفید
 حب آلاس تے سرمہ سیاہ

<p>پھل انار تے صندل بُو رہ کھربا گل ارمنی تے نسیال کٹ پھان کے سب دوا گھیٹو گو کے دج چرب کرا چھ ست ماشے نت پھکا کاہو خرفہ کاسنی لے گورکھ پان بوٹی نت پیوے پت نم برہم ڈنڈی لے آ آلو بخارا دانے ست شیرہ دھنیاں گھوٹ پلا انار دانہ آملہ لے آ رات پانی دج کرو نقوع انیلی پانی دج کر تر گوکی سستی بہت پلا</p>	<p>ہر ایک دو دو تولے پورہ ایک ایک تولے دج ڈال پھل اُس دی نے بنا مصری تھوڑی جیسی ملا آٹوں گو کا دودھ پلا گھوٹ پلا ایہہ دارد ترے حیض اس بند شتالی تھیوے دھنیاں گھت کے گھوٹ پلا نقوع نت پیوے مصری گھت کاہو خرفہ نال ملا زرشک سماق ایہہ چار دوا فجرے نت رکھو اس شروع مصری ڈال پلایا کر طباشیر کچھ نال ملا</p>
--	--

بیان عقر عقیقہ

<p>جیکر بچہ جنے نہ رنڈ عقر عقیقہ آکھن نام دج رحم دے پوے فساد عقر مرض دے بہت اسباب طبع موافق کرو علاج</p>	<p>کس ہندی دج اُس نوں سنڈ طبیاں دج حکیم تمام پیدا ہورے نہ اولاد آون ناپیں دج حساب چنگی طرح پچھان مزاج</p>
--	---

مارے جوش یا دموی مادہ	دافع قوت کرے زیادہ
قوت ماسکہ ہووے سست	کرے نہ اپنا فعل درست
ہووے لطفہ جلد فرار	اندر رحم نہ پھڑکے قرار
یا اس ہووے بندش حیض	یا آوے حدوں باہر بے فیض
یا مادہ صفرا دا ساڑ	کرے رحم دے دوج بگاڑ
یا سودا احتراقی سخت	کرے رحم دا جسم کڑخت
یا کوئی ریح یا بلغم باد	پاوے اندر رحم فساد
یا اس خون جسم وچہ گھٹ	موہکے قرعہ ورم یا پھٹ
یا کوئی موزی مرض آفات	کرے قوت رحم دی مات
دوج رحم دے گرے مواد	سبب اوس ہووے بے اولاد
چنگی طرح پچھان مزاج	طبع موافق کرو علاج
مارے جوش بے خون زیادہ	فصد نال کر خارج مادہ
یا سلیق دا فصد کرا	صافن گٹھیوں ناڑ چھڑا
جیکر بلغم دیوے زور	حب ایارج نال پخوڑ
دے کے دو تڑے چار جلاب	بلغم خارج کرو شتاب
سبب جیکر غالب صفرا	دیویں ٹھنڈی سرد دوا
جیکر خشکی کرے مطلوب	گٹھو دودھ نال کر مرطوب
کھن تازہ نت کھوا	گڑکا دودھ مصری وچہ پا
ہر ہفتہ دے کے تلین	مادہ خارج کرو لعین
جیکر گھٹ بدن وچہ خون	کھوا نجش الحدید معجون
سبب جے ہووے حیض زیادہ	دفع کرو جو موزی مادہ

ج
ا
ع
خ
د
ب
ا
ج
ن
ع
خ
پ
ج
م
ک
ب

سبب ہے ہودے حیض زیادہ
 نمک شاذ فائدہ مند
 سبب قروح درم یا پھٹ
 جس سبب دے ہودن مرض
 مطلق اس دا کہاں علاج
 اول اس نوں مسہل کر
 عقرقرعہ دارچینی لیا
 خالص کیسر اصل انیم
 وچ منقہ حب بنا
 بعد حیض ہک ہفتہ کھاوے
 اول ہر ماہ کرے جلاب
 جے عورت دا سرد مزاج
 نسخہ کراں بیان مجرب
 عقرقرعہ دارچینی چھڑ
 خالص وچ شراب گھوٹا
 پشم یا پنہ رول تر کر
 جاوے عورت خاوند پاس
 حمل اس حکم خدا دے مال
 طبع موافق کرو جلاب
 ہک سال کر استعمال
 بورہ ہمتی دند منگا

دفع کرو جو موذی مادہ
 کرے جو جھب خون نوں بند
 کرو معالجہ اس دا جھٹ
 کرنا دارو اس دا فرض
 کر فاسد مادیوں صاف مزاج
 بعد حیض دے ذرہ نہ ڈر
 بھنگ لونگ جعفری وچ پا
 ترے ترے ماشے ڈال عکیم
 برابر دانہ مرچ سیاہ
 حکم خدا تھیں حمل ہو جائے
 مٹ کھائے ہک ہک حب شتاب
 اس دا ہے ایہ خوب علاج
 کیتا بہتی دفعہ مجرب
 ہک ہک ماشہ وزن قدر
 کپڑے دے وچ صاف کرا
 منہ رخم دے آگے دھر
 ہک ہفتہ کرے وسواس
 ہودے کرے جے استعمال
 بعد فراغت حیض شتاب
 ہودے سنڈ حل دے مال
 ہک چھٹانکی وزن تولا

الذی

گھوٹ زیرہ وچ میل سفید
 مصری گٹ چھٹانک ملا
 ہر ماہ اندر ہک جلاب
 بعد جلابوں ایہہ دوا
 مٹ دو ہفتے دیوے چھوڑ
 کہ اں بیان شافے دا عمل
 کرتوں بعد فراغت حیض
 پھل دھاواستے پھل انار
 پشکڑی پھل ترے ماشہ ڈال
 ہک ماشہ وچ میل انیم
 ترے ماشے وچ گھول شراب
 ہک ہفتے تک شافہ کر
 بعد حیض ہک ہفتے تیک
 جس عورت دا گرم مزاج
 اس طرح علاج کرو ہک سال
 بہت بدن وچ خون زیادہ
 اول اُس دا قصد کرا
 مازو زیرہ لے سفید
 عقر قوما دار چینی لیا
 ترے ماشے دا وزن قدر
 بعد حیض ہک ہفتہ تیک

ہووے وزن چھٹانکی دید
 چھ ماشے دودھ نال پھکا
 بعد فراغت کرو شتاب
 پوداں روزاں تیک کھا
 بعد دو ہفتے کھائے ہو
 فضل خدا تھیں ہوئے حمل
 بہت شتاب پہنچا دے فیض
 چھ ماشے دا مقدار
 ہک دانہ مابھوگت نال
 کر بار یک تمام حکیم
 عورت شافہ کرے شتاب
 جاوے عورت خاوند گھر
 استعمال کرا دیں ٹھیک
 اس واسے ایہہ ٹھیک علاج
 ہووے سندھ حمل کے نال
 ہووے گندہ دموی مادہ
 صافن باسلیق چھوڑا
 کالی زیری میل وید
 برابر وزن بار یک کرا
 دارو وچ شراب کر تر
 شانہ اوس کرا دیں ٹھیک

مر
 رحم
 سبب
 صفر
 یا کو
 سبب
 جو ہو
 جے
 بعد
 منقہ
 نسخہ
 کیسر
 زردی
 کرو
 شدت
 دودھ
 اجرائی

در کجھ مدت استعمال فضل کرے رب ذوالجلال

درد رحم

<p> رحم اندر ہے ہووے درد سبب درد یا زخم گھنیر صفرا خون یا خشک مواد یا کوئی باد یا بطن رنج سبب ہے ہووے بندش فیض جو ہووے معلوم سبب بے وقت ولادت لگے زور بعد ولادت جیکر درد منفق ہووے سولہ جوشا نسخہ کراں بیان طلسم کیسر بذر افیج افیم سنبلہ مصبر مالوں لیا زردی بیضہ وچ ملا کرو طلا بروقت ضرور شدت درد ہے کرے حکیم دودھ وچ گھول پکڑے اجرائن خراسا منگوا درد رحم تے کرو طلا </p>	<p> مادہ گرم ہووے یا سرد وچ رحم تے ہووے پیڑ وچ رحم دے کرے فساد وچ رحم دیوے تصدیع یا حدول باہر پٹے فیض کرے تعالجہ اس دا جب آوے رحم توں سخت مروڑ ہووے سخت نہایت درد پیوے شہد تھوڑا جیہا یا درد رحم دا رہے نہ آسم دو دو ماشے وزن حکیم تے تے ماشے لے دھپا درد رحم تے کرو طلا جلدی درد ہو جائے دور لے ادھ رتی قند ایم ہووے جلد خفیف بیماری پورے پانی گھت گھوٹا دیوے جلدی درد دھپا </p>
--	--

چوتھائی رقی قدر افیم
 نت کھوا صبح تے شام
 نشاستہ ترے تولے بریان
 تولے دو میتھی کٹ پا
 جد دونیں ہو جاوے لال
 علوا کر کے اس دا طیار
 سبب جے ہووے دد ریاچ
 پودنہ زیرہ سونف منگا
 ترے ترے لہٹے دا دسب
 کاہڑ جوشاندہ مشہد ملا
 ہرمل ہالوں سنڈھ لیا
 گھوٹ پانی دھج گرم کرا
 سبب رتج یا بلغم سرد
 دو ترے روز ایہ لیب کرا
 سبب درد جے ورم گرفت
 محمل اوپر کرو ضماد
 گل پالونہ میتھی آن
 گھوٹ پانی دھج گرم کرا
 جے ورم کر بافے ریم
 سبب جے ہووے بندھ جھپ
 پودنہ آجو ہیر سداب

منقہ دھج کھوا حکیم
 آوے اُسے وقت آرام
 چار تولے گھب و دھج کر آن
 دونوں کڑھی نال ہلا
 چھٹا نکی کھنڈ شربت کر ڈال
 کھاوے عورت نت نہار
 جھبے کر اس دی اصلاح
 منقہ دار چینی لگ پا
 کٹ جوشا پانی دھج سب
 پیوے نت رہے نہ کا
 جوین مصبر گول پا
 درد ریح تے لیب کرا
 ہووے اندر رحم جے درد
 دیوے رتج دا دد آڑا
 ہووے بہت نہایت سخت
 ہووے جلد تحلیل مواد
 سوئے زیری سیاہ کتان
 تیل مٹھا گھت لیب کرا
 داد اس دا کرد حکیم
 ایہ شاذ اُس دیوے فیض
 بول منقہ میل شتاب

ترے
 کھوٹا
 کچھ
 پوست
 کٹ
 پودانہ
 گول
 اقیمو
 شدت
 ہووے
 ہالوں
 پانی
 دھج
 درد
 ج
 رکن
 گل
 رو
 بنڈھ
 تازہ
 سبب

ترے ترے ماشے دارد آن
 کھوڑا جیہا پانی دج گھول
 کچھ مدت کر استعمال
 پوست دایک ڈوڈہ لے
 کٹ سونف تولہ یک ڈال
 پو بانہ گڑ پیوے گھت عام
 گوگل بھنگ گھت کرو بخور
 اقیموں پانی دج جو شہ
 شدت سختی کرے جے درد
 ہووے ڈونگا درد غمیق
 بالوں رائی سندھ ایلوا
 پانی دے دج خوب گھوڑا
 فوراً درد ہو جاوے دور
 درد جیکر صفراوی مادہ
 شکر کن سوزش ہووے نال
 گل روغن ماش کرا
 بنفشہ روغن نیلوفر
 تازہ گوکا دودھ پلا
 سبب جے ہووے دموی مادہ

کٹ کے کر توں کپڑ چھان
 شافہ حیض دیوے جھب کھول
 کھولے حیض بند ست سال
 دار چینی گھت ماشے ترے
 دیچی دے دج گھت او بال
 دیوے اوسے وقت آرام
 فوراً درد ہو جاوے دور
 درد رحم جائے فی الحال
 ہووے بہت نہایت سرد
 ہووے سرد مزاج تحقیق
 اقیم دو ماشے نال طلا
 درد رتج تے کرو طلا
 رہے نہ ہرگز ذرہ قصور
 یا اس آدے حیض زیادہ
 سرد پیپ کر استعمال
 شربت شیرہ سرد پلا
 شکم پیڈ تے ماش کر
 نت دھارے مصری پا
 جوکاں لا خارج کر مادہ

سبب سودا جے مادہ سخت
 ہووے پتھر دانگ کرخت

ہم
 ام
 آن
 پلا
 ڈال
 مار
 ملان
 پا
 سب
 کا
 پا
 کرا
 درد
 آرا
 سخت
 مواد
 ستان
 کرا
 حکیم
 فیض
 شب

بہت نہایت ہووے سرد سخت رحم دہج ہووے درد

روغن مجربہ درد بلغمی

جاوے مرض پُرانی ہو
مغرب روغن کراں بیان
ماہل کنگنی زیری سیاہ
چراستہ دانے ہرمل لے
لونگ جعفر سندھ ہالوں لیا
آٹا کچلہ ترے اجریں
گٹ تمام پانی رکھ ڈال
تھوڑا پانی رہے تال لہ
ادھ سیر پکا مٹھا تیل
مٹھی مٹھی آگ جلد
جد سارا پانی جل جائے
کر کے صاف بوتل بیج ڈال
کنٹھیا سرد لقمہ ادھر تک
گزانہ تمدد کرے ظہیر
ہووے سخت لک دہج درد
مل اس نال ہتھانے تبس
ایہ روغن اسرار طلسم
ہووے جس دا سرو مزاج

فائدہ کرے نہ دارد کو
رہے نہ درد دا تمام نشان
کوڑی کٹھ کرد ہمراہ
ہر یک ہوون تو لے تنے
عقر قرعہ دار چینی پا
ہر یک یک تونہ بین
ترے دن پچھوں جوش ابال
مل کے پن کے صاف کرا
گھت کرنا ہی ہے دہج سیل
پانی سارا دیر کرا
باقی اصلی تیل رہ بادے
وقت حاجت کر استعمال
پیڑاں درد کرن جس تنگ
آکر جادے سب سریر
ہووے بہت نہایت سرد
چھوڑ بن دکھ جادے نس
دور کرے درد ہر قسم
اس دا ہے ایہ خاص علاج

رحم
بہت
گرم

بعد
بدل
مغرب
پنج
سیر
سورنجا
گٹ
تکے

شنگرف
جعفر
کک
خالص
بابر
کک

اس دی جلدی کر اصلاح کر مالش دکھ ہووے دفع سخت جے ہووے درد بھول	رجم مٹانے دج ریاہ بہت شتاب پہنچائے نفع گرم پانی دی کرو نطول
---	---

نسخہ درد پر سوتک

ہودے اوکھا بہت سریر ہودے بہت نہایت تنگ دیوے سوتک درد و نجا کھویہ اس دا سے بنا کر کھنڈ سیر بلاؤ آن دس دس توے دائو ترے کھویا دے دج جلد بط دیوے سوتک دائو و نجا	بعد ولادت جیکر پیڑ بدل چاوے عورت دارنگ مغرب کراں بیسان دوا پنج سیر پکا دودھ منگا سیر پکا گھیو دج بریان سورنجاں دار چینی منڈھلے گٹ چھان کے تمے دوا توے پنج دو دقت کھا
---	---

نسخہ درد رجم پر سوتک

دار چینی مرچیں مک پا سورنجاں مرچیاں شامل مال گٹ چھان سب جمع کرا ترے تمے ماشے سیل حکیم دج منقہ حب بنا جلد شفا کرے اس رب	شذرف عقرقرچا منڈھلے جھلن لوٹکے کے دج ڈال ہک ہک تولہ سب دوا خالص کیسر اصل افیم برابر دائو مرچ سیاہ ہک ہک دو دو کھائے جب
---	---

جوشاندہ دارچینی دسے نال	ماکھوں دو تولے وچہ ڈال
گرم روغن کوئی مالش کر	کھٹ دا تیل بناٹیک گھر

بیان ورم رحم

پیدا رحم اندر جے ورم	ہوے مادہ سرد یا گرم
اکثر تپ ہووے اس نال	روٹی بہت ہووے بد مال
ضرباں چیکاں مارن ڈنگ	ہووے عورت ڈاٹری تنگ
وچہ رحم دسے درد نہایت	کرے قبض دی بہت شکایت
نال علامت کریں پکھان	ورم مؤذی دا کل نشان
جیکر خونی ہووے ورم	مادہ تیز نہایت گرم
سرخی چہرہ رنگ زبان	ذائقہ مٹھا رہے دہان
کاکھڑہ سرخ قارورہ لال	شامل تپ ہووے اس نال
صافن رگ دا فصد کرا	ورم ظاہر تے جوکاں لا
جے مؤذی صفرا دا ساڑ	اکرے رحم دے وچہ بگاڑ
زہر دار صفرا دی مادہ	سڑکن تلخی کرے زیادہ
زردی چہرہ رنگ زبان	کوڑا رہے سواد دہان
تپ چڑھے شدت دے نال	درداں ضرباں کرن بیان
اڈل اس نول کر تبرید	ظاہر باطن نال تیز
گھوٹے دسے دیویں تلین	دو ترے واری نال تقین
پکھوں اس نول دیہہ ادیار	خوفہ کاستی تخم خیار
سڑکن جیکر رحم دے وچہ	کرے طبیعت عورت زچہ

مش
دھ
جوا
سب
رو
جیکر
چڑ
محل
میچ
جیکر
حب
ک
کرض
ہر
کڑے
گول

رم
سوزش
نل
وچہ

مشک کافور تے عرق گلاب
 دھنیاں کاسنی صندل بور
 جواں دا آملہ پیلک پا
 سب سودا جے دریم کرخت
 روغن گرم کردو تعمیل
 جیکر رتج یا بلغم باد
 چڑھے نسخ رجم دے وچ
 محلل اوپر کرو ضماد
 میٹھی اسی کٹ اوبال
 جیکر تپ نہ ہوئے نال
 حب ایارج دا جلاب
 یک دو دفع جینے وچ
 کرفس انیسوں سونف لیا
 ہر یک چار ماشے مقدار
 کپڑے وچ گھت صاف کرا
 گوگل دا جے کرین بخور

سیل طہارت کرو شتاب
 پھل گلاب تے مشک کافور
 گھوٹ پانی وچ لپ کرا
 ہووے بہت نہایت سخت
 ہووے موزی درم تحلیل
 کرے رجم دے وچ فساد
 درد کرے تے لگے کھج
 ہووے جھب تحلیل مواد
 داخل کر پچکاری نال
 ہووے سرد مزاج کمال
 دو ترے واری کرو شتاب
 کر بلغم بدنوں لے کھج
 پود نہ دار چینی وچ پا
 کٹ کے دیکھی دے وچ کاہڑ
 ماکھیوں ڈال ہر روز پلا
 ہووے رتج رجم تھیں دور

قرحہ رجم

قرحہ رجم اُس کس حکیم
 درد نہایت کرے خراب
 بہتہ دیر دکھ رہے کھلو

رجم وچوں آدے جس یلم
 سوزش سرکس وچ پیشاب
 بل وچوں آدے بدبو

گرم
 جال
 لک
 ہایت
 شان
 گرم
 دمان
 نال
 لا
 بگاڑ
 زیادہ
 دمان
 دیمان
 تیز
 نال تعین
 نیار
 ل

قرح رحم تے قرح مشیانہ
 دوہاں بیماریاں داک قسم
 نسخہ کریاں بیان عجیب
 کنہر کتھ مابو گلنار
 طباشیر الاچی لے سفید
 سنگ جراح نشاستہ رال
 پشکری ساڑ سہاگر پھل
 روغن صندل تولے ست
 چھ سات مانے زیت پھکا
 بھکڑا کاسنی تخم خیار
 تازہ گوکا دودھ پلا
 دسواں ہور عجیب پیکاری
 پاپک پانی گرم کرا
 گوشت خورہ گھت کھال
 جیکر قبض شکم وچ ہور
 گل روغن پیکاری نال
 جدوں قرح ہو جاوے صاف
 خشک بیردہ بھکتہ رال
 ایہ بھی ہے شافہ آزمودہ
 درد جے ہووے شدت نال
 کیس ایم پشکری گلنار

علاج علامت وچ یگانہ
 فرق بموجب عفرہ و اسم
 بہت دفعہ ہو یا تجریب
 باب چینی لے مغز خیار
 رگدہ گوند ملٹھی وید
 آٹا پھل رگدہ دا ڈال
 ہک ہک تولہ دارو کل
 دارو کٹ چھان وچ گھت
 کا ہو خرفہ گھوٹ پلا
 شامل نال کردہ ادمار
 دو تولے وچ شہد ملا
 زخموں ریم نکالے ساری
 دو تولے وچ شہد ملا
 کر پیکاری استعمال
 دیہہ ملیں اس تول کو
 دونویں وقت کر استعمال
 کرے قصود خداوند معاف
 کر شافہ چربی گان شے نال
 قرح رحم داکرے نابود
 ایہ پیکاری کر استعمال
 ہک ہک رتی دارو چار

پا
 نا
 رس
 تن
 کر
 بی

سو
 پود
 کٹ
 ماکھی
 عرق
 کر
 خوب
 روغن

وچ
 بھکڑا
 وھنا

پانی گرم کرا نال عقل دے کر پچکاری رسوت تر پھل چھل انار ترے ترے ماشے سب دوا کر پچکاری استعمال بیکر ہووے ہووے طلب	پہرے کے اس دے دے دے اس دے مثل نہیں کوئی کاری کتھ سفید پھنگڑی ساڑ پانی گھت تر کردا ہووے دفع قرح ست سال قرح مٹائیوں دیکھیں جب
--	--

بیان نفخ رحم

سوف ہک تولے منگوا پودنہ چھ ماشے دے گھت کٹ جوشائیکے صاف کرا ماکیوں دے جوشاندے کھو عرق پودنہ سوف اجوین کرس پودنہ پت سدات خوب پانی دے دے دے رگڑا ردغن کٹھ بنائیکے گھر	دارچینی چھ ماشے پاد ہک مک لے متقہ ست شہد دو توے دے دے دے نفخ رحم دی دیوے توڑ شہد ڈال پیوے دن رین سفید زیرہ دے ڈال شتاب کر کے صاف حمل کرا پیڈو تے بت مالش کر
---	--

سوزش رحم

دے دے دے دے دے دے بھکڑا کاشنی تخم خیار دھنیاں مشک کافور	سڑکن نال عورت بت دے خرفہ تھوٹ پلا ایہ چار پیڈو ۱ تر کر دے
---	---

یگانہ
اسم
جرب
خیار
وید
ڈال
وکل
گھت
پلا
ادمار
ہمد
سای
شہد
مستعمل
نوں
ستعمال
معاف
دے نال
دے نابود
استعمال
د چار

کاسنی نالی ملا شتاب	بوره صندل پھل گلاب
گھوٹ پانی دوج لیس کر	اگلے پچھلے دوا

سیلان الرحم

سیلان رحم اس نام بیماری	رحم تھیں رہے رطوبت جاری
جامہ رہے ہمیش خراب	وگے رحم تھیں گندہ آب
سوجھیں لکڑیں دوج پا	منز تخم انبلی لیا
پھل دھواوہ گوند لکڑی ہمراہ	تعلب مصری موصلی سیاہ
ہر ایک دو دو تولے پورہ	مجید سفید صندل دا بوره
مصری سولہ تولے دیکھ	چھٹائی موصلی میل سفید
چھ ست ماٹھے ریت کھوا	کٹ چھان سب جمع کرا
پلا پچھوں مصری دودھ پا	کتیرا پانی دوج بوسا
دار چینی سنڈھ شامل کر	موتھا عقرقرھا لے پھر
پیہ کے کپڑ چھان کرا	وزن برابر سب دوا
شانہ کرد دوج رحم شتاب	گھول بخور اجیہا دوج شراب
ماچو بکتھ باریک کرا	فراسانی اجوین منگوا
شانہ پوٹلی بنھ چڑھا	وزن برابر ترے دوا
ہور چڑھا پوٹلی دوج ڈال	چار پہر دے بعد نکال
شانہ اس سے جیہا نہ کو	سرد طبیعت جیکر ہو
کرے مرض دی دفع شکایت	لذت پیدا کرے نہایت
سرد فٹھے دا کرد علاج	جس عورت دا گرم مزاج

<p>کراں بیان شافے دا ذکر پھٹکڑی کتھ ماجر گلنار پہرے کے کپڑ چھان کرا چٹکی بھر شراب دج کھور عورت ایہہ شیان کماے تقیہ طبع موافق کر فاصلے کے ہفتہ وار</p>	<p>عورت مثل ہو جائے بکر وزن برابر دارو چار ڈبی دے دج بکھڑکا شافے کر دوں اس دج بور تنگ رحم اس دا ہو جائے دو ترے دفعہ ہرگز نہ ڈر کر تنقیہ دو ترے چار</p>
---	--

بیان اختناق الرحم

<p>اختناق الرحم یک عجیب آزار عورت مردے وانگ نموش پر مرگی وانگ نہ لگے کچھ رحم بھیس موزی اٹھ بخار بے اود عورت زور آور شہوت اس نوں پایا زور نوبت وقت بھنوں ہتھ پیر نخانہ اس نوں جلد کرا دھنیاں کٹ گھٹ دھک کاو ہم بستر کر خاوند نال سبب بے ہودے بندش فیض پٹکی طرح پچھان مزاج</p>	<p>عورت تائیں کرے خوار ہودے مرگی وانگ بیہوش ہودے بہت طبیعت زور ہوش حواس کرے بے کار بھج شتاب اس خاوند گھر ہوش حواس گئے منہ موڑ ہودے بہت شتابی خیر سرکے دج گلاب ملا نال ملاؤ صندل بور جادے مرض اس دی فی الحال کر دارو اس پہنچے فیض طبع موافق کرو علاج</p>
--	---

جے غالب ہووے صفرا جیکر سر یا خشک مواد بنفشہ روغن نیلوفر کھن مصری فجر چٹا سبب جے بلغم بہت زیادہ جے فم معدے وچ فساد دیہ اس نوں کوئی نسوار دو ترک دفع دے کے یئیں خالی ہنگیاں موراں وچ جے اُس بہت لمو دا زور عسندی بورہ نیلوفر رات پانی وچ کرو فقور	شریت شیرہ سرد پلا وچ طبیعت کرے فساد سر پیراں نوں مالش کر گوکا دودھ اس شام پلا نال جلاب خارج کر مادہ خارج کرتے نال مواد مغزوں خارج کرے بخار کٹھو باہر مواد لعین یا پلپیاں وچ دیویں کھج رمو شکی نال پٹوڑ عذاب بنفشہ شامل کر مصری ڈال کر اس شروع
--	--

خارش رحم

اندر رحم جے خارش ہووے کیس مندی کتھ لے نیپال سہاگہ چھل انار کیس تھوڑا وزن پانی وچ ڈال کوڑیاں چیزاں دا کٹھ عرق دو تولے ناکیاں وچ ڈال حم کرفس جوشا کٹ ڈال	عورت دکھ خارش تھیں رووے پیہ کے لائیل کوڑے نال ترے ایہ وزن برابر پیس کر استنجا اُس دے نال پیوے ہوسر شتایی فرق بجھ مدت کر استعمال پانی دیگی گھت ادبال
--	---

آبدست کر اس دے نال کھاوے گرم نہ خشک نہ تیز	نفع خارش توں کرے کمال مرجون ٹوٹوں کرے پر ہیز
سرطان رحم	
<p>پیدا درم ہووے سرطان ہووے بہت نہایت سخت شدت درم کرے سرطان شامل تاپ جے ہووے نال موذی سخت جے ردی مادہ اکثر درم ایہہ لاعلاج جیکر مرض پرانی ہو نال عقل دے کر توں معلم شریا سخت سودا مواد یا سودا رل بلغم خون میتھی اسی سوئے لیا ڈنڈے کوڈے دھج گھوٹا مٹھاتیل گرم کر گھت حرل کالی زیری لے برکے دے دھج گھوٹ لگا جد مادہ ہووے تحلیل جد مادہ پک ہووے یم</p>	<p>اندر رحم کرے نقصان کروڑہ پتھر دانگ کرخت درداں ضرباں کرن حیران عورت بہت ہووے بد حال ہویدا جادے درم زیادہ دیوے سخت بگاڑ مزاج رہے رحم دے دھج کھلو جیکر مادہ ہووے سالم دھج رحم دے کرے فساد کرن پیدا کرے درم زبون گل بابونہ نال رطا تھوڑا تھوڑا پانی یاد پٹہ بندھ دھڑے ست اسی تولہ تولہ ترے ترج درمیں تحلیل ہو جا بادے جھپ شفا حیل قبض جادے پھٹ حکیم</p>

جے اودہ درم قرعہ بن جاوے ظاہر درم جے مثل گھنیر پٹہ زیت بنھوں ترہ گرم جیکر مادہ فاسد خون سرد خشک جے ہووے درم گرم جیکر ہووے سرطان پیلک دھنیاں خوب گھوٹا دھنیاں دا پانی کڈھوا درم گرم تے کرو غلا جد ہووے ضرورت استعمال بنفشہ نسطری نیلوفر	مرہم شافہ نال چھڑاوے ہووے کر اس دی تدبیر درم سخت ہو جاوے نرم لا جوکاں کڈھ خون زبون روغن مالش کر ترہ گرم نال علامت کریں پکھان درم گرم تے تیپ کرا سکہ اس تے دج گھسا دیوے گرمی درم دجا درم والی مرضاں دج بحال بوت نطول کرایا کر
--	--

بیان مرض رجاء

عورت تائیں رجا بیماری مثل حمل پیٹ پھل جاوے جد میعاد حمل لنگھ جاوے بعضے کہن رحم دج بچہ بعد ترہ یوں سالان یا چار جد رب دا ہووے زمان باہر حکم خدا دے نال جے عورت نول مرض سبب	پادے اندر رحم خواری عورت حمل امید جتاوے مد آزار معلوم کراوے باہجہ تدج تے رہندا کچھ ہووے اس دی خلق تیار داخل رُوح اس ہووے آن آوے جیویں ولادت چال پہلے دکھ دوا کر جھب
--	--

نال
جیت
فلک
لے
فونڈ
چھ
شام
سبب
سبب
حیض
یا دج
رہے
سروچ
جاوے
نستہ کر
پاؤں اس
م کر قس
بندہ
دوا
ماٹھے
م سونہ

نال علامت کریں معلوم
 جیکر پتہ درج زامدان
 شکل کہ رنگ بن سہے کھلو
 لے ہاتھی دے دند دا پورہ
 لوندے کوندے وچ گھوٹا
 چھ ماشے دو وقت کھوا
 شام زیرہ دیر گھوٹ سفید
 سبب جے ہووے بلغم باد
 سبب مواد کثافت گند
 حیض نہ اُس نوں آوے مول
 یا وچ رحم دے ہووے رت وچ
 رہے نفخ رحم دے وچ
 سرد چیز اس ضرر پہنچاوے
 جاوے مرض پیرانی ہو
 نسخہ کراں بیان عجب
 اول اُس نوں کرو جلاب
 تخم کرفس زیرہ سنڈھلے
 پودنہ دارچینی اجوین
 کٹ دوا چھاننی وچ چھان
 چھ ماشے رت کاہرے نال
 تخم سونف خر بوزہ لیا

سبب مرض دا جیویں رسم
 معلوم پختہ ہون نشان
 سرگز حرکت کیے نہ کو
 ادھ پاپکا ہووے پورہ
 براہ مصری نال رطا
 گھیو دودھ پچھوں فجر پلا
 مصری گھت اس دے وچ دید
 پاوے اندر رحم فساد
 مونہ رحم دا ہووے بند
 لازم رہے گوکھ وچ سول
 کرو علامت نال صبح
 درد لگے تے لگے کچھ
 گرم غذاؤں نفع اٹھاوے
 دو تہے سال جے رہے کھلو
 بلغم رت وچ ونجاوے حب
 جب ایار ج نال شتاب
 ہر یک ہودن لوے ترے
 ترے ایہ دودھ تو لے لین
 براہ کھنڈ طلاؤ آن
 نت نہار کر استعمال
 انیسوں تخم کاسنی پا

ہر ہک تولے دا مقدار
 چار تولہ خالص گلقد
 تخم کرفس لے ہک شقال
 سولفت انیسوں تخم خیاب
 کاہڑ جوشاندہ کر کے تیار
 شافہ کرو جو لیاوے حیض
 احتباس حیض دے دج
 جے فاسد مادہ خونی گرم
 جوکان اُس نے تیرت لگا
 جے مادہ صفرا سودا
 کاسنی بھکھڑا تخم خیاب
 گھوٹ پانی دج صاف کرا
 کچھ مدت کر استعمال
 سخت سودا کثیف یا گند
 بنفشہ روغن دی پچکاری
 کرو طبع اس دی مرطوب
 روغن گل دی مالش کر

کاہڑ جوشاندہ کرو تیار
 نال جوشاندے کر ہووند
 میتھی دو تولے دج ڈال
 ہر ہک تولے دا مقدار
 پیوے حیض ہووے ادرار
 بہت شتابی پہنچے فیض
 دیکھیں جانہ ہوویں نہج
 پیدا کرے رحم دج درم
 گلیوں صافن ناڑ چھڑا
 کرے بگاڑ رحم دج جا
 خرفہ چھ مائے چار
 تے مائے شورہ گھول پلا
 دیوے سب آلود نکال
 کرے سوراخ رحم دا بند
 کر ہک دن دج دو تے واری
 گھیو دودھ اوس پلاؤ خوب
 دن دج دو تے دفع نہ در

بیان وجع المفارصل

غنٹھیا ہندی وج زبان
 اوکھا ہووے بہت سرخ

وج مفارصل کسن یونان
 بند بندے دج ہووے پیڑ

نال
 غنٹھیا
 منہج
 مالش
 ہر ہک
 نت کھ
 بر شعلہ
 جوڑیں
 بھانس
 جے مع
 جب کچ
 مالش کر
 سفوف
 روغن کا
 روغن
 سورنجار
 گھوٹ پا
 دجی دا
 تخم ہرمل
 مہر کیس
 گھوٹ پانی

سردی گرمی کر کے دھیان
 کل جوڑاں وچ ہوئے درد
 ہر ہفتہ ہک کرو جلاب
 سخت جوڑ ہو جاون نرم
 ہکل مار ننگا رکھ سانس
 پیڑاں درد و نجائے رنج
 گنٹھیا داؤ دا بڑا علاج
 دفع ہو جائے گنٹھیا داؤ
 اس دی شل نہیں کوئی کاری
 مارے وچ نشانہ رتیر
 دفع کرن گنٹھیا دا رنج
 گنٹھیا داؤ دا ہے تریاق
 دیوے گنٹھیا داؤ و نجائے
 بجز سائیں بخش فقیر
 سردرداں وچ مارن تیر
 لالوں سندھ کرفس رطل
 دفع ہو جائے سرد مواد
 دیوے پیڑاں درد و نجائے
 گھوٹ پکا بھو دن رین
 تیرے تیرے ماشے وزن حکیم
 دیوے فوراً درد اٹا

نال علامت لے پچیان
 گنٹھیا مرض ہے ہووے سرد
 منفع نال پکاؤ مواد
 مالش کر رت روغن گرم
 ہر ہفتہ دیوے ہک بھانس
 رت کھوا معجون سورنج
 بر شغشائے حب جو گراج
 جوڑیں مٹھا پیچھ جڑاؤ
 بھانس دیوے حرمل کنڈیاری
 ہے معجون کھوادیں سیر
 حب کچلہ تے حب سورنج
 مالش کرو روغن ادراک
 سفوف سورنجاں عجب دوا
 روغن کانپھل دا اکسیر
 روغن کچلہ روغن سیر
 سورنجاں کوڑی کھٹ ایوا
 گھوٹ پانی وچ کرو ضماد
 پیڑی دا رت تیل لگا
 تخم ہرمل تینوں اجوین
 صبر کیسر سندھ انیم
 گھوٹ پانی وچ کرد طلا

پوست داگھٹ ہے بہت پھیلتے
 گنٹھیا داؤ ہے ہووے گرم
 تاپوں بعد ہے کرے ظہور
 یا اس تاپ رہے کچھ نال
 گندہ سڑیا ہو یا مواد
 گل روغن دی مالش کر
 دو ترے دفع دے کے تلپین
 پھرتوں اعلیٰ توں کر تبرید
 جیکر سڑیا مادہ خون
 صافن باسلیق چھڑا
 کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق
 مالش روغن کریں حنا
 وچ ملا کچھ مشک کا فور
 انبرول دی دیویں بھانس
 انبرول دا کرو نطول
 انبرول دا کرو ضماد
 سڑیا مادہ بہت کرخت
 ظاہر باطن کر مرطوب
 ہے صفراوی ہووے مادہ
 دانے ایسغول منگا
 درد گرم تے کرو طلا

بہت شتابی چنگا تھیوے
 سڑکن درد جوڑاں دھج ورم
 پاوے جوڑاں دھج فخور
 مواد بحران کرے انتقال
 جوڑاں لے دھج کرے فساد
 بنفشہ روغن شامل کر
 خارج کرو مواد لعین
 شربت شیرہ سرد مفید
 ہووے گندہ بہت زہون
 خون گندہ سب دور کر
 نیت پلا ہووے جھپ فرق
 دیوے دنداں گرم ونجا
 ہووے درد دکھ سب دور
 مہکل مار ننگا رکھ سانس
 ہووے جلد شفا رنجول
 زائل کرے شتاب فساد
 کرے اعضاواں توں جے سخت
 تان حاصل ہووے مطلوب
 سڑکن سوزش بہت زیادہ
 پوست پاتی دھج پوسا
 دیوے سڑکن ثررت ونجا

<p>گل روغن وچ مشک کا فور دھنیاں پیسک صندل بور پانی دے وچ خوب گھوٹا جیکر پیڑاں دھوی مادہ رمیاں سنگیاں جو کال لا پاپڑا دھنیاں افسنتین تحقیق ہے ہووے خشک سبب گو کا گھیو اُس بہت کھوا ادھ پا گو کا گھیو پنکار</p>	<p>میل مالش اس کرو ضرور کاسنی پھل گلاب کا فور ورد گرم تے پیس کرا اُدے نظر جے خون زیادہ خون گندہ سب دور کرا نقص کر پیوے داروتین کرو مرطوب طبیعت جھب فجر مصری نکھن پا وقت شام دیہہ نت نہار</p>
---	--

نسخہ روغن مجربہ سائیں بخش حکیم

<p>مالش ہک عجیب اکسیر سُک جادو جے لنگ پران گوشت چم ہو جے خشک یا کوئی اعضا جڑ جاوے حرکت جس ہووے سب نست ماہل کنگنی کٹھ لے آ کانچل میل اجونیاں چار رات پانی وچ کٹ جو شا ل پُن اُس نوں صاف کرا دوبارہ پھیر</p>	<p>تجربہ سائیں بخش فقیر پتی ارک یا بانو ران رے رطوبت دانہ مشک سُک لکڑ دانگ اکڑاے اس مالش تھیں ہون درست بابونہ دانے حرمل پا دو دو تولے دا مقدار فجر کڑا ہی وچ جو شا تیل بیٹھا ادھ سیر بلا منہی منہی اگ جلا</p>
--	---

جہ سارا پانی جل جاوے ہیمٹھاں جلدی نال ادا تیل ارنڈ گری دا تیل روغن کدو مغز بادام گوکا گھیو چھٹاکی ڈال چرنی سے تمام ایہہ تیل ہک دن دے دج پنج ست وار مالش کر چھ ماہ ہک سال ادھ پا گھیو گوکا رت پیوے	تیل اکلا خاص رہ جاوے رکھ بوتل دچ صاف ستار روغن اسی دا دج میل پنج پنج تولے وزن تمام چھٹاکی چرنی بڑ گھت ڈھال گھت کر ایہی دے دج میل کر مالش نہ رہے آزار سکے لگ ہون بر حال فصل خدا تھیں چنگا تھیوے
---	--

مجموع سورنجاں

ماہل کنگنی حرمل گوگل یا کٹ بلا ایہہ دارو چار عقرقرا لونگ سنڈھ ڈال دار چینی لگ مرغ سیاہ پپلاں مول اجیناں ترے خالص کیسر اصل افیم سب دوا کٹ جمع کرا دودھ جدوں ہو جائے خشک ترے ترے ماشے وزن بنا جوشاندے دار چینی دے نال	سورنجاں مٹھیاں لے دج پا دو دو تولے دا مقدار مدتر کچلہ اسگندہ نال جعفل لونگ کر ہمراہ ہر ہک تولہ تولہ لے ترے ترے ماشے قدر حکیم ادھ سیر دودھ دج گھت پا رہے نہ پانی دا دج مشک ہک ہک دونوں وقت کھوا کر دوا رت استعمال
--	---

شام وقت تک وزن کھوا
پچھوں گھیبو دودھ گرم پلا

نسخہ حب سورنجاں

حب سورنجاں عجب دوا
سورنجاں مصبر تروئی لے
پھل ہرڑ کرش وچ گھت
عرق سونف وچ بنھوں حب
وزن اُس دا ہے دو مثقال
ست روز منفع کر دوا
ہر ہفتے ایہہ کر اسہال
جد اسہال ہوون اُس جاری
ست روز منفع کر دوا
ایسے طور کر استعمال
بہنہ گوشت کرے غذا

دیوے بلغمی درد و نجا
ہر ہک ہوون تو لے تیرے
سقمونیا ہر ہک ماشے ست
دانے مانہ برابر سب
کھادے تازے پانی مال
ہفتے بعد ہک وزن کھوا
دیون سب مواد نکال
زائل ہووے کل بیماری
ہفتے بعد جلاب دیوا
دیون پیراں درد نکال
ادھرک گھیبو مصالح پا

نسخہ سفوف سورنجاں

سفوف سورنجاں وچ پرنانی
بہت نہایت دیوے نفع
سورنجاں مٹھیاں تروئی لے
سناکی دو تو لے گھت
کیسر دوماشے گھت دید

مجرّب نسخہ بڑا لاثانی
گنٹھیاں درد ہوون سب دفع
ہر ہک ہوون تو لے تیرے
سقمونیاں اصلی ماشے ست
برابر نسخہ کھنڈ سفید

تازے پانی نال پھکا	ترے ماشے دا وزن تول
--------------------	---------------------

نسخہ حب کچلہ

<p>گنٹھیا سرود و نجاوے جھب درداں پیڑاں کرے نابودہ بہت دیر تک ہے کھلو پیڑاں درد جادون فی الحال رہن نہ ہک ذرہ دج انگ حب ایارج نال شتاب شنگرف رومی تول ہو جعفل لونگ کرد ہمراہ چھ چھ ماشے دارو ست بند ادھرک پانی ہمراہ جوشاندے دارچینی دے نال ماکیوں دو تولے دج گھول</p>	<p>مجرّب نسخہ کچلہ حب ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ جادے مرض پُرانی ہو کرے جے اینوں استعمال گنٹھیا استرخا ادھرنگ ہر ہفتہ ہک کرد جلاب مدتہ کچلہ تولے دو دارچینی نگ مرچ سیاہ عقرقرعہ سنڈھے دچ گھت حب ایارج مرچ سیاہ ہک دو حب کر استعمال دارچینی چھ ماشے تول</p>
--	--

معجون مجربہ حکیم سائین بخش

<p>گنٹھیا دا نہ رہے نشان بہت نہایت فیض اٹھایا گل بابونہ سنڈھ سورنجاں ہر ہک ہودن تولے ترے</p>	<p>معجون مجربہ کراں بیان بہت بیماریاں تے آزمایا دارچینی اسگند خونجاں زیرہ سیاہ ماہل کنگنی لے</p>
--	--

<p>الاچی چھڑنگ مرچ ایہہ چار کٹ سجھے چھاننی دج چھان میل تمام معجون بنا دونوں وقت تولہ ہک کھافے ہے آزمودہ ایہہ معجون ہک مہینے دج جلاب مالش گرم روغن دی کر</p>	<p>ہر ہک تولے دا مقدار ماکیوں سیر ملاؤ آن مرتبان دج رکھ ٹیکا گنٹھیا داد دی بنج اٹھافے رہے نہ گنٹھیا داؤ شعل ترے داری اس کریں شتاب دن دج دو ترے دفعہ نہ ڈر</p>
---	---

نسخہ معجون السیر

<p>کس یونانی کل حکماء ایہہ نسخہ اعظم اکسیر کریہ وجع الورک ادھرنگ کہے جے ایس نوں استعمال مصطکی سنڈھ پاناں دی جڑھ چھل ہریٹاں مرچ سیاہ دارچینی جلو تری لے کسیر ہک تولہ دج ڈال لسن ترے تولے منگوا سیر پکا تازہ دودھ لیا کھوئے وانگ ہووے جد آن سیر پکا ماکھوں دج گھت</p>	<p>معجون سیر جیہا نہیں دوا تجربہ سائیں بخش فقیر ہووے گنٹھیا نال چرننگ جڑیا کھل جاکے تت کال دیویں شامل الاچیاں کر جعفل لونگ کرد ہمراہ ہر ہک ہودن تولے ترے کٹ چھان سب رکھ سمہال کٹ گلیاں اس صاف کرا گلیاں مقوم اس دج پکا ادھ پاگیو دج کر بریان چنگل طرح پکا دیں پت</p>
---	--

جلدی نال کرڈا ہی لاه کھاٹے نت ہک قدر اکھروٹ ہر ہفتہ مسہل کروا	سب دارڈو دج کٹ رطا رہے نہ جوڑاں دے دج کھوٹ ست روز مٹ پھیر کھوا
---	--

نسخہ گنڈھیا بلغمی

شنگرف جھل لونگ بنگا ترے ماشے دج ڈال ایم گولیاں ماشہ وزن بنا جوشاندے دارچینی دے نال	ہک ہک تولے وزن تولا منقے دج بنھ حب حکیم ہک حب اس نون نت کھوا کر حب نت ہک استعمال
---	---

نسخہ درد بلغمی ہر قسم

چھٹاکی چھل جڑھ اک ٹا کوزے دج گل حکمت کر چار رتی اس وزن خوراک بعضیاں نون اس بقیں تے آوے دستے اس نون نال وقوف ضیق سینے نون جاوے چھوڑ	نصف چھٹاکی مرچ سیاہ ساڑا انگلیٹی دے دج دھر میل کھنڈ دج دیہہ بیاک بلغمی پیڑاں درد و نجاوے گنڈھیا بلغمی کرے موقوف اس دے مثل دارو نہیں ہو
---	---

نسخہ مطبوخ سورنجاں

دارچینی سنڈھ زیرہ سیاہ ترے ترے ماشے دامقدار	سورنجاں مٹھیاں کر ہمراہ کاہڑ پلا ایہہ دارو چارہ
--	--

دیوے پیڑاں درد و نجا	دو تولے وچ شہد بلا
نسخہ روغن سداب	
<p>کر تول اس نول خوب صبح ہوں پیڑاں درد فرار ادھ سیر پکا وچ اندازہ رائی بالوں عقرقرحا ہر ہک دو دو تولے لین پانی وچ سداب پوسا کل پُن کپڑے وچ چھنا</p>	<p>مردماد بے ہوشے دیکھ روغن کرد سداب تیار پانی کڈھ سداب دا تازہ کانپھل دانے ہر مل لیا کوڑی کھڑے ترے اجوین دارد سب درڑا کردا نجرے دیگی وچ جوشا</p>
روغن فرقیون	
<p>بلنی درداں سے درکار پنج پنج تولے قدر تول دار چینی بھی ہوئے نال کٹ کے سبھے جمع کرا فبر جو شامل صاف کرا دوجی واری پھیر پکا چھٹائی فرقیون پیہ میل ماش کردن رات شباب شاہ ارزانی دا فرمودہ</p>	<p>روغن فرقیون کر تیار کوڑی کانپھل کھڑے منگوا پودنہ عقرقرحا وچ ڈال دو دو تولے ترے دوا رات پانی وچ رکھ پوسا ادھ سیر مٹھا نیل بلا سڑ پانی یک جا سے نیل ادھ پا پکا میل شراب ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ</p>

نسخہ لیپ مخدر درد ہر قسم

پوست خراسانی اجوین مصبر کا ہو ڈال افیم گھوٹ دوا سب دج شراب کراہیداس نوں لیپ ضرور	دو نویں ہک ہک تولہ لیں دو دو ماشے قدر حکیم درد اُتے کر لیپ شتاب فوراً درد ہو جاوے دور
---	--

بیان روغن اوراق

کراں بیان روغن اوراق ضرباں چیکاں پیڑاں درد سوباخنے حرمل برگ ارنڈ پتر اک سنبھالو گھت ست قسم ایہہ ہک ہک مٹھ رات پانی دج کٹ پوسا سیر پکا لے دھما تیل جد پانی سارا سڑ جائے اک تھیں اس نوں جلد آنا پیڑاں درد جو جوڑاں دج	گنٹھیا داو دا ہے تریاق جاون چھوڑے ہو دن سرد برگ دھتورہ برگ اک مٹھ ہک ہک مٹھ ایہہ ست ادھ پا پکا کورڑی کٹھ خجر کرٹا ہی دج جوشا کر کے صاف دیویں دج میل باقی تیل خالص رہ جائے گھت بوتل دج صاف تیار مالش اُس دی لے سب کج
--	--

نسخہ روغن کچلہ

روغن کچلہ خوب دوا	دیوے کُنہ دبد آڑا
-------------------	-------------------

ادھ پا پکا کچلہ لیا تراش اس نوں چاقو نال سیر بہک پانی دے دج گھت گھت کڑا ہی دج جوشا ادھ سیر مٹھا لے تیل منٹھی منٹھی آگ جلا جد سارا پانی جل جادے آگ تھیں جلدی نال اوتار لقوہ راسترخاء کل پیڑ کمریہ گنٹھیا واڈ ادھرنگ	ڈال پانی دے دج جوشا کٹ حمام دستے دج ڈال رکھ بوسا دھاڑے ست نصف ہے تاں صاف کرا گھت کڑا ہی دے دج میل خوب طرح اس لے پکا خالص تیل باقی رہ جادے رکھ بوتل دج صاف نتار کر مالش ہو جان دہیر مڑ کے پھیر نہ مارن ڈنگ
---	--

نسخہ روغن کانپھل

روغن کانپھل دا اکیر کمریہ گنٹھیا پیڑاں درد کانپھل کوڑی کٹھننگا کٹ درڑہ کر دارو چار سیر پانی گھت رات پوسا نصف رہے لاه پیٹھ رکھا سیر پکا گھت مٹھا تیل خوب طرح اس لے پکا جد پانی سارا جل جا	تجربہ سائیں بخش فقیر زائل کرے جے ہوون درد حمل ترے اجوین ملا ادھ ادھ پا پکا مقدار فجر کڑا ہی دج جوشا کل کے کپڑ چھان کرا دونویں دج کڑا ہی میل پانی سارا جذب کرا کر کے صاف بوتل دج پا
--	--

وقت حاجت مکر استعمال	دیوے پیڑاں درد نکال
نسخہ حب شنگرف	
<p>سبب ہے مادہ باد فرنگ جادے مرض پُرانی ہو درداں جوڑاں وج تمام مادہ موذی جوڑاں وج کیسر لونگ جعفر لے آ شنگرف رسکپور وچ گھت قدر مرغ دے بنھوں حب ہک ہک حب اس بت کھوا جد مٹھ آدے کرے موقوف</p>	<p>پیڑاں درداں کرن جن تنگ فائدہ کرے دوا نہ کو ہوون لین نہ دین آرام داخل ہوئی کے کردا زنج دار چینی سنڈھ عقر قرا ہر یک ہووے ماشے ست ادرک دے وج پانی سب پچھوں گھیبو دودھ گرم پلا ایہو رکھیں یاد وقوف</p>
بیان درد پشت	
<p>درد کمر ہے پیدا ہو ہووے روگی تنگ نہایت وج کمر دے ہووے پیڑ سبب یا ہووے باد ہوا یا فاسد مادہ دمی گرم یا موذی صفرا دا ساڑ یا مادہ سودا کرخت</p>	<p>رہے کمر دے وج کھلو اٹھدا بہند اکرے شکایت ادکھا ہووے بہت سر ٹھہرے وج کمر دے جا کرے گوشت پشت مچ درم کرے کمر دے وج بگاڑ پٹھے کرے کمر دے سخت</p>

<p>سبب درد ہے فاسد خون ہے مادہ موذی صفرا ظاہر باطن کر تبرید سبب جبکہ داخل سودا مالش کر نت مٹھا تیل رمی سنگی پچھ لگا دو ترے دفعہ کر ایہوکار ایہ بھی ٹوکھ ہے اکیر روغن کٹھ دی مالش کر سبب ہے باد یا بلغم سرد حرمل سنڈھ اجوین گھوٹا تیل مٹھا گھت گرم کرا جدوں جذب ہو جاوے آب رائی مالوں سنڈھ ایلوا زردی بیضہ دج رلا شدت حدوں ہے کرے حکیم ہے جاوے مرض پُرانی ہو</p>	<p>کٹھ سنگی رمی نال زبون کٹھرے دج کرے جا لیپ بلین سرد مفید پچھے کر کرن اکڑا سنڈھ سورج مصبر میل پیہ دارو بندوق لگا ہووے کمروں درد قرار کمروں جلد نکالے پیڑ دفع ہو جاوے درد کر کٹھرے دج کرے درد پانی تھوڑا جیہا رلا دارو لکڑی نال رلا کرو پشت تے لیپ شتاب ترے ترے ماشے وزن تول درد کرتے کرے طلاد کر شامل ماشے ترے ایم فائدہ کرے دوا نہ کو</p>
---	---

مجر بہ شناسی نسخہ

درد کر دا جاوے جھب
 دار چینی سنڈھ عتر قرحا

بہت مجرب دساں حب
 کیر لونگ جعفر لے آ

چھ چھ ماشے وزن حکیم
 دج منقہ بنھوں حب
 ہک ہک گولی جے نت کھاوے
 مانٹ کریں جے روغن سیر
 کر روغن سچلہ استعمال
 گولیاں جو گراج جے کھاوے
 نسخہ ہک لکھاں دہقانی
 کہ دیواں اس نوں اظہار
 میتھی اسی گری چوہارے
 دار چینی اسگند لے آ
 گٹ پیس ایہہ دارو چار
 ممولیاں تخم کنڈیاری پیس
 بہت پُرانا گرگ منگوا
 پانی دج گوڈ گھبو کر پت
 ہک چھٹانکی جے نت کھاوے
 تریہوں اجونیاں دا کڈھ نیل
 میل روغن دچر بید ابھر
 جے لادیں روغن جیپال
 جاوے دُکھ پُرانا ہو
 گنڈی مٹھا تیل یا
 یا اس داغ یا دیوں گل

ترے ماشے دج ڈال انیم
 قدر چنے دے گولیاں سب
 درد پشت وچوں نس جاوے
 درد کمر سر مارے تیر
 درد کمر جاوے فی الحال
 درد کمر دا ترت دنجائے
 مجرب میرے پاس نشانی
 دو ترے ہوئے شفا بیمار
 پا پا پکا لے ایہہ چاے
 سُندھ سورنجاں مال بلا
 پنج پنج تولے دا مقدار
 گٹ ڈال دج تولے میں
 گھبو ہک ہک ادھ سیر پکا
 گٹ پیس دارو سب گھٹ
 درد پشت دج پھیر نہ آوے
 روغن دار چینی دج میل
 مانٹ اس دی ہے اکیر
 دیوے کمروں درد نکال
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 کاغذی پچھ ترے وار رگا
 نیکے مادہ موذی کل

در
کہ
نہ

رد
ادھ

ادھ
کر
مالٹ

لے
گھٹ
وقت

روغن
ڈوڈیا
رات
کے چا

درد ہے ہووے دج کنگروڑ کڑا ہو جائے انسان منکے باہر آون نکل!	دیوے طرف باہر دی چھوڑ خدیہ اس دا نام پچان دارو اس دا ہے مشکل
--	--

روغن سیر

روغن سیر بنا ضرور ادھک سیر مٹھالے تیل ادھ سیر گلیاں تھوم کڈھا کر کے صاف بوتل وچ ڈال مالش روغن خوب کرا	کرے درد رتخ دا دور ڈال کڑا ہی چولھے میل تیل مٹھے دے دج جلا وقت حاجت کر استعمال بہت ہتھال دا زور لگا
---	---

روغن حب الملوک

لے دو تو لے حب جیپال گھت کڑا ہی دج جلا وقت حاجت دے کرو طلا	مٹھا تیل چھٹانکی ڈال کر کے صاف شیشی وچ پا روغن نال ارڈ جلا
--	--

روغن خنظل

روغن خنظل کرو تیار ڈوڈیاں جمل شمع دھتور رات پانی دج کٹ پوسا تے چار چیر دج ڈال	ہووے درد ہر قسم فرار ادھ ادھ پاپکا لے پورہ نجر کڑا ہی دج جوشا دیویں دو ترے ہو راوبال
--	---

مل کے پین کے صاف کرا مڑ کے دھج کڑا ہی پا جد پانی سارا سڑ جاوے کر کے صاف شیشی دھج ڈال ہے ایہ روغن مثل طلسم	سیر ہک ہٹا تیل ملا چاہڑ اگ تے خوب پکا کڑا ہی اگ تھیں پیٹھ لہا کر کچھ مدت استعمال درد موقوف کرے ہر قسم
---	---

دھج الورک

درد چتر دھج ٹھہرے آ چتروں اٹھ گڑے تک جاوے جے چتر دھج ہووے دم رگ صافن دا قصد کرا موذی مادہ ہووے دور کوڑیاں چیزاں رت پلا جیکر چتر دے دھج درد چتر اُتے گل لگا روغن دھاتورہ ملو اجوین نوشادر مالوں رائی گھوٹ پانی دھج لپ کرا کچا ہٹا تیل یا لیا	دھج الورک کس حکما درد نال مددگی کرلاوے خونی فاسد مادہ گرم رمی سنگی جوکاں لاء ہے نہ چتر دھج قصور نقوع کر رب کرے شفا ہووے بہت نہایت درد دیوے اس نون رب شفا دیوے بلغمی درد دنج ترے ترے ماشے چار دوائی دیوے فائدہ بڑت پہنچا ایلو نال انیم گھسا
--	---

پچھ کے کاندی وانگ لگا
نوراً دیوے درد اڑا

روغن دھتورہ

<p>ہوون پیڑاں سرد فرار سبز ڈوڈیاں حرم پا تسے اجونیاں تولے ترے فخرے دیگی رچ جوشاء ادھ سیر مٹھا تیل ملا کر کے صاف شیشی وچ پا ہوون درد پیڑاں سب دور رہن نہ یک ذرہ وچ انگ</p>	<p>روغن دھتورہ کر تیار ڈوڈے دھاتورہ منگوا ادھ ادھ پا پکا کٹ لے کٹ سب پانی وچ پوسا نل پن اس نوں صاف کرا مڑ دوبارہ خوب پکا مالش اس دی کرو ضرور گنٹھیا، استرخا ادھرنگ</p>
---	--

تدبیر گل

<p>بہت دیر تک رہے کھار ڈونگھا چنگی طرح پکا بخٹے صحت رب کریم گوتر وچ جیپال گھسا سل پتھر اُتے گھس لے خون پوئنج کے اُتے دھر سٹ اٹھ روز نہ جادیں بھل مڑ گھیو لاء نہ ہرگز ڈر بلغم خارج کرو شتاب</p>	<p>جیکر مرض پُرانی ہو درد چٹڑتے گل لگا نکلے مادہ بن کے ریم درد اُتے پچھ خوب لگا موٹے تازے دانے ترے زوندے نال آلودہ کر چنگی طرح پکاؤ گل ست روز لب لا رکھ تر دے کے دو ترے چار جلاب</p>
--	--

بیان عرق النساء ہندی رنگین

<p>عام لوگ آگن اوتریخ دھج رگ لت دے کہے قور سخت نہایت رنج پہنچاے لنگا ہو جادے انسان بہت سخت دیوے تصدیق وجے چوکنے دھج تراٹ لک چوکنے گئے تیک گندہ ہوٹیکے کرے فساد درد کرے تے گئے کچھ آدے کہے نہ وقت آرام ہرگز کدے آرام نہ آئے دست - قصد - گل - وشن ناڑ مرد موافق طبع مزاج پہلاں گوہے نال ادچا گھس کے لاگو تر دے نال کناریاں تے گوگل گھس لا پنجویں کاغذی نہیں اوتار دیوے جھدے زخم چھڑا کرتوں قصد عقل دے نال</p>	<p>عرق النساء سخت ہک رنج ہندی دھج رنگین مشہور چترالوں درد رگٹے ہک جادے درد ہووے دھج پتی ران پھرے نسا رگ دے دھج رنج پوسے لت دے دھج بھرنٹ عرق النساء جو رگ باریک داخل رہے اس دھج مواد پھر مواد یا رنج اس دھج چیر پوسے دھج لت تمام جب تک ادہ نہ نکل جاوے خاص علاج رنگین دے چار مالش دارو ہور علاج مڈھ چیمپی دے گل لگا ادہ دانہ حب جیپال اوسر روں دا پھاٹا لگا تھک لگا گل تے دینہ چار گوکا گھیٹ زنت ساڑ لگا چیمپی دے مڈھ لڑکے نال</p>
---	---

جد نکلی خون چچی دی ناڑ
 جے بلغم دا خاص سبب
 تنقیہ حب ایارج کر
 مالش کر بنت مٹھا تیل
 مالش اس دینہ رات کرا
 نت کھوا معجون سورج
 مالش کر ہر روز مدام
 کن دھواؤ سوئی نال
 کرے ترے مہینے دیر
 رنگن سچی طرف جے ہو
 کچے طرف جے ہو دے پڑ
 مصبر رتی کھادے چار
 پچھوں گھیسو دودھ میل پلا
 تارا میرا تلی لگا دے
 ایہ بھی ٹوکے ہے آزمودہ
 صابن تولے دو منگوا
 اجوائن خراسانی دج پا
 خاص درد تے یپ کرا

ہو دے فوراً درد فرار
 کر بلغم نال خارج جھب
 دو ترے دفعہ نہ ہرگز دز
 روغن نال انڈی میل
 خوب ہتھاں دا زور لگا
 دفع ہو جاوے جھبے رنج
 جب تک آوے نہ آرام
 ناڑ پا پڑی کن دج بھال
 دھاگا دج کن دے پھیر
 کھتا کن دھاوے سو
 سجا کن روغن اکیر
 روز نہ ہرگز رہے آزار
 دور ہو جاوے رنگن دا
 پانی دے گھٹ نال لنگھا دے
 فقیر شناسی دا فرمودہ
 سورنجاں تول نال رلا
 خالص دج شراب گھوٹا
 دیوے فائدہ تر ت پہنچا

بیان فقرس

درم ہو دے تے لگے رکھ

جے ہتھاں دے گتاں دج

ہووے کرے پیراں داناس
 جیویں گاں بھینس دانگ
 طبیاں دج حکماء تمام
 مٹے گٹ جاوے کر گرم
 پانی سرد نال کوئی نہادے
 یا تپ بعد ہووے بالفرض
 طرف انگشتاں گھتے شور
 گندہ سڑیا ہو یا مادہ
 سنگیاں رسیاں جوکاں لا
 رہے نہ چتے دج قصور
 کرے ہتھیاں پیراں دج درد
 کر توں اس دا سمجھ مزاج
 کرد علاج مرکب جو
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 دیوے نقرس مرض دجا
 رنت پلا ہووے جھب فرق
 روگی نوں ہر روز پلا
 مشہر سارے دج جہان
 کر کے صاف گوکا گھیک پلا

گٹیاں پیراں دج آماس
 اونگلاں ہتھ کر جاوے ڈنگ
 آکھن نقرس اس دانام
 اکثر مادہ اس دا گرم
 جسہ جدوں طیش دج آسے
 اونھوں پیدا ہووے مرض
 بادہ مرض دیوے جد نور
 جیکر ہووے خون زیادہ
 صافن باسلیق چھڑا
 فاسد مادہ ہووے دور
 جیکر بلغم یا ریح سرد
 دج مفاصل دانگ علاج
 جیکر مرض مرکب ہو
 جاوے دکھ پُرانا ہو
 گولیاں سم الفار کھوا
 کوڑیاں چیزاں اکڈھ مرق
 روغن بنم دا آپ بنا
 نام اس دا روغن کلیان
 پانی دج پت بنم گھوٹا

نہ پئی دے دج گھت پکا
 ساڑ پانی سب ہیٹھ لٹا

نسخہ حب سم الفار

مجرب نسخہ سم الفار
 طبیب شیر الہی کتب سفید
 ہک ماشہ گھٹ سم الفار
 عرق لیموں گھٹ بنھوں حب
 ہک ہک حب دو وقتی کھاوے
 پچھوں گھیو دودھ پیوے گرم
 ہر ہفتہ ہک مسہل کر
 ہک ہفتہ مڑ دیوے چھوڑ
 ایسے طور دوا کماوے
 ہفتہ چھوڑ ہفتہ مڑ کھاوے
 جیکر ہووے سرد ہوا
 مالش کر اس روغن گرم
 جس نقرس دا خشک علاج
 گھیو مکھن اس بہت کھوا
 بنفشہ روغن رنت ملا
 مالش تے کر بہتا زور
 جے کوئی کھاوے خشک غذا

ہوئے کئی شفا بیمار
 ہر ہک تے ترے مٹھے وید
 ڈال کھل وچ پیس سنوار
 موٹہ برابر گولیاں سب
 خشک چیزے راہ نہ جاوے
 دُور ہو جادون درداں دم
 طبع موافق مول نہ ڈر
 مڑ کھاوے جے ہو دس لوڑ
 خشک چیزے راہ نہ جاوے
 نقرس داؤ دی تیخ اڈاوے
 کاغذی ہٹھا تیلیہ لا
 رہن اعضا فال وچ نہ دم
 کر اس دا مرطوب علاج
 جھقوں تیک سکے اوہ کھا
 گل روغن اس نال ملا
 ہستیاں نوں ہر وقت مروڑ
 سمیات یا سخت دوا

اوتھوں جاوے بگڑ مزاج
 اس دا ہے ایہ خوب علاج

بیان مرض زانو واؤ

<p> جو جیکر کوئی سخت مواد گوڑے جڑ جادون اس نال درم ہووے گوڑیاں وچ جا دستاں ہک عجیب مکور گوڑے جڑے ہوئے ست سال ہلدی بجی ٹون ریا کڑھی پیٹھ انگار رکھا پوٹلی گرم تیل وچ بوڑ سارا دینہ کر ایہو کار کر کے اک ویہ روز مکور یا گوڑے تے جوکاں لا کر ایہو دین رات تعمیل جیکر باقی رہے تصور ایسے طرح کر ہک دوبار کچھ مدت کر مائش گرم ہر ہر قسم ریاضت کر جیکر باد فرنگ آزار جھب کھوا حب سم القار جیکر بلغم باد یا رتج </p>	<p> گوڑیاں دے وچ کرے فساد بہت بیمار ہووے بد حال آکھن اس نول زانو واؤ جس دے مثل علاج نہیں ہو کھلن حکم خدا دے نال درڑہ کر پوٹلی بنخوا تیل مٹھا تھوڑا جیہا پا گوڑے اُتے کرو مکور ہو ہو شیار نہ ہمت ہار گلیوں صافن رگ نول چھوڑ فاسد مادہ دور کرا ہووے سخت مواد تحلیل ایہو یاد رکھیں دستور ہووے موڑی دفع آزار پٹے سخت ہو جادون نرم اسواری گھوڑا چتر خر زانو دے وچ کرے جگاڑ موڑی مادہ کرے فرار گوڑیاں نول دیوے تصدیح </p>
--	---

کاغذی مٹھا تیلیہ لا
 دو ترے اس نوں کو جلاب
 جیکر مرض زانو دی خشک
 پٹھیاں نوں لگ جاوے کچ
 جو روغن ہوئے مذکور
 گرم پانی وچ رنت نہا
 سامیں بخش کیتی ایہ کار
 سبب جے بلغم خالص سرد
 مالش کر رنت مٹھا تیل
 سندھ سورج دار چینی لے
 کٹ پھان وچ شہد ملا
 ہر مہتے وچ ہک جلاب
 حرمل ترے اجوین گھوٹا
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 مالش روغن گرم کرا
 تیل مٹی دا رنت لگا
 چار تولے گلقد منگا
 کھاے اس نوں جدوں بیا
 کرے جے ایسوں استعمال

دو ترے دفعہ نہ ہے ہوا
 خارج مادہ کرو خراب
 ہے رطوبت دا نہ مُشک
 ہووے سخت نہایت زنج
 مالش کر چھ ماہ ضرور
 دیگ عظیم حمام کراہ
 ہوئے کئی شفا بیمار
 ہووے گوڈیاں لے وچ درد
 پیہہ کے نال سورنجاں میل
 پنج پنج تولے دارد ترے
 چھ ست ماشے رنت کھوا
 حب ایارج دیہ شتاب
 پانی مٹھوڑا جیہ ملا
 گوڈیاں تے پرہ بنخوا
 دیوے اس نوں رب شفا
 روغن نال ارزہ ملا
 سقمونیا ماشہ ہک ملا
 ہوون درداں جلد قرار
 شروع ہوون اس نوں اسہال

درد جیکر دیوے تکلیف
 شدت اس دی کرے خفیف

وَجَعُ الْكَتِفِ

اصول

<p> ہونڈھے دے دھج ہوئے پیر راتیں دینہ آرام نہ آئے درد بازو دھج مارے ڈنگ ہونڈھے آتے گل لگا نال استرے کچھ لواء ست دھاڑے ٹھک لگا اٹھویں کاغذی ٹیٹیں آتا ٹٹنگہ کراں بیان لاثانی انبرول کٹ لے جوشا انبرول دی دیو بھانس پٹہ انبرول بنھا سرد دوا ایہ نال وقوف مالش کر بت کھڈ داتیل چال روز کر استعمال ہونڈھے دھج جے ہوئے درد پانی دھج اجین گھوٹا پٹہ بنھ عقل دے نال سورخاں مٹھیاں خوب گھوٹا مالش کر بت اوپر درد </p>	<p> پورے سارے بازو دھج چیر درد نال روگی کرلائے ہوئے بہت طبیعت تنگ گوتر دھج جے پال گھسا رموں آلودہ کر چڑا کاغذی چنگی طرح پکا پھیر لگا گوکا گھیو ساڑ غیس دوا کوئی اس داثانی کر کے صاف نطول کرا بنگل مار ننگا بکھ سانس گھوٹ پانی دھج خوب پکا ہوئے پیڑ شتاب موقوف روغن نال ارزہ می میل دیوے ہونڈھیوں درد نکال مادہ اس دا ہوئے سرد تیل مٹھا گھت گرم کرا دو ہفتہ کر استعمال تیل مٹھا گھت گرم کرا زائل کرے جے ہوئے سرد </p>
---	--

سبب زائش

ہا
 تیل
 فرا
 حالہ
 و
 مایل
 روغن
 نت
 سایہ
 شدہ
 درد
 جادو
 مقرو
 زخم
 دیت
 دودہ
 جد
 زخم
 سبب
 قصد
 کار

ہا بونہ اسی میتھی یا
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 خراسانی اجوین منگا
 خالص دج شراب گھوٹا
 ٹٹکے ہے ایہ دانگ طلسم
 ماہل کنگنی ترے اجوین
 روغن دار بھانڈے دج پا
 نت اس نوں مالش کردا
 سائیں بخش ایسنوں آزمایا
 شدت درد جے کرے حکیم
 درد اُتے جھب کرے طلا
 بادے درد پرانہ ہو
 مقروضی دارو اس تے لا
 زخم جدوں ہو جائے جاری
 پیٹ کبوتر دی لے رائی
 دودھ انجیر دے دج گھوٹا
 جد اُس جگہ زخم ہو جائے
 زخم دیر تک رکھو جاری
 سبب جے ہووے خونی ادہ
 فصد نال کر خارج خونی
 جوکاں رنگیاں اس تے لا

پانی ڈال کونڈے رگڑا
 درد اُتے پٹہ بنھوا
 دانے حرل نال ملا
 سخت درد تے لیپ کرا
 دیوے فیض درد ہر قسم
 حرل ادھ ادھ پاسب لین
 پتال جنتر نال تیل کڈھا
 روغن نال ارزہ ملا
 بہت نہایت فیض اٹھایا
 دودھ دج اک لے گھس ایم
 دیوے جلدی نفع پہنچا
 نفع نہ بخشے دائد کو
 دیویں اس تے زخم بنا
 خارج ہووے کل بیماری
 ہک ہک تول دو دوائی
 درد موندھے تے لیپ کرا
 گھیسار کے نت لگاے
 زائل ہووے کل بیماری
 ہووے گندہ خون زیادہ
 جیڑا گندہ بہت زبون
 دو ترے دفع نہ دیر لگا

گندہ خون جد ہودے دفع دردوں جلد ہو جائے دفع

لوٹکہ دہتقانی

لوٹکہ کراں بیان دہتقانی
مریض جیکر ہودے مسکین
بول کھیرے چھترے دایا
پاک دودھ بھینڈ دج گھت
کرے جے ایس نوں استعمال
بقرہ پیراں دج لاثانی
دیہہ اس نوں ہودے مسکین
پک چھٹا نکی وزن تولا
پیوے نت دھاڑے ست
فضل کرے رب ذوالجلال

دج العقب

جیکر پب یا اڈی دج
پتر اک دے توڑے آ
تھلے جوتی دے دج گھت
یا اک دے پت گھت پخوڑ
آٹھ دس دینہ کرا استعمال
جیکر درد پیراں نوں دم
صافن رگ دا فصد کرا
جیکر سوزش پیراں دج
کوڑیاں چیزاں گھوٹ پلا
یا کوڑے دارو کرد فقوع
آنو اہلی ترشش انار
کرے کسے نوں درد جے زنج
تیل ہٹھا لا گرم کرا
جادے درد نہ آوے دت
تیل ہٹھا گھت کرو ٹکور
دیوے اڈیوں درد نکال
سبب خون دے مادہ گرم
گل روغن سرکہ نت پلا
کرے نہایت ڈاڈا زنج
دو توڑے نت لاکھوں پا
مصری ڈال رکھو نت شروع
فقوع کرے پیوے نت نہار

کبجہ
نشا
کھا

داع
بھار
ہے
کر

سبب
سبب

پک

میعون

میون

ہرماہ

عرق سو

بالش

کھن

جد ہودے

جینے

طبع

شیر کاسنی نال پلا	سکجین اس رنت پلا
وزن برابر دارو پیس	نوشادر آملہ سار کسین
گوکے مکھن نال نہار	کھارے ہک رتی مقدار

داء الفیل

ہاتھی وانگ ہو جان پران	داء الفیل مرض اودہ جان
ہوون اس دکھ نال علیل	بھارے موٹے قدم جیوں فیل
کرے روگی نون بہت لاچار	ہے ایہ مشکل سخت آزار
کس سبب دکھ ہو یا پیدا	کر معلوم علامت ویدا
کر خارج سب خون زبون	سبب ہے ہووے گندہ خون
کر توں چنگی طرح صحیح	سبب ہے ہووے بلغم ریح
تنقیہ اوس نوں دیوے نفع	ہک مہینے دج ترے دفع
پچھوں سوئف دا عرق پلا	مجمون پودنہ رنت کھوا
کونی کوئے مرض نوں دفع	مجمون فلاسفہ دیوے نفع
ہووے موزی دفع پلا	ہر ماہ وچ دو قے کردا
سرد پانیوں پرہیز کردا	عرق سوئف دا بہت پلا
روغن نال انڈی میل	مالش کرو بالونہ نیل
مت خشکی اُس جاے دھا	مکھن گھیو نہار کھوا
مادہ موزی کر اخراج	جد ہووے مرطوب مزاج
کر تنقیہ استعمال	چھ مہینے تا ہک سال
تان ہووے مادہ خفیل	طبع موافق کرو تعدیل

دفع

ثانی

سکین

تولا

ست

لجلال

نفع

کرا

وت

مکور

کمال

گرم

پلا

زج

پا

شروع

بہار

دَوَالی

مرغ دوالی پلپاں دوج کنڈل مار ناڑاں پھل جان گرمی سردی سمجھ مزاج موافق اس دے طبع مزاج مالش مسهل لب نطول راء الفیل دا جو دستور مالش گل ردغن کردا جوشانت پینک کرو نطول ہینے دوج دو ترے جلاب سمجھ علامت موزی مادہ	آن کرے ناڑاں تول زنج وانگ سپولیاں نظری آون کرتوں اس دا خوب علاج مادہ موزی کر اخراج طبع موافق کرو رنجول اوہو اس دا کرو ضرور بابونہ روغن نال بلا محلل کرو ضماد رنجول طبع موافق کرو شتاب کہ اخراج جے خون زیادہ
---	--

بیان حمیات

تاپاں دی ترے قسم پکھان جئے یوم ہودے جد شروع اسلی جئے یومی تاپ کہ دو روز ترے یا چار ہودھویں روز یا ہویں دور جیکر اس تھیں ودھے زیادہ	جئی یوم - حلطی - دق جان رکھے نال تعلق روج ٹٹ جاوے مہلت تے آپ یا آوے یک ہفتہ دار ہے نہ جئے دوج تصور کرے بگاڑ خلط دا مادہ
---	--

اودہ تب غلطی کن حکما جد غلطیاں دج پورے قصور تب دے نال تعلق دل حرارت غریبہ شعلہ مار جلی یوم دے قسم پچیس دو قسمیں تب دق پچیان	ٹھہرے دج جسم دے آ جلی غلطی کرے قصور رکھ دے پچہر دے دج بل دیوے دل دی طبع بگاڑ غلطی تب بے قسم پینیس حقیقی غیر حقیقی جان
--	--

بیان نام و سبب حمی یوم

و کھو دکھ سناواں نام استضافہ اس دا نام جھکھ ترہہ تھیں پیدا ہو دیوے ضعف کرے کم طاقت تعبیہ رنج کرے ح کو پاؤے اندر عقل زوال غضبیبہ غضبوں کرے ہویدا سبب بے خواب ہوئے بیمار فرغیہ خوف کسے نوں آوے آوے خواب اس بار کج حال دج جسم دے آن کھلے یا کوئی تیز یا سخت دوا نال بدن دے کر دق ملپ	حمی یوم پچیس اقسام سبب تاپ جے بند سام جو عیبہ عطشہ ایہ تب دو استفراغیہ بعد فراغت تخمیہ بدامضمی تھیں ہو وہمیہ وہم جو کرے کمال غیمیہ غم تھیں ہووے پیدا سہریہ تاپ جو رہے بیدار سیدیہ سدہ تھیں ہو جائے نومیہ بہت کرے جو خواب حریریہ جدوں حرارت ہوئے پورے مخالف جدوں غذا فدائیہ دوائیہ ایہ دو تاپ
---	--

دل زنج
لمری آدن
ب علاج
اخراج
و درجول
کرو ضرور
نال بلا
و درجول
و شتاب
خون زیادہ

دق جان
تعلق روح
ہلت لے آپ
ہفتہ وار
دج قصور
غلط دا مادہ

بہتا فکر کرے انسان
 غشیہ غش تھیں کرے ظہور
 جد کوئی پیوے بہت شراب
 نزلیہ شدت وقت زکام
 درمہ تپ ہووے جدوم
 جد سردی بہت لگے انسان
 وجعیہ سخت درد جد ہووے
 تشفیہ ترک ہو کرے ریاضت
 جے کوئی کرے ریاضت سخت
 جٹی یوم پچیس اقسام
 بہتا گرم ہووے جد رُوح
 یا نہو جاوے بند مسام
 یا کوئی سخت دوا غذا
 یا دھپ سخت یا آگ داساڑ
 سبب ہوا یا پالا سخت
 سبب درد یا پھوڑا درم
 سبب تریہ یا زیادہ بھکھ
 سبب خواب یا بہت بخوابی
 سبب یا ریزش نزلہ خام
 سبب خوب فکر یا غم
 سبب رنج یا وہم خیال

فکریہ پیدا ہووے آن
 اُد جادے چہرے دا نور
 چڑھے خمریہ تپ شتاپ
 آن جسم دج کرے مقام
 کردا بہت جسم نول گرم
 سرمیہ حاضر ہووے آن
 آن جسم دے دج کھلوے
 ایہو اس دی خاص شناخت
 چڑھے ریاضیہ تپ یکخت
 گمن کے سب سنائے نام
 جٹی یوم ہووے تد شروع
 یا لگ جاوے سخت زکام
 کرے بگاڑ معدے دج جا
 کرے جسم دے دج بگاڑ
 سردی اثر کرے یک سخت
 کرے تپ رُوح نول گرم
 دیوے تپ جسم نول دکھ
 کرے تپ دج بدن خرابی
 کرے تپ دج جسم مقام
 دیوے رُوح نول تپ الم
 رُوح نول تپ کرے بد حال

یا حدود زیادہ استفراغ سبب یا غش یا ضعف نہایت پیوستہ یا کوئی بہت شراب سبب یا بدھمی تھیں تپ یا طاعون یا تپ و بانی جو ہووے معلوم سبب نال طریقے پیر استاد اول کرد پچھان مزاج گرمی سردی کر کے دھیان نبض قارورہ کر و شناخت	ضعف دیوے دل بگڑ دماغ ہووے تپ دی سخت شکایت یا غصیوں تپ چڑھے شباب اکوے روگی کرے ویرلاپ پاؤے رومے دے دج تباہی کہ توں اس دافار و جیب قاعدہ کلیہ رکھیں یاد طبع موافق کرو علاج نال علامتاں لے پچھان حال حقیقت کر دریافت
---	--

علاج حمی یوم

حمی یوم ایہ سادہ تپ عاجت نہیں اس بہت علاج سبب ہے ہووے بند ماسم بھانس دیو پانی کر گرم گرم جگہ دے دج بہا گلقد تازہ اس بت کھوا جیکر کھنگ نہ ہووے نال	دفع ہووے منزل تے آپ جائز مدد کرن مزاج مل گوگا گھیو بدن تمام سخت ماسم ہو جاد نزم جتنے ذرا نہ لگے واء الاجی دانہ نال رطا سکھیں کر استعمال
---	---

بنفشہ شربت نیلو فر
دقت تر یہ پلایا کر

ہ آن
را نور
تاپ
مقام
گرم
آن
وے
شناخت
لمخت
نام
شروع
زکام
ج جا
جگاڑ
لمخت
زکام
دکھ
ن خرابی
مقام
الم

نسخہ عرق آور

نوشادر ماشہ یک منگا
پانی پندراں تولے ڈال
تھتے اس دے ترے کروا
مڑھکا جلدوں پھوے اس جاری
دیہہ اس نوں اینٹی فیبرین
مڑھکا بہت نہایت آفے
پاشویہ اس نوں کرو ضرور
گل روغن بابونہ گل
سبب دھپ یا آگ داساٹ
آلو انبلی کرو نقوع
پنڈے گل روغن ملوا
دھنیاں صندل مشک کا تو
تاپ جے چڑھے زکام
پچی ریش کھانسی نال
ریش کا ہڑے نال پکا
گھاؤ زبان گل نیلوفر
کھنڈ سفید تھوڑی جیہی ڈال
سبب جے سردی باد ہوا
سولف منقہ دیہہ اوبال

شورہ ماشہ چار رطل
سرکہ دو تولے گھت نال
یک یک گھنٹے بعد پلا
ہووے تپ دی رفع بیماری
نال پانی دے رتی تین
جلدی بہت بخار و نجاے
سر دا درد پھوے اس دور
جان مسام شتانی کھل
گرمی تھیں تپ کرے جگاڑ
مصری ڈال کراؤ شروع
گوکا مکھن نال رطل
گھوٹ بدن تے ملو ضرور
گرے سینے تے نزلہ خام
نکھے بہت کرے بد حال
بنفشہ سولف ملٹھ جوشا
نال جوشاندے شامل کر
کر کچھ مدت استعمال
ہووے تاپ کے نوں آ
ماکھوں دو تولے دے ڈال

سبب آتش

عرق

نفع

دیہہ

کچھ

عرق

گرم

بد

مضی

انار

ترش

قبض

غش

تھیر

شریت

ہد

مشک

ریہ

بہی

سبب

سر

بیکر

تاپ

بعض

سکید

کے

ممت

کالت

بیج

کر

ہو

عرق سونف دا شہد ملا
 بدھمی تھیں جیکر تاپ
 نفخ شکم نوں دیوے کھج
 دیو پودنہ سونف اوبال
 کچھ قدرے تازہ گلقد
 عرق پودنہ سونف اجوین
 گرم شکم نوں کر ککور
 بدھمی جے گرمی نال
 انار دانہ آمہ منگوا
 ترش انبلی ترش انار
 قبض شکم وچ کرے خرابی
 غش تھیں تاپ کسے نوں آدے
 شربت صندل عرق گلاب
 بید مشک دا عرق ملا
 مرہ بھی تے سبب کھوا
 سبب سردی دا جیکر غش
 جیکر تاپ نہ ہووے نال
 جفضل کیسر لونگ پسا
 پیہہ کے منہ اس دے وچ ڈال
 مخالف جیکر پوے غذا
 جے کر ہووے گرم سبب

عوض پانی دے اوس پلا
 ہووے کرے روگی درلاپ
 ہووے بہت طبیعت زچ
 زیرہ دارچینی وچ ڈال
 نال جو شانڈے کرو پیوند
 سکنجیس گھت دیہہ دن رین
 دیوے رتج شتابی توڑ
 ترش دوا کر استعمال
 نقوع کر کے اس روز پلا
 سکنجیس دیہہ رت نہار
 دیہہ اس نوں تلیپن شتاب
 ضعف ہووے دل گوے کھاوے
 روح کیوڑہ پیہے گھت آب
 مصری کوزہ نال ملا
 ورق چاندی دے نال ملا
 آوے ہوش جاوے اس نس
 گرم دوا کر استعمال
 دو دو رتی وزن تلا
 دیہہ منقہ سونف اوبال
 گرم یا سرد پلا تیز دوا
 سکنجیس گلاب پلا و جھب

جیکر سرد دیوے تپ زور
 سونف پودنہ زیرہ ڈال
 چھ چھ مائے ترے دوا
 دیگی دے دج گھت او بال
 روٹی نول ایہ روز پلا
 تپ بے ہووے سرد ریا ج
 تاپ سبب بے استفراغ
 مقوی جگر اس کریں دوا
 مرتبہ ہی دیہ اُس سبب
 مرتبہ آملہ دیہ گلقد
 عرق کیوڑہ عرق گلاب
 سبب تاپ دا وہم یا غم
 شربت صندل نت پلا
 سبب تاپ دا جیکر ورم
 یا ترہیم بھکھ یا نیند بے خوابی
 جس سبب تپیں پوے تپ
 درد پیڑ یا موذی مرض
 یا طاعون یا تاپ و بائی
 یا ماما خسرہ کرے ظہور
 اصلی مرض دا کرو علاج
 جد اصلی مرض رفع ہو جائے

پاوے دج بدن دے شود
 منقہ شامل کر کے نال
 منقہ دو تولے دج پاء
 کر کے صاف ماکھوں پچ ڈال
 دیوے کھنڈا تابا اوڑا
 عرق سونف دیوے اصل ج
 ضعف دیوے دل جگر دماغ
 مقوی دل نت دیہ فدا
 نال وبق چاندی کر زیب
 ورق طلا کر نال پیوند
 شربت صندل میل شتاب
 یا کجھ غصہ سخت الم
 گاؤ زبان دا عرق پلا
 سخت تھنیر یا پھوڑہ گرم
 پاوے اندر جسم خرابی
 کر اس نول ہر چیلے دور
 تاپ ہووے جس دکھ دا عرض
 پاوے اندر جسم تباہی
 پاوے تپ اس نال فتور
 تال ہووے تند رست مزاج
 مرض عارضی نظر نہ آدے

و
 ق
 ج
 دا
 لا
 سبب
 مطب
 بلغمی
 عفر
 جے
 دو
 تاپ

بیان تب خلطی

خلطی تب قسم ہے چار
 فعلوں موجب پینتی نام
 دائرہ آوے دورے نال
 باہر رگال جے تب دامادہ
 وچ اعضاواں کرے بگاڑ
 قوت بدن اس کرے تحلیل
 جد پھر مادہ جمع ہو جائے
 داخل رگال لے وچ مواد
 رہے لزومت تب دی دلم
 لازم کھوڑا رہے مدام
 سبب تب دا جیکر خون
 مطبقہ ہے اس تب دانام
 بلغمی تب رہے لازم دلم
 صفراوی ہر قسم دا تب
 جے خالص صفراوی مادہ
 روہے دن مُڑ نظر آوے
 تب ترشیا اس دانام

چونہ خلطیں تھیں کرے بگاڑ
 دائرہ لازم حسب مقام
 لازم رہے دلم ہر حال
 کرے نقص بہت زیادہ
 دیوے دورہ شعلہ مار
 ہو جاوے تسکین علیل
 مُڑ نوبت دورے دی آئے
 گندہ ہوئی کے کرے فساد
 وچ جسم دے ہر دم قائم
 نوبت شدت کرے تمام
 ہووے گندہ بہت زبون
 کرے عفونت نوال تمام
 وچ بدن لے ہر دم قائم
 نال رعب لے کرے طاپ
 ہک دن آوے بہت زیادہ
 ترشچے مُڑ حاضر ہو جائے
 اکھن ہندی لوک تمام

جے بلغم نال مرکب ہو
 بہت دیر تب رہے کھلو

لازم رہے شامل ہر حال جد صفراوی ہووے حدت غیر طبعی سبب سودا تاپ ربع اس نام شناس تاپ ربع دو قسم جان ہک دن چڑھے دو روز نہ آئے ربع دائرہ اس دا اسم ربع لازم قائم ہر حال	نوبت شدت کرے کمال کرے وقت نوبت دے شدت ہووے تاپ شروع جد آ چوتھیکہ کن عوام الناس دائرہ لازم کریں پچھان مڑ چوتھے دن بدن تپائے بہت دیر تک ہے وجہ جسم چڑھے چوتھے دن شدت نال
---	---

بیان تب مطبقہ دموی

مطبقہ تب ہک سخت آفات جدوں عفونت پائے خون ایہ تب شروع ہووے تب آ خون گندہ جد کرے بگاڑ چہرہ سُرخ نہایت گاہڑہ پہلاں لے کے نام خدا پچھوں دیہہ شربت عناب آلو انبل رات پوسا جیکر قبض شکم وجہ ہو	ہو جیہا رہے دن رات ہووے گندہ بہت زہون داخل وجہ عروق اسار ہوے جسم سائے وجہ سار اکھیں سُرخ ہوون سر بھارا باسلیق دا فصد کرا نال بلا نت عرق گلاب فجر پلا نت مصری پاء دیہہ ملین اس نوں کو
--	--

جیکر کھنگ نہ ہووے نال
ترش چیزاں کر استعمال

بہت کھوا سنگترہ انار
 جیکر کھانسی شامل ہو
 دیہہ توں اس نوں اوہ دوا
 بنفشہ صندل بور عناب
 جے بلغم نال مرکب ہو
 کراں بیان عجیب دوا
 چرائتہ پاپڑا افسنتین
 گلو تازہ ترے ماشے ڈال
 نظر جے آوے خون زیادہ
 جیکر ہووے لڑکا یا ل
 دموی تاپ جان دو قسم
 جیکر خون عفونت پافے
 جے باہجہ عفونت کے فروش
 سوخس اس تپ دانام
 دموی مادہ مارے جوش
 علامتاں دموی ہون ظہور
 شربت رت انار پلا
 آلو انبلی کرو نقوع
 شربت آلو کر کے تیار
 بنفشہ شربت نیلوفر
 قے نال صفرا اخراج

زہو گاجراں دا آچار
 چیزاں ترش زہیرے ڈھو
 خون گندہ جو کرے صفا
 کر کے دیہہ نقوع شتاب
 بہت مدت تپ پے کھلو
 دیہے تپ دی بیخ اکھا
 دو دو ماشے دارو تین
 نقوع کر کے استعمال
 قصد نال کر خارج مادہ
 نال جوکاں سے خون نکال
 کرے بگاڑ بہت دھج جسم
 مطبقتہ تپ اوہ نام رکھکے
 خون بدن دھج مارے جوش
 کہن حکیم طبیب تمام
 سوخس تپ کرے بیوش
 باہجہ عفونت کرے فتور
 سکنجبین پانی دھج پا
 مصری ڈال کراؤ شروع
 اس نوں رت پلاڈ نہار
 روغن کر د ماش کر
 کر ایہ عمدہ بڑا علاج

گرم پانی دے نال دلا
رکھ ہمیشہ اس نوں شروع

سکنجییں دی قے کردا
ہور شربت شیرہ سرنقوع

بیان تپِ غب دائرہ خالص

دساں اس دے خاص نشان
مُڑ تریجے دن بدن تپا دے
بہت پیاس لگے اس آب
نوبت وقت طبع گھبرا دے
آون کرن سخت بد حال
سرنوں درد دیوے نقصان
دج بے ہوشی کرے بکا
کرے تعفن دج اعضا
پاون رنج عفونت نال
کرے تعفن دج اعضا
ٹٹٹ جاوے منزل تے آپ
یا آوے نوبت ست وار
ہووے تپ دی رفع شکایت
پاوے سخت نہایت شور
فجر پلا رنت مصری پاو
خارج کر موزی صفرا
دفع کرن صفرا دا سار

دائرہ غب دا کراں بیان
پک دن چڑھے دو بجے نہ آوے
سڑکن تلخی زرد پیشاب
اؤبت آون تے جی متلا دے
زرد رنگ دی قے اسہال
مُونہ کوڑا تے خشک زبان
دل نوں بہت ہووے گھبرا
غیر طبعی موزی صفرا
جیونکر معدہ جگر طحال
ایہ مادہ مفرد صفرا
غِب دائرہ خالص تاپ
ترے نوبت آوے یا چار
مَدت نوبت باراں ساعت
دورہ غب جے دیوے زو
آو انبلی رات پوسا
سکنجییں دی قے کردا
شرش زیتو سنگترے انار

<p>سکینین تازیہ تے گلقد فرد کاسنی تخم لے کھیرہ جیکر ہووے قبض نہایت گھوٹے والی دیہہ تیلیں بنفشہ کدو مغز لے آ گھوٹ پانی وچ داو چار شیرہ اس دا صاف کرا دو ترے داری ایہہ تیلیں جیکر خواہش کرے غذا گاجر لیموں دا آچار کھچر می دیہہ مونگی دی دال گوشت بھی مرغ نہ دیہہ</p>	<p>دائرہ غیب وچ فائدہ مند گھوٹ پلا مصری گھت شیرہ وچ شکم دے درد شکایت خارج کر صفرا لعین کاسنی پھل گلاب ملا دو دو ترے دا مقدار مصری ڈال اس ترت پلا دیہہ توں اس نوں نال یقین دیہہ ترشی کر کے ہمراہ غلغلہ آملہ دا ہر بار یا چاول اس دیہہ او بال رکھیں یاد نصیحت ایہہ</p>
--	---

بیان غیب لازمہ

<p>لازمہ غیب جے کرے ظہور بلغم نال لے صفرا تعفن کرے رگاں دے وچ داخل وچ عرقاں مادہ دو جے دن کچھ رہے لزومت وقت چڑھائی لگے پالا جیکر بلغم ہووے شور</p>	<p>گر معلوم جیویں دستور داخل ہون عرقاں جا نہ بت وقت کرے تپ زج یک دن ہووے بہت زیادہ تریجے دن مڑ کرے نصومت شدت وقت ہووے دل کاہلا دیوے دورہ سخت مروڑ</p>
--	---

بلغم شور حکم صفرا
 جے غالب ہووے صفرا
 اچریں بدن رنگین پیشاب
 بدنوں سرخوں چڑھے بخار
 جے بلغم دا ہووے زور
 گھولی بہت اس خواب
 رے جیکر کچھ بلغم خام
 شروع نوبت دج لرزہ آوے
 غلبہ جیٹری کرے کیفیت
 کیفیت موجب کرد علاج
 اٹھتالی ساعت نوبت تاپ
 بلغم نال جے کرے ملاپ
 جب تک بلغم نضج نہ کھاوے
 جیکر حکم خدا دے نال
 یا نکیر آوے یا عرق
 منضج دے کے کر تیلیں
 تپ غلب نال جے ہووے کھنگ
 بنفشہ سونف ملٹھ جوشا
 ترش نہ دیویں کوئی چیز
 چراتہ کرٹو گلو جوشا
 ترے ترے ماشے دامقدا

رکھے آکھن کل حکماء
 تلخی بہت ہووے گھبرا
 آون سُفنے بہت خراب
 سرخوں درد ہووے بسیار
 دورہ بہت ہووے کمزور
 پھیکا ذائقہ بہت خراب
 ہوون درداں جسم تمام
 دل نوں دھوپ نہایت بھائی
 معلم اس دی کرد ماہیت
 موافق جیٹرا طبع مزاج
 مُڑ ہولا ہو جادے آپ
 بہت دیر تک ہے غلب تاپ
 ہرگز بدنوں تاپ نہ جائے
 بحران ہووے تے یا اسہال
 تپ غلب تھیں جھب ہوئے فرق
 دیہہ مُڑ شربت افسنتین
 بلغم نکلے چٹے رنگ
 نت پلا مصری دج پا
 ایو رکھیں یاد تمیز
 پیوے نت دج کھنڈ ملا
 پیوے کر کے صاف تیار

سبب ہے ہووے بلغم شور
 رنگ چہرے دا پیلا زرد
 شربت لیموں رنت پلا
 بہت صفرا جے کرے لاچار
 جیکر اس نوں قے کراویں
 سکنجیں کر استعمال
 ترش انار دانہ کھوا
 بہت دیر غب ہے جے تاپ
 ہک ہک رتی قدر کونین
 ایہ نسخہ آزمودہ کار
 بہت نہایت فیض اٹھایا
 کوڑیاں چیزاں رنت جوشا
 جے اوس ہتھیں پیرس دم
 یا دیویں شربت دینار
 عرق سونف دا بہت پلا
 ہر ہفتہ دے کے تلیں
 بلغم منضج نال پکا
 جاوے دکھ پُرانا ہو
 ایہو کر اس دی تدبیر

یا ہووے صفرا دا زور
 شربت دیہہ بزوری سرد
 کٹ سٹے موزی صفرا
 رنت کھوا سنگترے آتار
 فائدہ جلدی نال اٹھاویں
 آلو انبلی پانی ڈال
 روگی نوں ہر روز چٹا
 کرے جے بلغم نال ملاپ
 عرق سونف وچ دیہہ دن پین
 سائیں بخش کیتا کئی بار
 ہرگز کدے خطا نہیں پایا
 دیہہ اس نوں وچ شہد بلا
 شربت دیہہ بزوری گرم
 یا دیہہ درد نہ رہے آزار
 سرد پانیوں پرہیز کروا
 خارج کرد ہراد لعین
 ہر ہفتہ شہل کروا
 بہت دیر جے رہے کھلو
 حق اس دے دج ہے اکیر

دیہہ غذا اس نوں بخود آب
 چاول دیا یا کش کاب

نسخہ تپ غیب لازمہ کہنہ

تپ غیب جیکر بہت پُرانا نسخہ مجرب کراں بیان گشتہ ابرک مُشک کافور ترے ترے ماشے دامقدار ترے ترے رقی دامقدار وزن خود اک ایہ مرد جوان ایہ نسخہ آزمودہ کار	رہے بدن وچ کل ٹکمانہ رہے نہ تپ دا نام نشان کونین ست گلو ڈال ضرور لے کے میل دوا میں چار کھاوے فجرے نت نہار عمر موافق بال نادان ہوئے بہت شفا بیمار
--	--

بیان شرط الغیب

جے دونویں غیاں مل جاوَن نظر الغیب اس تپ دا نام ایہ تپ چڑھے جدول انسان اوکھا اس دا سمجھ قیاس پہلاں کر کے خوب دھیان غلبہ جس دا نظری آ جے مادہ لائق اخراج جے مادہ لائق تبدیل نخیف مواد جے لائق عرق جے مادہ وچ جگر جگاڑ	آپو اپنا ضرر پہچا دَن دائر لازم حسب انتظام مشکل آوے وچ پہچان کرے طبیب دا ناشناس غالب لے مواد پہچان طبع موافق کرو علاج منضج مُسہل قے علاج طبع موافق کرو تعدیل کر تدبیر ہووے جھب فرق کر کے دیویں اس نوں ادیار
--	--

بکھ کیفیت طبع مزاج	غیب لازمہ وانگو کرو علاج
ہو دے تاپ پورا نہ ہو	شریت دیویں رشت بزور

نسخہ مجربہ صدری سائین بخش حکیم

<p>رہے نہ تپ دا ذرہ قصو پنج تولے اک دا دودھ ٹال اک دا دودھ سب جذب کرا گول خالہ پکڑ بست سرتے کوئلہ اک رکھا جھتھے اس نہ لگے واؤ پیہ کے ڈبی وچ رکھا قدرے کھنڈ اس وچ بلا تاپ پُرانہ دور ہو جائے کاہڑ پلا ایہ دارو تین پانی تھیں پرہیز کرا</p>	<p>ہک صدری نسخہ لکھاں ضرور تولہ ورقیہ نے ہڑتال کھل دے وچ کھل کرا جد اوہ ہووے کرڑہ آ سوتر تولے چار ولا گولہ پیالی وچ رکھاؤ جد اوہ گولہ سرد ہو جا رچ رتی دا وزن کھوا بہت نہایت نفع دکھائے کڑو چرائتہ افستین عرق سونف دا رشت پلا</p>
---	---

بیان تپ محرقہ

<p>پیدا آن ہووے یک لخت جگر معدے وچ کرے بگاڑ کرے قوت بدن دی مات ترپے پھٹی وانگ بیمار</p>	<p>محرقہ تاپ بڑا ہک سخت گرم تیز صفرا دا ساڑ محرقہ تپ ایہ بُری آفات زور دیوے جد بہت بخار</p>
--	--

<p> پھرے بدن دج نہری مادہ عقل ہوش دج پوے فساد تے دست ہو جادون جاری گھوکی دانگ ہوئے سرسام پوے جگر دل دے دج ساڑ سرکن ترہیہ تلخی گھبراے کوڑا ذائقہ زرد دھان زردی رنگ قارورہ آف رنگ اکھیں چہرے دا زرد جیکر پوے ردی بحران جیکر دسواں روزہ لنگھاے تے دست اس بند نہ کر ایس تاپ تھیں رب رحمان محرقہ موذی تاپ خراب سنجبیں کی تے کروا شربت یمنوں شرش انار جیکر آدن بہت اسہال زرشک آملہ دانے آنار قابض کوئی نہ دیویں چیز سنجبیں جے پوے سادہ فرقہ کاسنی تخم خیسار </p>	<p> ہووے تلخی طیش زیادہ باتاں بہت کولے کبود پوے طبیعت دچ خواری آدے کسے نہ وقت آرام اوکھا ہووے بہت بیمار دل نوں طیش پہنچے کر لکے سکے تالو حلق زبان ضعف پوے دل گھانا کھانے چڑھے بخار ہووے سرد اکھویں دسویں کدھے جان فضل خدا تھیں صحت پائی بند کرن دج بہت خطر بخشے رحمت نال امان دارو اس دا کرو شتاب انبلی آلو بہت پلا بہت مفید پون درکار ہووے قوت جسم نہ حال دیو نقدع کر صاف تیار نال ہوش رکھ یاد تمیز کیے معدیوں خارج مادہ جگر دں کرے مواد ادرار </p>
--	--

د
 ج
 د
 بن
 دو
 جیک
 غلف
 کاغی
 گرم
 جیکر
 دانگ

<p> ترش لیموں سنگترے انار شربت لیموں آلو سیاه شربت صندل قرص کافور بید مشک تے کیوڑہ عرق بنفشہ شربت نیلو فر بہت جے ہووے حال تباہ دھنیاں کاسنی صندل بور گھوٹ پانی وچ کرو طلا تے اسہال جے آون زرد دیہ گھوٹے والی تلپین بنفشہ کاسنی پھل گلاب دو دو تولے پیوے گھوٹ جیکر خواہش کرے غذا غفل زیتو دا آچار کاغی گاجر دی جے پیوے گرم خشک کوئی چیز نہ کھاوے جیکر سر وچ درد بخار دانگ غیب تے محرقہ تاپ </p>	<p> خارج کرن بدن دا ساڑ دیوے محرقہ تاپ و نجا دیہ نت ذرہ نہ رہے قصو میل گلاب ہووے جھب فرق پانی ڈال پلایا کر دیویں اوہ ترے عرق طلا پھل گلاب تے مشک کافور دیوے سڑکن جسم و نجا ہووے قبض شکم وچ درد دو ترے داری نال یقین مغز کرد وچ ڈال شتاب دفع ہووے جسموں سب گھوٹ دیویں ترشی نال طلا کھاوے نال غذا ہر بار بہت شتابی چنگا تھیوے مت مڑ تاپ عود کر آوے کرو پاشویہ دو ترے دار دفع ہووے منزل تے آپ </p>
---	--

پر مدد طبع دی کرن ضرور
 مت کوئی پاوے ہووے فتور

بیان تب بلغمی

بلغمی تب جد کرے آغاز بلغمی تب دے بہت اقسام جے بلغم نال بے صفرا دو مادے فاسد دل جاوے دائم آون دورے نال جے دورہ کرن صبح یا شام اُتر جاوے ہووے تسکین نائبہ مواظبہ نام شناس رات چڑھے دینہ نظر نہ آئے چڑھیا تاپ رہے دن سارا پچیا رات رہے جے ساری باطن گرم جے باہر سرد تاپ لیفور یا اس دا نام باطن سرد جے ظاہر گرم انفیالوس تب نام پچیان یک اُترے دوجا چڑھ جائے شرکیہ چڑھے شراکت نال وجہ رگاں جے سرد مواد دائمی تب ثقہ اس نام لازم رہے جسم وجہ دائم	آوے مدت بہت دراز موجب ضرر سداون نام داخل ہون اعضائیں جا تاپ مرکب شروع ہو جاوے نوبت وقت کرن بد حال کدے تاپ تے کدے آرام مڑ نوبت تے چڑھے بعین وجہ مشہور عوام الناس اوہ تب بیلی سداوے بند مسام ہووے سر بھارا آکھن اُس نول تاپ نہاری چڑھے بخار ہووے سرد کس حکیم طعیب تمام رہے تاپ جسم تے نرم دیکھو طبائے وجہ بیان بادلہ داخلہ نام سداوے جیونکر معدہ جگر لمحال داخل ہوئی کے کرے فساد مثل دق تشبیہ تمام ہکو جیہا ہمیشہ قائم
--	---

ج
تہ
فا
بلغم
جے
کا
دو
بنفہ
گا
عل
دو
جیکر
جیکر

خاص حقیقی تپ دق عاده
 فرق دوہاں وچ اتنا جان
 بلغمی تپ دی خاص علامت
 بھاویں دائر لازم ہووے
 نایہ نوبت دیوے دائم
 تپ دے نال جے کھانسی ہو
 ریزش خام جے ہووے نال
 ریزش سرد جے ہووے خام
 جب تک بلغم نفع نہ کھاوے
 تپ وچ ریزش پختہ آوے
 فاسد مواد جے بہت خراب
 بلغمی تپ ہر قسم پرانا
 جے کھانسی ہووے تپ نال
 کاہڑ جوشاندہ روز پلا
 دو بجیر منقہ چار
 بنفشہ ماشے پنج منقہ
 گاؤ زبان پنج ماشے ڈال
 کل پین اس وچ کھنڈ ملا
 دو ترے ہفتے استعمال
 جیکر حاجت ہو س جلاب
 جیکر شامل گرم بخار

ہووے بعد غذا زیادہ
 کبے طیب دانا پہچان
 وچ جسم بت کرے اقامت
 وچ بدن دے آن کھاوے
 لازم رہے ہمیشہ قائم
 چیزاں ترش نہ نیڑے ڈھو
 کرو جوشاندے استعمال
 منفع نال پکاؤ تمام
 تپ بدن نوں چھوڑ نہ جاوے
 شربت فائدہ بہت پہنچاوے
 دیہہ کوئی اس نوں نرم جلاب
 بیٹھے جیکر کل ٹھکانا
 ریزش خام کرے بد حال
 دیوے ریزش خام پکا
 سوفت پک تولے دا مقدار
 چار عناب سوڑیاں آٹھ
 رات پوسائیکے فجر اوبال
 دیوے ریزش خام پکا
 کرو جاوے تپ کھنگنی الحال
 کاہڑ جوشائیکے دیہہ شتاب
 آوے کھانسی پک کھنگار

اعجاز شربت اس دیوے نفع
 لیفور یا تپ جے بہت پُرانا
 باطن گرم تے ظاہر سرد
 کر کچھ مدت استعمال
 لشقہ تاپ والا بیمار
 دیو شربت نت بزور
 پیوے شربت روز اصول
 مرکب تپ نول نال یقین
 مرکب تپ جے تائبہ ہو
 صفرا تپ وج جے ہوئے تیز
 ہر ہفتہ یک قے کروا
 غشیہ تاپ کرے بد حال
 انقیالوس نول قے کروا
 ہر ہفتہ دے وج یک بار
 ہتھیں پیریں جے کر درم
 شربت نت پلاؤ بزور
 شریہ تپ نول دیوے نفع
 جے پیوے شربت دیناری
 سبب جے ہووے بلغم شور
 غالب جیکر بہت صفرا
 رنگ جے ہوئے پلا زرد

کرے کھنگ تاپ سب دفع
 ہے باطن وج مل ٹھکانا
 نت پلا اس شربت درد
 دیوے جسموں تاپ نکال
 پیوے شربت روز دینار
 نہار یہ بیلہ ہووے دور
 مواظبہ بلغمی رہے نہ مول
 دیوے نت شربت افسنتین
 شربت فائدہ کرے گلہ
 ہووے جلدی نال گریز
 مواظبہ نائبہ رہے نہ کا
 کر شربت صندل استعمال
 نہیں کوئی اس دے جیادوا
 ہووے انقیالوس قرار
 شربت دیو بزوری گرم
 کرے مبادلہ داخلہ دور
 کرے مواد جگر دا دفع
 جاوے بیلہ تاپ نہاری
 دیوے تاپ مرکب زور
 سکنجبین گلقد کھوا
 شربت دیو بزوری سرد

بنفشہ شربت نت پلا
 تپ وچہ لگے تریہ نہایت
 شربت اُس نوں دیہہ انار
 لعاب بہیدانہ اسبغول
 یا دیہہ شربت ترش انار
 خالص بلغمی تاپ جے دائم
 غالب ہووے مادہ سرد
 بلغم خام جے کرے بگاڑ
 سوف انیسوں افسنتین
 کُٹ پانی وچ رات پوسا
 پنج توں لگھند وچ ڈال
 کل پُن کر کے صاف پلا
 پلا نت شربت افسنتین
 ایہہ بھی شربت ہے مشہور
 بلغمی تاپ جے کرے بیحال
 بہت مت آوے تپ طول
 منقہ سوف انجیر جوشا
 سرد نہ دیویں کوئی چیز
 مرکب تاپ جے بہت پُرانا
 رہے بدن دے وچ کھلو
 دو ترے چار مینے آئے

نیلو فر دا نال پلا
 سڑکن سوزش بدن شکایت
 دو ترے توں دا مقدار
 دیویں شربت دے وچ گھول
 شیرہ کاسنی تخم خیا
 رہے جسم وچ ہر دم قائم
 وچ اعضا داں ہووے درد
 دیویں ایہہ جوشاندہ کاہڑ
 کرفس ہر یک ماشے تین
 فجرے دیگی وچ جوشا
 دیویں دو ترے ہووے ابال
 دیوے بلغمی تاپ وچ
 دیوے فائدہ نال یقین
 ہووے تاپ پُرانا دور
 پھل ماتا ہووے اس نال
 اوکھا ہووے بہت رنجول
 دیہہ نت اس نوں شہید ملا
 ایہو رکھیں یاد تیز
 کرے جسم دے وچ ٹھکانا
 فائدہ کرے دوا نہ کو
 ہرگز بلغم نفع نہ کھاے

کرے روگی دا مندا حال کراں بیان اس دا اظہار فصل خدا تھیں فیض اٹھایا ہک تول ست ڈال گلو میل ماشہ ہک دیہہ دن رین دیہہ ہک تول نال یقین سائیں بخش کیتا کئی بار سر تپ لے وچ ماسے تیر مرکب رشقہ انقیالاس نس جاوون کرے درلاپ چھوڑ بدن تپ جاھے نس سے کٹ تاپ دا سیس دفع کرے تپ دی پریشانی کہ ایہہ نسخہ استعمال پیوے گھوٹ گلو وچ پا ہووے دائمی تاپ فراد شاہ ارزانی دا فرمایا ہووے بہت شتابی فرق کر کچھ مدت استعمال	دل سودا بلغم دے نال نسخہ ہک مخفی اسرار کئی ہزار دفعہ آزمایا تخم کر بخوہ تولے دو ترے ماشے ہاؤڑ کونین پچھوں خربت افسنتین ایہہ نسخہ آزمودہ کار ڈٹھا ایس نوں مثل اکیر یغوریا بلیہ تاپ دیوس مواظبہ نائبہ دائمی تاپ کھاے نت دھاڑے دس جے استعمال کرے دن میں یاد آیا نسخہ دہقانی کنہہ تاپ جے لڑکا بال چاول کڈھ اجوین پوسا تھرے ہفتے پیوے یا چار ٹوٹلہ یاد مینوں ہک آیا دفع کرے تپ نوں راہ عرق کٹ اجوین شہد وچ ڈال
--	---

کنہہ تپ نوں دیوے دفع	بلغم باد ہوون سب دفع
----------------------	----------------------

نسخہ تپ مرکب

مرکب تپ دا عجب دوا گلو چرائیۃ افسنتین دو ماشے وچ کر دو ملا نجرے دیہہ نت کر کے صاف بے رنگ ہوئے پیلا زرد بزدوری شربت کر کے تیار	دستال دیوے رب شفا دو دو ماشے دار دین رات پانی وچ رکھ پوسا تا پوں کرے خداوند معاف شام پلا نت شربت زرد پیویں دونویں وقت نہار
--	---

شربت گلو

ہودے بال یا مرد جوان بہت دیر تک ہے کھلو گلو تازہ چھ تولے لیا افسنتین نیلوفر لے ترے پا مصری ڈال ضرور بے غائب گرمی وچ جسم ایہ گہی ہے ایہ نسخہ آزمودہ	تاپ مرکب کرے حیران فائدہ شربت کرے گلو پھل گلاب بنفشہ پا ہر یک ہودن تولے ترے کہ قوام جیویں دستور ہودے تاپ دفع ہر قسم شاہ ارزانی دا فرمودہ
--	--

شناسی نسخہ تپ کمنہ

بے تپ چڑھے شراکت نال نسخہ ہک آزمودہ کار	جیونکر گرے جگر طحال دفع کرے تپ راہ ادراہ
--	---

شناسی نسخہ ایہ مشہور
 قلمی شورہ مرغ سیاہ
 شورہ کرچھی دے دج پا
 مرچاں گھت گھت شورہ کاہڑ
 جد مرچاں سڑ جان تمام
 جلدی پیالے دے دج ڈال
 نوشت در چھ ماشے دج پا
 وزن کھوانت رتی ست
 گلوذیرہ چانول اجوین
 کر ایہ نسخہ نال تاکید
 جد اس نون ہووے اورار
 جے سر دج اس ہووے پیر
 جے کر خواہش کرے غذا
 یا کدو پاک امونگی دال

تاپ پورانہ ہووے دُور
 ہر یک دو دو توے یا
 چاہڑاگ تے خوب پکا
 یخ ہلا مرچاں سب سار
 یک جاوے شورہ سب نام
 کر مڑ اس نون کھل کمال
 شیشے دے دج رکھ کھا
 مڑ کے تاپ نہ آوے دت
 پچھوں گھوٹ پلا دن رین
 پوے تاپ نون بہت مفید
 ہووے تپ دا دفع انار
 یا شویہ حق اس دے اکیر
 کچھڑی دیہہ نخود آب پکا
 یا چانول اس دیہہ اوبال

نسخہ تپ بمعہ اسہال

جے تپ بعد آون اسہال
 دستان نسخہ بہت عجیب
 جیکر کھنگ نہ ہووے نال
 زرشک آملہ دانے انار
 کر کے پانی دج نقوع

پکڑے قوت ضعف کمال
 نفع پہنچاوے دستان عجیب
 کر ایہ نسخہ استعمال
 سماق برابر دارو جاد
 رکھ دو ہفتے تک ایہ شروع

یا شربت اس حب آلاس مواد سبب ہے معدے دوج کہ توں اول اوہ علاج بنفشہ مغز کدو بادیان دس تولے خالص مخلقند کپڑے دوج گھت صاف کرا بہت پہنچا دے نفع نہایت	نہت پلاڈ بے دسوا اس وقت مردے لگے بھیج کرے مواد جیڑا افراج سنا تول تول سب آن گھوٹ پانی دوج کرو پیوند دن دوج ہک دو یار پلا کرے مرض دی رفع شکایت
--	---

نسخہ لعوق تپ و سرف

ہے غالب صفرا طیب شروع مرکب تاپ ہو ہمارے ہو دے ریزش نزلہ گرم دیویں اس لعوق بنا بہیدانہ خطمی نیلوفر دو دو تولے وزن تول رات پوسا پانی دوج ڈال غل کے پُن کے صاف کرا خوب طرح کر گاہرہ قوام نشاستہ رب اسوس کتیرا مغز تخم کدو بادام دو تولے خشماش سفید	بلغم نال ہو دے ترکیب کھانسی بہت نہایت آئے خشک مزاج ہوئے یا نرم چٹے اس نول صبح د عشا بنفشہ اس نے شامل کر سوریاں سودانہ دوج پا فجرے دیگی دوج ادبال ادہ سیر مصری نال بلا ایہ دو اکٹ میل تمام مغز تخم ککھڑی کھیرا ہک ہک تول وزن تمام نال ادنہاں کر شامل دید
--	--

چھ توڑے روغن بادام کرد ایہ چٹنی استعمال	کر چھنی نال ملا تمام دیوے ریش باہر نکال
--	--

لعوق مجربہ تپ و سرفه خونی

تپ دے دج جے آوے کھنگ خون آوے کھانسی دے نال لعوق دساں ہک فائدہ مند پوست پانی دج جوش خوب طرح کل ہتھاں نال تریبہ توڑے مصری دج گھت کر کے چنگی طرح توام نشاستہ حب السوس کتیرا مغز تخم کدو بادام ہک ہک تولہ رت چٹا	کرے خراب نہایت تنگ روگی بہت ہووے بد حال کھانسی خون کرے جھب بند ڈیڑھ چھٹانکی وزن تولا کر کے صاف کرٹا ہی ڈال گاہڑی خوب پکاویں پت کٹ دوا ملاو تمام مغز تخم کھکھڑی کھیرا تولہ تولہ وزن تمام دیوے کھانسی خون دجا
---	--

لعوق مسہل

جے تپ دے دج قبض نہایت کراں بیان لعوق جلاب جے پیوے پانی دج گھول ادھ پا گودا ابلتاس ادھ سیر عرق سونف لے تول	ہووے روگی کرے شکایت چٹے آدن دست شتاب دیوے قبض شکم دی گھول تازہ لے تول نال شناس کرے تول اس دے دج گھول
---	--

چھانسی دے وج صاف کرا دیگی گھت گاہڑہ کر قوام دس تولے خالص گلقد کتیرا مغز کدو بادام سقمونیا اصلی غاریقون تولے دو روغن بادام ریوند ترے ماشے وج ڈال ہر ہفتہ کھاے ہک بار	باراں تولے مصری پا کٹ ایہ میل دوا تمام خوب گھوٹا کر نال پیوند ہک ہک تولہ وزن تمام ترے ترے ماشے تروی دون کٹ ملا دوا تمام مرتبان وج رکھ سہماں وزن خوراک تولے ترے چار
--	---

نسخہ شربت برزور

مرگب جیکر تاپ پُرانا بہت دیر تک ہے وج جسم شربت کرو تیار برزور تخم خیزہ تخم بادیاں تخم کدو تخم خیار بنفشہ خطمی کاسنی جرہ گاؤزبان خالص وج گھت ہک چھٹانکی ڈال منقا رات پوسا پانی وج ڈال پیوسے بنت پانی وج ڈال ہے ایہ شربت مثل طلسم	ہے بدن وج کل ٹیکاتا مواظبہ ناشہ تب ہر قسم ہر دے تاپ پُرانا دور کاسنی تخم کسنبہ آن دو دو تولے دا مقدار ملٹی خافشا کالی چھڑ ہک ہک تولہ داروست مصری میلو ترے پا پکا کرو قوام عقل دے نال دیوسے بدنوں تاپ نکال دور کرے تب گرم ہر قسم
---	---

جے تپ دج صفرا دا زور	ہووے کرے نہایت شور
اس نول بہت پہنچاے نفع	کرے بگاڑ جگر دا دفع

نسخہ شربت افستین مہملی

جے تپ دے دج ہووے قبض	تیزی بہت ہووے دج قبض
شربت افستین بنا	مہمل والا قبض کشا
لے توں پا پڑا افستین	ہر ہکا ہووے تولے تین
تھر ہندی تے پھل گلاب	دس دس تولے ڈال شتاب
مویزہ منقہ آلو سیاہ	ہر ہک دانے لے پنجاہ
مصری سٹھ تولے دج ڈال	کرو قوام عقل دے نال
وزن اس دا تولے ترے چار	پیوے پانی ڈال نہار
ایہہ شربت مہمل افستین	کرے خارج صفرا لعین
بزوری شربت سرد تیار	کرے پیوے رت نہار

نسخہ شربت بزوری سرد

کاسنی تخم کھیرے لے آ	تخم کھکھڑی خربوزہ پار
گٹ درڑہ کر دارو چار	ہر ہکا پنج تولے مقدار
چھل جڑ کاسنی لے دچ گھت	تول قدر دج تولے ست
رات پانی گھت تر کروا	نجر جوشا کر صاف کرا
ترے یا اس دج مصری ڈال	کرے قوام کر استعمال

نسخہ شربت مہمل صفرا

کراں بیان نقوع جلاب	کرے خارج صفرا شتاب
---------------------	--------------------

کراں
بنفشہ
انہلی
نقوع

شربت
خام
انہلی

سبب تاپ ہے بلغم شور پنج غناب، وہیہ آلو سیاہ بنفشہ کاسنی پھل گلاب تور تور وزن تولا نل کے پن کے صاف کرا گودا انبتاس دا تازہ حل کر چھانسی نال چھنا بادام روغن چھ ماشے پائیں جیکر قبض شکم دج ہو صفرا معدیوں ہووے دور	اس دے جیہا جلاب نہ ہو انبلی کر د چھٹانک ہمراہ سناملی چھل ہر شتاب رات پانی دج رکھ پوسا کھنڈ چھٹانکی نال ملا کر کے تولے چار اندازہ ریوند ماشے چار ملا یک دن دچہ ترے وار پلایں اس دے جیہا جلاب نہ کو رہے نہ تپ دی ذرا قصور
---	--

نقوع سرد

کراں بیان یک ہو نقوع بنفشہ دھنیاں نیلوفر انبلی چار تولے ہمراہ نقوع کر کے استعمال	رکھ ہمیشہ اس دن شروع چھ چھ ماشے شامل کر پندراں دانے آلو سیاہ دیوے تپ صفرا نکال
---	---

نسخہ شربت آلو بخارا

شربت آلو عجیب دوا شامل ہووے بلغم شور انبلی پا پکا منگوا	دیوے تپ صفرا اوڑھا شربت اس دے جیہا نہ ہو چالی دانے آلو سیاہ
---	---

آب سنگترہ تے آب انار ترے پاپکا مصری گھت صفراوی تپ نول بہت لاثانی ایہ شربت اعظم الکیر صفراوی تپ دا ہوتے زور	دیہ دیہ تو لے دا مقدار شربت دانگ پکاویں پت لکھیا طبائا وچ یونانی آزمودہ سائیں بخش فقیر اس دے زہر دیوے سب توڑ
--	--

ترکیب سکنجیں بزوری گرم

بنا سکنجیں بزوری گرم جڑھاں کرفس جڑھاں بادیاں کٹ سب پانی وچ پوسا کل پن اس نول صاف کرا سرکہ دیہ تو لے وچ ڈال جے سرکے توں رکھیں دود سرد مزاج نول دیوے نفع	دیوے فائدہ بلغمی ورم ہر ہک پنچ پنچ تو لے آن جڑے دیگی گھت جوشا ماکھوں ادھ سیر نال ملا کرو قوام عقل دے نال ایہ شربت گرم بزور بلغم باد ہوتے سب دور
--	---

بیان حئی ربح

آکھن حئی ربح یونان حئی ربح قسم دو جان ہک دن آفے دو دن راحت	چوتھیا ہندی وچ زبان دارہ لازمہ نام پچھان چوتھے دورہ کے نہایت
ادھ چوتھیا تب دارہ ہے نوبت پختی ساعت تک ہے	

<p>جے دائم لازم رہے دج جسم تھوڑا تھوڑا رہے ہر وقت چوتھیہ تاپ سوداوی ساڑ کئی سالوں تک ایہہ تپ آئے مدت نوبت چوی ساعت مجرب نسخہ کراں بیان مشک کافور شورہ اجون ترے ترے ماشے دامقدار ہک ہک رتی دو وقتی کھائے دو ہفتے کر استعمال دائرہ لازم ربع آزار ایہہ نسخہ اعظم اکسیر</p>	<p>ربع لازم اوس دا اسم چوتھے دیسے دورہ سخت چونہہ خطاں تھیں کرے جگاڑ جلدی مادہ نفع نہ کھائے مڑا ہو جائے دفع شکایت رہے نہ تپ دا نام نشان گلو دا ست اصلی کونین! میل پوڑی بنہ رتی چار مڑکے تاپ نہ شکل دکھائے دو نویں وقت دودھ گو کے مال نسن بدنوں ڈھائیں مار تجربہ سائیں بخش فقیر</p>
--	--

شناسی نسخہ تپ ربع

<p>مجرب ہک نسخہ لاثانی دو ترے چار دفعہ آزمایا ربع تاپ ہو جائے دور نرشار شورہ مہج سیاہ چار رتی بنت وزن کھوا نظر جے آوے گندہ خون تیز جیکر ہودے صفرا</p>	<p>بخشی ہک فقیر نشانی فائدہ دج خطا نہیں پایا رہے نہ تپ دی ذرہ قصو ترے ترے ماشے کر ہمراہ آڑوں بوٹی بھنگ پلا خالص کرد سب لو زبان شربت شیرہ سرد پلاء</p>
---	---

طبیعت اس دی کر مرطوب	کر استعمال گھیو دودھ خوب
گوشت اس نوں خوب کھوا	گوکا گھیو وافر دج یا

شناسی نسخہ مجربہ تب ربع

نوشادر شورہ صندل بُور تڑے تڑے ماشے دارو گھت سوچا کیسر اصل افیم پوست دے پانی دج سب ہک ہک حب دو دقتی کھا دے ہور مرکب تاپ ہر قسم جیکر کھانسی ہو دے نال جلدی نال دکھا دے نفع	مرچاں دار چینی کا نور بھنگ مدبر ماشے ست ہک ہک ماشہ وزن حکیم چار رتی دی بنھوں حب ربع مرکب تاپ دج دے دور ہو جاون دچوں جسم پیڑاں درد کرن بد حال پیڑاں درداں ہوون سب دفع
---	---

نسخہ تب کہنہ بلغمی و ربع

نوشادر شورہ قلمی لیا دودھ اک دالے تولے چار بیخ لوسے دی نال ملا جدوں راکھ اس دی بن جاوے پیہہ کے شیشی دے دج ڈال کھنڈ تھوڑی جیہی نال ملا لکڑ پیپل دی مسواک	دو دو تولے وزن تولہ میل بکھے دج کر دھپی ساڑ چنگی طرح سواہ کرا دھواں نکلتا بند ہو جاوے دو رتی کر استعمال آلوں پانی گرم ملا تاپ ربع تھیں کرے بیاض
---	---

ہے ایہہ ٹوٹکہ عجب دوا دیوے فائدہ تروت وکھا

نسخہ تب و اسہال و سرفہ اطفال

جیکر ہووے لڑکا بال! تب تھوں بعد آون اسہال
ڈوڑے پوست ہنگ گھوٹا کھنکے کپڑ چھان کرا
کر ہک پونڈی استعمال دُور ہوون تب کھنگ اسہال
ہے ایہہ ٹوٹکہ بہت آزمودہ اسہال اطفال کرے نالودہ

نسخہ تاپ پر سوتک

مغرب نسخہ کراں بیان رہے نہ تاپ دا نام نشان
بہت دیر تک رہے کھلو فائدہ کرے دوا نہ کو
اس نول دیہہ ایہہ کا ہڑیلا دیوے کُنہ تاپ دجا
گلو چرائتہ افسنتین ترمے ترے ماشہ داروین
چار انجیر منقہ اکھ سونف تولہ شقال ملٹھ
رات پوسائیکے فجر جوشا دیہہ نت اس نول شہد بلا
عوض پانی دے سونف داعرق پیوے بہت ہووے جھب فرق
ایہہ نسخہ آزمودہ کار ہووے کئی شفا بیمار

بیان حُمی دق

دق تاپ دو قسم بچان حقیقی غیر حقیقی جان
غیر حقیقی دق بالفرض ہووے بہت پُرانی مرض

<p> حقیقی دق دی خاص شناخت رکھے نال تعلق دل تعلق نہیں اس غلط نال حرارت غریبہ دل دوج جا داخل ہوئی کے دچ شریان حرارت غریبہ ہے دچ نچ رطوبت تیل چراغ مثال لاغر بہت بدن ہو جاوے شامل ہووے کھانسی نال دن دن کھانا تھوڑا کھاوے آخر دست ہوون جد جاری جید خاص علامت اوس درجے ترے دق دے بین جدوں شروع تپ ہووے آن دوجا درج نام ذبول مختلف تریجا درج نام پہلے دچ علاج آسان تریجے درجے لا دوا دہیہ تقویت نال غذا شورہ گوشت دھنیاں نال نمک تھوڑا جیہا دچ ڈال </p>	<p> ہووے پیدا باہم شراکت دچ رگاں دے جاوے بل لازم تاپ رہے ہر حال پیدا کرے تاپ دق آ کرے رطوبت دانقصان لے بیوست دل کھچ حرارت لاٹ جیوں بتی لال چمڑا گوشت ہڈ سوکاوے ہووے قوت ضعف کمال طاقت بہت جسم گھٹ جاوے ہووے اس دی موت تیاری بعد غذا تپ مارے جوش دق ذبول - مختلف کہن اوہ پہلا درج دق جان گھٹ جاوے طاقت بخول رطوبت کرے فنا تمام دوجے درجے مشکل جان ہووے پیش نہ جاوے کا تازہ گوکا دودھ پلا مرغ مصالحو ذرہ نہ ڈال کھاوے چانول روٹی نال </p>
--	---

د
 س
 طب
 چھ
 کٹ
 پچھو
 قرص
 دھنیہ
 عرق
 بنور
 فرقہ
 ایہہ

عرق
 ایہہ
 دھنیاں
 گاؤ
 زریا
 کرم
 قطمی
 کسے
 پاچ
 سیر
 پاچ

دھنیاں صندل مُشک کا قوط سرد جگہ دے دوج بیٹھا طباشیر سفید الائچی گھت چھ چھ ماشے چار دوا کٹ پیس کر پھکی تیار پچھوں شربت نیلوفر قرص سرد اس بنت کھوا دھنیا صندل نیلوفر عرق شیر نسخہ اکسیر بزوری شربت افسنتین خرفہ چارے مغز گھوٹا ایہ بھی ٹوکنہ ہے لاثانی	سینے تے کر لیپ ضرور صندل عرق گلاب سونگھا رب السوس گلو دست مصری تولے ترے منگا کھاوے چار ماشے مقدار دونوں وقت پلایا کر شیرہ خرفہ نال پلا نقوع کر بنت پلایا کر دوج آزمائش ایس فقیر فائدہ بخش نال یقین پیوے گوکا دودھ پلا تجربہ کیتا ہویا دہقانی
---	---

نسخہ عرق شیر

عرق شیر نوں کر دتیار ایہ ہے عرق بڑا اکسیر دھنیاں صندل شرب سفید گاؤ زبان گل نیلوفر تخم خطمی تے تخم خیار ترے پا چھل کدو گھت نال بنج سیر پانی گھت پوسا	آوے تپ دق دے درکار بخنچے فائدہ بے نظیر لے پھل گاؤ زبان دے وید تخم کاسنی شارل کر بنج پنج تولے دا مقدار ویہ تولے چھل پیٹھا ڈال ست سیر دودھ گھت عرق کھچا
---	---

دودھ داری بھانڈے وچ ڈال عرق خیر اس کن حکیم گرم غذاؤں کر پر ہیز	پنج چھ بوتل عرق نکال پیوے رحمت کرے کریم سخت چیز تھیں کرے گریز
--	---

نسخہ قرص بارو

نشاستہ بکر گوند کتیرا لے دھنیاں دے مغز کڈھا طباشیر الاچی چھوٹی ڈال مغز تخم خربوزہ تر خیازی لے خشکاش سفید تخم خطمی تے صندل بورہ لعاب گھت وچ ایبغول ہک قرص ہر روز کھوا	مغز تخم کھکھڑی کھیرا گل ارمنی رب السوس ملا کاہو خرفہ شاذنج مال مغز بہیدانہ شامل کر چھلکا ایبغول گھت دید ہر ہک وزن برابر پورہ قرص بنا چھ ماشے تول شیرہ خرفہ گھوٹ پلا
---	--

بیان تپ جذری و حُضْبہ

جذری حُضْبہ تپ دو قسم ماتا خسره والا تپ اس تپ نال ایانے بال شرح اکھتیں سرچڑھے بخار بہت ایانے بال نادان ہودے دودھ کمر وچ کار	ماتا خسره ہندی اسم ٹٹ جاکے منزل تے آپ اکثر بہت ہودوں بد حال سرنوں درد ہودے بسیار ڈر ڈر جاگن ہو حیران بہت طبیعت کرے بیزار
--	---

کرے عفونت فاسد مادہ دو تہے دن آفے یا چار جے رنگ دانے سرخ سفید جے رنگ دانے زرد سیاہ گول گول دانے باریک دانے سرخ سفیدی رنگ یا جیوں دانے مڑھراں گندہ مادہ مارے جوش سب تھیں پہلے فصد کرا جے کوئی ہوئے منع ربیب شربت نت پلاؤ عذاب مسام جیکر اس ہوون بند بنقہ سونف انجیر جوشا دیویں سرد نہ کوئی دوا یا دیہ نت اس سونف داعر رکھیں اس نون اوس مکان	ہوندا جاوے تاپ زیادہ نکھن دانے باہر وار اس نون نیک اکھن سب وید کرن نہایت حال تباہ اوہ دانے خسرے دھیک جیونکر پستوں پھر رنگ ماتا دہی ایہ خاص مثال کرے بدن سے وچ فروش گندہ مادہ دور کرا جوکان نال کڈھو لٹو جھب عرق سونف دا ڈال شتاب دسان نسو فائدہ مند دیہ نت اس نون شہد بلا مت اس پوے خالف جا شہد بلا جھب ہووے فرق رجتے داؤ نہ لکے آن
---	--

بیان تاپ و بائی

شروع ہو جے تاپ دیا
بند ہو جادون کل مسام
نفل اعضا داں دوا بدلائے

چلے گندی جودوں ہوا
کرے عفونت بدن تمام
گرم بخار باطن نون جاوے

پہونچے رُوح نول طیش تباہی
 تے دست ہو جادون جاری
 غیر طبعی مَوذی صفوا
 اوبت آون تے جی متلائے
 کوڑا ذائقہ تریہ نہایت
 بلغم سب ہو جاوے شور
 ہتھیں پیریں پون کوڑل
 فاسد گریم تیز صفرا
 زردی اکھیں رنگ زبان
 فاسد مادہ مارے جوش
 آوے زردی رنگ پیشاب
 مُجَرَّد دانگ ہووے حالات
 جے گندہ ہو جاوے خون
 بعضیاں نول آون اسہال
 بعضیاں نول ہووے سرسام
 تاپ و بائی کرے خراب
 سکنجبین دی تے کردا
 گھوٹے والی دید تلبین
 گاہے تے گاہے اسہال
 جدوں بدن ہو جاوے صاف
 قابض کوئی نہ دیویں چیز

شروع ہو جاوے تپ و بائی
 دیوے طبیعت دج خوری
 دیوے آتش بدن لگا
 رنگ زرد پیلہ ہو جاوے
 خشک موندہ دی کرے شکایت
 دیوے دج اعضا داں زور
 عقل ہوش دج پوے خلل
 تانی بہت کرے گھبرا
 خشک ہو جاوے خلق دہان
 کرے جسم دے دج خروش
 نرکن اچریں کرے خراب
 کرے قوت بدن دی مات
 پیدا کرے مَوذی طاعون
 ہیندہ ڈاکی کرے بے حال
 کرن بے ہودہ یاں کلام
 دارو اس دا کرد شتاب
 گرم پانی دے نال ملا
 خارج کر صفرا بعین
 کل مادہ صفرا نکال
 کرے تصور خداوند معاف
 ایہو رکھیں یاد تیز

چیک
 آلو
 سنگ
 بنفشہ
 سرد
 خرفہ
 بید
 شرم
 طبع
 کاسنی
 گھوٹ
 روغن
 بنفشہ

جیکر
 جیکر
 شرم
 باسیق
 دھنیا
 کرے

جیکر کھنگ نہ ہووے نال آلو انبلی کرو نقوع سنگترہ نبو رب ترش انار بنفشہ شربت نیلو فر سرد پانی گھت روزہ پلا خرفہ کاسنی تخم خیاں بید مشک تے عرق کلاب شریت الیموں رب انار طبع ہے اس دی کرے رجوع کاسنی دھنیاں صندل بور گھوٹ پانی وچ یسپ کرا روغن کدو مالش کر بنفشہ روغن رنت پلا	ترش چیزاں کر استعمال شام صبح رکھ اس نوں شروع دیہ توں اس نوں بہتی دار عرق کیوڑہ شامل کر دیوے اس نوں رب شفا دیہ اس نوں ہووے ادراہ مصری ڈال پلاؤ شتاب شریت انبلی دیہ تیار دیہ توں اس نوں ترش نقوع پھل کلاب تے مشک کا نوہ دیوے سرکن بدن و نجا گوکا مکتن شامل کر گھو گوکے دے نال پلا
---	---

بیان ورم ہر قسم

جیکر ورم ہووے کوئی پیدا جیکر ہووے دموی ورم سرخ ورم دا ہووے رنگ باسلیق دا قصہ کرا دھنیا پا پڑا نم چنا کر کے پانی وچ نقوع	کر معلوم علامت دیدا نخن غلیظ نہایت گرم بہت کرے روگی نوں تنگ ورم اُتے جوکاں لکوا صندل بور غلاب پلا مصری ڈال کراڈ شروع
--	---

<p> پتر ہم دے لے گھوٹا جے بلغم خون مرکب ہو پٹہ پٹہ بخار جوری باٹ یا اس پولش زنت بنھا بنھوں کر کے گرم کنوار جدول درم کر جاوے ریم ریم جدول ہو جاوے جاری صابن منہ زخم وچ رکھ مونہ زخم دا جاوے کھل چار تو لے گو کا گھیو لیا مردا سنگ موم کتھ رال کر کے مریم وانگ تیار ٹاکی ملل نال لگا مادا درم جے کر صفا سڑکن بہت درم دے وچ رنگ درم دا ہووے زرد سخت درم وچ ہووے ساڑ پیک دھنیاں مشک کافور گھوٹ پانی وچ لپیپ کرا لیپ کرو اوس ایسغول جیکر درم کرے اکڑا </p>	<p> درم گرم تے کر و طلا درم دیر تک ہے کھلو پک درم جھٹ جائے پاٹ دیوے جلدی درم پکا دیوے جبب درم نوں پاڑ نشتہ نال اس چیر حکیم ہووے دور بیماری ساری پٹہ پولش بنھوں وکھ لا ایہ مریم جائے کھل نم دے پت گھت ساڑ پونا چھ چھ ماشے میلو نال پک دن وچ لادو ترے بار دیوے جھبے زخم چھرا طلخی بہت کرے گھبرا ہووے کرے نہایت زچ نارے ضرب تراٹان درد اوکھا ہووے بہت بیمار جواں دا آٹا صندل بور دیوے سڑکن درم دجا مشک کافور پانی وچ گھول اس تے ایہ قیر دلی لا </p>
---	--

تھیں
خط
بنف
لعا
گل
سفید
ٹاکی
جیکر
یا او
رہے
نم
منقہ
سیستہ
کچھ
دیوے
اٹ
درم
کمال
جوند
کچھ
جیکر

گل روغن وچ موم لگا
 خطمی دا دج میل لعاب
 بنفشہ روغن کرو طلا
 لعاب کڈھ کے ایسبغول
 گل روغن لے تو لے چار
 سفیدی بیضہ مشک کافور
 ٹاکی مل نال سفید
 جیکر بلغمی ہووے ورم
 یا اوہ ہووے ورم ریاحی
 رہے ورم وچ دائم درد
 تخم کرفس حرمل اجوین
 منقہ تل اسی انجیر
 میٹھی اسی گھوٹ بنا
 کچھ قدرے پانی وچ ڈال
 دیوے بہت نہایت نفع
 اٹ بسٹ دی جڑھ خوب گھوٹا
 ورم سرد تے کرو ضماد
 کالی زیری گھوٹ لگا
 جلد ورم نوں کرے تحلیل
 کچھ کے جیکر ملیں برود
 جیکر ہووے درد غلیم

پیہہ کے مشک کافور ملا
 ورم گرم تے لاؤ شتاب
 موم سفید کافور ملا
 دیہہ قیزوطی لے دج گھول
 یک تولہ وچ موم پنکھار
 کچھ قدرے وچ میل ضرور
 ورم گرم تے لانت دید
 پولہ بہت نہایت نرم
 کرے جسم لے وچ تباہی
 طبع مزاج ہووے اس سرد
 گھوٹ پانی وچ لا دن رین
 تیل مٹھا گھت بنھ اکیر
 بابونہ تیل مٹھا وچ پا
 پکا پلٹس بنھ پٹی نال
 درد ورم رتج ہووے دفع
 تیل مٹھا گھت گرم کرا
 ہووے جلد تحلیل مواد
 سرکہ اس لے نال ملا
 ہووے جمب شفا علیل
 ورم رتج نوں دیوے سود
 بالوں رائی صبر افیم

گھوٹ پانی دھج کرو طلا
مل کے بلغم نال سودا
ہووے مادا اس داسرد
تاپ نہ ہووے ہرگز نال
پوٹلی سبھی ٹون بنھا
ہیٹھ انگاری اگ ٹکا
گرم گرم نت کرو گھور
صابن پانی نال گھسا
ایلا پیس اس دے دھج ڈال
جے سبب بلغم تے خون
پرلش اس تے نت بنھا
جدوں درم ریم کر آئے
چیرو نشتر نال شتاب
نشتر تھیں جیکر غم کھا آئے
کراں بیان یک لیپ اسرا
سبھی چونہ صابن لیا
گھوٹ ماکھوں دھج کرو ضماد
دیسٹ کبوتر مرغ لے آ
چوک نیلہ تھوٹھا دھج میل
ایہ درم دیوے جھب پاڑ
بہت زخم دھج جیکر ریم

دیوے فوراً درد اڈا
پیدا کرے درم جے آ
لازم ہے درم دھج درد
کر گھور ایہ استعمال
مٹھا تیل توڑے تے پا
پوٹلی اس دھج گرم کرا
اس دے جیہا علاج نہ ہو
گوگل مین پھل نال ملا
دو ترے لیپ کر استعمال
ہووے پیدا ورم زبون
کچا خوب مواد پکا
یک مواد نرم ہو جائے
خارج کرو مواد خراب
ریم درم دھج نظری آئے
دیوے جھب درم نہ پھاڑ
نمک نوشادر نال ملا
کڑھے گندہ پاڑ مواد
خالص چونہ نال ملا
پہرے کے لاسٹھے دھج تیل
ورموں کرے مواد ادرا
ایہ مرہم نت لاؤ حکیم

درم
گھور
جیکر
طبع
کر
ماد
نہ
ج
ا

ریم ورم تھیں کرے صفا
 سفیدہ قلعی تولہ ہک یح
 رکھ آگ تے خوب جوشا
 موم تولہ اس لے وچ ڈال
 سفید کتھ مُردہ سنگ رال
 مرہم گھوٹ مار بنا
 غیر طبعی سبب سودا
 ہووے اس دا رنگ سیاہ
 ہووے ورم نہایت سخت
 جیکر ورم ہووے سرطانی
 اکثر تپا رہے اس نال
 ہووے اس دا روی مادہ
 نیڑے اس لے مول نہ جا
 سخت ورم جے بہت پُرانا
 مادہ اس دا سالم ہو
 کر تشخیص اس طبع مزاج
 طبع مزاج جے ہووے سرد
 جیکر تپا نہ ہووے نال
 پٹہ بندھ اس تے تر گرم
 گوگل بھینسیا زیری سیاہ
 ورم سخت لے کرو ضماد

دیوے جھیدے زخم چھڑا
 تیل بٹھا پنج تولے پا
 جد ہو جاوے تیل سیاہ
 ہیٹھ اتارو جلدی نال
 چھ چھ ماشے میلو نال
 مرہم ٹاکی نال لگا
 پیدا ہووے ورم جے آ
 کرے روگی دا حال تباہ
 کر ڈھ پتھر وانگ کرخت
 وانگ پشت سرطان نشانی
 مہلک اس نوں کریں خیال
 ہوندا جاوے ورم زیادہ
 ورتے اس تے رب رضا
 رہے جسم وچ تل ٹھکانا
 بہت دیر تک بے کھلو
 داخل خارج کرو علاج
 وچ ورم لے ہووے درد
 کر دوا نت استعمال
 مادہ سخت ہو جاوے نرم
 گھوٹ سرکہ گھت ہمراہ
 ہووے جلد تحلیل مواد

منقہ کالے تل انجیر پانی تھوڑا جیہا ملا کسٹرائل وائل نت تیل چربی بکرا موم سفید جیکر سرکن وچ سرطان مادہ موذی دیونے رنج گولی سکے دیئے آ مشک کافور تھوڑا جیہا ڈال مادہ موذی ہے احتراقی شامل نال جیکر کچھ خون جوکاں اس لئے تروت لگا اوبال پیلک نت کر جل حارا تخم اسی بالونہ گل گھوٹ پانی وچ کرو ضماد کر تھوڑا تھوڑا فصہ خفیف دو ترے اس نوں دیتلین پیلک دھنیاں صندل بور گھوٹ پانی وچ کرو طلا	گھوٹ پٹہ بنھ وانگ اکیر تیل مٹھا گھت گرم کرا ردغن نال بنفشہ میل نال انہاں کر شامل دید ہووے بہت کے انہاں ہووے طبع نہایت رنج شیرہ دھنیاں وچ گھسا کرو طلا نت استعمال ہووے وچ ورم لے عاقی نظر ہے آدے بہت زبون دو ترے دفع نہ دیر لگا کھائے سخت مواد بھنگارہ میتھی سوئے بنفشہ پھل ہووے سخت تحلیل مواد نال ہو جاوے ورم ضعیف سرد چیزاں دی نال یقین بنفشہ خطمی مشک کافور ہووس اس نوں تروت شفا
---	--

بیان دتل یعنی پھوڑہ

دتل نام پھوڑہ مشہور	ہووے چمڑے وچ ظہور
---------------------	-------------------

دھوی پھوٹے دارنگ لال
 رت کڈھ پھوڑے جے تنگ
 جے صفراوی ہووے مادہ
 رنگ پھوڑے دا ہووے زرد
 پیلک دھنیاں خوب گھوٹا
 پھوڑے اُتے کرو طلا
 جے بلغم نال مرکب ہو
 آنسی آٹا لون ملا
 پٹہ پنج ست روز بنھا
 جے پھوڑہ ریم کر آوے
 چیرو جلدی نشتر نال
 جدوں ریم ہو جائے جاری
 نشتر تھوں جیکر ڈرکھاوے
 کبوتر بیٹ چوڑا اشتخا
 شہد میل لا دو ترے وار
 جاری جد ہو جاوے ریم

ہووے اس وچ درد کمال
 جوکاں اس تے لافنگ
 سوزش سرکن کرے زیادہ
 مارے ضرباں تراٹاں درد
 صندل مشک کا فور ملا
 دیوے سرکن تیرت ونجا
 چمڑے لے وچ رہے کھلو
 پانی گھت پولش پکوا
 دیوے خام سیاد پکا
 پولا بہت نرم ہو جاوے
 ریم گندہ سب دیو نکال
 ہووے دفع شکایت ساری
 تال پھر ایہ دوا لگاوے
 صابن کٹ دوا ایہ چار
 پھوڑا درم دیوے چھب پاڑ
 فضل کرے اس رب کریم

مرہم سندھور

چھ چھ مائے میلو تال
 مائے ترے ملاؤ آن
 میٹھا تیل چھٹائی دھید

مرد اسنگ سندھو کتھ لال
 طوطیا سبز کرو بریان
 تور ڈالو موم سفید

تور ساڑ زپسی وچ ساڑ پورائے پھوڑے تے نت لکے	مرہم اس دی کرد تیار حکم خداے نال چھڑا دے
مرہم دتل	
لے گل روغن تولے چار بدوں تیل ہو جادے سیاہ کر چھی لاه شتابی نال مردا سنگ سفید کتھ رال	سفید قلعی تولے وچ کاہڑ موم تور ہک کر ہمراہ ایہ دوا پیہ کے وچ ڈال چھ چھ ماشے میلو نال
بیان مرہم رنگاری	
پھوڑہ جیکر بہت پُرانا مرہم اہ تے لا رنگاری خشک بہروزہ درماں چار سفیدہ قلعی موم کتھ رال چھ چھ ماشے سب دوا گوکا تھیو چھٹانکی ڈال	بے چمڑے وچ کل ٹھکانا زخموں ریم نکالے ساری چھ ماشے وچ میل رنگار بکتر گوند ملاؤ نال کوٹ پیس کر جمع کرا بنا مرہم کر استعمال
مرہم دتل کمنہ	
جیکر پھوڑا بہت پُرانا مصطکی کتھ صابون لیا ہر ہک تولے دا مقدار	رہے جسم وچ کل ٹھکانا رال سفیدہ قلعی لیا خشک بہروزہ تولے چار

<p>نیلا تھوٹھا کر بریان ماشے ترے زنگار ملا دو تولے گھت موم سفید پہلاں گھیو نوں گرم کرا پچھوں سب دوا ملا مرہم ٹانگی نال لگا</p>	<p>ماشے چار ملاؤ آن دارو سبھے کھل کرا گھیو گرکا دس تولے دید ساین موم سفید پا مرہم گھوڑ مار بنا پھوڑے دے اُتے نت لا</p>
---	---

بیان مرہم مجربہ دمل کمنہ

<p>مرہم کراں بیان عجب مردہ سنگ کند رکھ رال ہک ہک تولے سب دوا نیلا تھوٹھا کر بریان سفید پھٹکڑی مشک کا فور موم سفید تولے دو گھت ایہ مرہم اس نت لگا کر کچھ مدت استعمال</p>	<p>پھوڑا زخم دجاوے جھب سفیدہ قلعی بہروزہ ڈال کھل دے دج خوب پسا ماشہ ہک ملاؤ آن ترے ترے ماشے میل ضرور ڈال گوکا گھیو تولے ست دیوے جلدی زخم چھڑا زخم جاوے بھر جلدی نال</p>
--	--

بیان پچھالی

<p>بغلاں دج ہک درم عظیم پچھالی آکھن ہندی دج پڑ بنہ نت باٹ جوار</p>	<p>درم مغاں کمن حکیم کرے بغل نوں ڈاڈا زنج پا بنہ کر کے گرم کنوار</p>
--	--

یا اُس تے پلٹس بنھوا
 اسی آہا میل گھوٹا
 پانی گھیبو گھت خوب پکا
 جدوں درم ریم کر آوے
 نظر آوے اُس دے وچ ریم
 یا مقروچی دارو نال
 سہاگہ نمک چومہ اشخار
 گوڈے اُتے رکھ کنوار
 مڑ مریم اوس اوہ لگا
 سوزش جیکر بہت وچ درم
 کراں بیان ضماد یک سرد
 ایسغول دا بیپ کرا
 گھوڑا جیہا مشک کافور
 مجرب ہے ایہ بہت عجب
 بنفشہ خطمی اسی لیا
 آہا وچ جواں دا ڈال
 گھوٹ پانی وچ کرد تعیل
 تیں بٹھا گھت گرم کرا

خوب طرح تے ورم پکا
 گودا کنوار دا گرم کرا
 نمک سوہاگہ ڈال بنھا
 پولا بہت نرم ہو جائے
 چیروہ نشتر نال حکیم
 پھاڑ زخم نوں ریم نکال
 وزن برابر دارو چار
 بنھ دیوے کچھالی پھاڑ
 دیوے جلدی زخم پھڑا
 ہووے بہت نہایت گرم
 سوزش سخت ونجائے درد
 پانی دھنیاں پیلک پار
 اس دے نال ملا ضرور
 شرکون درد ونجائے جھب
 میتھی گل بالونہ پا
 بنھ پڑ کر استعمال
 کرے ورم نوں جلد تحلیل
 ورم آتے رت بیپ کرا

بیان بنھورات

پھنسیاں پٹکے ہون ظہور
 اُس توں کن حکیم بنھورات

رنگ آنہاں دا لجینر لال
 باسلیق دا قصد کرا
 پا پڑا دھنیاں برگ خا
 ترے ترے ماشے سب دوا
 رات پوسا رکھ اندر آب
 جیکر سرکن پھنسیاں دج
 اوہ مادہ صفراوی جان
 گل روغن سرکہ مشک کافور
 بھس کتھ چھل آتار ملا
 گل ارمنی سرکہ دج ملا
 شربت نیلوفر آتار
 ماجو مائیں کتھ نیپال
 پیہ کے مکھن نال لگا
 جیکر خارش ہووے نال
 پیلک دھنیاں گھوٹ لگا
 سوزش بدنوں ہووے ددر
 جیکر بلغم ہووے شور
 صندل بور کیس گھوٹا
 شربت انبلی نت نہار
 کوڑیاں چیزاں نت ملا
 رات پانی دج کرو نقوع

ہووے دھوئی کریں خیال
 مادہ کندہ دور کرا
 مونڈی صندل بور ملا
 دانے پنج عناب ملا
 صبح پیوے گھت شہد شہاب
 ہووے کرے نہایت زنج
 چمڑے دج کرے نقصان
 گل ارمنی ماجو صندل بور
 بدن اُتے مالش کرا
 نت بدن تے کرد ملا
 پیوے پانی ڈاں نہار
 مشک کافور ملا ڈال
 دیوے سرکن ترے دج
 کیس تھوڑی جیہی لے دج ڈال
 صندل مشک کافور ملا
 رہے نہ چمڑے دج تصور
 خارش نال دیوے کچھ زور
 گل روغن سرکہ گھت ملا
 پیوے ہووے دور آزار
 پا پڑا مونڈی رخم جہا
 ماکھوں ڈال کراؤ شروع

بیان نبات الیل

<p> بِشَاتِ الَّیْلِ دَھِیڑ مشہور وقت رات یا سرد ہوا بند ہو جاوے موزی مادہ بند ہو جاوے کل مسام تخم کرفس اجوین گھوٹا دیہہ دھونی اس نوں اجوین ہک دو اُس نوں کرو جلاب پھنیاں وچوں پانی زرد تنقیہ اس دا خوب علاج کوڑیاں چیزاں نت پلا چراستہ ہرڑاں زرد سیاہ درا جوئی دیویں نت گھوٹ </p>	<p> ہوون سردی وقت ظہور پیدا ہون بدن دھج آ ہو دے خارش بہت زیادہ نکھن دھپڑ بدن تمام گل روغن ڈال پلا ایہ دوا فائدہ مند ہیں مطبوخ ہلیلہ زرد شتاب نکھ شامل ہو دے درد موافق جیڑا طبع مزاج دھنیاں پاڑا غم حشا نقور کر دیہہ ماکھوں ہمراہ فیل کنڈھی دیہہ رہے نہ گھوٹ </p>
---	---

جلاب مطبوخ ہلیلہ زرد

<p> پھل گلاب لے تو لے چار ہفشہ پاڑا سونف سنا بکاسنی تو لے دو دھج پا فجے دیگی دے دھج ڈال نل کے پن کے صاف کرا </p>	<p> برابر چھل ہریڑ افکار ہک ہک تول وزن تول رات پانی دھج رکھ پوسا اس نوں چنگی طرح ادبال پنج تولے مغز فلوس پلا </p>
--	---

اس
صفحہ

پیون

سخت

اصلی

موزی

جسم

باز

جھڑ جا

شن

دل

فاسد

جائے

غیر

کرت

جلدی

م

کوڑیاں

کیو گوکا

اُس نوں چھاننی دچہ نکال جھٹے اس دنے کر کے ترے پیون وقت گوکا گھبوگھت	چار توے کھنڈ اس دچہ ڈال ضلع پیشی دیگرہ پی لے ماشے چھ یا ہووے ست
---	---

بیان مرض جذام

سخت مرض یک نام جذام اصلی شکل جسم دی ڈیل مورڈی مرض دیوے جد زور جسم وچون آوے بدبو بگڑے چہرے دی تصویر جھڑ جاوے ابرو دے وال سُن ہو جاوے ہتھ تے پیر دل سودا خون دے نال فاسد خشک مواد کھلوتے جائے بگڑ خلق دا سار غیر طبی سودا اخراقی کرے جسم دا حال تباہ جلدی اس دا کرد علاج دچ مہینے دو جلاب کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق گھبوگوکا ادھ پانت پیوے	جادے بگڑ سریر تمام ساری ہو جادے تبدیل ہتھیں پیریں چلے شور بیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو روٹی بہت ہووے دیگر سرخ سفید بدن تے خال ہے ہمیش اکھیں دچ گھیر حالت سخت کرے بد حال چوہنڈی دڈھیاں درد نہی نکلے بہت غراب آواز ہووے دچ جسم دے عاتی دیوے استھوں رب پناہ نہیں سب جائے بگڑ مزاج طبع موافق کرد شتاب پیوے ہوس شتابی فرق فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
---	---

زنت نہوا وچ گرم حمام
 بدن اُتے مالش زنت کر
 یا زنت ملو ارنڈھی تیل
 ظاہر باطن کر تر طیب
 کھن تازہ نت کھوا
 ہک دو دفعہ مہینے وچ
 چھوین مہینے فصد کرا
 کئی دفعہ اس فصد کرا
 بادام روغن دی دیہہ نسوار
 خشک مواد ہر دے جد دوا
 بادام روغن وچ گھیو ملا
 اطر فیض دیہہ شاہترہ ملا
 کوڑے عرق رکھے ہمراہ
 دو تولے ماکھوں وچ ڈال
 مرجاں نمک نہ ہرگز کھاوے
 کشتہ سیم سونا اکسیر
 کھاوے ککھ کھن دے نال
 ماء الجبن والی نہ کیب
 دھماں بولی ہے کوئی پوے
 کہ خوا کریں جے استعمال
 ماکھوں خالص نال ملا

جادون اس دے کھل سام
 بنفشہ روغن نیلو فر
 گوکا گھینو اس دے وچ میل
 نال دوا غذا طیب
 بکری دا دودھ شام پلا
 کرو جلاب مادہ لے کھج
 گندہ مادہ دوز کرا
 موافق قوت سن ہوا
 خشک مغزوں کرے ذرا
 رہے نہ جتے وچ قصور
 سرتے مالش زنت کرا
 کھاوے اس نوں صبح عشاء
 گھیو دودھ دانہ کرے وساہ
 کرے سال دو استعمال
 خشک چیز دے راہ نہ جائے
 تجربہ سائیں بخش فقیر
 ہک دو سال کر استعمال
 رکھ اس شامل نال طیب
 جوش خون تئیں چگا گھیو
 پھل پت کھوٹ پیوے ہر سال
 دیوے دکھ جذام دجا

ا
 پ
 ہ
 ب
 ک

نس
 باز
 مون
 دھما
 بورہ
 کاسنی
 چھل
 پا
 ہک
 تر
 دوسر
 دو تو
 خون گر

اس
 دے
 زنت

نسخہ نقوع مصفا خون

ایہ نقوع پلا ضرور پا پڑا مونڈی برگ حنا ہر یک دارو ماشے چار کچھ مدت کر استعمال	کرے جوش خون دا دور افقیموں تر پھلہ ہرڑ سیاہ نقوع کر پیوے بت نہار ماکھیوں دو تولے وچ ڈال
--	--

نسخہ عرق مصفا خون

نسخہ ایہ مصفا خون بانسہ افستین مونڈی بوٹی برگ حنا دھماں تر پھلہ ہرڑ سیاہ بورہ صندل سُرُخ سفید کاسنی دھنیاں نال ملا چھل درخت نم دی لا پاک پکا ڈال غلاب تو دس بوتل عرق نکال دو تولے وچ شہد ملا خون گندہ سب کرے صفا	کرے صفا سب خون زبون چراستہ پا پڑا شامل کرڈو کرخوہ نال ملا یت نم انبرول ہمراہ چھل گلاب سونف گھت وید بیج بیج تولے سب دوا ادھ سیر پکا نال ملا کدھ اونہاندا عرق شتاب کہ روگاں تے استعمال پیوے فجری وقت عشا زوگ خون دا رہے نہ کا
--	---

نقوع کر ماکھوں ڈال جے پیوے
گندہ خون صاف سب تھیوے

نسخہ اطریفیل شاہترہ

چھل کابی زرد ہریٹ کہا چھل بیڑہ ہریٹ سیاہ دو تولے تروی میل سفید تولے دو گھت بھل گلاب پا پڑا یا پکا کٹ پا اطریفیل کشمش وچ تیار عنا ب اقیموں لیا	دس دس تولے وزن تولہ آملہ پنج پنج تولے پا سنامی دو تولے وٹید کٹ چھان کر جمع شتاب کٹ سب گھیو وچ چرب کرا تولہ کھا دے رت نہار بچوں اس نوں کا ہڑ پلا
---	---

نسخہ عرق عشبہ مصفا خون

عرق عشبہ کر تیار شتاب عشبہ مغزی لے منگوا خالص چوب چینی دا پورہ دھنیاں دار چینی بادیاں پاک پاک پکا ڈال عنا ب دو دو تولے رت پلا نسخہ ایہ مصفا خون	صاف کرے سب خون نواب سرخ رنگ ہو دے پاک پا ادھ پا پکا میل پورہ پنج پنج تولے ہر پاک آن چار بوتل کھچ عرق شتاب شام صبح ماکھوں وچ پاء صاف کرے سب خون تبولن
---	--

بیان مرض خنازیر یعنی ہنخیراں

طباں وچ آکھن خنازیر	ہندی وچ مشہور ہنخیراں
---------------------	-----------------------

اکثر
ایس
محمد دن
حکومت
کر رہی
دل
لازم تا
ادھنول
جے لازم
جیکر
بادہ
کوڑیاں
حب
اجوین
گندیاں
ختم
چھست
مقروم

دانش

اکثر گمہ دن وچ خنزیریاں
 ایس سبب اس دیکھنا نام
 محمد دن بغلاں وچ انسان
 گوشت چمڑے دے وچکار
 کرڑی وانگ غلہ وچ انجیر
 رل سودا بلغم دے نال
 لازم تاپ رہے جے نال
 اوتھوں کھٹیاں ہوون پیدا
 جے لازم تاپ ہے ہر حال
 جیکر ادہ تپ دائرہ ہو
 مادہ اس دا سالم ہو
 کوڑیاں چیزاں عرق پلا
 حب ایارج دا جلاب
 اجوین مصبر زیری سیاہ
 گندیاں ہو جاون تحلیل
 تخم شریہ نہ باریک کرا
 چھ ست ماشے بنت کھوا
 مقرومی دارو مہں تے لا

ہوون گندھاں مثل انجیراں
 آکھن کل حکیم تمام
 ایہہ دودھ پیدا ہوون آن
 مادہ موزی کرے بجار
 رنگ سفید اس مثل پیر
 گندیاں کرے پیدا ہر سال
 بحرانی مادہ کرے انتقال
 گردن بغلاں وچ ہویدا
 اکثر بل جاوے دق نال
 نہیں خطرہ اس دے وچ کو
 بہت دیر دیکھ ہے کھلو
 نصف رقی کونین پلا
 ہر ماہ وچ دو کر دشتاب
 گھوٹ سرے وچ کرو طلا
 ہووے جلد شفا علیل
 دوگناں اس وچ ماکھوں یا
 دیوے اس نوب رب شفا
 جاوے سب گندیاں نول کھا

نسخہ مقرومی

بول وچھی دے وچ گھسا

داند جیو لوٹ یا

دلا
پا
سید
ب
کرا
نہار
رپلا

ن غراب
ہک پا
پورہ
آن
نتاب
چ پا
ن دیون

کچھ قدرے گھس سم الفار رُوں دے نال آلودہ کر کناریاں تے گوگل گھس لا پھیر چھا وچھتی دا بول سر تیلی تے رُوں لگا جدوں کاغذی خشک ہو جاوے گوتر بنج چھ روز لگا جدوں ماس اُتوں گل جاوے گھت کنڈی کھج باہر نکال یا گوکا گھبو ساڑ لگا	ہک دو چانول دا مقدار پچھ انجیر اُتے چا دھر گل نول چنگی طرح پکا رکھ ٹکاٹیکے اندر کول گوتر دے دج تر کر دا گوتر تیلی نال لگا دے کاغذی چنگی طرح گڑا انجیر سفید رنگی ہو جاوے زخم چھڑا مرہم دے نال دیوے جلدی زخم چھڑا
--	--

نسخہ مفروغی خوردہ گوشت فاسد

سب کچھ ساڑ اس دج ہک میل ترے ترے ماشے میل نال ہک ہک تولے دا مقدار پہیہ کے سب دوا میں میل لاویں تریجے دن ہک بار پہلے روز اس پچھ کر مرہم گنڈیاں تے نت دھر گنڈ انجیر رنگی ہو جاوے زخم چھوڑا مرہم دے نال	لے بنج تولے مٹھا تیل نیلو تھوٹھا حب جے پال ان بچھا چونا صابن اشخار اگ تھیں لاه کر اہی تیل کے مرہم دانگ تیار استرا چنگا تیز منگا رُوں دے نال آلودہ کر جد چھڑا اُتوں گل جاوے نال سرچو باہر نکال
---	---

ایسے طور کر استعمال
گنڈیاں سب نکالو ڈال

نسخہ مرہم خورندہ انجیر

گل حکمت دے تال سٹرا	مار چوہا، کوزے وچ پا
گل حکمت کر اس نوں ساڑ	سٹم گدوں دا تولے چار
گل حکمت کر ساڑ یا ہو	سنگ بھینس دا تولے دو
ہک سب دی کنج اس چہ ساڑ	تیل مٹھالے تولے چار
بنا مرہم کر استعمال	دج تیل دارو سب ڈال
گنڈیاں نوں تھپکھا جائے	ایہ مرہم گنڈیاں تے لاوے
نال موچنے باہر نکال	دیوے جد گنڈیاں نوں گال
جیڑی زخم نوں دیوے بھر	پھر استعمال مرہم اوہ کر

نسخہ مجربہ مرہم خورندہ انجیر وغیرہ

سفید سنگھیا ماشے ترے	صابن دیسی تولے
دو تولے گوکا گھیو ملا	دھتور دھتور کھل کرا
ڈبئی دے وچ گھت سنوا	کر کے مرہم وانگ تیار
روں آلودہ کر چمڑا	اڈلے انجیر پچھا
تازہ تازہ ہو رگنا	تیکے روز پچھوں بدلا
چنگی طرح ماس گل جاوے	بدوں انجیر ننگی ہو جاوے
زخم چھڑا گوکے گھیو نال	گنڈی گھت انجیر نکال
دیوے جیڑی زخم چھڑا	یا اوہ مرہم نئے بنا

بیان سُرخ بادہ

سُرخ بادہ ہندی دج نام
 بہت سُرخ سورج دارنگ
 ہووے بدن نہایت لال
 مارے خون بے ہوش نہایت
 نال خون جیکر صفرا
 زرد سُرخ سورج دارنگ
 حمّہ خالص اس د دا نام
 جیکر نال مرکب خون
 پہلاں اس دا قصد کرا
 دیہہ مطبوخ بلیہ زرد
 پا پڑہ دھنیاں صندل گور
 چھل زرد ہریاں ہر سیاہ
 کر کے پانی دج نقد
 جے غالب ہووے صفرا
 آنو انہی نیلو فر
 دھنیاں کاسنی میل غاب
 فخرے نل پُن صاف کرا
 شاہ ترے دا شربت جے پیوے
 دونویں وقت کرا استعمال

حمّہ کسن حکیم تمام
 مادہ موذی مارے ڈنگ
 سُرخ کن سوزش بہت کال
 ہووے تپ دی سخت شکایت
 ملے ہووے تلخی گھبرا
 ہووے کرے نہایت تنگ
 سو بے جلدی بدن تمام
 ہووے موذی درم زبون
 پچھوں کر خارج صفرا
 یا کوئی ہووے طہلاب جو سر
 غلاب موذی دج ڈال ضرور
 گلو انقیہوں کر ہمراہ
 مصری ڈال کرا و شروع
 ایہہ نقوع اس نیت پلا
 نال بنفشہ شامل کر
 رات پوسا رکھ اندر آب
 مصری اس دج ڈال پلا
 بہت شتابی چنگا پیوے
 سُرخ بادہ جادے فی الحال

پندرہ سال
 سپاری
 گھوٹ
 ملین
 دھنیاں
 گھوٹ
 عرق گ
 بے حاج
 شربت
 کوریاں
 مرتبہ ز

چنبیل
 ہموون د
 جو کال د
 دو تترہ
 کوریاں
 دو ماہ

پندواں تو لے پا پڑا لیا سپاری صندل پھل گلاب گھوٹ لیپ کر چائے تھوک طین نال بدن کر صاف دھنیاں کاسنی خوب گھوٹا گھوٹ پانی وچ کرو طلا عرق گلاب ہے کریں پیوند ہے حاجت اس نوں تبرید شربت آلو اتے عناب کوڑیاں چیزاں دا ہے عرق مرتبہ زرد ہریٹاں کھائے	اُدھ سیر مصری ڈال پکا نخم کاسنی میل شتاب دیوے سرخ بادہ نوں روک کرے تصور خداوند معاف صندل بوند کا فور طلا دیوے سرکن ترت دنجا ہووے زیادہ فائدہ مند شربت اُمبلی بہت مفید نت پلا گھت عرق گلاب پیوے ہوس شتابی فرق سرخ بادے نوں نفع پہنچائے
--	---

بیان مرض جنبل یعنی اکوتہ

جنبل ہک مشہور آزار ہوون دھدر بہت نہایت جوکان دو ترے دفعہ لگا دو ترے اوس تنقیہ کر کوڑیاں چیزاں نت پلا دو ماہ تک استعمال	پیراں اُتے کرے بھاڑ کرے خارش دی سخت شکایت گندہ مادہ دور کرا طبع موافق ذرہ نہ ڈر نفوع کر کے ماکھیوں وچ پا ہووے جنبل دفع چندال
---	---

لشخ مجربہ جنبل

<p> شنگرف پارہ تے ہڑتال نوشادور گندھک آملہ سار نیلہ خھوختہ کر بریان کھل دے دج کر دباریک اودھ پائے کے مٹھاتیل دو تولے چرنی بکرا میل تھوڑا سرکے دج ملا ایسے طور کر استعمال مڑ اس تے گل روغن لا مڑ ایہہ مرہم پھر لگائیں بہت چنبیل نوں دیسے نفع </p>	<p> سبز کیس سہاگہ ڈال بابچی سب تولہ مقدار مانشے چار ملاؤ آن وانگ خبار ہودن جد ٹھیک دارو سب اس دے دج میل کر کے گرم گھتو دج تیل چنبیل اُتے کر د ملا دھویں گرم پانی دے نال سرکے تھوڑا جیہا ملا گرم پانی دے نال دھوئیں خارش دھدر کرے نابود </p>
--	---

نسخہ چنبیل

<p> لے پنج تولے مٹھاتیل گھت کڑا ہی دج سڑا ملکڑا ساڑ پُرانی چھٹ کڑا ہی آگ تھیں ہیٹھ لہا نوشادور سہاگہ آملہ سار پیہہ سب اس دے دج ملا چنبیل اُتے رنت لگا کر کچھ مدت استعمال </p>	<p> دو تولے دودھ اک دامیل مٹھی مٹھی اگ جلا خالص جو بکرے دی جت خوب طرح اس سرد کرا ہک ہک تولے دا مقدار مرہم گھوڑ مار بنا دیوے اُس نوں رب شفا دھوویں گرم پانی دے نال </p>
--	---

دستِ ابرار

ہے
اکوتہ
ڈنڈ
کر کے
گندھ

نوشاد
مردا
نیلہ
پاک
کر کے

سیر
سیر
نیلہ

ٹوٹکے مجربہ چنبیل

ہے اک ٹوٹکے بڑا لاثانی	مجرب میرے پاس نشانی
اکوتہ چنبیل ہودے دور	رہے نہ چمڑے دھج قصور
ڈنڈہ تھوہر ہک گٹھ منگا	تیل مٹھے دے دھج مٹرا
کر کے مریم دانگ تیار	لا چنبیل تے روز ہک بار
گندھک دا تیزاب لگا	نہیں کوئی اس دے جیہاد دا

نسخہ چنبیل

نوشادر سوہاگہ آملہ سار	باپچی پارہ تخم پنوار
مردا سنگ اس دیونچ گھت	ہک ہک تولہ دارو ست
نیلا تھوتھا کر بریان	ماشے چھ ملاڈ آن
پاک مٹھا تیل منگا	دارو پیہہ اس دھج رٹلا
کر کے مریم دانگ تیار	ہک دن دھج لاویں دوبار

نسخہ روغن چنبیل

سیر ہک چھوڑے ٹاہلی بیا	سیر پکا دھج کنک ملا
سیر لیڈے اوٹھانڈے ڈال	پتال جنترنال تیل نکال
نیلا تھوتھا کر بریان	ماشے چار ملاڈ آن

چنبیل دھدر نے نت لا
دیوے جسموں تخم اوٹھار

نسخہ چنبیل

آملہ ساڑ پاپڑا ہرنال ست زیتو دا نال ملا نیلا تھوٹھا کر بریان سرکے دیونج کھل کرا گھس پانی وچ ریت لگاے	نوشادر سہاگہ لے وچ ڈال ہک ہک تولہ سب دوا ماشے چار ملاؤ آن اس دے لے شلیاف بنا چنبیل دھدری دھو ہوجاے
--	--

نسخہ چنبیل

نوشادر مالوں اسی رائی وزن برابر سب دوا تھوڑا سرکے وچ ملا	بج مولی دے پنج دوائی کھل کرائے کے جمع کرا چنبیل دھدرتے ریت ملا
--	--

نسخہ چنبیل

نوشادر ورقیہ لے ہرنال نیپال سہاگہ بھس کتھ رال وزن برابر سب دوا	بھن نیلہ تھوٹھا وچ ڈال ایہہ بھی چارے ہودن نال تیل کوڑے وچ پیس لگا
--	---

نسخہ چنبیل

نیلا تھوٹھا کر بریان مردا سنگ کتھ آملہ سار	کچلہ سار ملاؤ آن ہر ہک پھ ماشے مقدار
---	---

پہہ دارو سب اس دچ گھت	تیل مٹھائے تے سنت
لا نت ہودے دنج آزار	کر کے مریم دانگ نیار

بیان قویا

آکھن اس نول مرض قہہا	دھدر پیدا ہودے آ
چمڑے دے دنج آن کھلوے	جدوں رطوبت گندی ہودے
خارش کرے نہایت زہر	جے اوہ مادہ ہودے شور
کر توں اس دا جلد دوا	دھدر ہودے شروع جد آ
پاوے چمڑے دنج خواری	خارش نال ہودے پوجاری
دھدریاں تے جوکاں لا	اول اس دا قصد کرا
ایہہ دارو نیت اس تے لا	کر کے گندہ خون صفا
سرکہ ڈال لگاؤ سنگ	ہرڈ ہندی کتھ مروا سنگ
خارش مڑکن کرے زیادہ	جے دھدر صفراوی مادہ
خارش پکھوں ہودے درد	نکے دھچوں پانی زرد
دیہے دھدر تریت دنج	بحرب اس دا لکھاں دوا
مروا سنگ کتھ چھل انار	نوشادر سہلگہ آمد سار
لا دھدر تے سرکہ گھت	کیس برابر دارو سنت
خارش دھدر کرے حیران	جیکر روکا بال نادان
پہہ کے لا ہر کے دے نال	ماجو ہندی کتھ نیال
سرکہ دنج دھدر تے لا	یا رس پھٹکڑی ہرڈ قہسا
تھوڑا جیہا سہاگہ میل	یا نت لا گندم دا تیل

<p>بلغم نال ہے بل سودا فاسد مادہ کرے فساد دو ترے چار جلاب کر جیکر دھدر سخت نہایت مغرب نسخہ کراں تحریر پھٹکڑی رائی زرد ہر نال آملہ سار برابر ست ہر ہفتہ یک دیہہ جلاب ہے مادہ دموی سودا ایہہ نسخہ آزمودہ کار</p>	<p>ٹھہرے دوج چمڑے دے جا نکطن دوج بدن دے داد فاسد مادہ دور کرا کرے خارش دی بہت شکایت دھدر چنبیل نوں اکیر نوشادر سہاگہ توتیا ڈال کرو طلا سر کے دوج گھت مادہ خارج کرو شتاب جوکاں دو ترے وار لگا سائیں بخش کیتے کبئی بار</p>
---	---

نسخہ دھدری یعنی داد

<p>پیدا کرن بدن تے داد بودے پتھر وانگ کرخت آدے کے نہ وقت آرام تجربہ کیتا ایس فقیر مٹھا تیل تولے ست ہو اگ تھیں لاه تیل نوں ٹھار یا پچی پارہ توتیا ڈال چھ چھ ماشے کل مقدار مرہم گھوڑ مار بنا</p>	<p>ہے بلغم سودا مواد دھدر بہت نہایت سخت خارش اس دوج رہے دمام نسخہ کراں بیان اکیر اگ دا دودھ تولے دو چو اگ دا دودھ تیل دوج ساڈ مروا سنگ شکر ہر نال نوشادر سہاگہ آملہ سار ایہہ سب تیل دیلج ملا</p>
--	--

تولہ چربی بکرا میل سرکہ تقوڑا جیہا ملا نقوڑا کوڑیاں چیزاں دانال	کر کے گرم گھتو دج تیل دھدریاں تے بت لگا کرے چلیہ استعمال
---	--

نسخہ داد مجربہ مصنف خود

دھدر چنبیل بہت پرانہ مادہ موذی عاتی ہو ہو دے سرد اس خشک مواد جے کوئی ایہہ دوا کماوے لے چھوڑے ٹاہلی دے سیاہ ادھ ادھ سیر پکا مقدار پانی دانی حرمی لیا نخم کرنس دانے اجوین ادھ ادھ پاپکا دج ڈال سخت دھدر تے کرو طلا	چمڑے دیونج کرے ٹکانہ رہے چمڑے دیونج کھلو کرے جسم دیونج فساد جاندی دھدر نظر نہ آوے ہری لکڑ پلچھی ہمراہ ڈال بھانڈے دج خوب سنوا پنج پنج تولے وزن تولہ دانے گندم تخم بکین تیل کڈھو گل حاکست نال دھدر چنبیل رہے نہ کا
---	---

✓ عرق دافع داد چنبیل گندہ مصنف خون

جے دھدر لوٹاں ہون عام سرد موسم دج دیون زور کھڑوہ چم سیاہی رنگ بوش خون یا دیوے زور	جاوے بگڑ سریر تمام گرم موسم دج جادن چھوڑ لوٹاں دھدر مارن ڈنگ نال تحفن ہو دے شور
--	--

جاوے مرض پرانی ہو
 مجرب عرق رکھاں اکسیر
 پہلاں اس دا قصد کرا
 پتھوں اس نوں شروع کرا
 کڈھ عرق ایہہ نال تاکید
 دھدر چنیل جرب جذام
 تاپ پرانے ہوون دور
 سائیں بخش ایہہ عرق آزمایا
 منڈی بوٹی برگ حنا
 افسنتین پانسہ دج گھت
 انبرول ہریڈاں سیاہ
 بورہ صندل سرخ سفید
 کاسنی چھل بھیرہ ڈال
 پنج پنج توئے یا شتاب
 چھل درخت نم دی لا
 رات پانی دج رکھ پوسا
 نو دس بوتل کڈھو عرق
 خالص ماکھوں اس دج ڈال
 ایہہ نسخہ صدی کرامات
 دھدر چنیل ہوون دور
 ہرد خرابی خون ہر قسم

چڑھے دیوچ رہے کھنڈو
 نہیں کوئی اس دی مثل نظیر
 کر کے اس دا خون صفا
 جلدی بخشے صحت خدا
 بہت دکھاں نوں پوسے مفید
 پیوسے جادو چھوڑ مقام
 بھوڑے پھنسیاں چکنا چور
 بہت دکھاں دج نفع اٹھایا
 چھل ہریڈاں زرد ملا
 چراغ میل نم دے پت
 پاڑا کر دے رگو ہمراہ
 پھل گلاب سونف لے دید
 آنولہ دھنیاں پادیں نال
 پا پکا دج ڈال عناب
 آدھ سیرپکا نال ملا
 فجرے اس دا عرق کھینچا
 پیوسے پوسے شابی فرق
 شام صبح کر استعمال
 کرے بگاڑ بدن دانات
 رہے دجے دج قصور
 دفع ہو جادے دچوں جسم

لے جا اس فوں دھج حمام ہر ہفتہ ہک دیہہ تیلین ما اجمین والی ترکیب گل روغن ہرکہ نال ملا	نہاے نت صبح تے شام طبع موافق نال یقین چالی روز کریں ترتیب بدن دتے مانس کردا
---	--

نسخہ داد نصیبین

جیکر داد نلاں دھج ہودے سبز کپیس کافور انیم گل روغن ہرکہ دھج ملا کٹ کے تخم کرفس ادبال	خارش نال ٹلاں نوں کھوے ہک ہک رتی قدر حکیم نصیبیاں اُتے لیب کرا دھو دیں اس دے پانی نال
---	--

نسخہ داد انگریزی

چھٹانکی تارپین دا تیل داو موذی تے کرد ملا اترے سگری اس توں عام	مشک کافور تھوڑا دھج میل دیہے فوراً نفع پہنچا آدے جلدی نال آرام
--	--

نسخہ داد دہقانی

نسخہ کراں بیان دہقانی اس نے کہا میرا آزمایا تسہڑوڈے تنیزد ہترہے چھٹانکی تیل کوڑے دھج ساڑ	دتی ہک دہقان نشانی ہر وقتے وار خطا نہیں پایا تخم ارنڈے توڑے ترے کوڑا ہی اگ تھیں جلد آثار
---	---

مصبر توتیا آملہ سار پیہہ کے اس دے دج ملا کر کے مرہم دانگ تیار کر کبھ مدت استعمال	ہر ہک ہودن ماشے چار نال ڈنڈے دے خوب گھوٹا لاہک دن دج دوترے وار دھونٹ گرم پانی دینال
---	--

نسخہ داد و چنبیل کمنہ

جیکر تینوں ہودے لوڑ تیزاب گندھک والا ایہ بھی دج آزمائش آیا نوشادر سہاگہ آملہ سار پیہہ کے مکھن نال لگا	لکھاں مجرب نسخہ ہور دیوے دھدر نرت و نجا ناٹھ دوترے وار اٹھایا مغز ہریٹ دارو چار غارش دھدر رہے نہ کا
---	---

نسخہ دھدری سر

سفید کتھ مخم پنواڑ تولہ تولہ سب دوا نیلا تھوٹھا کر بریان دس نو دج کھل کرا گھس سر کے دج نرت لگا	نوشادر سوہاگہ آملہ سار پیہہ کے سارے جمع کرا ماشے چار ملاڈ آن کر کے کھل شیاپ بنا دیوے دھدر خنج اٹا
--	---

نسخہ دھدری آنشکی

سبب بے مادہ باہ فرنگ	دھدر کن بدن نوں تنگ
----------------------	---------------------

نسخہ عجیب آزمودہ کار میکور نے کتھ سفید چھ چھ ماشے چار دوا نیلا تھوٹھا کر بریان کھن گو کے دج ملا	کراں بیان نہ رہے آوار شگرف میل کنبلہ دید جدا جدا وہہ جمع کرا ماشے چار ملاڈ آن دھدریاں تے نت رگا
---	---

نسخہ دھدری

نیلا تھوٹھا تول آن چار تولے آٹے دج ڈال نیکے تھوٹا جیہا دوا ست روز جیکر کوئی آدے	تولے آٹے کر کے بریان پہہ رکھ بوتل دج سہماں لیٹی پانی گھت پکا جانڈی دھدر نظر نہ آدے
--	---

نسخہ دھدری مجربہ

کراں بیان عجیب دوائی روٹی دج تنور سڑدا سہاگہ تولے دو سڑدا سبز توتیا کر بریان دکھو دکھی کھل کر تھوٹا سر کے دج ڈال شگرف پارا تے ہڑتال تول تول سب دوا	ہرگز دھدر رہے نہ کائی ڈنڈے کونڈے دج گھوٹا کنبلہ تولے تولے ملا تولہ پک ملاڈ آن چامے دارد جمع کرا کر دھدر تے استعمال آٹہ سار سہاگہ ڈال حرق تیتو دج کھل کر
---	--

نیلا تھو تھا کر بریان اس دے بھہ شیان رکھا ہک دو ہفتے نت لگا	ماشے چار ملاڈ آن گھس پانی دہج نت لگا دیوے داد دی یزخ اڑا
---	--

نسخہ دھدری و گنج سر

رحمت مار یا تولے چار نیلا تھو تھا کر بریان تولے ست گری دا تیل مریم گھوڑ مار بنا ہست دھدرنوں دیوے سوڈ	دو تولے گھت آملہ سار ماشے چھ ملاڈ آن پیہہ کے سب دوا دہج میل دو ہفتے تک روز لگا گنج پنیل سب ہون نابود
--	--

نسخہ دھدری سر گنج وغیرہ

سفید سہاگہ پھل کرا ناخن گھوڑے دے منگوا لے کے دال بکری دے ساڑ پیہہ کے چارے جمع کرا	ساڑ پُرانہ بجم ملا گل حکمت دینال سڑا وزن برابر دارو چار تیل یا سر کے نال لگا
--	---

لوٹکہ مجربہ دھدر

آملہ سار یا شتاب پھٹکڑی میلو نال سفید سرکہ تھوڑا جیہا ملا	پلچٹ میل اس دہج شراب سفید سہاگہ ڈالو دھید دھدر اتے کر د ملا
---	---

خا
خا
جر
خا
جے
پڑ
سد
نکھ

ٹوٹکہ دھدر دہتقانی

نوشادر ہالوں اسی رائی	بج مولی دے پنج دوائی
دزن برابر سبھا دوا	کھول کرا کے جمع کرا
تھوڑا سر کے دج ملا	دھدر چنبیل تے رت لا

ٹوٹکہ دھدری سرو گنج وغیرہ

نپال سر آملہ آن	ہک ہک تولہ کر بریان
نیلا تھوٹھا کر بریان	مانٹے چھ ملاؤ آن
کیلہ تولہ نال بلا	کھول مٹے دج خوب پیا
تھوڑا تیل کوڑے دج ڈال	کر دج گنج تے استعمال

بیان خارش

خارش بہت خراب بیماری	پاؤں چمڑے دج خواری
خارش دے دو قسم پہچان	ہک خشک دوجی تر جان
جس نوں ٹنگی خارش ہووے	ناخن مار بدن نوں کھووے
خشک خارش اس کہن عوام	حک کہن حکیم تمام
جے ہر جادے گندہ خون	خارش پیدا کرے زبون
چمڑے دج چمڑے فٹور	پنیاں پٹے ہون ظہور
سبب جے ہووے مادہ شور	خارش کرے نہایت زور
نکلتے پانی زرد یا ریم	آنکھن اس نوں جرب حکیم

خارش جیکر ہووے تر جیکر کھرک پُرانی ہو پہلاں نصہ جلاب کرا پھنسیاں ہون جے بہت نہایت کراں بیان عجیب دوا پاپڑا مونڈی ہرڑ سیاہ برگ جتاتے نم دے پت ماکھوں دو تولے دھج ڈال ہر ہنٹہ ہک کرو جلاب مردا سنگ کتھ برگ حنا وہہ کے لایتیل کوڑے نال نوشادر سہاگہ آملہ سار ترے ترے ماشے چارے گھت دہی سرکے دے دھج ملا کر کچھ مدت استعمال	نصہ جلابوں ذرہ نہ ڈر چڑے دے دھج رہے کھلو مادہ موذی دُور کرا کرے کھرک دی سخت شکایت پھنسی خارش رہے نہ کا چراٹہ انبرول ہمراہ ترے ترے ماشے دارو ست نقوع کر کے استعمال جاوے خارش دُکھ شباب چھل ہریڑ کیس ملا سرکے دھج تھوڑا جیہا ڈال قلبی شورہ دارو چار نیلا تھوٹھا رقی ست بدن اُتے ماش کرا نہاوے گرم پانی دینال
--	--

نسخہ خارش خشک

جیکر خارش خشک ریاحی بھوشیاں پھنسیاں ہون سخت سوڈاگہ باپچی آملہ سار برابر مردا سنگ کتھ گھت	چڑے دیوچ کرے تباہی خارش بہت کرن بد بخت دو دو تولے دا مقدار نیلا تھوٹھا ماشے ست
---	---

دو تولے دج ڈال کیس	کر کے سب اکٹھے پیس
دہی سر کے دیوچ ملا	تھوڑا بیہا ماش کردا
گرم پانی دے مال نہوا	گل روغن سرکہ نت ملا

نسخہ خارش کہنہ

سودا تھیں جیکر خارش پیدا	ہووے چمڑے مویج ہویدا
سخت ہو جاوے چم سیاہ	کرے بدن دا رنگ تباہ
یا مادہ سودا احتراقی	ہووے دج بدن دے عانی
سوزش سرکن رہے مدام	خارش لین نہ دے آرام
ماء الجبین کر استعمال	ملین ہر ہفتہ رکھ نا
جیکر چالی روز کما دے	مڑ کے خارش نظر نہ آدے
گلی روغن سرکہ نت ملا	گرم پانی دینا نہوا
مغز تخم کدو تل سیاہ	دودھ دج گھوٹ ہلن ملو
مکھن مصری نت چٹا	خشکی جسموں دور کرا
ظاہر باطن کر مرطوب	تاں حاصل ہونے مطاوب

نسخہ خارش دموی

جیکر خارش دموی ہو	رہے جسم دے دج کھلو
آدل اس دا قصد کرا	پچھوں دادو شروع کرا
پپڑا افسنتین سنا	بک ہک تولے وزن تولو
پار تولے چھل ہرٹاں ڈال	دیکھی دے دج گھت اوبال

نل کے پُن کے صاف کرا چکی طرح پکاؤ توام جے کر باقی رہے تصور	دیہہ تو لے دج ماکھوں پار پیوے صبح تے شام پھیرنا اس طور ضرور
--	---

نسخہ خارش اطفال

جیکر لڑکا بال نادان نم دے پتر خوب گھوٹا گھیو گوکا کو شامل نال جد ساما پانی جل جاوے دیہہ لڑکے نوں پسی نال اوہو گھیو پھنسیاں تے لا	پھنسیاں خارش کرن حیران گھول پانی دج صاف کرا پکاؤ کر اہی دیوچ ڈال گھیو تنہا باقی رہ جاوے پھنسیاں دنج ہودن فی الحال دیوے اس نوں ترت شفا
---	--

نسخہ خارش گرم

قلعی شورہ گندھک یا دُنڈے کونڈے دج گھوٹا ہندی دے پتر خوب گھوٹا	ہندی دے پتر نال ملا گل روغن سرکہ گھت ملا تیل کوڑے دج گھت ملا
---	--

نسخہ خارش سرد

جیکر خارش خاص ریاحی سودی وقت جے ہودے پیدا دیی لے اجوین منگا	چڑھے دیوچ کرے تباہی مرد خارش اس سمجھیں ویدا تیل مٹھے دج گھت مٹا
---	---

کر کے صاف بوتل دج گھت اجوین پانی دے دج گھوٹا دوترے گھنٹے کر کے جال گندھک تے اجوین گھوٹا جد دو گھنٹے گزرن آ	مانش کرد دھاڑے ست جسم اُتے مانش کردا نہادے گرم پانی دینال تیل مٹھے دج گھت ملا گرم پانی دینال نہوا
--	---

بیان چھپاکی یعنی شری

شری مرض ایہ ہے بد بخت چھپاکی دج ہندی اس نام ایمانک پیدا ہووے آن مرگن تلخی دل گھبراوے پھرے بدن دیوچ بخار بند بدن ہو جان مسام یا کوئی گرم غذا دوا اوس سبب چھپاکی پیدا سرکہ گل روغن ملوا جد اُس نوں آجاوے عرق جیکر مرض ایہ کرے بگاڑ جیکر ہووے خون زیادہ پاپڑا نم ہندی دے پت عناں ہرمیٹاں مندل بوڑ	آن ظہور ہووے یکلفت خارش دھپڑ بدن تمام اوکھا بہت ہووے انسان بعضیاں نول معدیوں تے آوے کھن کھرک ہووے بیار نکمن دھپڑ جسم تمام کھاوے پوے مخالف جا ہوون دھپڑ آن ہویدا دیہہ دھونی اجوین دھوکھا ہووے بہت شتابی فرق بہت دیر تک رہے آزار فصد نال کر خارج مادہ انہرول سونڈی دج گھت اس دینال ملاؤ ضرور
---	---

<p>تڑے ترے ماشے سب دوا بحر مل کر کپڑ پھان کر کچھ مدت استعمال برسم دندئی دراجوٹی گھوٹ اطریفل دیہہ اسی نون کشنیر جے غالب ہووے صفرا دو ترے چار دیکے تلین جیکر مادہ خاص ریاحی تخم کرنس اجوین گھوٹا تر پھلہ گٹ ماکھوں چوگھت</p>	<p>رات پانی دھج رکھ پوسا دو تولے شہد ملاؤ آن ہووے دفع شوکی بد حال نیل کنٹھی دیہہ رہے نہ کھوٹ اس دے جیہی نہیں کوئی چیز آلو انیلی شروع کرا خالص کرد مواد لعین چمڑے دیوچ کرے تنباہی تیل مٹھا گھت بدن ملا چٹے نت ہارے صحت</p>
---	--

بیان درم طاعونی

<p>مشکل مرض ہیک درم طاعون جدوں خدا داد آوے تہر پھیل جادے دھج ملک جہان درم ران یا بخلا لوچ اچانک درم کرے آتنگ سرمن بہت کرے گھبرا بعضیاں نون ہووے سرسام ایہہ موذی بد مرض طاعون کرے ملک دا حال تنباہ</p>	<p>کل درماں تھیں بد ملعون پیدا کرے طاعونی زہر زائل کرے بہت انسان یا گردن دھج دیوے کھج جیونکر سب چلا دن ڈنگ دیوے ہوش حواس بھلا کن بے ہووے بات کلام بہت نہایت سخت زبون ہووے آدم بہت قنہ</p>
---	---

ہے طاعون بلا آسمانی
 جہدوں زیادہ کرے فساد
 موزی مرض ایسہ سخت بلا
 شامل ہووے تاپ و بائی
 ایہ بد بخت بیماری چھوٹ
 ایس مرض دی مارے بو
 ایس دکھ نوں ویکھ سیانے
 اس آفت تھیں رب رحمان
 جیکر ہووے ردی مادہ
 زہر جسم وچ جادے دھا
 جیکر مادہ سالم ہو
 جد تک اس نوں خیر ہو جائے
 رنگ ورم جے زرد سیاہ
 جیکر سرخ سفیدی رنگ
 دو چار دے کے تیلیں
 پنڈے تے مالش کروا
 ورم اُتے پلٹس بخوا
 ایہ بھی ہے ضما د آزمودہ
 تقویت دل دماغ پہنچا
 ورم موزی تے پچھ لگا
 مار ڈنگھی پچھ خوب نکال

نازل قہر خدا نشانی
 آدم بہت ہووے برباد
 ہووے موسم دھج و با
 دیوے مشکل نال ربانی
 جائے لگ جیویں جن بھوت
 نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو
 اُٹھ اُٹھ نسن پھٹ کھکانے
 بخشنے رحمت نال امان
 ہوندی جائے مرض زیادہ
 ہرگز پیش نہ جائے کا
 ورم دیہ تک رہے کھلو
 شانی رب تھیں صحت پاوے
 کرے روگی دا حال تباہ
 دارد اس دا گرد ننگ
 خاسج کرو مواد لعین
 مکھن تازہ گوکا یا
 پانی آٹا گھیو ملا
 ہوئے بہت بیمار آسودہ
 شربت مندل بہت پلا
 مادہ زہری دفع کرا
 دھوویں گرم پانی دے نال

دھنیاں صندل بور گھوٹا
 اگر د ورم دے کرد ضماد
 تازہ گوکا مکھن لیا
 گوکا مکھن بہت کھوا
 بنفشہ شربت نیلوفر
 بید مشک تے عرق گلاب
 رب سیب تے رب انار
 صندل مشک کافور گھسا
 جیکر کھنگ نہ ہووے نال
 شربت لیموں ترش انار
 آلو انہلی دیہہ ننگ
 زرشک انار دانہ وچ ڈال
 سکنجبین اس بہت پلا
 ظاہر باطن کر ترہ طیب
 بنفشہ روغن نیلوفر
 روغن مغز کدو بادام
 سکنجبین دی تے کردا
 بے کر نال ہووے سرسام
 دو ترے چار ملیں کر
 گا ہے تے گا ہے اسہال
 جیکر ہے ورم اوہ سرد

آٹا وچ جوال دا پا
 ہووے سرکن دور فساد
 اگر د ورم ہر وقت لگا
 مصری تھوڑی جیہی طلا
 روح کیوڑہ وچ شامل کر
 پیوے ڈال تازہ وچ آب
 ڈال پانی دیہہ رت نہار
 سینہ اُتے کرو طلا
 ترش چیزاں کر استعمال
 سرد بندری دیہہ نہار
 جیکر ذرہ نہ ہووے کھنگ
 مصری گھت کر استعمال
 تازہ پانی سرد طلا
 شامل رکھ تبرید طیب
 گوکا مکھن شامل کر
 مالش کرو صبح تے شام
 نہیں کوئی اس دے جیہا دوا
 کسے بے ہودہ بات کلام
 تے دیون تھیں ذرہ نہ ڈر
 دیون جسموں زہر نکال
 رنگ سفید نہ ہووے زرد

ہرگز
 چونہ
 چہم
 لا ایہ
 جد
 بہت
 دیہہ
 جلدی

دلغہ
 ڈیرہ
 ہندی
 برص
 پھرے
 غیر طبعی
 پھرے
 دلغہ
 نوزاد
 دلغہ
 مائتہ

<p> ہرگز تاپ نہ ہووے نال چونہ سبھی حب جیپال پیہہ ماکھوں نے نال جلا لایس نوں تے دفع یا چار جد مواد ہو جائے جاری بہت زور جے ہووے خون دیوے زور کرے نقصان جلدی اس دا قصہ کرا </p>	<p> کہ مقروح دوا دے نال صابن نیلا تھوٹھا ڈال پچھ کے دم اُتے جھب نا دیوے منہ ورم دا پاڑ ہووے دور بیماری ساری ہووے گندہ بہت زبون اوتھے جائز قصد پچھان حکیم قدیم گئے ذرا </p>
--	---

بیان برص

<p> وراغ سفید بدن تے پین ڈبے ہو جاوے انسان ہندی وچ پھلہری نام برص بیماری سخت بلا چمڑے دے وچ گرے مواد غیر طبعی خلطائیں پیدا جھڑے ہوون داغ سفید داغ سفید جو سُرخ رنگ نوشادر سہاگرہ کمر باریک وراغ برص تے کرو طلا ماشد نہت نوشادر کھائے </p>	<p> برص آزار حکیم اس کس صورت وچ پورے نقصان آکھن اس نوں لوک تمام صورت شکل دیوے بدلا بہت مدت تک کرے فساد ہوون چمڑے وچ ہویدا ہون علاجون عاتی دید وارو اس دا کرو سنگ دانگ غبار ہو جائے ٹھیک گل روغن سرکے نال رلا برص مرض نوں فیض پہنچائے </p>
---	---

<p>ہور طلا ہک کراں تحریر کلونجی باپکی بیج پنوار دیہن سرکے دے دج بلا حرم پانی دے نال دھوا کھا دے دی جڑ گھوٹ جے پیوے کوڑیاں چیزاں دا جے عرق</p>	<p>مغرب دانگ طلسم اکسیر نوشادر وزن برابر چار داغ برص تے کرد طلا پچھوں گل روغن ملوا بہت شتابی پتنگا تھیوے پیوے ہوس شتابی فرق</p>
--	--

نسخہ برص خوراک

<p>پا ہک ہدی چواں منگا پتہ گھیو کر کے بریان سیر پکا اس وجہ گھیو گھت لٹو ہنہ چھٹانکی تول کشتہ سم الفار اکسیر کچھ مدت کر استعمال گر کے کھن نال لنگھا دے ایسے طور دوا کما دے جیکر ہو دے برص سیاہ ہڑتال درقہ لے دج ڈال</p>	<p>گٹ بہت باریک چھنا ہک ہک سیر پکالے آن گا ہڑی خوب پکاویں پت کھا ہک رت دوا اتول تجربہ سائیں بخش فقیر نصف چادل دا قدر مہمال ہفتہ چھوڑے ہفتہ کھا دے برص مرض مٹ فطر نہ آوے پھٹکڑی آملہ سارا یا سرک گھت کر استعمال</p>
---	---

بیان مرض بہق

پیدا ہون چھب سفید	بہق برص آکھن اس وید
-------------------	---------------------

سخت کثیف ہو جان مسام
 بہت مدت تک ہے بیماری
 ہوں جدوں مسام کثیف
 جد آ جاوے موسم گرم
 ہووے پوست بدن لطیف
 مخفی نسخہ کراں ظہور
 نوشادر سہاگہ باہجی لے
 دہی ہر کے دے وچ ملا
 دو ترے گھنٹے کر کے جال
 کچھ مدت کر استعمال
 میں اس نسخے دی تریواری
 نہیں اس دے وچ ذرا خطا
 کراں بیان یک ہو دوا
 گندھک گھیو گھوٹ ملا
 شامل کریں جے مغز اخروٹ
 جے ہو جاوے چھنب پڑنے
 بہت مدت ہو جائے طول
 نسخہ یاد آیا آنانشی
 سرسوں بیج مولی دے یا
 نوشادر سہاگہ نال ملا
 انٹھی کر کے سب دوا

چمکال مارے بدن تمام
 پاوے چمڑے دھج خواری
 ایہہ آزار دیوے تکلیف
 مسام بدن ہو جاوے نرم
 ہو جاوے ایہہ دیکھ خفیف
 ہووے چھنب بدن دے دور
 پیہہ باریک دوا ترے
 بدن اُتے مالش کرو
 نہاٹے گرم پانی دے نال
 ہووے دفع ہنق دے خال
 کیتی آپ تجربہ کاری
 کیتی شانی رب شفا
 مجرب اس نوں لے آنا
 گرم پانی دے نال نہوا
 رہے نہ ذرہ تھماں دا گھوٹ
 چمڑے دے وچ کرن ٹھکانے
 اوکھا ہووے بہت رنجول
 آزمودہ راست دیہی شناسی
 پنج پنج تو لے وزن ٹولا
 باہجی دو دو تو لے یا
 دندے کوندے دھج گھوٹا

دہی سر کے دے وچ ملا دو ترے ساعت کر کے دیر بے نوشادر جے کر پیس نہاے گرم پانی دے نال	بدن اُتے مالش کردا گرم پانی وچ نہا دے پھیر گل روغن وچ روز اکیس رہے نہ کوئی رتھم داخال
---	--

بیان عرق مدنی یعنی ناروا

عرق مدنی درم دا قسم شہر مدینہ وچ آزار ایس سبب عرق مدنی نام یک درم جد ہودے زیادہ رنگ درم دا جیکر لال جے کر درم کرے اکڑا مواد درم دا جیکر خام مہتر سہاگہ صابن لے کٹھ گودا وچ میل کنوار مادہ درم جیکر احتراقی رنگ درم دا ہودے زرد گودا اس تے بنھ کنوار ادھا زبٹو چیر بنھا السی آٹھا کنک ملا پلٹس کر پھی وچ پکا	ناروا اس دا ہندی اسم بہت آدم نوں کرے خوار کن حکیم طبیب تمام رگ دے وانگوں نکلے مادہ نال جوکاں دے خون نکال لا گل روغن موم ملا پلٹس لا پکا تمام کٹ ملا دوا ترے نت بنھ ناروا دیوے پاڑ ہودے وچ بدن دے عاق مارے ضرب تراٹاں درد دیوے منہ درم دا پاڑ طوطیا سبز اوپر چھڑکا پانی گھت کنوار گھوٹا ناروے اوپر رتھ بنھا
---	--

نے کے خالص مٹھاتیل
 مرہم گھوٹا مار بنا
 لٹ پیٹ دا پیٹہ بنھوا
 برگ اک دا بڑا مفید
 سہاگہ پیٹ کبوترہ یا
 ناروا آتے نت لگا
 مصترہک ماشہ نت کھائے
 جیکر وچ بدن امتلا
 پک ورم جد ہووے تیار
 پیٹ سکے تے باہر نکال
 نکلے رشتہ جدوں تمام
 جے باقی ہووے کچھ مادہ
 اوپر اس دے مرہم لا
 مرد اسنگ سندھو کتھ رال
 پک پک تول سب دوا
 مرہم ٹماکی نال لگا
 تنقیہ کرنا اس وچ فرض

کر کے گرم صابن وچ میل
 ناروا آتے نت لگا
 دیوے ناروا ترے ونجا
 نت بنھاس نوں نال تاکید
 گو ترے وچ گھت پکا
 دیوے ناروا جلد ونجا
 ناروا نکل باہر سب آئے
 دو ترے چار جلاب کرا
 نکلے رشتہ باہر وار
 ٹک جادون دا رکھ خیال
 آدے اسے وقت آرام
 زخم ہو جائے بہت کشادہ
 دیوے جھبڈے زخم چھڑا
 بنا مرہم موم گہو ڈال
 گھیو پھٹاکی نال ملا
 دن وچ دو ترے وار لگا
 مڑ کے عود کرے نہ مرض

بیان چند راناخن

چندرا آکھن لوگ عوام
 پاوے انگل وچ فتور

داخ وچ یونانی نام
 جڑھ ناخن وچ کرے ظہور

کردا
 پھیر
 کیس
 قال

اسم
 خوار
 تمام
 مادہ
 کال
 ملا
 نام

پاڑ
 غاتی
 درد
 پاڑ
 کا
 موٹا
 بنھنا

سخت نہایت کرڑہ ورم
 مارے ضرباں زرد تراٹ
 نال زور چڑھ جائے تاپ
 اول فصد جلاب کرا
 طبع موافق کر د علاج
 سرکہ ایسیغول ملا
 چھان کنک دانت بنھا
 جے کر درد کرے اس زور
 انیم گھسا انگل تے لا
 کرڑہ خشک جے ہوئے ورم
 کر کے گرم مٹھا کچھ تیل
 تال اوہ مادہ موزی ورم
 ورم اُتے میٹھس بنھوا
 اسی آٹا نمک ملا
 مادہ موزی جیڑا خام
 جدا وہ ورم ریم کر آئے
 چیر و جلدی نشتر نال
 مغز بادام مغز نار جیل
 ڈنڈے کوڑے وچ گھوٹا
 جیکر ورم نہایت سخت
 جاوے بہت پُرانا ہو

اکثر مادہ ہووے گرم
 سڑکن وانگ اگ دی لاک
 روگی بہت کرے ورلاپ
 ورم موزی تے جوکاں لا
 دیہو معتدل حسب مزاج
 ورم اُتے جھب لپ کرا
 پانی پوست وچ رکھا
 دیوے مادہ کھچ مروڑ
 اُتے نگدہ بھنگ بنھا
 روغن نال ملاویں نرم
 رکھ انگل اس دے وچ میل
 حل ہو جائے ہوئیے نرم
 کچا سب مواد پکا
 پانی گھیو گھت کے پکوا
 جائے جھبے پک تمام
 پھل سفید رنگ ہو جائے
 گندہ سب مواد نکال
 چوٹارہ نال منقہ نال
 پڑے انگل تے بنھوا
 ہووے کرڑہ بہت کرخت
 رہے ناخن دے وچ کھلو

<p>کراں بیان دوا یک ہو نوشادر صابن کنگن کھار تھوڑا جیہا نمک ملا بٹھ دیہاڑے ترے یا چار کر کچھ مدت استعمال جیکر ورم اوہ ہووے سرد بینگن کر کے گرم بنھا</p>	<p>جادے مرض ناخن نوں چھوڑ نیلا تھوٹھا مغز کنوار ورم ناخن تے نت بنھا دیوے سخت ورم نوں پھاڑ دیوے کل جڑھ سب نکال تھوڑا تھوڑا ہووے درد بٹھ پیاز کٹ نمک ملا</p>
---	--

بیان مرض بال خورہ

<p>بال چر ہندی دج زبان یا داہڑی دے خارش نال بال اکھڑے دے کے زور دیوے صحت شافی رب رائی وزن برابر چار داع الثعلب رہے نہ کا اس مقام قرعہ بن جائے دیوے جھدے زخم چھڑا گندھک سنگجراحت میل نت زخم تے کرو ملا اکھڑے ہوئے بال اگائے لاوے بال اگن مڑ پھیر</p>	<p>داع الثعلب کمین یونان اکھڑ جاون سرے دال مواد احتراقی فاسد شور نسخہ کہاں یک بہت عجیب نوشادر بالوں آد سار پیہہ کے سرے دج لگا جتنے ایہ دوا لگا دے مڑ اس نوں ایہ مرہم لا بھس کتھ ہندی مٹھاتیل موم تھوڑا جیہا دج ملا گھوٹ جے کوئی تھوم لگا دے سرک مکھیاں دی ہاگیر</p>
--	--

نوشادر گو کے دھج ساڑ	لا نت ذره نہ رہے آزار
نوشادر پیہ کے نت لگا	گل روغن سر کے نال ملا
کر کچھ مدت استعمال	دھویں گرم پانی سے نال
مُرغی سے بیضے دا تیل	نت لگا نشادر میل
سم خر بکری دا سڑوا	پیہ سر کے دھج نت لگا
گل روغن کچھ نال ملا	بال خورہ تے نت لگا
نوشادر گو کے مکھن نال	پیہ کے نت کر استعمال

نسخہ مجربہ بال خورہ

نسخہ یک صدی آزمائشی	آکھیا راست دین شناسی
میرے ایس بیماری نال	آکھڑ گئے ابرو سے وال
اس نسخے یقین تحت پائی	دقی شافی رب ربائی
ذرات نوشادر تے ہڑتال	لایا پیہ کے سر کے نال
ایسا دوا کیتا مقروح	گھیو لگانا کیتا شروع
اُگے سب ابرو سے وال	سارے حکم خدا سے نال

نسخہ وال چمر

ساڑ لوہی بکری سے وال	زفیوں کندش ہڑتال
وزن برابر چار دوا	پیہ کے سر کے نال لگا

ایہ بھی ہے نسخہ لاثانی
لکھیا اندر طب یونانی

سرد
گرم
قیوم
گرم
ایسے
نوش
گرم پا

آکھن
پیدا
جے چہر
سڑیا
چمڑے
مجبرب

نوشادر
گل روغن
اروانہ
دہی سر

بیان شقوق الاطراف ہندی جہانجن

سرد موسم دج ہے ہتھ پیر گرم موسم دج رہن درست قیرو ملی اس تے رنت لگا گرم پانی دج پیر دھوا ایسے طور کر استعمال نوشادر تیل مٹھے دج میں گرم پانی سے نال دھوا	پھٹ جاوے ہے عادت ٹھہر پاٹ سیال جاوے یکمشت محل روغن چربی موسم بلا نمک صابن اس دج جوشا سرد پانی بھین رکھ سہماں رنت لگا دھاڑے پیس سرد پانی دے راہ نہ جا
---	--

بیان کلف

آکھن کلف حکیم یونان پیدا ہودن داغ سیاہ جے پھرے دج ہون ٹھو سڑیا ہو یا سودا احتراقی چمڑے دج ٹھکانہ مل مغرب کراں بیان دوا نوشادر سو لگا پھٹکڑی لیا گل روغن سرکے دج بلا اروانہ دا آٹا کوڑا تیل دہی سرکے دے دج ملا	چھائیاں ہندی دج زیبانی کرن بدن دا حال تباہ اڈ جاوے چہرے دا نہ ہو جاوے چمڑے دج عاتی نیٹھے مول نہ ہووے حل ہودن چھائیاں اڈ ہوا پیس باریک توے دوا چھائیاں اُتے کرو طلا نوشادر پیہ اس دیوے میل چھائیاں اُتے کرو طلا
--	---

باد الجبن والی ترتیب
 ہر ہفتے دج ہک جلاب
 نوشادر سوہاگ خوب گھوٹا
 صابن تھوڑا جیہا لگا
 تخم مولی تے دانے رائی
 جیکر تیزی کرے دوا
 دھوئی کے گرم پانی دے نال
 جلدی نال اتار دوا
 سبب دوا جے زخم ہو جاوے
 مردا سنگ سفیدہ لیا
 روغن گل پنج تولے گھت
 تولے کے موم سفید
 رال تولہ ہک پیس ملا
 کوڑے مغز بادام لیا
 نمک پانی مولی دج پیس

ہک چلیہ کرد طیب
 طبع موافق کرو شتاب
 گل روغن سرکہ ڈال بلا
 گرم پانی دے نال دھوا
 لا سرخے دج ہے نہ چھائی
 گرم پانی دے نال دھوا
 گل روغن لا شتابی نال
 مت اس دیوے زخم بنا
 اس مرہم دے نال چھڑا دے
 دو دو تولے وزن تولہ
 کافور بلا ورج ماشے ست
 نال تیل دے میلو وید
 مرہم بنت زخم تے لا
 گھوٹ سرکہ دج لپ کرا
 نت لگا دھاڑے پیس

بیان حرق النار

سرے جیکوئی آتش نال
 لے کے کپڑا بہت باریک
 نال پانی دے سرد کرا
 سفیدی بیضہ مشک کافور

شرکن بہت کرے بد حال
 دھوئی کے میل نکالو ٹھیک
 بدن اُتے دم دم رکھوا
 سرے بدن تے لا ضرور

جمل
 گوکا
 گل
 پیسہ
 جیکر
 دھنیار
 سفیدی
 ہے سر

مرہم
 گل روغن
 ہونہ قلعہ
 پتھر سنگ
 پانی
 دوا
 تازے
 پھیرا
 لاری

پانی دھنیاں نال لگا سڑے بدن تے ترے لگا رال کافور ملاؤ دھند بنا مرہم کر استعمال کریں درد دی بہت شکایت رسونت کافور افیم ملا کرو درد تے استعمال سرکن لین نہ دے آرام	گل ارمنی کافور ملا گوکا دہی دودھ دوج ملا گل ارمنی تے کتھ سفید پہیہ کے گھیو گوکے دوج ڈال جیکر سرکن سخت نہایت دھنیاں دا پانی کڑھوا سفیدی بیضہ دے دوج ڈال بے سڑ جادے بدن تمام
---	---

نسخہ مرہم سفیدہ

زخم آگ تے رت لگا موم تولے دو نال ملا پوٹلی بنھ پانی دوج نال دھوا رہے نہ اس دوج ذرا قصور نتار تیزی اس دور کرا دفع کرد تیزی فی الحال ست دفعہ دھویں اس وت گل روغن دے دوج ملا ہک ہک تولے میل ضرور	مرہم سفیدہ آج بنا گل روغن تولے آٹھ لیا چونہ قلعی چھٹا لکی تولے پتھر کنکر کر سب دور چونہ پانی دے دوج پا ملا دوج پانی دوج ڈال ملا تازے پانی دوج گھت ملا پھیر اس نوں خشک کرا گل ارمنی تے مشک کافور
---	---

مرہم سفیدہ اس دا تمام
میلے آگ دے زخم تمام

<p>سڑے جے کوئی پانی نال لے کے جو توے پر ساڑ جو ساڑ کے خوب گھوٹا مشک کافر گل ارمنی میل سپیدی بیضہ مشک کافر تھوڑی جیہی افیم ملا سرکن درد جے کرے خراب یا تھوڑی جیہی دیہہ افیم</p>	<p>یا گھیو نال ہووے بد حال جتنا قدر ہودن دیکار سواہ ہندی دھنیاں نال ملا لانت گل روغن وچ ٹھیل گل روغن وچ میل ضرور سخت درد تے کرد ملا بک درد گھٹ پلاؤ شراب آدے اس نل نیند حکیم</p>
---	---

بیان ضربہ و سقطہ

<p>لگے سٹ جے نال قضا سٹ تے پانی سرد وگا گل ارمنی پھل انار منگا سر کے دے وچ خوب گھوٹا پھل گلاب تے پھل انار ہر کے دے وچ خوب پکا جے تھوڑا جیہا میل شراب میدہ لکڑی بلد گھوٹا پانی دے وچ گھوٹ لگا میدہ سک ہلدی اختار گھوٹ اسی میتھی تل سیاہ</p>	<p>پوے پم گوشت وچ گھا پچھوں دارو گھوٹ لگا آٹا ماہاں دا نال ملا سخت سٹ تے کرد ملا گل ارمنی مسر کنڈر گلنار سردی سٹ تے لپ کر لاویں جلد آدے اس خواب آٹا چھولیاں دا وچ پنا سٹ نون نامدہ بہت پہنچا گھوٹ پانی وچ لاترے وار پانی گھٹ پلٹس پکوا</p>
--	--

تیل
 سب
 پینکا
 زخم
 ماس
 زخم
 جیکر
 میدہ
 پکا
 پٹ
 زخم
 جد نال

کے
 کٹی
 خون
 دیر
 سرد
 سر
 سنگ

<p>تیل مٹھا اس روچ ملا سبب سٹ دی جیکر ورم پیلک دھنیاں خوب گھونا زخم سٹ روچ پوسے ریم ماسکوزہ ماکھوں مع گھت زخم ریم تھیں صاف ہو جائے جیکر سٹ دا ورم کرخت میدہ لکڑی ہلدی لیا پکا پلش گھت مٹھا تیل پٹہ گرما میل بنھا زخم یا سٹ قدم مع ہو جدناڑاں روچ پانی جاے</p>	<p>پٹہ اس دا نت بنھوا درد کرے تے ہووے گرم ورم گرم تے لپ کر ایہہ دوا لگا حکیم مرہم وانگ لگا دینہ سٹ ساڑ گھیولا زخم چھڑا دے ہووے بہت پڑا نا سخت سجی میدہ کنک ملا پانی روچ تھوڑا جھا میل دو ہفتے رب کرے شفا پانی مول تہہ نیڑے ڈھو روچ پیردے ورم ہو جائے</p>
--	---

بیان جراحات یعنی زخم

<p>کے سبب جے لگے سٹ کٹی جاوے یا کوئی ناڑی خون زخم دا بند کرا دیر کرن مع بہت خطر سرد پانی دی کرد مکور سرکہ عرق گلاب لیا سنگ جراحات پیہہ کے دھوڑ</p>	<p>یا کوئی ضرب ہو جائے پھٹ ہووے خون زخم تھیں جاری بہت ششابی دیر نہ لا خون دگے مت جاوے مر اس دے جیہا علاج نہ ہو سرد پانی گھت خوب دھوا اُتے پٹی بٹھ ضرور</p>
--	--

پورانی بے دریائی ساڑ
 سواہ بانس دی فائدہ مند
 مائیں کتھ ماجو بریان
 چارے میں زخم تے سٹ
 کھڑیا مٹی نال سریش
 پیٹی بند رکھ ست دھاڑے
 دگدا خون جے بند نہ ہو
 سہاگہ پھٹکڑی کر بریان
 پھل انار تے سرمہ سیاہ
 وزن برابر سب دوا
 کہ باریک زخم تے دھوڑ
 پاوے رگ نول خوب کند
 اُتے رول رکھ گھٹ بنھا
 خون جدوں بند ہو جائے
 بنا مرہم ایہہ پھٹ تے لاوے
 ادھ پاگل روغن منگوا
 کر کے صاف کپڑے دچتیل
 مال مرہم سنگ کتھ سندھو
 ہک ہک تولہ قدر دوا
 اس مرہم نول بت لگاوے
 نال سفید ٹاکی دے لا

دھج زخم تے بھر ہک وار
 کرے خون زخم دا بند
 سپاری ساڑ ملاؤ آن
 دیوے میل زخم دا پھٹ
 خوب ملا بند اُتے ریش
 زخم پھٹ بل جادوں ساے
 نال سرد پانی دے دھو
 نال کیس ملاؤ آن
 سپال ماجو کر کے ہمراہ
 جدا جدا سب کھرل کرا
 اک دا زخم ہووے جھبڈوڑ
 فوراً جان ہو جائے بند
 مڑکے خون نہ نظری آ
 زخم پھٹ باقی رہ جائے
 بہت شتابی زخم چھوڑاے
 مٹھ ہک پت نیم گھوٹ ٹرا
 پیہہ کے ایہہ دوا سب میل
 سنگ جراحت موم کافور
 پیہہ کل روغن دھج ملا
 بہت شتابی زخم چھڑاے
 دن دھج دوتھے وار لگا

<p>جیکر زخم قدم وچ ہو جد نائراں وچ پانی جاوے گھیو دے وچ پیاز سٹرا زخم پیر نوں گھیو اکیر رُوں گھیو نال آلودہ کر دن وچ دو تہے وار لگا پانی والی کوئی دوا مت کر جاوے زخم بگاڑ پانی والی کوئی چیز</p>	<p>پانی ذرا نہ پیرے ڈھو وچ پیرے دم ہو جاوے زخم پیرتے نت لگا وچ آزمائش ایس فقیر زخم پیر اُتے نت دھر دیوے جلدی زخم چھوڑا زخم پیرتے کدی نہ لا بہت دیر تک کرے خوار استعمال نہ کریں عزیز</p>
---	---

بیان قروحات

<p>جدوں زخم وچ ہووے ریم پیپ رہے استھیں نت جاری دارو اس دا کرو شتاب ماء العسل نوں گرم کرا یا سرکہ کچھ میل خراب مٹ پانی کچھ گرم کرا گل روغن وچ کر کے تہ پہلاں اس نوں خوب دھوا گوشت خورہ بول سنگا صابن صبر کنڈر رنگار</p>	<p>اسکھن اس نوں قرح حکیم پاوے گوشت وچ خواری مت گوشت سب کرے خراب زخم قرح دا صاف دھوا صاف کرو دیو قرح شتاب کرو قرح نوں صاف دھوا پنبہ رُوں زخم وچ دھر ایہ مرہم اس نوں نت لا خون سیاہ و شالے وچ پا ہر ہک چھ ماشے مقدار</p>
--	--

<p>توتیا بھس کتھ زاج افیم ڈیڑھ چھٹانک مٹھالے تیل موم گھوڑا جیہا نال بلا جیکر قرحہ رطوبت دار یا سرے دھج دانگوں گنج اس مرہم نون کر کے تیار کر کے قرحہ نون جلدی خشک مہندی مر داسنگ کتھ رال سفیدہ پھٹکڑی پھل کرا ماجو مائیں ڈال کیس ڈیڑھ چھٹانک مٹھالے تیل موم کافور گھوڑا جیہا پاء ایہہ مرہم جیکر نت لاسے قحہ موہری دالا جے جاوے سرخ رنگ بے ہووے گھا دو ترے دفعہ کر ایہہ کار</p>	<p>ہک ہک ماشہ وزن حکیم پیہہ سب دارو اس دھج میل مرہم دانگ قرحہ تے لا ہووے کرے نہایت خوار بہت مدت تک دیوے رنج ہک دن دھج لا دو ترے دار رہے رطوبت دانہ مشک چھل انار سفیدہ ڈال ساڑ سہاگ نال ملا ہروزہ ترے ماشے کٹ پیس پیہہ دوا سب اس دھج میل مرہم گھوڑ مار بنا قرحہ گنج سب دفع ہو جاوے اس نون فائدہ بہت پہنچاوے گرد زخم دے جو کال لا ہووے خونی قرحہ قرار</p>
--	--

مرہم مجربہ زنگاری

<p>جیکر پھوڑہ قرحہ ہو پڑانا ریم رہے نت اس قہیں جاری ہروزہ تو لے چار منگا</p>	<p>رہے بدن دھج نل ٹھکانا لا اس تے مرہم زنگاری توہ پیس زنگار ملا</p>
--	---

<p>بہروزہ ہودے گلا تر نیلا تھوٹھ کر بریان سفیدہ قلعی چھ ماشہ ڈال سوم تول کر گرم ملا ہک دن دھج ہک وار لگا ایہ مرہم کئی دفعہ آزمائی</p>	<p>خشک نہ ہرگز شامل کر ماشے ترے ملاؤ آن ترے ترے ماشہ بھس کتھڑال لا نت ٹاکی نال لگا اٹھویں پہر بچپوں بدلا قرحہ بھوڑا تھیں کرے ربائی</p>
--	---

مرہم قرحہ گنج سر

<p>جست ساڑیا تولے چار نیلا تھوٹھ کر بریان ڈیڑھ چھٹانک گرمی داتیل کر کے مرہم دانگ تیار قرحہ گنج دا ہودے دور</p>	<p>دو تولے گھت آملہ سار ماشے ترے ملاؤ آن پیہہ کے سب دوائیں میل لاویں دن دھج ہک دو بار رہے نہ بالکل ذرہ قصور</p>
--	---

بیان قرحہ دھدری

<p>جیکر قرحہ دھدر دا ہو خارش بہت ہوئے اس دھج نسخہ کراں بیان دہقانی کئی دفعہ اس نوں آزمایا ادھ پا گاچنی مٹی لیا نیلا تھوٹھ کر بریان</p>	<p>بہت دیر تک رہے کھل بہت کرے روگی نوں زچ فائدے دھج عجب لاثانی بے نظیر فائدہ دھج پایا صابن تولے چار ملا ماشے ترے ملاؤ آن</p>
---	---

پچونہ پسی آملہ سار	ہک ہک تولے دا مقدار
نوشادر سہاگ پھل کر ساڑ	ہر ہک ہووے ماشے چار
کر کے مرہم دانگ تیار	لاہک دن وچ دو ترے وار

نسخہ قرعہ ودمل کہنہ

مردا سنگ تے کتھ سفید	پھٹکڑی تول تول وید
نیلا تھوٹھ کر بریان	ماشے ترے ملاؤ آن
میلو چار تولے وچ رال	بھٹا تیل ادھ پا وچ ڈال
مرہم تھوٹھ مار بنا	قرعہ پھوڑے اُتے نت لا

نسخہ قرعہ ودمل کہنہ

ساڑ پسی سہاگ بریان	پھٹکڑی وزن برابر آن
دارو ترے باریک کرا	گھینو گوکے دے وچ ملا
قرعہ پھوڑے تے نت لگا	دیوے پھوڑا قرعہ ونجا

بیان ناسور گھنیر

جیکر قرعہ ناسور گھنیر	ہووے پیدا وچ سریر
جاوے بہت پرانا ہو	فائدہ کرے دوا نہ کو
دکے ہمیش اس تھیں ریم	علاجوں ہوں لاچار حکیم

طلسمی نسخہ دانگ اکیر
تجربہ سائیں بخش فقیر

گھنیر بھگندر قرہ ناسور	ست سالان دا ہونے دُور
سُم گدوں دا تولے چار	گل حکمت کراس نوں ساڑ
دو تولے ساڑ پُرانا چم	کوزے وچ بند کر کے دم
پسی تول ساڑ ملا	رہسپور تول وچ پا
تول مڑی گال دی ساڑ	کوڈیاں زرد سڑاؤ چار
نیلا تھوٹھا کر بریان	ماشے چار ملاؤ آن
ادھ پا مٹھا تیل منگا	سپ دی گنج ہک ڈال سڑا
اُتوں لاء کڑا ہی تیل	پیہہ دوا سب اس وچ میل
تول ساڑ بکری سے دال	ایہ بھی لے اس سے وچ ڈال
چرنی بکرا موم سفید	ہک ہک تول میلو وٹید
گھونہ کر مرہم وانگ بنا	ٹانگی نال قرہ تے لاء
دن وچ ہک دو دفعہ لگاے	قرہ گھنیر ناسور وچاوے
ایس نسخے تھیں بہت بیمار	کیتے شفا خداوند گار
سُم گھوڑے گدوں دا لیا	پتال جنتر نال تیل کڈھا
ناسور اُتے جے لاویں تیل	دیوے زخم پُرانا میل
سوراخ باریک ناسور بھگند	کتنا ڈونگھا ہونے اندر
نال بتی دے تیل لگا	وچ سوراخ ناسور چھوڑا
جے ایہ تیل بڑا اکیر	مارے وچ نشانہ تیر
جس قرہ تھیں گند یا ریم	وگدا رہے ہمیش حکیم
اوہ قرہ بل جاوے جھب	دیوے صحت شافی رب
ہور ہک نوٹکہ بڑا عجیب	حکیم اجمل خاں دا تجربا

بیان قرعہ آشکی

قرعہ سبب ہے باد فرنگ شکر گن مردا سنگ سندھو ہر ہک چھ ماشے مقدار نیلا تھو تھو کر بریان ہک چھٹانک مٹھالے تیل کر کے مرہم وانگ تیار ایہ مرہم مخفی اسرار	بہت کہے روگ نل تنگ کندر کتھ ملاؤ ضرور رسکیور گھت ماشے چار ماشے توے ملاؤ آن موم سفید تولہ دوج میل لاویں دن دوج ہک دوبار ہووے قرعہ فرنگ فرار
--	--

قرعہ گھنیر و ناسور کمنہ

شم گدوں دا تولے چار رسکیور شکر گن سیما ب رال مردا سنگ موم سفید لے دس تولے مٹھا تیل ہک دن دوج ہک بار لگا	گل حکمت کر اس تول ساڑ ہک ہک تولہ میل شتاب برابر وزن داخل کر دید بنا مرہم دارو سب میل اٹھویں پہر پچھوں بدلا
---	--

نسخہ خضاب

تولے چار ہر پڑاں سیاہ نوشادر پھٹکڑی مردا سنگ ہک ہک تولے دا مقدار	چھ تولے سنگرا سخ ہمراہ کسیں سبز دوج میل فنگ کٹ میل ایہ دارو چار
--	---

تو لے اٹھ ماجو لے آن کٹ پیس سب جمع کرا آنولیاں دا وچ ڈالو آب دو ترے ساعت بنھ کھلا	گھيو گو کے وچ کر بریان دو تو لے حاجت وقت لگا داہڑی اُتے کر د خضاب آملہ پانی نال دھوا
--	---

نسخہ خضاب

بُورہ لوہے دا رگڑا ادھ ادھ سیر ترے دوا پت مندی تے ہر ڈاں سیاہ چھل بہیڑہ چھل آثار چو نہ پھنکڑی ڈال کیس بنج سیر دہی اس دیوچ پا بھانڈے مٹی دے وچ ڈال ترے جینے رنت ہلا تیل مٹھا گھت کے ہک سیر جد سارا پانی جل جائے ہک تختیں اوس نوں جلد آثار نال کنگھی دے تیل لگا	آملہ پتر دسمہ پا ماجو تو لے پنج ہلا چھل ہر ڈاں زرد لیا ہر ہک پاؤ پاؤ مقدار ادھ ادھ پا ہلا کٹ پیس سرکہ قند سیر ہلا ترے جینے رکھ سمہال بعد میعادوں صاف کرا کڑا اسی گھت پکاویں پھیر تیل فقط تنہا رہ جاوے ڈال بوتل وچ صاف تیار داہڑی نوں شانہ کر د
--	---

نسخہ خضاب

سنگرا سخی لے تولہ آن	ماجو دو تو لے بریان
----------------------	---------------------

نوش اور چھ ماشے درج پا جدا جدا کٹ چار دوا آملہ دے پانی دے نال پکھوں ایہ خضاب لگا ہک پہر دے بعد کھولا	پھنکڑی ماشے ترے ملا پانی آملہ درج ملا اول دھو داہڑی دے وال اوپر پتے بوہڑ بٹھا پانی آملہ نال دھوا
--	--

بیان زہر خوردہ

جے کوئی زہر سنگیا کھاوے خاص زہر دے چار دوا پہلاں گھیو دودھ جلد پلا سکنجین ہک پا منگا رائی ماشے چار گھوٹا پانی گرم پیالے ترے پکھوں اس جلاب کرا کسٹرائیل لے تو لے ست پنبہ دانہ گھوٹ پلا گھیو دودھ بہت پلا بیباق زہر خوردہ کرے نہ خواب ستو پانی دے درج گھول جے کھاوے مغز اخروٹ جے زہر جگر وچ پھڑے قرار	اس نوں تے نہایت آوے گھیو دودھ تے جلاب کرا پکھوں اس نوں تے کڑا سرکہ نال پھٹانک ملا سکنجین دے نال ملا ترے حقے کر کے پی لے کسٹرائیل دودھ درج ملا گادہ دودھ سیر وچ گھٹ مجرّب کندے نے حکماء کل زہراں دا ہے تریاق مت اس زہر نہ کرے خواب پیوسے دارو ہے امول رہے نہ ذرہ زہر دا کھوٹ جلدی کر اس نوں ادرار
--	---

بیان افیون خورہ

<p>جیکوئی کھادے زہر افیم سُرخ اکھیں سر چڑھے بخار بھادیں کے قسم دی زہر پہلاں ادس پلا گھيو دودھ مڑ اس نون گھيو دودھ پلا کرے جے خشکی بہت افیم مڑ اس نون دیویں تلمین شیر فرقہ گھوٹ پلا ہر چیلے کر خشکی دور ترش نشی بہت ادس پلا کھو نہ تو دا ترش آچار پچوڑ نہ تو پانی جے پیوے سفید سہاگر کر بریان چھ چھ ماشے دا مقدار ادھ پا گھيو دے دج ملا اس تھیں اس نون تے قے</p>	<p>گھوئی ادس نیند حکیم جسم بے حس ہووے یکبار کھادے رہے جسم دج گھر تے کردا جے ہووے بدھ رہے تصور تاتے کردا گھيو دودھ میل پلا دھکیم خارج کرد سب زہر لین شربت ترش انار پلا رہے نہ جتے دج تصور دو ترے دار اس تے کردا کابھی ترش نہ رہے انار بہت شتابی چنگا گھيوے گھيو دج گھت پلا دھ آن دیہ نون اس نون بہتی دار زہر دالے نون جلد پلا زہر جسم دے دج نہ رہے</p>
--	--

نسخہ خمار شراب

کرے خمار اس بہت خراب	پیوے کئی جے بہت شراب
----------------------	----------------------

کھوا زبُو اس تُرش امار گوکا کھن انت کھوا	بسی تُرش نہ رہے آزار نجرے اٹھ مصری دج پا
بیان زہر کزدم	
<p>بچھو جدوں چلا دے ڈنگ سخت ڈنگ دج ہووے پیڑ زور کرے جد زہری مادہ گل روغن سرکہ جلد ملا یا سرکے دا کرو طلا یا موم نوں گرم کرا یا ماکھوں نوں کرکے گرم گھوٹ بھنوں جے پت کپاس تھوڑا جیہا گھیو ملا درد بچھو تے مغز اخروٹ دلیبی کٹ اجوین جوشا ڈنگ تے لا زبُو دا عرق بیخ زبُو دے گھوٹ پلا گھتی مار ڈنگ تے لا پکڑ بچھو گھیو دج سٹرا سجی پانی دج گھوٹا ہک دو داری تے کردا</p>	<p>ہووے بہت طبیعت تنگ اوکھا ہووے بہت سریر ہونڈی جاوے سوچ زیادہ چونہ لسن گھوٹ لگا پیر منٹ اس دج ملا دو ترے قطرے ڈنگ تے لا لا درد ہو جاوے نرم ہووے درد بچھو دا ناس درد بچھو تے لیپ کرا لاو پانی دے دج گھوٹ ڈنگ بچھو دا تر ت دھوا ہووے بہت شتابی فرق خم کر لیا لیپ کرا دیوے فائدہ تر ت دکھا ادھ ڈنگ بچھو تے لا ڈنگ اُتے جھب لیپ کرا دیوے اس نوں رب شفا</p>

بیان مارگزیدہ

<p> جس نوں سپ چلاوے ڈنگ ہوس گھوکی نیند خماری زور کرے جد زہری مادہ کرے ڈنگ درد بسیار سپ جے ڈنگ لگاں وچ لافے مونہہ پھین خون ہوئے جد جاری جے ڈنگ وچ لگے شریان جیکر ڈنگ ملے وچ چم گھٹو دودھ اس نوں جلد پلا جیکر پتے رنم چباوے برگ رنم جے پیوے گھوٹ ڈنگ ایہہ اعظم اکسیر گھول پیوے جے مٹی کھیت پانی زہنہ دا کدھوا ڈنگ سپ دے اپر دھر مغز بنول گھوٹ پلا دو ترے واری قے کردا بکریاں دی میتگنی لے ساڑ پلاہک وار سرہول دا تیل </p>	<p> بدل جائے چہرے دا رنگ جادے بگڑ طبیعت ساری ہوندی جادے زور زیادہ ہووے بہت طبع بیزار جلدی زہر جگر وچ دھائے پوے طبیعت وچ خواری کرے حیاتی دا نقصان اثر زہر دا ہووے کم ترے دن اس نوں قے کردا اثر زہر دا ترے دنجا رہے نہ ذرہ زہر دا گھوٹ تجربہ سائیں بخش فقیر اثر زہر والے سمیٹ پنبہ روں دا تر کردا ہرگز زہر نہ کرے اثر دیوے زہر دا اثر دنجا دیوے زہروں رب رب پیوے پانی گھوٹ نتار تھک تھوڑا جیسا وچ میل </p>
---	--

جد اس نول اس تھیں تے آئے	دوبی داری پھر پلائے
ایہ بھی ہے زہر دا تریاق	اچانک مرگ تھیں کرے بیاق
پھر اس نول کوئی دیہ جلاب	خارج ہووے زہر شتاب
یا اس رمی سنگی لا	زہر باہر دی طرف کھیا
ڈنگ سپ تے پچھ لگا	دودھ اک جیپال گھسا
ڈنگ سپ تے اُتے دھر	ڈنگ پکائیے جاری کر
جدول ڈنگ ہو جائے جاری	نکلے زہر جسم تھیں ساری
گھبٹو ساڑ کے رنت لگا	دیوے جلدی زخم چھوڑا
بچ ست دفعہ دھاڑی دوج	لاؤ تمام زہر لے کھج
گھبٹو گوکا اس بہت پلا	زہر سپ دا خوب ددا

نسخہ فے آدر

من پھل دا ڈوڈہ منگوا	گھوٹ پانی دوج ترت پلا
ادسے وقت اس نول تے آئے	زہر جسم تھیں دفع ہو جائے

نسخہ فے آور

بک ہریشے دی چھل لا	تل پانی دے دوج پلا
فور آتے اس نول آجائے	زہر جسم دی دفع ہو جاوے

نسخہ فے آور

طوطیا بک ماشہ یاریک	کر کے کن رتو دوج بھیک
---------------------	-----------------------

پانی لیموں چوس منگوائے	بہت شستائی تے اس آفے
دو ترے دفعہ کرے اس طو	زہر نکل جائے فی الفور
پہلاں گھینو دودھ میل پلا	پچھوں اس نول تے کردا

نسخہ قے آور

سکنجبین پا ہک منگوا	چھٹانکی سرکہ نال بلا
ترے سیر پانی گرم گرا	ہمک کھود تے جلد کردا
میل ماشے ترے رانی گھوٹ	ذره نہ رہے معدیہ کھوٹ

نسخہ گزیدن زہر

جے ڈیہوں نمک کسے نول دے	کٹا تیل شتاب لگانے
یا سرکہ گھٹ نمک لگا	ہودے ادسے وقت شفا

بیان گزیدن سگ دیوانہ

ہلکا کٹا نال قضا	مارے دند کسے نول آ
چالی روز زخم رکھ جاری	زہر دفع ہو جائے ساری
سرکہ گندا مھوم کوٹا	نمک نوشادر نال بلا
زخم دند تے کرد طلا	دیوے اس نول زخم بنا
جیکر تینوں ہودے لوڑ	مقدومی لا دوائیں ہود
بڈنہ پتی حب جے پال	طوطیا سبز شال کر نال
مقام زخم دا خوب پچھا	میل شہد دھج کرد طلا

<p> ایک مہینے دس جلاب مکھن مصری ریت کھوا ہر چیلے کر غار زہر سرنج مرچ تے تھوم گھوٹا لے مرغی دی بیٹ منگا دم اُتے جے کریں طلا کچلے گو تر دس گھسا ماکھوں گنڈھا لون گھسا ہر ماہ دس دو کرو جلاب زخم جاری اس دا کھوا ہر چند زخم اس جاری کر ایو جیہی نہیں کوئی چیز مکھی گوڑ دے دس طلا ہر ہفتہ اس لون تے کھے </p>	<p> دو ترے داری کر شتاب مت خشکی اس جائے دھا رہے نہ کسے جگہ دس ٹھہر زخم اُتے جھب کرو طلا دس ملائی گھت ملا دیوے جلدی سوچ اڑا زخم اُتے ریت کرو طلا زخم کئے تے تر تے نکا کڈھو جسموں زہر شتاب مقرومی دارد اس تے لا نال زہر جاوے میت م رکھیں دل دس یاد نمیز بنہ گولی اس لون نگلا جسموں زہر نکل سب جائے </p>
---	--

نسخہ مجربہ زہر سگ دیوانہ

<p> نسخہ ایک لکھاں کرامات پچھلے دو تو نے منگوا تراش چاقو نال اُسوں آن کھل دسے دس کرو باریک مگ مرچاں سُنڈھ ترے دوا </p>	<p> کرے دفع سب زہر آفات ترے روز تک تہہ کروا گھینو گو کے دس کر بریان خوب باریک ہو جائے ٹھیک چھ چھ ماشے کٹ بلا </p>
--	---

ڈنڈ
 قد
 ہک

جیکر

اوپر

اوپر

پولاد

مت

تربہ

رو

بے

تیل

نسہ

نسہ

نسہ

بیمار

سوا

ویو

بنا

ڈنڈے کونڈے دھج گھوٹا قد چنے دی بنھوں جب ہک ہک گولی رت کھوا	پانی تھوڑا جیہا ملا نال عقل سے گویاں سب اثر زہر دا رہے نہ کا
--	--

بیان شکستہ استخوان

جیکر ہڈی جاوے ٹٹ اوپر مٹھا تیل لگا اوپر تختیاں نوں رکھوا پولا پولا گرم بنھائیں مت اس نوں پہنچے تکلیف تزیجے روزہ کھول مرٹ بنھ روغن گدی پٹی لا جے ہودے لکڑی چوٹ تیل مٹھے دی کھل منگوا	ہتھال نال جوڑ جھب گھت گدی پٹی نال بنھا دھاگا بنھ مضبوط کرا ہرگز بہت زور نہ لائیں دیویں اس نوں گھوٹ تھیف میلو سب ہڈیاں واسنھ تختیاں نوں مضبوط کرا بنھ اس تے کالے تل گھوٹ بنھ رت پانی دھج پکا
---	---

نسخہ معمول مطب حکیم جگ شیر خلف الرشید حکیم مائیں بخش

نسخہ کراں بیان عجیب بیماری نوں پیغام پہنچاے سول شکم نوں کرے نابود دیوے آن پیغام شفا بناوین دی ہن دساں تمیز	فائدہ پادن لوگ طیب بیماری دیکھ کافور ہو جاے درد دندان نوں دیوے شود درد شکم نوں کرے تباہ سمجھن نال عقل عزیز
--	--

نوشادر گرو مرعہ سیاہ تور تور تین دوا چارے خوب باریک کر آئیں رتی دو خوراک جوان جے اس دا مقدار بڑھاویں پانی سارہ نال لنگھا نل یقین کر استعمال جیکر درد دندان نول ہوے	تخم دھتورہ کر ہمراہ تخم دھتورہ چھ ماشے پا یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں نصف خوراک بل نادان نوراً توں نقصان اٹھایں خشک چیز دے راہ نہ جا درد فرار کرے فی الحال روگی آہیں مارے رووے
---	---

تمت	رتی اک ملاویں آن نوراً فائدہ نہیں پہنچان	بالنحیر
-----	---	---------

- | | |
|-----------------|-------------------------|
| ۱۔ طب اکبر کامل | ۱۰۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۲۔ مرج البحرین | ۱۱۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۳۔ کلید طب | ۱۲۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۴۔ بیاتق کریمی | ۱۳۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۵۔ مفردات غرضی | ۱۴۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۶۔ استدعاری | ۱۵۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۷۔ علم کشتہ جات | ۱۶۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۸۔ قنن الادویہ | ۱۷۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۹۔ قانون طب | ۱۸۔ کتنی المیہ بات کامل |
| ۱۰۔ تشریح الطب | ۱۹۔ کتنی المیہ بات کامل |

شیخ غلام حسین اینڈ سنز پبلشرز اردو بازار لاہور

محمد الحسن جان

گلو منڈی

ضلع وہاڑی

تحصیل پورے والا

~~2000~~

طبی

نام کتاب

طب اکبر کامل

بستان المفردات

بیاض کریمی

کلید طب

علم کشفہ جات

تشریح الطب

دار الشفا (پنجابی)

تحفہ لقمان

بیاض کبیر کامل

حاذق اجمل خان

کنز الحیات کامل

ہندوپاک کی جڑی بوٹی

جڑی بوٹیوں کے عجیب و غریب فوائد

کتاب المفردات

کتاب مرکبات

مغز المفردات

60/-

60/-

60/-

49/-

13/50

35/-

10/-

100/-

78/-

132/-

84/-

96/-

85/-

55/-

75/-

ابن سینا

حکیم محمد نذیر کرشی

حکیم محمد نذیر کرشی

ڈاکٹر عبدالرشیدی

سائیں بخش

سائیں بخش

حکیم غلام قادر

کبیر الدین

اجمل خان

حکیم عبداللہ

حکیم عبداللہ

کرشن دت

منظر اعوان

منظر اعوان

غلام جیلانی

شیخ غلام حسین اینڈ سنز لاہور